Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

رازدست

کف شناسی برای همه

تالیف :

ک. قاسم نیا همدانی

چاپ اول - ۱۳۵۱

این کتاب به تعداد دو هزار جلد در چاپ پیام بطبع رسیده است

هوالله

اطلاع از آینده و پیش‌بینی حوادث یکی از آمال و آرزوهای بشر بوده وهست و وجود این علاقه و آرزو آنقدر ریشه دار میباشد که میتوان آنرا با آفرینش بشر مقارن دانست .

انسان ازبدو پیدایش بدنبال سعادت وبهزیستی بوده و همیشه سعی و کوشش داشته که از آینده خود باخبر شود تا بتواند حوادث شوم و ناخوش آیند آینده را پیش‌بینی و پیش‌گیری کند .

اساس علوم سحر وجادوگری و کهانت همه از این خواسته‌بشر سرچشمه‌گرفته وچون‌مردم‌نمیتوانستند باوسایل عادی از آینده باخبر شوند ناچار بوسایل غیر عادی مانند حرکت‌ستارگان، پرواز پرندگان، رفتاروحرکات‌حیوانات، حرکت آب وشعله‌آتش و یا به‌اذکار وطلسمات متوسل و

متشبث میشدند ویا از انواع تفال و تطیر مانند رمل، اسطرلاب، ماسه وفال قهوه وفال نخود استفاده مینمودند تا بتوانند از حوادث شوم آینده جلوگیری و ابواب سعادت را بروی خود باز کنند ویا لااقل حس کنجکاوی خودرا اقناع نمایند.

هزاران سال قبل مردمی بنام کهنه که تظاهر بآشنائی با اجنه و دارابودن سحر وجادو وهیئت ونجوم مینمودند برمردم زمان خود آنقدر مسلط بودند که حتی هیچ جنگ وصلحی ویا مسافرت ومواصلتی بدون اطلاع واجازه آنها انجام نمیگرفت و هیچ بیماری بدون مراجعه بآنها شفا نمییافت.

البته غیر از عده‌ای شیاد که نظر آنها عوام فریبی و استفاده شخصی بود وصرفاً دعوی کهانت میکردند عده‌ای هم وجود داشتند که خود بکارهائی که انجام میدادند معتقد بودند وبرای پیشرفت معلومات خود تحقیقاتی را دنبال و زحماتی را متحمل میشدند که نتیجه آنرا میتوان همین علوم شیمی و ریاضیات دانست وهمین کیمیاگران بودند که علم شیمی را پایه‌گذاری کردند یا علم فضا شناسی که امروز تا باین درجه پیشرفت نموده پایه‌گذاران آن همان منجمین و اخترشناسان بودند.

گرچه خوشبختانه این علوم مکتسبه برای بشریت مفید وبا توسعه و پیشرفتی که بوسیله محققین و دانشمندان پیدا کرد زندگی بشر روی به‌تکامل نهاد وهمین علوم اولیه بود

که پایه و مبنای علوم بعدی واقع گشت ولی هیچ راهی
بامور غیبی باز نشد و بازهم انسانها بدنبال اطلاع قبلی از
حوادث آینده بودند و پس از صدها سال تجربه و پژوهش‌های
عمیق دانشمندان باین نتیجه رسیدند که هرعضوی از اعضای
بدن انسان نمایشگر صفات، اخلاق، روحیه وعقل میباشد و
آتیه هرفردی بروحیه واخلاق او بستگی دارد وعقل وفهم
است که سرنوشت را تهیه میکند.

از اینرو علما و دانشمندان برای تشخیص صفات و
اخلاق از روی قیافه یا هریك از اعضای بدن انسان حتی
پوست ومو وناخنها به‌تحقیق پرداختند وپس ازسالها تجربه
وتحقیق بآنجا رسیدند که تشخیص اجمالی داده شود.

مثلا : در قیافه شناسی چشم های درخشان علامت
هوش و ذکاوت و عشق به لذایذ جسمانی یا چشم های زاغ
نشانه رشك وحسد وچشم‌های زرد مخصوص قاتلین است.

یادرجمجمه‌شناسی پشت‌گوشها اگر برآمده ومنبسط
باشد دلیل بر شجاعت و شیردلی است زیرا شیر در پشت
گوشش برآمده میباشد و قسمت مابین چشم وگوش وقتی
مانند روباه برآمده ونمایان‌باشد علامت مکروحیله وتزویر
است.

یا در اندام شناسی تهیگاه بزرگ در مردها و شانه
بزرگ در زنها ممکن است مرد یا زن را از داشتن اولاد
محروم کند.

چون دانشمندان وارد مراحل تحقیق شدند تجربیات آنها بصورت نوشته و کتاب در آمد و قابل استفاده دانشجویان و دانشمندان بعدی واقع شد.

از جمله این علوم علم کفشناسی است که براساس تجربیات چندهزارساله استوار بوده وصفات واخلاق وعقل وادراك وبالنتیجه گذشته وآتیه شخص را بیان میکند.

افلاطون طبیب وفیلسوف عالیقدر معتقد بود که وجه متمایز بین انسان وحیوان همان دست و انگشتان میباشد و اشخاصی که ازحیث، دست وانگشتان عاجز هستند از حیث عقل و ادراك نیز کمبود دارند و اطفال تا زمانیکه دست و انگشتان آنها قوه‌وقدرتی پیدانکرده عقلی‌ندارند. (از کتاب اسرار دست دسبارول).

فیثاغورث حکیم میگوید: انسان باید مرهون دست خود باشد زیرا وسیله و آلت استفاده از کلیه اختراعات و پیشرفتهای بشر همان دست میباشد. (از کتاب چیرو).

ارسطو میگوید: کف دست جام جهان نمای بدن انسان است و کلیه صفات و اخلاق و افکار درونی حتی سرنوشت شخص بوسیله خطـوط و علائم در کف دست منعکس میگردد. (از کتاب دسبارول).

حضرت سلیمان نبی میفرماید: کف دست آینه‌بدن انسان است، دست راست سلامتی وطول‌عمر ودست‌چپ بخت واقبال وثروت را معین میکند. (از کتاب پوانسو).

در تورات کتاب ایوب باب سی و هفتم آیه هفتم خداوند میفرماید: دست اولاد آدم را مختوم ساختیم تا تمام مردمان اعمال او را بدانند.

در دایرة‌المعارف انگلستان و امریکا زیر کلمه کفشناسی مینویسند:

«کفشناسی علم مطالعه خطوط کف دست برای پی بردن به‌گذشته و اطلاع از آتیه و سرنوشت اشخاص است در این علم خطوط، تپه‌ها و سایر علائم که در کف دست رسم شده هریك نشان دهنده موضوعی است، علائم منقوش در دست چپ نمایشگر خصوصیات موروثی و علائم مرسوم در دست راست معرف شخصیت و خصوصیات ذاتی و آینده شخص میباشد. تاریخ پیدایش این علم ابتدا در چین درحدود سه هزار سال قبل‌ازمیلاد بوده و از آنجا به هند راه یافت ودر آنزمان یکی ازعلومی بشمار میرفت که دراختیار پیشوایان مذهبی بود و رؤسای دین‌ومذهب بایستی این‌علم را بدانند، ضمناً مرتاضینی‌هم بودند که دراین‌علم‌پیشرفتهای زیادی کردند ولی‌بنابرعادت وروش دانشمندان آنزمان‌علوم مکتسبه را هرگز بصورت نوشته و کتاب برای آیندگان و محققین بعدی‌نمیگذاردند وحتی شفاهاً به‌کسی یادنمیدادند مگر به‌یکی ازمرده‌خاص وموردِاعتماد، وتجربیات ودانش خود را باخود به‌گور میبردند ونشانه‌ای از آن‌باقی‌نمیماند. درقرن هفتم قبل‌ازمیلاد علم کفشناسی به‌یونان رسید

وبصورت مدون درآمد، گرچه ازاین به‌بعد دراثر تحقیقات وتجربیات دانشمندان پیشرفتهائی کرد ولی‌پیشرفت آن مانند علوم شیمی و ریاضی وطب نبود .

در قرون وسطی علم کفشناسی خیلی پیشرفت نمود ودراین‌دوران این‌علم وسایرعلوم ماوراءِ الطبیعه، کیمیاگری و ستاره‌شناسی ازعلوم جهانی بشمار میرفت ولی‌از آن‌پس چون بشر به‌صنعت روی نمود این علوم بدوران خمودت بازگشت، تاآغاز قرن‌نوزدهم که بوسیله دانشمندان بزرگ تحت مطالعات دقیق‌قرارگرفت ونوشته‌و کتبی از آنها بجای مانده است . »

انگشت نگاری که امروز درتمام‌کشورهای پیشرفته برای‌شناسائی مجرمین بکارمیرود رشته‌ای از کفشناسی‌است وعلاوه براینکه مجرمین بدینوسیله شناخته میشوند خطوط روی انگشتان از روحیه واخلاق شخص خبرمیدهد .

علم انگشت نگاری مانند کفشناسی و قیافه شناسی بوسیله تجربه شناخته شده و به ثبوت رسیده که خطوط منقوشه روی‌انگشت یکنفر محال‌وممتنع‌است روی‌انگشت دیگری بهمان‌شکل وفرم دیده شود .

تنها خطوط روی انگشت نیست که مثل‌ومانند ندارد و روی انگشت دیگری پیدانمیشود بلکه چون‌اصول‌خلقت براساس واحد میباشد خطوط کف دست و شکل دست و انگشتان ، قیافه ، چشم‌وابرو ، وحتی موی هریك ازافراد

بشر مثل و مانند ندارد منتهی درقیافه و دست یا خطوط کف
و پوست و موی بدن انسان چون با گذشت زمان تغییراتی
حاصل میشود برای شناسائی مجـرمین انگشت نگاری که
خطوط آن لایتغیر میباشد انتخاب شده‌است، در اسکاتلندیارد
انگلستان تنها انگشت‌نگاری نیست که تدریس میشود بلکه
قیافه‌شناسی و دست شناسی برای تشخیص روحیه مجرمین
وانگیزه جرم‌وجنایت و پی‌بردن به‌صفات و اخلاق آنها تعلیم
و تدریس میشود .

گرچه درزمان نبوت حضرت مسیح چون کفشناسی
بدست جهال و شیادان افتاده بود جزء علوم‌منهیه شمرده‌شد
ولی اسلام با اینکه سحر و جادو و کهانت و منجمی را عمل
شیادان و این علوم را از بیخ و بن بی‌اساس دانسته و حتی
تعلیم و تعلم آنرا اجازه نداده است (خطبه ۷۸ نهج‌البلاغه)
نسبت به کفشناسی سکوت‌نموده و نهی تعلیم و تعلم آن دیده
نشده حتی صحت قیافه شناسی که کفشناسی هم بآن اطلاق
میشود تائید شده است « یعرف‌المجرمون بسیماهم آیهٔ ۴۹
سوره الرحمن » .

ارپانتینی دانشمند بزرگ و کفشناس فرانسوی میگوید:
بعضی از خطوط اصلی و علائم کف‌دست که نمایشگر صفات
ذاتی و موروثی یا سرنوشت است در رحم‌مادر در کف دست
نقش میبندد و هر نوزادی درزمان تولد کف دست آن باخطوط
وعلائمی منقوش میباشد بطوری که میتوان گفت حك شده

است زیرا چنانچه کف دست با آتش یا اسید بسوزد و پوست آن که دارای خطوط و علائم است از بین برود پس از اینکه پوست نو روئید می‌بینیم همان خطوط و علائم اولیه قبل از سوختن در روی پوست تازه نقش بسته‌است. (از کتاب پوانسو).

طفل در رحم مادر دارای چشم، گوش، دست و پا میباشد برای اینکه پس از تولد و رشد ببیند، بشنود، راه برود و حوائج زندگی خود را فراهم کند. آیا اینهمه خطوط و علائم که درزمان تولد در کف دست طفل نقش بسته یا خطوط و علائمی که بعداز تولد بتدریج اضافه میشود بی‌معنی است؟

این انسانی که ازحیث عقل و قوه تفکر نسبت بسایر مخلوقات و موجودات روی‌زمین برتر و بالاتر است و بعضی اشرف مخلوقاتش خوانند مادام که هوش وحواس و فهم و قدرت خود را ولو بوسیله اختـراعات بدرجه کمال سایر مخلوق نرسانیده بایستی مراحل بیشماری‌را بپیماید تا بدرجه کمال برسد و هر قدرت و یا هرحس وشعوری که بعضی از حیوانات و موجودات دیگر دارند و انسان هنوز فاقد آن میباشد بواسطه همان قوه عقل و تفکر بحد اعلای آن خواهد رسید.

مثلا پرندگان بواسطه پر و بال دارای قدرت پرواز میباشند، انسان بااختراع هواپیما وجت ازمرغان و پرندگان هم پیشی گرفته و با موشك تا کره ماه پرواز میکند. یا در مقابل قدرت دید بعضی ازحشرات که دارای چشم‌های ذره بینی

هستند میکروسکوپ را ساخته و موجودات نامرئی را میبینند.
بعضی از پرندگان مانند عقاب و کرکس چشمهای دوربین دارند ، انسان با اختراع دوربین‌های نجومی حتی حرکت ستارگان و کرات دیگر را ملاحظه میکند، یا در مقابل بعضی از حیوانات مانند جغد که شب تاریک را روشن میبیند انسان شبهای تاریك خود را با تشعشع نور مصنوعی که بوسیلهٔ لامپهای برق ایجاد میکند، بروز روشن مبدل میکند.
پروانه‌های نر و ماده بوسیله امواج از حال هم باخبر میشوند انسان با امواج رادیوئی با دورترین نقاط ارتباط پیدا میکند یا بقول پروفسور برتن پرواز خفاش عیناً مانند هواپیمای بی خلبان است که بوسیله رادار هدایت میشود .
ولی هنوزهم بعضی حواس و قدرتها است که انسان نتوانسته بپای بعضی از حیوانات و موجودات دیگر برسد یکی از آنها همین پیش بینی است که بعضی از حیوانات دارای حس قبل از وقوع میباشند و بدون شك وشاید در آتیهٔ نزدیکی انسان نیز خواهد توانست تا آنجائیکه برای جامعه مضر و زیان آور نباشد مطالبی را پیش بینی کند .
بنابراین کف دست هر انسانی درزمان تولد با خطوط وعلائمی منقوش است و این خطوط که عبارت از خطوط اصلیه ویا بعضی از خطوط فرعیه میباشد نمایشگر صفات موروثی وسایر خصوصیات ذاتی و یا بعضی از پیش آمدهای سرنوشت است وچنانچه بعداز تولد خطوط یا علائمی در

کف دست نقش میبندد یادر بعضی ازخطوط تغییراتی حاصل میشود صفات واخلاق وعادت‌هائی است که بواسطه‌تربیت ومعاشرت یا تغییر سن پیدا میشود و یا بعضی ازحوادث و پیش آمدهائی است که خود برای خود ایجاد میکنیم .

موریس مترلینگ میگوید : بشر برای این خلق‌شده که سلامت زیست کند، خوشبخت باشد وبعمرطبیعی برسد پس اگر ناسلامتی پیش آید یا بدشانسی روی‌آورد درنتیجه عدم مراقبت وموضوعی است که خود موجب آن میباشیم.

صحیح است که بعضی ازحوادث وپیش آمدهائی که در کف دست مشاهده میشود جزء سرنوشت وبعقیده بعضی از کفشناسان تغییرناپذیر است ولی آنچه را که شرایع حقه وبزرگان اخلاق دردادن‌صدقه توصیه کرده‌اند بی‌ربط نبوده یا فقط برای درك ثواب اخروی نیست وبطورقطع با دادن صدقه و انفاق میتوان بدبختی و حوادث شوم زندگی را خنثی کرد وگاهی آنقدر مؤثراست که منجر به‌تغییر خطوط کف دست هم میشود در روایتی که به معصوم علیه السلام نسبت میدهند ذکرشده «صدقه دفع بلا میکند» یا از کلمات قصار حضرت رسول‌اکرم است: «بالصدقه تفسخ‌الاجال» .

خداوند هیچ دردی را بی درمان و هیچ بدبختی و حادثه شومی‌را بدون‌ارائه روزنه سعادت خلق نفرموده‌است وانسان نباید درانتظار حوادث بنشیند، چه بسا پیش آمدهای شومی است که با هوش و درایت ویا دادن صدقه خنثی و

دفع میشود .

بخت و اقبال یا حوادث شومی همیشه و هر آن دور سر ما میگردد و وظیفه ما این است که برای پیش آمدهای خیر باعقل و تدبیر آغوش خودرا باز کنیم و از حوادث شوم فرار کنیم و بوسیله انفاق و صدقات و عمل خیر ، هرگونه مخاطرات را از خود دور سازیم .

مختصری از تاریخچه علم کفشناسی

بطوریکه گفته شد تاریخ پیدایش کفشناسی درحدود سه هزارسال قبل از میلاد است ولی چون این علم را مقدس میشمردند واختصاص به‌پیشوایان مذهبی داشت عده‌ای از کاهنان یا بعضی ازمرتاضینی که باین علم آگاهی داشتند عقیده داشتند این علوم نباید بروی کاغذ نقش بندد زیرا امکان دارد بدست انسانهای ناباب بیافتد .

اولین نوشته‌ای که درعلم کفشناسی بدست آمد مربوط به قبل از میلاد مسیح میباشد که هیسپانوس در اهرام مصر بدست آورد و این نوشته راکه با خط زرین بود بعنوان هدیه برای اسکندرکبیر فرستاد .

بعداً دانشمندانی بزرگ مانند فیثاغورث ، ارسطو واقلیمون روی این علم مطالعه وتجربیاتی نموده وبماهیت واهمیت آن پی بردند .

این علم بتدریج به هند ، بابل ، مصر ویونان قدیم راه یافت و مخصوصاً در بین اعراب شیوع کاملی پیداکرد وبدست جهال وشیادان افتاد ، تا در نتیجه جنگهای صلیبی ومراوده اروپائی‌ها با مشرق زمین

علم کفشناسی وقیافه شناسی نیز مانند سایر علوم از شرق بغرب انتقال یافت واز این پس مورد توجه دقیق محققین قرار گرفت ودرسال ۱۴۵۷ میلادی در اکسپرس کتابی بنام «دی کنست کیرومانسیا» درعلم کفشناسی نوشته شد وتوجه دانشمندان را بخود جلب کرد.

در سال ۱۵۱۷ میلادی کوکل‌بارت [1] طبیب وفیلسوف بزرگ با مطالعه‌نوشته‌ها و نظریات ارسطو کتابی‌درقیافه شناسی و کفشناسی‌نوشت ودر همین قرن دانشمندان دیگری مانند:

تیبرتوس، کروم، گبروتریکاس [2] کتابهائی در کفشناسی نوشتند.

در سال ۱۶۶۳ میلادی دانشمند و فیلسوف بزرگ پروشیو [3] بنا بر نظریه فیثاغورث حکیم کتابی در علم کفشناسی نگاشت ودر این قرن محققینی چون: گوگلنوس، لاشامبر، رومفیل، ژان‌بلو و فرانکونی [4] تالیفات زیادی در علم کفشناسی وقیافه شناسی بجای‌گذاردند:

درقرن هیجدهم این‌علم بحالت خمودت درآمد وتنهانوشته‌ای که بجای مانده کتابی است در تشخیص صفات وامراض از روی خطوط کف دست که یکی از اطباء آنزمان بنام کمکر [5] نوشته است.

درسال ۱۸۵۳ میلادی میسنر [6] که یکی‌ازفلاسفه واطباء قرن‌نوزدهم بشمارمیرود تحقیقات علمی وتجربی خود را راجع به خطوط وعلائم

1- COCLES BARTS.

2- TIBERTUS, CORUM, GEBER, et TRICASSE.

3- PERRUCHIO.

4- GOGIENUS, LACHAMBRE, ROMPHYIE, JEAN BLOT et FRANCONIE.

5- KEMKER.

6- MYSNER.

کف‌دست و انگشتان ادامه دادو ثابت نمود که اعصاب دست با مغز ارتباط مستقیم دارد وهمانطوریکه سلولهای مغزدررشد ونمو هستند درخطوط و علائم کف دست نیز تغییراتی حاصل میشود و از کف دست میتوان باخلاق وافکار درونی وحتی سرنوشت شخص پی برد .

در همین قرن نوزدهم در آلمان ، انگلستان ، ایتالیا ، فرانسه و امریکا کفشناسی مورد توجه قرارگرفت و چند نفر از کفشناسان بزرگ مانند : اریانتینی ، دسبارول ، هارون آلن ، چیرو و دکتر تبه[1] تالیفات زیادی در علم کفشناسی در دسترس عموم قرار دادند .

در اواخرقرن نوزدهم دسبارول فرانسوی درشهر پاریس مرکز کشورفرانسه با اجازه رسمی دولت فرانسه مدرسه‌ای بنام «مدرسه عالی کفشناسی» تاسیس نمود وبتدریس این‌علم پرداخت ولی پس ازوفات او این مدرسه نیز تعطیل شد .

در قرن بیستم کتابهای زیادی درباره کفشناسی وتشخیص صفات وامراض وتعیین سرنوشت از خطوط کف دست بطبع رسیده وانتشار یافته است که اسامی بعضی از نویسندگان آن عبارت است از :
پاپوس ، لکلرك ، ژاکوماریون ، دکتر آ . ژان کرگویستل ، واسشید ، الی آلتا ، هانری رم ، پوانسو ، ژرژموشری وماریس شوازی [2]

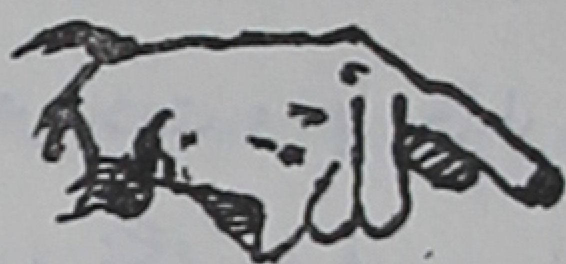
دکترویلیام بنهام[3] که پزشك امریکائی واز برجسته‌ترین کفشناسان قرن حاضر است میگوید : « سلولهای مغز با کف دست و مخصوصاً

1- Arpantigny, Desbarolles, Heron Allen, Cheiro et Thebes .

2- Papus, Leclercq; Jacpues Marion, Dr. A. Jan Kerguiste, Vaschide, Elie Alta, Henri Rem, Poinsot, George Muchery, Maryse Choisy .

3- Dr. William Benham

با خط سر ارتباط مستقیم دارد و همانطوریکه از بدو تولد تا سن چهل سالگی سلولهای مغز رشد و نمو میکنند درخط سر نیز تغییراتی حاصل میشود و رشد قوای عقلانی را نمایش میدهد یا درپیری که این قوا رو بانحطاط میگذارد درخط سر نیزعلائمی که نمایشگر نزول وهبوط فکر وعقل است بوجود میآید .



فصل اول

دست شناسی یا نمایش خارجی دست

گرچه منظره یا شکل خارجی دست تا اندازه‌ای مربوط بشغل و کارهای دستی شخص است مثلا کارگری که با دست کارهای سخت و خشن را انجام میدهد دارای دست های ضخیم وزبر باعضلات سخت وبرنگ تیره است یا بالعکس اشخاصیکه بکارهای ظریف اشتغال‌دارند وپیوسته دست خود را از برودت و یا حرارت محفوظ میدارند دارای دست‌های ظریف ولطیف وبرنگ روشن میباشند، همچنین آب وهوا و مکان دردست نیز تأثیربسزائی دارد، ولی معذالك میتوان بادرنظرگرفتن نژاد و وضعیت آب و هوای منطقه موطن و محل سکونت شخص و اندازه‌گیری دست وکف وانگشتان وضع طبیعی دست ازحیث کوتاه و بلندی، عریض وتنگی، ضخامت‌ونازکی، چاق‌ولاغری، سختی‌ونرمی، مرطوب وخشکی، ورنگ وفرم وشکل آنرا مشخص نمود .

رنگ دست

دست‌های نرم ولطیف وبرنگ سفید : متعلق به‌اشخاص شهوت‌ـ

پرست وخوشگذران است .

دستهای خشك واستخوانی وبرنگ زرد: آدم عصبانی، زودرنج و سودا مزاج را معرفی میکند .

دستهای سخت و محکم که پوست آن نرم و سرخ رنگ است : عاطفه ومهرومحبت را نشان میدهد .

دستهائیکه پوست آن سخت ورنگ آن سبزه ویا قهوه‌ای است: نمایشگر جدیت وفعالیت و روح قوی است .

دستهائیکه پوست آن ملایم ورنگ پریده است: خیانت‌ونادرستی را بیان میکتد .

پوست دست

پوست‌دست‌نرم‌وچین‌دار: خیرخواهی‌ونوعدوسنی‌رانشان‌میدهد.

پوست دست سخت و چین‌دار : دلیل بر تند خوئی و خشم و غضب است .

پوست دست سخت وکشیده : بی‌رحمی، بی‌عدالتی و بی‌ادبی را بیان میکند .

پوست دست ظریف ونازك که دربرابرهوای سرد رنگ آن تغییر میکند وسرخ میشود احساسات ورحم ورقت قلب‌را معین میکند .

پوست دست زبر وضخیم که درهوای سرد تغییررنگ نمیدهد : دال بر بی‌تفاوتی است وصاحب چنین‌دستی سنگدل، بی‌رحم وازعاطفه ووجدان خبری ندارد .

موی دست

موی زیاد برای دست مرد بی‌ثباتی وخشونت طبع وبرای‌دست

زن شهوت پرستی را بیان میکند.
وقتی دست مرد بدون مو باشد: دلیل برشهوت پرستی است.
موی زبر: زمختی اخلاق وموی نرم ظرافت طبع را معین میکند.
موی سیاه درپشت دست: نشانه شهوت پرستی است واشخاصی که موی دست آنها بور وکم رنگ است در برابر امیال شهوانی بردبار میباشند.

حرارت دست

دست گرم: نمایشگر حرارت قلب و خون گرمی است وبعکس است وقتی دست سرد وبی حرارت باشد واشخاصی که دست آنها بدون حرارت وسرد میباشد دیر جوشش وسرد هستند وحتی با خویشاوندان خود مهر ومحبت ندارند.

وضع دست دادن

اشخاصیکه در موقع دست دادن دست طرف مقابل را بسختی میفشارند ومحکم تکان میدهند صاحب اراده قوی وقدرت تسلط هستند وآنهائیکه با سستی و سردی دست طرف را میگیرند ضعیف الاراده و همیشه به کمك دیگران نیازمند میباشند.

ضخامت یا نازکی وچاقی یا لاغری دست

دستهای کلفت وسخت: علامت زمختی طبع و تندخوئی است.
دستهای نازك وسخت: کوته فکری وحرص وطمع را بیان میکند.
دستهای ضخیم ونرم: آدم تنبل، تن پرور وشکم پرست را معرفی میکند.
دستهای نازك ونرم: سستی وضعف بنیه صاحب دست را نشان میدهد.
دستهای محکم و سخت: قدرت اراده و قوه مقاومت را معین

میکند و بعکس است دستهای سست و بی‌قوه که بآسانی بطرف عقب برمیگردد این اشخاص بی‌اراده هستند، قوه‌مقاومت ندارند وزود تسلیم دیگران میشوند.

وقتی دست گوشتی و چاق و دارای مفصل بندی خوب باشد: دال برسلامتی وزندگی طویل است وبعکس اگرخشك ولاغر ومفصل بندی آن خوب نباشد عدم سلامتی وکوتاهی عمررا بیان میکند.

کوچك و بزرگی دست

دست بزرگ: علاقه به‌نظم وترتیب را نشان میدهد.

دست کوچك: دال برظرافت روح وفکر است ولی اگر خیلی کوچك باشد موذی‌گری وشیطنت وشهوت‌پرستی‌را نشان میدهد.

وقتی دست از حیث اندازه وکوچك و بزرگی متوسط باشد: دلیل برروح وعقل سالم است.

دست‌طویل: علامت خودخواهی وخودپسندی است بخصوص اگر نازك باشد ولی اگر دست خیلی طویل‌باشد اغتشاش فکر را نشان میدهد واین اشخاص غالباً مالیخولیائی هستند.

دست کوتاه: علامت کوته فکری و کوته بینی است بخصوص اگرخیلی کوتاه وسخت وضخیم باشد دراینصورت نشانه وحشیگری و سبعیت است.

نظر اجمالی به‌کف دست

کف دست وقتی خوب‌است که از لحاظ حرارت‌معتدل وازحیث اندازه، کوچك وبزرگی وعرض وطول آن متناسب وچاقی ولاغری آن متوسط باشد، نه مرطوب باشد و نه خشك، نه‌گود باشد نه متورم و

برآمده نه‌زیاد نرم و لطیف باشد نه زیاد زبر و خشن و ازحیث رنگ هم خوب و خوشرنگ باشد .

وقتی کف‌دست گرم و رنگ آن صورتی و نزدیك به‌قرمز و برنگ گل میخك باشد: دلیل برزرنگی و فعالیت و پشتکار است ولی چنانچه حرارت آن زیاد و داغ و رنگ آن سرخ و خونی باشد تندخوئی و هیجان روح را نشان میدهد .

کف دست برنگ زرد : صاحب دست‌را سودائی مزاج ودارای صفت رشك وحسد معرفی میکند .

وقتی کف دست خشك باشد : نشانه عصبانیت وسبك‌مغزی‌است واین اشخاص زودرنج وخیلی‌زود تحریك میشوند ودرمقابل ناملایمات قوه مقاومت ندارند .

چنانچه کف دست مرطوب‌ونمدار باشد: صاحب دست‌را عیاش وخوشگذران و شهوت‌پرست معرفی‌میکند ودرصورتیکه خیلی‌مرطوب و دائماً عرق بکند: علامت نامنظمی دوران خون است .

کف دست لاغر: نشانه غرور وتکبر وجاه‌طلبی است.

کف دست نرم وگوشتی وپر: علامت شهوت‌پرستی است.

وقتی کف دست‌گود باشد : عدم موفقیت و فقر و بیچارگی را معین میکند .

کف دست زبر وخشن : متعلق به‌کارگران و زحمتکشان است و بعکس کف دست نرم و لطیف باشخاص تنبل‌وتن‌پرور اختصاص دارد.

کف دست کوچك و کوتاه : دقت و مهارت را نمایش میدهد و وبعکس اگرپهن وبزرگ باشد: نشانه بی‌فکری و کم‌عقلی است .

کف دست تنگ : برای مرد سختی ومشقت در زندگی‌را معین میکند وبرای زن علامت عقیم بودن و نازائی یا سخت‌زائی است.

وقتی کف دست برانگشتان مسلط باشد : سبعیت وغرایزحیوانی را برای صاحب دست نشان میدهد .

کف دست که باخطوطریز وعلائم زیاد منقوش باشد: حساسیت را نشان میدهد واین‌اشخاص فوق‌العاده زرنگ وحساس وبرای‌پیشرفت وترقی‌خود دست بهرکاری میزنند و بالنتیجه در زندگی پستی و بلندی زیاد دارند، بعکس آنهائیکه کف‌دستشان دارای خطوط روشن ودرشت وتعداد آن کم است : در زندگی خونسرد، قانع وخود را به‌آب وآتش نمیزنند و بالنتیجه دوره زندگانی را باآرامش وخیال‌راحت میگذرانند وزندگی یکنواختی را طی میکنند .

اندازه‌گیری دست وانگشتان

برای‌تشخیص اینکه دست کوتاه است یابلند، پهن‌است یا باریك وتنگ وهمچنین تعیین کوتاه‌بلندی کف وانگشتان بایستی طول‌دست از نوك انگشت وسطی تاانتهای دست (مچ) وعرض آنرا درزیر انگشتان وطول انگشتان ازنوك انگشت وسطی تا ریشه انگشتان وطول کف از ریشه انگشتان تا مچ با سانتیمتر اندازه‌گیری شود .

حد متوسط طول‌دست مرد ۱۷۵ میلیمتر ودست زن ۱۷۰ میلیمتر واندازه متناسب پهنای دست مساوی است با حاصل‌ضرب طول دست در ۰/۴۵۵ .

بنابراین چنانچه پهنای‌دست بیش‌ازحاصل‌ضرب‌طول در۰/۴۵۵ باشد دست کوتاه وپهن واگر کمترباشد طویل وتنگ میباشد.

برای اندازه گیری انگشتان ماخذ و ملاك آن انگشت وسطی میباشد و وقتی انگشتان با دست متناسب است که طول انگشت‌وسطی (از نوك تاریشه‌انگشت) باحاصل‌ضرب طول کف در ۸۵/. مساوی‌باشد، بنابراین‌چنانچه طول‌انگشت وسطی ازحاصل‌ضرب طول کف‌در۸۵/. تجاوز نماید انگشتان بلند واگر کمترباشدکوتاه میباشند .

برای اندازه‌گیری و تعیین کوتاه بلندی انگشتان به جدول زیر رجوع شود :

اندازه کف با انگشتان برحسب میلیمتر

طول کف دست	انگشتان بلند	انگشتان متناسب	انگشتان کوتاه
۵۰	۴۳۵	۴۲۵	۳۷۵
۶۰	۵۲۲	۵۱۰	۴۵۰
۷۰	۶۰۹	۵۹۵	۵۲۵
۸۰	۶۹۶	۶۸۰	۶۰۰
۹۰	۷۸۳	۷۶۵	۶۷۵
۱۰۰	۸۷۰	۸۵۰	۷۵۰
۱۱۰	۹۵۷	۹۳۵	۸۲۵
۱۲۰	۱۰۴۴	۱۰۲۰	۹۰۰
۱۳۰	۱۱۳۱	۱۱۰۵	۹۷۵
۱۴۰	۱۲۱۸	۱۱۹۰	۱۰۲۵
۱۵۰	۱۳۰۵	۱۲۷۵	۱۱۲۵
۱۶۰	۱۳۹۲	۱۳۶۰	۱۲۰۰

اندازه گیری هریك از انگشتان و تناسب آنها نسبت بیکدیگر

هریك ازانگشتان را بایستی جداگانه اندازه گیری و کوتاه بلندی آنرا معلوم نمود سپس بادرنظرگرفتن کوتاهی یا بلندی، چاقی یالاغری وشکل وفرم آن صفات وروحیه صاحب دست را معین نمود .

بنابراین پس از اندازه گیری دست وانگشتان طبق جدول بالا باید برای تعیین کوتاه بلندی هریك از انگشتان وتناسب آنها توجه نمود.

بطوریکه گفته شد مأخذ و ملاك کوتاه بلندی انگشتان ، انگشت وسطی میباشد وطول متناسب سایر انگشتان بشرح زیر است :

انگشت سبابه ـ این انگشت بایستی تایك سوم بنداول انگشت وسطی بالا رود .

انگشت بنصرـ وقتی متناسب است که طول آن تا $\frac{1}{2}$ بند اول انگشت وسطی یا تا شروع ناخن این انگشت برسد .

انگشت خنصر ـ طول متناسب آن تا مفصل اول انگشت بنصر میباشد .

انگشت شصت ـ این انگشت وقتی در کنار انگشت سبابه قرار گیرد بایستی نوك آن بمفصل دوم سبابه برسد .

بنابراین وقتی طول هریك از انگشتان از اندازه‌های تعیین شده تجاوز نماید بلند واگرطول آنها کمتر باشد کوتاه محسوب خواهدشد.

اندازه گیری بندهای انگشتان

هریك ازانگشتان دارای سه بند میباشند : بنداول یا بند ناخنی، بند دوم یا بند وسط ، بند سوم یا بندآخر و همچینن هریك ازآنها سه مفصل دارد : مفصل اول یا مفصل بالا، مفصل دوم یا مفصل وسط، مفصل

سوم یا مفصل آخر باستثنای انگشت شصت که دارای دو بند و دو مفصل میباشد .

برای اندازه‌گیری هریك از بندهای انگشتان باید هریك از آنها را به ۱۰ قسمت متساوی تقسیم نمود باستثنای انگشت شصت که به ۹ قسمت متساوی تقسیم میشود وحدمتوسط ومتناسب آنها بشرح زیراست:

بند اول $\frac{۲/۵}{۱۰}$ طول انگشت ، بند دوم $\frac{۳/۵}{۱۰}$ طول انگشت و بند سوم $\frac{۴}{۱۰}$ آن، باین معنی که اگر طول انگشت وسطی را ده سانتیمتر فرض نمائیم اندازه‌متناسب بنداول دوسانت‌ونیم، بند دوم سه‌سانت‌ونیم وبندسوم آن چهارسانت میباشد وهمین‌طوراست انگشتان‌دیگر باستثنای انگشت‌شست که بنداول $\frac{۴}{۹}$ وبنددوم $\frac{۵}{۹}$ طول همین‌انگشت باید باشد.

بنابراین چنانچه هریك از بندهای انگشتان از اندازه‌های تعیین شده بلندتر باشد آن بند طویل واگر کمترباشدکوتاه محسوب میشود .

شکل و فرم دست

کفشناسان دستها را ازلحاظ شکل وفرم بانواع مختلفی‌تقسیم و طبقه‌بندی میکنند .

چیرو که از بزرگترین کف‌شناسان انگلیسی در قرن نوزدهم میباشد دستها را به هفت تیپ طبقه بندی نموده است :

۱– دستهای ابتدائی یا مقدماتی :

دستهائی که ضخیم و سخت



(شکل ۱)

وکف و انگشتان آن کوتاه میباشد باستثنای انگشت شست که مستقیم و دور از کف قرار گرفته و از کف هم بلندتر و پوست دست زبر وخشن و برنگ قرمز یا تیره است ابتدائی یا مقدماتی گویند ، دستهای ابتدائی متعلق باشخاصی است که از انسانیت بهره‌ای نبرده ودارای خوی حیوانی هستند، ایندسته مردم شکم پرست وعشق مفرطی به‌گوشت و مشروبات الکلی دارند، کینه‌توز وهرکاری را بدون فکر و استدلال دنبال میکنند وازخشم وغضب خود نمیتوانند جلوگیری نمایند .

۲ـ دستهای مربعی :

دستهائیکه ازحیث فرم وشکل مربع بنظرمیرسد ونوك انگشتان آن نیز مربعی شکل است مربعی خوانند. اشخاصیکه دست مربعی دارند درامورات دقیق، خودرأی وسختگیر میباشند، هرکاری را بانظم و ترتیب انجام میدهند دارای حس مذهب و طرفدار حق وحقیقت هستند، قضات خوب از این‌دسته میباشند و معمولا دست آنها مربعی است .



(شکل ۲)

۳ـ دستهای گوشه‌دار :

وقتیکه دست گوشتی ومچ دست ضخیم و کلفت و کف درقسمت

پائین وسیع و هر چه بطرف انگشتان بالا میرود وسعت آن کم شود و نوك انگشتان نیز دارای گوشه باشد ، گوشه‌دار نامیده میشود .

اشخاصیکه دارای دستهای گوشه‌دار میباشند آزادیخواه و شورش طلب و هر کاری را قبل از فکر انجام میدهند ، خوشگذران و اجتماعات ودسته‌بندیها و مسافرت را دوست دارند .



دست گوشه دار

(شکل۳)

۴- دستهای فلسفی :

دستهای طویل با انگشتان گره‌دار را فلسفی مینامند .

اشخاصیکه دارای دستهای فلسفی هستند با هوش و دارای قوه حافظه و اهل مطالعه میباشند ، در تحصیلات پیشرفت میکنند ودرعلوم ریاضی و فلسفی بااستعداد هستند ، علماء و فلاسفه بزرگ دستهای فلسفی دارند .



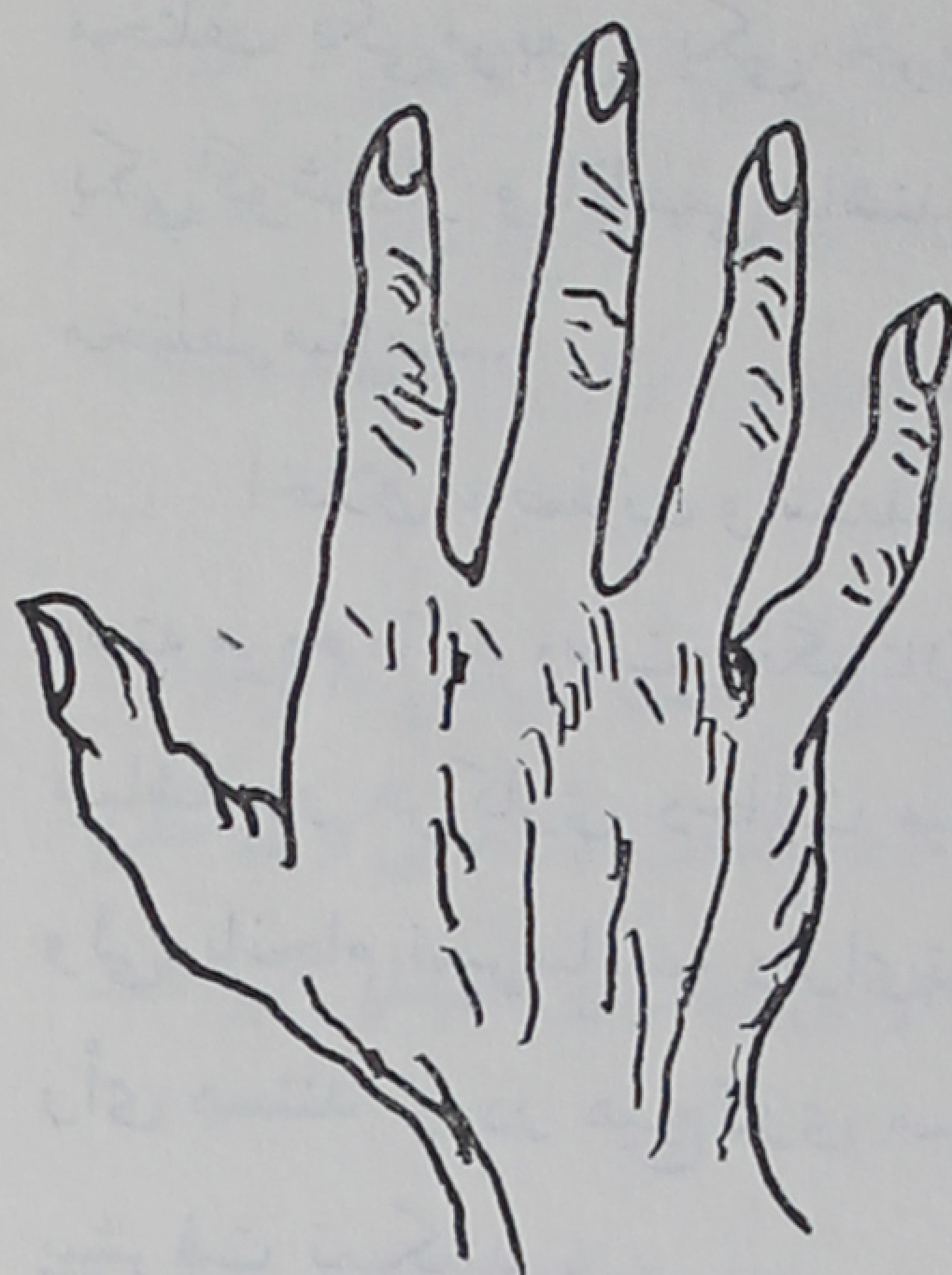
دست فلسفی

(شکل ۴)

۵ـ دستهای مخروطی :

دستهائیکه مخروطی شـکل و دارای انگشتان نوك تیـز باشد مخروطی نامند .

اشخاصیکه دست مخروطی دارند بامهرومحبت ، فامیل‌دوست ، عیاش و خوشگذران و دارای تعصبات مذهبی بوده وتدلیس‌را دوست دارند .



(شکل ۶)



(شکل ۵)

۶ـ دستهای ایده‌آلی :

دستهای زیبا و خوش ترکیب و لطیف با انگشتان نوك گرد را ایده‌آلی‌گویند .

آنهائیکه دست ایده‌آلی دارند خوش‌قلب، خوش‌طینت ودارای روح انسانی بوده و با وجدان و نیکوفطرت میباشند ، برای کمك و

مساعدت باهمنوعان و بیچارگان میکوشند وحتی ازمال وجان خود دریغ ندارند .

۷- دستهای مختلط :



(شکل ۷)

دستهائیکه ازحیث شکل وفرم متناسب نیستند وانگشتان آن باشکال مختلف یکی مربعی، یکی مخروطی، یکی گوشه‌دار ویافلسفی باشند آنرا مختلط مینامند .

اخلاق ، صفات واستعداد این دسته مردم مانند دست وانگشتان آنها میباشد در هر کاری دخالت میکنند ولی بانجام نمیرسانند، دارای تردید رأی هستند و در هیچ کاری مستقلا پیشرفت نمیکنند .

دسبارول عالم فرانسوی دستها را بسه‌دسته طبقه‌بندی نموده‌است: مخروطی، مربعی وگوشه دار .

۱- دستهای مخروطی :

اشخاصیکه دست آنها مخروطی است خوشگذران ، هواپرست وجذاب میباشند .

اگرانگشتان خیلی مخروطی ونوك تیز باشد : دلیل است برمهر و

محبت، عیاشی، دروغگوئی، ریا وتقدس وتعصبات مذهبی.

۲ـ دستهای مربعی :

ایندسته همیشه ناراضی و از روزگار شکایت دارند ، بخصوص وقتیکه انگشتان طویل باشد ولی این اشخاص باصداقت و راستگو و باانصاف وطرفدار حق وحقیقت میباشند .

۳ـ دستهای گوشه دار :

اشخاصیکه دست آنها گوشه دار است آزادیخواه وشورش‌طلب میباشند ، اگر انگشتان خیلی‌گوشه دار باشد ایندسته هیچ چیز را پسند نکرده وهیچ‌امری برطبق دلخواهشان انجام‌نمیشود وازاین‌جهت همیشه بخود می‌پیچند .

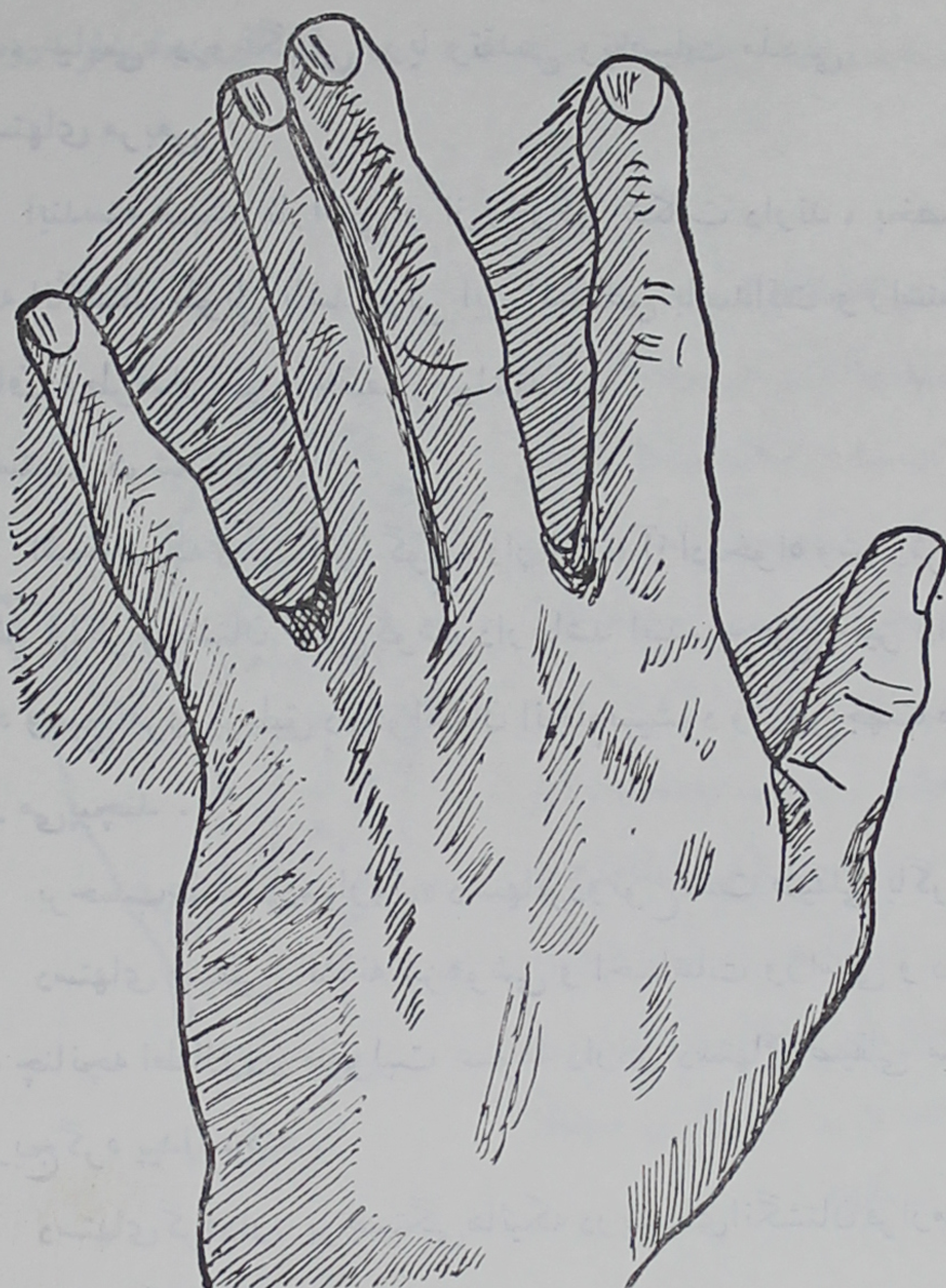
برحسب‌عقیده «دسبارول» دستهابردونوع‌است صیقلی یاگره‌دار.

دستهای صیقلی: نشانه تیزهوشی و احساسات وراستی و درستی است چنانچه اطفال در طفولیت عموماً دارای دستهای صیقلی میباشند وبتدریج‌گره پیدا میکند .

دستهای‌گره‌دار: برجستگی‌هائیکه دربندهای‌انگشتان قرارمیگیرد گره مینامند وگره بردونوع است :

گره فلسفی: که دربند اول انگشت قرارمیگیرد وهوش وذکاوت وقوه حافظه، عشق به تحصیل ومطالعه ، نظم و ترتیب و استعداد بعلوم ریاضی وفلسفه را نشان میدهد .

گره مادی: که در بنددوم انگشت قرارمیگیرد ونشانه عصبانیت و تندخوئی است .



(شکل۸)

برحسب نظر «ژرژموشری» که یکی ازدانشمندان قرن بیستم میباشد دست بر هفت نوع است :

۱ـ دست طویل باانگشتان گرد ـ این اشخاص همیشه خوشحال ومسرور وخوشگذران‌میباشند، فامیل‌دوست و نوع پرور ودارای نجابت فطری ومحبوب‌هستند، جاه‌طلب ودرامور اداری پیشرفت کرده مقام‌های

ارجمندی را اشغال میکنند، قضات و صاحبان مناسب عالی از اینندسته‌اند.

۲- دست طویل با انگشتان گوشه دار - این اشخاص همیشه محزون و مغموم و از روزگار شکایت دارند، انزوا و گوشه‌نشینی را دوست دارند و برای پیشرفت و ترقی خود کوشش و جدیتی ندارند و امورات را به‌تقدیر واگذار میکنند و خلاصه تیره بختان را باید از اینندسته محسوب نمود.

۳- دست طویل با انگشتان مخروطی - اینندسته باهوش، زرنگ و فعال و در هر کاری مخصوصاً کارهای هنری ترقی و پیشرفت میکنند و باوجود دشمنان زیاد همیشه موفق هستند، خون گرم و جذاب و محبوب القلوب میباشند، لوکس پرست و به‌تجمل و زیبائی علاقه‌دارند و مخصوصاً زنهای اینندسته فوق‌العاده جذاب میباشند، هنرمندان و آرتیست‌ها غالباً از اینندسته‌هستند.

۴- دست کوتاه با انگشتان گوشه دار - اینندسته زرنگ، چابك، زیرك و دانا هستند، اغراق گوئی و دروغگوئی از صفت آنها است، برای کسب واقتصاد مستعد میباشند. درصورتیکه به‌تحصیلات خود ادامه‌دهند ترقی و پیشرفت میکنند، زنهای اینندسته فوق‌العاده محیل و حریص هستند وبایستی از آنها اجتناب نمود، دلالان را میتوان از اینندسته دانست.

۵- دست طویل با انگشتان مربعی - این اشخاص دارای اراده قوی و ثبات‌قدم میباشند، در کلیه امورات متهور و بی باك هستند، سنگدل و بی‌رحم و برای ترقی و پیشرفت خود از وجدان و عاطفه بی‌خبرند.

۶- دست کوتاه با انگشتان مخروطی - اینندسته متلون‌المزاج، هواپرست واهل تصور وخیال میباشند، مناظر زیبا را دوست دارند، به شعر وادبیات علاقه‌دارند، چنانچه بطرف مذهب بروند باتقوی و مقدس میشوند، گردش و سیاحت را دوست دارند ، شعرا و سیاحان و زنهای

مقدس ومذهبی از ایندسته میباشند .

۷- دست کوتاه باانگشتان گرد- ایندسته خوش اخلاق، خنده‌رو، خون‌گرم ومعاشرتی میباشند، خیرخواه، باعطوف ومهربان هستند، بخصوص زنهای ایندسته بزینت و آرایش علاقه دارند وعاشق عطر و گل میباشند .

برطبق نظر «هانری‌رم» که از دانشمندان ویکی از علماء کفشناس قرن بیستم است دست برچهار نوع تقسیم میشود : نوك تیز، مخروطی، مربعی وگوشه دار .

برحسب عقیده این‌دانشمند : اشخاصیکه دارای دستهای نوك‌تیز هستند بامهر ومحبت ، نوع دوست ، خون‌گرم ، خوشگذران و دارای حس مذهب میباشند ، ایندسته وقتی دارای انگشتان صیقلی و ناخنهای بادامی شکل باشند : ذوق به هنر دارند همیشه سعی میکنند در کارهای غیرعادی پیشرفت کنند و برای اینکه بمقصود خود برسند ازخرج کردن باك ندارند، زنهای ایندسته عشوه‌گر ولوکس‌پرست میباشند، ولی‌چنانچه انگشتان گره دار باشند ، صفات مذکور را خنثی میکند و پشتکار و فعالیت جای آنرا میگیرد .

دستهای مربعی ـ نشانه نظم وترتیب ودقت است و اشخاصیکه دارای دستهای مربعی هستند همیشه طرفدار حق و عدالت هستند .

این‌دانشمند دستهای مخروطی وگوشه‌دار را بین دستهای مربعی و نوك‌تیز میداند باین‌ترتیب که صفات دست‌مخروطی‌را نزدیك دستهای نوك‌تیز ودست‌گوشه داررا نزدیك دستهای مربعی تشخیص‌میدهد منتهی باشور وهیجان بیشتری .

«ارپانتینی» که از دانشمندان بزرگ قرن نوزدهم میباشد دست‌را

برحسب طبایع بچهاردسته طبقه بندی میکند :

۱ـ دستهای لطیف ونرم، مرطوب وسرد و برنگ سفید : متعلق باشخاص بلغمی است واینددسته مردم بی‌حس، بی‌حرکت ، راحت‌طلب، شکم‌پرست و شهوت پرست میباشند .

۲ـ دست گرم ومرطوب‌ونرم ولی‌سخت ومحکم وبرنگ قرمز: دال برطبیعت خونی است، این‌اشخاص نیز شکم‌پرست وپیروتمایلات نفسانی‌میباشند ولی‌خوش‌قلب ونیکوفطرت وبامهرومحبت‌هستند وبرای کمك‌ومساعدت همنوعان وبیچارگان مخصوصاً دوستان وخویشاوندان ازهرگونه سعی وکوشش وحرکت کوتاهی ندارند .

۳ـ دستهای سرد و خشك و استخوانی و برنگ زرد : علامت طبیعت عصبی است ، این اشخاص زرنگ و بالیاقت ولی زود رنج و عصبانی هستند، اغراق‌گو و دارای وهم وخیال وتردید رأی میباشند .

۴ـ دستهای‌گرم وخشك وسخت برنگ سبز یا قهوه‌ای : طبیعت صفراوی را نشان میدهد، ایندسته جاه طلب و دارای روح قوی و قوه تسلط هستند ودرکلیه امور جدی، دقیق ومرتب ومنظم میباشند.

«پوانسو» که ازکفشناسان قرن‌بیستم‌است نیز دست‌را بچهارنوع تقسیم میکند :

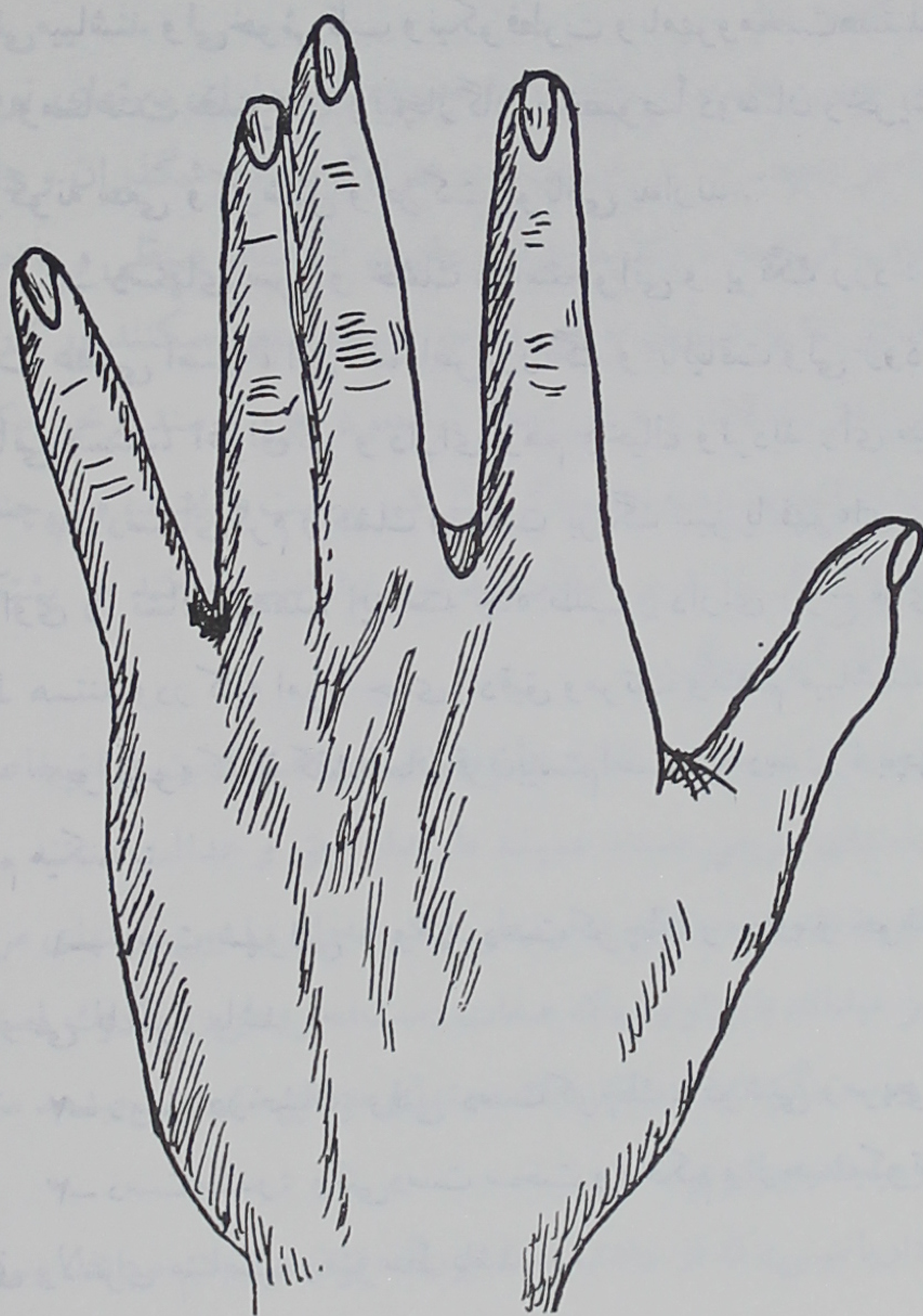
۱ـ دست شهوانی : وقتی دست کوچك و چاق و خوشرنگ ، مخروطی یا گرد باشد .

۲ـ دست درخشان: وقتی دست کوچك، گوشتی ومربعی باشد.

۳ـ دست‌مقتدر: وقتی‌دست سخت ومحکم وازحیث کوتاه‌بلندی وچاق ولاغری متناسب ومتوسط باشد.

۴ـ دست‌کار : وقتی دست محکم، ضخیم وزبر وخشن باشد.

بنابراین باتوجه به‌عقیده ونظریه مختلف کفشناسان دست به شش دسته تقسیم و طبقه بندی میشود : دست مخروطی با انگشتان صیقلی ـ دست مخروطی با انگشتان گره دار ـ دست مربعی با انگشتان صیقلی ـ دست مربعی با انگشتان‌گره دار ـ دست‌گوشه دار با انگشتان صیقلی ـ دست گوشه دار با انگشتان گره‌دار .



(شکل ۹)

۱- دست مخروطی با انگشتان صیقلی : ایندسته هواپرست ، عیاش، خوشگذران وساده‌لوح میباشند بخصوص وقتیکه قاعده انگشتان چاق وگوشتی باشد .



(شکل ۱۰)

۲- دست مخروطی با انگشتان گره دار : استعداد به حسابداری وتحویلداری را نشان میدهد، این اشخاص باهوش ، دقیق ودارای قوه

حافظه میباشند، هرکاری را بانظم وترتیب انجام میدهند .

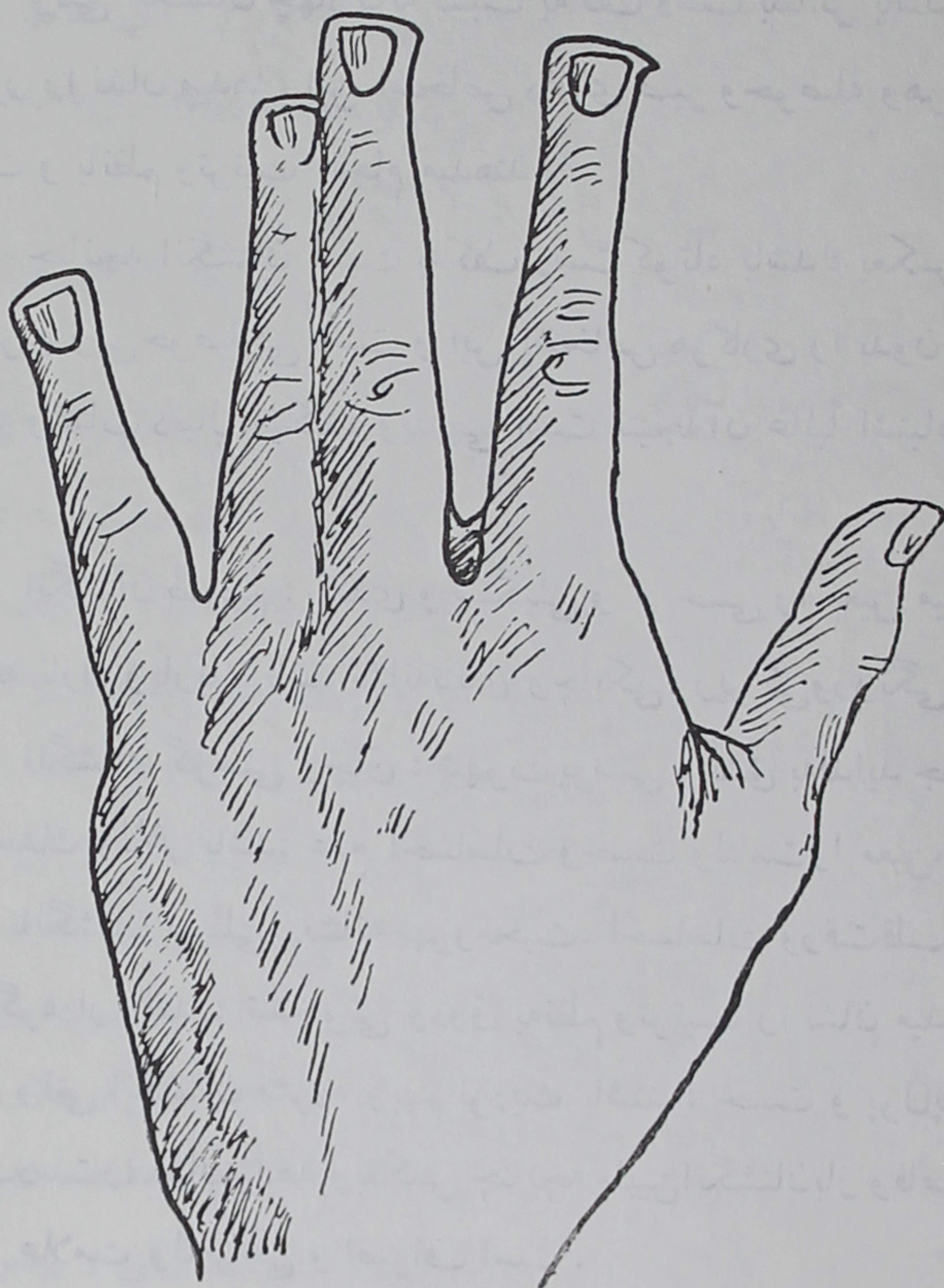
۳ـ دستهای مربعی با انگشتان صیقلی : نشانه راستی و درستی است، این اشخاص طرفدار حق‌وحقیقت هستند، دارای پشتکار وباراده و درکارها پیشرفت میکنند .



(شکل ۱۱)

۴ـ دستهای مربعی باانگشتان گره دار: استعداد بعلوم ریاضی‌را نشان میدهد ، این اشخاص خوش‌فکر و دارای قوه حافظه وباهوش و ذکاوت میباشند .

۵ـ دستهای‌گوشه دار باانگشتان صیقلی : ایندسته آزادیخواه و شورش‌طلب هستند ، در اجتماعات و دسته‌بندی‌ها شرکت میکنند و در این امور همیشه پیشقدم هستند: مسافرت وشکار را دوست دارند .



(شکل ۱۲)

۶ـ دستهای گوشه دار باانگشتان گره دار: ایندسته نیز آزادیخواه و شورش طلب ولی متکبر، خودخواه وشکم پرست میباشند.

انگشتان

دردست شناسی انگشتان ومخصوصاً انگشت شست دارای اهمیت و قابل توجه میباشد که برحسب کوتاه بلندی ، چاقی ولاغری وشکل ، صفات وروحیه هرکس شناخته میشود .

وقتی انگشتان چهارگانه نسبت به کف دست بلندتر باشد : دقت درامور را نشان میدهد، این اشخاص دارای صبر وحوصله وهرکاری را با دقت و بانظم وترتیب انجام میدهند .

چنانچه انگشتان نسبت به کف دست کوتاه باشد : بعکس نشانه بی صبری وبی حوصلگی است و این اشخاص هرکاری را بدون فکر و باعجله وشتاب دنبال میکنند وبدیهی است نتیجه آن غالباً اشتباه وخطا میباشد .

انگشتان ضخیم : کندی و سنگینی و بی حسی را معین میکند و چنانچه نازك وباریك باشد نشانه تندی وچابکی، زیرکی وزرنگی است.

انگشتان گوشتی وچاق : شهوت پرستی وعشق به لذاید جسمانی واگرخشك ولاغر باشد: عدم احساسات وخست ولئامت را معین میکند.

انگشتان صیقلی: نشانه مهرومحبت، احساسات ورقت قلب است و اگرگره دار باشد : تندخوئی وذوق به نظم وترتیب را نشان میدهد.

وقتی انگشتان فشرده وبهم نزدیك باشند : خست و پول پرستی صاحب دست را نشان میدهد وبعکس چنانچه مابین انگشتان باز وفاصله دار باشد : علامت ولخرجی و اصراف است .

اگرمابین انگشتان درقاعده باز ودر بالا بهم نزدیك باشد : عدم موفقیت وفقر وبیچارگی را پیش بینی میکند . در صورتیکه انگشتان بطرف داخل دست متمایل وخمیده باشد : نشانه خست ولئامت است و بعکس اگر انگشتان بطرف عقب متمایل وبرگشته باشند : ولخرجی و اصراف را معین‌میکند بخصوص وقتیکه انگشت شست هم بطرف عقب برگشته باشد .

انگشتان چنگالی : علامت غرور وخود پسندی است .

چنانچه انگشت شست بطرف سایرانگشتان‌متمایل‌باشد: صاحب دست را صرفه جو ومقتصد معرفی میکند .

وقتی سایرانگشتان بطرف شست تمایل‌داشته باشند : نشانه هوش وزیرکی وبردباری است .

درصورتیکه انگشت های سبابه ، بنصر و خنصر از دو طرف متمایل به انگشت وسطی باشند : بد شانسی رابرای صاحب دست بیان میکند ، این اشخاص تابع مقدرات احتمالی وهمیشه در انتظار حوادث شوم میباشند ، دائماً محزون وخود را تسلیم افکار بیهوده میکنند .

چنانچه انگشتان دیگر متمایل به انگشت بنصر باشند : صاحب دست را ایده‌آلی وخوش ذوق وبا قریحه معرفی میکند ، این اشخاص دارای ذوق هنری ودر این راه میتوانند ترقی وپیشرفت نمایند .

درصورتیکه انگشتان دیگر بطرف انگشت خنصر تمایل داشته باشند واز انگشت شصت فاصله بگیرند : نشانه هوش و ذکاوت است و صاحب چنین دستی برای تحصیل علم و دانش با استعداد میباشد ، بخصوص در رشته علوم دینی وقضائی که میتواند ترقی و پیشرفت‌های

قابل توجهی داشته باشد .

انگشت شست

انگشت‌شست که درجلوی‌سایر انگشتان‌قرار گرفته دردست‌شناسی قابل توجه ودارای‌اهمیتی فوق‌العاده است چه بایك‌نظر به شست کسی میتوان ازصفات وخصلت آن مطلع شد .

«ارپانتینی» دست شناس فرانسوی ثابت میکند که اشخاص احمق و آنهائی که دارای عقل و شعوری نیستند بدون شست و یا با شست های فلج و بی‌قوه متولد میشوند . چنانچه میبینیم اطفال در زمان شیرخوارگی وبی‌عقلی شست خودرا داخل‌دست وانگشتان دیگر را روی آن قرار میدهند - دیوانگان نیز دارای شست های فلج و بی‌قوه میباشند و یا شست را داخل دست خود قرار میدهند - اشخاص عصبانی و آنهائیکه بمرض حمله مبتلا هستند در موقع بحران مرض شست خود را در داخل دست وانگشتان دیگررا روی‌آن بطور محکم میبندند .

همچنین میمون‌که نسبت به‌سایر حیوانات باهوشتر وبیشترشبیه به انسان است دارای انگشت شست میباشد منتهی شست‌آن بی‌قوه و مرتعش است ونمیتواند درجلوی سایرانگشتان قرار دهد.

بنابراین مابین تمام انگشتان، شست اهمیت خاصی را دربردارد وبایستی بطور دقیق مورد توجه قرارگیرد .

قدماءِ سه بند شست را به سه عالم تقسیم کرده‌اند :

بند اول ــ عالم خدائی که اراده را نشان میدهد .

بند دوم‌ــ عالم معنوی که نمودار قوه ادراك و فهم و عقل است.

بند سوم یا ریشه شصت و یا تپه ناهیـد را عالم مادی مینامند که قوای شهوت وعشق به‌مادیات وتمایلات نفسانی را معین میکند.

واین سه‌بند را برحسب کوتاه وبلندی، ضخامت ونازکی، وفرم وشکل‌آن تعبیر میکنند .

بند اول :

درصورتیکه طویل باشد : این‌اشخاص فعال ودارای اراده قوی و اعتماد بنفس بوده وبرای ترقی وپیشرفت خود میکوشند .



(شکل ۱۳)

اگرخیلی طویل باشد : صاحب دست با اراده قوی، دیگران را تحت تسلط خود درمیآورد .

چنانچه‌کوتاه بلندی‌آن بحدمتوسط باشد: گرچه ایندسته‌نمیتوانند بردیگران تسلطی پیداکنند ولی دارای قوه مقاومت بوده وتحت تسلط دیگران هم واقع نخواهند شد .

بند اول‌کوتاه : این اشخاص بی‌اراده وزودرنج درتحت تسلط دیگران قرار میگیرند .



(شکل ۱۴)

اگر خیلی کوتاه باشد : صاحب دست بکلی فاقد اراده و کاملا بی‌فکر و در زندگی خود بهیچ چیز اهمیت نمیدهد وبنابراین نمیتواند ترقی وپیشرفت بکند .

چنانچه این بند کوتاه ووسیع وضخیم باشد: صاحب آن خودرأی ولجوج است واگروسعت وضخامت آن زیادباشد علامت خشم وغضب ولجاجت فوق‌العاده میباشد، این اشخاص دارای خوی حیوانی هستند واز خشم وغضب خود نمیتوانند جلوگیری نمایند .



(شکل ۱۵)

چنانچه بنداول شست بشکل گلوله وگرد باشد : لجاجت وکینه‌توزی وخوی‌حیوانی صاحب‌دست را نمودار میسازد بخصوص وقتیکه بند دوم هم ضخیم وقوی‌باشد، این‌اشخاص فوق‌العاده شرور وکینه‌توز هستند حتی ممکن‌است مرتکب قتل وجنایت بشوند .

بند دوم شست

بنددوم‌شست درصورتیکه بلندومحکم‌باشد: نشانه‌عقل‌وفهم‌است.



(شکل ۱۶)

این اشخاص خوب فکرمیکنند ، عیب وحسن هرچیزی را خوب تشخیص میدهند. عاقبت اندیش وهرکاری را با فکرواز روی عقل‌انجام

میدهند و کمتر مرتکب اشتباه وخطا میشوند .

چنانچه بند دوم بلند و بند اول کوتاه باشد: نشانه عقل وفهم و عدم اراده است ، این اشخاص عاقل و فهیم هستند ، میتوانند عاقبت هر کاری را پیش بینی کنند ، دارای قوه تشخیص میباشند ولی چون فاقد اراده وتصمیم هستند وتردید رای دارند در امورات پیشرفت نمیکنند ، ثبات قدم ندارند وهر تصمیمی که میگیرند به آخر نمیرسانند، ولی برای دیگران میتوانند ناصح وراهنمای خوبی باشند .

وقتی بند دوم شست کوتاه باشد : بالعکس قوه فهم وعقل صاحب دست ضعیف است .

(شکل ۱۷)



چنانچه بند دوم کوتاه و بند اول بلند باشد : این اشخاص جدی وفعال وصاحب اراده میباشند بهر امری که تصمیم بگیرند انجام خواهند داد ودر امورات ترقی و پیشرفت خواهند نمود ولی چون قوه عقل و ادراکشان ضعیف است چون کوری که بدون راهنما وبدون عصا درراه مخوفی پیش میرود ممکن است درپرتگاهی سرنگون شوند، بنابراین برای ایندسته عاقبت وخیمی را نشان میدهد .

چنانچه هردو بنداول ودوم نسبتاً بلند ومطابق ومتحد باشند : عقل و اراده با هم است .



(شکل ۱۸)

این اشخاص صاحب اراده، عاقل وفهمیده هستند و هرکاری را از روی عقل ومنطق وبا اراده قوی انجام میدهند و در هر امری موفق خواهند بود و بالنتیجه ترقی و پیشرفت کرده و بمقامات عالیه خواهند رسید .

بند سوم یا ریشه شست

این بند که ریشه شست میباشد، نمودار عشق وهواپرستی است، بنابراین وقتی نسبت به دست متناسب باشد نشانه عشق و محبت است واگر ضخیم وطویل باشد، دلیل برهواپرستی است وصاحب دست در تحت تسلط نفس خود واقع میشود واگرلاغر وکم‌نمایان باشد، ضعف قوای شهوانی را نشان میدهد .

وقتی ریشه شست خیلی‌منبسط باشد: شهوت وعشق‌به‌هواپرستی را نمایش‌میدهد.

چنانچه ریشه شست منبسط ولی بنداول بلند باشد: صاحب دست بواسطه اراده میتواند برنفس اماره مسلط شود واین‌اشخاص باعاطفه و مهربان و مخصوصاً نسبت به دوستان و اقوام خود با محبت هستند . درصورتیکه بند اول خیلی بلند باشد، دلیل برعاطفه وخیرخواهی است واین اشخاص نوع دوست وبدون خودنمائی وباکمال صداقت باضعفا وبیچارگان مساعدت وحتی‌الامکان ازآنها دستگیری میکنند .

وقتی ریشه شست منبسط وبند اول کوتاه باشد: ایندسته بواسطه فقدان اراده فاسدالاخلاق خواهندشد، بخصوص اگر بند دوم نیز کوتاه باشد، در اینصورت زود تسلیم نفس ودر تحت تسلط دیگران درمیآیند وعاقبت خود را بیچاره وبدبخت میسازند، غالباً زنهای هرزه وفواحش

از ایندسته هستند .

چنانچه ریشه شست منبسط و بند اول متوسط و بند دوم ضخیم باشد : صاحب آن دارای قوه‌مقاومت میباشد ومیتواند برشهوات خود مسلط بشود، ولی‌این‌اشخاص دارای تردید رأی ومتلون‌المزاج میباشند.

درصورتیکه انگشت شست نسبت به دست و سایرانگشتان بلند وبزرگ باشد : دلیل برخودخواهی ، لجاجت وکینه‌توزی است ، اگر بعکس نسبت به‌دست وسایر انگشتان کوتاه باشد، بی‌قدرتی وبی‌فکری را نشان میدهد .

وقتی انگشت شست بطرف سایرانگشتان متمایل باشد : صاحب دست را صرفه‌جو ومقتصد معرفی مینماید .

اگر انگشت شست بطرف عقب برگردد : نمودار سخاوت و ولخرجی است .



(شکل ۱۹)

چنانچه خیلی بطرف عقب خم شود : نشانه ولخرجی و اصراف درنتیجه بی‌فکری و بی‌عقلی است ، صاحب چنین دستی برای ارضای شهوات خود از هیچگونه خرجی مضایقه ندارد واین اشخاص عاقبت به بدبختی وبیچارگی مبتلا خواهند شد .

شست هائی که معمولا در داخل دست قرار میگیرند : علامت کم عقلی وبی‌هوشی است حتی اگر بندهای اول ودوم هم بلند باشند .

بطور خلاصه :

بند اول شست طویل : شخص بااراده را نشان‌میدهد که میتواند بتمام فطرتهای خود مسلط شود، بخصوص اگر بند دوم نیز بلند باشد.

بند اول شست متـوسط : صاحب آن بواسطه قوه مقاومت با شهوات‌خود مخالفت‌میورزد، ولی‌دراموارت بی‌حوصله ودارای تردید رأی میباشد .

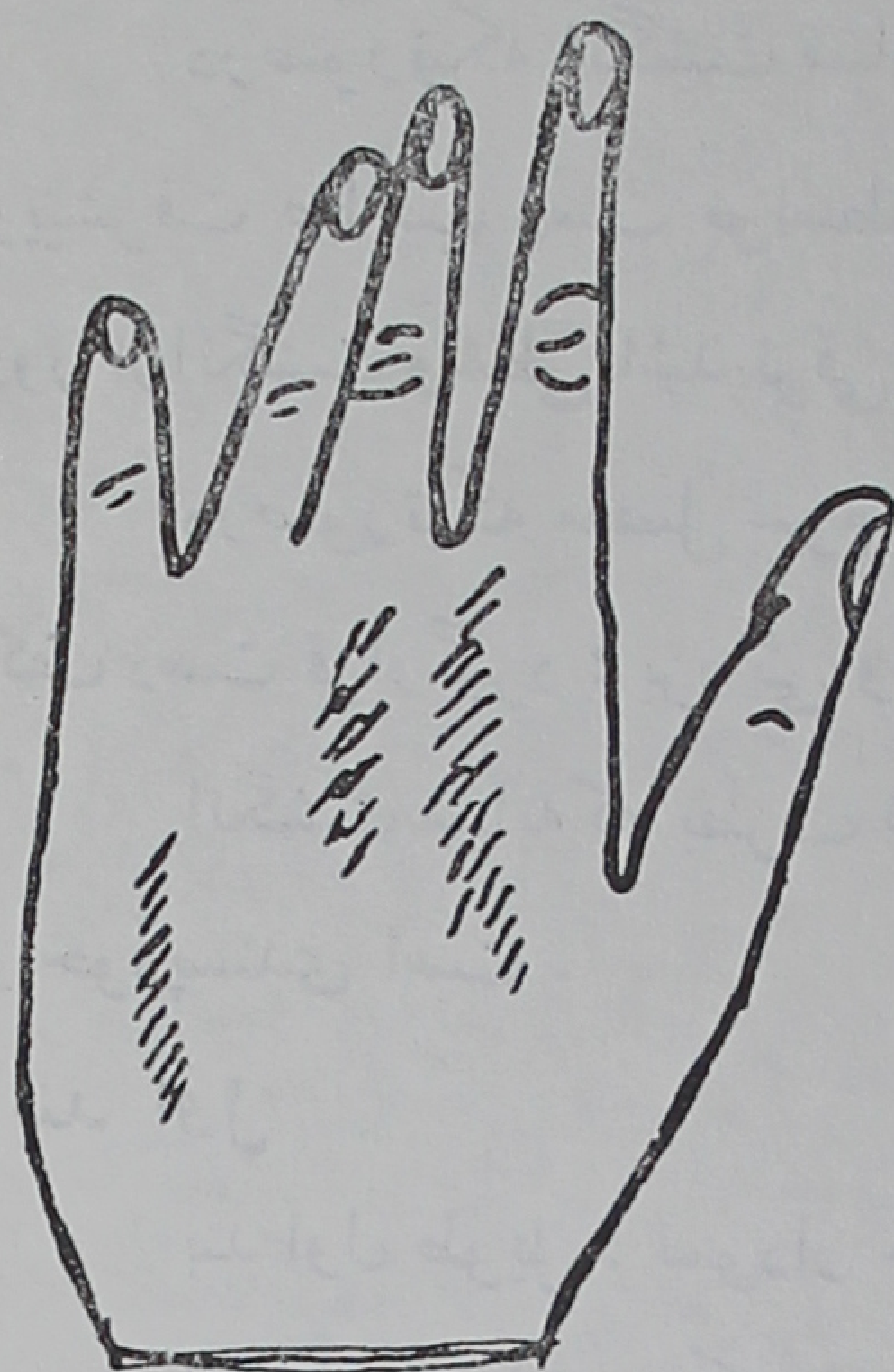
وقتی شست بند اول‌آن کوتاه و بند دوم‌آن ضخیم باشد : این اشخاص فاقد اراده ، بی غصه ، بی فکر ودارای تردید رأی وخطاهای غیر قابل بیان هستند ، از عشقهای خودگاه محزون وگاه مسرور وعشق ومحبت آنها از صمیم قلب است ، درمقابل عشق ومحبت حتی مطالب سری ومحرمانه خود را فاش‌میسازند ، ولی چنانچه تپه بهرام برجسته و منبسط باشد تا اندازه‌ای‌کوتاهی بند اول‌را جبران میکند وقوه مقاومت بصاحب دست میدهد. وقتی بنداول شست‌کوتاه وبنددوم‌آن بلند باشد: صاحب‌آن عاقل، فهمیده وبصیراست ولی بواسطه نداشتن اراده‌وتردید نمیتواند کاری را بانجام برساند ، نصایح این اشخاص برای دیگران فوق‌العاده مفید و موثر است .

انگشت سبابه

قدماءِ این‌انگشت را متعلق به‌کوکب برجیس میدانستند وصفاتی راکه برای برجیس معین میگردند از این انگشت تشخیص میدادند ، بنابراین جاه‌طلبی ، کبر ونخوت یا تواضع وفروتنی ، حس مذهب و دیانت یا لاقیدی وبی دیانتی را این انگشت بیان میکند .

وقتی انگشت سبابه بلند و مستقیم باشد : نشانه استقلال رأی ،

مقام دوستی و جاه طلبی نجیبانه است ، این اشـخاص خوش قلب ، خیرخواه وحتی‌القوه به ضعفا وبیچارگان همراهی ومساعدت میکنند .


(شکل ۲۰)

درصورتیکه‌این انگشت‌خیلی بلند و حتی از انگشت وسطـی هم بلندتر باشد: غرور ونخوت ومقام‌پرستی را نشان میدهد. این‌اشخاص فوق‌العاده متکبـر ، خود خواه و مقام‌پرست، ضعیف کش وزیردستان خودرا تحقیر میکنند .

انگشت کوتاه: نشانه‌تواضع و فروتنی است ، و صـاحب چنین انگشتی همیشه تحت تسلط دیگران قرار میگیرد .

وقتی انگشت سبابه مستقیم وپوست آن کشیده باشد : زیرکی و وهوش دیپلماتیك را بیان میکند .

اگر این انگشت چاق و کلفت باشد : عشق به خوشگذرانی و لذایذ جسمانی را معین میکند واگر باریك باشد معنی‌آن بعکس است.

وقتی انگشت سبابه مخروطی باشد: فهم وادراك ، حس قبل از وقوع و روح عرفانی را نشان میدهد .

اگر این انگشت مربعی‌باشد: دلیل است برعشق به‌نظم وترتیب و دقت درکلیه امور.

چنانچه گوشه دار باشد: افکار بلند و ذوق به تجسس در الهیات

را معین میکند ولی این اشخاص نمیتوانند افکار خود را دنبال کنند و بجائی نخواهند رسید .

درصورتیکه انگشت سبابه به‌انگشت وسطی نزدیك باشد: ترقی وپیشرفت صاحب دست بواسطه قدرت و لیاقت شخصی است و اگر دور ازانگشت وسطی‌باشد ترقی وپیشرفت بوسیله دیگران خواهدبود.

درصورتیکه مفصل سوم این انگشت ازمحل‌خود پائین‌تر و در کف دست قرارگیرد : بزرگی ونجابت روح‌را نشان میدهد .

انگشت سبابه‌که بطرف شست متمایل باشد : علامت جاه طلبی و خودپسندی است .

بند اول

بند اول طویل : نمودار حس مذهب و وجدان است.

اگرکوتاه‌باشد: بعکس‌اشخاص‌بی‌عقیده‌وبی‌ایمان‌را نشان‌میدهد.

چنانچه این بندگوشتی وچاق باشد : صاحب آن از تمایلات نفسانی پیروی میکند .

اگر این بند خشك و لاغر باشد : تقدس و تعصبات دینی را نشان میدهد .

بند دوم

بند دوم طویل : صاحب آن جاه طلب و مقام پرست است .

اگر این‌بندکوتاه باشد : این اشخاص لاقید و در امورات جدی نبوده وترقی و پیشرفت ندارند .

وقتی‌خشك ولاغرباشد: نشانه جدیت‌وپشتکاروعشق‌به‌ترقی‌است.

چنانچه گوشتی و چاق باشد : دلیل بر هواپرستی و تمایلات

نفسانی است .

بند سوم

بند سوم طویل ومحکم : نشانه جاه طلبی وعشق به مقام وتسلط است واین اشخاص خوشبخت وسعادتمند خواهند شد .

اگر این بند کوتاه باشد : افـکار بیهوده و ضعف اراده را برای صاحب دست نشان میدهد .

چنانچه خشك ولاغر باشد: نمودار قناعت است .

درصورتیکه چاق وگوشتی باشد: صاحب آن هواپرست وعشقی است .

انگشت وسطی

در دست شناسی بعداز انگشت شست، این انگشت حائزاهمیت میباشد زیراماًخذوملاك کوتاه‌بلندی دست‌وانگشتان، همین‌انگشت‌است.

بنا برعقیده قدماءِ ، انگشت وسطی به‌کوکب کیوان تعلق‌دارد و صفات منتسبه به‌کیوان را از این انگشت تشخیص میدادند ، بنابراین کوشش وجدیت یا لاابالی‌گری وتن‌پروری، حزن واندوه، گمراهی و خطا، وسواس‌ومالیخولیا، عشق‌به‌ریاضت‌وکشف‌اسرارمخفیه وهمچنین استعداد به‌فلاحت و معدن‌شناسی را این‌انگشت نشان میدهد.

انگشت وسطی‌بلند: حزن واندوه، انزوا وگوشه‌نشینی‌را نمودار میسازد .

درصورتیکه این‌انگشت کوتاه‌باشد: بی‌فکری ولاقیدی، بی‌حسی و بی‌حرکتی را برای صاحب دست معین میکند .

وقتی انگشت وسطی چاق و کلفت باشد: استعداد صاحب‌دست

را برای زمین‌شناسی ومهندسی معادن معین میکند .

انگشت وسطی خشك ولاغر: علامت بد اخلاقی است .

انگشت بزرگ، پهن وپیچیده : مخصوص قاتلین و آنهائی‌است که عاقبت وخیمی خواهند داشت .

وقتی انگشت وسطی خمیده باشد : صاحب دست را مخالف با عقیده عمومی معرفی میکند .

انگشت وسطی مخروطی، خوشبختی ومقدرات خوب را برای صاحب دست بیان میکند .

چنانچه این‌انگشت مربعی باشد : علامت بدشانسی است واین اشخاص فاقدکلیه صفات خوب میباشند .

اگرگوشه‌دار باشد : نشانه حزن واندوه است .

وقتی این انگشت بطرف انگشت بنصر متمایل باشد : تقدیر ، صاحب دست را بطرف هنر سوق میدهد .

اگر بعکس بطرف انگشت سبابه تمایل پیدا کند : عشق به جاه طلبی وتکبررا نشان میدهد .

بند اول

بند اول انگشت وسطی بلند : علامت حزن واندوه و وسواس است، این‌اشخاص همیشه‌بخود می‌پیچند، باافکاربیهوده خودرا ناراحت میکنند وعاقبت ممکن است بمالیخولیا مبتلا شوند.

اگر کوتاه باشد : عدم اراده را نشان میدهد، صاحب این دست همیشه درتحت تسلط واراده دیگران قرارمیگیرد وبرای رضایت‌دوستان حتی از حق خود صرفنظر میکند.

وقتی این بندگوشتی وچاق باشد: نشانه بی‌فکری ولاقیدی است، این‌اشخاص تن به‌کار نمیدهند، دوستان را ازخود میرنجانند و بالنتیجه شانس را از خود دور میسازند .

اگر این بند خشك ولاغر باشد: دلیل بر تقدس تا بحد وسواس وخرافات است .

بند دوم

بند دوم انگشت وسطی وقتی‌بلند وگره‌دار باشد: عشق به‌کشف اسرار مخفیه و علوم غریبه واگر صیقلی باشد : استعداد به فلاحت را معین میکند .

اگرکوتاه باشد: این‌اشخاص ازتجربیات دوره عمرخود بهره‌ای نبرده وهمیشه راه خطا را می‌پیمایند .

وقتی این بند چاق و گوشتی باشد : استعداد به زمین شناسی را نشان میدهد .

در صورتیکه خشك و لاغر باشد: استعداد بعلوم دینی وعشق به ریاضت را معین میکند.

بند سوم

بند سوم انگشت وسطی‌بلند: نمایشگرخست وپول پرستی است

اگر بلند و باریك باشد : صاحب دست را صرفه جو و قانع معرفی میکند .

چنانچه این‌بندکوتاه‌باشد: بعکس‌نشانه ولخرجی‌واصراف است

وقتی‌گوشتی وچاق باشد: نمودار جدیت وکوشش است واین اشخاص قابل ترقی میباشند .

اگر خشك ولاغر باشد: دال بر بخل وحسد، بیچارگی وبدبختی است بخصوص وقتیکه کف دست گود باشد .

انگشت بنصر

قدما، این انگشت را متعلق به خورشید میدانستند وآنرا انگشت سعادت مینامیدند و بهمین جهت حلقه و انگشتر به این انگشت تعلق دارد .

دردست شناسی بعد از انگشتان شست ووسطی از نظر تشخیص صفات وشناسائی صاحب دست این انگشت را قابل توجه میدانند.

انگشت بنصر یا انگشت سعادت، برحسب کوتاه بلندی وفرم و شکل نمودار استعداد به‌هنر یا بی‌ذوقی نسبت بآن، عشق به‌پول وطلا، سعی و کوشش برای بدست آوردن افتخار وشهرت یا بی‌فکری وپست فطرتی، سلیقه وابتکار وقوه اختراع یا بی سلیقه‌گی وبی‌هوشی، زرنگی ولیاقت یا بی‌لیاقتی، عشق به‌زینت وزیبائی یالاقیدی، شور وشوق برای بدست آوردن ثروت تا ارتکاب به جرم وگناه و بدنامی ، فصاحت یا ضعف قوای ناطقه میباشد .

وقتی انگشت بنصرطویل وازانگشت سبابه بلندتر باشد: صاحب دست را با استعداد ، خوش ذوق ، نیکبخت وسعادتمند نشان میدهد ، اگر شکل آن مخروطی باشد ، استعداد به کسب و تجارت ، اگر مربعی باشد استعداد به هنر وصنعت واگرگوشه‌دار باشد ، استعداد به رقص و موسیقی را برای صاحب دست معین میکند .

چنانچه خیلی بلند باشد وطول آن مساوی با انگشت وسطی یااز آنهم بلندتر باشد :



(شکل ۲۲)



(شکل ۲۱)

عشق به مسافرتهای دور و دراز و پرخطر وکارهای غیرعادی و معمولی وریسك درهرکاری‌را برای صاحب دست نشان میدهد، اگراین انگشت گره‌دار ودارای گره‌فلسفی باشد، عشق مفرط به قمار واگرکج وبدترکیب باشد نشانه بدنامی است، این اشخاص برای بدست‌آوردن پول‌وثروت دست بهرکاری‌میزنند وهرجرم وگناهی را مرتکب میشوند، بخصوص وقتیکه دست زبروخشن باشد، دراینصورت بواسطه ارتکاب بجرم وگناه یا اعمال غیرقانونی، حادثه شوم وعواقب وخیمی را برای آنها معین میکند .

انگشت بنصر کوتاه : ایندسته نسبت به ترقی و پیشرفت خود هیچگونه توجهی ندارند و اگرخیلی کوتاه و حتی از انگشت سبابه هم خیلی کوتاه‌تر باشد : افکار مادی برصاحب دست مسلط میشود و نشانه

پست فطرتی است .

وقتی این انگشت گوشتی و چاق باشد: ذوق به هنر و عشق به تجمل وزیبائی را معین میکند، زن‌هائیکه صاحب چنین انگشتی میباشند، فوق‌العاده زینت پرست وعشق بخودآرائی دارند وبواسطه عشق به‌هنر وموسیقی و یا بدست‌آوردن پول برای خودآرائی زود تسلیم دیگران میشوند .

درصورتیکه خشك ولاغر باشد، علامت ذوق‌روحی‌وسلیقه است.

چنانچه انگشت بنصر بطرف انگشت وسطی متمایل‌شود، قریحه وذوق به هنرهای عمومی‌واگر بانگشت خنصرمتمایل‌شود: ذوق به‌کسب وتجارت را معین میکند .

بند اول

بند اول انگشت بنصر وقتی بلند باشد : نشانه هوش و ذکاوت است واین اشخاص مخصوصاً درهنر وصنعت دارای سلیقه، قوه ابتکار واختراع میباشند .

اگراین‌بند کوتاه‌باشد: بعکس‌دال‌بر بی‌هوشی‌وبی‌سلیقه‌گی‌است.

چنانچه‌گوشتی و چاق باشد : حساسیت وعشق به‌هواپرستی را نشان میدهد .

اگر خشك ولاغر باشد : نمودار فکر وروح بلند است.

بند دوم

بنددوم انگشت‌بنصر بلند : استعداد به‌هنروصنعت را معین‌میکند.

اگر کوتاه باشد : دال برعدم قدرت و توانائی وضعف قوه نطق وبیان است.

وقتی این بند چاق و گوشتی باشد: دلیل بر راستی وحقیقت است، این اشخاص خوش قلب، ساده ومعنی مکر وحیله را نمیدانند وزود گول وفریب میخورند.

اگر خشك ولاغر باشد: علامت افکار بلند است.

بند سوم

بندسوم بلند: نمودار لیاقت وجدیت است واین اشخاص بواسطه لیاقت شخصی موفقیت‌های زیادی راکسب خواهند نمود.

اگر کوتاه باشد: بعکس دلیل بر بی لیاقتی وعدم موفقیت است.

بند سوم چاق وگوشتی: عشق به تجمل وزینت را نشان میدهد بخصوص اگر صاحب دست زن باشد.

وقتی این بندخشك ولاغر باشد. بعکس لاقیدی به‌زینت وخود آرائی را نمودار میسازد.

انگشت خنصر

انگشت خنصر که کوچکترین انگشت دست میباشد برحسب عقیده قدماء به کوکب تیر تعلق دارد .

هوش وفراست یا حماقت ونادانی، حیله و تزویر یا صداقت و ساده گی، مهارت وزبردستی وسیاست یا بی‌فکری وبی پروائی، ذوق به مطالعه وتحصیل یا تنبلی وبی‌هوشی، شرم‌وحیا یا بی‌شرمی وبی‌حیائی، نطق وبیان یا یاوه‌گوئی از این انگشت تشخیص داده میشود.

وقتی انگشت خنصر بلند باشد : صاحب دست عاقل و زیرك و هرکاری رابا فکرواندیشه انجام میدهد.

اگر کوتاه باشد: بعکس دلیل بربی هوشی ونادانی است .

چنانچه چاق وگوشتی باشد : نشانه بی حسی و بی‌پروائی است.
اگر خشك ولاغر باشد: حساسیت و ظرافت روح را معین میکند.
انگشت خنصر مخروطی: قوه نطق و بیان و استعداد بامور سیاسی را معین میکند .

اگر این انگشت مربعی باشد : عشق بمطالعه و تحصیل را نشان میدهد .

چنانچه گوشه دار باشد : نمودار تیزهوشی و فراست است و این اشخاص چنانچه در رشته اقتصاد و سیاسی به‌تحصیلات خود ادامه‌دهند به ترقیات بزرگ نائل خواهند شد .

وقتی این انگشت بد شکل و بد ترکیب باشد : دال برحماقت و نادانی است و این اشخاص بواسطه ساده‌گی و بی‌فکری به بدبختی و بیچارگی مبتلا می‌شوند .

اگر این انگشت خمیده و چنگالی باشد : دال بر پول پرستی و صاحب چنین انگشتی از عاطفه و محبت محروم وشرافت و وجدان را فدای پول میکند .

این انگشت وقتی کلفت باشد: نیز دلیل بر ساده‌گی و بی‌فکری است.
اگرسخت و پوست آن کشیده باشد : بدجنسی و موذی‌گری را نشان میدهد .

بند اول

بند اول انگشت خنصر بلند : ذوق بمطالعه و تحصیل را نشان میدهد .

اگر کوتاه باشد: بعکس صاحب دست فطرتاً تنبل و بی لیاقت میباشد.

بند دوم چاق و گوشتی : دال بر حماقت و نادانی است .

اگر خشك و لاغر باشد : زرنگی ، جدیت و فعالیت را برای صاحب دست نشان میدهد .

بند دوم

بند دوم انگشت خنصر بلند : نشانه مهارت و زبردستی، جدیت، فعالیت و پشتکار است .

اگر این بند کوتاه باشد : بعکس دلیل بر بی‌لیاقتی و بی‌حسی است .

بند دوم چاق و گوشتی : علامت بی‌هوشی و تنبلی و تن‌پروری است .

اگرخشك ولاغر باشد : استعداد به‌تحصیل را معین میکند و این اشخاص درتحصیل پیشرفت وترقی میکنند.

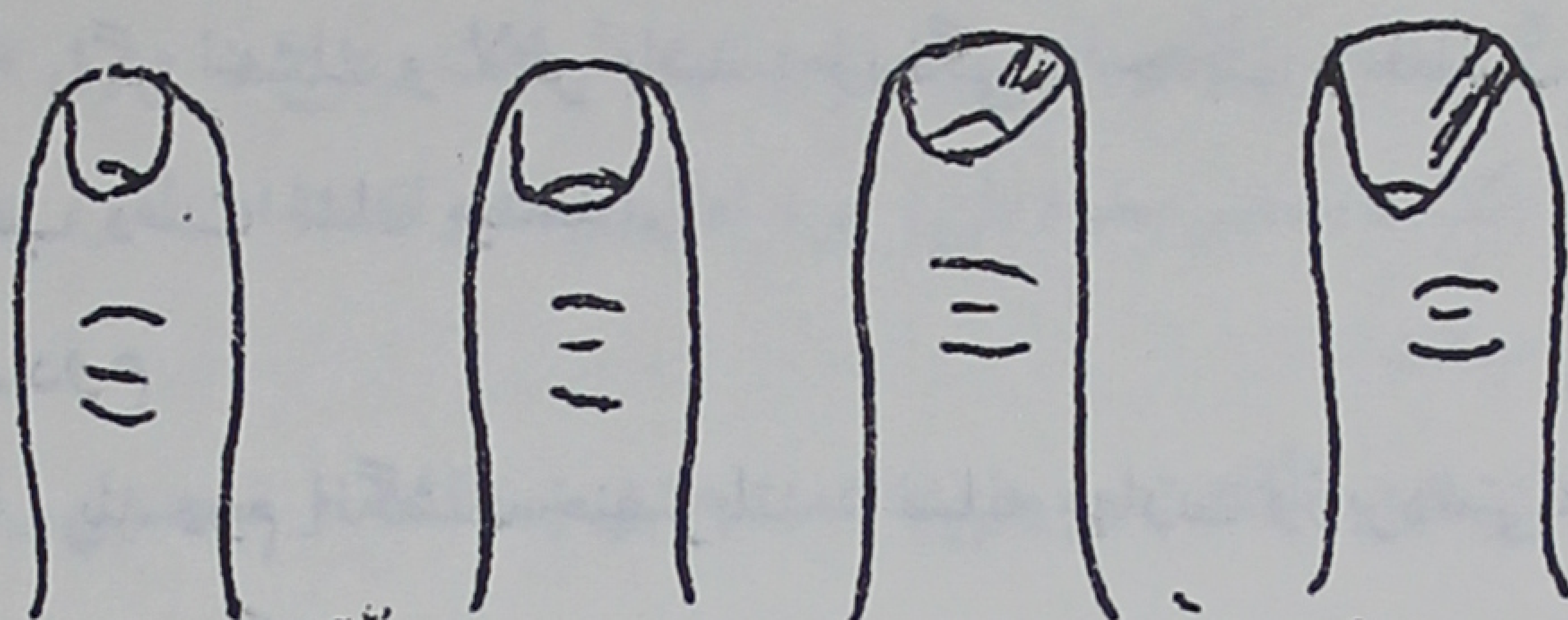
بند سوم

وقتی بند سوم انگشت خنصر بلند باشد: نمودار حیله و تزویر میباشد.

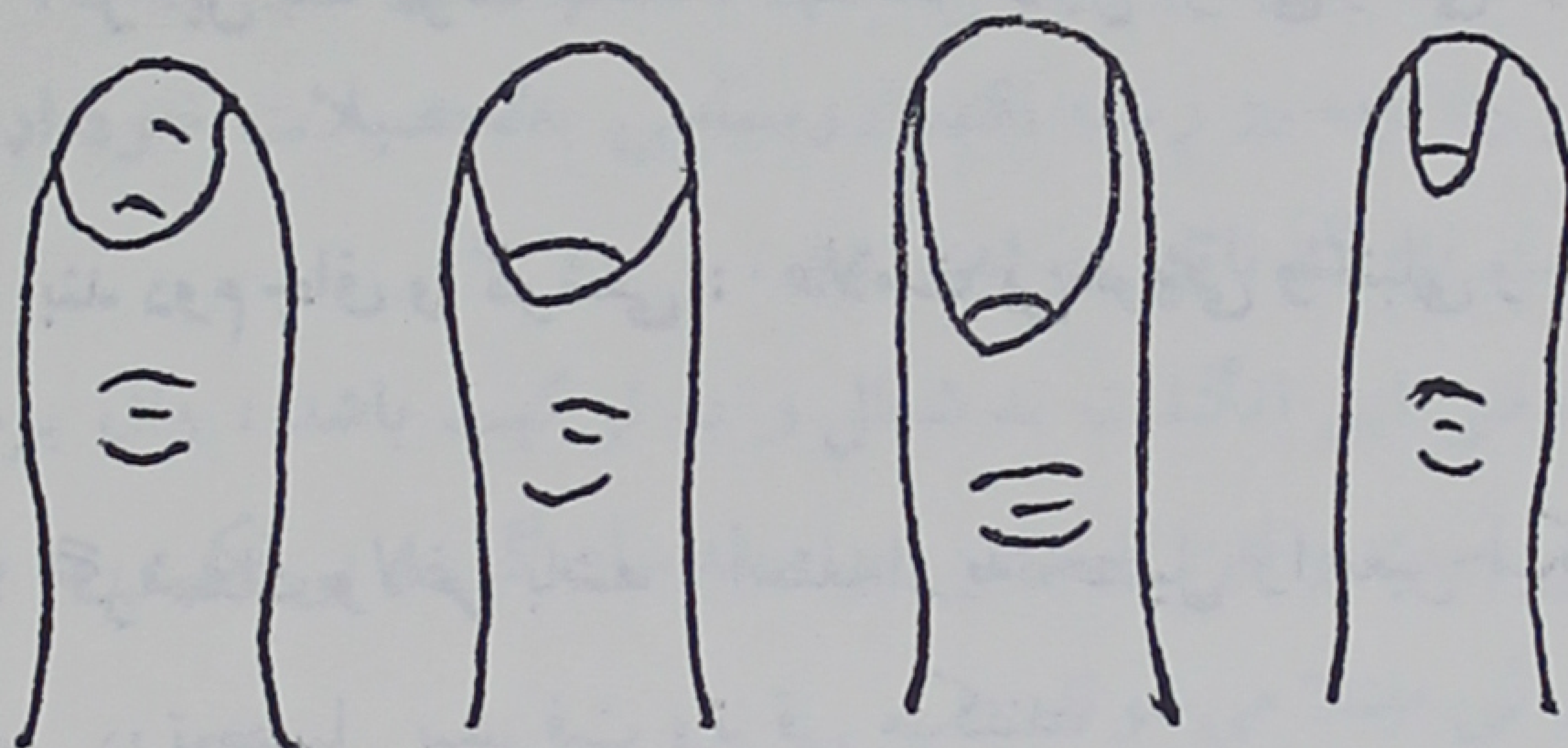
اگر این‌بند کوتاه باشد: بعکس آدم‌ساده ونادانی را نشان میدهد.

وقتی این‌بند چاق وگوشتی باشد : دلیل بربی‌شرمی وبی‌حیائی است، این‌اشخاص بی‌شرم، پررو واز شرافت وحیثیت خود نمیترسند بخصوص اگرصاحب دست زن باشد ، غالباً زنهای هرزه و بی‌عصمت از این دسته هستند .

اگر بند سوم خشك و لاغر باشد ، استعداد به‌حسابداری وعلوم ریاضی را معین میکند.



ناخنهای مربع　　　　　　ناخنهای مثلث



ناخنهای گرد　　　　　　ناخنهای بیضی

(شکل ۲۳)

در دست شناسی برای ناخنها نیزازنظرتعیین صحت وسلامتی و یا ابتلای بامراض وبیماری وهمچنین تشخیص بعضی ازصفات اهمیت زیادی‌را قائل‌میباشند .

ناخنها بنابروضعیت محل وشغل ازحیث ضخامت، رنگ وشکل متفاوتند ولی بطورکلی ناخنهای اطفال نازك وظریف است وتدریجاً بواسطه اشتغال بکار و سن بضخامت آنها میافزاید بطوریکه ناخن آدم مسن وپیر ضخیم و محکم ودر سن کهولت بشکل شاخ میشود.

ناخنها دارای نموی است‌که بتدریج بلند میشود و بایستی اقلا

هفته‌ای یکمرتبه آنهارا کوتاه کرد وباین ترتیب هرناخنی درمدت معینی بکلی تجدید میشود .

ناخن شست درمدت ۱۴۰ روز، ناخن خنصر ۱۲۱ روز و ناخن سایر انگشتان درمدت ۱۲۴ روز تجدیدمیشود، ولی‌این‌مدت درصورت سلامتی‌کامل است و درمواقع بیماری و ایام‌کسالت ممکن است دوره تجدیدآنها تا ۹ ماه بطول بیانجامد .

ناخنها ازنظرشکل وفرم برچهارنوع است : مثلث یا ذوذنقه‌ای، مربع ، بیضی وگرد .

ناخن مثلث یاذوذنقه‌ای : استعداد به‌فلجی وسکته‌را معین‌میکند.

ناخن‌مربع: نشانه‌ضعف‌قلب‌است بخصوص‌وقتیکه کوچك‌باشد.

ناخن‌بیضی : امراض سینه واگرخیلی بزرگ باشد صاحب‌دست مستعد بابتلای امراض ریوی است .

ناخن‌گرد : استعداد بامراض‌گلو ،

همچنین هریك ازناخنها نمایشگر امراض بخصوصی است :

ناخن انگشت سبابه : امراض‌کبدی .

ناخن انگشت وسطی : امراض معده و امعاء .

ناخن انگشت بنصر : امراض ریوی .

ناخن انگشت خنصر : امراض‌کلیوی .

ناخن انگشت شست : امراض مجاری بول ومثانه .

رنگ، شکستگی، خطوط‌عمودی یاافقی، نقطه ولکه روی‌ناخنها علامت امراض و شدت شکستگی و شیار خطوط یا تندی رنگ و یا بزرگی نقطه ولکه شدت مرض را معین میکند .

رنك ناخن

وقتی ناخن برنگ گل سرخ، روشن وصیقلی باشد: سلامتی کامل صاحب دست را نشان میدهد.

ناخن سفید و روشن : دلیل برسرور وخرسندی است .

ناخن خاکستری رنگ : نشانه امراض ریوی است .

وقتی رنگ ناخن قرمز باشد : تند خوئی و خشم و غضب را نمایان میسازد .

اگر رنگ ناخنها زرد باشد: بی‌عقلی صاحب دست‌را معین‌میکند رنگ ناخن دیوانگان معمولا زرد میباشد .

ناخن رنگ پریده : نمودار ضعف وسستی است.

وقتی رنگ ناخن آبی باشد : نامنظمی دوران خون را معین میکند .

کوتاه بلندی ناخن

ناخن بلند : علامت دقت وموشکافی است ولی اگر خیلی بلند ، بزرگ ورنگ آن تیره باشد، اشخاص خطرناکی‌را نشان میدهد.

ناخن بلند ودرخشان : صاحب دست را خیرخواه ونوع‌دوست معرفی میکند .

ناخنهای دراز و باریك : بیماری ستون فقرات واگر دراز وخیلی نازك باشد ابتلای بامراض سینه را نشان میدهد.

ناخن کوتاه : آدم کنجکاو ، فضول و سریع الانتقال را معرفی میکند .

اگر خیلی کوتاه وجویده باشد: استعداد مدیریت‌را معین‌میکند.



(شکل ۲۴)

اشخاصیکه دارای ناخنهای خیلی کوتاه وجویده هستند فوق العاده دقیق وعلاقمند به نظم وترتیب هستند، ایندسته در نظام وارتش ترقی و پیشرفت میکنند: زنهای ایندسته برای امور خانه داری بی نظیر میباشند.

درصورتیکه ناخنها خیلی جویده باشد : عصبانیت را نشان میدهد واین اشخاص زود تحریك میشوند وکنترل خود را از دست میدهند .

ناخنهـای کوتاه و مربع : دقت و مراقبت در امور را معین میکند .

چنانچه ناخنها کوتاه وسخت باشد: نشانه خشم وتندخوئی است واین اشخاص غالباً به دردسر مبتلا هستند .

ناخن کوتاه و نازك : علامت مسخرگی و خوشمـزگی است و صاحب دست را مقلد خوبی نشان میدهد .

ناخنهای کوتاه وپهن : آدم محیل ومزوری را معرفی‌میکند.

کوچك بزرگی یا سختی و نرمی ناخن

ناخن بزرگ : نشانه بی‌عقلی و بی‌فکری است .

اگرخیلی بزرگ و سخت باشد : نمودار خوی حیوانی است ، این اشخاص هرکاری را بدون عقل و بدون فکر انجام میدهند .

ناخنهای کوچك : نشانه هوشیاری و زیرکی است .

اگر خیلی کوچك وپوشیده ازگوشت باشد : هواپرستی و عشق به تمایلات نفسانی را نشان میدهد .

ناخنهای سخت ومحکم : نشانه سبعیت وجنگجوئی است.

اگر خیـلی سخت و محـکم و کلفت باشد : علامت سبعیت و درنده خوئی است و این اشخاص در مقابل شهوات خود دارای خوی حیوانی وخطرناك میباشند .

ناخن نرم : آدم مردد و بی‌اراده را معرفی میکند واین اشخاص متلون‌المزاج و درهیچ کاری ثبات قدم ندارند .

وقتی‌ناخنها خیلی نازك ومثل‌شیشه‌باشد : استعداد بامراض ریوی را معین میکند .

علائم روی ناخن

وقتی ناخنها دارای خطوط عمودی وراه راه باشد : نشانه درد مفاصل‌است واین‌اشخاص مستعد به‌روماتیسم وسیاتیك ونقرس‌میباشند.

اگرخطوط روی ناخن افقی باشد: امراض کلیوی‌رابرای‌صاحب دست نشان میدهد .

نقاط سفید روی ناخن : دلیل عصبانیت و بی‌حوصلگی است .

خال‌های زیاد روی ناخن: نیز امراض عصبی وضعف اعصاب را نشان میدهد .

نقطه سیاه روی‌ناخن: علامت ضعف قلب است واگربزرگ و بصورت لکه باشد فقرالدم وبدی دوران خون را معین میکند.

ناخنهای شکسته : نشانه عصبانیت و تندخوئی است بخصوص وقتیکه شکل آن مثلث یا ذوزنقه‌ای باشد .

اگر شکسته وخورد باشد : ناسالمی وعدم صحت‌مزاج‌را معین میکند .

ماهك روی ناخن : قلب و دوران خون را نشان میدهد ، اگر ماهك خوب نمایان، بزرگ وخوشرنگ باشد عمل‌مرتب قلب را معین میکند، اگرخیلی‌بزرگ باشد: ضربان قلب واگر کوچك ونمایان نباشد: علامت ضعف قلب و نامنظمی دوران خون است .

فصل دوم

« کف شناسی »

در بیان شناسائی کف و نواحی مختلفه دست و خطوط اصلیه وفرعیه آن



(شکل ۲۵)

کف دست از سه قسمت تشکیل میشود :

اولا ـ قسمت داخلی انگشتان که هردستی منحصر به پنج انگشت و هریك از آنها دارای سه‌بند میباشد باستثنای انگشت شست که دو بند بیشتر ندارد و بند سوم آن جزء کف محسوب میشود .

قدما دوازده بند انگشتان سبابه، وسطی، بنصر و خنصر را به بروج دوازده‌گانه نسبت داده‌اند .

حمل : بند اول انگشت سبابه	میزان : بند اول انگشت بنصر
ثور : بند دوم انگشت سبابه	عقرب: بند دوم انگشت بنصر
جوزا : بند سوم انگشت سبابه	قوس : بند سوم انگشت بنصر
سرطان: بنداول انگشت وسطی	جدی : بند اول انگشت خنصر
اسـد : بند دوم انگشت وسطی	دلو : بند دوم انگشت خنصر
سنبله : بند سوم انگشت وسطی	حوت: بند سوم انگشث خنصر

ثانیاً- قسمت کف که از زیرانگشتان تا مچ دست وشامل نواحی مختلف وخطوط اصلیه وفرعیه میباشد.

الف- برآمدگی‌هائیکه درزیرهریك ازانگشتان قرارگرفته آنرا تپه‌گویند وکفشناسان هریك ازآنها رابه‌یکی‌ازکواکب‌سبعه نسبت‌داده و باسم همان‌کوکب نام نهاده‌اند ازاین‌قرار : (شکل۲۵) .

تپه برجیس- که‌در زیرانگشت‌سبابه واقع‌وبرحسب پستی‌وبلندی آن ، فروتنی و تواضع یا جاه‌طلبی و تکبررا معین میکند .

تپه‌کیوان - که در زیر انگشت وسطی قرار گرفته و استعداد به فلاحت یا بدبختی و بیچارگی را نشان میدهد .

نپه خورشید - که برامدگی زیرانگشت بنصر میباشد و استعداد به‌هنر وصنعت وشهرت وافتخار یابی‌فکری ولاقیدی‌را بیان میکند.

تپه‌تیر- که در زیراتگشت خنصر میباشد واستعداد به تجارت و علم اقتصاد یا دزدی وخیانت را نمایان میسازد .

تپه بهرام- برآمدگی‌واقعه درزیرتپه‌تیررا تپه‌بهرام‌گویندواستعداد به فنون جنگی‌وعشق به‌جنگ یاظلم وتعدی وشرارت رامشخص‌میسازد.

تپه ماه - برجستگی زیرتپه بهرام راکه تا مچ دست ممتد است

تپه ماه میناموندواین تپه نمودار ذوق بشعروادبیات وبحرپیمائی یاتصورات بیهوده ومالیخولیا میباشد.

تپه‌ناهید ـ برجستگی‌داخل‌خط عمروریشه انگشت شست را تپه ناهیدگویند و این تپه به عشق و هواپرستی و تمایلات نفسانی اختصاص دارد .

ب ـ خطوط اصلیه

خطوط اصلیه‌که معمولا دردست عموم مشاهده میشود باستثنای خط تقدیر و خط ثروت که‌گاهی خیلی کوتاه و یا اصلا وجود ندارد و عبارتند از :



(شکل ۲۶)

خط قلبی ـ اولین خط افقی است که درقسمت فوقانی کف واقع و معمولا این خط از زیر تپه تیر شروع و به‌تپه برجیس یا کیوان میرود: این خط را بدین جهت قلبی مینامندکه نمودار امراض قلبی، غم و غصه‌ها، کینه و حسادت ، قساوت قلب یا مهر ومحبت و عشق وعاطفه میباشد .

خط سر ـ دومین خطی که بطور افقی درزیر خط قلبی ومبداء آن بعکس خط قلبی ومعمولا از زیر تپه برجیس بین انگشتان شست و سبابه شروع وبه تپه بهرام یا ماه منتهی میگردد : امراض مغزی، هوش

و ذکاوت و قوه حافظـه یا بی عقلی و بی هوشی از این خط معلوم میشود .

خط عمر ـ یا خط زندگانی خطی است که از بین انگشتان شست وسبابه درزیر خط سر یا متصل بآن شروع وتپه ناهید رابطور نیمدایره احـاطه نموده و در زیر شست نزدیك مچ دست خاتمـه میبـابد : این خط وقایع و حوادث بزرگ دوره زندگی و طول عمر را معین میکـند .

خط تقدیر ـ خطی است که از مچ دست بین تپه‌های ناهید وماه یا از روی تپه ماه ویا ازخط عمر شروع وبطور مستقیم بالا رفته بخط سر یا خط قلبی ویا تپه کیوان میرسد وگاهی کوتاه وشروع آن از روی خط سر یا ازبالای خط قلبی میباشد: مقدرات، ترقی‌وتنزل وسود وزیان بزرگ را این خط نشان میدهد .

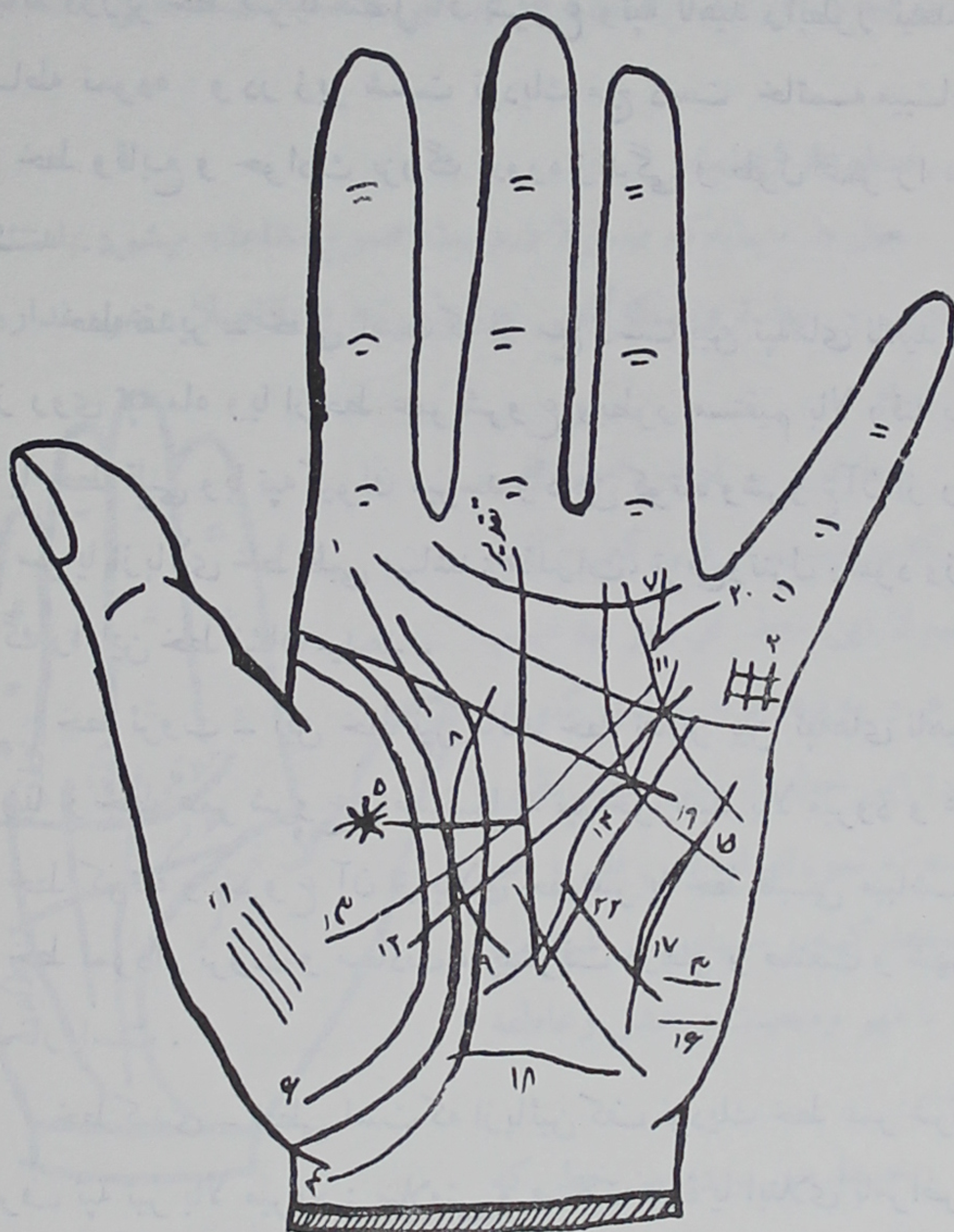
خط ثروت ـ این خط نیز مانند خط تقدیر بین تپه‌های ناهید و ماه ویا از خط عمر شروع و مستقیما به تپه خورشید بالا میرود و غالباً این خط کوتاه و شروع آن از بالای خط سر یا خط قلبـی میباشـد : این خط نمودار ثروت و سعادت ، پیشرفت درهنر و صنعت و شهرت وافتخار است .

خط کبدی ـ خطی است که ازپائین کف نزدیك خط عمر شروع وبطرف تپه تیر بالا میرود : سلامتی و صحت بدن یا ابتلای بامراض و طول عمر از این خطشناخته میشود .

ج ـ خطوط فرعیه

خطوط فرعیه که همیشه در کف دست دیده نمیشود و یا خیلی

نازك و كم نمـــايان ميباشـــد ، باستثناى خط ازدواج كه در غالب دستها بطور وضوح ديده ميشود يا خطوط كمكى و پيش حسى و مسافرت و حلقه ناهيد كه در بعضى ازدستها خوب نمايان است :



(شكل ٢٧)

١ـ خط ازدواج ـ كه تعداد ازدواج ، نيكبختى يا بدبختى ، توافق يا عدم توافق وجدائى با همسر را معين ميكند .

۲ـ خط اولاد ـ که تعداد اولاد و فرزند دختر یا پسر و سلامتی یا مرگ آنانرا نشان میدهد .

۳ـ خط مسافرت ـ مسافرتهای بزرگ و ضررونفع یا خطرآنرا معلوم مینماید .

۴ـ خط مهاجرت ـ مسافرتهای طولانی وهجرت ازوطن را این خط اعلام میدارد.

۵ـ خط اندوه ـ غم و غصه‌های بزرگ و مرگ اقوام ودوستان نزدیك را این خط نشان میدهد .

۶ـ خط کمکی ـ این خط سعادت وسلامتی کامل رانمایش میدهد.

۷ـ حلقه‌ناهید ـ نمودارعشق به‌هواپرستی وتمایلات نفسانی است.

۸ـ خط ترقی ـ ترقی وپیش رفتهائیکه در نتیجه لیاقت شخصی است پیش بینی میکند .

۹ـ خط تنزل ـ خسارات و تنزل مقام را این خط تعیین میکند.

۱۰ـ خط نخوت ـ این خط صاحب دست را متکبر ومغرور و خودخواه معرفی میکند .

۱۱ـ خط تجارت ـ استعداد به تجارت و علم اقتصاد را نمایان میسازد .

۱۲ـ خط کیاست ـ از این خط فهم و کیاست صاحب دست معلوم میشود .

۱۳ـ خط تقلب ـ این خط معرف تقلب و نادرستی وخیانت است.

۱۴ـ خط وجدان ـ شرافت ، وجدان وخیرخواهی از این خط مشخص میشود .

۱۵ـ خط جدیت ـ این خط نشان دهنده جدیت و پشتکار است .

۱۶ـ خط جنون ـ علامت جنون و بی عقلی و امراض دماغی است.

۱۷ـ خط پیش حسی ـ روشن بینی و پیش حسی حتی غیبگوئی را معلوم میکند .

۱۸ـ خط بهشت مصنوعی ـ دلیل بر عشق و اعتیاد به مواد مخدره و الکل است .

۱۹ـ خط فصاحت ـ قدرت بیان و استعداد به نطق و سخنرانی را نشان میدهد .

۲۰ـ خط علم و هنر ـ این خط استعداد بعلوم و ترقیات در امور فنی را معین میکند .

۲۱ـ خط ارث ـ این خط بهره از ارث را برای صاحب دست پیش بینی میکند .

۲۲ـ خط شهوت ـ دلیل بر عشق به لهو و لعب و شهوت پرستی است.

د ـ تخته دست



(شکل ۲۸)

در کف دست سطح واقعه مابین خط قلبی و خط سر را تخته دست مینامند :

این قسمت برحسب وسعت و علائم منقوشه در آن ، صحت و سلامتی یا عدم سلامتی و ابتلای بامراض ریوی و ضیق ـ النفس، خوش قلبی و پاك طینتی یا پست فطرتی و دورنگی ، وفا و محبت یاحسادت ودشمنی، ولخرجی واصراف یا خست و

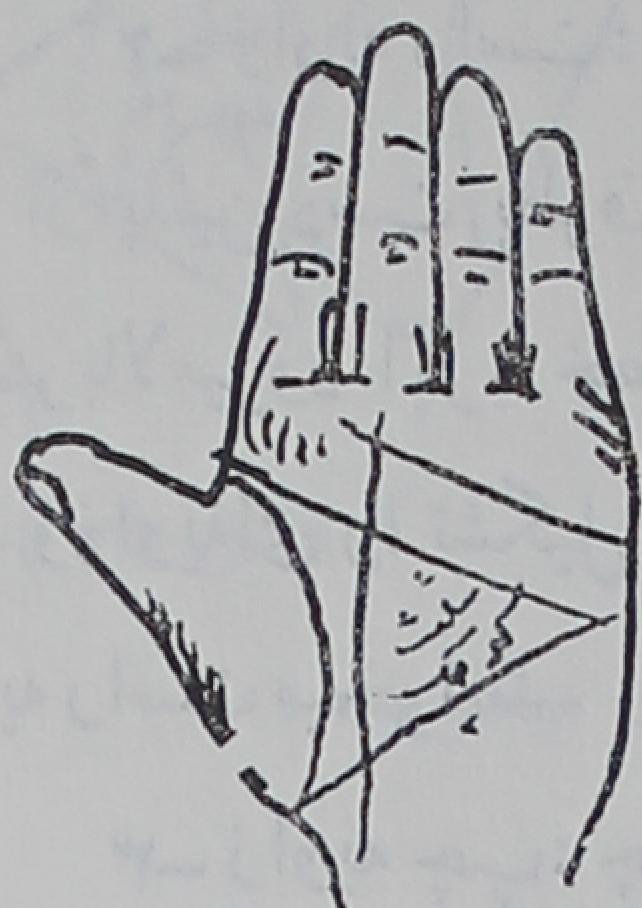
دنائت طبع، وجدان وعاطفه یا خبث طینت مشخص میشود وهمچنین میتوان ترقی و پیشرفت‌های در خارج از وطن وسعادت ونیکبختی یا مسافرتهای بیفایده وبد شانسی را پیش بینی نمود .

هـ ـ مثلث

در کف دست دونوع مثلث تشکیل میشود :



(شکل۲۹)



(شکل۳۰)

۱ـ مثلث بزرگ: که از خطوط سر، عمروکبدی تشکیل میگردد وبرحسب رنگ وشکل خطوط واندازه آن هوش ، ذکاوت وافکار بلند یابی هوشی‌وکوته فکری، سلامتی‌یاضعف قوای جسمانی‌رانشان میدهد.

۲ـ مثلث کوچك : این مثلث ازخط تقدیر و خطوط سر و کبدی تشکیل میشود.

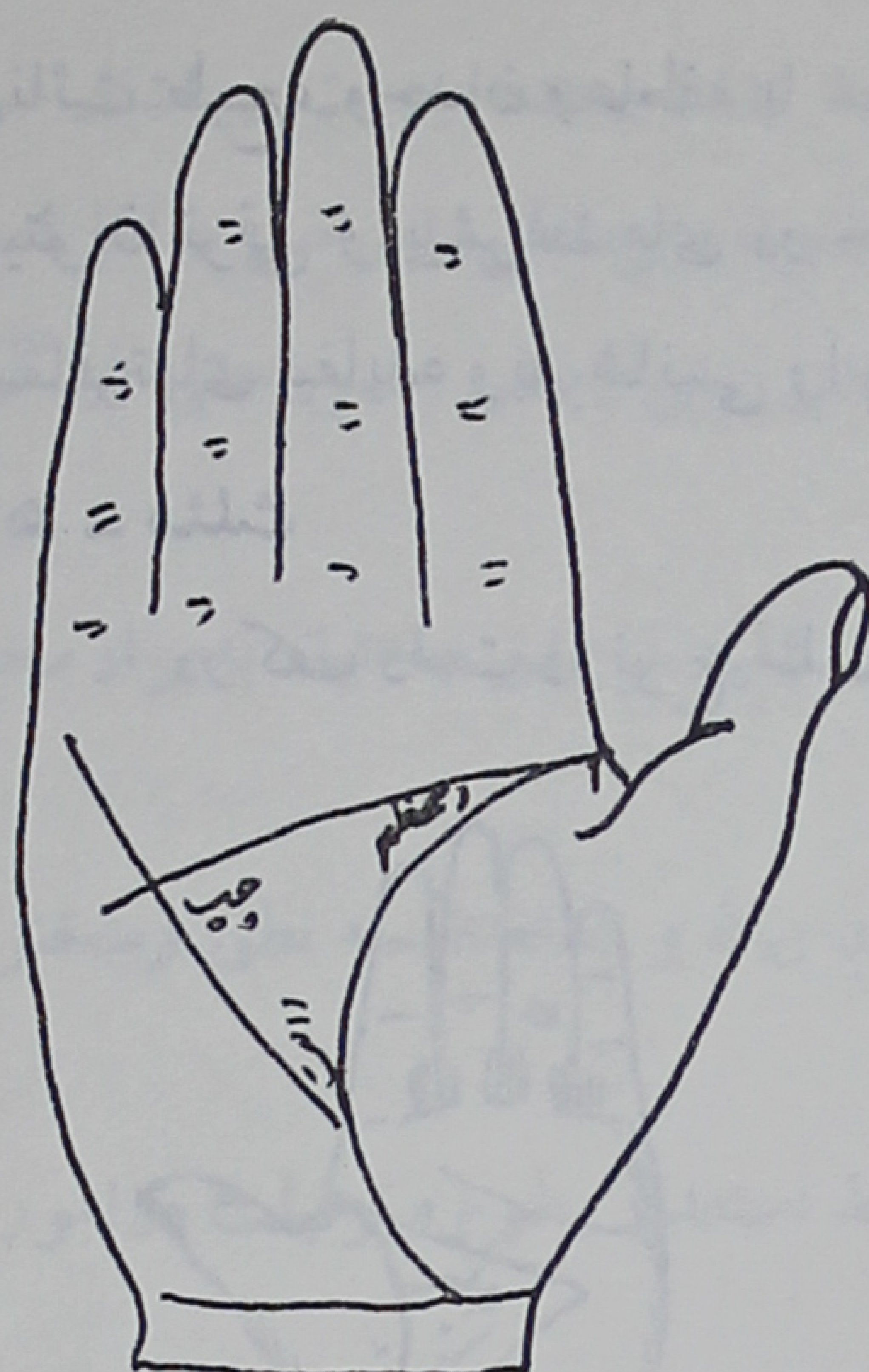
این‌مثلث نیز برحسب رنگ وشکل خطوط واندازه‌آن قوه عقل وتفکر، عاقبت اندیشی وبالنتیجه ترقی وسعادت یا نادانی وبی‌فکری و بالنتیجه عدم پیشرفت درزندگی را معین میکنند.

و ـ زاویه

درکف دست از اتصال خطوط سر، عمر وکبدی سه نوع زاویه

رسم میشود :

۱ـ زاویه اعظم: زاویه‌ای که از اتصال خط سر و خط عمر در ما بین انگشتان سبابه و شست تشکیل میشود، زاویه اعظم نام دارد.



(شکل ۳۱)

۲ـ زاویه راست: خط کبدی که از پائین دست بطرف انگشت خنصر بالا میرود اگر با خط سر تلاقی کند و زاویه‌ای را تشکیل دهد، آنرا زاویه راست میخوانند.

۳ـ زاویه چپ: چنانچه خط کبدی در پائین دست از خط عمر شروع شود و تشکیل زاویه دهد، زاویه چپ مینامند.

این زاویه‌ها، برحسب اینکه حاده باشد یا منفرجه و تعیین درجه آنها میزان و درجه عقل و هوش و فراست یا نادانی و بی شعوری، نجابت یا دنائت طبع صاحب دست را معین میکند.

ز ـ صفحه بهرام

قسمت وسط کف و سطح واقعه در مثلث و زاویه‌ها را صفحه بهرام نام نهاده‌اند .

صفحه بهرام یا وسط کف برحسب اینکه مسطح و برآمده باشد، یاگود و فرو رفته، صاف و بدون خط باشد، یاچین خورده و پراز خطوط ریز و همچنین علائم منقوشه در آن خیرخواهی و انسانیت یا سبعیت و

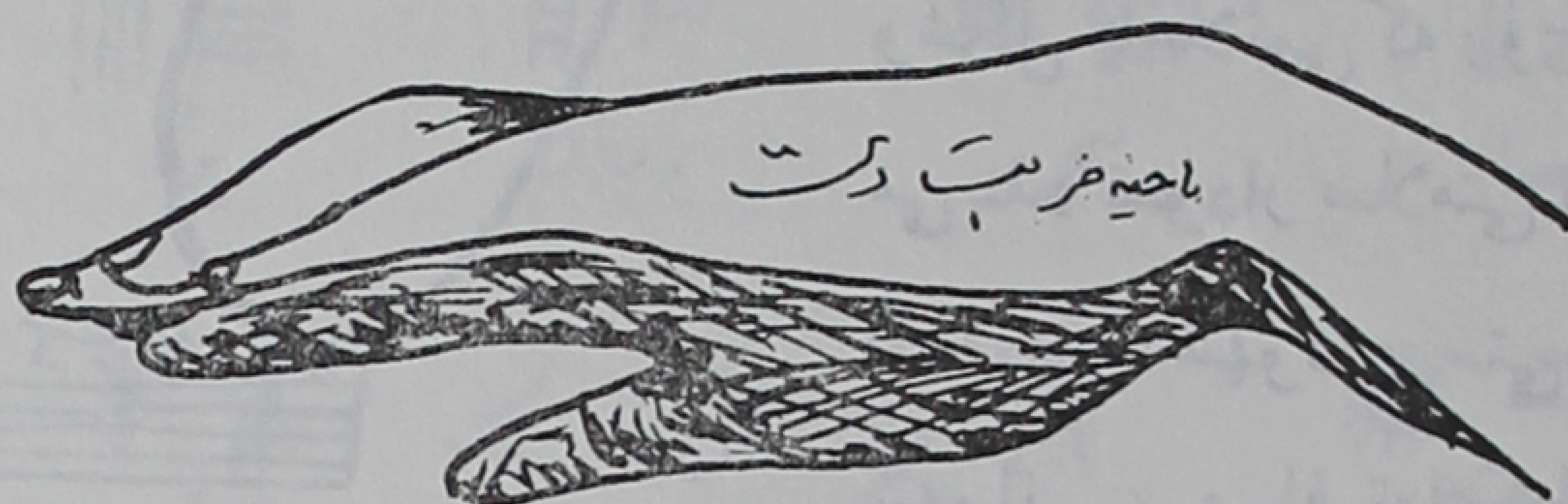


(شکل ۳۲)

خوی حیوانی ، خونسردی و آرامش و زندگانی آرام و بی دغدغه یا حساسیت وزندگی متلاطم، جنگجوئی وشورش- طلبی ، استعداد به فنون جنگی و امور نظامی را نشان میدهد .

ح ـ ناحیه ضربت دست

لبه دست و قسمت پشت تپه‌های تیر، بهرام‌وماه محلی که درموقع کوبیدن مشت به‌میز یا چیزدیگری تصادم میکند وضربت را وارد میسازد ، ناحیه ضربت دست میگویند .



(شکل ۳۳)

ناحیه ضربت دست بر سه قسمت تقسیم میشود :

۱ـ قسمت بالای آن که محاذی تپه تیر و در زیر انگشت خنصر میباشد متعلق به‌تپه تیر و محل شروع خط ازدواج و خط اولاد است .

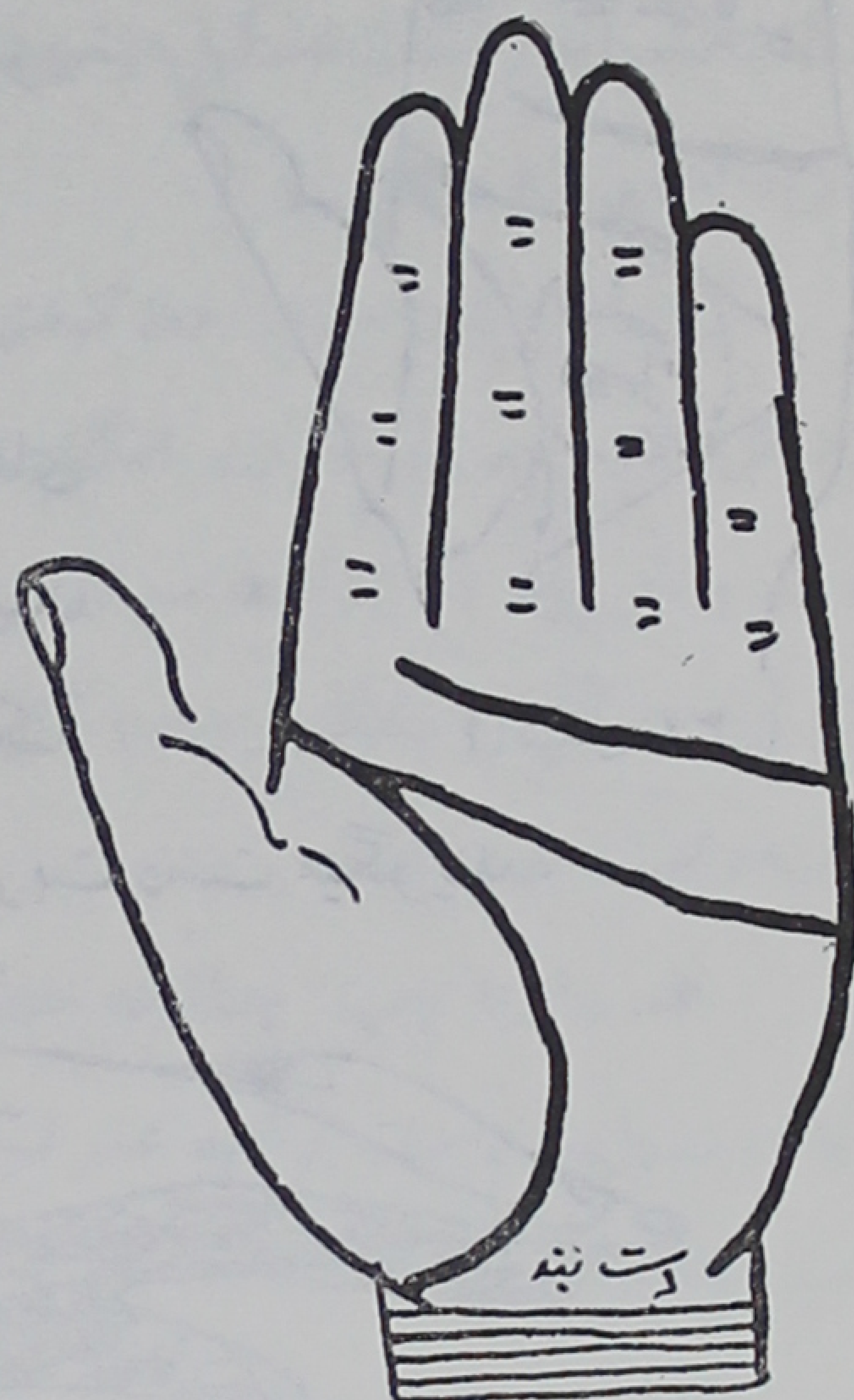
۲. قسمت وسط آن درزیر تپه تیر و به‌تپه بهرام تعلق دارد واگر برآمدگی یا علائمی داشته باشد مربوط به تپه بهرام است .

۳ـ قسمت پائین از زیر تپه بهرام تا مچ دست متعلق به تپه‌ماه و محل شروع خط مسافرت میباشد وگاهی هم خط تقدیر از این محل

شروع میشود .

ثالثاً ـ مچ دست که شامل دستبند یا خط سعادت میباشد.

خط یاخطوطی که مچ‌دست‌را احاطه‌میکند، دستبند نامیده‌میشود.



(شکل ۳۴)

دستبند غالباً دو یا سه خط وگاهی‌تعداد آن به‌چهار یا پنج‌خط هم میرسد .

دستبند ، ابتدا و شروع آن از زیر انگشت شست وانتهای آن زیر تپه ماه است .

دستبندبرحسب‌تعدادخطوط وشکل یاعلائمی که روی آن نقش می‌بندد نمودار سلامتی وسعادت، طول‌عمر، شهوت‌پرستی‌وعشقهای شهوانی ، مسافرتهای طولانی و بهره از ارث میباشد.

علائم

علائمی که در نواحی مختلف کف دست تشکیل و رسم میشود عبارت است از :

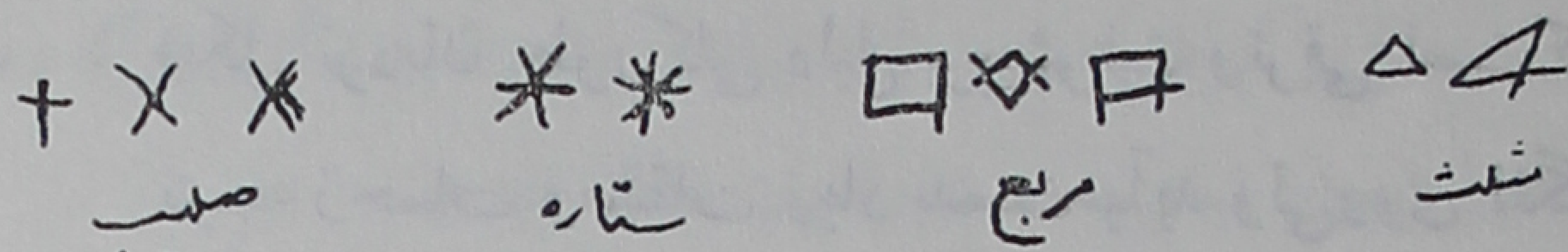
صلیب : این علامت در روی خطوط نشانه امراض، گرفتاری‌ها و خسارات است بخصوص اگر خط را ببرد ولی در روی انگشتان یا تپه‌ها معانی خاصی دارد.

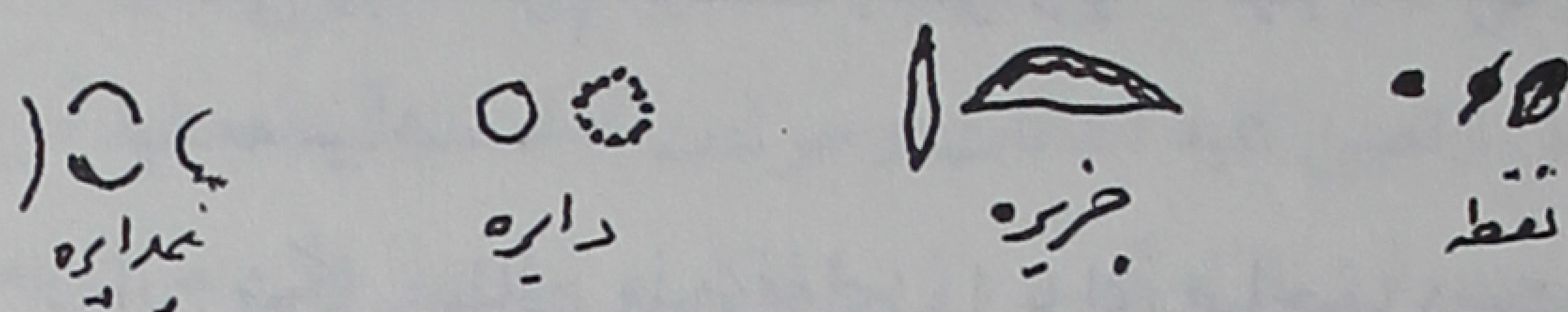
ستاره : ستاره حوادث ناگوار و مخاطرات را نشان میدهد مگر در

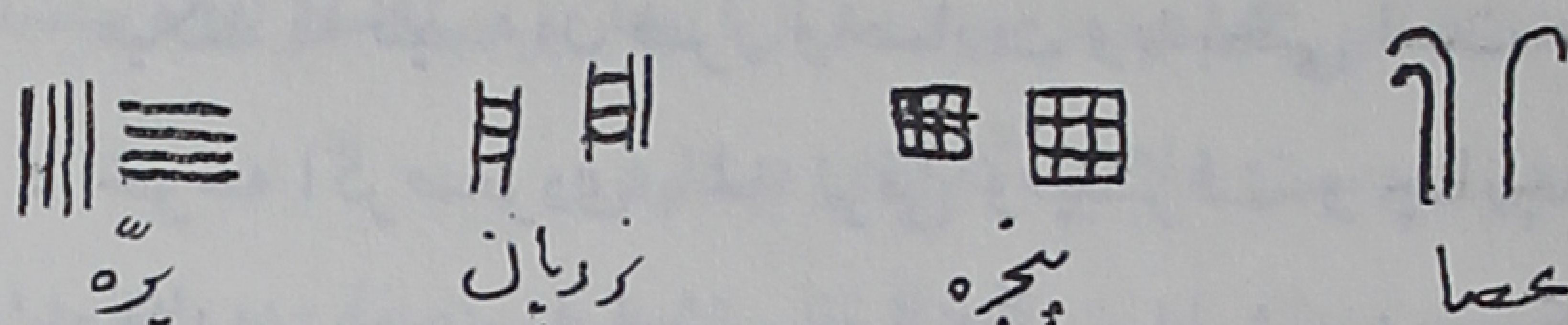
بعضی از نقاط که علامت سعادت و خوشبختی است.

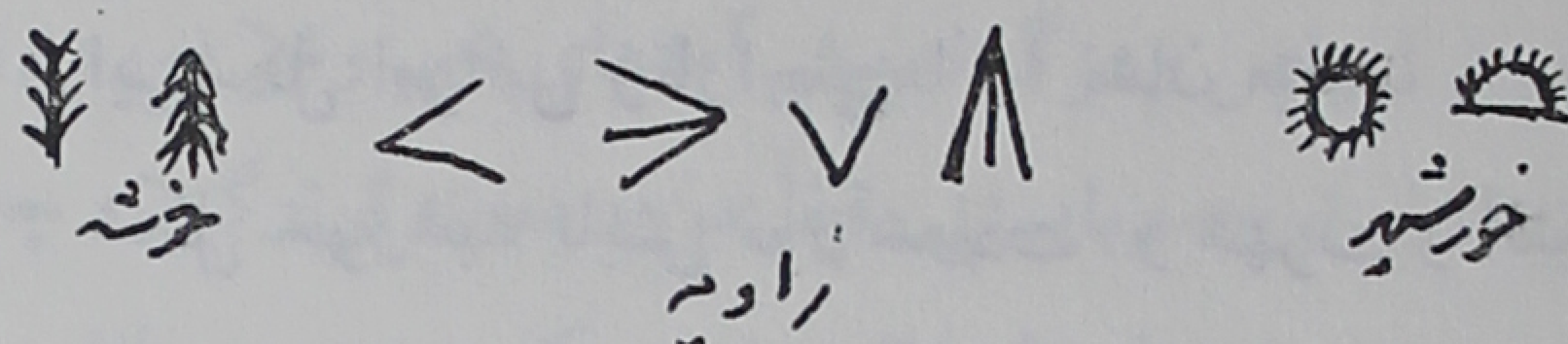
مربع : این علامت صاحب دست را از مخاطرات حفظ میکند.

مثلث : در روی تپه‌ها استعداد بعلوم مختلفه را معین میکند ولی در نواحی دیگر تعبیر خاصی دارد .









(شکل ۳۵)

نیمدایره : شکل نیمدایره علامت خوبی نیست و برحسب تقعر و تحدب آن تعبیر میشود .

دایره : برحسب محلی که رسم میشود تعبیرهای مختلفی دارد .

جزیره : این علامت که از دو خط منحنی تشکیل میشود بطور کلی امراض و مخاطرات را معین میکند مگر در خط تقدیر که نشانه ازدواج واتحاد میباشد .

نقطـه : برحسب رنگ ومحل، امراض مختلفی‌را نشان میدهد.

پره‌ها : پره‌ها بر دو نوع است : پره‌های قائم که غالباً مساعد است وپره‌های افقی که نشان‌دهنده موانع وامراض است.

پنجـره : این شکل که ازخطوط عمودی وافقی تشکیل‌میشود امراض وموانع را نمودار میسازد.

نردبان : شکل نردبان بطورکلی دلیل برپیشرفت وترقی است که در نتیجه زحمات ومشقات زیاد بدست‌میآید ولی‌روی انگشت وسطی وبند سوم انگشت بنصر وتپه ناهید علامت ضرر و صدمه میباشد.

عصـا : این شکل صفات مذمومه‌ای را برای صاحب دست معرفی میکندکه نتیجه‌آن ضرر وخسارت وبدبختی است.

خوشه : خوشه اگرصعودی باشد ترقی و پیشرفت و چنانچه نزولی باشد ضرر وخسارات دوره زندگی را پیش‌بینی میکند.

زاویه : این‌شکل امراض وناراحتی‌ها را نشان میدهد.

خورشید : شکل خورشید تابش نور سعادت و شهرت و افتخـار را برای صاحب دست پیش‌بینی میکند.

دست راست و دست چپ

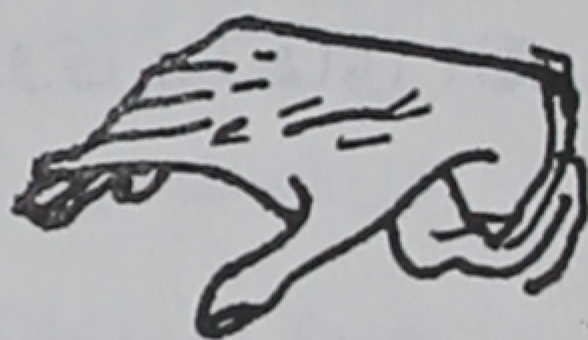
بعضی از کفشناسان فقط بمطالعه دست چپ قناعت میکننـد و نظرشان این‌است که خطوط و علائم دست راست در نتیجه کار و عمل محو میشود مگر کسی که چپ دست باشد ودراین‌صورت دست‌راست باید مورد مطالعه قرارگیرد. برخی معتقدند دست چپ مربوط به‌گذشته انسان و دست راست وضع آینده را نمایان میسازد. نظر عده‌ای این است : دست راست نمودار صفات و استعداد و دست چپ امراض و

حوادث را بیان میکند. عده‌ای دیگر عقیده دارند دست‌راست نمایشگر امراض یا سلامتی وطول عمر ودست چپ سرنوشت را تعیین میکند. بعضی‌هم معتقد هستند صفات واخلاق موروثی و ذاتی و سرنوشت را دست چپ واخلاق وعادات اکتسابی وپیش آمدهائی که موجب خیر و سعادت وعقل و هوش موجد آن میباشد یا حوادث‌ناگواری که درنتیجه افکار غلط ایجاد میشود دست راست نشان میدهد .

ولی‌اکثریت براین عقیده‌اندکه برای تشخیص‌صفات واستعدادها یا امراض وتعیین کلیه اتفاقات وحوادث‌گذشته وآینده باید هردودست مورد معاینه دقیق قرارگیرد ، زیرا افکار و نیات و حتی هرگونه فکر و احساسات باطنی اول‌بمغزمیرود وازآنجا بوسیله‌سلولها وسلسله‌اعصاب درکف هردودست علامت‌گذاری میشود .

آنچه محق است چه ازنظر تشخیص صفات و استعدادها و چه ازنظر تعیین امراض وهرگونه پیش آمدهای خیر وشر دوره زندگی، هر دو دست قابل توجه وبایستی دقیقاً مورد معاینه قرارگیرد، چه بسا دیده شده دست راست دارای علائمی است که دست چپ فاقد آن و یا بالعکس است .

بنابراین بهتراین‌است هردودست دقیقاً‌مطالعه‌وعلائم‌آن یادداشت شود وپس‌از مقایسه درصورتیکه علائم و خطوط هر دو دست مطابق و موافق باشد نتیجه حتمی و الا احتمالی است .



فصل سوم

دربیان علائم روی بندهای انگشتان

چنانچه درفصل دوم بیان‌شد قدما دوازده بند چهار انگشت دست را به‌بروج دوازده‌گانه نسبت داده وبهمان اسم نامیده‌اند : (شکل۲۵).

انگشت سبابه	بنداول حمل	بند دوم ثور	بند سوم جوزا
انگشت وسطی	بنداول سرطان	بند دوم اسد	بند سوم سنبله
انگشت بنصر	بنداول میزان	بند دوم عقرب	بند سوم قوس
انگشت خنصر	بنداول جدی	بند دوم دلو	بند سوم حوت

درباره علائم منقوشه روی بندهای انگشتان وتعبیر آنها نظریه و عقاید مختلفی‌است وبعضی از کفشناسان توجه زیادی باین‌علائم ندارند مگر برای تأیید مطلبی، دراینجا آنچه‌را عقیده اکثریت و متفق‌القولند بیان میشود :

علائم روی بندهای انگشت سبابه

بند اول (حمل) :

۱ــ ستاره روی بنداول : دلیل‌است برپیش آمد غیرمترقبه‌ای که

موجب سرور وشادمانی است .

۲ـ صلیب روی این بند: ارتباط واتحاد باطبقه عالی رانشان میدهد واشخاصی که دارای چنین علامتی هستند ازدواج وپیوند زناشوئی آنها با طبقه عالی وثروتمند خواهد بود.

(شکل ۳۶)

۳ـ وقتی ستاره و صلیب هردو روی این بند رسم شود : سعادت و نیکبختی درازدواج وتوافق با همسررا معین میکند .

۴ـ نردبان: شکل نردبان درطول بند اول ترقی و پیشرفت تدریجی صاحب دست را نشان میدهد. (شکل ۶۶)

بند دوم (ثور)

۱ـ ستاره روی بند دوم : نشانه ترقی و پیشرفت است و صاحب دست بواسطه لیاقت شخصی و پشتکار و جدیت مقام‌های ارجمندی را اشغال خواهد نمود .(شکل ۱۱۹)



(شکل ۳۷)

۲ـ وقتی ستاره باخط عمودی و مستقیم همراه باشد که از مفصل انگشت عبور کند و به‌بند اول برسد : در دست مرد نشانه عفت نفس و در دست زن علامت عفت و پاکدامنی

است. شکل (۱۷۶)

۳ـ ستاره روی این بند که نیمدایره‌ای روی آن سوار شود : در دست‌مرد علامت شهوت‌پرستی و بی‌شرمی ودردست زن نشانه بی‌عفتی و بی‌عصمتی‌است، اشخاصی که دارای این‌علامت‌هستند درنتیجه‌عیاشی‌و عشق‌به‌هواپرستی‌عاقبت‌حیثیت‌وشرافت‌خانوادگی‌خود‌را‌لکه‌دار‌میسازند.

۴ـ صلیب روی‌بنددوم: دلیل‌بردوستی‌ومعاشرت بابزرگان‌است.

وقتی ستاره با صلیب توأماً روی‌این‌بند رسم شود: صاحب‌دست بواسطه لیاقت و هوش و جلب مساعدت اشخاص عالیمقام در زندگی پیشرفت و بمقام ومرتبه خواهد رسید. (شکل۳۸) .

۵ـ پنجره روی این‌بند : عشقهای شهوانی ومعاشرت‌های ناباب مانع ازترقی وپیشرفت صاحب دست میشود .

۶ـ مربع‌روی‌همین بند: دردست‌مرد، امراض تناسلی ودردست زن، زایمان سخت را نشان میدهد، ولی ازخطر محفوظ است .

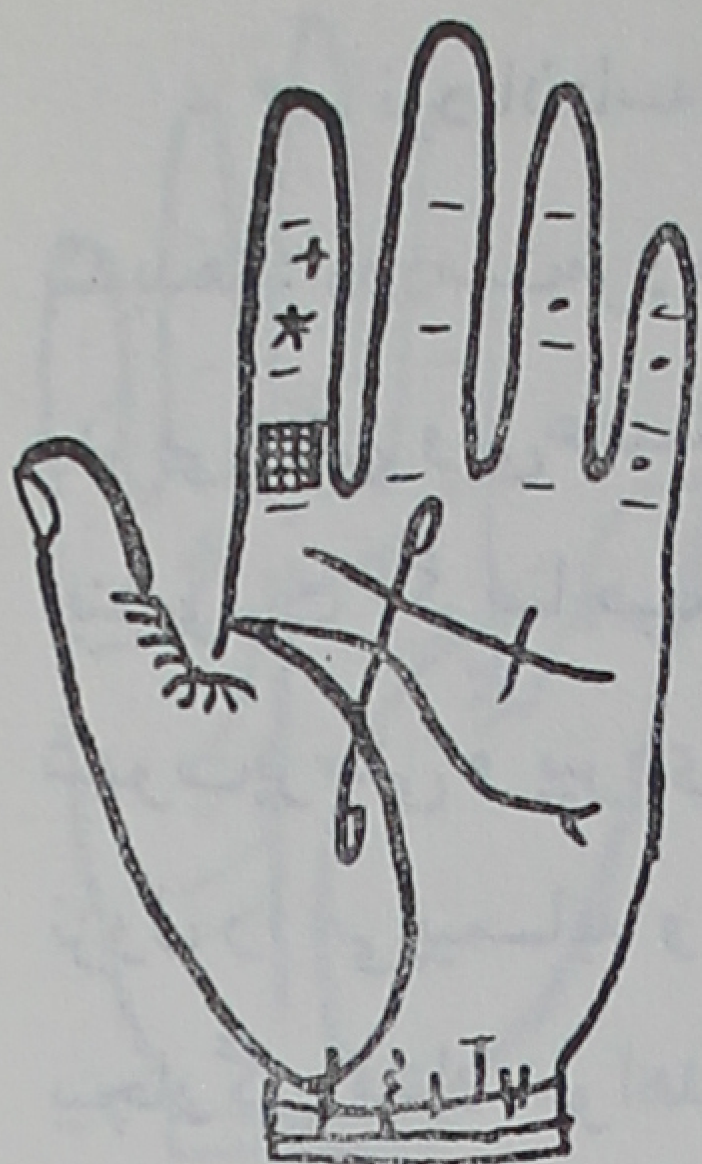
بند سوم جوزا

۱ـ صلیب یا ستـاره روی بنـدسوم: شهوت پرستی و دردست زن بی‌عصمتی و بی‌حیائی را نشان میدهد .

۲ـ مثلث روی این‌بند: استعداد بامور سیاسی را معین میکند . (شکل۱۶۶)

۳ـ دو یا سه خط قائم و روشن در طول‌بند : بهره و نصیب از ارث‌را پیش‌بینی میکند .

۴ـ پنجره روی این بند : عشق بهواپرستی را نشان میدهد ، دراینصورت اگر صاحب دست زن باشد ، بواسطه عشقهای شهوانی



(شکل ۳۸)

وسرپیچی ازشوهر، آرامش را ازخود سلب و زندگی‌را برخودحرام وتلخ‌میسازد و چنانچه این علامت در دست مرد باشد ، عشق به شهوت‌پرستی و تمایلات نفسانی و معاشرت با اشخاص ناجوروناباب مانع ازترقی‌وپیشرفت خواهد بود .

۵ـ نقطه‌پررنگ‌روی‌مفصل‌سوم انگشت سبابه: دردست‌زن، دلیل‌برشهوت‌پرستی‌وبی‌عفتی است که موجب پیدایش اولاد نامشروع خواهد بود ، تعداد نقطه تعداد اولاد نامشروع ونقطه بالای مفصل اولاد پسر واگر در زیر مفصل باشد اولاد دختر را نشان میدهد.

علائم روی بندهای انگشت وسطی

بند اول (سرطان)

۱ـستاره‌روی‌بنداول: حادثه‌شومی‌رابرای‌صاحب‌دست‌خبرمیدهد.

۲ـ صلیب روی این‌بند: مرگ یکی از دوستان یابستگان نزدیك را نشان میدهد.

۳ـ مربع‌روی‌همین‌بند: صاحب دست رامتعصب وپای‌بندمذهب معرفی میکند.

بند دوم (اسد)

ستاره روی‌بند دوم: پیش آمدی رانشان‌میدهد که موجب‌ناراحتی صاحب دست خواهد شد.

۲ـ صلبب روی‌این‌بند: عدم توافق‌وجدائی باهمسر رانشان‌میدهد.

۳ـ نردبان یاسه خط عمودی که دو خط آن تشکیل نردبانی را روی این



(شکل ۳۹)

بند بدهد: دردست مرد شهوت پرستی و در دست زن بی‌عفتی و بی‌عصمتی را نشان میدهد ، در اینصورت اگر صاحب دست مرد باشد، بواسطه شهوت پرستی و پیروی از تمایلات نفسانی راه نزول را می‌پیماید و عاقبت به بدبختی و بیچارگی مبتلا خواهد شد و اگر صاحب دست زن باشد، در نتیجه شهوت پرستی و بی‌عفتی کار به‌رسوائی و بدنامی کشد و عاقبت وخیمی را خواهد داشت .

بند سوم (سنبله)

۱ـ دو مثلث متقابل الرأس روی بند اول: شانس وسعادت خارج ازمیهن را نشان میدهد وصاحب دست دور ازمیهن و محل مولد خود بشهرت وافتخار خواهد رسید . (شکل۳۹)

۲ـ ستاره یا صلیب روی این بند : دردست مرد امراض تناسلی ودر دست زن نازائی یا خطر زایش را نشان میدهد . (شکل ۱۳۹)

۳ـ یك خط قائم ومستقیم روی همین بند : ترقی و پیشرفت در نظام را معین میکند، اما چنانچه این خط از زیر مفصل وبالای تپه کیوان شروع وتا آخر بند سوم بالا رود ، نشانه ظلم وستم و خونریزی است و بدیهی‌است این اشخاص عاقبت خوبی نخواهندداشت. (شکل۱۷۷).

۲ـ مثلث روی بند دوم یا روی مفصل سوم : علامت شهوت‌ـ پرستی است.


(شکل ۴۰)

بطور کلی شکل مثلث نمودار استعداد میباشد بنابراین صاحب چنین علامتی استعداد خودرا درامورشهوانی بکارمیبرد ودوره‌جوانی خودرا به‌عیاشی وبطالت میگذراند وازترقی و سعادت خود جلوگیری میکند وعاقبت خودرا بدبخت وپریشانحال میسازد .

۵ـ نقطه سیاه روی مفصل سوم انگشت وسطی : ابتلای بمرض بواسیررا نشان میدهد.

۶ـ یك خط مستقیم درطول انگشت‌وسطی: استعداد به‌مهندسی معادن را معین میکند وصاحب این‌علامت باید در رشته زمین شناسی و یا معادن کار کند تا شانس وسعادت خودرا دریابد. (شکل۱۷۶)

علائم روی بندهای انگشت بنصر

بند اول (میزان)

۱ـ ستاره روی بنداول : استعداد به‌هنر وصنعت‌را نشان‌میدهد. (شکل۶۶)

۲ـ صلیب روی‌بنداول یا روی مفصل اول این‌انگشت: علامت نعمت غیرمترقبه است و صاحب این علامت از جائیکه انتظار ندارد استفاده خواهد برد، مانند ارث .

۳ـ پره های قائم روی مفصل اول : تعداد عشقهای زودگذر را نمایان میسازد .

بند دوم (عقرب)

۱ـ ستاره‌روی بنددوم انگشت بنصر: صاحب دست‌را سخن‌چین

و فتنه‌انگیز معرفی میکند .

۲ـ صلیب روی این بند : علامت بدبینی است ، اشخاصی که دارای این علامت هستند نسبت بهمه چیز و همه‌کس بدبین و حتی از صمیمی‌ترین دوستان خود بدگوئی میکنند .

۳ـ خطوطی که بطور افقی یا عمودی روی این‌بند رسم شود : بعضی از کفشناسان تعداد اولاد تشخیص میدهند وخط عمودی را اولاد پسر وخط افقی‌را دختر میدانند .

(درمورد اولاد آنچه را که عموم کفشناسان متفق‌القولند همان خط اولاد میباشد که در دست مادر نقش می‌بندد) .

بند سوم (قوس)

۱ـ ستاره روی بند سوم : عشق بزینت و خودآرائی را نشان میدهد، بخصوص وقتی که صاحب دست زن باشد.

۲ـ صلیب روی این بند : نشانه عشق به تجمل ولوکس‌پرستی است .

۳ـ نیمدایره روی همین بند: بدبختی وبیچارگی‌را برای صاحب دست معین میکند .

۴ـ اگر دو نیمدایره درمقابل هم روی این‌بند رسم شود: صاحب دست بواسطه خیانت دوستان یا اقوام و خویشاوندان به ضرر و



(شکل ۴۱)

و خسارات زیادی مبتلا خواهد شد بخصوص اگر دو نیمدایره نزدیك بهم وخطی در وسط آن رسم شود، در اینصورت صاحب دست در اثر خیانت ودشمنی دوستان وبستگان نزدیك بدبخت وبیچاره خواهد شد.

۵- جزیره روی مفصل سوم انگشت بنصر : امراض چشم را را نشان میدهد .

۶- نقطه بزرگ یا لکه روی همین مفصل: ابتلای بامراض قلبی را برای صاحب دست نشان میدهد .

۷- شکل‌عصا روی بندسوم: علامت شیطنت وموذی‌گری‌است.

۸- پره‌های قائم روی مفصل سوم انگشت بنصـر : حوادث و پیش آمدهای ناگواری‌را نشان میدهد که مسبب آن هواپرستی وعشقهای شهوانی است .

۹- نردبان یا سه خط قائم ومستقیم که دو خط‌آن تشکیل‌نردبانی را بدهد، روی بندسوم: صدمه‌وزخم به‌قسمت علیای بدن‌را معین‌میکند اما چنانچه نردبان بلند و در طول دو بند دوم و سوم رسم شود : نشانه ترقی و پیشـرفت تدریجی است. صاحب این علامت بواسطه لیاقت شخصی و زحمـات و مشقات زیاد بتدریج پیشرفت کرده ودوره آخر عمررا با سعادت زندگی خواهدکرد .

۱۰- یك خط مستقیم درطول این بند : نشانه جرأت‌ورشادت است، اگر این‌خط ادامه پیداکند و تا آخر بند دوم بالا رود : مهارت و دانائی را نشان میدهد بخصوص وقتیکه خط



(شکل ۴۲)

مضاعف باشد .

اما چنانچه این‌خط تا بند اول بالابرود، دلیل برضرر وخسارت و بدبختی است که در نتیجه عشقهای شهوانی و معاشــرت و دوستی با اشخاص ناباب برسد. شکل(۱۲۲)

علائم روی بندهای انگشت خنصر

بند اول (جدی)

۱ـ ستاره روی بند اول انگشت خنصر: نشانه بزرگی ومتانت است، بشرط اینکه روشن و درخشان باشد . (شکل۴۴)

۲ـ صلیب روی این بند : شیطنت و بوالهوسی را نشان میدهد.

۳ـ دایره روی همین‌بند: علامت‌تزویروریا است واشخاصی که دارای این‌علامت هستند بهیچوجه قابل اعتماد نخواهند بود .

بند دوم (دلو)

۱ـ ستاره روی بند دوم انگشت خنصر: نشانه دزدی و خیانت و دروغگوئی است وبدیهی است این اشخاص عاقبت خوبی نخواهند داشت .

۲ـ صلیب روی این بند: دروغگوئی وتقلب را نشان میدهد.

۳ـ خطوط قائم وروشن روی این‌بند: بعضی از کفشناسان تعداد آنرا تعداد اولاد تشخیص میدهند .

بند سوم (حوت)

۱ـ ستاره روی بند سوم انگشت خنصر : علامت فصاحت زبان است واشخاصی که دارای‌این‌علامت‌هستند سخنور وشیرین کلام‌هستند.

۲ـ صلیب روی‌این‌بند : هوش‌وذکاوت‌را نشان‌میدهد، اماچنانچه

این‌علامت از دوخط نامساوی تشکیل شود صاحب دست هوش و عقل خود را در راه غلط بکار میبرد وهمیشه سعی میکند با دروغ وحقه‌بازی درکار خود موفق شود.

۳- مربع یا چهار خط افقی وعمودی که تشکیل مربعی‌را بدهد: نمودار ذوق به‌مطالعه وتحصیل علوم است.



(شکل ۴۳)

مربع بطور کلی علامت حفظ میباشد بنابراین اشخاصی که دارای چنین علامتی میباشند بواسطه عشق و ذوقی که بتحصیل و مطالعه دارند از وسوسه نفس و خطرات دوره جوانی محفوظ و در امان هستند و در نتیجه ادامه‌تحصیل ترقی و پیشرفت خواهند کرد بخصوص اگر تحصیلات خود را دررشته علوم دینی یاقضائی ادامه‌دهند معمولا واعظین وقضات عالیرتبه‌دارای این‌علامت میباشند.

۴- دایره روی این بند : نشانه دزدی و دروغگوئی است، درصورتیکه دایره کوچك وتعداد آن بیش‌از یکی باشد و در پائین بند ونزدیك مفصل قرارگیرد : شهوت پرستی‌را نیز نشان میدهد وصاحب این علامت بواسطه عشقی که به‌عیاشی وهواپرستی‌دارد دست بهرکاری میزند.

۵- نقطه یانقاط سفید روی بند سوم : نشانه تب‌های حاد است.

۶- نقطه یا نقاط قرمز رنگ روی مفصل سوم: شهوت پرستی و

در دست زن ، نشانه بی‌عفتی است ، هرچند تعداد نقطه زیادتر باشد ، شدت شهوت‌پرستی بیشتر است.

۷ـ خطوط قائم که ازمفصل‌سوم شروع وتاآخر بنددوم بالارود: استعداد به‌طب و داروسازی را معین میکند .

۸ـ خطوط مستقیم و روشن روی بند سوم : نشانه جدیت و فعالیت است .



(شکل ۴۴)

چنانچه این‌خطوط اززیرمفصل‌انگشت شروع وتاآخربنددوم بالارود علامت پیشرفت وترقی است و صاحب چنین علامتی بواسطه جدیت و پشتکار در زندگی موفق و ترقی و پیشرفت خواهد کرد .

اگر این خطوط ادامه پیداکند و تا بند اول بالا رود : استعداد بامور جنگی ونظام را معین میکند و این اشخاص میتوانند درنظام بدرجات عالی مفتخر شوند .

ولی اگر خط خیلی ضخیم ومخصوصاً روی بند سوم شکافی را تشکیل دهد علامت شورش طلبی است. (شکل۵۶)

۹ـ خطوط ضخیم و کوچك که بطور افقی روی این بند نقش بندد : صاحب دست را دزد و دروغگو ومتقلب معرفی میکند .

علائم روی انگشت شست

بند اول

۱ـ ستاره روی بند اول شست : در دست مرد کینه و بی‌رحمی

و در دست زن خدعه و فریبندگی را نشان میدهد .

۲ـ صلیب روی این بند : دلیل برحسادت و دورنگی است و دوستی ومعاشرت با این اشخاص موجب ناراحتی وبدبختی است.

۳ـ صلیب‌های کوچك روی مفصل اول شست یا خطوط کوتاه عمودی که روی مفصل‌اول این‌انگشت رسم شود وتشکیل صلیب‌بدهد: صاحب دست را باتقوی وپاکدامن معرفی میکند .


(شکل ۴۵)


(شکل ۴۶)

۴ـ دایره که باخطی در وسط قطع‌شود: ارتکاب به‌جرم وجنایت را معین میکند وصاحب این علامت بواسطه ارتکاب به‌جنایت به‌حبس ابد یا اعدام محکوم وبسزای اعمال خود خواهد رسید .

۵ـ پره‌های ظریف روی این بند: استعداد به‌ذکام و برونشیت را نشان میدهد .

۶ـ خطوط ضخیم وکوتاه روی این بند یا مفصل اول: صاحب دست را لاقید و بی‌دین معرفی میکند. (شکل۱۰۵)

بند دوم شست

۱ـ صلیب روی بند دوم : در دست مرد عشقهای شهوانی و در دست زن، نشانه بی‌حیائی و بی‌عفتی است. (شکل۴۷)

۲ـ ستاره روی این بند : نیز در دست مرد شهوت پرستی و در دست زن بی‌عصمتی را نشان میدهد.

چنانچه ستاره درپائین‌بند وروی خط مفصل رسم‌شود: بدبختی در ازدواج را معین میکند، این‌اشخاص بواسطه عیاشی وشهوت‌پرستی زندگی را برخود تلخ میکنند وهمیشه باعدم توافق باهمسر واختلافات داخلی روبرو هستند .



(شکل۴۷)



(شکل۴۸)

۳ـ دایره‌ای که با خطی در وسط آن قطع شود : خطر از آب و غرق‌شدن را اعلام میکند .

اگر دایره قطع شده روی مفصل دوم قرارگیرد: صاحب دست را دزد وبدجنس معرفی میکند و صاحب این علامت نیز عاقبت خوبی

نخواهد داشت .

۴- زاویه روی بنددوم: برونشیت مزمن را برای صاحب دست نشان میدهد. شکل(۴۷)

۵- دو یا سه نیمدایره قرمز رنگ روی بند دوم: عاقبت وخیمی را برای صاحب دست پیش‌بینی میکند، این علامت در دست اشخاص جانی و آدم‌کش رسم میشود .

۶- یك خط عمیق وپررنگ روی این بند : نیز نشانه ارتکاب به گناه است بخصوص اگر خط بطور افقی روی بند دوم رسم شود دراینصورت عاقبت بدی را پیش‌بینی میکند .

۷- خوشه روی این بند : امراض ریوی شدید و خطیر را نشان میدهد. (شکل ۸۱)

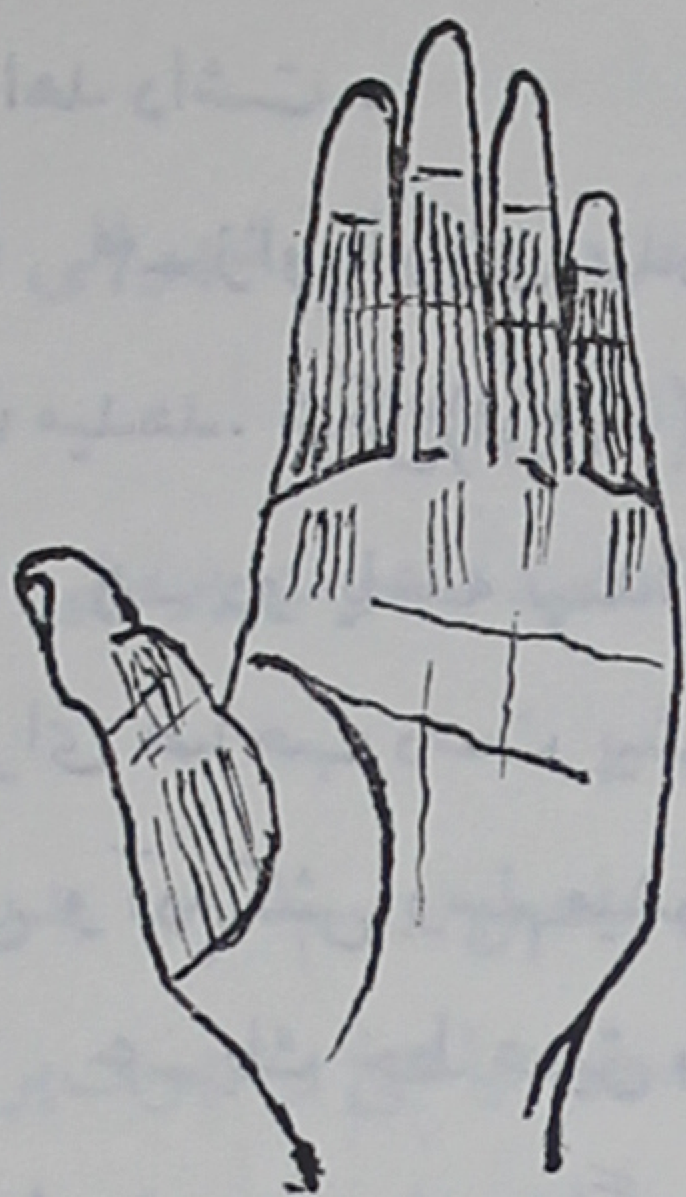
۸- خطوط خوشرنگ وظریف که ازروی بنددوم شروع وپائین آید ومفصل دوم را قطع نماید : تعداد خواهر وبرادر را معین میکند . (شکل۱۳۴)

۹- خط مستقیمی که از تپه ناهید شروع وپس‌از عبور از مفصل دوم وبند دوم به‌مفصل اول شست برسد: خطر ازعیاشی وشهوت‌پرستی را اعلام میدارد، صاحب چنین علامتی ممکن است بدست‌رقیب بقتل برسد. (شکل۶۶)

«دسبارول» عقیده دارد پره‌های روشن وقائم درطول دوبند دوم وسوم انگشتان استعداد ها را معین میکنند :

۱- روی انگشت سبابه : استعداد به امور سیاسی .

۲- روی انگشت وسطی : استعداد به امور کشاورزی و گیاه -



(شکل ۴۹)

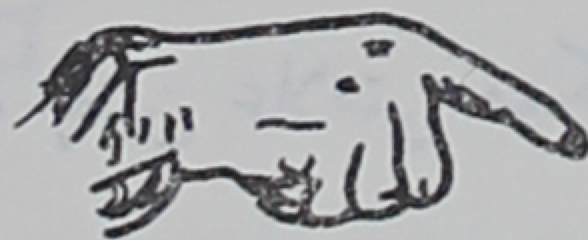
شناسی .

۳ـ روی انگشت بنصـر :

استعداد به‌علوم شیمی .

۴ـ روی انگشت خنصـر :

استعـداد به طب و دارو سازی یا دندانپزشکی .



فصل چهارم

تپه‌های هفتگانه دست

بطوریکه درفصل‌دوم بیان شده کف دست دارای هفت‌تپه میباشد که بنام کواکب هفتگانه نامیده میشوند :



(شکل ۵۰)

۱ـ تپه برجیس: برآمدگی در زیر انگشت سبابه .

۲ـ تپه کیوان : برآمدگی در زیر انگشت وسطی.

۳ـ تپه‌خورشید: برآمدگی درزیر انگشت بنصر .

۴ـ تپه تیر : برآمدگی در زیر انگشت خنصر .

۵ـ تپه بهرام : برآمدگی درپائین تپه تیر (زیرخط قلبی).

۶ـ تپه ماه : برآمدگی از

زیر تپه بهرام تا مچ دست .

۷ـ تپه ناهید : بر آمدگی زیر انگشت شست درداخل خط عمر.

که برحسب پستی و بلندی ، محل وقوع و علائم منقوشه روی هریك ازآنها ، روحیات ، صفات ، استعدادها ، سعادت ونیکبختی یا بدبختی صاحب دست تشخیص‌داده‌میشود واینك بشرح‌هریك جداگانه‌میپردازد:

(تپه برجیس مشتری)

تپه برجیس درصورتیکه درمحل اصلی خود یعنی درزیرانگشت سبابه قرارگیرد واز حیث پستی وبلندی متوسط باشد: نشانه شرافت و جاه‌طلبی نجیبانه است، این اشخاص بواسطه نجابت فطری و اصالت فامیلی و دوستی با بزرگان و لیاقت شخصی بمقامات عالی رسیده و سعادتمند خواهند شد .

چنانچه تپه درمحل خود یعنی زیرانگشت سبابه نباشد و بطرف انگشت وسطی متمایل شود : پیشرفت و سعادت در زندگی را متزلزل میسازد و صاحب دست در دوره زندگی با حوادثی روبرو خواهدشد.

وقتی برجستگی تپه زیاد باشد : غرور و جاه‌طلبی‌را نشان میدهد و اگر برجستگی آن بحد افراط باشد نمودارکبر و نخوت است، این اشخاص بواسطه عشق به‌ریاست وتسلط، متکبر، مغروروازخودراضی و دوست دارند باکبرونخوت برزیردستان حکومت کنند، بنابراین‌همیشه منفور هستند .

عدم‌تپه یعنی‌زیرانگشت سبابه‌مسطح وهیچگونه برآمدگی‌نداشته ویا فرورفته باشد: بعکس فروتنی وتنبلی را نشان میدهد ، این اشخاص بواسطه بی‌لیاقتی وضعف نفس قابل‌ترقی نیستند وهمیشه درتحت تسلط

دیگران واقع میشوند و در دوره زندگی پیشرفت قابل‌توجهی نخواهند داشت .

علائم منقوشه روی تپه برجیس

۱ـ صلیب: بطور کلی این‌علامت درروی تپه برجیس خوب‌است ونشانه ازدواج باسعادت‌است، بخصوص‌وقتی صلیب متساوی‌الاضلاع باشد ودرانتهای خط قلبی قرارگیرد، این‌اشخاص‌خوش‌اخلاق، عطوف ومهربان هستند ودرعشق وازدواج شانس‌دارند، ضمناً این علامت بهره از ارث را برای صاحب دست پیش‌بینی میکند.



(شکل ۵۱)



(شکل ۵۲)

چنانچه خط قلبی در انتها بطرف خط سرپائین آید وروی این‌تپه صلیب مایلی را تشکیل دهد : شانس در ازدواج را خنثی میکند واین علامت نشان دهنده‌عدم توافق‌باهمسراست‌وبدیهی‌است موجب کدورت خاطر وناراحتی‌های درزندگی خواهد بود .

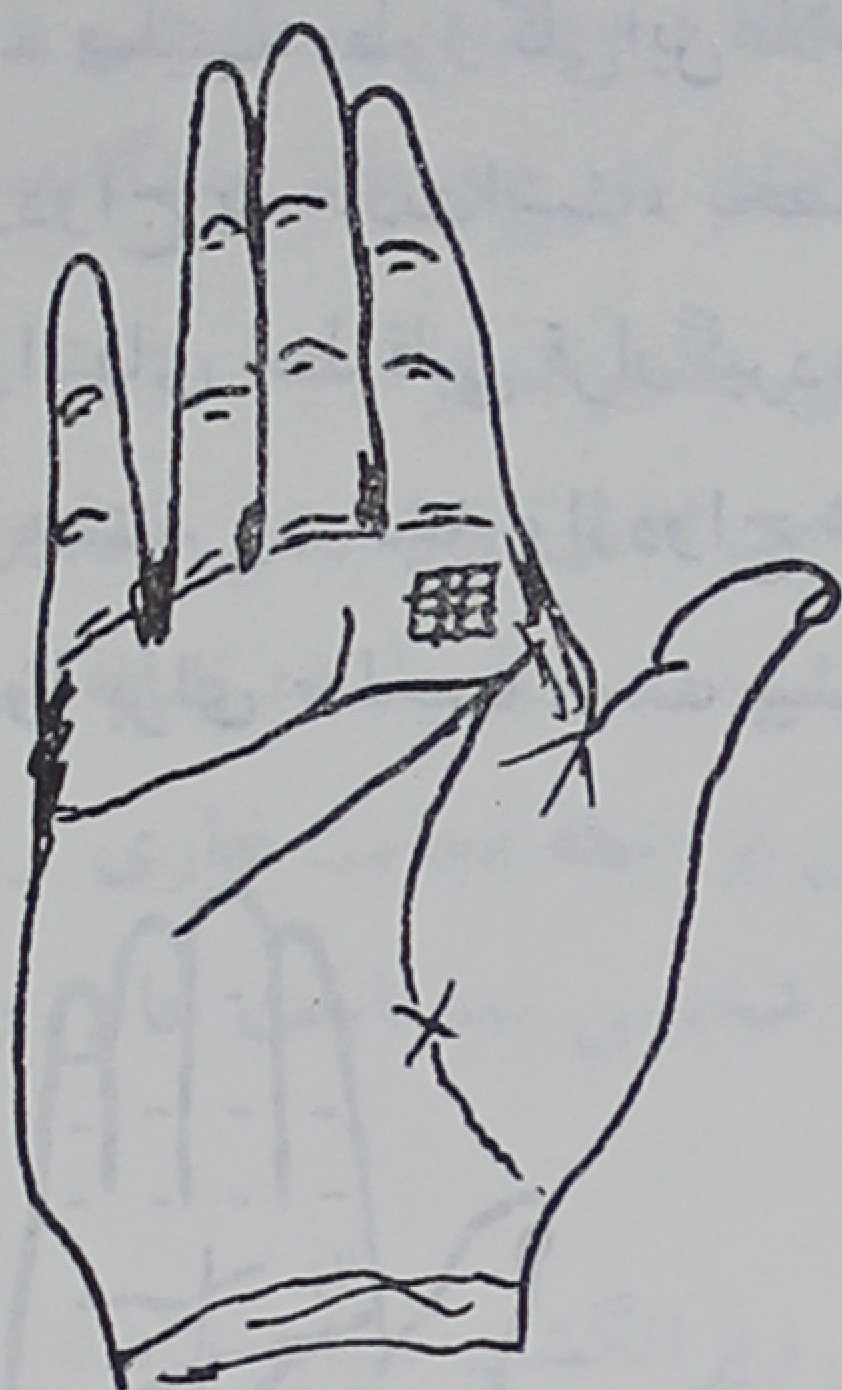
صلیبهای متعدد روی این تپه : ترقی وافتخارات بزرگ را برای صاحب دست نشان میدهد .

۲ـ ستاره : این علامت روی تپه برجیس نیز نمودار سعادت و

نیکبختی است و اشخاصی که دارای این علامت هستند همیشه درعشقهای خود موفق ودرازدواج نیکبخت وسعادتمند میباشند بخصوص اگر صلیبی هم بستاره متصل شود.



(شکل ۵۳)



(شکل ۵۴)

۳- پنجره روی این تپه : علامت موانع وگرفتاری‌ها است و برای صاحب این علامت حتی گرفتاری زندان وحبس هم پیش‌بینی میشود . (شکل ۱۱۵)

۴- مثلث روی تپه برجیس : استعداد برای ریاست ومدیریت و یا امور سیاسی را معین میکند ، این اشخاص دارای هوش وافکار بلند وبا لیاقت میباشند ومقام‌های ارجمندی را اشغال خواهند نمود .

زنهائیکه دارای‌این‌علامت هستند برای امورخانه‌داری ومدیریت امورخانه یا مدرسه بی‌نظیرند .

۵- مربع: موانع درپیشرفت ووقفه درکاررانشان‌میدهد وصاحب

این علامت بواسطه خودخواهی وغرور وضدیت دشمنان مدتی ازکار برکنار وازپیشرفت بازخواهد ماند ولی زیاد بطول نخواهد انجامید و مجدداً به‌پیشرفت خود ادامه خواهد داد ، بخصوص اگر مربع ازچهار طرف بسته نباشد .

اگر صاحب دست زن باشد : ممکن است ضدیت اقوام همسر موجب غصه وناراحتی‌هائی بشود .

۶ـ نیمدایره : نشانه‌گفتگو ونزاع با اشخاص بزرگ یا اقربا و خویشاوندان‌است‌بخصوص‌وقتیکه‌تقعران بطرف‌خط‌سرباشد.(شکل۴۶)

۷ـ دایره روی‌تپه برجیس: نارضایتی والدین را نمودار میسازد، اشخاصیکه دارای این علامت هستندگرچه خون‌گرم، خوش‌اخلاق ودر بین دوستان محبوبیتی دارند ولی بایستی رضایت پدر ومادر را جلب نمایند و الا هرگز بسعادت نخواهند رسید .



(شکل ۵۵)



(شکل ۵۶)

۸ـ وقتی دو خط قائم روی این تپه تشکیل نردبانی را بدهد : نمودار ترقی وپیشرفت تدریجی است ، این اشخاص در نتیجه کوشش وفعالیت در زندگی پیشرفت میکنند، هرچند نردبان بلندترباشد ترقی و پیشرفت بیشتر خواهد بود.

۹ـ جزیره روی تپه برجیس : مخالفین ودشمنان صاحب دست را نشان میدهد واشخاصی که دارای چنین علامتی هستند بایستی از رقبا وحسودان یا دشمنان خود حذر کنند .

۱۰ـ خورشید : شهرت و افتخار را نشان میدهد و صاحب این علامت در امور اداری یا هرشغلی که دارد به‌ترقیات قابل توجه نائل و بشهرت وافتخار خواهد رسید. (شکل ۱۲۲ـ)

۱۱ـ زاویه روی تپه برجیس: ابتلای بامراض رماتیسم، سیاتیک ونقرس را نشان میدهد .

۱۲ـ خوشه : خطر تصادف را اعلام میدارد .

۱۳ـ عصا : نشانه تنزل مقام‌است، اشخاصی که‌دارای این‌علامت هستند درشغل خود ترقی و پیشرفت میکنند ولی بواسطه کبر وغرور و ضدیت رقبا سعادت خودرا ازدست میدهند .

۱۴ـ نقطه روی تپه برجیس: علامت امراض جلدی است .

۱۵ـ پره‌های قائم : استعداد بامور اداری و بالنتیجه ثروت و سعادت را نشان میدهد، بخصوص اگر پره‌ها مستقیم ودرطول تپه رسم شود، ولی‌چنانچه درهم‌وبرهم‌باشد صاحب‌دست بواسطه شهوت‌پرستی وعشق بهوای نفسانی سعادت خودرا ازدست میدهد .

درصورتیکه پره‌ها خیلی کوتاه وشروع آن ازریشه انگشت باشد:

صدمه وزخم بقسمت علیای بدن‌را نشان میدهد.



(شکل ۵۷)

۱۶- پره‌های افقی و کوتاه: نشانه خود- پسندی وعدم موفقیت است .

۱۷- یك خط افقی مستقیم و روشن روی تپه برجیس: نشانه راستی‌ودرستی است.

درصورتیکه این‌خط ضخیم‌وقرمزرنگ ودارای پیچ وتاب باشد: دردست مرد امراض مسری و ضعف اعضای تناسلی و در دست زن زایمان سخت را نشان میدهد .

۱۸- خطی که از انتهای خط قلبی شروع و پس از عبور از تپه برجیس بمفصل انگشت سبابه برسد : اعلام خطر میکند وصاحب‌دست باید ازجان خود محافظت نماید. (شکل ۱۷۴)

۱۹- خط ضخیم و قرمزرنگی که از ریشه انگشت سبابه شروع و پس ازعبور از تپه برجیس و تشکیل شیاری روی این تپه ، خطوط سر وعمررا بشکند و تا روی تپه ناهید پائین آید : مخصوص آدمهای شرور وحسوداست‌وعاقبت‌وخیمی‌را پیش‌بینی میکندوصاحب چنین‌علامتی‌ممکن‌است‌بواسطه عشقهای شهوانی مرتکب قتل‌وجنایتی بشود و سر خودرا بباد دهد .



(شکل ۵۸)

۲۰- خط یا خطوطی که از ریشه انگشت سبابه شروع و بشکل نیمدایره بطرف انگشت‌وسطی‌برود: برای صاحب‌دست ایجادگرفتاری

وناراحتی میکند بخصوص اگر پیچ وتابدار باشد. (شکل۴۸)

۲۱- یك خط قائم، مستقیم و روشن که ازپائین تپه شروع و تا بین انگشتان سبابه و وسطی بالا برود: تسلط و اقتدار صاحب دست‌را نشان میدهد و صاحب این علامت عاقبت بخیر و سعادتمند است. (شکل۱۵۶)

۲۲- خطی که از زاویه اعظم واز روی خط عمر شروع و بدون اینکه بخط سر صدمه‌ای بزند تا آخر تپه وریشه انگشت سبابه بالا رود: نمودار ثروت وسعادت است واین‌اشخاص بواسطه‌کوشش وفعالیت و ولیاقت شخصی به‌ثروت و سعادت خواهند رسید مشروط براینکه خط مستقیم‌باشد اماچنانچه خط‌کج ومعوج ودارای پیچ وتاب باشد علامت خشم‌وغضب است وصاحب دست بهمین‌جهت بسعادت‌خود لطمه وارد خواهد ساخت.

تپه کیوان (زحل)

تپه‌کیوان درصورتیکه درجای خود یعنی درزیر انگشت وسطی قرارگیرد وبرجستگی‌آن بحد متوسط و خوش‌ترکیب باشد: هوش و ذکاوت واستعداد به‌کشاورزی یا زمین‌شناسی را معین میکند.

اگر برجستگی تپه زیاد باشد: نشانه حزن وگوشه‌نشینی است، این اشخاص با افکار و خیالات بیهوده گوشه نشینی و انزوا را اختیار میکنند وتوی خود فرومیروند وبیجهت همیشه به‌غم‌واندوه‌گرفتارهستند واگر برآمدگی تپه بحدافراط باشد بواسطه خیالات پوچ وبیهوده حتی ممکن است اقدام بخودکشی نمایند.

عدم تپه و وقتیکه تپه مسطح یا فرورفته باشد: بعکس آرامش در

زندگی را معین میکند، این اشخاص گرچه ترقی و پیشرفتی ندارند ولی تنزل و شکست هم ندارند و زندگی آرام و یکنواختی را میگذرانند، ایندسته معمولا فاقد خطوط تقدیر وثروت هستند وفقط دارای سه یا چهار خط اصلی قلبی، سر، عمر وکبدی میباشند و اینها دارای سرنوشت آرام و بی‌تزلزلی خواهند بود.

چنانچه تپه کیوان درمحل خودنباشد وبطرف انگشت سبابه متمایل شود: حس جاه‌طلبی و فعالیت را تقویت میکند واگر بطرف انگشت بنصر تمایل پیداکند نورسعادت زندگی صاحب دست راروشن میسازد.

علائم منقوشه روی تپه کیوان

علائم روی‌این‌تپه غالباً نمودار امراض‌وگرفتاری‌هاست وبعقیده قدما واخترشناسان کیوان یازحل‌ستاره نحس‌است وعلائمی که روی‌این تپه نقش می‌بندد اثرات شوم این کوکب رانمایش میدهد:

۱ـ صلیب: نشانه حبس‌وگرفتاری بمرض‌جذام یاامراض‌مقاربتی است، اما اگریکی‌ازشاخه‌های صلیب بمفصل‌انگشت وسطی برسد اثر نحس این‌تپه‌را خنثی‌میکند وصاحب دست میتواند باکوشش وفعالیت و اندیشه صحیح سعادت خود را دریابد.

۲ـ ستاره: این علامت نیز حبس وگرفتاری و ابتلای بامراض مختلفه دراعضای سافله ازقبیل درد مفاصل، رماتیسم، نقرس وسیاتیك را نشان میدهد. (شکل۴۳)

۳ـ نقطه سیاه رنگ‌روی این تپه: نشانه امراض عصبی است، بخصوص‌اگرخط سربه‌دو قسمت منقسم ورویهم سوارشود دراینصورت صاحب دست بمرض عصبی سختی مبتلا خواهد شد.


(شکل ۶۰)


(شکل ۵۹)

۴- پنجره : گرفتاری وحبس وابتلای بامراض کلیوی را نشان میدهد واین اشخاص بفقروبدبختی گرفتارخواهند شد، اندازه وکوچك بزرگی پنجره باگرفتاری‌ها نسبت مستقیم دارد .

۵- مثلث : استعداد بعلوم فلسفی وریاضت وعشق بعلوم مخفیه را معین‌میکند، این‌اشخاص‌بواسطه مطالعه زیاد در دوره‌آخرعمر بضعف اعصاب وناراحتی‌های عصبی مبتلا میشوند . (شکل۱۷۴)

۶- مربع روی‌تپه کیوان: نشانه حبس‌وگرفتاری‌است‌ولی‌بواسطه مساعدت دوستان رفع واعاده حیثیت خواهد شد .

۷- دایره : صاحب این علامت بواسطه ارتکاب به‌گناه بحبس گرفتارخواهد شد .

۸- نیمدایره : نیز حبس وگرفتاری را نشان میدهد .

۹- خورشید: علامت نور وسعادت‌است واشخاصیکه دارای‌این علامت هستندچنانچه دررشته کشاورزی‌یازمین‌شناسی‌ومعادن‌به‌تحصیلات

خود ادامه دهند ابواب سعادت را بروی خود بازخواهند کرد، اگر یکی ازشعاع خورشید بریشه انگشت وسطی برسد وازمفصل بالا رود ضرر وخسارت موقتی را معین میکند .

۱۰- زاویه روی این تپه: نشانه مالیخولیا و ناراحتی اعصاب است. وقتی که دوخط ازروی خط قلبی شروع ودر بالای این تپه متحد و تشکیل زاویه‌ای را بدهد : صاحب دست را آدم دروغگو و احمق معرفی میکند .



(شکل ۶۱)



(شکل ۶۲)

۱۱- خوشه روی این تپه : نشانه ترقی و پیشرفت تدریجی است مشروط باینکه خط آن مستقیم وشاخه‌های آن صعودی باشد .

۱۲- عصا : این شکل روی تپه کیوان نیز حبس وگرفتاری را نشان میدهد .

۱۳- جزیره : اعلام خطر میکند و کسی که دارای این علامت است

بواسطه ارتکاب به‌گناه عاقبت وخیمی را درپی خواهد داشت .

۱۴- خطی که ازاین تپه شروع وبطور نیمدایره بطرف انگشت بنصر برود: گرفتاری رانشان میدهد که عاقبت آن خوب‌است وصاحب دست پس از یك‌گرفتاری ترقی وپیشرفت خواهد نمود . (شکل ۵۳)



(شکل۶۳)

۱۵- خطی که از تخته دست شروع و پس‌از شکستن خط قلبی‌بطرف انگشت وسطی بالارود ودر روی تپه کیوان بوسیله‌خط کوتاهی قطع شود: خطری ازطرف‌سارقین وجنایتکاران صاحب‌دست راتهدید میکند ولی اگرخط قلبی قطع وشکسته نشود ضرر و خسارت وازدست رفتن ثروت را بیان میکند .

۱۶- خطی که ازتپه‌ناهیدشروع وباین‌تپه برسد : علامت شهوت پرستی است و صاحب دست بواسطه پیروی از تمایلات نفسانی سعادت را از خود دور میسازد .

۱۷- پره‌های قائم ومستقیم روی این تپه : استعداد به‌کشاورزی وزمین شناسی را معین میکند .

۱۸- پره‌های کوتاه نزدیك مفصل‌انگشت: نشانه عدم موفقیت در امورات است .

۱۹- پره‌های افقی : موانع وگرفتاری‌ها را نشان میدهد .

۲۰- یك خط‌مستقیم در طول تپه: دلیل برترقی وپیشرفت است واین اشخاص درآخر عمر سعادتمند خواهند بود .

تپه خورشید (شمس)

تپه خورشید که محل اصلی آن در زیر انگشت بنصر است درصورتیکه در جای خود باشد واز حیث فراز وپستی متوسط وخوب و خوش‌ترکیب باشد : هوش و فراست و طینت پاك صاحب دست را ظاهر میسازد، این‌اشخاص دلجو ومهربان، باعاطفه وبامحبت وصاحب گذشت واغماض هستند وبواسطه افکار بلند و هوش سرشاری‌که دارند بمقام ومرتبه عالی وشهرت وافتخار خواهند رسید .

درصورتیکه تپه زیاد بلند باشد: دلیل است برخودپسندی وحس کنجکاوی، عشق به‌تجمل وزینت، ولخرجی و اصراف، عشق به طلا و لباس‌قشنگ بخصوص اگر صاحب‌دست زن باشد، ایندسته مردم برای ترقی وتعالی‌خود وعشق فوق‌العاده‌ای که بشهرت دارند دروغگووهمیشه دروغ رابا دلیل‌وبرهان ادا میکنند وبا اینکه درمقابل‌عدم موفقیت لجوج ودارای مقاومت میباشند هرگز بمقاصد ونیات خود نایل نخواهند شد.

چنانچه بلندی تپه بحد افراط باشد: صاحب دست برای بدست آوردن ثروت‌وشهرت دست به‌هرکارغیرقانونی‌ونامشروع میزند وبدیهی است چنین‌آدمی اگر ثروت وشهرتی پیداکند موقتی وناپایدار است .

عدم تپه : وقتی محل این تپه مسطح یا فرو رفته باشد نشانه بی فکری ولاقیدی است واین اشخاص راحت طلب واگر دردوره جوانی کوشش وفعالیتی ازخود بروز میدهند دنباله ندارد وهمیشه در زندگی عقب هستند .

وقتی‌تپه خورشید درجای خود وزیرانگشت بنصر نباشد وبطرف انگشت وسطی متمایل شود : نحوست‌کیوان در شانس صاحب دست

اثر میکند واین اشخاص با اینکه برای ترقی و پیشرفت خود فعالیت بخرج میدهند غالباً با عدم موفقیت روبرو میشوند ، ولی اگر تمایل تپه بطرف انگشت خنصر باشد زرنگی ومهارت صاحب دست را تقویت میکند.

علائم روی تپه خورشید

۱ـ صلیب روی تپه خورشید : ثروتی را نشان میدهد که از راه صرفه جوئی بدست آید ومجدداً از دست برود مگر اینکه صلیب در بالای تپه رسم وشاخه‌ای از آن بمفصل انگشت بنصر برسد، در اینصورت صاحب دست میتواند با عقل وبصیرت ثروت خودرا حفظ نماید، والا چنانچه این علامت در وسط تپه باشد در نتیجه بی‌فکری واشتباه واگر در پائین تپه (بالای خط قلبی) رسم شود بواسطه عداوت اقوام وخویشان ثروت اندوخته را از دست خواهد داد .

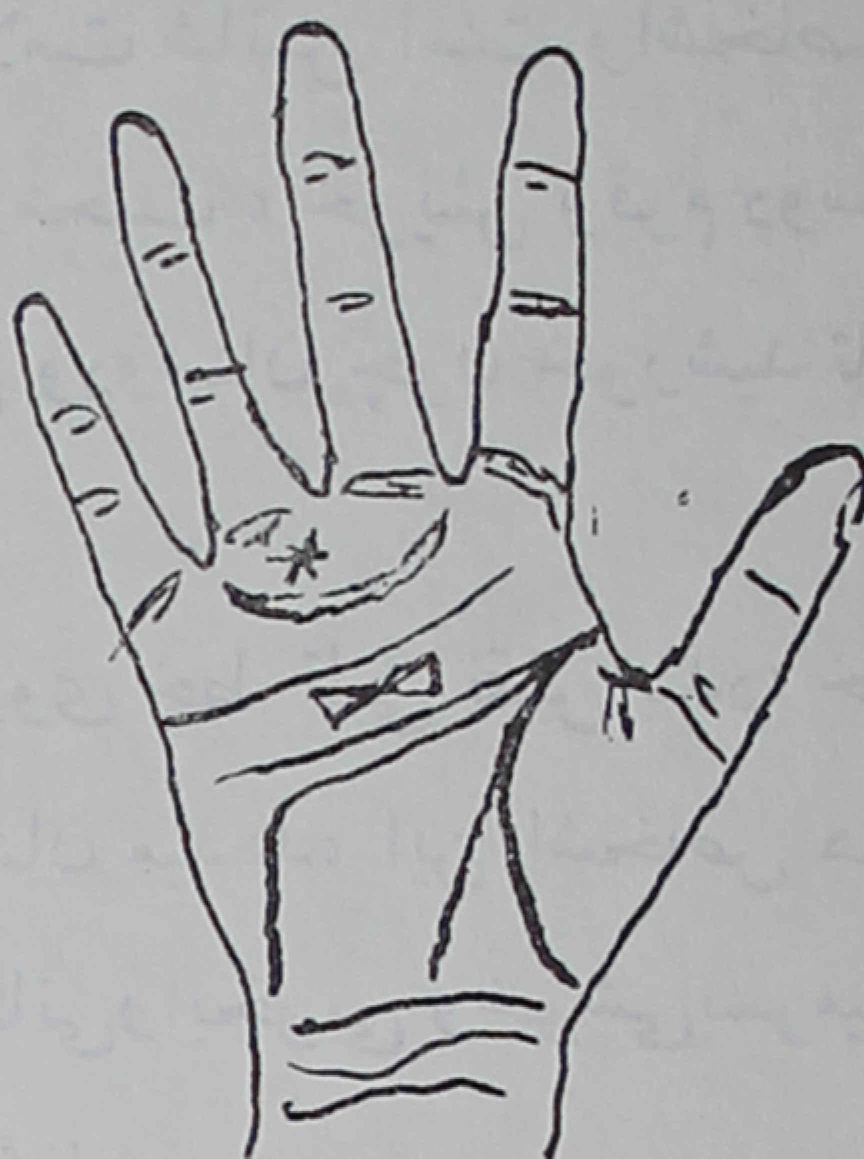
۲ـ ستاره روی این تپه: ثروتی رانشان میدهد که از راه نامشروع یامعاملات غیرقانونی بچنگ آید واشخاصی که دارای این علامت هستند عاقبت حیثیت وشرافت خود رالکه‌دار میسازند مگر آنکه ستاره در بالای تپه باشد وشاخه‌ای از آن بمفصل انگشت بنصر برسد (شکل۳۷)

در اینصورت صاحب دست میتواند با عقل ودوراندیشی ثروت وحیثیت خود را حفظ نماید .

چنانچه ستاره در وسط تپه ویا پائین تپه (بالای خط قلبی) رسم شود (شکل۴۱) علاوه از دست دادن آبرو وحیثیت ثروت اندوخته را نیز بباد خواهد داد.

وقتی ستاره در روی تپه خورشید ودرمیان حلقه ناهید قرار گیرد: شهوت پرستی وبی حیائی صاحب دست را ظاهر میسازد واشخاصی که

دارای این چنین علامتی هستند بواسطه عشقهای شهوانی و پیروی از هوای نفس‌عاقبت‌شرافت خودرا لکه‌دارمیسازند، مخصوصاً اگرصاحب دست زن باشد، چنانچه این ستاره بطرف انگشت وسطی متمایل باشد مذلت وبدبختی عاقبت را نشان میدهد .



(شکل ۶۴)



(شکل ۶۵)

وقتی ستاره روی تپه ودر انتهای خط ثروت قرارگیرد : علامت نور سعادت است بشرط اینکه ستاره درخشان و بخط ثروت صدمه‌ای نزند، دراینصورت صاحب دست‌بواسطه پیشرفت‌درهنریاصنعت بشهرت وافتخار میرسد ، ستارگان سینما غالباً دارای این علامت میباشند ، ولی چنانچه ستاره رنگین وخط ثروت راببرد یا قطع نماید شکست بعد از ترقی وشهرت را پیش بینی میکند.

۳ــ مثلث : استعداد به هنر وصنعت را تفویت میکند، اشخاصی که دارای این علامت هستند چنانچه دنبال‌کارهای هنری بروند بشهرت وافتخار میرسند.

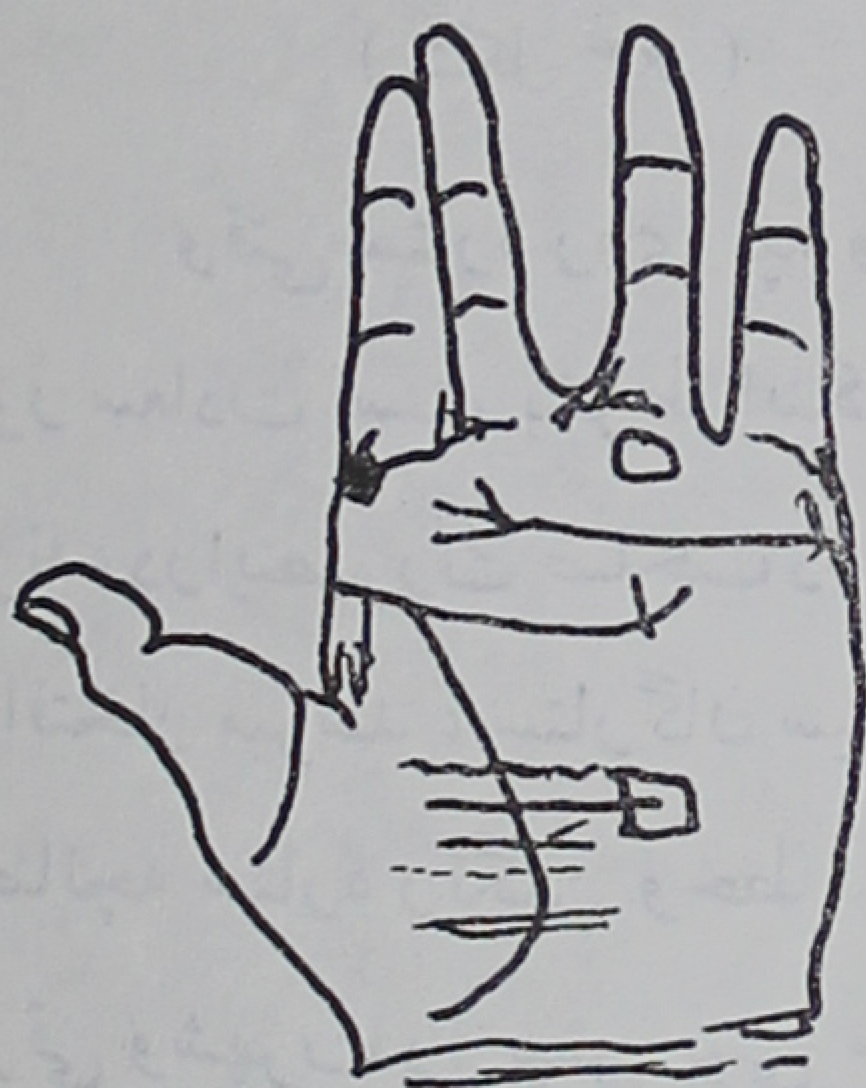
۴ـ مربع : علامت ابتلای بامراض چشم و ضعف قوای باصره است و اشخاصی که دارای این علامت هستند ممکن است بمرض آب مروارید چشم مبتلا شوند ولی چون مربع علامت حفظ است مجدداً و پس از عمل جراحی از نابینائی نجات پیدا میکنند . (شکل۱۷۶)

۵ـ خورشید روی این تپه : علامت شانس است واشخاصی که دارای این‌علامت هستند: خون‌گرم وبا محبت ، خویش وقوم دوست ، همیشه مسرور وشادمان و درمیان فامیل ودوستان چون خورشید تابانی هستند .

چنانچه خورشید درپائین تپه وروی خط قلبی نقش بندد: خوش قلبی وفطرت نیك صاحب دست را نشان میدهد، این اشخاص همیشه موفق ومقضی‌المرام هستند ودوره زندگانی‌رابخوبی وخوشی‌بسرمیبرند ولی غالباً از داشتن اولاد محروم میباشند .



(شکل ۶۶)



(شکل ۶۷)

۶ـ دایره : این علامت در روی تپه خورشید نیز نشانه جدیت وپشتکار است وصاحب دست میتواند در زندگی پیشرفت وترقی نماید

مشروط بر اینکه شهوات را از خود دور سازد و از تمایلات نفس پیروی نکند .

اگر دایره مقطوع باشد وخط مستقیمی از وسط آن عبور کند : عشقهای شهوانی مانع از ترقی وپیشرفت خواهد بود. (شکل ۴۰)

۷ـ نیمدایره روی تپه خورشید : دو رنگی وخیانت یا یکرنگی ومساعدت دوستان را نمایش میدهد .

درصورتیکه تحدب نیمدایره بطرف تپه تیروتقعر آن بطرف کیوان باشد: صاحب دست بواسطه صداقت وصمیمیت خود وخیانت دوستان ضرر وخسارت بیند ولی اگربعکس تقعر آن بطرف تپه تیر وتحدب آن بطرف کیوان باشد ازصمیمیت ومساعدت دوستان بهره‌مند خواهد بود. (شکل ۳۹)

۸ـ زاویه : این شکل روی تپه خورشید سقوط از بلندی را معین میکند .

۹ـ جزیره روی تپه خورشید : امراض قلبی و بزرگ شدن قلب را نشان میدهد .

۱۰ـ عصا : علامت ضرر و خسارت است واشخاصی که دارای این علامت هستندگرچه در اوان زندگی پیشرفتی میکنند ولی در نتیجه اشتباه وخطا ثروت و سعادت خود را از دست میدهند .

۱۱ـ نردبان : این شکل در روی تپه خورشید نمودار ترقی و پیشرفت تدریجی است واین‌اشخاص در نتیجه فعالیت ولیاقت شخصی بشهرت وترقی خواهند رسید . (شکل ۳۹)

۱۲ـ خوشه : این شکل خوب است و استفاده را برای صاحب

دست نشان میدهد مشروط باینکه خط آن عمودی ومستقیم و شاخه‌های آن صعودی باشد والا ضرر وخسارات را معین میکند .

۱۳ـ پره‌های قائم : استعداد به‌گیاه شناسی را معین میکند.

چنانچه‌پره‌ها کوتاه ودر نزدیکی‌مفصل‌انگشت بنصر باشد: صاحب دست دلجو و مهربان و برای مساعدت و همراهی با دیگران خود را بیچاره میسازد .

۱۴ـ پره‌های افقی: موانع واشکالات درزندگی را معین میکند.

۱۵ـ پنجره: امراض‌گوناگون چشم رانشان میدهد، درصورتیکه این شکل بطرف انگشت وسطی تمایل داشته باشد دلیل بر موانع و گرفتاری‌هائی است که بواسطه امراض و نابینائی چشم ایجاد میشود .



(شکل ۶۸)



(شکل ۶۹)

خطی که از روی این‌تپه شروع وبطور نیمدایره بطرف انگشت خنصر بالا رود و مفصل این انگشت را ببرد : دال بر اتهام به ارتشاء و دزدی است و اشخاصی که چنین خطی در دست داشته باشند بواسطه

خیانت دوستان واتهام، بهضرر وخسارات جبران ناپذیری مبتلا خواهند شد. (شکل۱۲۲)

۱۷- خطوط درهم وبرهمی که از روی خط قلبی بهتپه خورشید بالا رود : صداقت و ساده لوحی صاحب دست را گواهی مینماید و وکسی که دستش چنین خطوطی دارد بواسطه عشقهای شهوانی و معاشرت با اشخاص ناباب بضلالت وگمراهیافتد، بخصوص وقتی که یکی ازاینخطوط ازریشهانگشت عبور کند ومفصلراببرد دراینصورت عاقبت آن بدبختی وبیچارگی است .

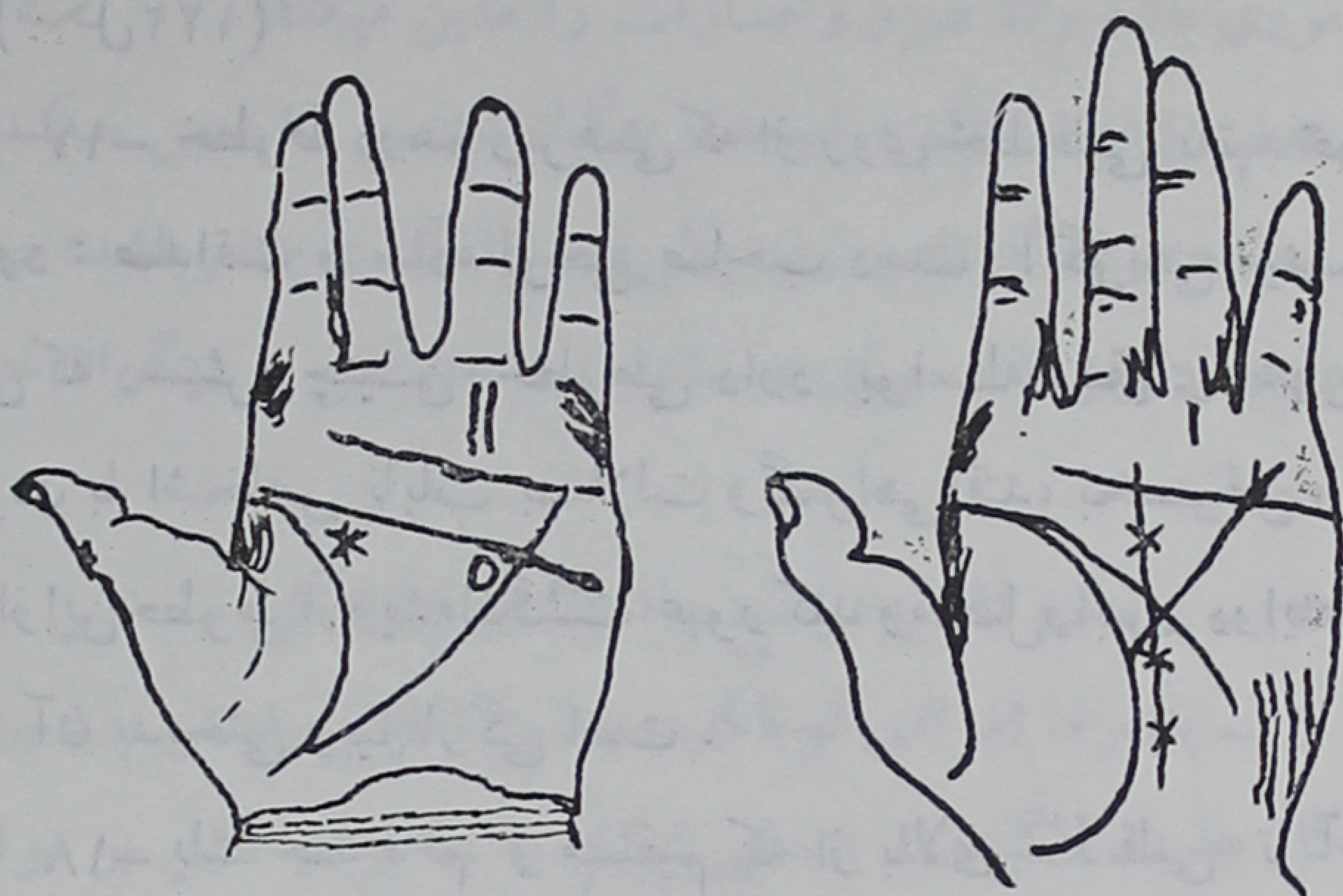
۱۸- یك خط قائم و مستقیم که از بالای خط قلبی تا آخر تپه خورشید بالا رود : نمودار ترقی وپیشرفت است ولی اگرخط کوتاه و ضخیمی بطور افقی آنرا قطع نماید توقف شانس یا ضرر وخسارترا معین میکند .

«چیرو» کفشناس انگلیسی عقیدهدارد چنانچه اینخط درنزدیکی خط قلبی قطع شود توقف شانس دراوان زندگیمیباشد واگر دروسط قطع شود در اواسط دوره عمر و در آخر مربوط بزمان پیری است . (شکل۴۸) .

۱۹- یك خط قائم که از اینتپه شروع ومستقیماً تا ریشه انگشت بنصر بالا رود ومفصل آنرا ببرد: دلیل براتهام وسرنگون شدن وضعیت است و صاحب دست بواسطه عداوت رقبا و خیانت دوستان ثروت و حیثیت خود را ازدست خواهد داد .

۲۰- یكخط قائم ومستقیم درطول تپهخورشید: ترقیوپیشرفت را نشان میدهد وکسی که دارای چنین خطی است در نتیجه کوشش و

فعالیت ولیاقت شخصی به‌ثروت وسعادت خواهد رسید .



(شکل ۷۱)   (شکل ۷۰)

۲۱- وقتی دو خط موازی ومستقیم درطول تپه رسم‌شود: نشانه ثروت است وصاحب دست بواسطه بستگی باشخاص عالیمقام بشهرت وافتخار برسد .

۲۲- سه‌خط موازی ومستقیم درطول این‌تپه : نمایشگر ثروت و مکنت است، این اشخاص خون‌گرم ومعاشرتی و دارای هوش سرشار میباشند و بواسطه لیاقت و پشتکار و جلب مساعدت اشخاص برجسته و کمك وهمراهی دوستان به پیشرفتهای بزرگ نایل و به‌ثروت و مکنت میرسند (شکل۹۱) .

تپه تیر (عطارد)

تپه تیر که محل آن درزیر انگشت خنصر(انگشت کوچك) میباشد درصورتیکه درجای‌خود وخوش‌ترکیب واز لحاظ پستی‌وبلندی‌متوسط وخوب باشد : دلیل برهوش و فراست ، زیرکی و دانائی ، زرنگی و

چابکی است، این اشخاص فوق‌العاده تیزهوش و عاقبت‌اندیش و هر کاری را بافکر صحیح و بصیرت کامل انجام میدهند، اینها ذاتاً دارای علم اقتصاد میباشند، در زندگی صرفه‌جو و با اصراف وولخرجی مخالف هستند، برای کسب و تجارت و امور بازرگانی مستعد هستند، استعداد آنها برای علوم ریاضی و علوم دینی خوب است، قوه نطق و بیان آنها خوب است و برای وکالت دادگستری و همچنین طب و داروسازی استعداد دارند، دانشمندان علوم ریاضی و علوم الهی، وکلا و ناطقین زبردست، اطباء و داروسازان بزرگ غالباً از اینددسته‌اند.

درصورتیکه بلندی و برجستگی تپه زیادباشد: نشانه حیله و تزویر، تقلب و دروغگوئی است، ایندسته برای استفاده خود دست بهرحیله و خدعه‌ای میزنند و حتی بدوستان صمیمی‌خود خیانت میکنند، جاسوسان وخائنین از ایندسته میباشند، زنهای ایندسته فوق‌العاده محیل ومکار و حریص هستند.

وقتی برجستگی تپه بحد افراط باشد: غدر و خیانت، دزدی و دروغگوئی را نمایان میسازد، سارقین و جیب‌برها از ایندسته‌اند.

عدم تپه: وقتی که تپه‌ای نباشد وجای آن مسطح و فرورفته باشد بی‌هوشی، بی‌فکری و بی‌استعدادی را معین میکند و ایندسته مخصوصاً برای کسب و تجارت هیچگونه استعداد ندارند.

چنانچه این تپه درمحل‌خود نباشد و بطرف انگشت بنصر تمایل داشته باشد: نشانه مسخرگی است، ایندسته مردم شوخ، خوشمزه، بذله‌گو و دارای حس تقلید میباشند، درکارهای هنری خوش‌ذوق و خوش‌سلیقه هستند، استعداد آنها برای تئاتر خوب است.

علائم روی تپه تیر

۱ـ صلیب روی تپه‌تیر: صاحب‌دست‌را دروغگو ، دزد ومتقلب معرفی میکند .


(شکل ۷۲)

چنانچه این علامت درپائین تپه قرارگیرد بطوریکه‌شاخه آن‌به‌تپه بهرام برسد : مسافرت پراستفاده‌ای را نشان میدهد .

۲ـ ستاره روی این تپه : حیله و بی‌شرافتی را نمایان میسازد ، بخصوص وقتیکه صاحب دست زن باشد ، معمولا زنهائی‌که برای پول و ثروت عفت و عصمت خود را بباد میدهند ونام فامیل خودرا ننگین میسازند ستاره‌ای روی تپه تیر دارند .

چنانچه ستاره درپائین تپه قرارگیرد وشاخه‌ای از آن به‌تپه بهرام برسد: استفاده دور از وطن را معین میکند واین اشخاص برای بدست آوردن پول ویا دور شدن از فامیل از وطن مهاجرت میکنند ودرآنجا ترقی وپیشرفت میکنند (شکل ۴۵) .

۳ـ مثلث روی تپه تیر : استعداد بعلوم ریاضی را معین میکند (شکل ۱۷۷) .

۴ـ مربع : اشتباه وخطا را نشان میدهد وصاحب این علامت در اثر اشتباه وخطا حیثیت خود را بخطر میاندازد ولی باکمك ومساعدت

دوستان اشکالات خودرا بآسانی حل میکنند، چون مربع حفظ میکند.

۵- خورشید: این علامت ثروت وسعادت رامعین میکند بنابراین اشخاصی که دارای این علامت هستند درامور کسب وبازرگانی یا علوم ریاضی ترقی وپیشرفت کرده به‌ثروت وافتخار خواهند رسید.

۶- دایره: این علامت صاحب دست را دروغگو و متقلب معرفی میکند.

۷- نیمدایره: این شکل نیز دلیل بر دزدی و دروغگوئی است بخصوص اگر تقعر آن بطرف انگشت یامحل ضربت باشد ولی اگر تقعر نیمدایره بطرف خط قلبی یا تپه خورشید باشد بطوریکه تحدب آن بطرف انگشت یا محل ضربت قرارگیرد، صاحب دست را از خیانت نسبت بدوستان جلوگیری میکند.



(شکل ۷۳)

۸- نقطه: سقوط از بلندی در زمان طفولیت را معین میکند.

درصورتیکه نقطه بزرگ ورنگین وبشکل لکه باشدامراض کلیوی را برای صاحب دست نشان میدهد.

۹- نردبان درروی‌این‌تپه: نمودار ترقی وپیشرفت تدریجی‌است.

۱۰- خوشه: این علامت استفاده‌های نامشروع وغیرقانونی را نشان میدهد، اشخاصی که دارای این علامت هستند فوق‌العاده جسور وبی باك و از حیثیت خود نمیترسند و چنانچه شاخه‌های خوشه نزولی باشد عاقبت بضرروخسارات زیادی متوجه وهرچه پیدا کرده‌اند ازدست خواهند داد.

۱۱- عصا : این علامت نیز ضرر وخسارات رانشان میدهد و واشخاصی که دارای این علامت هستند چون برای استفاده براه کج میروند عاقبت خوبی ندارند .

۱۲- پنجره: این علامت نیز دلیل بر دزدی وتقلب ودروغگوئی است و کسی که دارای این علامت است دوستان و رفقای خود را نیز بکار غلط تشویق می کند ، بنابراین از معاشرت با این اشخاص باید حذر کرد .



(شکل ۷۴)



(شکل ۷۵)

۱۳- جزیره: وقتی دو خط عمودی ومورب روی این تپه تشکیل جزیره بدهد صاحب دست مستعد بامراض کلیوی است، چنانچه جزیره از روی خط قلبی شروع وتا تپه تیر بالا رود، مرض کلیوی خطیری را نشان میدهد .

جزیره افقی روی این تپه : علامت ازدواج است .

۱۴- زاویه : دزدی وتقلب را نشان میدهد و کسی که دارای این

علامت است عاقبت خوبی نخواهد داشت .

۱۵- پره‌های قائم: استعداد به طب وداروسازی ودندان پزشکی را معین میکند .

چنانچه پره‌ها کوتاه و خمیده و نزدیك مفصل باشد : صاحب دست بواسطه معاشرت‌های ناباب‌حیثیت وشرافت خودرالکه‌دارمیسازد. این نوع پره‌ها دردست زن ، دلیل بربی عفتی است .

۱۶-یك‌خط‌قائم‌ومستقیم‌روی‌تپه‌تیر: نمودارپیشرفت‌وترقی‌است. اگر این خط نازك وپیچ وتاب داشته باشد: صاحب دست برای استفاده وسود شخصی موجبات ناراحتی‌اقوام ودوستان خود را فراهم میکند . این علامت در دست زن، دلیل بر بی‌عفتی وبی‌عصمتی است.

۱۷- خطی که ازروی خط قلبی‌شروع وپس‌از عبور ازتپه بریشه انگشت کوچك برسد: بعکس نمودار عفت وپاکدامنی است مخصوصاً در دست زن وزنهائی که دارای این علامت هستند نسبت به‌همسر خود وفادار وبا محبت میباشند (شکل۱۳۴) .

۱۸- تپه تیر مخطط : وقتی تپه تیر پر از خطوط درهم وبرهمی باشد : نشانه ریا وتزویر است .

۱۹- خطوطی که‌ازناحیه ضربت دست‌زیرانگشت کوچك شروع وبطور افقی تا روی تپه پیش میاید : علامت عشق و ازدواج میباشد که برحسب طول، رنگ وشکل‌وعلائم منقوشه روی آن سعادت ونیکبختی یا بدبختی ، توافق اخلاقی وزندگی شیرین یا عدم توافق وکدورت و گفتگوی خانوادگی ویا نفاق وجدائی را نمایان میسازد (برای شناسائی این خط به خط ازدواج فصل هشتم رجوع شود)

۲۰- خطوطی که از ناحیه ضربت تا روی تپه تیر بطور قائم رسم میشود مربوط به اولاد میباشد که برحسب طول، رنگ، شکل و علائم روی آن وضع فرزندان و تعداد آنها را معین میکند (به‌خط اولاد فصل هشتم رجوع شود) .

تپه بهرام (مریخ)

تپه بهرام که محل آن درپائین تپه تیر ومعمولا زیرخط قلبی‌است وقتی ازحیث پستی وبلندی و انبساط متوسط وخوش‌ترکیب و خوب باشد: دلیل‌است برجرأت وخونسردی درمقابل مخاطرات، قوه‌مقاومت برای دفاع، تسلط برنفس و جدیت وفعالیت درامورات، ایندسته مردم برای سربازی و نظام استعداد دارند و چنانچه دوره تحصیلات خود را در رشته نظام بخصوص قسمت خلبانی طی کنند ازافسران لایق وموفق خواهند بود .

درصورتیکه برآمدگی تپه زیاد باشد : تندخوئی وخشم وغضب را نشان میدهد واین اشخاص اصولا ظالم وظلم وتعدی، نزاع وگفتگو را دوست میدارند .

اگربرجستگی تپه بحد افراط باشد : دلیل برقساوت قلب است، ایندسته‌مردم جنگجو، شورش‌طلب، بی‌رحم واززجردادن وحتی کشتن دیگران لذت میبرند، قاتلین وسارقین بزرگ ازایندسته‌اند .

وقتی تپه‌بهرام منبسط وبزرگ باشد : در دست مرد، خونسردی و در دست زن، موانع درحمل و نازائی را نشان میدهد ، این‌اشخاص گرچه تندخو هستند ولی میتوانند برخشم و غضب خود غلبه نمایند و هیچگاه در تحت تسلط دیگران قرار نمیگیرند ، بخصوص وقتی که

بند اول شست بلند باشد ، در اینصورت میتوانند بردیگران نیز مسلط بشوند .

اگر این تپه منبسط ، منفرد ومتحد باشد: خونسردی وتسلط بر نفس را نشان میدهد ، ایندسته در مقابل هرگونه پیش آمدی خونسرد و برخود مسلط هستند .

درصورتیکه انبساط تپه بحد افراط باشد : صاحب دست مستعد بامراض حلق وگلو میباشد و اگر رنگ تپه قرمز باشد استعداد بامراض چشم را معین میکند .

وقتی این تپه منبسط وبطرف تپه ماه پائین آید : استعداد به بحر- پیمائی‌را نشان میدهد وایندسته درنیروی‌دریائی میتوانند پیشرفت‌نموده وباخذ درجه مفتخر شوند .

عدم تپه : بی‌حسی و سست عنصری ، ضعف نفس و بی‌لیاقتی صاحب دست را ثابت میکند .

علائم روی تپه بهرام

۱ـ صلیب روی تپه بهرام :
استعداد به گناه و تبهکاری را معین میکند، صاحب این علامت بواسطه خشم وعدم‌تسلط برنفس ممکن‌است بجرم وجنایتی‌اقدام کند بشرط‌اینکه صلیب روی قله تپه قرارگیرد .


(شکل ۷۶)

در صورتیکه این علامت در بالا یا پائین تپه رسم شود و متمایل

بصفحه دست هم باشد : دلیل برمسافرتهای پرزحمت و خطرناك است.

۲ـ ستاره روی این تپه : صاحب دست را قسی‌القلب و مستعد بخونریزی معرفی میکند.

چنانچه این علامت دربالا یا پائین تپه و در زیر انگشت کوچك قرارگیرد : در دست مرد مسافرتهای خطرناك و در دست زن خطرزایش را نشان میدهد واگرستاره درمحل تلاقی خط سر وخط کبدی نقش‌بندد در دست زن علامت نازائی است. (شکل۴۳) .

۳ـ مثلث : استعداد به‌فنون جنگی را معین میکند، ایندسته‌غالباً شغل خودرا درخدمت نظام انتخاب می کنند و بواسطه استعدادی که به فنون وتاکتیك جنگی‌دارند ترقی وپیشرفت‌نموده بدرجات عالیه مفتخر میشوند ولی‌بواسطه دشمنان‌زیاد دوره خدمت را باناراحتی بسرمیبرند.

۴ـ مربع: روی این‌تپه علامت‌حفظ ازخطراست بنابراین‌خطری را برای صاحب دست در جنگ یا نزاع پیش بینی میکندکه حفظ خواهد شد (شکل۱۵۶) .

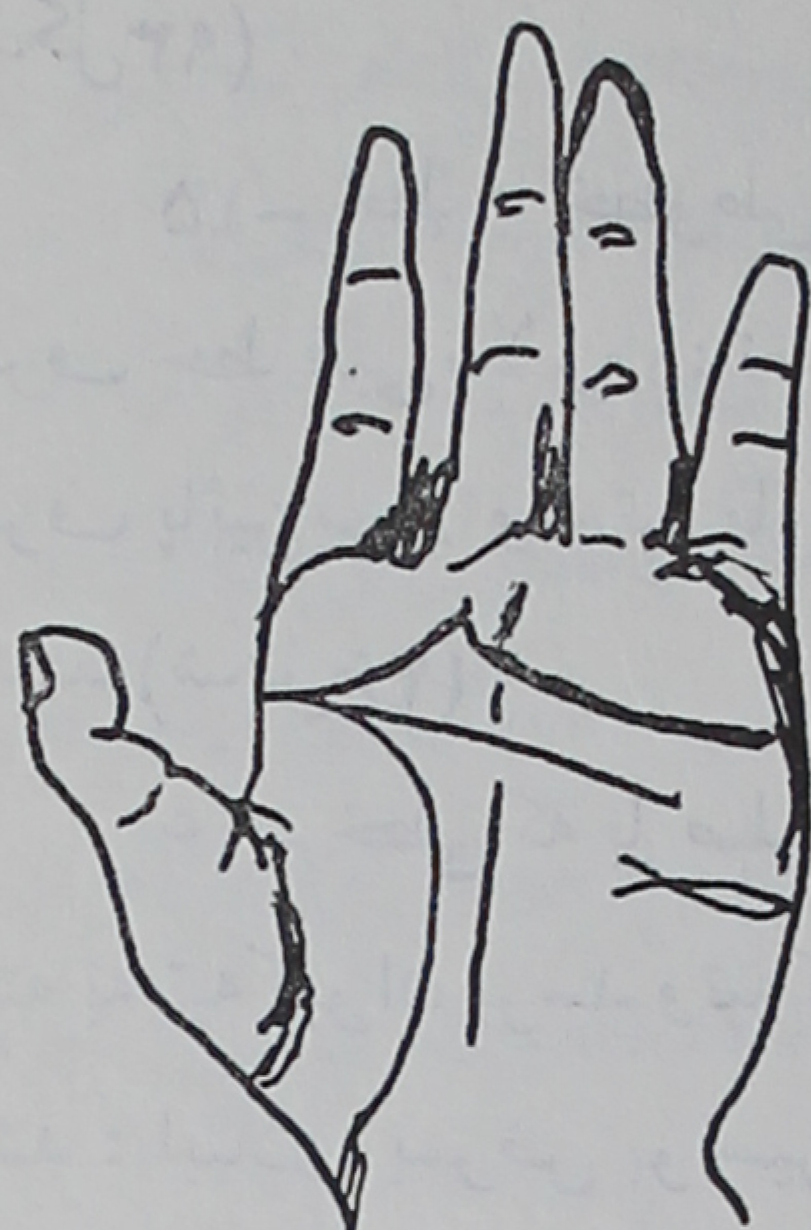
۵ـ دایره : نشانه ضرر وگرفتاری‌است وصاحب دست بواسطه عمل غلط یا خیانت بمافوق ممکن است بزحمت ومرارت افتد.

۶ـ نیمدایره: برحسب شکلی که‌در روی‌تپه قرارمیگیرد حوادث شومی رانشان میدهد، چنانچه تقعر نیمدایره‌بطرف صفحه دست وتحدب آن بطرف ضربت دست باشد، خطرازدست رفتن حیثیت واگر بعکس تقعر آن‌بطرف ضربت دست باشد، خطرسقوط ازبلندی را معین میکند. درصورتیکه تقعر نیمدایره بطرف خط قلبی باشد، خطرحبس وگرفتاری واگرتقعر آن بطرف‌پائین وتحدب نیمدایره بطرف خط قلبی‌باشد، خطر

از دشمن را اعلام میدارد (شکل۱۳۴) .

۷ـ نقطه روی تپه بهرام : ابتلای بمرض معده وامعاء واگر نقطه بزرگ وبشکل حفره‌ولکه ورنگین باشد، خطرسرطان معده راپیش‌بینی میکند .

۸ـ جزیره روی تپه بهرام : علامت امراض ریوی و برونشیت مزمن وآسم میباشد .



(شکل ۷۷)

چنانچه دوخط افقی ومنحنی روی تپه جزیره ای را تشکیل بدهد که در انتها بشکل چنـگال باشد : خطر سرطان ریه را برای صاحب دست اعلام میدارد .

۹ـ پنجـره روی این تپه : موانع و مشکلات زندگی صاحب دست را بیان میکند.

۱۰ـ خورشید روی این تپه: نشانه تهوروشجاعت است وکسی که دارای این علامت باشد بواسطه تهور وشجاعت بشهرت و افتخار میرسد .

۱۱ـ عصا: این‌علامت‌روی‌تپه‌بهرام‌تنزل‌درجه‌ومقام‌رامعین‌میکند.

۱۲ـ خوشه : این شکل روی تپه بهرام علامت ترقی تدریجی است، مشروط باینکه خط آن قائم ومستقیم وشاخه‌های آن صعودی‌باشد واگرشاخه‌های آن‌خوشه‌نزولی‌باشد، بعکس نشانه‌ضرروخسارات است.

۱۳ـ زاویه: این‌شکل روی‌تپه بهرام خطراز دشمن رابیان میکند

بخصوص اگر در وسط آن صلیب یا ستاره‌ای قرارگیرد، درصورتیکه رأس زاویه بالا وزیرخط قلبی‌باشد، دشمنی ازجانب اقوام والاازناحیه بیگانه میباشد .

۱۴- پره‌ها روی این‌تپه : علامت امراض ریوی است . چنانچه پره‌ها مورب یا افقی باشد ، خطر سرطان ریه را اعلام میدارد (شکل۹۳) .

۱۵- خط یا خطوطی که از این تپه (از محل ضربت) شروع و بطرف خط قلبی‌بالا رود: تعداد دشمنان وبعکس‌خطوطی که ازاین محل بطرف پائین‌برود وبه تپه ماه برسد، تعداد دوستان صاحب دست رانشان میدهد (شکل۴۶) .

۱۶- خطی که با صلیب یا ستاره از روی تپه بهرام شروع و بالا رفته به تپه کیوان برسد وتپه کیوان هم دارای نقطه بزرگ یا لکه سیاهی باشد : ابتلای بمرض بواسیر یا نواسیررا معین میکند (شکل۸۲) .

۱۷- خطی که ازاین تپه شروع وتا زیر خط قلبی بطرف تپه تیر بالا رود : عداوت ودشمنی صاحب دست را با اقوام و خویشان خود ظاهر میسازد (شکل۴۸) .

چنانچه این خط بیشتر بالا برود وخط قلبی را قطع نماید: برای صاحب دست اعلام خطر میکند.

۱۸- خطی که ازاین تپه شروع وتا تپه خورشید بالارود: علامت پیشرفت وترقی است و صاحب این علامت واین‌خط پس از ازدواج درنتیجه لیاقت وپشتکار ترقی وبمرتبه ومقام خواهد رسید. (شکل۶۰) .

۱۹- خطوطی که بشکل‌پره‌های قائم ازخط قلبی بطرف‌تپه‌بهرام

پائین آید: نمودار شهوت‌پرستی است وصاحب دست بواسطه‌عشقهای شهوانی وصداقت وسادگی مرتبه‌ومقام‌خودرا ازدست‌بدهد. (شکل۴۲).

۲۰- خطوط درهم‌وبرهم روی تپه بهرام: ابتلای بامراض‌ریوی وخطر سرطان ریه را اعلام میدارد. (شکل۱۲۲).

تپه ماه (قمر)

تپه ماه که محل آن اززیرتپه بهرام تا مچ‌دست میباشد، درصورتی که خوش‌ترکیب وازحیث پستی‌وبلندی وانبساط متوسط وخوب‌باشد: صاحب دست را عاشق شعر وادب معرفی‌می کند، ایندسته بیشتر اوقات خودرا بتماشای آب وسبزه، کوه وبیابان ومناظرطبیعی میگذرانند وبه کشف اسرار طبیعت وسیر درآفاق وانفس میپردازند،گردش وسیاحت را دوست دارند، دارای حس پیش‌بینی هستند وهرموضوعی درخواب بآنها الهام میشود، دارای حس مذهب هستند ومخصوصاً درپیری خود را بخدا نزدیك می کنند.

چنانچه برجستگی تپه زیاد باشد: دلیل بر تلون مزاج وخیالات درهم وبرهم است، ایندسته همیشه خود را با افکار بیهوده و خیالات واهی مشغول میکنند و بی‌جهت بحزن و اندوه فرو میروند و نسبت به هرموضوعی اظهار یأس وناامیدی می کنند.

درصورتیکه برآمدگی تپه بحد افراط باشد: صاحب دست را مالیخولیائی معرفی میکند.

انبساط تپه: نیزدلیل برخیالات‌واهی‌وافکاربیهوده‌واضطراب‌است.

وقتی تپه ماه فقط در وسط برآمده ومنفرد باشد: استعداد به نویسندگی و منشی‌گری را معین می کند.

اگر برآمدگی تپه درپائین باشد : صاحب دست را خوش‌قلب و باوجدان نشان میدهد .

عدم‌تپه : وقتی‌محل این‌تپه مسطح وصاف وهیچگونه برآمدگی نداشته باشد علامت کوته فکری است، ایندسته شکم‌پرست، دروغگو و لاف‌زن میباشند، سورچرانی‌را دوست‌میدارند وهمیشه فکروذکرشان درمورد شکم ومادیات است .

وقتی تپه ماه خشك وچین‌خورده باشد : صاحب دست‌را خبیث وبدجنس معرفی‌می کند، ایندسته بدطینت ودارای خباثت روح میباشند وهمیشه هم با مذلت و بدبختی زندگی میکنند بخصوص اگرچین‌های تپه سیاهرنگ باشد .

علائم روی تپه ماه

۱ــ صلیب روی تپه ماه : وقتی کوچك و متساوی‌الاضلاع باشد نشانه تزویر و ریا است واشخاصی که دارای این‌علامت هستند تدلیس را دوست دارند وخود را مقدس وعابد جلوه میدهند ودرحفظ ظاهر و عوام‌فریبی ید طولائی دارند. (شکل۳۹) .

درصورتیکه صلیب بزرگ واضلاع آن نامساوی باشد : دلیل بر تقدس وموهوم‌پرستی است وآنهائی که دارای چنین‌علامتی هستند غالباً خرافاتی و وسواسی میشوند، بخصوص اگر صاحب دست زن باشد .

۲ــ ستاره روی این تپه : ابتلای بامراض مثانه وورم پرستات ، دیابت‌واستثقاء رادرپیری برای صاحب‌دست پیش‌بینی‌میکند (شکل۵۶) .

درصورتی که این‌علامت درناحیه‌ضربت قرارگیرد: حادثه‌شومی را درسفر نشان میدهد .



(شکل ۷۸)

چنانچه دو یا سه ستاره در این محل و درامتداد تپه نقش بندد : علامت مرگ عزیزان‌است و کسی که دارای این‌علامت باشد بمسافرت طولانی میرود ودر سفر عزیزترین کسان خود را ازدست خواهد داد .

۳- مثلث : این شکل روی تپه ماه استعداد به بحر پیمائی را نشان میدهد .

۴- مربع : این عــلامت نمودار حیله و تزویر وخیانت است ، اگر این‌علامت در ناحیه ضربت رسم شود، اعلام خطر میکند وصاحب دست حتی‌نسبت بدوستان‌وبستگان نزدیك خودخیانت میکند واز طرف آنها تهدید بقتل میشود .

۵- دایره روی‌تپه ماه: ابتلای‌به‌آب مروارید چشم را خبرمیدهد (شکل۱۲۲) .

۶- نیمدایره روی تپه ماه : موجبات بدبختی را فراهم میسازد، درصورتیکه تقعر نیمدایره بطرف صفحه‌وتحدب آن بطرف‌ناحیه‌ضربت باشد خصومت و اختلافات فامیلی و اگر بعکس تقعر نیمدایره بطرف ناحیه ضربت باشد امراض ونابینائی چشم مسبب بدبختی وخانه‌نشینی میشود. (شکل۵۳) .

۷- خورشید : نمودار شهرت وترقی است واشخاصی که دارای

این علامت هستند دررشته شعروادب باوج شهرت وترقی خواهندرسید.

چنانچه این علامت در ناحیه ضربت نقش‌بندد : شهرت و ترقی صاحب دست درخارج ازوطن خواهد بود .

۸ـ عصا: این‌شکل روی تپه‌ماه زحمات ومشقات دردوره‌جوانی را نمایش میدهد. (شکل۴۷) .

۹ـ خوشه : وقتی شاخه های‌آن صعودی باشد استفاده ها و اگر بعکس نزولی باشد ضررهای پی‌درپی‌را معین میکند .

چنانچه این‌علامت ازخط عمر شروع وتا روی تپه‌ماه پیش آید : صاحب دست در سنین بالا برای تأمین دوره بازنشستگی خود بفعالیت میپردازد ودست بکارهای مختلفی‌میزند ونتیجه ونفع وضرر آنرا صعود ونزول شاخه‌ها تعیین میکند . (شکل۴۵) .

درصورتیکه خوشه بطور افقی روی تپه رسم شود یعنی ازناحیه ضربت شروع وبطور افقی تا روی تپه پیش‌آید یا ازروی تپه شروع وبطور افقی درناحیه ضربت ختم شود : دلیل برزحمت ومسافرت‌های بی‌فایده است .

۱۰ـ پنجره روی تپه‌ماه : نشانه امراض صعب‌العلاج است، در وسط تپه مرض قند واگربطرف ناحیه ضربت پیش‌برود، ضعف اعصاب وفلجی یا آب‌آوردن شکم را خبر میدهد. (شکل۴۳) .

چنانچه این‌علامت درپائین تپه ونزدیك خط عمر قرارگیرد : در دست مرد ورم پرستات ودردست زن امراض رحمی وزایمان سخت‌را نشان میدهد، بخصوص اگرستاره‌ای هم درنزدیك خط عمر ومتصل‌بآن مشاهده‌شود، دراینصورت‌عمل‌جراحی‌راهم پیش‌بینی‌میکند (شکل۵۸).

۱۱- زاویه روی تپه ماه ، صاحب دست را از طرف دشمن در معرض خطرقرار میدهد، مخصوصاً اگرزاویه حاده وصلیب یا ستاره‌ای هم‌درنزدیك آن‌دیده شود (شکل۳۹) وقتی دوخط ازناحیه ضربت شروع و در روی تپه ماه متحـد و زاویه‌ای را تشکیل دهد : اگر رأس زاویه بطرف بالاًمتمایل باشد، خطر از دشمن خانگی واگربعکس رأس زاویه بطرف پائین‌تمایل‌داشته باشد، دشمن بیگانه خواهد بود .



(شکل ۷۹)

۱۲- جزیره: صاحب دست راروشن‌بین‌معرفی‌میکند، این‌علامت بیشتر دردست زنها مشاهده میشود. آدم‌هائی که درخواب حرف میزنند وراه میروند غالباً دارای این علامت میباشند .

۱۳- نقطه سیاه وعمیق: در دست مرد، امراض تناسلی وفیستول ودر دست زن ، نشانه امراض رحمی است .

۱۴ پره‌های قائم: مرض‌اسهال ودیسانتری وضعف معده را نشان میدهد بخصوص اگر خط سر تا روی تپه ماه پائین آید (شکل۷۰) .

۱۵- خطوط کوچك وبی‌نظم روی‌تپه ماه: ابتلای‌بمرض اسهال واستثقاءِ در پیری را خبر میدهد .

۱۶- خطی که ازروی دستبند شروع و بطور نیمدایره بالا رفته بناحیه ضربت برسد : نمودار سود ومنافع میباشد ولی کسی که دارای



(شکل ۸۰)



(شکل ۸۱)

این خط است بواسطه معاشرت با اشخاص ناجنس و دوست نماهای استفاده‌جو ثروت بدست‌آورده را بباد فنا میدهد.

چنانچه این‌خط کوتاه یازنجیری ویا پیچ وتابدار باشد: صاحب دست بواسطه دخالت درکارهای نامشروع وغیرقانونی ثروت وحیثیت خود را از دست خواهد داد (شکل۴۴).

۱۷- خطوط عمودی وافقی زیاد : در دست مرد امراض تناسلی ودر دست زن نامنظمی رحم را نشان میدهد (شکل۳۷).

۱۸- یك یا دو خط قائم در طول تپه : دلیل برترقی و پیشرفت است وکسی که دارای چنین خطی باشد پس از زحمات و مشقات زیاد دردوره جوانی به‌ثروت وسعادت خواهد رسید بخصوص وقتی که خط بلند وتا نزدیك دستبند ادامه داشته باشد ولی چنانچه خط پیچ وتابدار باشد زحمت بیفایده رانشان میدهد وباوجود زحمات وفعالیت‌های زیاد بجائی نخواهد رسید (شکل۴۵).

۱۹- تپه ماه مخطط: وقتی این تپه منبسط و برجستگی آن متوسط وسطح آن پراز خطوط درهم وبرهم باشد: دلیل برروشن بینی والهامات غیبی است بخصوص اگر خط کبدی از روی این تپه شروع و بطرف تپه تیر بالا رود ، دراینصورت صاحب دست دارای حس ششم وحس قبل از وقوع میباشد (شکل۱۱۶) .

۲۰- وقتی تپه ماه مسطح و کوچك و مخطط باشد: ضعف اعصاب را نشان میدهد واگر خط قلبی هم در انتها بطرف خط عمر پائین آید علامت فلجی وزمین گیری است .

۲۱- خط یا خطوط افقی روی تپه ماه: مربوط به‌مسافرت است. (بفصل هشتم خط مسافرت رجوع شود) .

تپه ناهید (زهره)

تپه ناهید که محل آن درزیر انگشت شست و قسمت داخل خط عمر میباشد درصورتیکه برآمدگی، انبساط، وسعت، کوچك وبزرگی آن متوسط ومتناسب وخوب و خوش ترکیب باشد : نمایشگر عاطفه و خیرخواهی است، ایندسته مردم خون‌گرم ، خوش اخلاق و بامحبت و مخصوصاً نسبت به‌دوستان وفامیل صمیمی وباصدق وصفا میباشند، از بوی خوش وعطر وگل لذت میبرند، تجمل وزیبائی‌را دوست میدارند، عاشق موسیقی و هنر هستند ولی هیچوقت هنرمند نمیشوند ، زنهای ایندسته غالباً جذاب‌وشیکپوش وهمیشه بفکر لباس‌وخودآرائی میباشند.

وقتی برآمدگی تپه زیاد باشد : نشانه هواپرستی است، ایندسته عیاش، خوشگذران وهیچوقت در عشقهای خود پایدار نیستند ، زنهای ایندسته نیز عیاش، دلربا وعشوه‌گر میشوند .

افراط دربرجستگی تپه : دلیل برافراط در شهوت پرستی‌است بخصوص اگر صاحب‌دست زن باشد، زنهای هرزه وفاسدالاخلاق غالباً ازایندسته‌اند .

چنانچه این تپه خیلی منبسط ومحکم باشد : نیزدلیل برشهوت‌پرستی و خوی حیوانی است .

وقتی تپه‌ناهید مسطح وصاف وبدون‌خط باشد: عفت وپاکدامنی را نشان میدهد .

عدم تپه : خودپسندی و خونسردی‌را معین میکند، این‌اشخاص حتی نسبت بدوستان ونزدیکان‌خود بی‌علاقه ومهرومحبتی ندارند وقابل معاشرت نیستند .

اگر تپه ناهید تنگ وچین‌دارباشد : دردست مرد امراض تناسلی و دردست زن کوچکی رحم ونازائی را نشان میدهد .

علائم روی تپه ناهید

۱ـ صلیب روی تپه ناهید: نشانه‌شهوت‌پرستی است بخصوص وقتی که این‌علامت بمفصل‌شست نزدیك باشدو شاخه‌ای از آن بمفصل برسد(شکل۳۹).

صلیبهای متعدد یا خطوطی که صلیبهای متعددی‌را تشکیل دهد : غلبه در شهوت را معین میکند (شکل۴۳) .

۲ـ ستاره‌روی‌این‌تپه: دلیل برمرگ یکی ازدوستان‌یانزدیکان‌است.

درصورتیکه ستاره منفرد وتنها باشد : مرگ دوست یا معشوق و اگرخطی ازستاره شروع وازخط عمر عبورنماید: مرگ یکی‌ازبستگان وخویشاوندان را اعلام میدارد، محل‌ستاره نسبت خویشاوندی ومحلی که خط فرعی از خط عمر عبور میکند زمان حادثه را معین میکنـد .

(برای توضیح بیشتر بفصل هشتم خط اندوه رجوع شود).


(شکل ۸۳)


(شکل ۸۲)

۳- مثلث : این‌علامت در روی تپه ناهید اختصاص به‌زنها دارد و صاحب دست را عشوه‌گر و دلربا معرفی میکند ، زنهائی که دارای این‌علامت هستند با خودآرائی وعشوه‌گری مردان شهوت‌پرست را در تحت تسلط خود درمیآورند .

۴- مربع : نشانه حبس وگرفتاری است ، صاحب این علامت بواسطه عیاشی و شهوت‌پرستی، خود را بدبخت وبیچاره میسازد ولی چون مربع علامت حفظ میباشد در نتیجه گرفتاری ها و صدمات زیاد عاقبت ازخواب غفلت بیدار ونفس را افسار میکند .

۵- خورشید : چنانچه میدانیم تپه ناهید مربوط بعشق وعلامت خورشید نشانه درخشیدن میباشد بنابراین صاحب‌این‌علامت درعشق‌خود موفق ودر ازدواج سعادتمند است و بعد از ازدواج ابواب سعادت را بروی خود بازمیکند .

۶- دایره روی تپه ناهید : دلیل بربی‌عفتی و بی‌حیائی‌است، این علامت در دست زنهای هرزه دیده میشود .

۷ـ نیمدایره : در صورتیکه در بالای تپه نقش بندد ازدواج با منسوبین و نزدیکان را معین میکند، ولی اگر درپائین تپه قرارگیرد دلیل برضعف چشم و نابینائی درپیری است .



(شکل ۸۴)

۸ـ زاویه : این‌شکل درروی تپه ناهید اعلام خطر میکند .

وقتی زاویه طوری‌قرارگیرد که‌رأس‌آن بخط عمر برسد بیماری خطیری را نشان میدهد واگربعکس رأس‌زاویه بخط مفصل‌شست وصل شود صاحب دست باید خود را از خطر آتش محافظت نماید .

اما چنـانچه خطی در وسط زاویه رسم‌شود وآنرا دو نیم کند نجات ازخطر را نویدمیدهد.

۹ـ عصا : نشانه شهوت‌پرستی‌است و کسی که دارای این‌علامت باشد بواسطه پیروی ازهوای نفس خود را بیچاره میسازد (شکل۴۷).

۱۰ـ پنجره : این‌علامت نیز دلیل بر شهوت پرستی است و در دست مرد، امراض تناسلی و در دست زن، امراض رحمی ومحرومیت ازاولادرا معین‌میکند بخصوص اگر تپه کوچك و تنگ باشد. (شکل۵۶).

۱۱ـ نردبان : این‌شکل درهمه‌جا ترقی تدریجی را معین میکند ولی در روی تپه ناهید معنی‌آن بعکس است و عدم موفقیت درعشق، عدم توافق با همسر و گفتگوهای داخلی و بالنتیجه تنزل و بدبختی را

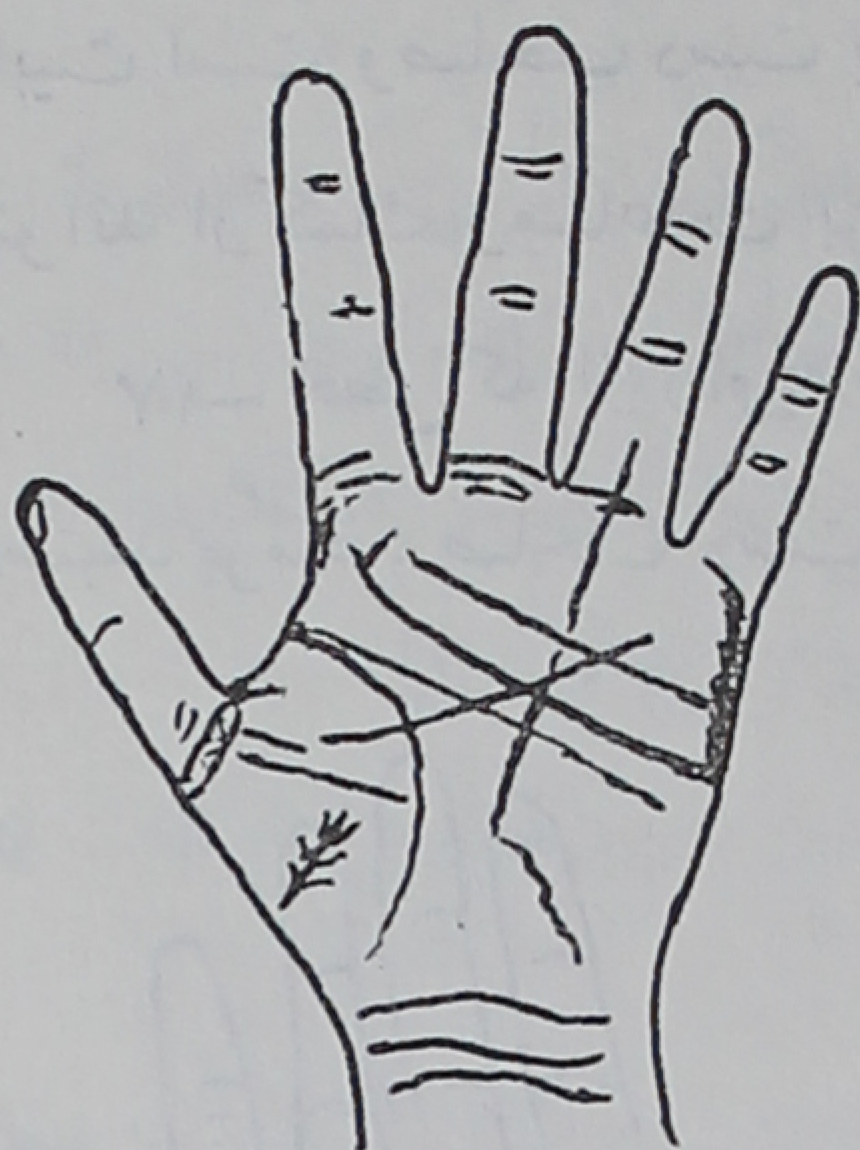
نشان میدهد .

۱۲ـ نقطه آبی یا سیاه‌رنگ : در دست مرد امراض تناسلی و در دست زن امراض رحمی را نشان میدهد .

نقطه‌های ریز ووقتی تپه ناهید نقطه‌چین وتمام تپه پراز نقاط ریز باشد نشانه شرارت وبدجنسی است .



(شکل ۸۵)



(شکل ۸۶)

۱۳ـ خوشه : نشانه عیاشی و عشقهای شهوانی است . بنابراین چنانچه شاخه‌های آن صعودی باشد، موفقیت وکامرانی درعشقهای شهوانی واگرشاخه‌ها نزولی باشد بعکس عدم موفقیت و ناکامی‌ها را نشان میدهد.

درصورتیکه خوشه افقی باشد و از خط مفصل بطور افقی روی تپه رسم شود : نمایشگر بی‌حیائی و بی‌عفتی است (شکل۳۹) .

ـ جزیره روی این تپه : دلیل است بر فسق‌وفجور ومعاشرت‌های غیرمشروع که موجب رسوائی وبدنامی خواهد بود .

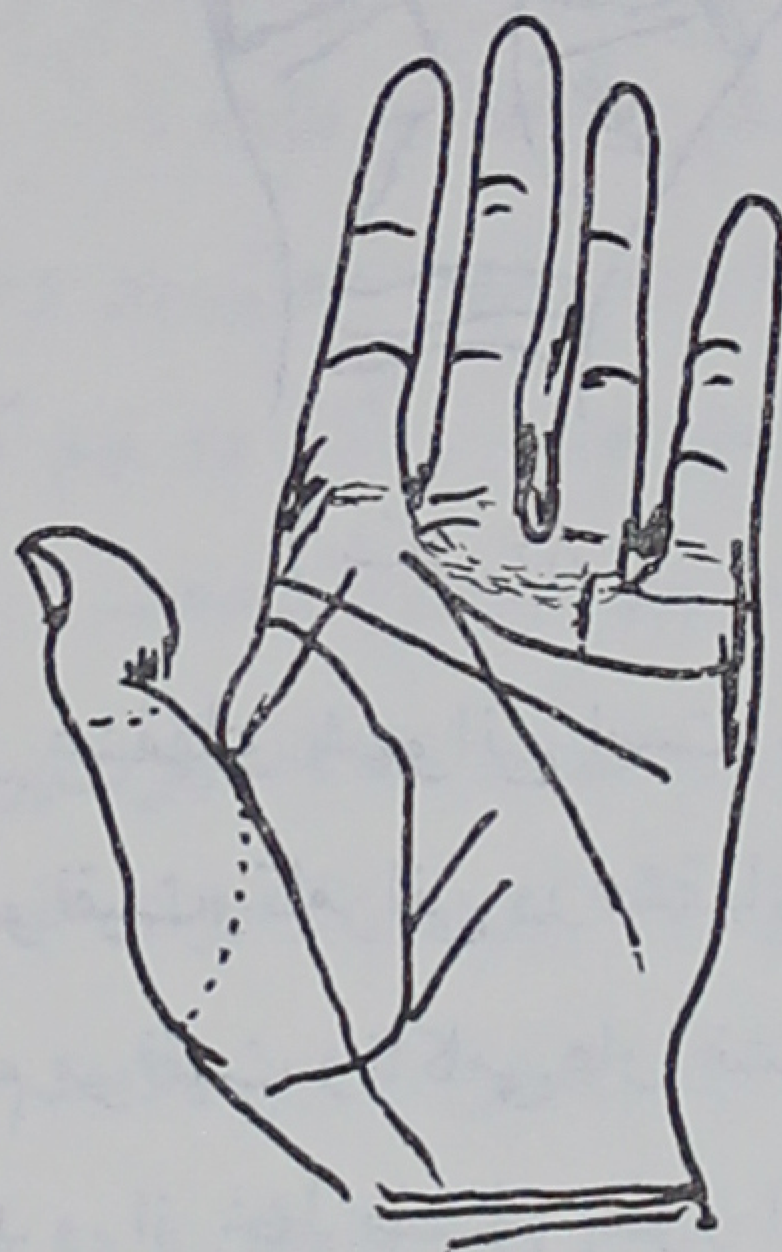
۱۵ـ پره‌های قائم، عمودی یا مورب : شهوت‌پرستی وعشقهای

شهوانی در دوره جوانی را نشان میدهد (شکل۴۲) .

۱۶- خطی که از زاویه شست بطورعمودی پائین آید و بانتهای خط عمر برسد : صاحب دست را جذاب ، خون‌گرم و دوست داشتنی معرفی میکند (شکل۶۵) .

درصورتیکه این خط مضاعف باشد : نیز نشانه خون‌گرمی و جذابیت است وصاحب دست بواسطه اخلاقی که دارد محبوب‌القلوب ومیتواند ازکمك ومساعدت بزرگان بهره‌مند شود (شکل۶۳) .

۱۷- خطی که از زاویه شست پائین آید وپس‌ازعبور ازخط عمر به دستبند برسد : صاحب دست را سخن‌چین و فتنه‌انگیز معرفی‌میکند.



(شکل ۸۷)



(شکل ۸۸)

۱۸- خط یاخطوطی که ازخط مفصل شست شروع وبطورافقی از روی تپه عبور کند و بخط عمر برسد : نمودار عشق‌های زودگذر و اتحادهای‌عاشقانه بیدوام‌است وپیچ‌وتاب این‌خطوط منازعات بامعشوق

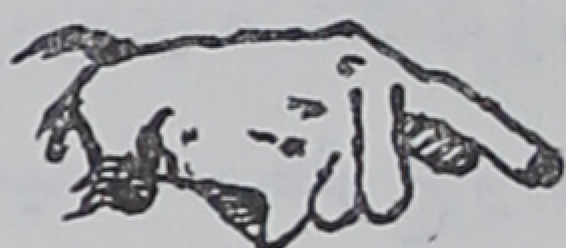
را نشان میدهد .

۱۹ـ خطوط ظریف، روشن و کوتاه که از خط مفصل بطور افقی بروی تپه پیش برود: بعقیده بعضی از کفشناسان تعداد خواهران و برادران را معین میکند. اگر خط مستقیم باشد، برادر و چنانچه پیچ و تاب داشته باشد، خواهر و اگر خطی آنرا قطع نماید ، نشانه جدائی و مرگ است (شکل ۳۹) .

۲۰ـ خطی که از زاویه شست بطرف بالا برود و خطوط عمر و سر را قطع نماید : دلیل برحسادت و کینه‌توزی است و کسی که دارای این علامت باشد بواسطه خوی حیوانی و شهوت‌پرستی مرتکب گناه میشود وعاقبت بکیفر اعمال خود خواهد رسید. (شکل ۴۸) .

۲۱ـ سه یا چهار خط مستقیم، موازی وافقی روی تپه : بهره و نصیب از ارث را نشان میدهد .

۲۲ـ خطوطی که از روی تپه شروع و بطور افقی از خط عمر عبور نماید، خط اندوه نامیده میشود و خطوطی که از داخل خط عمر شروع و بروی تپه بالارود یاپائین آید، مربوط بخط عمر میباشد (به‌فصول مربوطه مراجعه شود) .



فصل پنجم

کواکب سبعه واثرات آنها

چنانچه قبلا بیان شده تپه های هفتگانه دست باسم کواکب سبعه نامیده میشوند و همانطوریکه اخترشناسان برای هر یك ازآنها اثرات سعد ونحسی را قائل‌هستند، کفشناسان نیز برای هریك از تپه‌ها صفات خوب وبدی را تشخیص میدهند.

در اینجا بی‌مناسبت نمیداند مختصری از عقاید اختر شناسان را درباره کواکب سبعه شرح دهد:

تأثیر کواکب سبعه برزمین وساکنین آن از عقاید مسلم منجمین و اخترشناسان قدیم بوده ومعتقد بودند خورشید وماه وپنج ستاره دیگر منظومه شمسی که عبارت ازبرجیس، کیوان، تیر، بهرام و ناهید است هریك دارای قدرتهای مرموزی هستند که زندگی کلیه موجودات روی زمین را تحت نفوذ قرار میدهند وطلوع وافول هریك ازآنها دربروج دوازده‌گانه وتصادف آن با تولد شخص درنیکی وبدی حال‌نوزاد وآتیه او تأثیر بسزائی دارد.

نفوذ ستارگان آسمانی در زندگی ورفتارانسان و کلیه موجودات زمینی امروز هم مورد قبول کلیه دانشمندان مادی و طبیعی است و از اینکه نیروی جاذبه خورشید دروضع حرکت کره زمین اثر دارد یاقوه جاذبه ماه در دریاها جزرومد بوجود میآورد شکی نیست واین موضوع برای عموم دانشمندان عصر حاضر مسلم گردیده، فعل وانفعالاتی که در کره خورشید صورت میگیرد بر کلیه ساکنین روی زمین وزندگی آنها اثر میگذارد .

محققین و روانشناسان پس از بررسی‌ها و آزمایشات علمی باین نتیجه رسیده‌اند که انفجارهای اتمی در کره خورشید درروحیه کلیه بشر زمینی اثرات عمیقی بوجود میآورد وپس از هرانفجار تا چندروز میزان خودکشی‌ها ، قتل‌ها ، سرقت‌ها و تصادفات ترافیك در کلیه کشورها و شهرهای بزرگ جهان بطور محسوسی افزایش پیدامیکند واین انفجارها بر کلیه موجودات روی زمین حتی بر جسم بی‌روح هم اثر میگذارد مثلا وقتی‌در کره خورشید انفجاری صورت‌میگیرد نظم‌امواج‌رادیوئی را بهم میزند .

یا خسوف و کسوف بادهای مهیب و طوفانهای سهمگینی ایجاد میکند وموجب خرابی‌ها وجان هزاران‌نفررا بخطر میاندازد.

قدما معتقدبودند اشخاصی که درتحت اثرماه متولدشده‌اند مانند شعرا ، ادبا و نویسندگان بزرگ در شبهای بدر و سه روز قبل وبعدآن (از ۱۱ تا ۱۷ ماه‌قمری) روح آنها بهیجان میآید وافکارشان تجلی‌میکند، شعرهای نغز می‌سرایند ومطالب پرمغز برشته تحریر درمیآورند .

یاآنهائی که دارای روح حساسی‌هستند درایام بدرسلسله‌اعصابشان

بهم‌میخورد، اشخاصی که خواب می‌بینند و دارای رویای صادقه هستند دراین ایام رویای ملکوتی دارند، یاآنهائی که در خواب حرف میزنند و راه میروند این‌حالت آنها شدت پیدا میکند.

همچنین عادت ماهیانه زنها به‌بدر وهلال قمر بستگی دارد.

روانشناسان این‌عصر اگرعقیده ستاره‌شناسان‌را درموضوع تولد و اثرات سعد و نحس کواکب قبول ندارند تغییر روحیه شعرا، ادبا، نویسندگان، آدم‌های حساس‌وعصبانی، سمنامبول‌ها وآنهائی که‌بمرض هیستری مبتلا میباشند دراین ایام ولیالی (از ۱۱ تا ۱۷ ماه قمری) تائید میکنند وعقیده دارند تابش نور ماه براینِدسته مردم مؤثر است.

وقتی بناباشد قوه‌جاذبه خورشید وانفجارهای‌درونی آن یانیروی جاذبه ماه وتابش نورآن برزندگی انسان‌ها اثرداشته باشد آیا قوه‌جاذبه ونفوذ سیارات دیگر منظومه که همه تابع خورشید ودر یك‌نظام معینی حرکت میکنند درزندگی‌انسان مؤثراست؟ وآیا کواکب سبعه وطلوع وافول آنها دربرج معینه درصفات، روحیه وسرنوشت هرکس‌اثردارد؟ خدا دانا است!

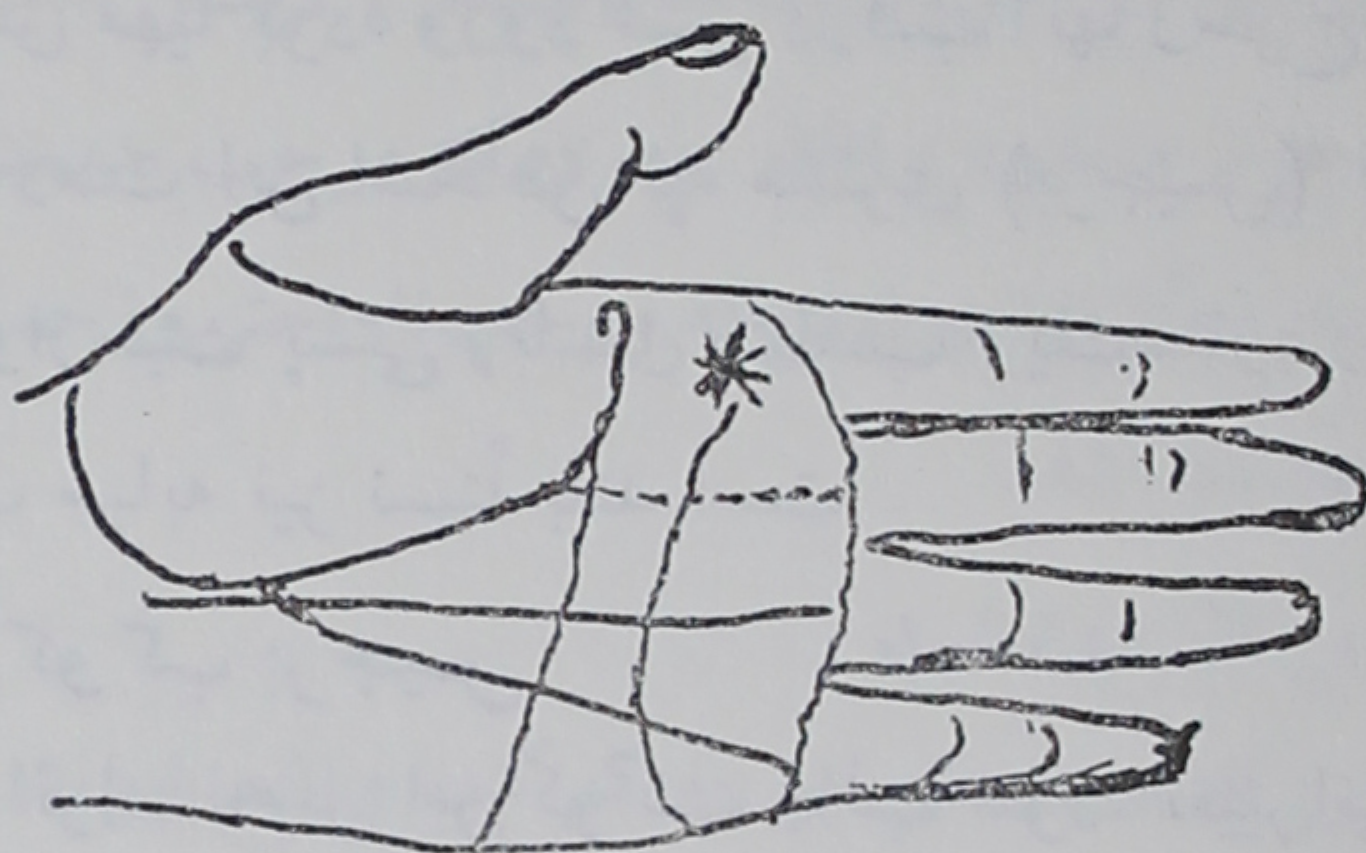
آنچه که مسلم‌است صفات واثرات سعد ونحسی راکه قدما برای کواکب سبعه معلوم کرده‌اند با صفات و مشخصاتی که‌کفشناسان برای تپه‌های هفتگانه برحسب نام، پستی وبلندی و محل وقوع آنها تشخیص میدهند مطابقت دارد ومطالبی راکه تپه‌ها بیان‌میکنند غالباً وبلکه همیشه موردگواهی صاحب دست میباشد.

دراین‌فصل اثرات سعدونحسی راکه قدمابرای هریك‌از کواکب تعیین کرده‌اند وهمچنین‌اثراتحاد آنهارا شرح‌میدهد وضمناً اضافه‌مینماید:

کفشناسان بر این عقیده‌اند هریك از تپه های هفتگانه دست قابل توجه و خوب‌نمایان باشد صاحب دست در تحت اثر ستاره هم نام تپه واقع است، اگر تپه ازحیث پستی وبلندی متوسط وخوش‌ترکیب ودر جای خودباشد اثرسعد واگربرآمدگی وبرجستگی آن زیاد وبحد افراط باشد اثرنحس آن وچنانچه درجای خودنباشد بطرف هرتپه‌ای که متمایل باشد سعادت یا نحوست در دوکوکب متحداً اثر میکند ، یا وقتی‌یکی ازتپه‌های دیگرهم نمایان باشدکوکب مربوطه نیزبی‌تأثیر نخواهد بود.

نکته‌دیگر که قابل‌اهمیت‌وتذکر آن‌لازم‌میباشداین‌است: تشخیص وجود یاعدم تپه‌ها، کدام یك ازآنها خوب نمایان و قابل‌توجه و کدام بی‌اثر نیست، درجای خود قرار دارد یا تمایل دارد ، وپستی وبلندی و انبساط‌آنها ساده‌وآسان‌نیست وهمه‌کس‌نمیتواند باننگاه کردن کف‌دست وضع تپه‌هارا معین کند مگرآنکه صدها دست‌را مورد معاینه دقیق قرار دهد وبامقایسه دستهای مختلف‌وضع هریك ازتپه‌هارا معین‌ومعلوم‌نماید.

برجیس (مشتری)



(شکل ۸۹)

مشتری ــ سعداکبر (خدای خدایان) و ستاره داوران ، قضات

و صاحبـان مناسب عالی است .

اشخاصی که تحت اثر این کوکب واقع میشوند سفید پوست و دارای قامتی متوسط با شانه‌های پهن وگیسوان خرمائی و گره‌دار ، ابروها قوسی، چشم‌ها بزرگ وخندان با مژگان طویل، گونه‌هاگوشتی، بینی متوسط وراست، لبها ستبر، دهان وسیع با دندانهای بزرگ، زنخ طویل وچالداراست ساق پای آنها پرمو وغالباً موی‌سرشان زود میریزد بدن بخصوص سر وپیشانی آنها زیاد عرق میکند واین‌اشخاص خوش-گذران و راحت طلب وهمیشه مسرور وبشاش هستند ، فامیل دوستی و صله‌ارحام‌پرستی ازصفات‌مشخصه آنها وبرای‌حمایت ومساعدت دوستان حتی‌القوه کوتاهی ندارند، فوق‌العاده زرنگ و باهوش و دارای اعتماد بنفس هستند، گرچه زود تحریك و غضبناك میشوند ولی دارای روحی سلیم و بی‌کینه بوده و بواسطه نجابت فطری محبوب القلوب میباشند تا اندازه‌ای جاه طلب و بواسطه لیاقت شخصی و عشقـی که به ترقی دارند پیشرفت نموده مقامهای ارجمندی را اشغال‌میکنند، ایندسته‌برای هواپرستی وعشق مهیا بوده وزود عشق درقلب آنها رسوخ پیدا میکند.

درکف دست این اشخاص تپه مشتری (برجیس) قابل توجه و خوش‌ترکیب وازحیث پستی وبلندی متناسب ویك‌ستاره روی‌آن نقش میبندد وانگشت سبابه نیز نسبتاً بلند است .

اثرات نحس کوکب برجیس

وقتیکه اثرات‌نحس این کوکب غالب شود: تغییراتی که درقیافه حاصل میشود، فقط سر ودندانها است یعنی سر بی‌مو و طاس و رنگ دندانها زرد ومایل بسیاهی است ودرکف دست تپه برجیس بحدافراط

برآمده وبند اول انگشت سبابه کوتاه میباشد .

ایندسته فوق‌العاده متکبر وریاست طلب ولجوج و دارای حس انتقام میباشند ولخرجی واصراف، بی‌شرمی وبی‌حیائی و بداخلاقی از صفات آنها و دارای ایمان وعقیده‌ای نبوده وحتی نسبت باقوام ودوستان خود بی‌عاطفه وبی‌محبت میباشند وبدیهی‌است ایندسته مردم خوشبخت وسعادتمند نبوده وعاقبت خوبی نخواهند داشت .

اتحاد برجیس وکیوان

اشخاصی که درتحت تأثیر این دوکوکب متحداً واقع شوند : دارای موهای خرمائی و چشمهای مایل به سیاه و سفید پوست هستند . درکف‌دست تپه‌برجیس درجای‌خود قرارنگرفته وبطرف انگشت‌وسطی متمایل است انگشت سبابه نیز بانگشت وسطی تمایل دارد.

این اشخاص فوق‌العاده ملایم و با حوصله و با مهر و محبت هستند وبالنتیجه خوشبخت وسعادتمند میباشند ولی درامورات ترقی و پیشرفت فوق‌العاده نخواهند داشت .

درصورتیکه کواکب نامساعد باشند : دلیل است بر انزوا و گوشه‌نشینی ، حزن واندوه وافکار بیهوده که موجب بدبختی است این اشخاص دردوره‌زندگی باحوادثی که موجب ناراحتی‌وزحمات گوناگون است روبرو خواهند شد.

اتحاد برجیس با خورشید

اشخاصی که تحت اثر این دوکوکب واقع شوند: دارای‌قامتی متوسط وموهای مجعدوپیچدارمیباشند درکف‌دست‌تپه‌خورشیدنیزخوب ومتناسب وانگشت بنصرهم نسبتاً بلند وازانگشت سبابه کوتاهترنیست.

ایندسته فوق‌العاده خوشبخت وسعادتمند بوده و به‌ثروت وشهرت رسیده وافتخارات بزرگی‌را کسب خواهند نمود .

اتحاد برجیس با تیر

اشخاصی که درتحت‌اثرات دوکوکب برجیس‌وتیر واقع‌شوند: دارای چشمهای مشکی وقشنگ وجذاب هستند و درکف دست تپه تیر نیز خوش‌ترکیب وقابل‌توجه وبنداول انگشت خنصر نیز بلند میباشد، ایندسته دارای هوش‌وذکاوت وذوق‌بمطالعه‌کتب فلسفی‌وادبی واستعداد تحصیل طب و داروسازی دارند و درصورتیکه به‌تحصیل ادامه دهند میتوانند ترقیات‌کامل نموده، به‌ثروت وسعادت برسند .

چنانچه اثرات نحس‌کواکب غالب‌آید: دلیل‌برخست وجهالت وعدم ترتی وپیشرفت است .

اتحاد برجیس با بهرام

وقتیکه دوکوکب برجیس و بهرام متحداً تأثیر نمایند : چشم‌ها بزرگ، پوست‌بدن مایل بسرخی ودرپای راست علامتی مشاهده‌میشود ودرکف دست علاوه ازتپه برجیس تپه بهرام نیز قابل‌توجه است .

این اشخاص دارای اعتماد بنفس و بهرامری اقدام‌کنند باکمال تهور پیش میروند و بالنتیجه در امورات موفق و به شهرت و افتخار خواهند رسید .

درصورتیکه نحوست کواکب‌اثر کند: گستاخی،سبعیت، قساوت وبی‌رحمی وبی‌ثباتی را معین میکنند .

اتحاد برجیس با ماه

اشخاصی که تحت‌اثرات این‌دوکوکب واقع‌شوند: دارای‌قامتی

متوسط وصورتی گرد وچشم‌های قشنگی خواهندبود ولی دوچشم باهم تفاوت دارد ویکی بزرگتر ازدیگری است ودر کف دست هم علاوه‌از تپه برجیس تپه ماه نیز نمایان ومتناسب میباشد.

اتحاد این‌دوکوکب مولد عدالت وشرافت ونیکنامی است.

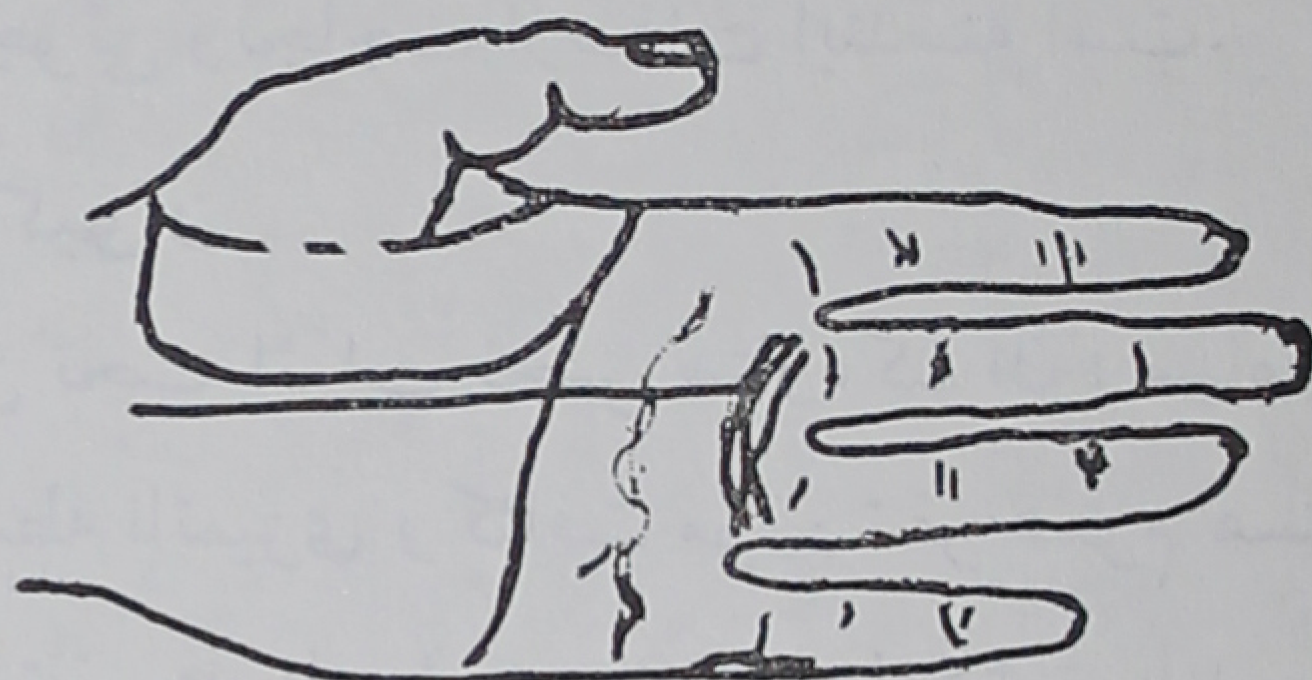
اتحاد برجیس با ناهید

ایندسته دارای قیافه باز وچشمهای قشنگ، خوشروی و جذاب میباشند ودر کف دست نیز علاوه ازتپه برجیس، تپه‌ناهید ازحیث پستی وبلندی و وسعت متناسب است .

اشخاصی که درتحت‌اثرات این‌دوکوکب‌واقع‌شوند: فوق‌العاده مایل بخوشگذرانی وعیش وعشرت وعلاقمند بموسیقی وعشق مفرطی به‌زینت وآرایش دارند، با فامیل ودوستان خود صمیمی وفداکارمیباشند وزندگانی خوشی را میگذرانند .

چنانچه نحوست کواکب غالب شود : تلون‌مزاج، راحت‌طلبی وعدم پیشرفت را معین میکند .

کیوان (زحل)



(شکل ۹۰)

کیوان ـ نحس اکبر (خداوند نکبت) و ستاره کشاورزان و

تیره‌بختان است و اشخاصی که در تحت اثر این کوکب واقع شوند دارای علائم زیر میباشند :

سرطویل، چشمهاسیاه ومحزون، سفیدی‌چشم زرددرنگ، ابروها کاملاً مشکی وبهم نزدیك ، گوشها بزرگ ، گونه‌ها مقعر ، بینی‌نازك ، فکین مخصوصاً فك اسفل وسیع ، دهان بزرگ ، لبها نازك ، دندانها درجوانی‌کاملا سفید ولی در پیری فاسد میشود ، گردن بزرگ وقوی ، شانه‌ها خیلی‌بلند، بازوها استخوانی، سینه‌تنگ و مودار، وریدها درزیر پوست نمایان است .

ازنظر دست شناسی : دستها لاغر و انگشتان گره‌دار و انگشت وسطی گوشه دار و در کف دست تپه کیوان کاملا نمایان و مشخص است .

ایندسته غالباً لنگ ویا مستعد حوادث ویاامراضی برای‌پا هستند ازقبیل اصابت‌گلوله، تصادف وصدمه پا، یا رماتیسم ودردمفاصل سخت وفلجی، همچنین کرها وآنهائی‌که ازحس شنوائی محرومند بیشتر از ایندسته‌میباشند ونارضایتی، حزن واندوه،گوشه‌نشینی، عدم‌اعتمادبنفس، قناعت وصرفه‌جوئی ولجاجت ازصفات ایندسته است.

اثرات نحس کیوان

متولدین تحت اثرات نحس ستاره‌کیوان : سیاه پوست و غالباً قوزدار و بواسطه ناتمیزی وکثافت مورد تنفر عموم هستند ، بینی‌آنها نوك تیز وانگشتانی طویل دارند، بند اول انگشت بلند و بنددوم کوتاه وتپه‌کیوان بحد افراط‌برجسته و بدترکیب‌وباخطوط درهم‌وبرهم پوشیده شده است .

این اشخاص تنبل، احمق، بی‌لیاقت ولی محیل هستند و بواسطه صفات مذمومه خود بدبخت و با ذلت و بیچارگی عمر را بسرمیبرند. جادوگران، ساحرین و دعانویس‌ها غالباً ازاینندسته‌اند.

اتحاد کیوان با خورشید

وقتی که دو کوکب کیوان و خورشید متحداً تأثیر کنند: قامت نسبتاً بلند وفربه، موها خرمائی ومایل به‌زردی وطویل ومجعد میباشد و دردست آنها تپه خورشید نیزقابل‌توجه خواهد بود در اینصورت انوار سعادت خورشید اثرات خودرا نمایان میکند.

چنانچه نحوست خورشید هم غالب شود بدبختی، بیچارگی و زندگی پراز غم ومحنت را معین میکند.

اتحادکیوان با تیر

اشخاصی که درتحت اثرات دوستاره کیوان وتیر متولد شوند: گندم‌گون و دارای پیشانی وصورت متناسب و دندانهای زرد هستند، ایندسته فوق العاده زرنگ، بامهارت، خوش‌فکر و بالنتیجه ترقی و پیشرفت نموده وبسعادت خواهند رسید.

اگرکواکب مساعدنباشند: بدجنسی وخیانت، حیله ودروغگوئی را معین میکند بخصوص اگرزن باشد.

اتحادکیوان با بهرام

متولدین تحت اثراین‌دوکوکب: درشت هیکل، فربه وصورت آنها لکه‌دار است.

اتحاد این دوستاره موجب پیشرفت و ترقی است زیرا ایندسته جدی، فعال، باحرارت، با جرأت و باشهامت میباشند ولی در عین‌حال

احتیاط خودرا درهیچوقت و هیچ‌مورد ازدست نمیدهند .

چنانچه کواکب مساعد نباشند : موها قرمزرنگ ، چشمها زرد و درپای‌چپ علامتی‌مشاهده‌میشود وشرارت، دزدی، بی‌شرمی وبی‌حیائی را بخصوص برای زنها معین میکند .

اتحاد کیوان با ماه

ایندسته دارای چشمهای سیاه ، پلك چشم قشنگ ، صورت‌گرد وسفیدپوست میباشند وعموماً با وجدان وخوش‌طینت و دارای صفات نیکو وپسندیده وسعادتمند خواهند بود .

چنانچه کواکب مخالف باشند: بدبختی وابتلای بمرض استشقاء ونقرس را در پیری معین میکند .

اتحادکیوان با ناهید

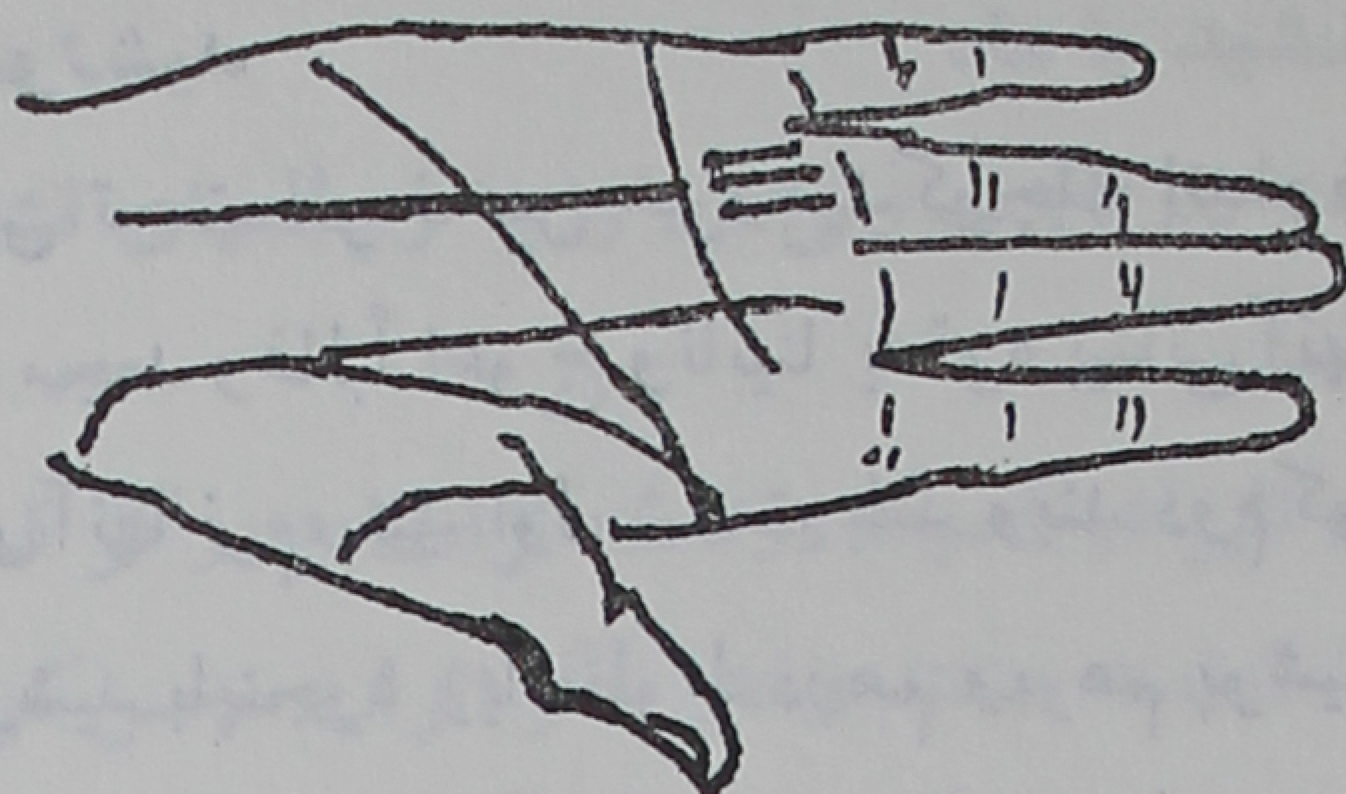
اشخاصیکه تحت‌اثراین‌دوکوکب متولد میشوند: دارای‌صورت گرد وچشمهای قشنگ وجذاب وبینی نوك تیز ولبهای نازك و زنخ‌گرد وموهای مشکی میباشند .

اتحاد این دو ستاره موجب سعادت ونیکبختی است زیرا ناهید سعد واثرات نحس کیوان را خنثی میکند .

این دسته ملایم وبا رحم و مروت و خوش‌فکر وبر نفس خود مسلط هستند ولی دارای‌صفت رشك وحسد وبزینت وآرایش‌عشق‌دارند بخصوص زنها .

اگر کواکب مساعد نباشند: شهوت‌پرستی، فضولی وفریبندگی را معین میکند .

خورشید (شمس)



(شکل ۹۱)

خورشید سعد (خداوندشهرت و ثروت) وستاره پادشاهان است. اشخاصیکه تحت اثرات خورشید متولد میشوند دارای علائم زیر میباشند:

قامت متوسط و خوش اندام، زیبا و قشنگ، موها خرمائی ویا طلائی، ابروها قوسی، چشمها بزرگ ودرخشان با مژه‌های طویل ، گردن بلند ظریف وزیبا، ساق پا ومچ پا قشنگ ، دهان متوسط بادندانهای مرتب وقشنگ ولی چندان سفید و درخشنده نیست، زنخ گرد و آهنگ صدا مطبوع ودلپذیراست .

علائم دست خورشیدی‌ها نیز بشرح زیر است: انگشتان مربعی، شست متوسط وبند دوم آن طویل وگره‌دار ودر کف دست تپه خورشید متناسب وروی آن یك خط مستقیم واگرخورشید کاملاً تاثیر کند سه خط قائم وموازی وروشن مشاهده میشود .

ایندسته درهر امری ترقی وپیشرفت نموده بشهرت وافتخار خواهند رسید وبا وجود داشتن دشمنان زیاد همیشه موفق هستند ودرهنرو صنعت استعداد دارند. زنهائیکه درتحت اثرخورشید واقع میشوند فوق‌العاده قشنگ و جذاب و میتوانند مردها را مجذوب ساخته وگمراه سازند و

برای آرتیستی استعداد دارند.

اثر نحس خورشید

متولدین تحت اثر نحس خورشید کوچك اندام و زرد رنگ و دارای موهای مجعد وغالباً اعوج ونابینا یا قوه بینائی آنها کم است.

دستهای آنها نرم، بند اول شست بلند وبند دوم کوتاه و در کف دست تپه خورشید باپنجره ویاخطوط درهم وبرهم پوشیده شده است.

ایندسته با هوش وزرنگ هستند اما بواسطه ضدیت دشمنان و مخالفین نمیتوانند ترقی وپیشرفت نمایند.

اشخاصی که درتحت اثرات نحس خورشید واقع میشوند غالباً بواسطه حوادث و مخاطرات ناگهانی در خارج از وطن، دار دنیا را وداع میگویند.

اتحاد خورشید با تیر

متولدین تحت اثرات خورشید و تیر سفید پوست و رنگ بدن آنها مایل به‌زردی وموهای قشنگ دارند، بند اول انگشت خنصر بلند ودر کف دست تپه‌های خورشید وتیر نمایان وقابل‌توجه میباشد.

ایندسته باهوش و نیك‌نفس و دارای ثبات قدم و در نطق وبیان قوی و چنانچه به تحصیلات خود ادامه دهند درجات عالیه را طی خواهند نمود.

اتحاد خورشید با بهرام

متولدین تحت اثرات این دوکوکب متوسط‌القامه پوست بدن قهوه‌ای ویا قرمز ودارای موهای خرمائی میباشند.

این اشخاص فوق‌العاده جدی، فعال‌وباحرارت ودارای ثبات‌قدم

وپشتکار میباشند و بهر کاری که دنبال کنند موفق خواهند بود .

اتحاد خورشید با ماه

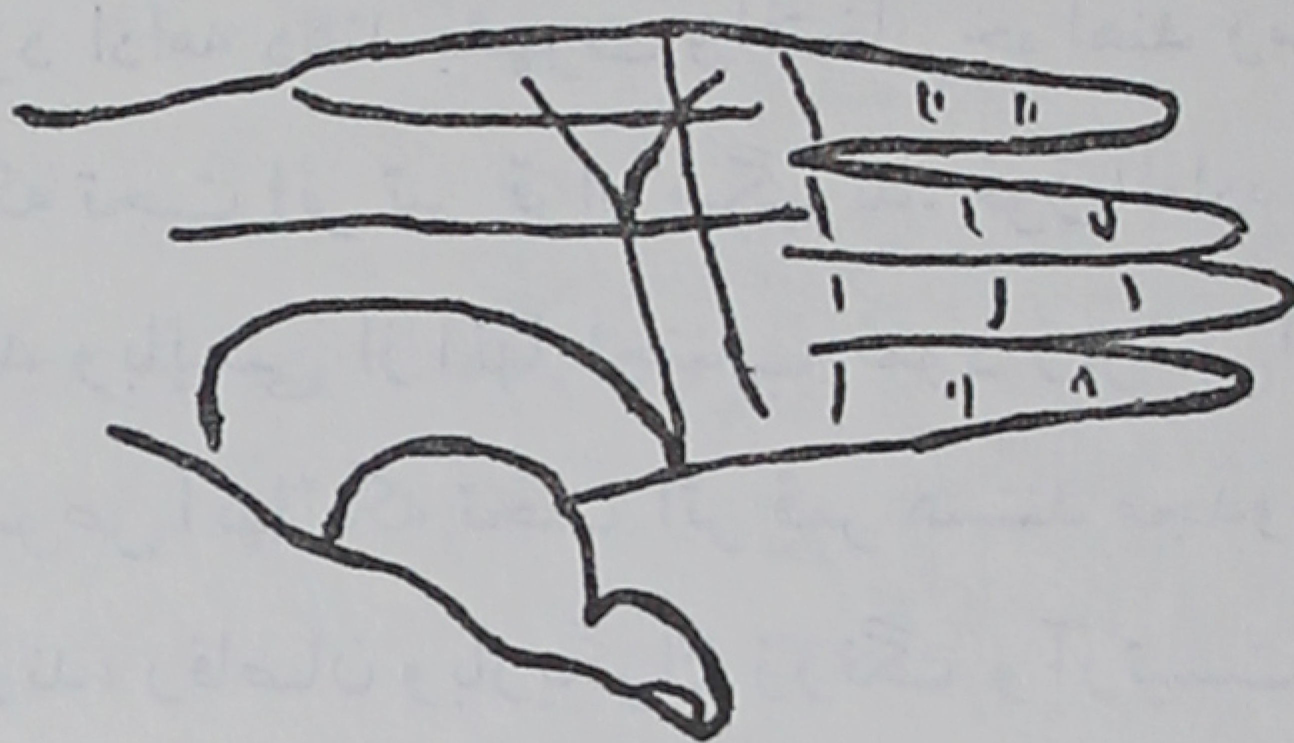
ایندسته دارای صورتی گرد وزیبا وچشمهای قشنگ، با هوش و روشن بین هستند .

بطور کلی اشخاصیکه در تحت اثرات این دو کوکب واقع میشوند نیکبخت وسعادتمند هستند وحتی اگر اثرات نحس کواکب هم غالب شود به بدبختی وبیچارگی مبتلا نخواهند شد .

اتحاد خورشید با ناهید

متولدین تحت اثرات این دو کوکب دارای قامتی متوسط، ظریف اندام وخوش چشم وابرو هستندوعموماً خوش طینت، نیکوکار، بامحبت، خوش معاشرت ومحبوب القلوب هستند. ودر زندگی بیچارگی وبدبختی ندارند .

تیر (عطارد)



(شکل ۹۲)

کوکب تیر باسعد سعد وبا نحس نحس (خداوند علم وتجارت) وستاره نویسندگان، مورخین، علماء و بازرگانان است .

اشخاصیکه تحت اثرات تیر متولد میشوند علائم زیر را دارا

میباشند :

موها کمی نرم ولطیف ومجعد، ابروها باریك، طویل و کمانی و غالباً پیوسته است، پیشانی بلند ووسیع، چشمها مقعر و برنگ خرمائی یا خاکستری، بینی راست و طویل وغالباً گودال کوچکی در انتهایش مشاهده میشود، لبها نازك ودهان غالباً نیمه بازاست، صداظریف و نازك، دستها طویل وانگشتان دست بطرف انگشت شست متمایل و انگشت خنصر (کوچك) غالباً نوك تیزوباریك است، در کف دست تپه تیر نمایان وبر آمدگی آن بحد متوسط وخط سراغلب در انتها دو شاخه وچنگالی ویك شاخه آن بطرف تپه تیر بالا میرود.

اشخاصیکه در تحت اثرات این کوکب متولد میشوند : زرنگ وچابك وفوق العاده زیرك وداناوعاقل وفهمیده هستند، استعدادشان برای کسب و تجارت خوب است ودر این رشته ترقی و پیشرفت میکنند، همچنین برای طب و داروسازی استعداد دارند و اگر در این رشته به تحصیلات خود ادامه دهند بشهرت وافتخار خواهند رسید.

زنهائیکه تحت اثر تیر قرار میگیرند: فوق العاده زرنگ ومحیل وحریص هستند وبایستی ازآنها اجتناب نمود زیرا بی اندازه جذاب و مردها را بخصوص آنهائیکه تحت اثر قمر هستند مجذوب خود ساخته وبیچاره میسازند، رقاصان وبازیگران زرنگ و آرتیست‌ها بیشتر ازاین دسته‌اند وبطور کلی عطاردیها همیشه جوانی خود را حفظ نموده وخیلی دیر پیر وشکسته میشوند.

اثرات نحس تیر

وقتیکه نحوست این ستاره غالب شود : چشمها مقعر وزننده و

وجذاب، پوست بدن لکه‌دار و موها بور واین دسته غالباً قوز دارند (متولدین تحت اثرات کیوان و تیر بیشتر قوز دارند با این تفاوت که کیوانی‌ها همیشه محزون‌وغمگین و آنهائی که تحت‌اثر تیر هستند مسخره ومضحك وخوشمزه میباشند) .

عطاردیها، دستهایشان نرم وانگشتان طویل دارند ودر کف‌دست تپه تیر و بند سوم انگشت کوچك با خطوط درهم و برهمی پوشیده شده است .

ایندسته دزد ودروغگو، طماع و حسود و اغلب در مسافرت و دوره‌گردی و کلاه‌برداری عمرخود را میگذرانند .

اتحاد تیر با بهرام

متولدین تحت اثرات این‌دو ستاره متوسط القامه و ظریف‌اندام وپوست بدن آنها قرمزرنگ است .

ایندسته تیزهوش، زرنگ، چابك و بامهارت، مسخره ، مقلد و بامزه هستند .

اتحاد تیر با ماه

ایندسته سفید پوست ولی رنگ آنها مایل بزردی و مردمك چشمهایشان غالباً خاکستری ویا تیره است، متلون‌المزاج و بوالهوس ولی خوش‌طینت و نیکوکار هستند .

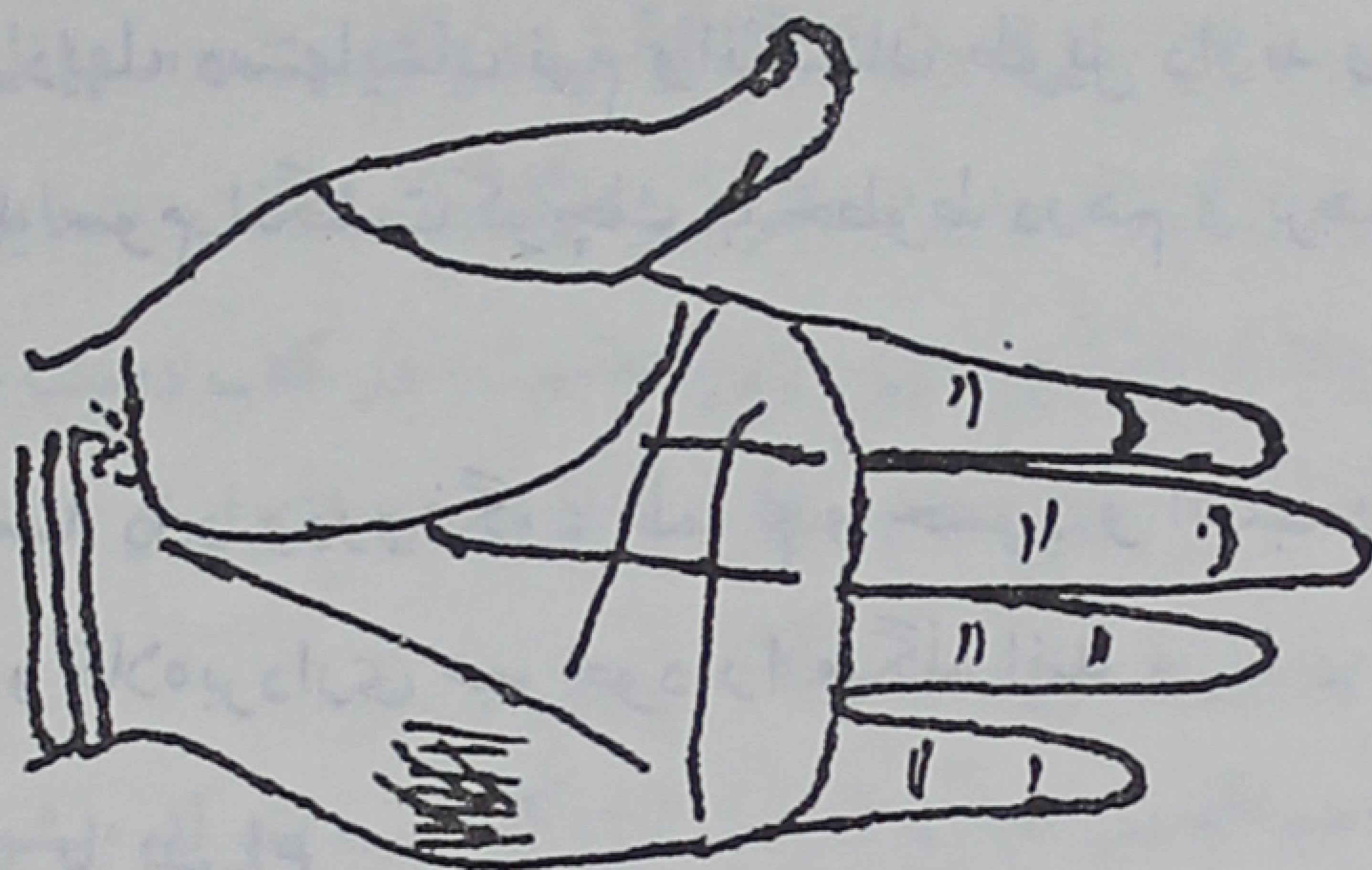
اگر کواکب مساعد نباشند تنبلی وتن‌پروری را معین میکند .

اتحاد تیر با ناهید

متولدین تحت اثرات این دو کوکب دارای صورتی کشیده ، پیشانی بلند ، بینی کمی بزرگ ، چشمها قشنگ و بطور خلاصه قیافه

جذابی دارند . این اشخاص دارای تردید رأی و در همه‌کاری دخالت میکنند ولی هیچ‌کاری را بانجام نمیرسانند، به‌تزئینات وتجملات علاقه مفرطی دارند .

بهرام (مریخ)



(شکل ۹۳)

بهرام ـ نحس اصغر (خداوند جنگ) و ستاره سلحشوران و رزم‌آوران است :

اشخاصی که در تحت اثرات این کوکب متولد میشوند علائم آنها بشرح زیر است :

قامت‌بلند، سرکوچك، پیشانی بلندوگشاده، موهاکوتاه وضخیم ومجعد ورنگ‌آن درانتها خرمائی ویاحنائی‌است، صورت‌گرد ولکه‌دار وپوست صورت مخصوصاً درحوالی‌گوشها قرمز رنگ است ، ابروها ضخیم وراست ومستقیم ونزدیك‌چشم قرارگرفته است، چشمها درشت وجسور وسفیدی چشم غالباً دارای ذرات خونین است ، دهان وسیع ودندانهافاصله‌دار وکوتاه وتیزاست، بینی کوتاه ومنقاری، زنخ‌برجسته وبطرف‌جلو پیش‌آمده، گوشهاکوچك ولی پره‌آنهاطویل‌است، گونه‌ها

استخوانی، گردن کوتاه و قرمز رنگ وعضلات آن قوی است ، شانه‌ها قوی وگوشتی وپشت ضخیم و بدین جهت گردن خیلی کوتاه بنظر میرسد، سینه پهن وجلو وشکم کمی پیش آمده وران پا اغلب کوتاه است، درموقع راه‌رفتن همیشه سررا بالا نگاه‌داشته وباگامهای بلند راه‌میروند، آهنگ صدا محکم وطنین‌انداز وهمیشه بلند صحبت میکنند .

ایندسته خیلی جسور، متهور وجنگجو و دارای قوت و قدرت میباشند، مجامع پرجمعیت و پرهمهمه، دعوا و مرافعه ، جنگ ومناظر خونین را دوست دارند، به‌قمار ومسکرات عشق مفرطی دارند ، زیاد میخورند به‌گوشت وبخصوص گوشت شکار میل‌مفرط دارند، مریخی‌ها برای نظام وبطورکلی برای اموراتی که تهور و بی‌باکی را لازم دارد استعداد دارند و چنانچه تحصیلات خود را در رشته نظام ادامه دهند بدرجات عالیه خواهند رسید .

اثرات نحس بهرام

درصورتیکه نحوست بهرام اثربخشد متولدین دارای علائم‌زیر میباشند :

قامت متوسط، پوست بدن لکه‌دار، چهره وگردن قرمز رنگ و همیشه رنگ صورت برافروخته است ، دهان وسیع و گشاده ، ابروها پیوسته ونزدیك‌چشم، چشمها کوچك، معقر، ثابت‌وتهدید کننده وگوشها بزرگ است .

دستها کوتاه وکلفت وانگشتان محکم وقوی است بخصوص‌بند سوم آنها، بند اول شست گرد وبشکل‌گلوله، بند دوم کوتاه ولاغراست، درکف دست تپه‌بهرام برجسته وغالباً درروی آن صلیبی مشاهده‌میشود،

خط عمر قرمز و عمیق ، خط قلبی کوتاه و بدون شاخه و غالباً بشکل نیمدایره تا روی خطسر پائین میآید ، آهنگ صدا خیلی خشن است.

ایندسته مردم دروغگو و هیچ عقیده‌ای ندارند و دارای قساوت قلب هستند. غارتگران ، سارقین ، قاتلین و خائنین ازایندسته میباشند .

اتحاد بهرام با ماه

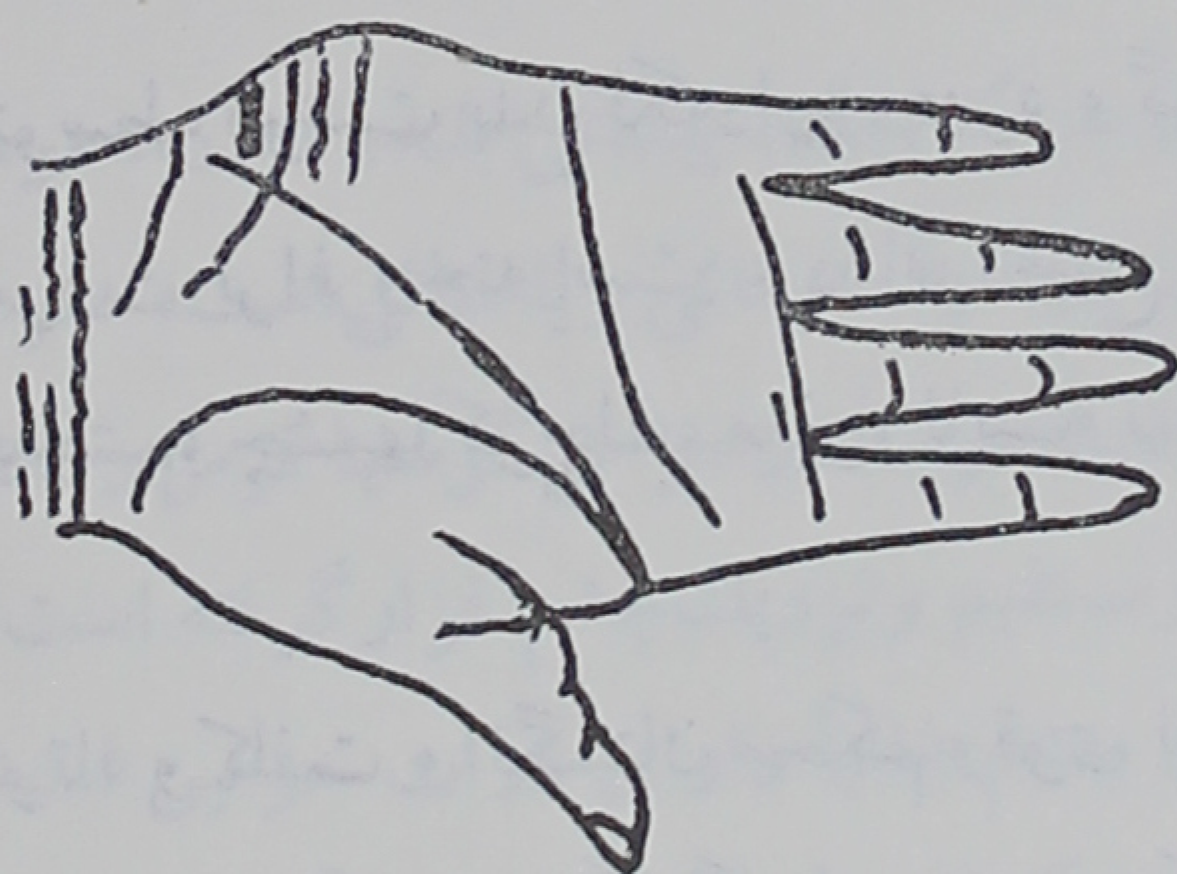
متولدین تحت‌اثرات این‌دوکوکب : سفیدپوست وصورتی‌گرد دارند وفقط به‌بحرپیمائی استعداد دارند .

اتحاد بهرام با ناهید

اشخاصی که تحت اثرات این دوکوکب واقع میشوند: پوست بدن‌آنها سفید مایل به‌قرمزی است ودارای قامت متوسط وصورت‌گرد با چشمهای مشکی وهمیشه بشاش وخندان میباشند .

ایندسته هواپرست و ذوق برقص و موسیقی دارند و بخصوص زنهای ایندسته دارای صفت رشك وحسد بوده و ازنظر حسادت ممکن است مرتکب جنایتی بشوند .

ماه (قمـر)



(شکل ۹۴)

قمر سعد (خداوندتصور) وستاره مسافران، سیاحان وشعراست.

علائم آنهائی که در تحت اثرات قمر متولد میشوند بشرح زیر است:

پوست بدن لکه‌دار، موها لطیف و نرم و طویل و خرمائی ، بینی کوتاه و کمی تنگ، دهان کوچك ، لبها بالا رفته با دندانهای بزرگ و زرد و نامرتب، چشمها گرد و درشت و برجسته با پلکهای ضخیم و متورم، ابروها پیوسته، زنخ چاق و گوشتی و به‌سر چسبیده است ، شانه‌ها پهن، در مردها سینه و در زنها پستانها نرم و چین‌دار است، شکم بزرگ، ساقهای پا سنگین و پیچیده، پاها بزرگ و قوزك پا منتفخ است، قمری‌ها دارای هیکل درشت و بدن نرم و تهیگاه منتفخ هستند و در راه رفتن سنگین و زود خسته میشوند، دست‌ها چاق و گوشتی و نرم و صیقلی، انگشتان کوتاه و مخروطی و گاهی گوشه‌دار و بند اول شست خیلی کوتاه و در کف دست تپه ماه خیلی منبسط میباشد .

ایندسته خودپسند ، متلون‌المزاج ، هواپرست و مالیخولیائی ، مقدس و باتقوی هستند، قمری‌ها دارای حس پیش‌بینی و رویای ملکوتی بوده و هر موضوعی در خواب بآنها الهام میشود ، به‌گردش و سیاحت و مسافرت عشق دارند .

اثرات نحس ماه

تولد این اشخاص بیشتر در زمان کسوف و خسوف است و غالباً اعوج و یا چشم آنها ضعیف و نزدیك بین است و اگر نحوست ماه کاملاً اثر کند ممکن است دهان و لبها و یا سایر اعضاء بواسطه فلجی کج و معوج باشد. دست‌های آنها خیلی نرم و لطیف و متورم باانگشان نوك تیز است و در کف دست تپه ماه دارای خطوط شیاری و تپه خورشید نیز با خطوط درهم و برهمی پوشیده شده و تپه بهرام خیلی کم نمایان است، خطسر

درانتها دوشاخه وچنگالی است که یکشاخه‌آن بطرف ماه پائین میآید .

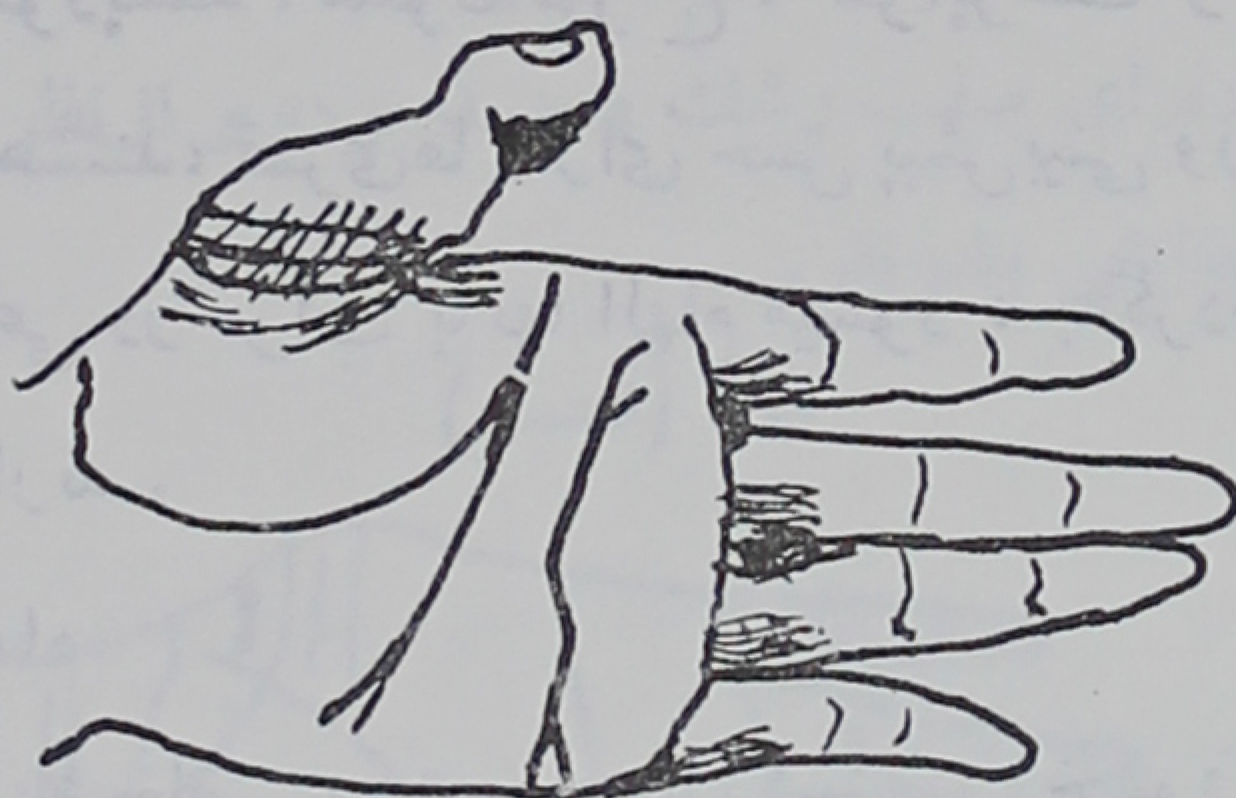
متولدین تحت اثر نحس قمر غالباً کثیف و عرق بدن‌آنها بدبو ومتعفن است و عموماً متلون‌المزاج، شکم‌پرست، دروغگو، لاف‌زن ، فضول، هرزه، بی‌شرم وگستاخ میباشند .

اتحاد ماه با ناهید

متولدین در تحت اثرات این دو کوکب : سفید پوست و دارای صورتی‌گرد وچشمهای مشکی با پلك‌های قشنگ میباشند ودر کف‌دست تپه‌های ماه وناهید منبسط است .

ایندسته هواپرست وعشقی ودرمقابل عشق وصمیمیت، فداکار و بواسطه عشقهای بیهوده خود همیشه مضطرب و تردید رأی دارند.

ناهید (زهره)



(شکل ۹۵)

ناهید ـ سعد اصغر (الهه عشق وجمال) وستاره زنان است.

متولدین تحت اثرات این کوکب دارای موهای طویل، ضخیم، مواج وسیاه یا خرمائی تیره هستند و غالباً موی سرآنها تا زمان پیری بهمانحال ورنگ باقی میماند ، ابروهایشان کمانی و طویل و موقعی که

بغم و اندوهی گرفتار و حالت محزونی بخود میگیرند در پائین ابروها خطوط کوچکی نمایان میشود، چشمها درشت وخندان و مردمك چشم بزرگ ووقتی که چشم خودرا میبندندگرد ودر روی پلك خطوط شعری مشاهده میشود، گونه‌ها کوچك ولی لبهایشان درشت و ضخیم است با دندانهای سفید و مرتب و لثه‌های خوشرنگ ، زنخ گرد و چاق و غالباً چالدار، گوشها کوچك، صورت گرد، گردن سفید، سینه تنگ وگوشتی وزنهای ایندسته پستانهای گرد وبرجسته دارند ، بازوها گرد و در آرنج دست آنها یك گودی و فرورفتگی مشاهده میشود ، رانها بلند وچاق و قوزك پایشان کوچك وظریف و سفید وزیبا است .

دست‌ها سفید وچاق و بواسطه چاقی چالدار میشود ، انگشتان صیقلی وغالباً کوتاه وانگشت شست نیز کوتاه ودر کف دست تپه ناهید محکم ومنبسط وبا خطوط زیادی شیار شده است .

ایندسته خوش اخلاق وخنده رو، خون گرم ومعاشرتی، خیرخواه وعطوف ومهربان هستند، به‌زینت و آرایش‌والبسه قشنگ وخودآرائی علاقه مفرط دارند وعاشق عطر وگل میباشند، بواسطه عشقی که بجمال و زیبائی دارند زود فریب میخورند بخصوص زنها که ممکن است در مقابل مردان فریبنده عفت و عصمت خود را از دست بدهند ، مردهای ایندسته نیز بیشتر زن صفت وشهوت پرست وبخودآرائی علاقه دارند. هنرمندان، موسیقی‌دانها ، آکتورها وآرتیست‌ها بیشتر از این‌دسته‌اند.

اثرات نحس ناهید

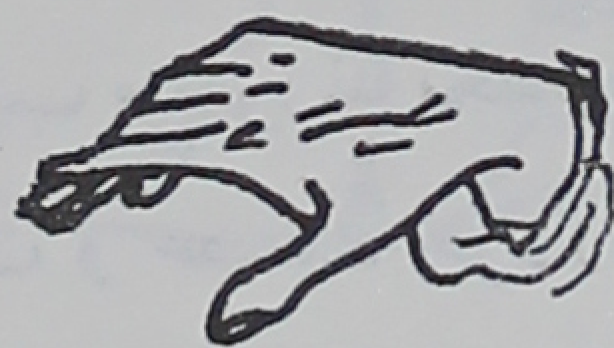
متولدین تحت اثرات نحس ناهید دارای علائم زیرمیباشند:

موها بور نزدیك به خرمائی ، بینی چاق وبزرگ بخصوص در

قسمت تحتانی آن، لبها درشت و برجسته وشکم وپستانها بزرگ، ساقها سنگین و آهنگ صدا حتی در زنها خشن است .

دستها خیلی نرم با انگشتان نوك تیز ودر کف دست تپه ناهید با خطوط زیادی پوشیده شده وتپه ماه نیز مخطط است وغالباً دارای حلقه ناهید ویا خط کمکی میباشد.

این اشخاص فوق‌العاده شهوت‌پرست وبی حیا وتنبل‌وبعیاشی و وکلیه شهوات میل مفرطی دارند .



فصل ششم

تقسیم بندی خطوط و تعیین زمان

تااینجا درباره وضع ظاهری دست وانگشتان وعلائم روی بندها ووضع تپه‌های هفتگانه و علائم روی آنها توضیحات کافی داده شده و بطور یقین خوانندگان محترم و آنهائی که علاقمنـد به فراگرفتن علم کف‌شناسی میباشند بادقت کامل مطالعه وحتی‌بادست‌خود مورد آزمایش هم قرار داده‌اند، ولی اساس این‌علم که مطالعه وشناسائی خطوط است ازاین‌فصل شروع‌میشود وامیدواراست تاآنجائی که ممکن‌باشد بتواند علاقمندان را با بیانی ساده به‌رموزآن آشنا سازد.

یکی ازاسرار مهم کف تعیین زمان حوادث و وقایع خیر و شر در دوره زندگی است وهر کس اشتیاق دارد ازآینده خود مطلع شود.

شما میخواهید بفهمید: چه وقت بکار مشغول میشوید؟ در چه سنی ازدواج میکنید؟ چه زمانی ترقی وپیشرفت میکنید واگر تنزل‌مقام یا ضرروزیانی درپیش دارید در چه تاریخ خواهد بود؟ کی اولاد دار میشوید؟ شانس‌های دوره زندگی درچه زمانهائی بسراغتان میآید و کی

به‌ثروت و سعادت میرسید ؟ موانع و مشکلات و امراض و مخاطرات دوره زندگی شما در چه سالهائی است؟ در چه سنی باز نشسته میشوید وبالاخره وضع شما درسنین پیری چطور است ؟

بلی ، تمام این کی‌ها و چه وقتها را خطوط پاسخ میگویند و با تقسیم‌بندی خطوط کف دست میتوان زمان کلیه پیش آمدهای خیر و شر دوره زندگی را دقیقاً معلوم نمود .

قدما واخترشناسان عمر انسانی‌را به‌دوازده دوره نجومی قسمت کرده‌اند :

۱ـ دوره کودکی یادوره‌پرورش‌وتربیت: ازتولدتاهفت‌سالگی.

۲ـ دوره نادانی یا دوره تحصیلات مقدماتی : از هشت تا چهارده سالگی .

۳ـ دوره بلوغ یا دوره تحصیلات تکمیلی : ازپانزده تا بیست ویك سالگی .

۴ـ دوره جوانی یا دوره پیشرفت و عشق : از بیست و دو تا بیست وهشت سالگی.

۵ـ دوره توانائی یا دوره سرورطبیعی وبهترین زمان عمر : از بیست ونه تا سی وپنج سالگی .

۶ـ دوره تجربه یا دوره تکمیل نواقص : از سی‌وشش تا چهل و دو سالگی .

۷ـ دوره‌دانائی یادوره فهم‌وعقل: ازچهل‌وسه تا چهل‌ونه‌سالگی.

۸ـ دوره تکامل یا دوره احتیاط ومواظبت : ازپنجاه تا پنجاه و شش سالگی .

۹- دوره خزان یا دوره افسوس وندامت : از پنجاه و هفت تا شصت وسه سالگی .

۱۰- دوره کهولت یادوره کسالت وخانه‌نشینی: ازشصت‌وچهار تا هفتاد سالگی.

۱۱- دوره ناتوانی یا دوره تغییـر اخلاق : از هفتاد و یك تا هفتاد وهفت سالگی .

۱۲- دوره شیخوخیت یا دوره رهسپار بجایگاه ابدی : از هفتاد وهشت تا نود وهشت سالگی .

بیشتر از کفشناسان هم خطوط کف دست‌را برطبق ادوار زندگی تقسیم وباتوجه به علائم منقوشه درخط پیش‌آمدها و حوادث خیر وشر ازتاریخ تولد تا نود وهشت سالگی وسال نجومی ۳۶۵روز پیش‌بینی میکنند .

آیا خطی که در زمان تولد درکف دست نقش بسته و هرگونه پیش‌آمد خیریا شری رابرحسب علائم واز روی سن صاحب دست خبر میدهد بر طبق عقیده منجمین و ستاره شناسان از اثرات کواکب سبعه است ؟ آیا از اثر حرکت انتقالی زمین و گردش آن به دور خورشید میباشد؟ وآیا آیه پنجم سوره یونس درقرآن کریم به سن وسال آدمی هم مربوط میشود ؟ خدا عالم است .

آنچه مسلم و محقق است پیش‌آمدهائی راکه علائم منقوشه در خطوط وکف دست برای زندگی شخص نشان میدهد مقرون به‌حقیقت میباشد واین موضوع برای شما خواننده‌گرامی هم که بطوریقین پس‌از مطالعه این کتاب دست خود یا دست دیگران را مورد آزمایش قرار

میدهید به‌ثبوت خواهد رسید، درمورد اطلاعات آینده هم آنچه را که دانشمندان نوشته‌اند یا به تجربه رسیده غالباً گذشت زمان صحت آنرا تأئید نموده است.

گرچه کفشناسان کلیه خطوط اصلیه وحتی بعضی ازخطوط فرعیه را برای تعیین زمان تقسیم‌بندی میکنند ولی عموماً دوخط عمر وتقدیر را قابل اعتماد میدانند ومخصوصاً بخط عمر توجه مخصوصی دارند و همه براین عقیده‌اند علائمی که در سایرخطوط نقش میبندد ازنظر تعیین زمان بایستی تأیید آنرا درخط عمر یا تقدیر جستجو کرد.

در این‌فصل نظریه مختلف کفشناسان را درباره تقسیم بندی کلیه خطوط وتعیین زمان شرح میدهد.

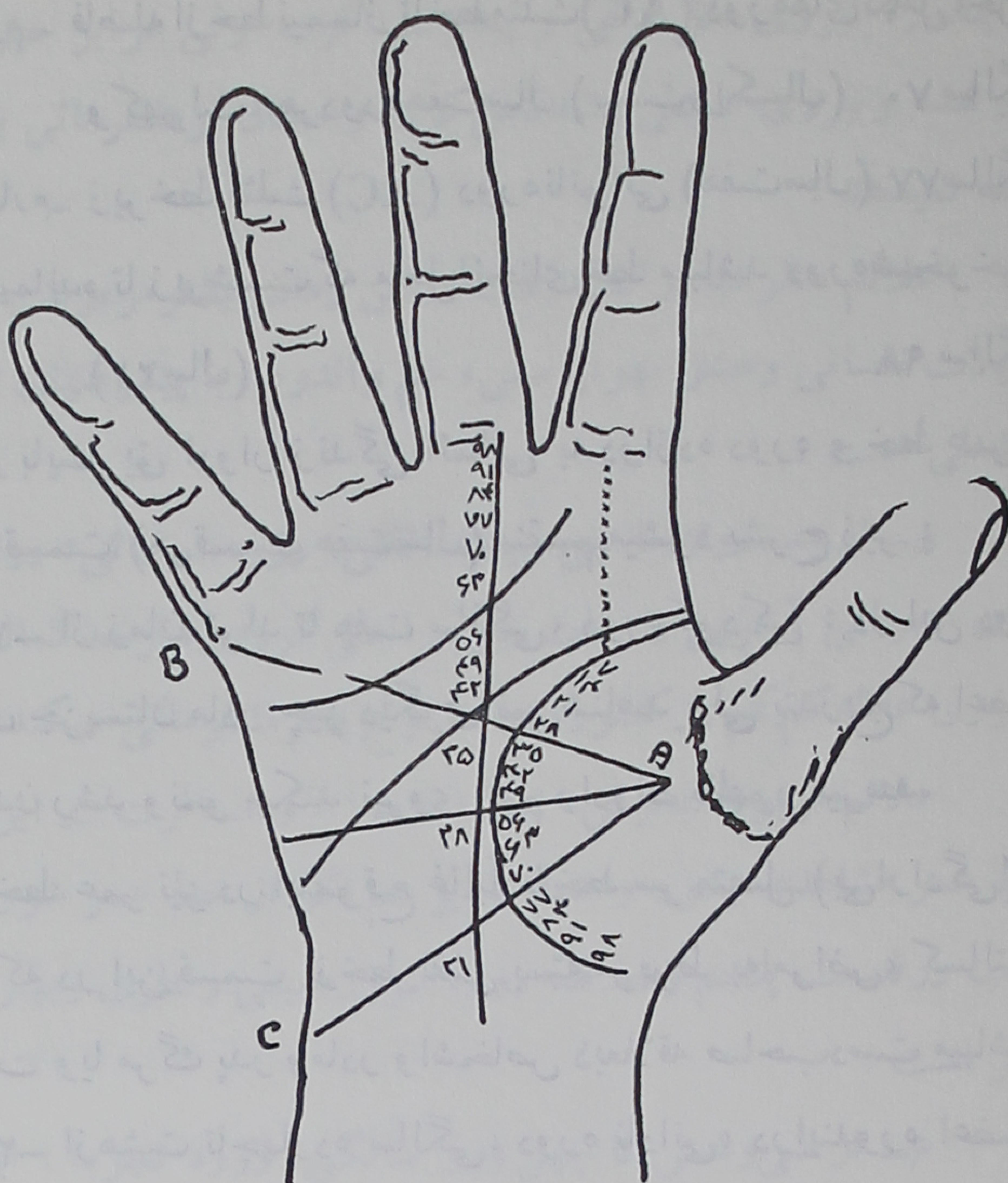
تقسیم خط عمر

بنا برعقیده عموم کفشناسان از نظر تقسیم بندی، این خط حائز کمال اهمیت و درصورتیکه تقسیم آن با توجه و دقت بیشتری انجام گیرد میتوان زمان کلیه پیش آمدهای خیر و شر دوره زندگی را دقیقاً معلوم نمود.

اغلب ازکفشناسان همان روش‌قدما واخترشناسان‌را پیروی واین خط را برطبق فورمول «چیرو» چهار قسمت میکنند:

اول مثلثی درکف دست رسم میکننـد بطوریکه رأس (A) در مرکز ریشه شست و رأس (B) درآخر خط مفصل انگشت کوچك و رأس (C) در انتهای اولین خط دستبند قرارگیرد.

سپس با ترسیم خط نیمسازی در رأس (A) فاصله داخل مثلث را دونیمه کرده و باین‌ترتیب خط عمررا بچهار قسمت تقسیم مینمایند:



(شکل ۹۶)

قسمت اول ـ ازنقطه شروع تامقابل مرکز انگشت سبابه: دوره کودکی (هفت‌سال) ۷ سالگی

از آنجا تا خط مثلث (AB) دوره های نادانی ، بلوغ و جوانی، هردوره هفت‌سال (بیست‌ویکسال) ۲۸سالگی

قسمت دوم ـ فاصله از خط مثلث (AB) تا خط نیمساز دوره‌های توانائی ، تجربه و دانائی ، هر دوره هفت سال (بیست و یکسال) ۴۹ سالگی

قسمت سوم - فاصله ازخط نیمساز تاخط مثلث (AC) دوره‌های تکامل، خزان و کهولت، هردوره هفت‌سال (بیست‌ویکسال) ۷۰ سالگی
قسمت چهارم - زیر خط مثلث (AC) دوره ناتوانی (هفت‌سال) ۷۷ سالگی
قسمت باقیمانده تا زیرشست که محل انحنای خط میباشد دوره شیخوخیت (۲۱سال) ۹۸ سالگی

و باینطریق ادوار زندگی انسانی به دوازده دوره و خط عمر به چهارده قسمت (هرقسمت هفت‌سال) منقسم میشود بشرح زیر :

۱- از زمان تولد تا هفت سالگی، دوره کودکی : در این دوره طفل اول جزپستان مادر چیز دیگری نمی‌شناسد ولی بتدریج که اعضاء رئیسه بدن رشد ونمو میکند نیروی فهم وادراك بظهور میرسد.

خط عمر نیز در اینموقع غالباً باخط سر متصل (بی‌ارادگی) و علائمی که در این قسمت ازخط نقش بسته مربوط به‌امراض، کسالتها، مخاطرات ویا مرگ پدر ومادر واشخاص ذیعلاقه صاحب‌دست میباشد.

۲- ازهشت تاچهارده سالگی، دوره نادانی، دراینددوره اعضای بدن طفل کاملا رشدکرده ونیروی فهم وادراك زیاد میشود.

خط عمر نیز غالباً در این زمان بتدریج ازخط سر جدا میشود.

۳- ازپانزده تا بیست ویکسالگی، دوره بلوغ : این‌دوره قوای شهوانی رو به تزاید میگذارد و نیروی طبیعی انسان بر قوای عاقله حکومت میکند.

علائمی که در این‌قسمت از خط مشاهده میشود بیشتر مربوط به زحمات وپیشرفتهای تحصیلی ویا قسمتهای عشقی میباشد.

۴- ازبیست ودو تا بیست وهشت سالگی، دوره جوانی: گرچه

در ایندوره نیروی عقل ترقی و پیشرفت کرده ولی غرایز حیوانی نیز زیاد شده ونیروی طبیعی رشدکامل کرده و مجال فرمانفرمائی به نیروی عاقله نمیدهد .

علائم منقوشه در کف دست دراین زمان بیشترمربوط به‌عشق‌ها، تمایلات نفسانی وعشق بهواپرستی، غم واندوه ویا پیشرفتهای تحصیلی یا شغلی است .

۵- ازبیست‌ونه تا سی وپنجسالگی، دوره توانائی: دراین‌دوره قوای شهوانی آخرین درجات خود را طی کرده وبسرحدکمال‌میرسد. ونیروی عاقله کم کم درکشور بدن شروع به‌فرمانفرمائی میکند.

علائم مربوط به‌ترقی، تنزل، ازدواج و مسافرت در این قسمت خط عمر مشاهده میشود و خط تقدیر هم اگر از خط عمر شروع شود اغلب درقسمت پنجم وخلاصه دوره سرورطبیعی وفطری وبهترین‌زمان عمر است .

۶- از سی‌وشش تا چهل ودو سالگی، دوره تجربه : این دوره نیروی عقل پیشرفت میکند وحب ذات، حب نسل و پرورش اولاد در انسان ظاهر میشود وبه‌تکمیل نواقص خود میپردازد .

دراین‌قسمت خط عمر خطوط وعلائم ترقی وپیشرفتها یا تنزل و خسارتها دیده میشود .

۷- ازچهل وسه تا چهل‌ونه سالگی ، دوره دانائی : در ایندوره نیروی عاقله وخصائص روحی رشدکامل کرده ، درهای حکمت وفلسفه بروی انسان بازمیشود وقوای شهوانی رو به‌نقصان میگذارد.

دراین قسمت از خط عمر کمتر وبندرت خطوط وعلائم مربوط

به‌تمایلات نفسانی ولذایذ جسمانی دیده میشود .

۸ـ ازپنجاه تا پنجاه وشش سالگی، دوره تکامل: در این دوره فهم وفراست بدرجه کمال رسیده وقوای‌عاقله نیز بسرحد ارتقاءِ میرسد، احتیاط، پیش‌بینی، مواظبت‌وحفظ سلامتی‌بدن برای رسیدن بعمرطبیعی درانسان تولید میشود .

خط عمرغالباً دراین‌زمان خوشرنگ، بی‌شاخه وبدون‌علائم‌است وچنانچه سعادت و شانسی نصیب صاحب دست باشد در خطوط تقدیر وثروت مشاهده خواهد شد .

۹ـ ازپنجاه وهفت تا شصت وسه سالگی، دوره خزان : دراین دوره نیروی عاقله رو به‌نقصان میگذارد همچنین قوای جسمانی نیزراه تنزل وانحطاط را می‌پیماید، از ایندوره ببعد ازقامت و وزن بدن‌کاسته میشود واین دوره را میتوان دوره افسوس وندامت نامید.

خط عمر نیز دراین‌قسمت ازحیث رنگ و رسم ضعیف میشود.

۱۰ـ از شصت وچهار تا هفتاد سالگی، دوره کهولت : در این دوره‌از کلیه نیروی‌روحانی وجسمانی‌کاسته‌میشود وبتدریج‌ازکارمی‌افتد.

دراین‌قسمت ازخط عمر جزعلامت امراض وکسالت‌ها علامت دیگری کمتر دیده میشود و چنانچه شاخه ترقی یا تنزلی مشاهده شود مربوط به‌اولاد میباشد .

۱۱ـ ازهفتاد ویك تا هفتاد وهفت سالگی، دوره ناتوانی : این دوره قوای روحانی ومشاعرونیروی‌بدنی ازکارمی‌افتد وصفات واخلاق تغییر میکند ، ماده تولید نسل تمام میشود و پوست و استخوان بدن خشك میشود .

خط عمر دراینقسمت ضعیف، کمرنگ و فقط دارای بریدگی‌ها و شکستگی‌ها میباشد.

۱۲ـ از هفتاد وهشت تا نود وهشت سالگی، دوره شیخوخیت: این‌دوره که مربوط بقسمت انحنای‌خط میباشد نیز به‌سه‌قسمت متساوی (هریك مساوی دوثلث بالا) تقسیم میشود.

الف ـ از هفتاد و هشت تا هشتاد وچهار سالگی: در این دوره هوش‌وحواس روبضعف‌میگذارد ودرعوض‌حس خودپرستی‌پیدامیشود، درکارکلیه دستگاههای بدن اختلال پیدا میشود و قد نیز خمیده میشود.

خط عمر نیز خیلی‌ضعیف وجز ضعف وناتوانی وامراض، چیز دیگری نشان نمیدهد.

ب ـ ازهشتاد وپنج تا نود ویکسالگی: دراین دوره حتی‌هوش و حواس ازکار می‌افتد ولی حس خودپرستی تقویت میشود.

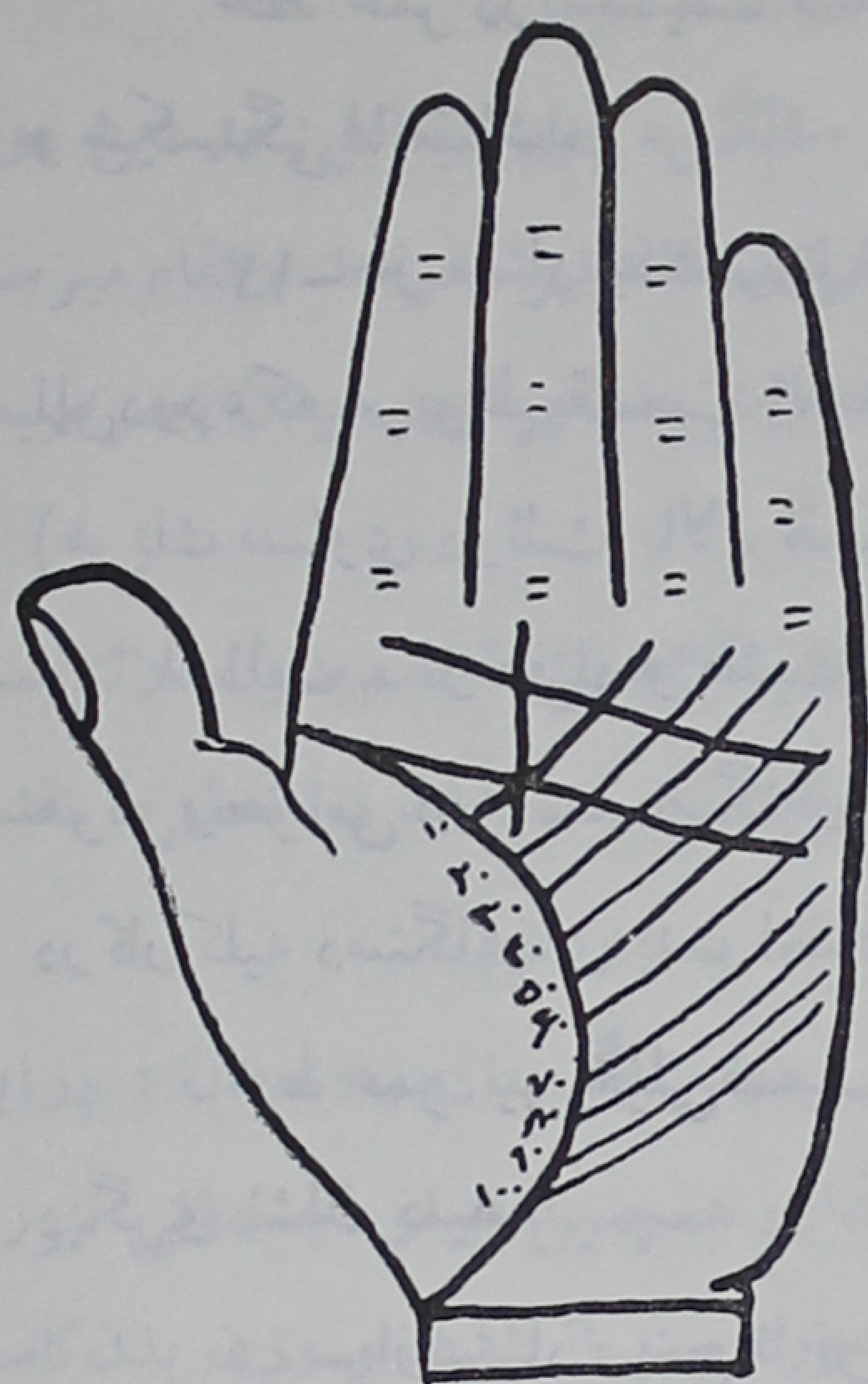
خط عمرهم فوق‌العاده کم رنگ و جز علائم صلیب، ستاره و جزیره چیز دیگری دیده نمیشود.

ج ـ از نود ودو تا نود وهشت سالگی: در ایندوره قبر دهان بازمیکند ودرانتظار است.

خط عمر در اینجا تقریباً بانتها رسیده و یا با صلیب و ستاره قطع میشود.

چنانچه ازاین‌دوره تجاوز کند مجدداً آدمی بحالت‌اول‌برمیگردد ودارای اخلاق وصفات بچگانه خواهد شد.

بعضی ازکفشناسان این خط را برحسب فورمورل «دسبارول» به ده دوره ده‌ساله قسمت میکنند باین‌ترتیب:



(شکل ۹۷)

اول پایه‌ثابت پرگار را روی مرکز خط مفصل سوم انگشت سبابه قرار داده و پایه متحرك را از وسط ریشه انگشت بنصر دوران میدهند تا بخط‌عمر برسد و از نقطه شروع خط عمر تا محل تلاقی با پرگار را ده‌سال حساب میکنند یعنی از تاریخ تولد تا ده‌سالگی.

سپس پایه ثابت‌پرگار بجای خود برقرار ولی‌پایه متحرك آنرا از مابین‌انگشتان خنصر و بنصرحرکت میدهند تابخط عمربرسدواین‌قسمت را ده‌سال‌دوم‌عمر محسوب میدارند.

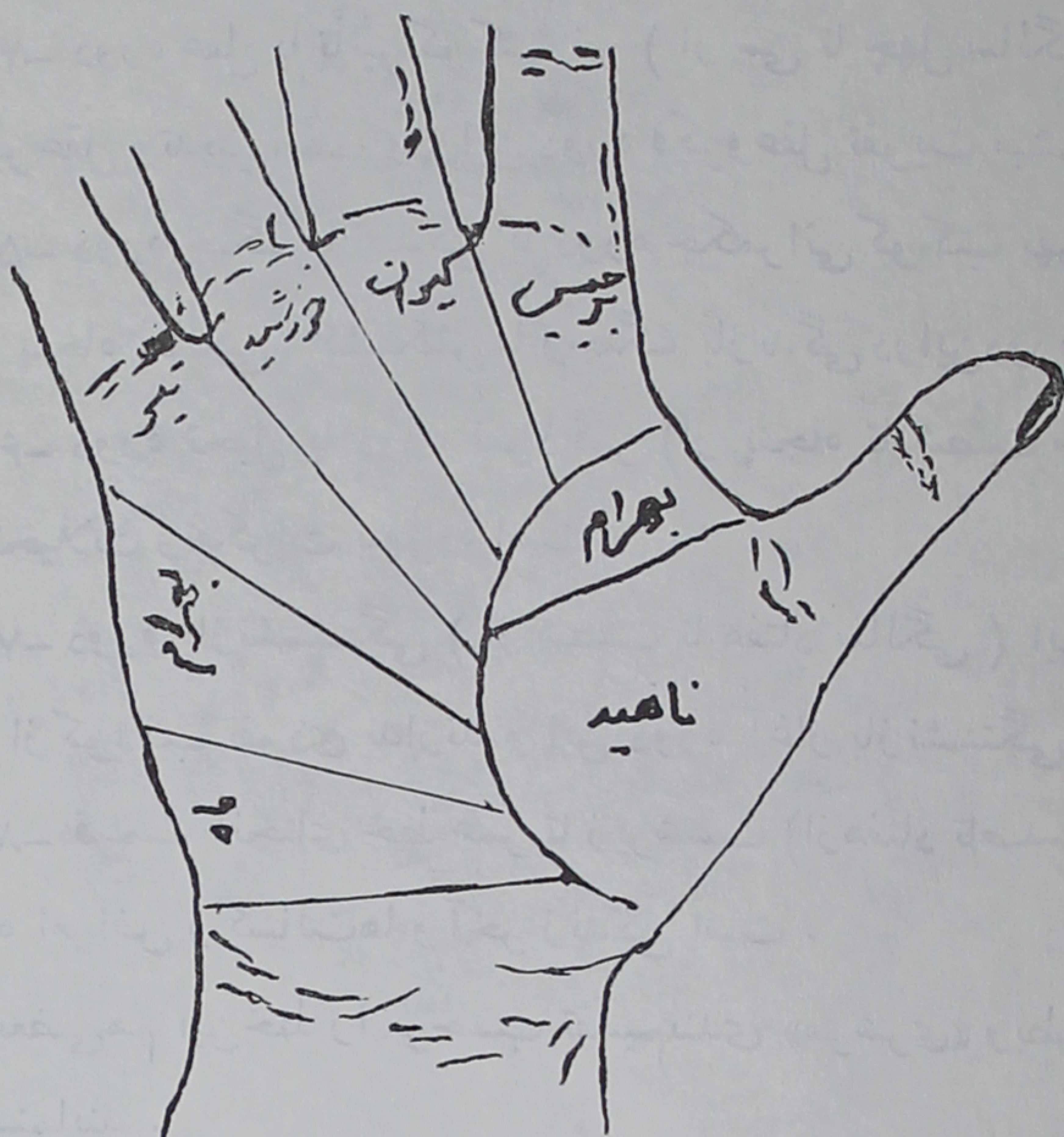
برای تعیین ده سال سوم پایه متحرك پرگار را از مرکز ریشه انگشت کوچك تا خط عمر دوران میدهند.

برای ده‌سال‌چهارم پایه‌متحرك پرگاررا از آخرخط مفصل‌انگشت کوچك تاخط عمر ادامه میدهند.

ده سال های پنجم و ششم و هفتم یعنی از چهل تا هفتاد سالگی خط عمر را عیناً مساوی قسمتهای دوم وسوم وچهارم جدا مینمایند.

از آنجا که انحنای خط شروع میشود تا زیر شست بسه قسمت متساوی (هرقسمت مطابق دوثلث قسمت های بالا) تقسیم و هریك را ده سال یعنی ازهفتاد تا صدسالگی منظور میدارند.

عده‌ای هم کواکب هفتگانه را در زندگی مؤثرمیدانند و این‌خط را برحسب شعاع تپه‌های هم‌نام کواکب بر هفت دوره و هفت قسمت تقسیم وعقیده دارند خط عمر که تپه ناهید را احاطه مینماید دلیل است برعشق به‌زندگی وهرفردی ازتولد تاشصت سالگی درتحت نفوذ شش کوکب دیگر زندگی میکند :



(شکل ۹۸)

۱ــ دوره کودکی یا زمان اقتدار برجیس (از تولد تا ده‌سالگی) جاه‌طلبی وعشق به‌فرمانروائی ازصفات این‌ستاره است و در این دوره کودك برکلیه افراد خانواده خود حاکم وفرمانروا میباشد واین‌دوره‌را از لذیذترین دوره عمر میدانند .

۲ـ دوره‌تحصیل یازمان نفوذ ستاره کیوان (ازده‌تابیست‌سالگی) اثر این کوکب زحمت و مشقت است وهر کسی در این دوره بواسطه تحصیل وفکر استقلال درزحمت و فشار است .

۳ـ دوره تشعشع یا زمان نورافشانی خورشید (ازبیست تا سی سالگی) سعی وکوشش‌ها وترقی وپیشرفتها مربوط باین‌دوره است.

۴ـ دوره عقل یا تأثیر کوکب تیر (از سی تا چهل سالگی) اثر ستاره تیر عقل وتدبیر است ودراین دوره فکروعقل تقویت میشود.

۵ـ دوره جنگ با زندگی یا دوره حکمرانی کوکب بهرام (از چهل تا پنجاه سالگی) کشمکش‌ها وجنگ بازندگی دراین‌دوره است.

۶ـ دوره تخیل یا دوره نفوذ قمر (از پنجاه تا شصت سالگی) اثرماه تخیلات وتفکرات بیهوده است .

۷ـ دوره بازنشستـگی (از شصت تا هفتاد سالگی) این دوره هیچیك ازکواکب نفوذی ندارند و این دوره آغاز بازنشستگی است.

۸ـ قسمت انحنای خط عمر تا زیرشست (ازهفتاد تاصدسالگی) که دوره امراض وکسالت‌ها وآخر زندگی است .

بعضی‌هم این‌خط را برحسب تقسیم‌بندی «موشری» وبطریق‌زیر تقسیم مینمایند .

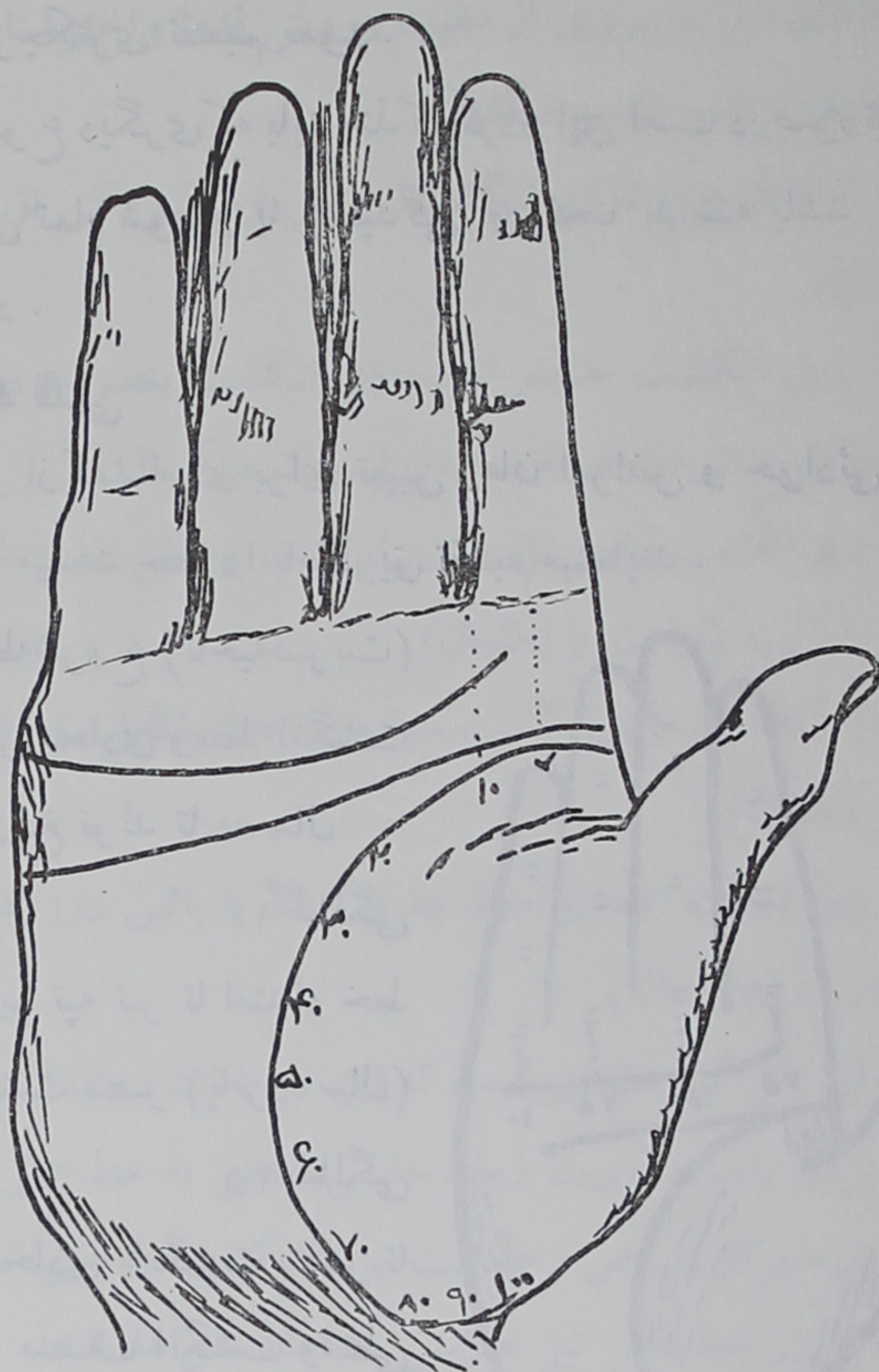
۱ـ ازنقطه شروع‌خط‌عمر تا خط فرضی متعامد ازمرکزانگشت سبابه (هفت‌سال)
۷ سالگی

۲ـ ازآنجاتاخط فرضی عمودی ازمابین انگشتان‌سبابه ووسطی (سه‌سال)
۱۰ سالگی

۳ـ ازآنجا تاپائین‌خط (نزدیك‌دستنبد) را به‌شش‌قسمت متساوی

تقسیم وهر قسمت را ده‌سال محسوب میدارند (شصت‌سال) ۷۰ سالگی

وبقیه راکه قسمت انحنای خط تا زیر انگشت شست میباشد به سه قسمت متساوی تقسیم و هریك را ده سال (سی‌سال) حساب میکنند ۱۰۰ سالگی



(شکل ۹۹)

بنابراین در تقسیم‌بندی و تعیین‌زمان خط‌عمر اختلاف‌نظری نیست

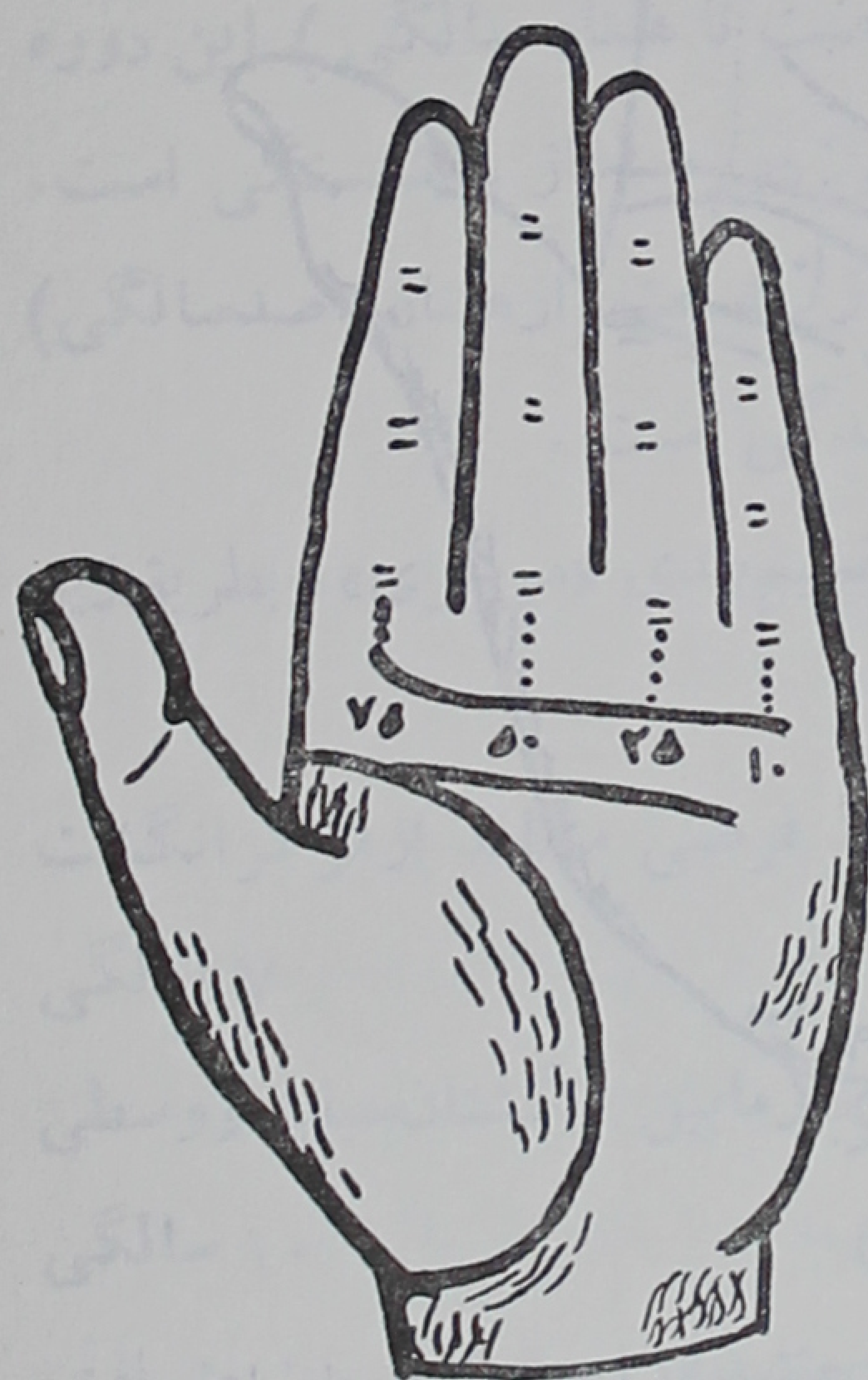
وعموماً ازنقطه شروع خط تا مقابل مرکز انگشت سبابه را از تولد تا هفت سالگی و تا پائین خط نزدیك دستبند تا هفتاد سالگی و قسمت پیچیدگی و انحنای خط تا زیر شست را سی سال محسوب میدارند.

بدیهی‌است برای بدست‌آوردن زمان‌دقیق‌تری میتوان قسمت‌ها را باجزاء کوچکتری تقسیم نمود.

موضوع دیگری که باید متذکر گردد این است درصورتیکه خط عمر در پائین تمام شود و یا پیچیدگی و انحنا نداشته باشد محل‌آن تقسیم میشود.

تقسیم خط قلبی

بیشتر ازکفشناسای برای تعیین زمان امراض و حوادثی که خط قلبی نمایش میدهد خط را باینطریق تقسیم مینمایند.



(شکل ۱۰۰)

ازنقطه‌شروع (ناحیه‌ضربت) تا زیر تپه تیر محادی وسط انگشت خنصر از تاریخ تولد تا ده سال

۱۰ سالگی

از زیر تپه تیر تا امتداد خط منصف انگشت بنصر (پانزده سال)

۲۵ سالگی

از محاذی انگشت بنصر تا امتداد خط منصف انگشت وسطی (بیست‌وپنج‌سال)

۵۰ سالگی

وازآنجا تاامتداد خط‌منصف

انگشت سبابه (بیست‌وپنجسال) ۷۵ سالگی

وبعضی خط را بهمین طریق تقسیم و قسمت اول یعنی از نقطه شروع تا زیر انگشت خنصر ده سال و بقیه قسمت‌ها را هر یك بیست سال حساب میکنند.

عده‌ای هم به پیروی از عقیده وروش قدما واخترشناسان خط را به دوازده دوره عمر تقسیم میکنند:

ازنقطه شروع تا زیرانگشت خنصردوره کودکی از تاریخ تولد تا هفت سال ۷ سالگی

از زیر انگشت خنصر تا محاذی انگشت بنصرسه دوره نادانی، بلوغ وجوانی، هر دوره هفت سال (بیست ویکسال) ۲۸ سالگی

اززیرانگشت بنصر تامحاذی انگشت وسطی دوره‌های توانائی، تجربه و دانائی، (بیست و یکسال) ۴۹ سالگی

وازآنجا تامحاذی‌انگشت سبابه دوره‌های‌تکامل، خزان وکهولت (بیست ویکسال) ۷۰ سالگی

وبقیه قسمت انحنای خط بطرف بالا یا پائین دوره‌های ناتوانی وشیخوخیت (۲۸ سال) ۹۸ سالگی

ولی نظراکثریت این‌است که این تقسیمات زمان تقریبی را معین میکند وبرای بدست‌آوردن زمان حقیقی‌بایستی به خط عمر توجه نمود وعقیده دارندبرای‌امراض وحوادث بزرگ که درخط‌قلبی‌نشان میگذارد همزمان آن در خط عمر نیز علامتی مشاهده خواهد شد.

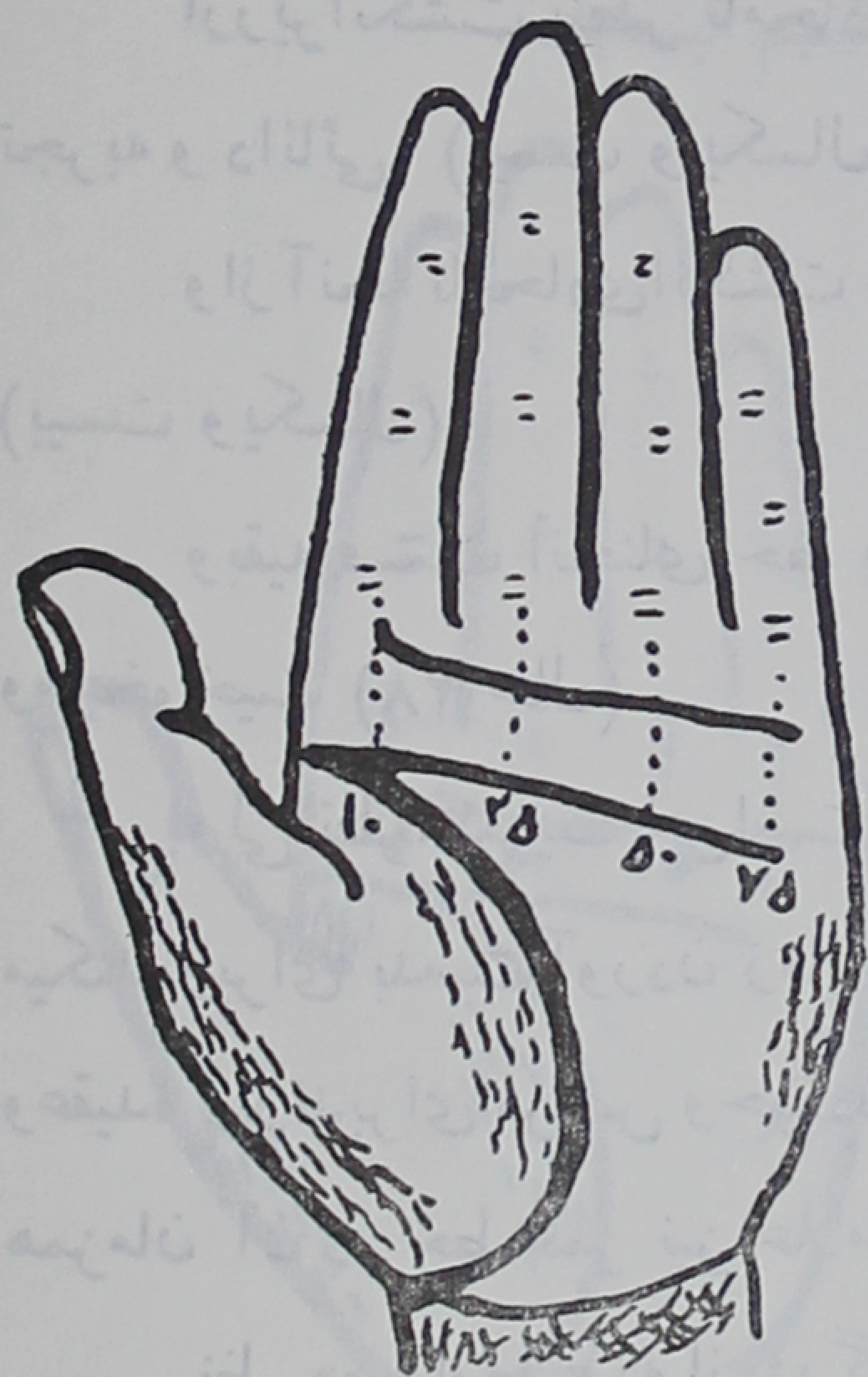
نظر «دسبارول» که ازبزرگترین کفشناسان قرن ۱۹ بشمار میرود این است که منحصراً خط عمر نمایشگر دوره زندگی وتقسیم بندی آن

قابل اعتماد میباشد و چنانچه در خط قلبی ویا خطوط دیگر امراض یا حوادثی را نشان دهد محلی که علامت مرض و یا هر پیش آمد خیر و شر دیگری نقش بسته بوسیله خط شعری با خط عمر مرتبط میشود و زمان آنرا خط عمر معین میکند اما این خطوط شعری که خطوط ارتباطی نامیده میشود خیلی نازك، ظریف و کم رنگ است وبدون کمك ذره بین قوی دیده نمیشود.

این نظر را دکتر ویلیام بنهام که پزشك آمریکائی و از کفشناسان عصر حاضر است نیز تأئید مینماید.

تقسیم خط سر

برای تعیین زمان حوادث وامراضی که خط سر نشان میدهد این خط را نیز عیناً مانند خط قلبی وبه طرق مختلفی تقسیم مینمایند با این تفاوت که نقطه شروع آن بعکس خط قلبی است یعنی ابتدای آن از زیر انگشت سبابه وانتهای آن مقابل انگشت خنصر میباشد وطرز تقسیم بندی بیشتر از کفشناسان بشرح زیر است:



(شکل ۱۰۱)

از محل شروع تا زیر تپه برجیس ومحاذی خط منصف انگشت سبابه تا ۱۰ سالگی

از نقطه مقابل انگشت سبابه تا خط

منصف انگشت وسطی (پانزده سال) ۲۵ سالگی

از مقابل انگشت وسطی تا خط منصف انگشت بنصر (بیست و پنجسال) ۵۰ سالگی

از آنجا تا خط منصف انگشت خنصر (بیست و پنجسال) ۷۵ سالگی

وقسمت باقیمانده‌را بقیه عمر محسوب میدارند.

وبعضی از نقطه شروع تا مقابل انگشت سبابه را ده سال وتا زیر انگشتان دیگر را هر یك بیست سال حساب میکنند .

عده‌ای هم برحسب عقیده قدما ومثل خط قلبی این خط رانیز به دوازده دوره عمر قسمت مینمایند :

از شروع تا زیر انگشت سبابه دوره کودکی، از تاریخ تولد تا هفت سال ۷ سالگی

از زیر سبابه تا مقابل انگشت وسطی سه دوره نادانی، بلوغ و جوانی (بیست ویکسال) ۲۸ سالگی

از انگشت وسطی تا انگشت بنصر دوره‌های توانائی، تجربه و دانائی (بیست ویکسال) ۴۹ سالگی

ازانگشت بنصر تاانگشت خنصر دوره‌های تکامل، خزان و کهولت (بیست ویکسال) ۷۰ سالگی

وبقیه را نیز دوره‌های ناتوانی وشیخوخیت محسوب میدارند .

در مورد تقسیم این خط نیز عقیده اکثریت این است که برای تعیین زمان امراض وحوادثی که در خط سر مشاهده میشود باید علامت تأئیدآنرا در خط عمر جستجو نمود .

ولی بهترین طریقه برای تعیین زمان علائم منقوشه در خط سر

همان نظریه «دسبارول» وپیدا کردن خطوط ارتباطی میباشد که در تقسیم خط سر توضیح داده شده است .

تقسیم خط تقدیر

برای تعیین زمان مقدرات وحوادثی که درسرنوشت مقدر ومقرر گردیده است بعضی‌از کفشناسان همان رویه قدما واخترشناسان رادنبال وخط تقدیر را نیز بر طبق ادوار زندگی تقسیم مینمایند :



(شکل ۱۰۲)

خط‌تقدیر ازهر کجا که‌شروع یا هر جائیکه خاتمه یابد ازدستبند تا محاذی هفتادسالگی خط‌عمررا دوره کودکی وهفت سال حساب میکنند ۷ سالگی

از آنجا تا وسط صفحه و محاذی ۴۲ سالگی‌خط عمردو دوره (چهارده سال) ۲۱ سالگی

از وسط صفحه تا خط سردو دوره (چهارده سال) ۳۵ سالگی

از خط سر تا خط قلبی سه دوره (بیست ویکسال) ۵۶ سالگی

ازخط‌قلبی‌تاوسط‌تپه‌کیوان‌سه‌دوره (بیست ویکسال) ۷۷ سالگی

و از آنجا تا ریشه انگشت وسطی دوره شیخوخیت (بیست و یکسال) ۹۸ سالگی

عده‌ای هم این‌خط را مطابق ادوار نجومی ولی برطبق فورمول

«چیرو» تقسیم مینمایند (شکل ۹۶).

ازدستبندتاخط‌مثلث (AC) سه دوره(بیست‌ویکسال)۲۱ سالگی
ازخط‌مثلث (AC) تاخط‌نیمسازیك‌دوره (هفت‌سال)۲۸ سالگی
از خط نیمساز تا خط مثلث (AB) یك دوره (هفت سال)
۳۵ سالگی
از خط مثلث (AB) تا خط قلبی سه دوره (بیست و یکسال)
۵۶ سالگی
ازخط قلبی‌تاوسط‌تپه‌کیوان سه‌دوره (بیست‌ویکسال) ۷۷سالگی
و ازآنجا تا ریشه انگشت وسطی دوره شیخوخیت (بیست و یکسال)
۹۸ سالگی

ولی بیشتر ازکفشناسان خط تقدیر را باینطریق تقسیم مینمایند :



(شکل ۱۰۳)

از دستبند تا خط سر ۳۰سالگی
از خط سر تا خط قلبی ، (پانزده سال)
۴۵ سالگی
ازخط قلبی تا وسط تپه‌کیوان، (بیست وپنجسال)
۷۰ سالگی
وازآنجاتاریشه‌انگشت‌وسطی(سی‌سال)
۱۰۰ سالگی

بنابراین ازدستبند تا خط سررا به‌اجزاء کوچکتری تقسیم میکنند وخط تقدیر ازهرکجاکه شروع شود تاریخ شروع شانس یا اشتغال‌بکار وهرکجا خاتمه یابد توقف شانس میباشد .

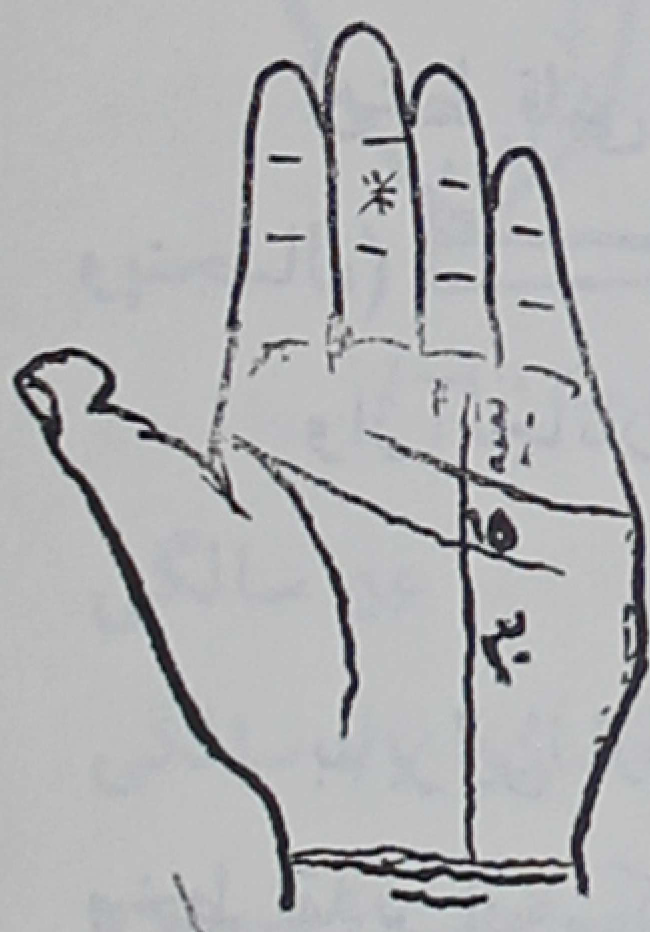
گرچه ازنظر تعیین زمان بعدازخط عمر خط تقدیر قابل اهمیت

وموردِ اعتماد کفشناسان میباشد اما اگر خط یاخطوطی از تپه‌ناهیدشروع وپس از عبور از خط عمر باین‌خط برسد یا خط عمر شاخه‌هائی باین خط بفرستدکه خط مزبور را ببرد ویا تقویت و همراهی نمایدکه دلیل برحوادث واتفاقات خیر یا شر وترقی وپیشرفت درزندگی ویاخسارت وتنزل‌را نشان دهد زمان وقوع را بایستی ازتقسیم‌بندی خط عمر معلوم نمود، همچنین وقتی خطوط ارتباطی ازعلائم منقوشه در خط تقدیر تا خط عمر مشاهده شود مأخذ تعیین زمان همان خط عمر میباشد.

تقسیم خط ثروت

چنانچه درفصل‌دوم بیان‌شده خط ثروت مانند خط تقدیر ازپائین دست شروع وبطرف بالا میرود با این‌تفاوت‌که خط تقدیر به‌تپه‌کیوان منتهی میشود درصورتیکه انتهای خط ثروت تپه خورشید است و تقسیم بندی این خط نیز عیناً مانند تقسیم بندی خط تقدیر میباشد باین ترتیب که :

بیشتر ازکفشناسان ازخط دستبندکه محل اصلی شروع این خط است تاخطسر سی‌سال وازخط سر تاخط‌قلبی، پانزده‌سال یعنی چهل‌وپنجسالگی وازآنجا ببالا را بقیه عمر درنظر میگیرند .



(شکل ۱۰۴)

چنانچه خط سر در انتها بطرف پائین سرازیرشود محل‌سی‌سالگی را محاذی‌وموازی محل سی‌سالگی خط تقدیر قرار میدهند .

عده‌ای هم که این خط را برطبق ادوار زندگی تقسیم مینمایند تقسیم‌بندی آنرا عیناً مطابق تقسیم‌بندی خط تقدیر

انجام میدهند باین ترتیب :

از خط دستبند تا محاذی هفتاد سالگی خط عمر (دوره کودکی) ۷ سالگی

از آنجا تاوسط صفحه‌دست وموازی چهل‌ودو سالگی خط‌عمر (دو دوره) ۲۱ سالگی

از وسط صفحه تا خط سر یا موازی ۳۵ سالگی خط تقدیر (دو دوره) ۳۵ سالگی

از آنجا تا خط قلبی (سه دوره) ۵۶ سالگی

از خط قلبی تا وسط تپه خورشید (سه دوره) ۷۷ سالگی

واز وسط تپه خورشید تا خط مفصل انگشت بنصر (دوره شیخوخیت) ۹۸ سالگی

بعضی از کفشناسان هم که خط‌عمر وخط تقدیر را برحسب فورمول «چیرو» تقسیم میکنند تقسیمات این خط را عیناً موازی ومحاذی تقسیمات خط تقدیر قرار میدهند .

تقسیم خط کبدی

کفشناسان این خط را که از پائین دست شروع و به‌تپه تیر منتهی میشود عیناً مطابق خطوط تقدیر و ثروت تقسیم مینمایند ولی چون این خط مربوط به‌وضع مزاجی شخص و نمایشگر صحت وسلامتی یا بیماری و امراض و متغیر میباشد تقسیم بندی آن از نظر تعیین زمان قابل اعتماد نیست وبرای بدست آوردن زمان مرض و بیماری بایستی بخطوط ارتباطی توجه نمود ، زیرا بطور یقین علائمی که در خط کبدی نقش می‌بندد آنهائی که قابل اهمیت باشد بوسیله خطوط شعری به‌خط عمر مرتبط

میشود وبا ذره‌بین قوی میتوان این خطوط را پیداکرد و زمان آنرا از خط عمر وتقسیمات آن معلوم نمود .

تقسیم خطوط فرعیه

بطور کلی تعیین زمان خطوط فرعیه بوسیله خطوط اصلیه میباشد وبرای بدست‌آوردن زمان علائمی که دربعضی از این خطوط مشاهده میشود بایستی از تقسیم بندی خطوط اصلیه مخصوصاً خط عمر استفاده نمود مگر چهارخط ازدواج ، اولاد ، مسافرت ومهاجرت که بعضی از کفشناسان برای آن تقسیم بندی مستقلی را قائل میباشند .

خط ازدواج

برای تعیین زمان ازدواج ، بعضی از کفشناسان محل این‌خط راکه اززیرمفصل‌سوم انگشت کوچك تا خط قلبی میباشد به‌سه‌قسمت متساوی‌تقسیم وهرقسمت‌را پانزده‌سال‌محسوب میدارند .

بعضی هم این فاصله را بچهار قسمت متساوی تقسیم ودوقسمت بالا را هریك ده‌سال و دوقسمت پائین را هریك پانزده سال حساب میکنند .



(شکل۱۰۵)

سپس با تقسیم‌آن باجزاء کوچکتر زمان ازدواج‌را معلوم‌مینمایند (شکل۱۰۳) .

عده‌ای هم که خطوط را برطبق ادوار زندگی تقسیم میکنند این محل را برسه قسمت و هفت دوره قسمت مینمایند باین‌ترتیب :

از زیرمفصل تا قسمت اول سه دوره (۲۱سالگی) وقسمت دوم وسوم را هریك دو دوره وتا چهل و نه سالگی درنظر میگیرند .

ولی عقیده اکثریت این است که تاریخ ازدواج را خط تقدیر و جزیره یا جزیره‌هائی که در این خط رسم میشود معلوم و معین میکنند .

بنابراین برای تعیین‌زمان ازدواج وهمچنین توافق یاعدم توافق، نیکبختی یا بدبختی، جدائی یامرگ همسر وهرگونه حوادث واتفاقات مربوط به‌زندگی زناشوئی، بایستی علاوه ازخط ازدواج، خطوط‌تقدیر وثروت وهمچنین خط اندوه دقیقاً مورد توجه قرارگیرد .

خط اولاد

خط اولاد درهمان محل خط ازدواج رسم میشود با این تفاوت که خط ازدواج افقی وخـط اولاد بطور عمودی قرار میگیرد، بعلاوه این‌خط بدست مادر اختصاص‌دارد.



(شکل ۱۰۶)

بنـابراین برای تعیین زمان پیدایش یا تولد فرزند یا پیش‌آمد-هائی که بوسیله علائم در خط اولاد نقش می‌بندد درکف دست مادر از زیر مفصـل انگشت‌کوچك تا خط قلبی‌را مانندخط ازدواج به‌سه‌قسمت تقسیم وهریك‌را پانزده‌سال یا بچهار قسمت تقسیم وقسمت اول ودوم را هریك ده‌سال وقسمت سوم وچهارم را هریك پانزده سال، یا برطبق ادوار زندگی این‌محل را برهفت دوره

عمر از تولد تا چهل و نه سالگی درنظر میگیرند و زمان شروع خط را تاریخ تولد وانتهای آنرا زمان جدائی تشخیص میدهند .

کفشناسان معتقدند زمانی که این خط شروع میشود تولد فرزند را خبر میدهد و تا زمانی که فرزند در تحت سرپرستی و تربیت مادر میباشد این خط ادامه خواهد داشت و انتهای آن زمانی را نشان میدهد که فرزند از تربیت مادر سر بازمیزند .

بیشتر از کفشناسان درمورد تعیین زمان خط اولاد مانند خط ازدواج خطوط عمر و تقدیر وهمچنین خط اندوه را دقیقاً موردتوجه قرارمیدهند .

خط مسافرت

برای تعیین زمان مسافرت طول تپه ماه که محل ترسیم این خط میباشد از زیر تپه بهرام تا آخر تپه که به مچ دست منتهی میشود بچهار قسمت متساوی تقسیم وسه قسمت بالا را هریك بیست سال وقسمت پائین را برای بقیه عمر منظور میدارند .

عده‌ای هم که برای تقسیم بندی خطوط ادوار زندگی انسان را درنظر میگیرند تپه را بچهار قسمت منقسم و سه قسمت بالا را هریك سه‌دوره عمر (۲۱سال) وقسمت آخر را بقیه عمر محسوب و با این ترتیب زمان مسافرت وهمچنین بموجب علائم منقوشه در این خط حوادث و پیش آمدهای درطول مسافرت را پیش بینی میکنند .

بدیهی است خطی که از خط عمر منشعب و بروی تپه ماه پائین میآید یا علائمی که درخط مسافرت نقش بسته وبوسیله خط شعری با خط عمر مرتبط میشود مأخذ و ملاك تعیین زمان ، همان تقسیم بندی خط عمر و یا خطی که از محل ضربت یا روی تپه ماه شروع و بطور



(شکل ۱۰۸)



(شکل ۱۰۷)

افقی به‌خط تقدیر یاخط ثروت میرسد زمان را باید باتوجه به‌تقسیم‌بندی خطوط مزبور معلوم نمود .

خط مهاجرت

بطوریکه در فصل دوم شرح داده شده خطوط تقدیر ، ثروت و کبدی که ازخطوط اصلیه کف‌دست میباشند از پائین دست شروع و به ترتیب بطرف تپه‌های کیوان ، خورشید وتیر بالا میروند.



(شکل۱۰۹)

خط مهاجرت که یکی ازخطوط فرعیه بشمار میآید نیز ازپائین دست شروع و بطرف اولین تپه یعنی تپه برجیس بالامیرود، بنابراین تقسیم وتعیین زمان این‌خط فرعی نیز عیناً مانند

خطوط اصلیه فوق‌الذکر میباشد، یعنی‌ازدستبند تاخط سر (۳۰سالگی) ازخط سر تا خط قلبی پانزده سال (۴۵سالگی) واز آنجا ببالا بقیه عمر محسوب میگردد ، یا آنهائی که خطوط را برطبق ادوار زندگی قسمت میکنند عیناً مطابق خط تقدیر تقسیم و زمان مهـاجرت و پیش آمدهای زندگی درخارج از میهن را تشخیص میدهند .

تقسیم بندی و تعیین زمان دستبند



(شکل ۱۱۰)

خطوط دستبند که مچ دست را احاطه میکند ، محل شروع آن زیر تپه ناهید و به‌زیر تپه ماه منتهی میشود .

دستبند معمولا سه‌خط است و ممکن است تعداد آن یکی کمتر یا بیشتر باشد ولی خط پنجم بندرت مشاهده میشود و اگر هم دیده شود خیلی کوتاه و کمرنگ خواهد بود.

بعضی از کفشناسان خط اول (بالائی) دستبند را سی‌سال وبقیه‌را هرچند خط که باشد هریك بیست سال درنظر میگیرند .

بعضی‌هم خطوط‌دستبند رابرطبق‌ادواردوازده‌گانه تقسیم مینمایند باین ترتیب :

خط اول‌ـ دوره‌های کودکی، نادانی ، بلوغ وجوانی: ۲۸ سال

خط دوم‌ـ دوره‌های توانائی ، تجربه ودانائی : ۲۱ سال

خط سوم‌ـ دوره‌های تکامل، خزان و کهولت : ۲۱ سال

خط چهارم که معمولا کوتاه و کمرنگ است ـ دوره ناتوانی: ۷ سال
خط پنجم ـ که بندرت مشاهده میشود و اگر باشد خیلی کوتاه
و کمرنگ خواهد بود دوره شیخوخیت و آخر عمر است و بر حسب
شکل، رنگ و طول این خطوط صحت و سلامتی و سعادت صاحب دست
را از روی سنین عمر تشخیص میدهند.

بدیهی است پیش بینی و پیش گوئی خطوط دستبند بایستی با توجه
به خطوط اصلیه و مخصوصاً خط عمر باشد.

تقسیم تپه‌های دست

بعضی از کفشناسان برای تعیین زمان علائمی که روی تپه‌ها نقش
می‌بندد، تپه‌های هفتگانه دست را بچهار قسمت متساوی تقسیم و سه قسمت
بالا را هریك بیست سال و قسمت آخر را بقیه عمر محسوب میدارند، و
طول تپه‌ها را بشرح زیر در نظر میگیرند:

تپه برجیس ـ ازمفصل انگشت سبابه تابالای خطوط سروعمر.

تپه‌های کیوان، خورشید و تیر ـ ازمفصل انگشت مربوطه تابالای
خط قلبی.

تپه بهرام ـ قسمت مابین خط قلبی و خط سر.

تپه ماه ـ از زیر تپه بهرام تا مچ دست.

تپه ناهید ـ از زاویه شست تا مچ دست وقسمت بالای زاویه را
متعلق به تپه بهرام میدانند (شکل ۲۵) و (شکل ۹۸).

ولی عقیده اکثریت این است علائمی که روی تپه‌ها رسم میشود
اگر قابل اهمیت باشد باخطوط شعری به خط عمر مربوط میشود وزمان
را بایستی از تقسیم بندی خط عمر معلوم نمود.

درخاتمه این فصل بی‌مناسبت نمیداند نظریه «چیرو» را که درمورد تعیین زمان حوادث و پیش آمدهای دوره زندگی میباشد شرح بدهد.

برحسب نظر نامبرده تاریخ و روز تولد درزندگانی شخص مؤثر است و کسی که روز ولادتش معـلوم و معین باشـد میتوان زمان کلیه پیش آمدهای دوره زندگی او را پیش‌بینی کرد .

«چیرو» جدولی دارد که زمان کلیه پیش آمدها و حوادث دوره زندگی هرکس را براساس روز تولد و برحسب سنین عمر پیش‌گوئی میکند و بشرح زیر است :

اشخاصی که در یکی از روزهای اول ، دهم ، نوزدهم یا بیست وهشتم هربرج متولد شوند حوادث و پیش آمدهای زندگی آنها درسنین ۱ ، ۷ ، ۱۰ ، ۱۶ ، ۱۹ ، ۲۸ ، ۳۴ ، ۳۷ ، ۴۳ ، ۴۶ ، ۵۲ ، ۵۵ ، ۶۱ و ۷۰ سالگی است .

حوادث و پیش آمدهای زندگی متولدین یکی از روزهای دوم ، یازدهم ، بیستم و بیست ونهم هربرج در ۲ ، ۷ ، ۱۱ ، ۱۶ ، ۲۰ ، ۲۵ ، ۲۹ ، ۳۴ ، ۳۸ ، ۴۳ ، ۴۷ ، ۵۲ ، ۵۶ و ۷۰ سالگی است .

کسی که در یکی از روزهای سوم ، دوازدهم ، بیست و یکم یا سی‌ام هربرج متولد شود درسنین ۳ ، ۱۲ ، ۲۱ ، ۳۰ ، ۳۹ ، ۴۸ ، ۵۷ ، ۶۶ و ۷۵ سالگی با حوادثی روبرو خواهد شد.

متولدین روزهای چهارم ، سیزدهم ، بیست و دوم یا سی ویکم هربرج در ۱ ، ۴ ، ۱۰ ، ۱۳ ، ۱۹ ، ۲۲ ، ۲۸ ، ۳۱ ، ۳۷ ، ۴۰ ، ۴۶ ، ۴۹ ، ۵۵ ، ۵۸ ، ۶۴ ، ۶۷ ، ۷۳ و ۷۶ سالگی خود زندگی پرحادثه‌ای را خواهند داشت .

اشخاصی که درروزهای پنجم ، چهاردهم، بیست‌وسوم هر برج یا سی ودوم برج جوزا متولد میشوند سرنوشت برای آنها در ۵ ، ۱۴ ، ۲۳ ، ۳۲ ، ۴۱ ، ۵۰ ، ۵۹ ، ۶۸ و ۷۷ سالگی پیش آمدهائی را اعم از خیر یا شر مقدر کرده است .

متولدین روزهای ششم ، پانزدهم و بیست و چهارم هر برج در ۶ ، ۱۵ ، ۲۴ ، ۳۳ ، ۴۲ ، ۵۱ ، ۶۰ ، ۶۹ ، ۷۸ و ۸۷ سالگی خود با حوادثی روبرو میشوند که مسیر زندگی را عوض میکند .

متولدین روزهای هفتم ، شانزدهم و بیست و پنجم هر برج در ۷ ، ۱۱ ، ۱۶ ، ۲۰ ، ۲۵ ، ۲۹ ، ۳۴ ، ۳۸ ، ۴۳ ، ۴۷ ، ۵۶ ، ۶۱ ، ۶۵ ، ۷۰ ، ۷۴ و ۷۹ سالگی پیش آمدهائی خواهند داشت .

اشخاصی که تولدشان در روزهای هشتم ، هفدهم و بیست وششم هر برج میباشد در ۸ ، ۱۷ ، ۲۶ ، ۳۵ ، ۴۴ ، ۵۳ ، ۶۲ ، ۷۱ و ۸۰ سالگی با حوادثی روبرو خواهند شد .

وکسی که در روزهای نهم ، هیجدهم وبیست وهفتم برج متولد شود پیش آمدهای دوره زندگی او در ۹ ، ۱۸ ، ۲۷ ، ۳۶ ، ۴۵ ، ۵۴، ۶۳ ، ۷۲ و ۸۱ سالگی میباشد .

بنابراین بعضی از کفشناسان که پیروعقیده «چیرو» هستند وخطوط را هم برحسب فورمول چیرو تقسیم مینمایند درموقع معاینه کف‌دست با استعلام روزتولد صاحب دست درمورد حوادث وپیش آمدهای خیر یا شر دوره زندگی زمان علائم منقوشه درکف رابا جدول فوق تطبیق مینمایند ودرصورتیکه زمان مطابقت داشته باشند به صحت آن اطمینان کامل پیدا میکنند .

چون در جدول «چیرو» روز تولد برحسب برج معین شده لازم میداند برای تطبیق ایام برج باروزهای ماه پارسی توضیح مختصری بدهد:

قدما سال شمسی را برحسب بروج دوازده‌گانه به‌دوازده قسمت تقسیم نموده‌اند و بروج دوازده‌گانه عبارتند از: حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله: میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو وحوت.

ایام بروج دوازده‌گانه با دوازده ماه پارسی تقریبا مطابقت میکند و اختلاف آن در سه ماه و فقط یکروز میباشد بشرح زیر:

بروج حمل وثور هریك ۳۱ روز و با ماه فروردین واردیبهشت بهیچوجه اختلافی ندارد.

برج جوزا ۳۲ روز است درصورتیکه ماه خرداد ۳۱روزمیباشد، در اینجا یکروز اختلاف پیدا میکند.

بروج سرطان، اسد و سنبله که هریك ۳۱ روز وبروج میزان و عقرب که هریك ۳۰ روزمیباشد عیناً با ایام تیر، مرداد، شهریور، مهر و آبان برابر است.

بروج قوس و جدی هریك ۲۹ روز میباشد ولی ماه آذر و دی هریك ۳۰روز است، بنابراین در آخر ماه آذر اختلاف بالا رفع میشود ولی مجدداً برج جدی با ماه دی یکروز اختلاف پیدامیکند.

برج دلو و حوت هر یك ۳۰ روز و در آخر اسفند ماه رفع اختلاف میشود.



فصل هفتم

دربیان خطوط اصلیه کف دست

خطوط اصلیه کف دست خ هائی است که دردست بیشترمردم، زن یا مرد ، دختر یا پسر ، پیر یا جوان مشاهده میشود و این خطوط عبارتند از :

۱ـ خط قلبی، که نماینده قلب ودل و نشان‌دهنده امراض قلبی یا صفاتی است که مربوط به‌قلب ودل میباشد .

۲ـ خط سر، که نمایشگر هوش و فکر و امراض مغزی است .

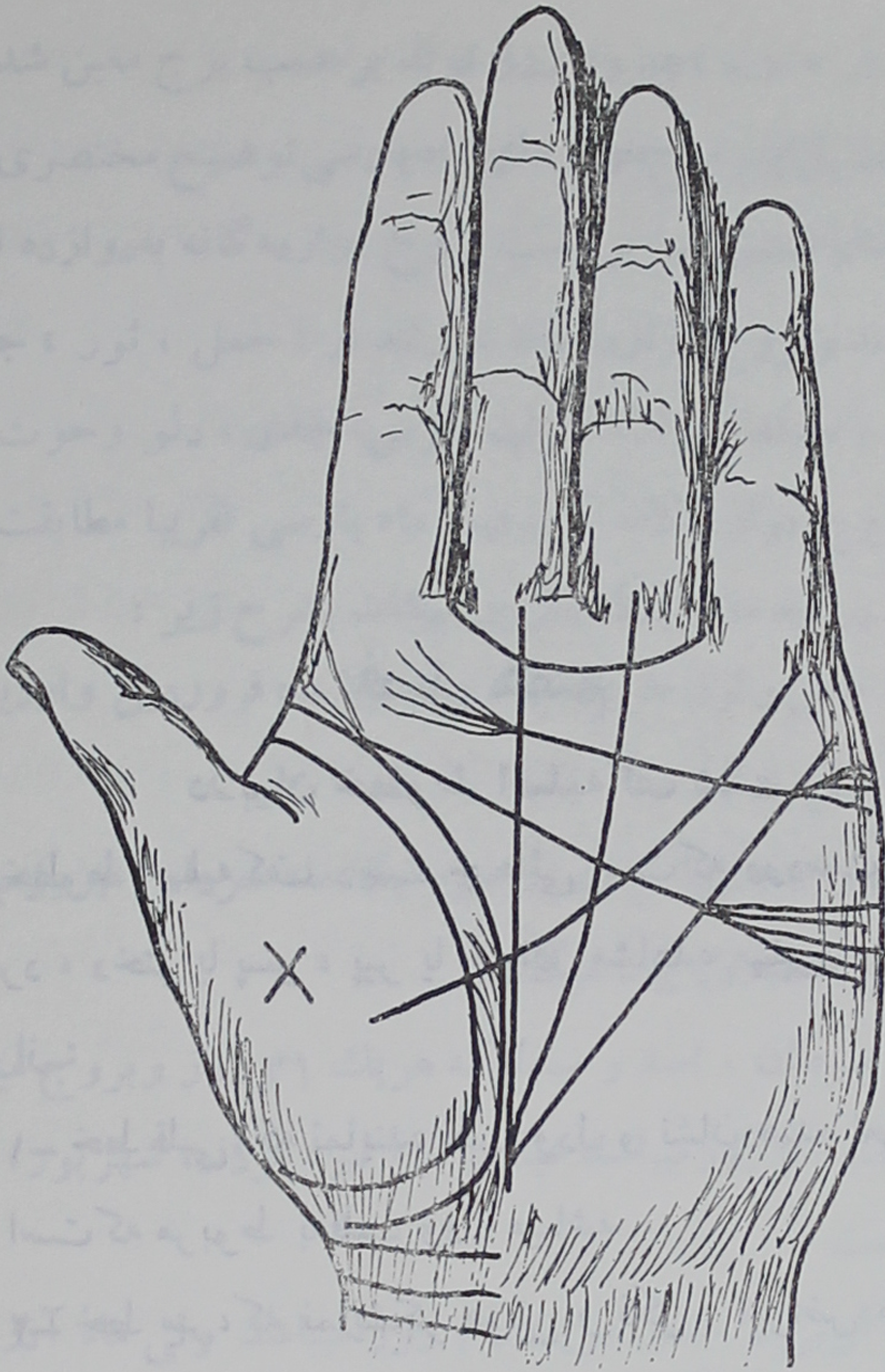
۳ـ خط عمر، که مربوط به‌حیات وزندگانی انسانی است .

۴ـ خط تقدیر، که سرنوشت ومقدرات را نمایش میدهد .

۵ـ خط ثروت ، که ثروت وسعادت شخص‌را پیش‌بینی میکند.

۶ـ خط کبدی، که سلامتی‌یاامراض‌درونی شخص‌را نشان‌میدهد.

از این شش خط ، چهار خط قلبی، سر، عمر و کبدی که مربوط به‌صفات و روحیه ویا امراض جسمانی است دردست عموم دیده‌میشود و درزمان تولد درکف دست نقش بسته است ، مگر دوخط قلبی و سر



(شکل ۱۱۱)

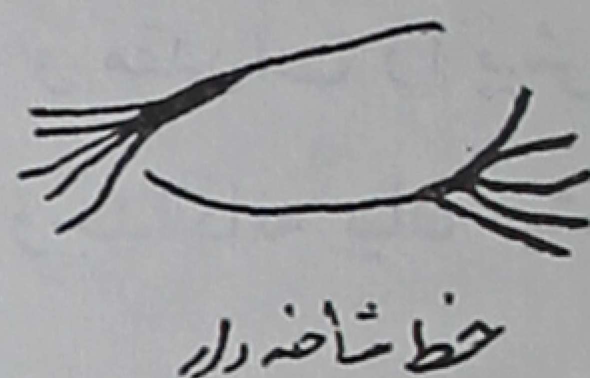
که ندرتاً ممکن است متصل ومخلوط شود یعنی خط سر ازمحل خود بالا رود وبا خط قلبی متصل شود یا بعکس خط قلبی ازمحل خود پائین آید و با خط سر یکی شود ، دراینصورت یکی از این دو خط نمایان نخواهد بود ، یا خط کبدی که گاهی امکان دارد کمرنگ و خوب نمایان نباشد .

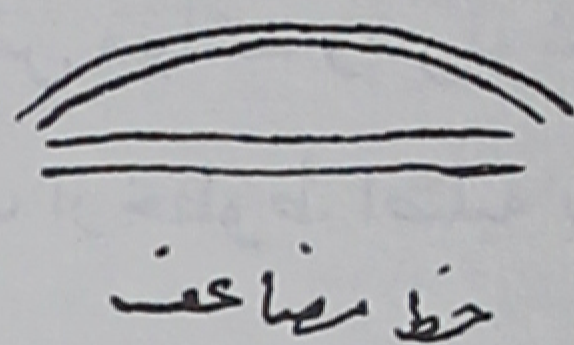
اما دوخط تقدیروثروت که مربوط بهسرنوشت ومقدرات میباشد

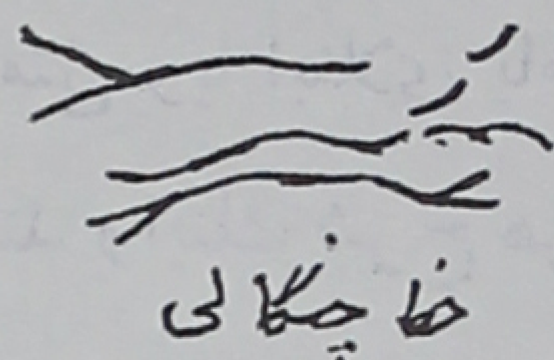
ممکن است دربعضی ازدستها خیلی کوتاه و کمرنگ وبصورت علائمی در روی تپه‌ها نمایان شود ویا اصلا وجود نداشته باشد .

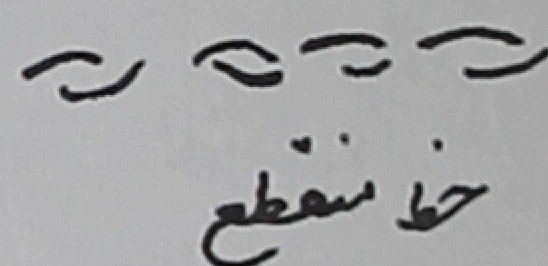
کفشناسان معتقدند آنهائی که در دهات یاجنگلها زندگی میکنند وهوش وفراستی ندارند ویا آنهائی که قوه فهم وادرا کشان کم است و برای ترقی وتعالی خود حساسیتی بخرج نمیدهند و در مدت عمر خود زندگانی یکنواختی‌را میگذرانند غالباً فاقد این دوخط میباشند، دراین‌ـ صورت در کف دست ایندسته مردم خط سر نیز کوتاه و بی اهمیت میباشد ، همچنین درکف دست بعضی ازاطفال در زمان تولد امکان‌دارد این دوخط نمایان نباشد و پس از اینکه قوه فهم و درك آنها رو به‌تزاید میگذارد این دو خط نیز بتدریج خودنمائی کند .

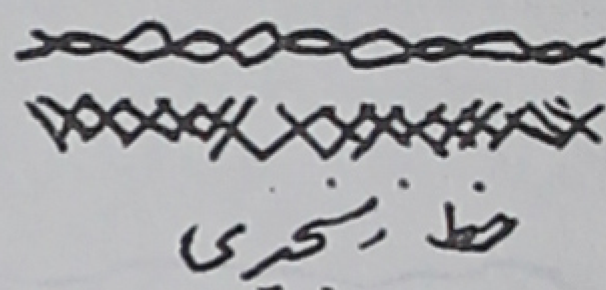
خطوط اصلیه بانواع‌واشکال‌مختلفی درکف دست نقش می‌بندد بشرح زیر :

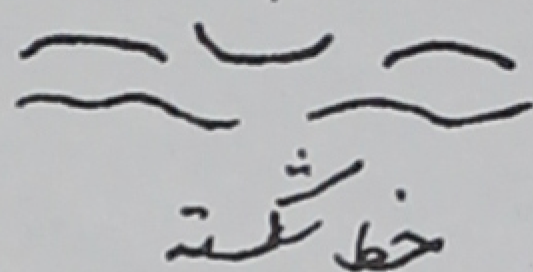












(شکل ۱۱۲)

خط چنگالی ـ خطی که در ابتدا با دو شاخه شروع شود یا درانتها به دو شاخه منشعب گردد و با دو شاخه ختم شود آنرا چنگالی گویند .

خط شاخه‌دار ـ وقتی خط در ابتدا با چند شاخه شروع شود و یا در
انتها به‌شاخه‌های متعدد منشعب شود، شاخه‌دار مینامند.

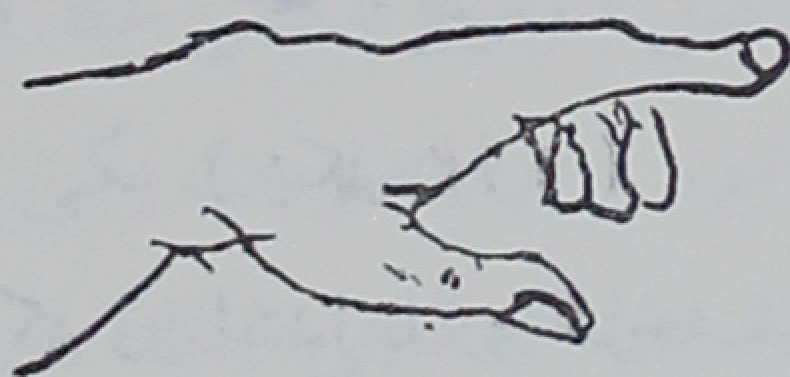
خط زنجیری ـ وقتی خط از قطعات کوچکی تشکیل و باخطوط کوچك
دیگری شکل‌زنجیر بخود بگیرد آنرا زنجیری‌خوانند.

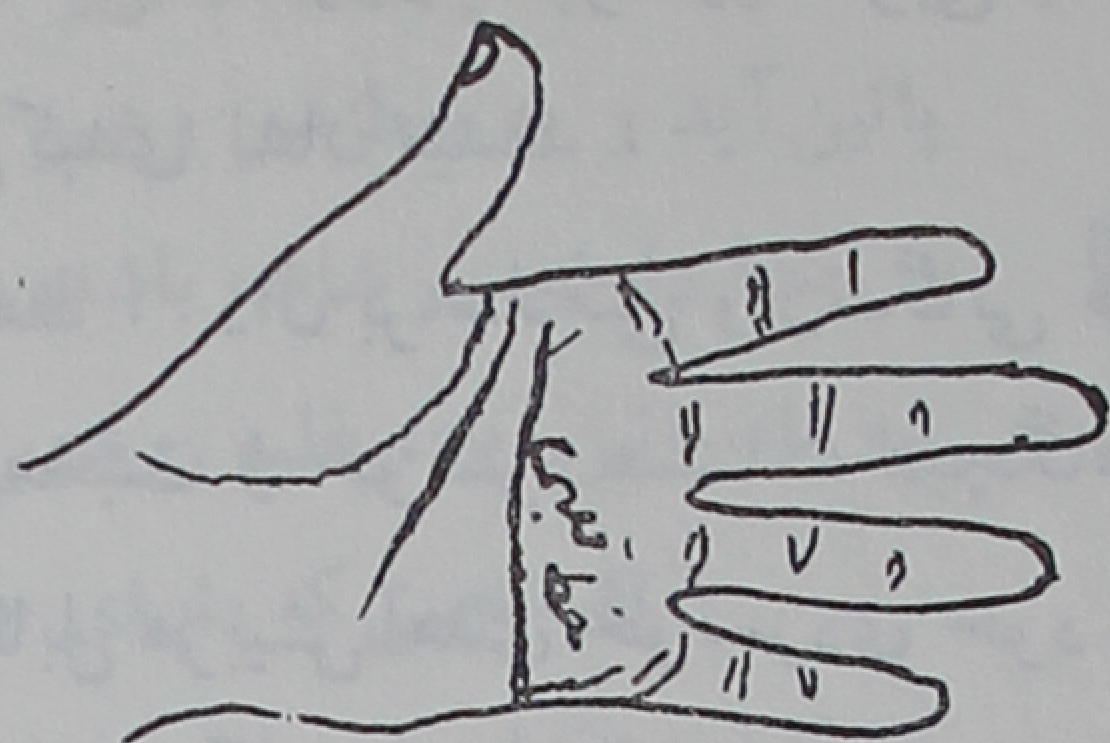
خط منقطع ـ وقتی قطعات کوچك ومجزا خطی‌را تشکیل‌دهد منقطع
نامیده میشود .

خط شکسته ـ خطی است که دارای بریدگی ویا شکستگی باشد و یا
رویهم سوار شود .

خط مضاعف ـ وقتی دوخط موازی ، در یك امتداد ونزدیك بهم‌باشد
مضاعف گویند .

وهریك از این‌خطوط برحسب‌نام‌ومحل آن در کف دست، رنگ، طول، ضخامت، شکل وفرم نمودار روحیه واخلاق، ذوق و استعداد، سلامتی ویا ابتلای بامراض میباشد وسرنوشت و مقدرات را پیش‌بینی میکند واینك شرح هریك ازخطوط اصلیه بطورجداگانه بیان میشود .





(شکل۱۱۳)

خط قلبی

اولین خطی که بطور افقی در قسمت بالای کف قرار گرفته و معمولاً اززیر تپه تیر (درناحیه‌ضربت) شروع ودر زیر تپه کیوان یا تپه برجیس خاتمه می‌یابد خط قلبی نام دارد واین خط را باین جهت قلبی مینامندکه نمودار سلامتی یا ناسالم بودن قلب و منظم یا نامنظم بودن دوران خون میباشد وامراض قلبی وصفاتی که مربوط به‌قلب ودل است ازقبیل : رحم وانصاف ، خیرخواهی وعدالت ، مهر ومحبت ، عشق و حسادت ، کینه وعداوت ، سنگدلی وقساوت ویا غم‌وغصه‌های قلبی را نشان میدهد .

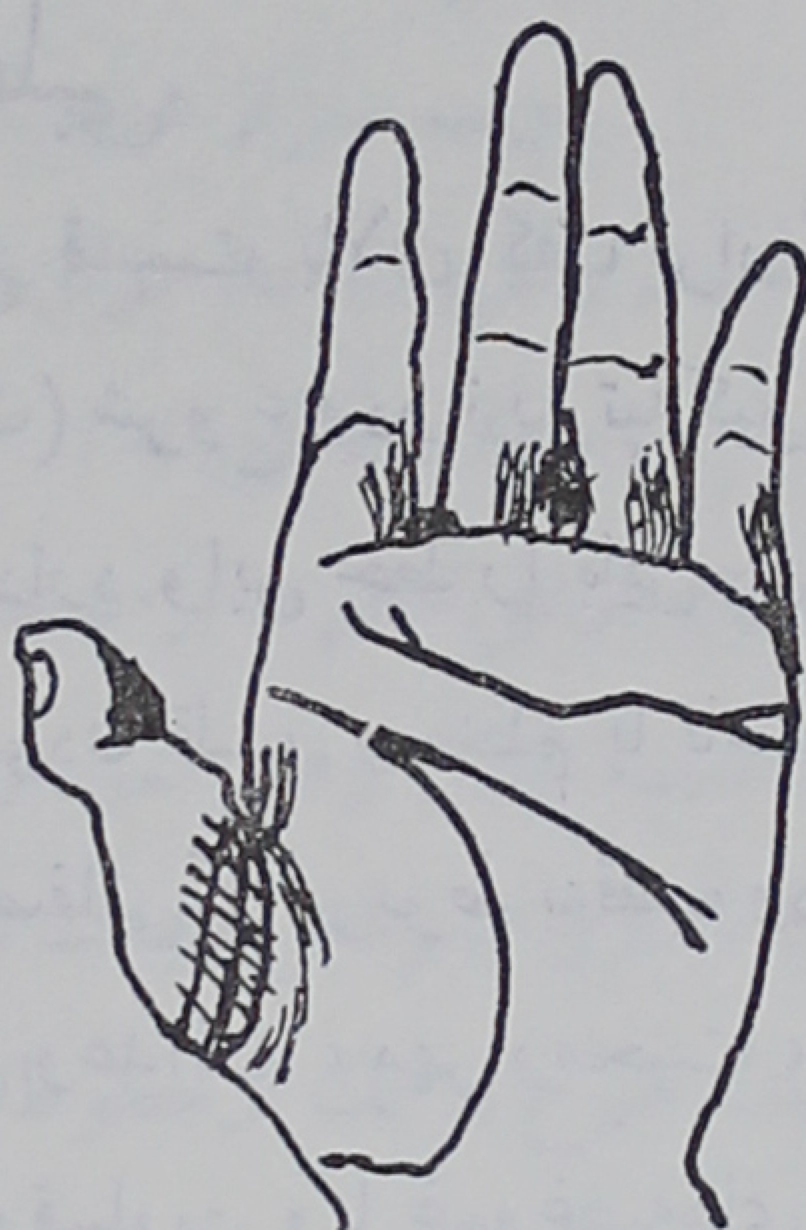
۱ــ رنگ خط قلبی اگر مایل بسرخی باشد : نمودار حرارت مزاج و شهوت پرستی است .

چنانچه رنگ‌خط قرمزباشد: تندخوئی وخشم وغضب‌را نمایان میسازد واگر قرمزی آن برنگ خون باشد، دلیل بربی‌رحمی وقساوت قلب است. (درکف دست قاتلین واشخاص جانی خط قلبی ضخیم و مقعر وبرنگ خون میباشد) .

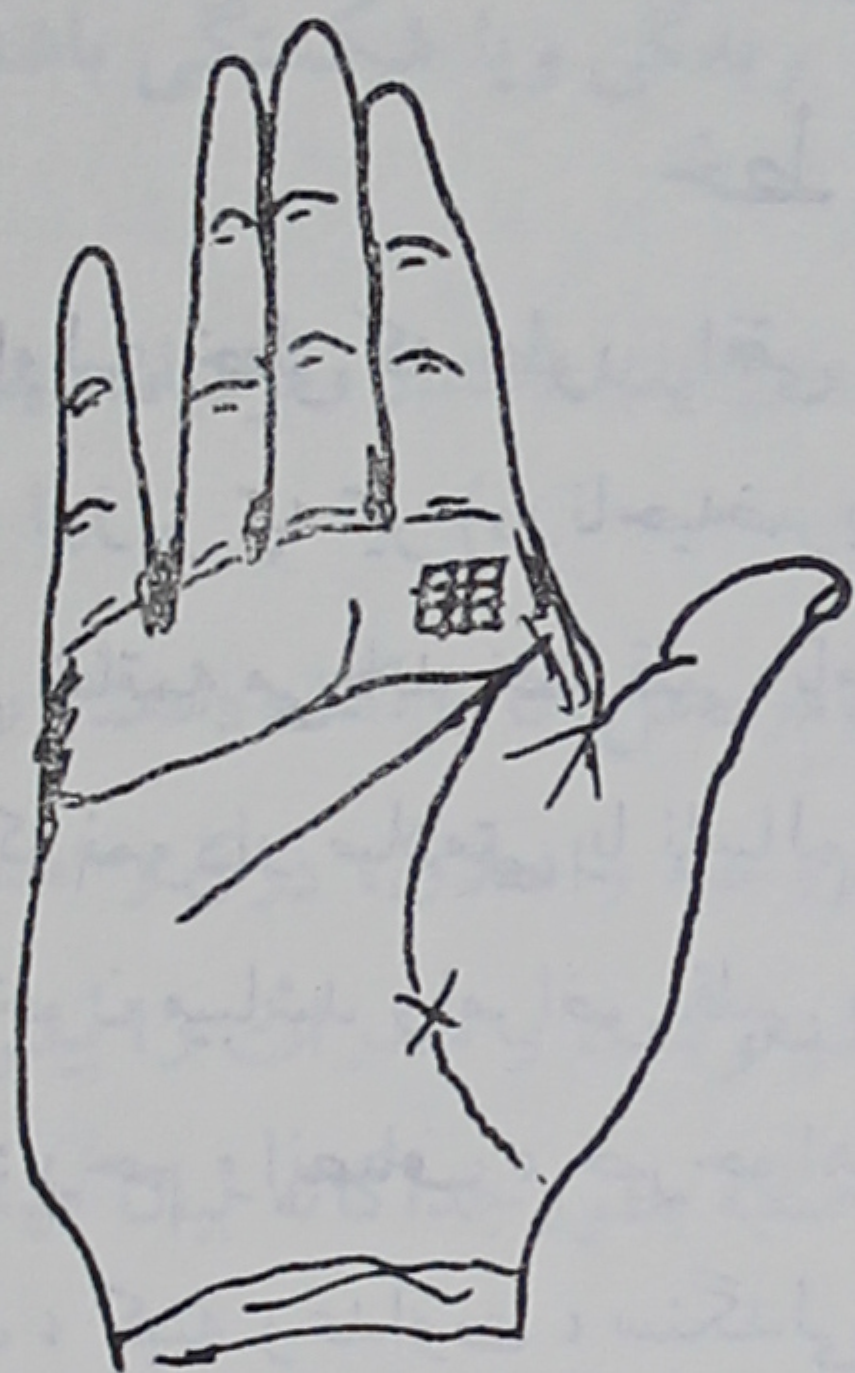
وقتی رنگ این خط زرد یا تیره ویا سربی باشد: صاحب دست را مستعد بامراض کبدی نشان میدهد .

بی‌رنگی خط : دال بر سلامتی و زندگانی طویل است و این اشخاص بی‌مهر ومحبت و خونسرد هستند ، هیچگاه غم وغصه بخود راه نمیدهند ودرمقابل هرپیش آمدی خونسردی خود را حفظ مینمایند.

۲ـ خط قلبی چنگالی : نامنظمی دوران خون را اعلام میدارد.



(شکل ۱۱۴)



(شکل ۱۱۵)

اگر این خط درانتها به‌دو شاخه بزرگ منشعب ویکی ازشاخه‌ها به تپه کیوان بالا رود وشاخه دیگر بطرف خط سرپائین آید: نشانه خوش قلبی وصداقت است واشخاصی که دارای چنین خطی هستند ، بواسطه صداقت وساده‌گی‌خود زودفریب میخورند وبا هر کس دوستی ورفاقت کنند زیان وخسارت می‌بینند .

چنانچه خط پیشتر برود ودر نزدیکی تپه برجیس دو شاخه شود

ویکشاخه آن به تپه برجیس بالا رود وشاخه دیگر پائین آید و به خط سر وعمر برسد وخطسر نیز درانتها دارای دو شاخه باشدویك شاخه آن بطرف تپه ماه پائین آید : غلبه درشهوت رانشان میدهد.



(شکل ۱۱۶)

اشخاصی که دارای چنین خطی هستند، درمقابل عشقهای شهوانی، اراده و کنترل خودرا از دست میدهند وزودگول وفریب میخورند و خود را بیچاره میسازند، بخصوص وقتیکه بند اول شست کوتاه باشد.

۳ـ خط قلبی شاخه‌دار : وقتی این خط درانتها به‌سه یا چهارشاخه منشعب وشاخه‌های آن روی تپه برجیس بشکل خوشه بازشود، صاحب دست را اصیل و نجیب معرفی میکند و این اشخاص با مهر ومحبت ، خون‌گرم، خویش وقوم دوست و با دوستان وخویشاوندان صمیمی و یکرنگ میباشند .



(شکل ۱۱۷)

درصورتیکه این خط بدون هیچ ضایعه‌ای تا نزدیك تپه برجیس

پیش آید وشاخه‌های آن تماماً روی این تپه باز شود: نشانه صدق وصفا است و صاحب چنین خطی فوق‌العاده با محبت و دارای خلوص نیت واز هرگونه ظاهرسازی ودروغگوئی یا حیله وتزویر مبرا میباشد.

چنانچه این خط در ابتدا و انتها دارای شاخه‌های زیادی باشد : نیز دلیل بر خیرخواهی ونوع‌پروری است واین اشخاص از هرگونه مساعدت وهمراهی نسبت به دوستان و خویشاوندان کوتاهی ندارند و بهمین جهت در دوره زندگی خسارات زیادی را متحمل خواهند شد.



(شکل ۱۱۸)

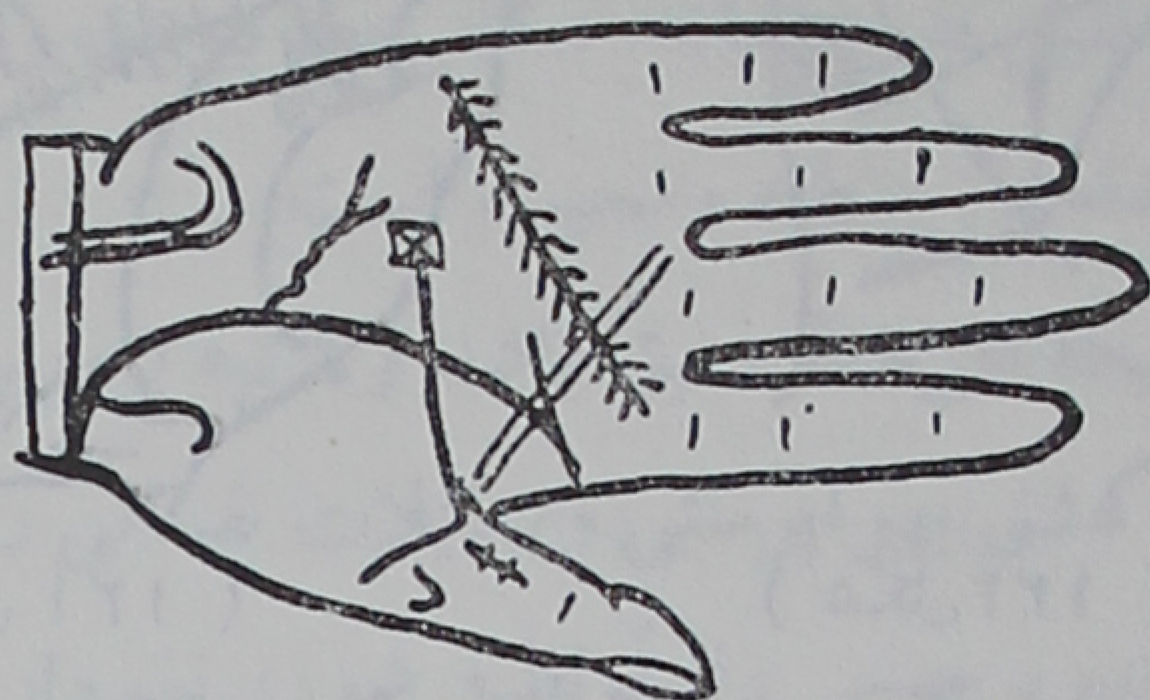


(شکل ۱۱۹)

درصورتیکه این خط ازمحل ضربت با شاخه‌هائی شروع و کف دست را مخطط نماید و در انتها خط بدون شاخه تا تپه برجیس پیش آید: دلیل است برعشق ومحبت فوق‌العاده که ازروی عقل سالم نباشد، این اشخاص با جزئی محبت عاشق میشوند ولی به‌پیوند ودوستی آنها اعتمادی نیست بخصوص اگر تپه ماه فرورفته باشد دراینصورت نسبت

بهر کس که محبت وعشق میورزند بی‌اندازه حسود میباشند .

اگر شروع خط قلبی از محل خود پائین‌تر (بالای تپه بهرام) و سراسر خط دارای شاخه‌های کوچك باشد ودرانتها تاتپه برجیس پیش رفته وتپه را اشغال نماید : نشانه امراض قلبی است .



(شکل ۱۲۰)

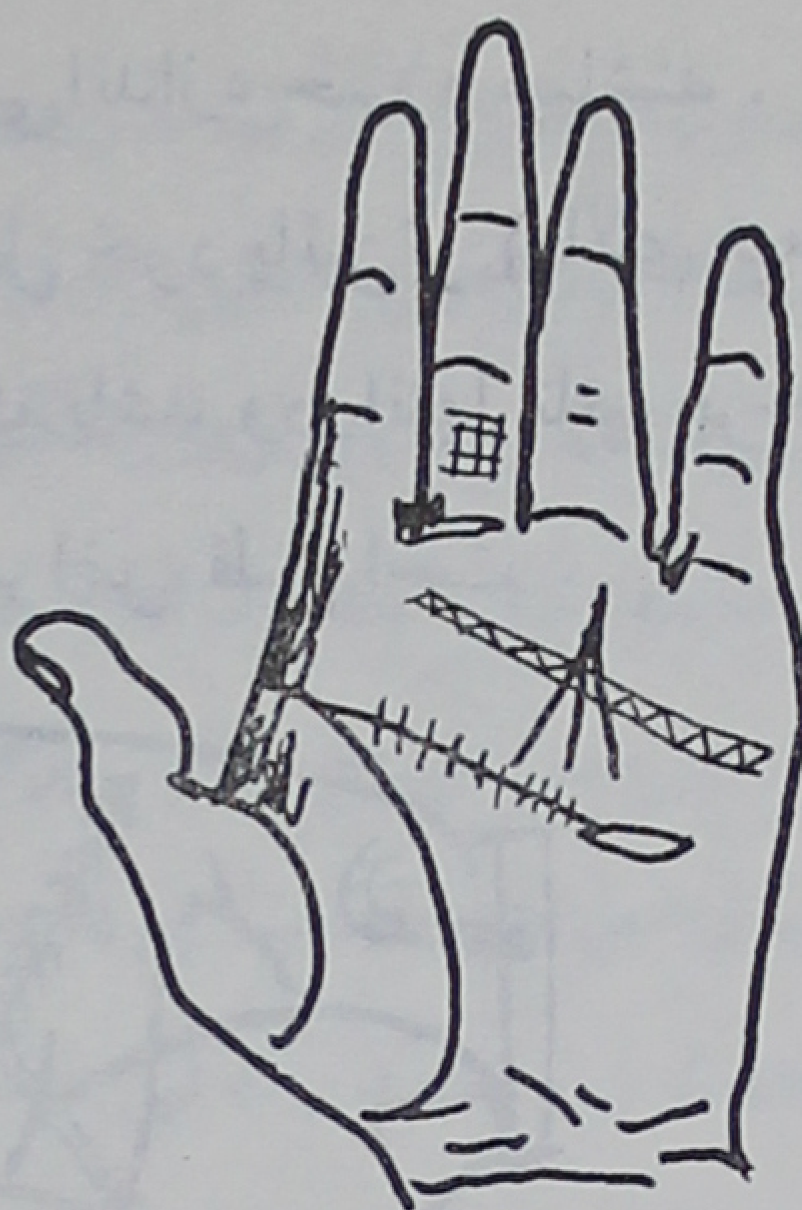
کسی که دارای‌چنین‌خطی‌است مستعد به‌تنگ شدن‌دریچه میترال قلب میباشد وبایستی ازسن چهل سالگی از قلب خود محافظت نماید، این اشخاص بامحبت وخیرخواه وعلاقمند هستند تاآنجائیکه بتوانند با اقوام وخویشان خود کمك‌وهمراهی‌می کنند، اگر کوچکترین‌محبتی از کسی به‌بینند هیچوقت فراموش نمی کنند، خیلی زود رنج هستند واگر آزاروازیتی هم به‌بینند هرگز از یاد نخواهند برد .

۴ـ خط‌قلبی زنجیری: علامت طپش‌قلب‌است واشخاصیکه‌خط قلبی زنجیری دارند خیلی‌کم حوصله هستند، زود تحریك وعصبانی و دراثرهرپیش آمد کوچکی‌مضطرب وپریشان‌میشوندو بمحض کوچکترین ناراحتی رنگ صورت برافروخته وطپش‌وضربان قلب‌آنها زیاده‌یشود.

۵ـ خط قلبی شکسته : نشانه امراض قلبی است و اگر خط در زیر انگشت وسطی تمام شود اعلام خطر میکند .



(شکل ۱۲۲)



(شکل ۱۲۱)

بعضی از کفشناسان خط قلبی شکسته را سکته قلبی پیش بینی میکنند، بعضی هم عقیده دارند، اشخاصی که به حمله قلبی مبتلا هستند ممکن است خط قلبی آنها شکسته باشد .

۶ـ خط قلبی منقطع : نشـانه ضعف قلب است ، این اشخاص دارای جبن وترس فوق‌العاده میباشند ، از همه چیز وهمه‌کس ترس و واهمه دارند، از تاریکی وحشت دارند، از کوچکترین صدائی وحشت میکنند وهمیشه متزلزل ومضطرب هستند .

۷ـ خط قلبی مضاعف : سلامتی وسعادت را نشان میدهد.



(شکل ۱۲۳)

اشخاصی که خط قلبی‌مضاعف دارند درعشق وازدواج نیکبخت و سعادتمند هستند ، در دوستی و رفاقت پایدار و درمقابل حوادث و پیش‌آمدهای زندگی محکم ودارای قوه‌مقاومت میباشند، غالباً پای‌بند دین ومذهب وخداشناس هستند .

۸ـ خط قلبی بدون شاخه : اگرخط باریك و نازك باشد ، دلیل برخونسردی ونداشتن عاطفه ومحبت است .

درصورتیکه این‌خط عمیق باشد وتا تپه برجیس پیش آید وروی تپه خاتمه یابد : عشق بهواپرستی وتمایلات نفسانی را نشان میدهد، اما چنانچه نزدیك تپه برجیس دفعتاً قطع شود، نمودار شهوت پرستی و عشق به‌لذایذ جسمانی است ، عشق ومحبت یا دوستی ورفاقت ایندسته برای خوشگذرانی و ارضاءِ شهوات است ، در دین و دیانت لاقید و عاطفه و وجدانی نمی‌شناسند (شکل۱۴۹) .



(شکل ۱۲۵)



(شکل ۱۲۴)

اگر این‌خط در زیر تپه کیوان دفعتاً قطع شود: حادثه و پیش آمد

شومی‌را خبرمیدهد ، بشرط اینکه خط‌عمر نیزتائید نماید و الا صاحب دست بواسطه‌گفتگوهای فامیلی و خسارات جبران ناپذیر به بیچارگی افتد واگر خط بطرف تپه‌کیوان بالا رود، زندگی سخت وپرمرارتی‌را نشان میدهد .

چنانچه این خط در زیر تپه خورشید دفعتاً قطع شود : دلیل بر بدبختی است واشخاصی که دارای چنین خطی هستند از عشق ومحبت بی‌نصیب و زندگی نکبت باری را خواهندگذرانید .

۹ـ خط قلبی که درانتها بطرف خط‌سروعمر پائین آید : اگر به خط سر نرسد و در بالای‌آن با خط کوچکی تشکیل صلیب یا چنگال بدهد، بدبختی درازدواج وعدم توافق با همسر، ناراحتی‌ها واختلافات زناشوئی را بیان میکند (شکل۱۲۶) .



(شکل۱۲۶)



(شکل۱۲۷)



(شکل۱۲۸)

چنانچه این‌خط درانتها پائین‌آید وباخط سر وعمر متصل شود : حادثه شومی را برای صاحب دست خبرمیدهد واگر این‌علامت درهر دو دست باشد، دلیل برمرگ ناگهانی است (شکل۱۲۷) .

درصورتیکه خط درابتدا ازمحل ضربت فاصله بگیرد و شروع

آن مقابل انگشت کوچك باشد : نیز علامت خطر است وصاحب‌دست بواسطه‌عدم‌موفقیت‌درعشق‌ممکن‌است‌دست‌بخودکشی‌بزند(شکل۱۲۸).

بعضی از کفشناسان که پیرو نظر «چیرو» هستند عقیده‌دارند وقتی خط قلبی درانتها پائین‌آید وباخطوط سروعمر متحد ومتصل‌شود، نوع حادثه شوم مربوط باین خط را میتوان با توجه به تپه های هفتـگانه و برحسب اثرات کوکبی که برصاحب دست مسلط ومؤثراست پیش‌بینی نمود باین ترتیب :

اگر بین‌تپه‌ها‌تپه‌برجیس قابل‌توجه‌واین کوکب‌مسلط‌باشد: سکته.

چنانچه تپه‌کیوان از تپه‌های مهم دست باشد : خطر تصادف و صدمه بقسمت علیای بدن .

درصورتیکه تپه خورشید قابل اهمیت باشد : خطر صدمه بچشم ویا ابتلای بامراض‌چشم ونابینائی .

اگر تپه تیر بیش‌از تپه‌های دیگر نمایان باشد : خطر سرطان ریه یا امراض ریوی سخت وخطیر.

وقتی تپه‌بهرام برآمده ومنبسط باشد : خطرسرطان‌معده یاامعاء.

اگرانبساط تپه‌ماه زیادوقابل‌توجه باشد: خطرسکته‌ناقص وفلجی.

واگر تپه ناهید بزرگ و منبسط باشـد : صاحب دست درنتیجه هواپرستی سلامتی خود را به‌خطر می‌اندازد .

چنانچه خط قلبی باچنگال شروع ودرانتها پائین‌آید وبا خطسر وعمر متحد ومتصل شود وخط سر درزیرانگشت وسطی بالارود وخط قلبی را بشکنند : خطر تصادف وخونریزی مغزرا اعلام میدارد.

۱۰ـ خط قلبی که‌کوتاه و دارای پیچ وخم باشد: دلیل برامراض

قلبی است .


(شکل۱۲۹)

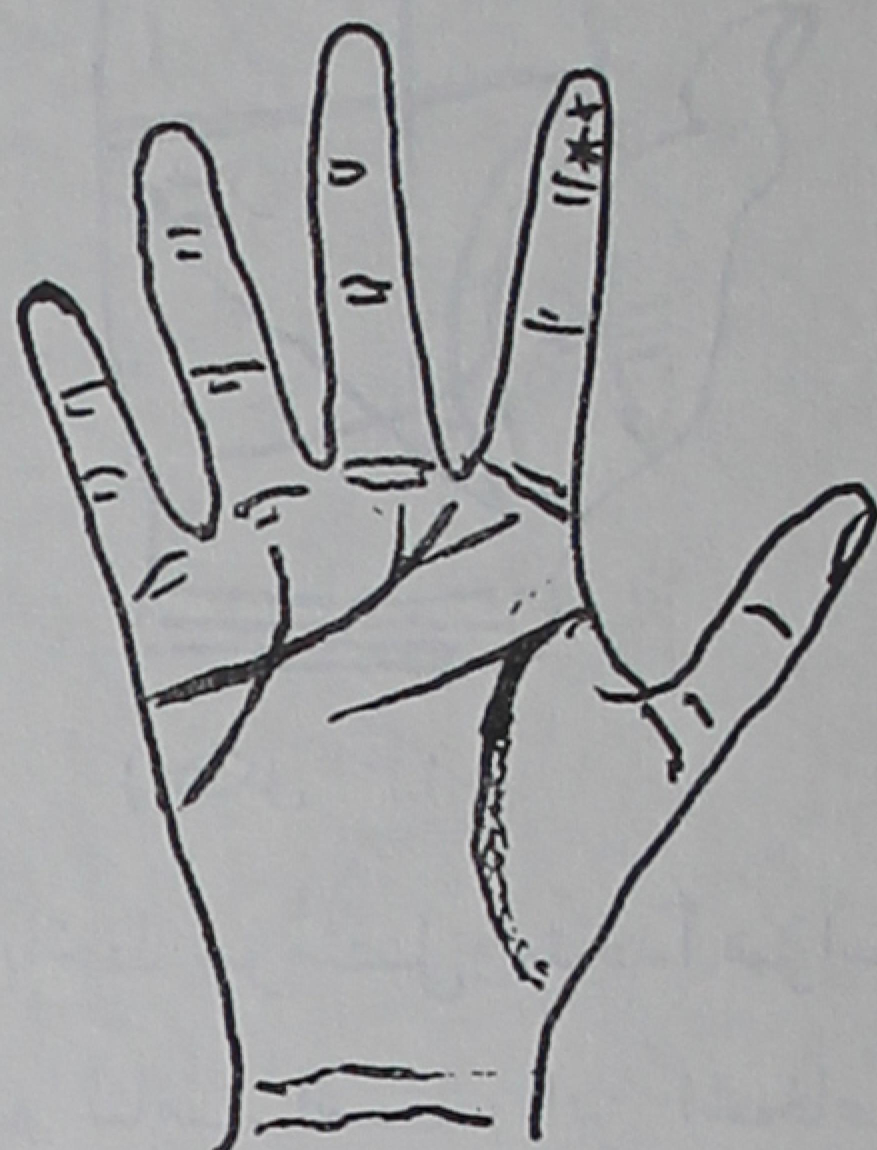

(شکل۱۳۰)

۱۱ـ خط قلبی که درانتها مابین انگشتان سبابه ووسطی بالا رود یا درانتها دوشاخه‌شود ویك‌شاخه به‌تپه کیوان وشاخه‌دیگر به‌تپه برجیس بالارود ویااینکه سه‌شاخه‌باشد وشاخه وسط درمیان این‌دوتپه قرارگیرد: زندگی صاحب دست را بین سعد ونحس قرار میدهد.

برحسب عقیده اخترشناسان، برجیس سعد اکبر وکیوان نحس اکبر است، کفشناسان نیز برحسب صفات واثراتی که برای تپه‌ها معین کرده‌اند همین تشخیص‌را میدهند، یعنی کسی که دارای چنین‌خطی‌باشد روزگار خود را باخوبی‌ها وبدی‌ها میگذراند، گاه شاد وخرم وباسرور وخوشبختی زندگی میکند وگاهی باحزن و اندوه و بدبختی وبیچارگی دست به‌گریبان است. بنابراین هرچند خط وشاخه‌های آن به‌تپه برجیس نزدیکتر باشد، سعادت وخوشبختی بیشتر است وبعکس‌است اگرتمایل خط بطرف تپه کیوان باشد (شکل۱۳۱) .

۱۲ـ خط قلبی طویل: وقتی این‌خط طویل و درانتها از زیر تپه برجیس هم عبورنموده وبه‌لبه دست برسد : نمودار افراط در شهوت‌

پرستی وشهوت رانی تا بدرجه وحشیگری است، بخصوص اگر خط مستقیم وعمیق ورنگین باشد. معمولاً اشخاصی که دارای چنین خطی هستند خط سرشان کوتاه و بدنشان پرمو میباشد وهنگامی که شهوت بر آنها غلبه نماید خوی حیوانی پیدا میکنند وحتی ممکن است به جنایتی هم دست بزنند.



(شکل ۱۳۱)



(شکل ۱۳۲)

۱۳ـ خط قلبی نزدیك خط سر: وقتی این خط از محل خود پائین تر آید و به خط سر نزدیك شود و فاصله بین دو خط کم باشد، علامت بدجنسی وخبث طینت است، این اشخاص حس محبت وخیرخواهی ندارند، دوستی وخویشاوندی برایشان معنی ندارد ودوستی ومحبت را فدای امیال خود میسازند، دراینصورت اگر خط سر بلند باشد، صاحب دست را فهمیده، باهوش وسیاس معرفی میکند واین اشخاص برای پیشرفت مقاصد خود به دوست ورفیق پشت پا میزنند. معمولا سیاستمداران ازاینددسته اند.

چنانچه خط سر کوتاه باشد ، دلیل برپول پرستی و خست است.

ضمناً وقتی خط قلبی به خط سر نزدیك باشد ، امراض ریوی و

آسم یا برونشیت مزمن را پیش‌بینی میکند .



(شکل ۱۳۳)



(شکل ۱۳۴)

چنانچه خط قلبی بیشتر پائین آید و باخط سر متصل ومتحداً سراسر کف را خط کشی نمایند: دلیل برخست و لئامت است ، این اشخاص فوق‌العاده ممسك وخسیس وجز به‌پول بهیچ‌چیز فکرنمیکنند، بهترین دوست ورفیق آنها پول است ، تنبل و بیکاره هستند وحساسیتی ندارند، حساسیت آنها فقط برای جمع آوری پول است، حتی ازخوردن امساك میکنند. نزول‌خورها از اینددسته‌اند .

۱۴ـ عدم خط قلبی : دلیل برخونسردی وبی‌عاطفه‌گی است .

وقتی کف دست فاقد خط قلبی باشد : صاحب دست را بی‌مهر ومحبت ، بی‌عاطفه و بی‌وجدان، ترسو و بزدل، خودخواه‌وخودپرست معرفی میکند ، آدمی که خط قلبی ندارد حس



(شکل ۱۳۵)

خیرخواهی ومعاونت ندارد، معنی مهرومحبت را نمیداند، هیچکس را دوست خود نمی‌شناسد، بلکه همه را دشمن خود می‌پندارد، ازهمه کس حتی ازفامیل خود گریزان است، جرأت و شهامت ندارد و در زندگی پیشرفت وترقی هم ندارد وترقی آن فقط ازراه صرفه‌جوئی وامساك است

علائم منقوشه روی خط قلبی

۱- صلیب: اگردرابتدای خط باشد، ثروت وسعادتی که درنتیجه مسافرت بدست آید وهمچنین ابتلای بمرض رماتیسم را نشان میدهد و اگر دروسط خط باشد مسافرتهای طویل و پرزحمت و همچنین مرض نقرس را خبر میدهد.

اگر این علامت درانتهای خط قلبی قرارگیرد : نشانه خوش قلبی وخوشبختی درعشق وازدواج است، بخصوص وقتیکه صلیب روی تپه برجیس رسم شود ، این اشخاص در عشق وازدواج موفق وکامیاب و سعادتمند خواهند بود .



(شکل ۱۳۶)



(شکل ۱۳۷)

صلیب در بالای خط قلبی استفاده‌هائی را نشان میدهد که پایدار نبوده ودر راه عیاشی وهواپرستی از دست میرود وصلیب‌های در زیر این خط علامت امراض است .

۲- ستاره : دلیل برثروت وسعادت است بخصوص وقتیکه در انتهای خط ودروسط تپه برجیس قرارگیرد ، این اشخاص در عشق و ازدواج نیکبخت وبا سعادت هستند، باهمسر خود توافق‌اخلاقی دارند وزندگی را با خوشی وشادکامی میگذرانند .

اگرستاره درابتدای خط باشد: استفاده درمسافرت راخبر میدهد ولی‌این علامت دروسط خط قلبی‌ضعف قلب و کم خونی‌رامعین میکند مخصوصاً اگر رنگین وعمیق باشد .

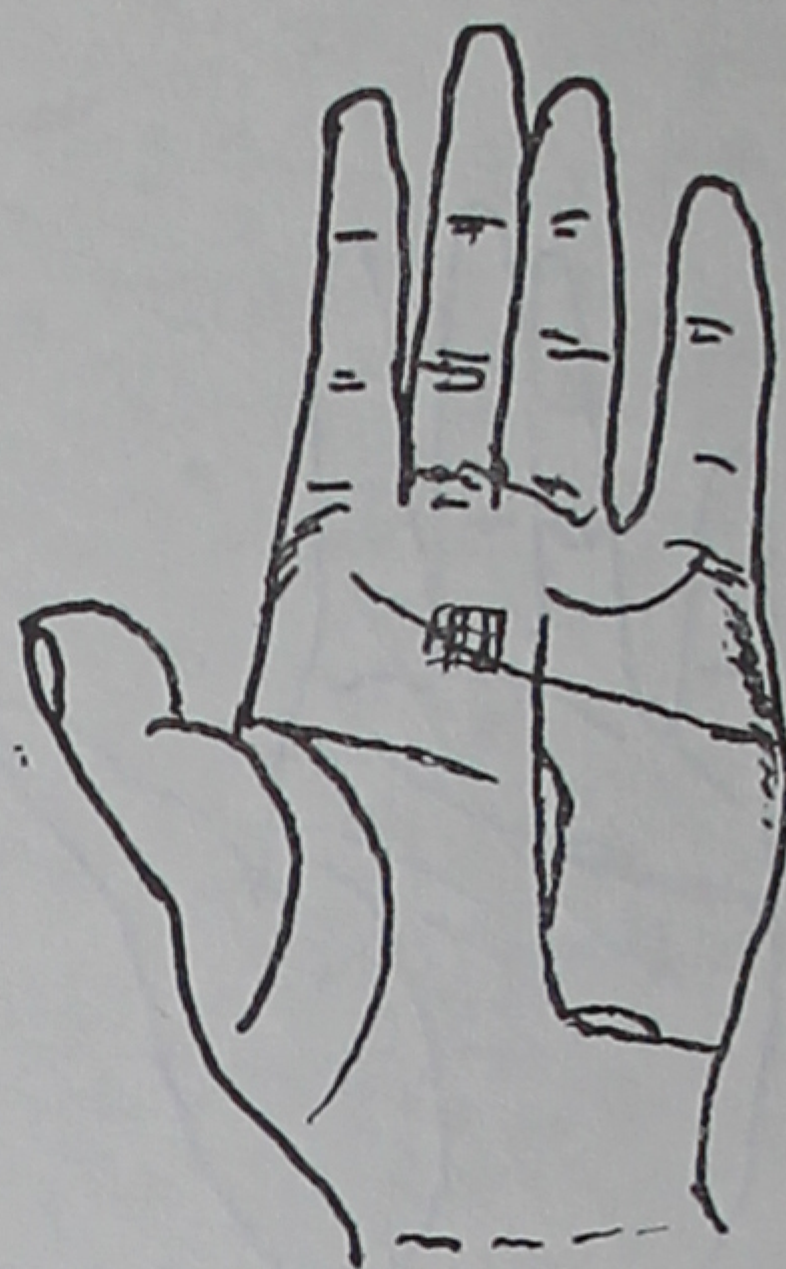
۳- نقطه روی خط قلبی: اگربرنگ‌آبی‌باشد، نشان دهنده طپش وضربان قلب است، اگر برنگ تیره یا سرخ رنگ باشد غم و اندوه را نشان میدهد ، چنانچه نقطه در زیر تپه خورشید باشد غم وغصه‌های عشقی واگر زیر تپه تیر قرارگیرد غم واندوه و ناراحتی‌هائی که مسبب آن طبیب یا وکیل دادگستری است .

نقاط بی‌رنگ که درشت ونمایان باشد، امراض‌تناسلی ودردست زنها امراض رحمی را نشان میدهد، ولی‌نقاط ریز سوزنی در خط قلبی نمودار نجابت وخوش‌طینتی وعلامت تأثرات روحی است.

۴- حفره روی خط قلبی که خطوط رنگ پریده‌ای از آن خارج شود : مرض ذات‌الجنب یا امراض رحم ومثانه رابرای صاحب دست نشان میدهد (شکل۱۹۵) .

۵- پنجره روی خط قلبی : علامت رماتیسم قلبی است .


(شکل ۱۳۹)


(شکل ۱۳۸)

۶- جزیره در خط قلبی : امراض کلیه و مثانه و کم خونی ودر دست زنها، خونریزی وامراض رحمی بعد از زایمان را نشان میدهد ، جزیره‌های کوچك در سراسر این خط نشانه ضعف قلب است .

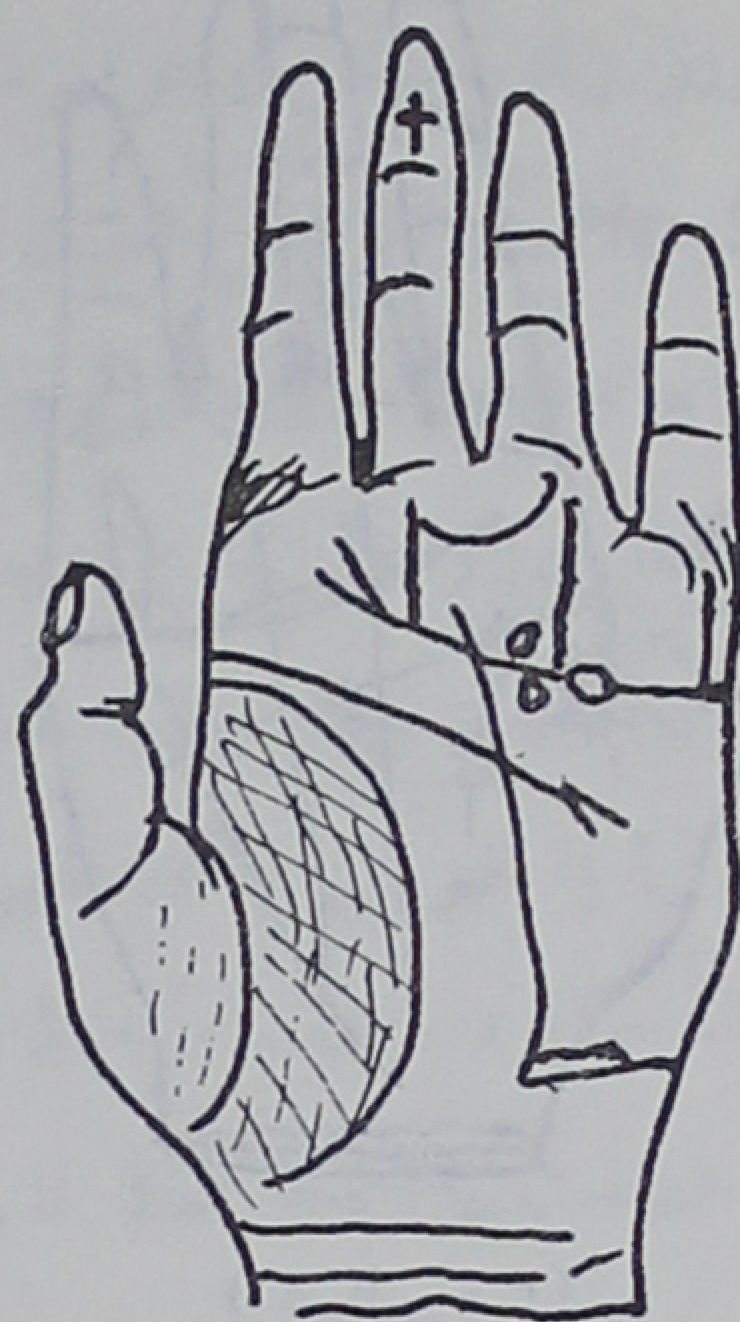
ولی جزیره متعامد بر خط قلبی : آدم فاسق ، فاجر ، محیل و خطرناکی را معرفی میکند .

۷- مثلث روی‌خط قلبی: علامت نعمت‌غیرمترقبه‌است وصاحب این علامت پس از بیچاره‌گی و سختی‌های روزگار از جائیکه انتظار ندارد به ثروت وسعادت خواهد رسید (شکل۱۷۴) .

۸- مربع‌روی این‌خط : انفکتوس‌قلبی‌را پیش‌بینی‌میکند، ولی چون مربع علامت حفظ است خطری ندارد (شکل۱۷۶) .

۹- دایره روی خط قلبی : نشانه قدرت و توانائی است ، ولی اگر دایره در زیر یا بالای این خط رسم شود ، ابتلای بامراض چشم

یا صدمه بچشم را نشان میدهد .



(شکل ۱۴۰)



(شکل ۱۴۱)

۱۰- خورشید در روی خط : این علامت ، نشانه خوشی‌ها و خوشگذرانی‌های در دوران جوانی است ولی اشخاصیکه دارای این علامت هستند غالباً از داشتن اولاد محروم میباشند .

۱۱- نیمدایره‌های کوچك در زیر یا بالای خط قلبی : در دست مرد امراض مثانه و ورم پرستات ودر دست زن زایمان سخت را نشان میدهد (شکل۲۱۷) .

۱۲- خوشه درانتهای خط‌قلبی: بطور کلی‌خوشه‌ای که شاخه‌های آن صعودی باشد علامت ترقی و پیشرفت میباشد وخط قلبی شاخه‌دار هم نشانه خوش قلبی ومحبوبیت است، بنابراین چنانچه درانتهای این خط شاخه یاشاخه‌هائی بشکل‌خوشه بطرف‌انگشت‌سبابه بالارود صاحب دست راخون‌گرم ومحبوب‌القلوب معرفی میکند واین‌اشخاص بواسطه

محبوبیتی که دربین دوستان دارند وباکمك ومساعدت دیگران مقاهای ارجمندی را اشغال خواهندکرد، ضمناً این‌علامت خطر تصادف را هم پیش‌بینی میکندمخصوصاً اگراین خوشه‌برگردد و بطرف انگشت وسطی بالا رود .



(شکل ۱۴۲)



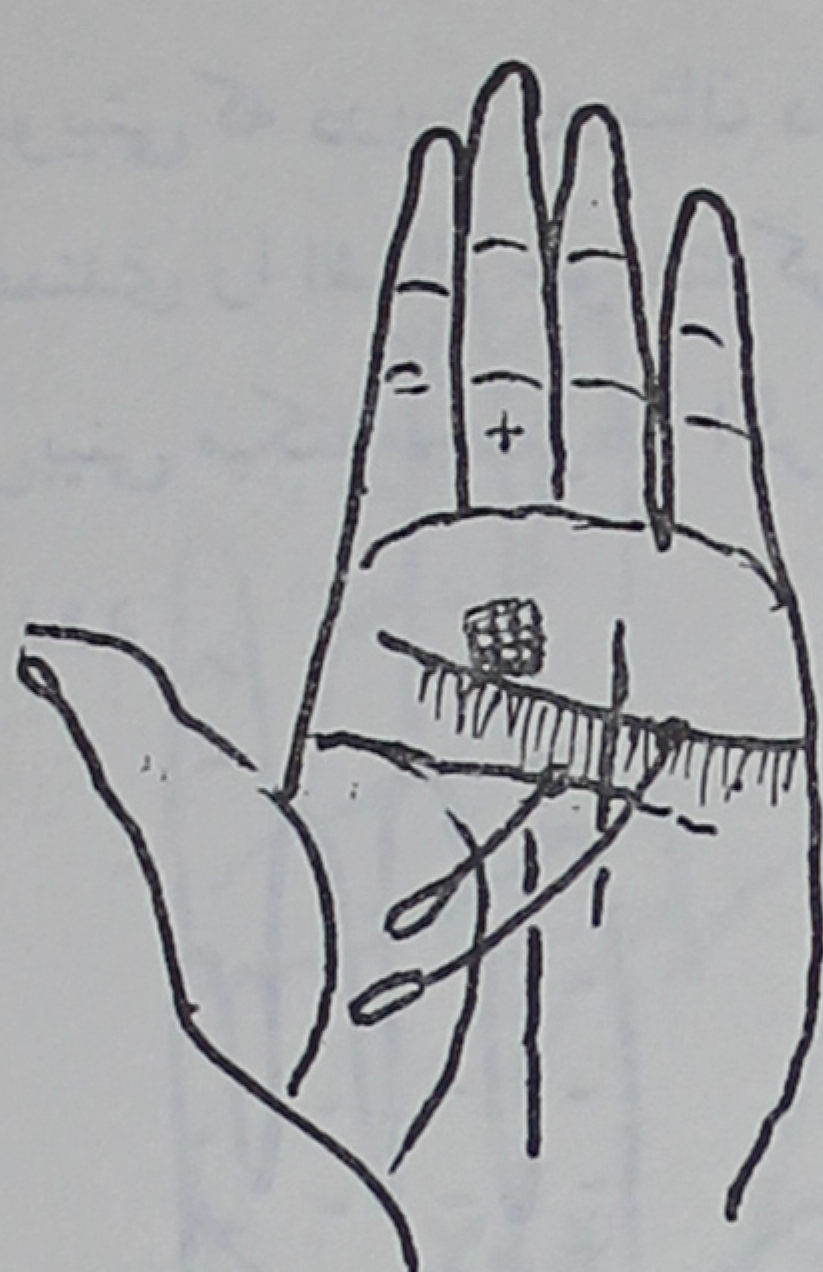
(شکل ۱۴۳)

اما چنانچه خوشه در بالای خط قلبی واززیر تپه‌کیوان مستقیماً با شاخه‌های صعودی بطرف انگشت وسطی بالا برود : نمودار ترقی وپیشرفت‌های تدریجی است .

۱۳- پره‌های کوتاه درخط قلبی: وقتی درسراسراین‌خط پره‌های کوتاه وعمودی رسم شود: نشانه خوش قلبی وخیرخواهی است واین اشخاص نوع دوست وهمیشه برای هرکار خیری پیشقدم و برای کمك ومساعدت با دوستان وهمنوعان حتی از بذل مال هم کوتاهی نمی کنند ودردوره زندگی بواسطه کمك بدیگران ضرروخسارات جبران‌ناپذیری را متحمل خواهند شد .



(شکل ۱۴۴)



(شکل ۱۴۵)

ولی پره‌های عمودی که در زیر خط قلبی قرار گیرند یعنی از این خط بطرف خط سر پائین بروند و تعداد آنها هم زیاد باشد : خطر بزرگ شدن قلب را اعلام میدارد بخصوص وقتیکه بعضی از آنها بهم چسبیده باشند.

پره‌هائیکه در محل ضربت و ابتدای خط قلبی در بالا یا زیر این خط نقش بندد بر حسب عقیده «موشری» تعداد اولاد را معین میکنند ، پره‌های بالا فرزند پسر و پره‌های زیر خط فرزند دختر خواهد بود.

پره‌های عمودی ضخیم که خط قلبی را بشکنند : نشانه حوادث و پیش آمدهای شوم عشقی است (شکل ۱۷۶) .

۱۴- زاویه در روی خط قلبی : علامت دروغگوئی و حماقت است.

۱۵- خطی که در ابتدای خط قلبـی از روی این خط شروع و مستقیماً تا ریشه انگشت کوچك بالا رود : در دست مرد، خیرخواهی و نوع پروری و در دست زن عفت و پاکدامنی را نشان میدهد.

خط مستقیمی که زیر تپه خورشید از خط قلبی شروع و بطرف

انگشت بنصر بالا رود : نشانه شهرت وافتخار است ولی اگراین خط بمفصل برسد وآنرا قطع نماید ، بدبختی وبیچاره‌گی وسرنگون شدن وضعیت را نشان میدهد .

خطی که در مقابل انگشت وسطی از خط قلبی شروع ومستقیماً تا تپه کیوان بالا رود: نمودار سعادت ونیکبختی‌است ولی چنانچه خط ادامه پیداکند و از مفصل انگشت بگذرد ، بعکس نشانه پیش‌آمدهای ناگوار وغم و اندوه میباشد ، بخصوص اگر خط سیاه رنگ باشد ، دراینصورت حبس‌وگرفتاری راهم برای صاحب دست پیش‌بینی‌میکند.

خطی که از انتهای خط قلبی مستقیماً تا تپه برجیس بالا برود : علامت ترقی مقام وارتقاءِ درجه است، ولی چنانچه زیاد بالارود وپس از قطع مفصل به بند سوم انگشت برسد، حادثه شومی را خبر میدهد.



(شکل ۱۴۶)



(شکل ۱۴۷)

۱۶ـ عصا : وقتی این شکل از روی خط قلبی بالا رود علامت

حبس واسارت است وکسی که دارای این علامت باشد بواسطه اعمال ورفتار بد، خود را بدبخت وبیچاره خواهد ساخت.

اگراین علامت در زیرانگشت کوچك رسم شود: بواسطه دزدی وخیانت گرفتارمیشود (شکل۲۳۳).

چنانچه زیر انگشت بنصر باشد: عیاشی و خوشگذرانی‌ها و مخارج بیهوده موجب بدبختی است.

درصورتیکه درزیر انگشت وسطی قرارگیرد: مسبب آن کارهای نامشروع غیر قانونی است.

واگر در زیر انگشت سبابه باشد: سوءاستفاده از مقام و شغل باعث گرفتاری خواهد شد (شکل۲۳۹).

نظریه

خط قلبی نمایشگر قلب ودل است و برحسب طول، ضخامت، عمق، رنگ وشکل عواطف و احساسات ووضعیت روحی و اخلاقی شخص را از حیث عشق ومحبت معین میکند وعلائمی هم که روی آن نقش می‌بندد مربوط به حوادث عشقی و غم و غصه‌های قلبی ویا نشان دهنده امراض قلبی است.

خط قلبی معمولاً ازناحیه ضربت زیر تپه تیرشروع وبطورافقی در زیر انگشتان پیش آمده وباشکال مختلفی ختم میشود.

خط قلبی وقتی نشانه عاطفه، محبت و عشق حقیقی است که از حیث طول، ضخامت وعمق‌متوسط وبشکل‌شاخه‌دارتا روی‌تپه برجیس ادامه یابد.

خط قلبی هرچه کوتاه‌تر، کمرنگ‌تر، باریك‌تر و عمق آن کمتر

وتعداد شاخه‌های آن کمتر باشد عواطف، احساسات، عشق و محبت کمتر وبالعکس هرچه عمق خط زیادتر، رنگین‌تر، طول وضخامت آن بیشتر وتعداد شاخه‌های آن زیادتر باشد فزونی مهر ومحبت و شدت عشق و احساسات را بیان میکند، واگر طول، رنگ، عمق وضخامت آن از حد متوسط تجاوز کند وبدون شاخه هم باشد عاطفه وعشق‌ومحبت رابه کینه وحسادت وخوی حیوانی مبدل میکند، بنابراین اگر خط خیلی طویل واز تپه برجیس هم عبور نموده و ازکف خارج وبه لبه دست برسد و خط ضخیم وعمیق وشیاری را تشکیل دهد ورنگ آنهم سرخ وخونی باشد، خوی حیوانی راتقویت میکند وکسی که دارای چنین خطی باشد ممکن است بواسطه عشق وحسادت یاکینـه و عداوت مرتکب قتل و جنایتی شود (شکل۱۳۲).

چنانچه خط قلبی درانتها بطرف تپه برجیس بالاآید ودر مرکز این تپه خاتمه یابد: خوش‌قلبی، نجابت، عاطفه وثبات درعشق را نشان میدهد، این اشخاص از نظر دوستی و محبت یا عشق و ازدواج قابل اعتماد ودرعشق ومحبت پایدارمیباشند، باجدائی وطلاق مخالف وحتی ازکلمه طلاق منزجرند، عشق وازدواج آنها دائمی ودوران زندگی را با همسر خویش با خوشی وسعادت بپایان میرسانند (شکل۱۴۸).

درصورتیکه این‌خط بین‌تپه‌های برجیس وکیوان بالارود ومابین انگشتان سبابه ووسطی خاتمه یابد: ایندسته نیز با محبت وبا عاطفه ودر مقابل عشق ومحبت فداکار وبا صمیمیت وتیپ‌خاطرهرگونه زحمات و مشقاتی رامتحمل‌میشوند ولی‌متلون‌المزاج، کم صبروبی‌حوصله هستند، قوه استقامت ندارند ودر مقابل کوچکترین موضوعی که بر خلاف میل

ونظرشان باشد سخت ناراحت وکنترل خود را از دست میدهند ، گاه سلیم وخوب وخوش اخلاق وگاهی بی جهت زندگی رابرخود وخانواده خود تلخ میکنند، شریك زندگی ایندسته مردم بایستی فوق العاده بردبار ودر مقابل ناراحتی ها مقاومت کند والا ممکن است کار به جدائی کشد ، بخصـوص وقتیکه این خط قدری هم از محل خود بالاتر قرار گیرد (شکل ۱۴۹) .


(شکل ۱۴۸)


(شکل ۱۴۹)


(شکل ۱۵۰)

درصورتیکه خط نسبتاً کوتاه ودرانتها بطرف تپه کیوان بالارود: ایندسته همیشه برای قبول عشق آمادگی دارند و زود عاشق میشوند ، برای ازدواج ساعی وکوشا هستند ولی وقتی بمقصود رسیدند آتش عشق آنها فرو نشسته وسرد میشوند، اصولاً بداخلاق وتندخو هستند، دوستی وزندگی باایندسته مردم فوق العاده سخت ومشکل است وبواسطه اخلاقی که دارند کمتر روی سعادت را می بینند وبیشتر عمر خود را با سختی ومحنت میگذرانند (شکل ۱۵۰) .

اگر خط کوتاه تر باشد ودر زیر تپه کیوان بدون اینکه بالا برود قطع شود : دلیل برخودخواهی و خودپرستی است، ایندسته از عاطفه

ووجدان بی‌بهره‌اند، معنی عشق و محبت را نمیدانند ودوستی ومحبت آنها برای استفاده ونفس‌پرستی است، همیشه بااختلافات فامیلی‌روبرو هستند وزندگی تلخی را میگذرانند ، ضمناً برای ایندسته حادثه شومی هم پیش‌بینی میشود (شکل۱۹۴) .

چنانچه خط بازهم کوتاه‌ترودرزیرتپه خورشیدقطع شود: صفات واخلاق فوق را تشدید میکند و ایندسته مردم قابل دوستی و معاشرت نیستندوبه دوستی‌ومحبت وعشق آنهاهیچ اعتمادی‌نیست و عاقبت خوبی هم نخواهند داشت (شکل۱۲۵) .

وقتی‌خط قلبی‌درانتها بطرف خط سرپائین آید: علامت بدشانسی در عشق وازدواج است واشخاصی که دارای چنین خطی هستند درامر ازدواج وانتخاب همسر خیلی محتاط میباشند وبواسطه شك وتردید و واحتیاط زیاد دوره جوانی رابدون عشق وازدواج میگذرانند وپس از ازدواج هم بدبخت خواهند بود .



(شکل ۱۵۱)



(شکل ۱۵۲)

اگر این خط در انتها پائین آید ودربالای خط سر تشکیل صلیبی

بدهد : علامت عدم توافق با همسر است و صاحب دست با اینکه در انتخاب همسرخیلی دقیق ودیرپسند میباشد پس ازازدواج باعدم توافق اخلاق روبرو و زندگی تلخی خواهد داشت و حتی ممکـن است کار بجدائی انجامد .

چنانچه خط قلبی در انتها پائین آید وبا خط سر وعمر متصل و متحد شود : علامت یأس ونا امیدی در عشق وازدواج است و صاحب خط بیشتر عمرخود رابا یأس ونا امیدی وبدون عشق وازدواج بسرمیبرد وضمناً حادثه شومی هم درانتظارش میباشد (شکل۱۲۷) .

وقتی فاصله بین‌خط قلبی وخط سر کم باشد واین دوخط نزدیك هم قرارگیرند: چنانچه خط قلبی‌ازمحل‌خود پائین‌ترباشد، عقل شهوت را مهار میکند وصاحب دست بر نفس خود مسلط است و اگر بعکس خط قلبی بجای خود وخط سر بالاتر از محل خود قرارگیرد ، شهوت برعقل غلبه میکند وصاحب دست تابع نفس وعشقهای شهوانی وامیال نفسانی خود راکورکورانه پیروی میکند .

خط قلبی چنگالی: اگرچنگال درابتدای خط باشد، دلیل بر کینه و خصومت است واگر در انتهای خط باشد تندخوئی و عصبانیت را نشان میدهد .

خط قلبی شاخه‌دار: علامت سعادت ونیکبختی است واشخاصی که خط قلبی آنها شاخه‌دار است در عشق وازدواج همیشه تعادل ومیانه روی را رعایت میکنند .

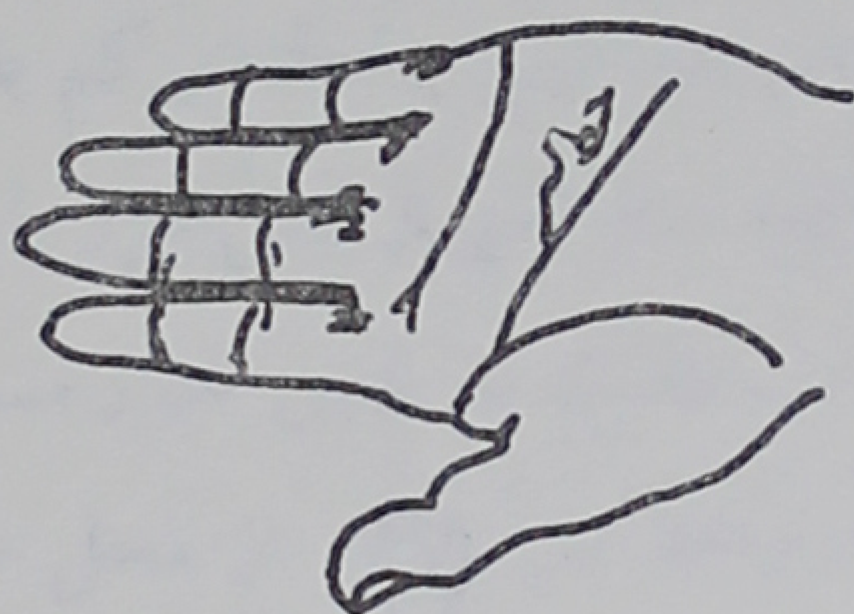
خط نازك وظریف‌وبی‌رنگ، خونسردی وخط پهن‌ورنگ‌پریده، طبیعت بی‌تفاوت وخط پهن باخطوط درهم وبرهم ، فساداخلاق وعشق

هرجائی وخط نازك وزنجیری، بی‌ثباتی در عشق را نشان میدهد .

شاخه‌های صعودی، موفقیت وکامیابی درعشق وازدواج را نوید میدهد وشاخه‌های نزولی علامت عدم توافق اخلاقی با همسر وبدبختی در ازدواج است .



خط سر



(شکل ۱۵۳)

خط سر نیز یکی از خطوط اصلیه است که در زیر خط قلبی ، از زیر تپه برجیس شروع وبطور افقی پیش میرود. این خط نمایشگر عقل وفهم، هوش وذکاوت وقوه حافظه میباشد وهمچنین امراض مغزی وآنچه راکه مربوط به‌مغز وفکر انسانی‌است نشان‌میدهد وبهمین جهت آنرا خط سر نام نهاده‌اند .

بعضی از کفشناسان این‌خط رافقط از نظر تعیین میزان عقل‌وهوش و تشخیص امراض نگاه میکنند ، ولی «ارسطو» خط سر را علت‌العلل نامیده‌وآنهائیکه تجربیات بیشتری دارند این‌خط را حائز کمال اهمیت میدانند وحتی برای تعیین سرنوشت و پیش‌بینی‌های مربوط به خط

تقدیر یا خط ثروت با توجه مخصوص به خط سر و تشخیص میزان و درجه عقل وفهم وقوه هوش وحافظه، آتیه شخص را پیشگوئی میکننند .

بنابراین خط سر از نظر تشخیص وتعیین میزان ودرجه هوش و ذکاوت، استعدادها، اراده وثبات رأی وثبات قدم که موجبات ترقی یاتنزل ویا هر پیش آمد دیگری است بایستی با توجه به نقطه شروع و انتهای خط وهمچنین رنگ، شکل، سیروحرکت ویاعلائم منقوشه در آن مورد مطالعه دقیق قرار گیرد .

عقیده بیشتر از کفشناسان براین است که خط سر، دردست چپ نمودار صفات وخصائص موروثی ودر دست راست اخلاق وعادات و هوش اکتسابی رانمایان میسازد، مثلاً وقتی خط سر دردست چپ ضعیف یا پهن وضخیم ویا سیر آن بطرف پائین ودردست راست روشن وظریف ومستقیم باشد : دلیل براین است که صاحب دست به آداب و رسوم اجدادی اهمیت نمیدهد وبا ایده وفکرخود واستقلال رأی با مقتضیات محیط وزمان پیش میرود، یابعکس اگراین خط دردست راست ضعیف وپهن ویاسیر آن بطرف پائین باشد ودردست چپ خط روشن وظریف ومستقیم ویا بطرف بالا سیر کند : صاحب دست کلیه عادات واخلاق و رفتار پدری رامحترم میشمارد وحتی شغل پدر واجدادی راپیروی میکند واین اشخاص از خود قوه ابتکار ندارند ودر زندگی ترقی و پیشرفت قابل توجهی نخواهند داشت .

تعبیر این خط در دست زن بعکس است یعنی اگر خط دردست چپ ضعیف باشدودردست راست روشن وظریف، عادات واخلاق پدری را بارث میبرد وهرگاه دردست راست ضعیف ودر دست چپ روشن

وخوب باشد دارای استعداد واستقلال رأی خواهد بود.

وقتی در دست چپ خط سر در انتها دو شاخه شود : صاحب دست صفات واخلاق وحتی هوش‌وذکاوت خودرا ازپدر ومادر (هردو) به‌ارث میبرد، شاخه بالائی‌صفات واخلاق مادروشاخه پائینی‌خصائل‌پدر را معین میکند، این‌تعبیر دردست زن بعکس‌است یعنی‌شاخه بالا صفات واخلاق پدر وشاخه پائین خلق وخوی مادر را نمایان میسازد .

بطور کلی خط سر در ابتدا و شروع دوحالت دارد : یا به خط عمر نزدیك ومتصل است ویا از خط عمر جدا و شروع آن با خط عمر فاصله دارد .

اتصال‌خط سربا خط عمر، علامت‌بی‌اراده‌گی‌وعدم قوه مقاومت است ووقتی این خط ازبالای خط عمرشروع شود ومابین این دوخط فاصله باشد، جرأت وشهامت، اراده وثبات‌قدم، استقلال‌واعتماد بنفس را نشان میدهد .

در کف دست‌اشخاص‌غالباً مشاهده میشود که خط سربا خط عمر متصل است و این اتصال مربوط به زمان‌کودکی میباشد که احساسات شدید وقوه مقاومت وبردباری کم است مگر آن عده‌ای که حتی درزمان کودکی هم دارای اراده وثبات وهمیشه سعی دارند حرف خود را بر کرسی بنشانند وبر دیگران حکومت کنند .

بنابراین :

۱ــ وقتی خط سر با خط عمر متصل باشد: دلیل بر احساسات، عدم قوه مقاومت، نداشتن اراده وتصمیم، بی‌ثباتی وتردید است .

چنانچه این خط پس از شروع از خط عمر فاصله بگیرد ودور

شود : صاحب دست پس از دوران کودکی و رشد عقل بر احساسات غالب وبرخود مسلط خواهد شد، بخصوص اگر خط روشن ومستقیماً تا روی تپه بهرام ادامه یابد، این‌اشخاص پس‌ازگذرانیدن دوره کودکی باکمال شهامت، شجاعت، عقل وتدبیر درزندگی پیشرفت میکنند .



(شکل۱۵۴)



(شکل۱۵۵)

چنانچه طول اتصال دو خط بیشتر باشد و بعداً هم خط بطرف پائین سرازیر شود: این‌اشخاص دارای تردیدرأی میباشند وهرتصمیمی بگیرند بانجام نمیرسانند، قوه مقاومت وتسلط برنفس ندارند، درمقابل کوچکترین ناراحتی کنترول خود را از دست میدهند ، بخصوص اگر شیب خط زیاد باشد در اینصورت زود تحت‌تسلط‌دیگران قرارمیگیرند و اگر بامردم ناجنسی معاشرت کنند خود را بدبخت و بیچاره میسازند.

هرچند اتصال خط سر باخط عمر زیادتر و شیب خط سر بیشتر



(شکل۱۵۶)

باشد ضعف اراده و تردید بیشتر است .

چنانچه این خط پس از جداشدن از خط عمر بطرف پائین سرازیر ودر وسط کف بطرف تپه ناهید برگردد علامت بدبختی و بیچارگی است.

صاحب چنین خطی بکلی فاقد اراده و تصمیم میباشد و بواسطه شهوت‌پرستی وعشق‌های شهوانی ومعاشرت بااشخاص پست وناجنس خودرا بدبخت وبیچاره میسازد .

معتادین به‌الکل یامواد مخدر وبعضی اززنهای هرزه وآنهائی که درمقابل شهوت وعشق به‌هواپرستی عقل وهوش خود را گم میکنند از این‌دسته هستند .

وقتی خط سر پس‌از جداشدن ازخط عمر بطور آرام تا روی تپه ماه فرودآید : ظرافت روح واحساسات را نمودار میسازد .

ایندسته دارای‌عواطف واحساسات‌شاعرانه‌میباشند، از کوهسارها وآب وسبزه لذت میبرند، مناظرطبیعی را دوست دارند، عاشق شعر و ادب وغالباً هم خداپرست ومذهبی هستند .

شعرا ، ادبا ونقاشان وگاهی علما ومقدسین مذهب ازایندسته‌اند.



(شکل ۱۵۷)

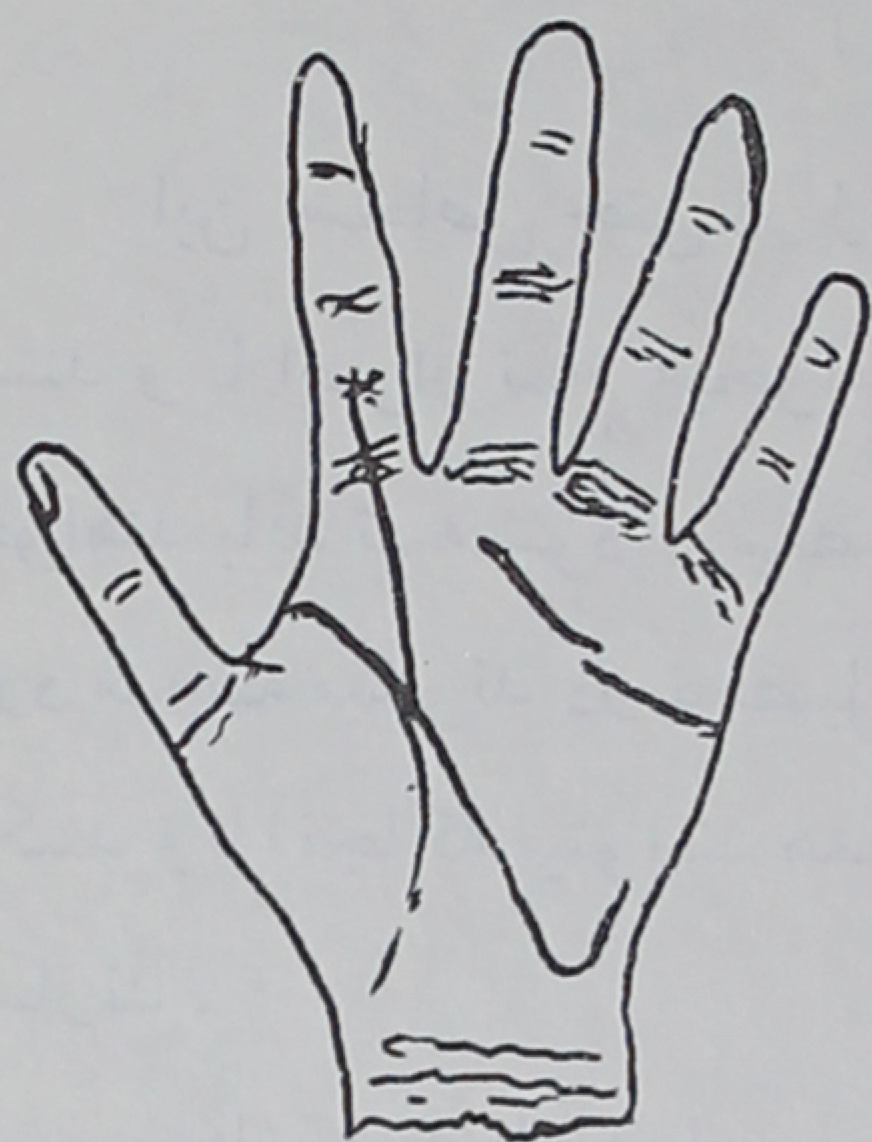


(شکل ۱۵۸)

درصورتیکه خط بطور سریع تا نزدیك مچ دست پائین آید : نشانه تصور و اوهام است .

ایندسته همیشه باافکار وتصورات بیهوده زندگی‌میکنند، چنانچه بطرف مذهب بروند زهد وتقدس را تا بحد اوهام وخرافات میرسانند، اگر به شعر بپردازند تابحد جنون پیش میروند، انزوا وگوشه‌نشینی و یا بیابان‌گردی را دوست میدارند واز معاشرت کناره‌گیری میکنند، مگر آنهائی راکه هم عقیده وهم مسلك خود بدانند وخلاصه زندگی‌خودرا باافکار وتصورات بیهوده میگذرانند .

چنانچه این خط بطور سریع تا نزدیك مچ دست پائین آید و مجدداً از زیر تپه ماه باکمی انحنا بالا رود : علامت مالیخولیا است .



(شکل ۱۵۹)

صاحب چنین‌خطی همیشه با افکار و تصورات بیهوده و ترس از آینده بخود می‌پیچد ، ازهر کس و هرچیز ترس و واهمه دارد، ازآینده خود بیمنـاك و عاقبت هم بواسطه خیالات واهی بمالیخولیا گرفتار میشود و حتی ممکن است بواسطه ترس‌وخوف ازآتیه‌دست‌بخودکشی بزند .

۲ـ خط سر ازخط عمرجدا : وقتی شروع این‌خط ازبالای خط عمر باشد، نشانه اعتماد بنفس است واشخاصی که دارای خط سر جدا هستند باهوش، سریع‌الانتقال و دارای اراده محکم وثبات رأی میباشند

در هر کاری نظم و ترتیب را رعایت میکنند و برای مدیریت و اداره کردن مؤسسات بزرگ شایسته و آماده‌اند ، در کف دست غالب آنهائی که در دوران تحصیلی همیشه در کلاس شاگرد ممتاز هستند خط‌سر با خط‌عمر فاصله دارد .



(شکل ۱۶۰)

این اشخاص حتی در زمان کودکی هم حاکم و فرمانفرمای خانه هستند و با اصرار تمام میخواهند بر دیگران حکومت کننـد ، هرچه را بخواهند باید تهیه شود و هر تصمیمی بگیرند بایستی انجام شود ، وقتی وارد مدرسه میشوند در تحصیل جدی و ساعی هستند و خوب پیشرفت میکنند و تا آنجاکه میتوانند همدرس‌های خودرا مطیع و فرمانبردار خود میسازند .

چنانچه فاصله خط سر با خط عمر زیاد باشد و مستقیماً تا روی تپه بهرام پیش برود : نشانه تهور وشجاعت است .

ایندسته متهور وشجاع و برای پیشرفت و ترقی از هیچ خطری نمیترسند، هدف معینی درزندگی ندارند وهدف خودرا بامقتضیات زمان انتخاب میکنند، بمحض اینکه اوضاع عوض شود رأی خودرا تغییر میدهند،

همیشه درصدد هستند عده‌ای را به‌دور خود جمع کنند ولیدر وسردسته قومی باشند ، برای نظام وارتش خیلی استعداد دارند واگر در این رشته وارد شوند پیشرفت وترقی نموده وبدرجات عالیه نائل خواهند شد.



(شکل ۱۶۱)



(شکل ۱۶۲)

اگرشروع این خط ازتپه برجیس باشد: نشانه قدرت وجاه طلبی است. ایندسته جاه طلب و دارای قدرت تسلط هستند ولی خیرخواه و باعاطفه وبرای خیروصلاح عمومی ومساعدت وهمراهی باضعفا ازهرگونه کوشش وجدیت وفداکاری خودداری نمیکنند و همیشه درکارهای خیر وعام المنفعه گام برمیدارند. نوابغ، پیشوایان ورهبران قوم ازایندسته‌اند.

وقتی خط سر باخط عمر جدا باشد ودرانتها بطورآرام تا روی تپه ماه پائین آید : تسلط برافکار را معین میکند. گرچه ماه مرکز تصور است ولی ایندسته بواسطه‌اراده محکم وتسلط برنفس دستخوش تصورات واوهام نمیشوند واگر درزندگی ترقی و پیشرفت شایان توجهی ندارند ازحوادث ومخاطرات نیزدرمصون میباشند وزندگانی آرام وبی‌دغدغه‌ای را باشهرت ونیکنامی میگذرانند .

درصورتیکه خط سرکاملا ازخط عمر جدا وبطور افقی ومستقیم


(شکل ۱۶۳)


(شکل۱۶۴)

پیش برود: نشانه تصمیم واراده قوی است.

هرچند این خط مستقیم‌تر وبلندتر باشد اراده محکم‌تر است و اگر خط تاآخر دست پیش رود و کف را دوقسمت کند، خطر را اعلام میدارد، زیرا صاحب چنین خطی هر تصمیمی بگیرد بدون هیچ فکر و مشورت بمورد اجرامیگذارد وهرراه ومقصدی را اراده کندبدون هیچ فکر و اندیشه پیش میرود ، بنابراین ممکن است با خطرات بزرگی روبرو شود.

۳ــ چنانچه خط سر ضعیف وخوب نمایان نباشد : دلیل بر بی هوشی وعدم قوه حافظه است وبدیهی است این‌اشخاص نمیتوانند در تحصیل یا هرکار دیگری پیشرفت نمایند.

۴ــ خط سرپهن وضخیم: نیزدلیل‌بر بی‌هوشی وبی‌فکری است، هرچند خط ظریف‌تر باشد هوش و ذکاوت بیشتر است . کارگران و آنهائیکه بکارهای عملی اشتغال دارند دارای خط پهن وضخیم هستند

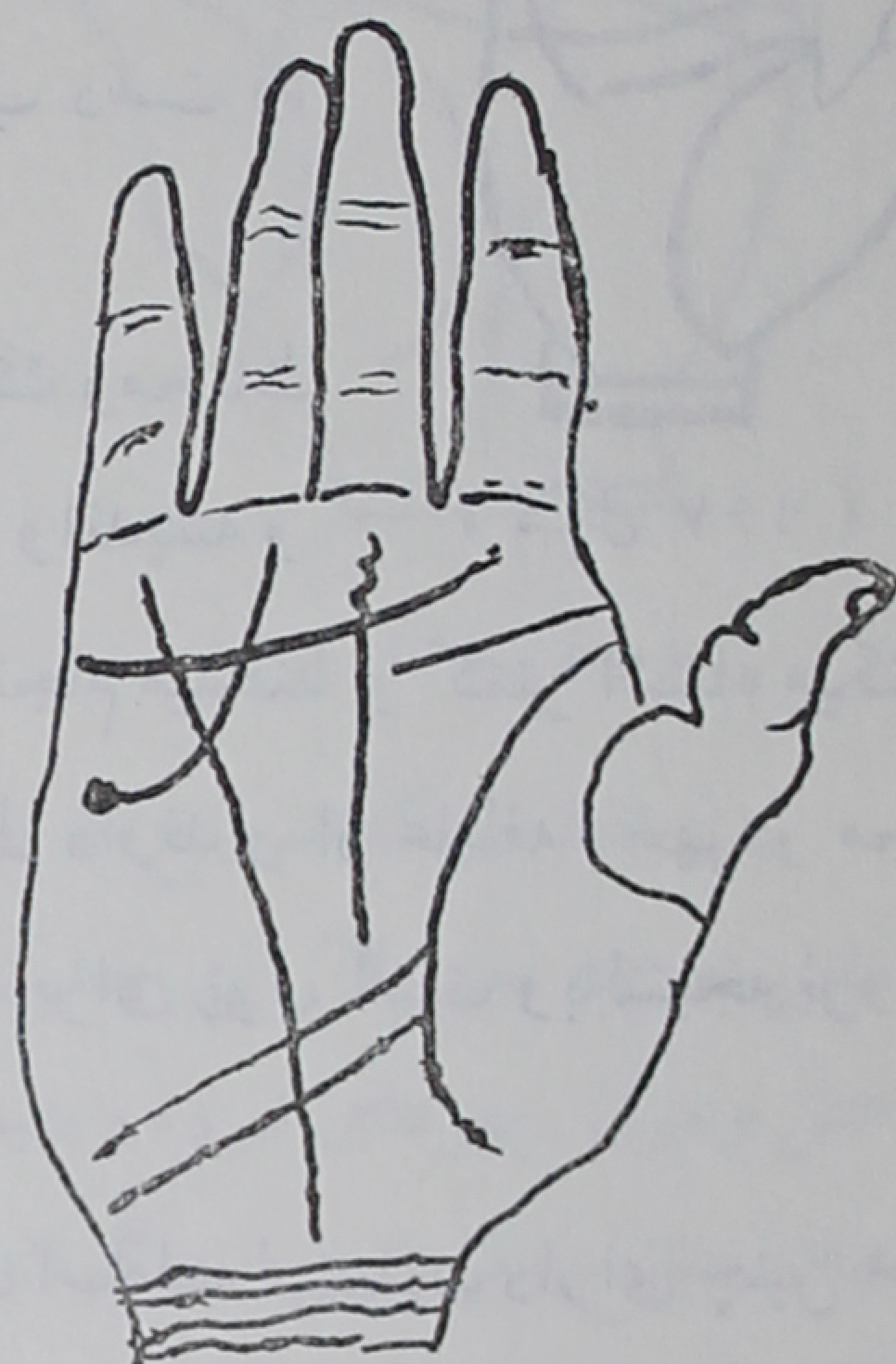
و بعکس اشخاص تحصیل کرده و آنهائیکه بکارهای فکری می‌پردازند خط سر ظریف دارند.

۵- خط سر طویل: وقتی خط سرطویل ومستقیم وظریف باشد چه با خط عمر متصل باشد وچه جدا، نمودارعقل سالم، روح قوی و هوش و حافظه میباشد (شکل۲۳۸).

خط سر هر چند بلندتر، ظریف‌تر وروشن‌تر باشد: عقل، هوش وحافظه بیشتر است.

۶- خط سر کوتاه: کم عقلی ونادانی، تلون مزاج و تردید را معین میکند (شکل۱۳۱).

اگراین خط خیلی کوتاه وزیر تپه کیوان خاتمه یابد: عدم هوش وحافظه را نشان میدهد و درصورتیکه خط در هر دو دست در



(شکل ۱۶۵)



(شکل ۱۶۶)

مقابل تپه کیوان غفلتاً تمام شود، اعلام خطر است و خطرمرگ ناگهانی را پیش‌بینی میکند.

چنانچه شروع خط سر مقابل تپه کیوان باشد : ابتلای بامراض چشم را نشان میدهد.

اگر این خط در هردودست یکسان واز مقابل تپه کیوان شروع شود : خطر نابینائی را اعلام میدارد.

درصورتیکه این خط کوتاه باشد و در انتها نیز بصورت قطع تمام شود : خطر تصادف را پیش‌بینی میکند، بخصوص اگر خط در هر دو دست یکسان باشد، دراینصـورت صدمه بمغز و خونریزی را اعلام میکند.



(شکل ۱۶۷)

۷ـ وقتی‌خط سر درانتها بطرف تپه‌تیر بالا رود وپس از عبور از خط قلبی بروی تپه تیر برسد: زرنگی و زیرکی صاحب دست را نشان میدهد.

این اشخاص با هوش، زرنگ ومحتاط ومقتصد هستند وهرکاری را با فکر واندیشه و درنظرگرفتن صرفه وصلاح خود انجام میدهند و کمتر اشتباه میکنند، غالباً طماع و حریص و عشق به پول دارند و از عاطفه و مهر و محبت بی‌بهره‌اند، زندگی و فکر آنها فقط برای پول است وبالنتیجه ثروتمند هم میشوند.

بیشتر آنهائی که از بهره پول استفاده مینمایند دارای چنین خطی میباشند.

اگر این خط از زیر تپه کیوان بالا رود ودر زیرخط قلبی با پیچ وتاب قوسی شکل‌خاتمه یابد: علامت خونریزی وخون دماغهای شدید است (شکل۱۹۴) .

چنانچه این خط بیشتر بالا رود وپس از بریدن خط قلبی به تپه کیوان برسد : خطر خونریزی مغزی را اعلام میدارد ، بخصوص اگر خط بمفصل انگشت وسطی برسد و در خط قلبی هم نقطه عمیق قرمز رنگی مشاهده شود .



(شکل۱۶۸)



(شکل۱۶۹)

۸ـ خط سر که شروع آن اززیرخط عمر باشد: دلیل برساده‌گی ونادانی است، معمولاً این خط کوتاه و آدمی که دارای این خط است از عقل وهوش بهره‌ای نبرده وبهیچوجه از خود اراده‌ای ندارد ومانند گوسفند مطیع وفرمانبرداردیگران میباشد وبدیهی است چنین آدمی در زندگی ترقی وپیشرفتی نخواهد داشت .

۹ـ خط سر چنگالی : وقتی این خط درابتدا وشروع دوشاخه وچنگالی باشد، هوش ودانائی، زیرکی وزرنگی را نشان میدهد.

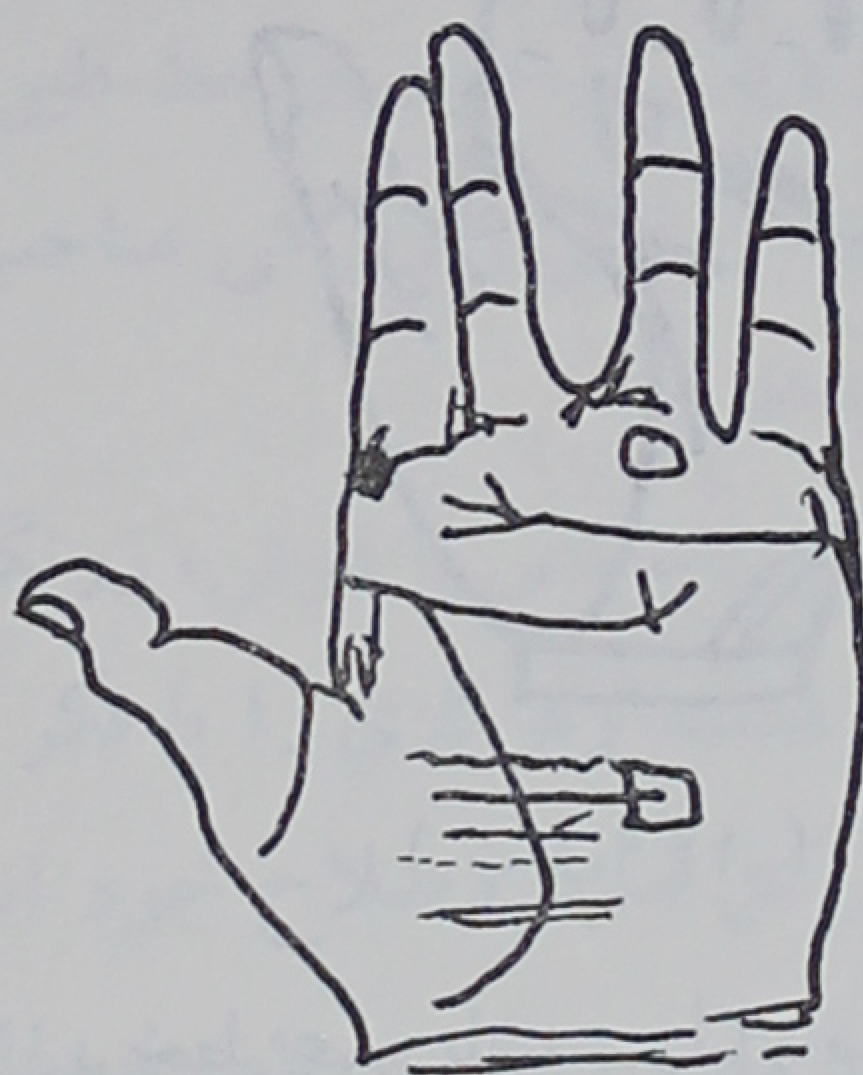
چنانچه خط سردرانتها چنگالی‌باشد: علامت حیله وتزویراست، بخصوص اگر خط در انتها بطرف بالا برود وچنگال‌آن در زیر خط قلبی قرار گیرد ، ایندسته محیل و زندگی خود را از راه تزویر و ریا تأمین میکنند .

غالب مقدس‌نماها وآنهائی که ظاهری آراسته‌دارند صاحب‌چنین خطی میباشند .

زنهائی که خط سرشان در انتها چنگالی و بطرف خط قلبی بالا رفته است دروغگو، محیل، مکار و خطرناك هسنند و اگر کسی را بزیر سلطه خود درآورند بروز سیاه می‌نشانند .



(شکل ۱۷۱)

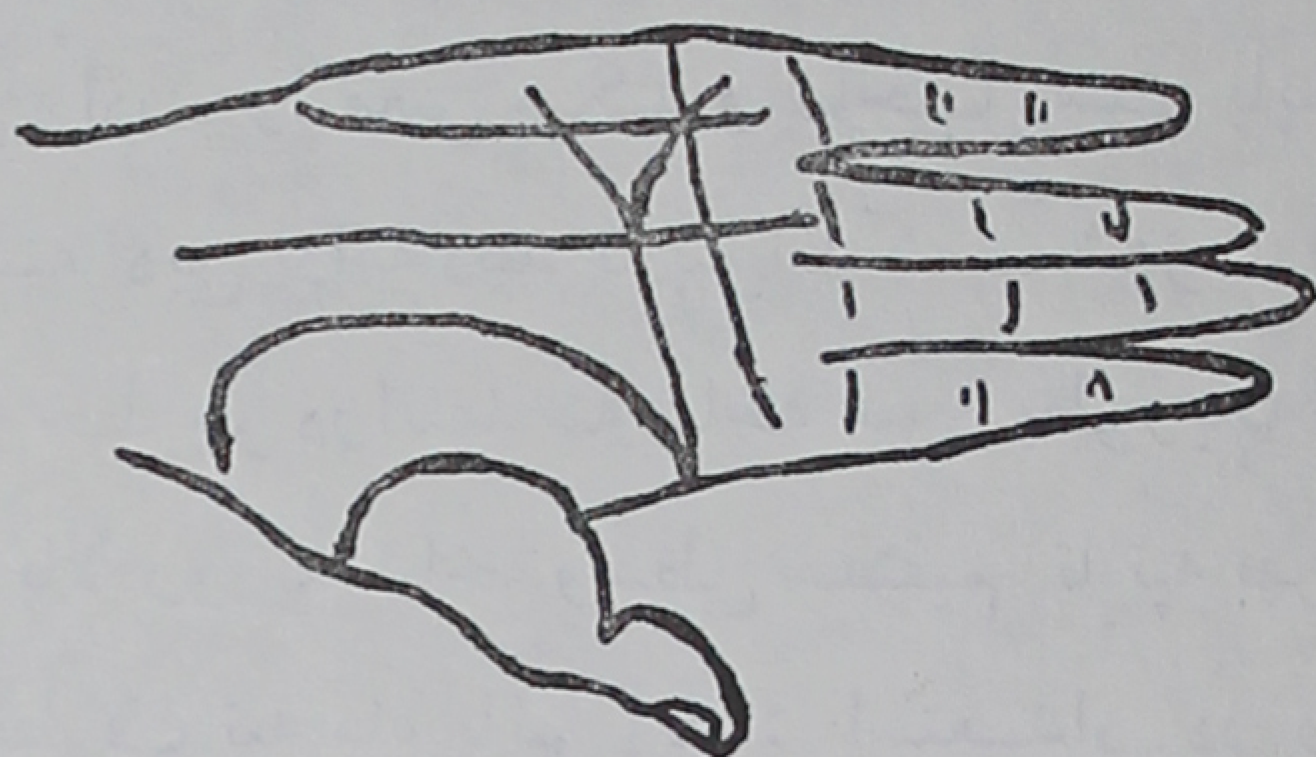


(شکل ۱۷۰)

چنانچه خط سر با پیچ وتاب بطرف تپه ماه پائین‌آید و چنگال آن روی تپه ماه قرارگیرد : علامت ضعف اعصاب است واین‌اشخاص بواسطه‌کار وفعالیت زیاد درجوانی و روبروشدن با ناملایمات روزگار

درآخرعمر به‌ضعف اعصاب مبتلا ودراثر خیالات بیهوده و افکار واهی دایم بخودمی‌پیچند واز کوچکترین پیش آمدی ناراحت‌میشوند و کنترل خود را ازدست میدهند و باید قبل‌ازاینکه به‌سن پیری برسندکاروفعالیت خود را کم کنند وباگردش ومسافرت ازاین‌خطر جلوگیری نمایند.

۱۰ـ خط سر شاخه دار : وقتی این‌خط درانتها دوشاخه شود و یکی از شاخه‌ها بطرف تپه تیر بالا رود و شاخه دیگر تاآخر تپه بهـرام پائین‌آید ، استعداد به وکالت دادگستری را معین میکند .



(شکل ۱۷۲)

این اشخاص عاقل، فهمیده، خوش فکر ودر عین حال متهور و جسور هستند وچنانچه تحصیلات خودرا در رشته حقوق بپایان رسانند ترقی وپیشرفت میکنندوبشهرت وافتخارخواهند رسید. معمولاً وکلای ماهر وزبردست دارای چنین خطی هستند .

درصورتیکه خط سر پائین‌تر قرارگیرد ویکی از شاخه‌ها به تپه بهرام‌برود وشاخه دیگربطرف تپه‌ماه پائین آید: استعداد بعلوم سیاسی‌را معین‌میکند، ایندسته‌بااینکه‌دارای‌جرأت‌وشهامت‌میباشند فوق‌العاده‌دقیق، موشکاف وباریك‌بین هستند وعاقبت هرکاری‌را خوب پیش‌بینی‌میکنند.



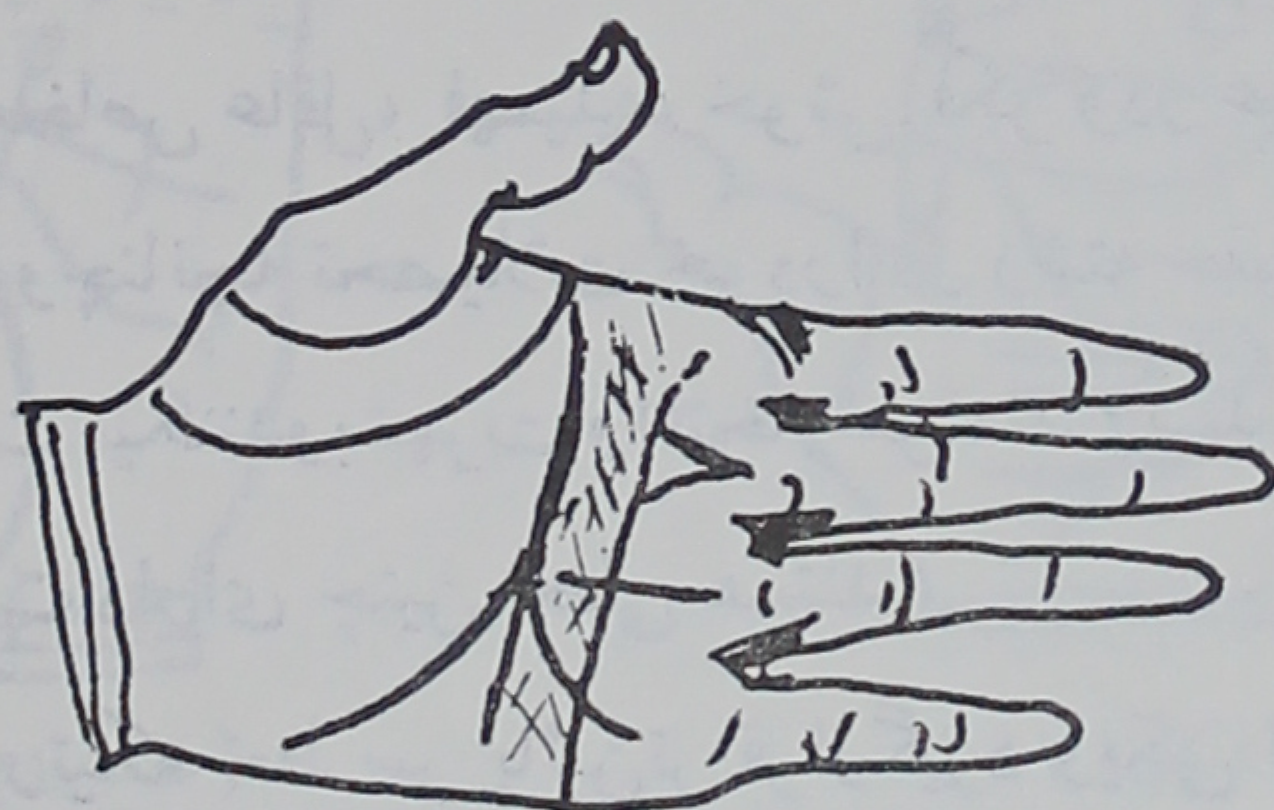
(شکل ۲۰۴)



(شکل ۱۷۳)

اگرخط سر بیشتر پائین آید وهردو شاخه روی‌تپه ماه خاتمه‌یابد: استعداد به‌شعر وادب را معین میکند وصاحب دست بایستی تحصیلات خود را در رشته ادبی ادامه دهد تا بتواند کسب شهرت وافتخار نماید.

چنانچه خط سر درانتها سه شاخه شود بطوریکه یکی‌از شاخه‌ها بطرف تپه تیر بالا رود ، شاخه وسطی مستقیم تا تپه بهرام پیش رود و شاخه آخری بطرف تپه ماه پائین آید : استعداد در رشته ادبیات را معین میکند .



(شکل ۱۷۵)

دراینجا خط سر که مربوط به‌عقل وهوش است سه‌شاخه شده ، یکشاخه بطرف تپه تیر: زیرکی وزرنگی، یك‌شاخه به‌تپه بهرام: تهور

و شجاعت ، و يك شاخه آن بطرف تپه ماه كه مركز تصور است پائين آمده، بنابراين صاحب‌دست زرنگ‌وزيرك، جسوروم‌تهور، خوش‌ذوق و خوش‌قريحه ميباشد ، بامقتضيات محيط وزمان‌كار ميكند، درهركارى به‌فعاليت ميپردازد ، براى پيشرفت مقاصد خود ستايش ومديحه‌سرائى ميكند ، اغراق‌گو و دروغ‌پرور است . بعضى از واعظين و ناطقين از ايندسته‌اند .

درصورتيكه خط سر درانتها به شاخه‌هاى زيادى منشعب شود : ترديد وتشتت فكررا نشان ميدهد ، ايندسته براى هركارى مردد ودودل ميباشند ، نميتوانند تصميم بگيرند ، دست بكارهاى مختلفى ميزنند ولى بآخر نميرسانند و بديهى است ترقى و پيشرفتى هم نخواهند داشت . (شكل١٩٥) .

١١- خط سرزنجيرى: وقتى اين‌خط زنجيرى باشد يااز‌خطوط ريز و درهمى شبيه به زنجير تشكيل شود : عدم تسلط برنفس را نشان ميدهد ، كسى كه داراى خط سر زنجيرى است زود تحريك و عصبانى ميشود،زود كنترل خودرا ازدست‌ميدهد وزود تحت‌تسلط قرارميگيرد.



(شكل١٧٦)

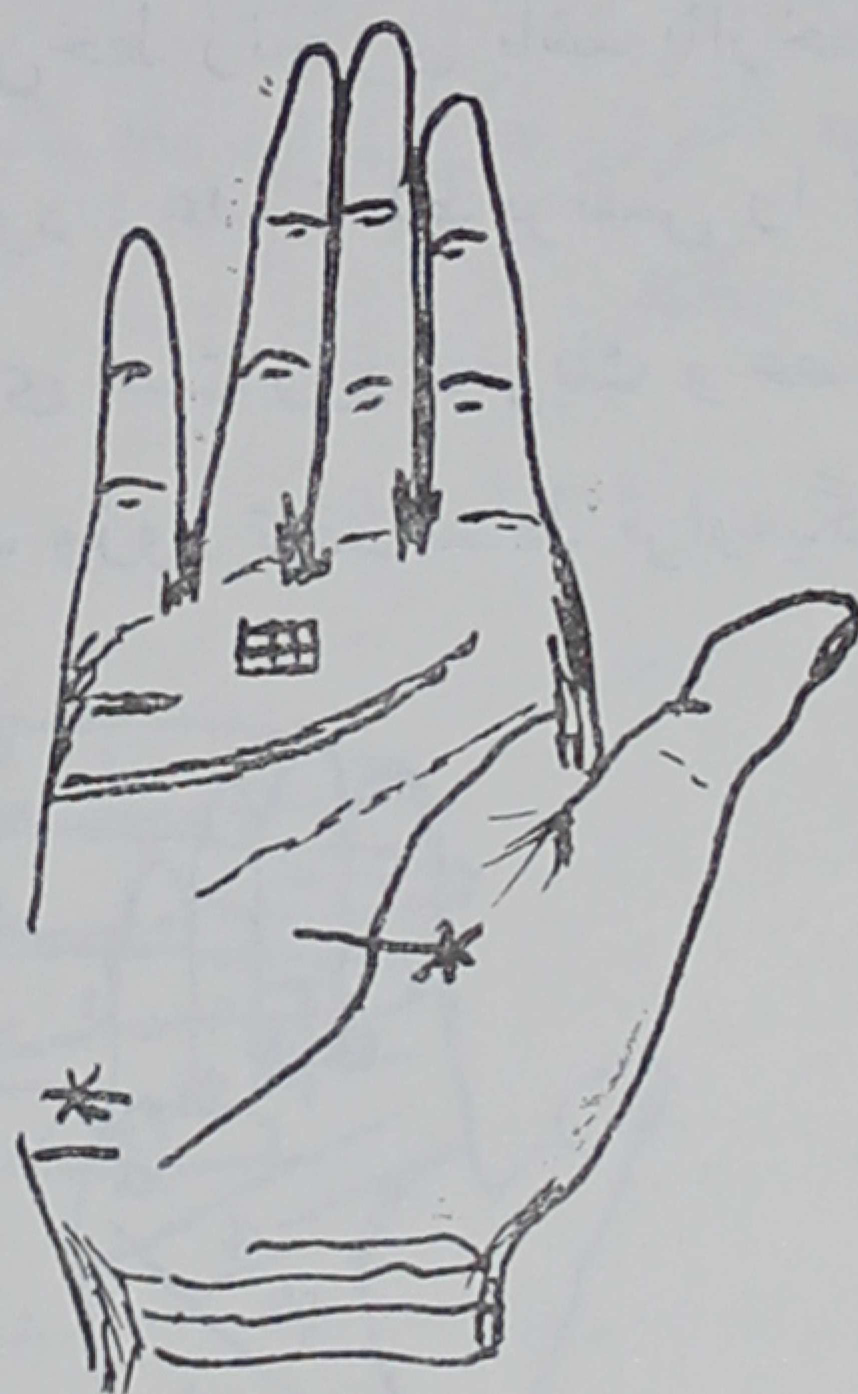


(شكل ١٧٧)

۱۲ـ خط سر شکسته: وقتی این خط دروسط بشکند وبدوقسمت منقسم و رویهم سوار شود ، امراض گوش و ازدست دادن حس شنوائی رابیان میکند، بخصوص اگر در طول هر دوقسمت نقاط ریز بی‌رنگی مشاهده شود ، دراینصورت تندخوئی و عصبانیت را نیز نشان میدهد .

اگر این علامت در هردو دست و برخلاف هم باشد ، یعنی در یکدست قسمت اول روی قسمت دوم سوارشود ودردست دیگر قسمت دوم روی قسمت اول قرارگیرد : حادثه شومی را برای صاحب دست پیش بینی میکند بخصوص وقتی که شکستگی درمقابل تپه کیوان باشد.

۱۳ـ خط سر منقطع : وقتی این خط مرکب ازقطعات کوچك و خورد باشد ، عدم هوش و حافظه و همچنین عصبانیت و تندخوئی را نمودارمیسازد وصاحب‌دست مستعد باببتلای امراض مغزی وعصبی است.



(شکل ۱۷۸)



(شکل ۱۷۹)

۱۴ـ خط سر مضاعف: نشانه بخت واقبال است وبهره و نصیب ازارث

را برای صاحب دست پیش‌بینی میکند .

۱۵- عدم خط سر : وقتی در کف دست خط سر وجود نداشته باشد ، دلیل برنداشتن عقل است .

ایندسته تابع شهوات و تسلیم امیال نفسانی و در زندگی لاقید میباشند ، مهرومحبت وعاطفه ندارند و دوستی ومحبت آنها فقط ازنظر شهوت‌است، بهیچ‌چیز وهیچکس فکرنمیکنند ودم‌را غنیمت میشمرند، ولخرج ودرمقابل عشق وشهوت دارائی، حیثیت وشرافت خودرا برباد میدهند و بدبختی وبیچارگی درانتظارشان است ، اطفال وکودکانی که در دست آنها خط سر وجود ندارد بایستی درتحت مراقبت وسرپرستی مربی قابل قرارگیرند ومخصوصاً در دوره جوانی ونادانی ازاعمال و رفتارشان مراقبت کامل بعمل آید و الا خودرا بدبخت وبیچاره میسازند.

۱۶- رنگ خط سر : وقتی رنگ این خط سربی باشد نشانه بی‌فکری وبی‌احتیاطی است واگررنگ آن زرد وتیره باشد عدم‌سلامتی کبد وکلیه را بیان میکند .

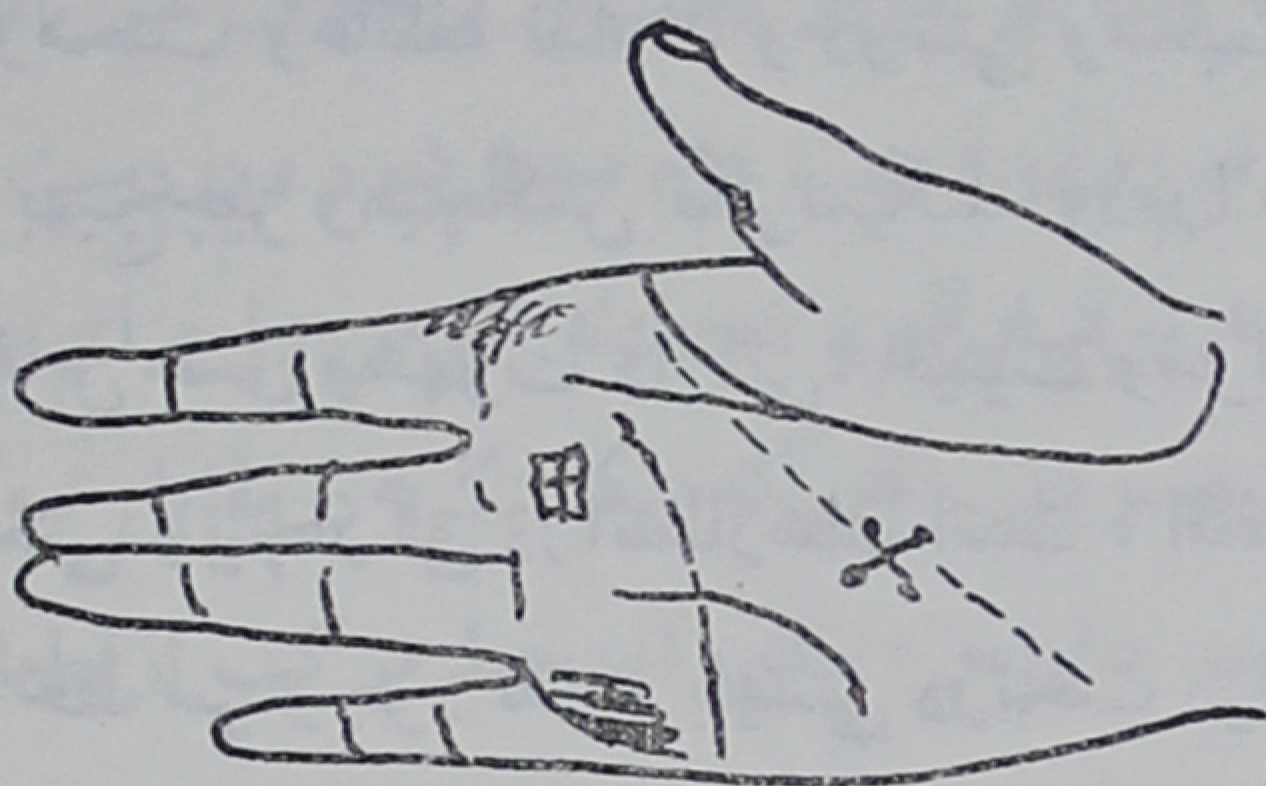
چنانچه خط یکرنگ نباشد و از ابتدا تا انتها دارای رنگهای مختلفی باشد : ضعف قوای دماغی را نمایش میدهد .

علائم منقوشه روی خط سر

۱- صلیب: وقتی درابتدای خط ودرمقابل تپه‌برجیس رسم‌شود، امراض عصبی و اگر مقابل تپه‌کیوان قرارگیرد ، خطر تصادف و صدمه به‌سر را نشان میدهد ، چنانچه این علامت در زیر تپه خورشید باشد ، صدمه وضربه بسر دراثر سقوط وافتادن ودرمقابل تپه تیر ضعف اعصاب وامراض دماغی بواسطه مطالعه زیاد را نمایان میسازد (شکل۱۳۶) .

صلیب‌های کوچك در زیر این خط دشمنـان صاحب دست را معرفی میکند .

چنانچه خط سر منقطع باشد ودرانتها پائین آید ودرصفحه بهرام صلیب مایلی روی آن نقش بندد : برونشیت مزمن را پیش‌بینی میکند .



(شکل ۱۸۰)

درصورتیکه در چهارگوشه صلیب چهارنقطه باشد: مرض سل یا آسم را برای صاحب دست پیش‌بینی میکند بخصوص اگر خط قلبی زنجیری باشد .

چنانچه خط سر کوتاه باشد ودرانتها روی تپه بهرام خط کوچك ضخیمی آنرا ببرد و صلیبی تشکیـل دهد : علامت سکته ناقص است. (شکل ۱۸۷) .

خطی که از تپه ماه بطور قوسی‌شکل به‌تپه تیر میرود اگردرروی تپه بهرام با انتهای خط سر تلاقی کند واین خط را ببرد وصلیبی‌تشکیل دهد : اعلام خطر میکند و اگر این علامت در هردودست یکسان باشد خطر مرگ ناگهانی است (شکل ۱۸۱) .

۲ــ ستاره : این‌علامت درخط سر اعلام خطر است بشرط‌اینکه

عمیق و پر رنگ باشد (شکل۱۳۹) .

چنانچه ستاره پر رنگ و درانتهای خط سر و محل تلاقی دوخط سر و کبدی قرار گیرد : در دست مرد ، ورم پرستات و در دست زن ، خطر زایمان را معین میکنـد بخصوص اگر تپه ناهید کوچك باشد (شکل۱۸۲) .


(شکل ۱۸۱)


(شکل ۱۸۲)


(شکل ۱۸۳)

اگر خط سر تا تپه ماه پائین آید و در آنجا با ستاره پر رنگ ختم شود : ابتلای بامراض مثانه را خبر میدهد .

چنانچه این خط در وسط ومقابل تپه کیوان بشکند ودرانتهاتا آخر تپه ماه پائین آید و با چنگال ختم شود وستاره‌ای درنزدیك آن نقش بندد وتپه‌هم باخطوط درهم‌وبرهم یاپنجره پوشیده‌باشد: خطرسرطان پرستات را نمایان میسازد .

وقتی خط سر تا تپه ماه پائین آید و باچنگال ختم شود وهمانجا درمربعی قرارگیرد وچند ستاره درداخل مربع روی خط ودر کنارخط نقش بندد و اضلاع مربع هم با نقطه بهم متصل‌گردد : علامت سرطان معده است .



(شکل۱۸۴)

مربع علامت محافظت است بنابراین چنانچه صاحب دست زودتر برای معالجه خود اقدام نماید ازخطر حفظ خواهد شد .

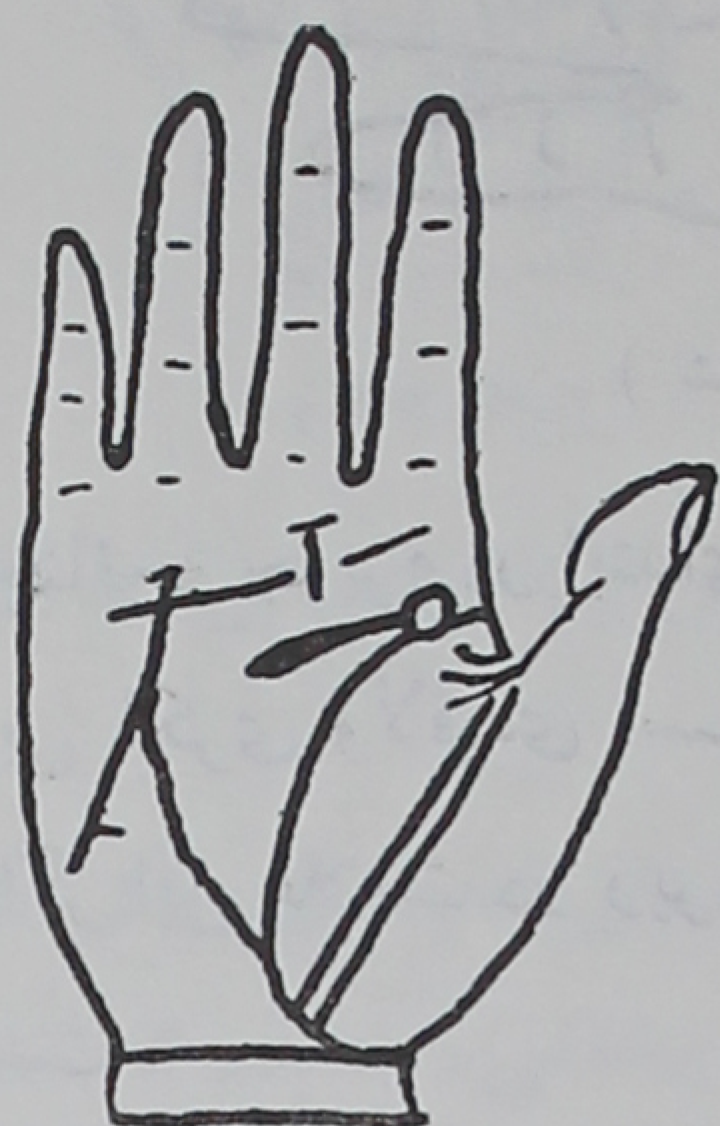
۳ـ نقطه : نقاط بی‌رنگ درخط سر نشانه ضعف قوای دماغی ، نقاط قرمز شرارت وبدجنسی، نقطه آبی تب حصبه وسرسام و اگر نقطه سیاه رنگ باشد برحسب کواکب مؤثره امراض مختلفی را نشان میدهد (شکل۱۱۸) .

اشخاصی که تحت اثرات کوکب برجیس هستند ، امراض دهان وآنهائی که تحت اثر کیوان میباشند، امراض گوش واگرخورشید مؤثر است، امراض چشم .

مثلث : وقتی دوخط از روی خط سر بالا رود ودرزیر خط قلبی متحد ومثلثی تشکیل دهد : نعمت غیرمترقبه‌ای را نوید میدهد، صاحب این‌علامت بواسطه بی‌فکری و اشتباه بضرر وخسارات جبران‌ناپذیری متوجه وشانس خود را از دست میدهد و بهر راهی که میرود به بن‌بست برمیخورد ولی‌موقعی که ازهرجهت ناامید ومأیوس است مجدداً شانس باو روی میآورد واز راهی که هیچ امید ندارد به‌سعادت وثروت خواهد رسید (شکل۱۴۲) .

۵ـ مربع درخط سر علامت حفظ ازخطر است .

وقتی درزیریاروی خط وقبل‌ازاینکه به‌انتها برسد مربعی تشکیل شود : دلیل براین است که صاحب دست در جوانی با شور وحرارت زیادی بکار مشغول وعمری را با فعالیت وپشت هم اندازی‌ها میگذراند ودر آخر زندگی به‌ضعف‌اعصاب شدید مبتلاوعلیل‌وضعیف خواهد شد.



(شکل ۱۸۶)



(شکل ۱۸۵)

۶ـ دایره در ابتدای خط سر علامت شرارت است .

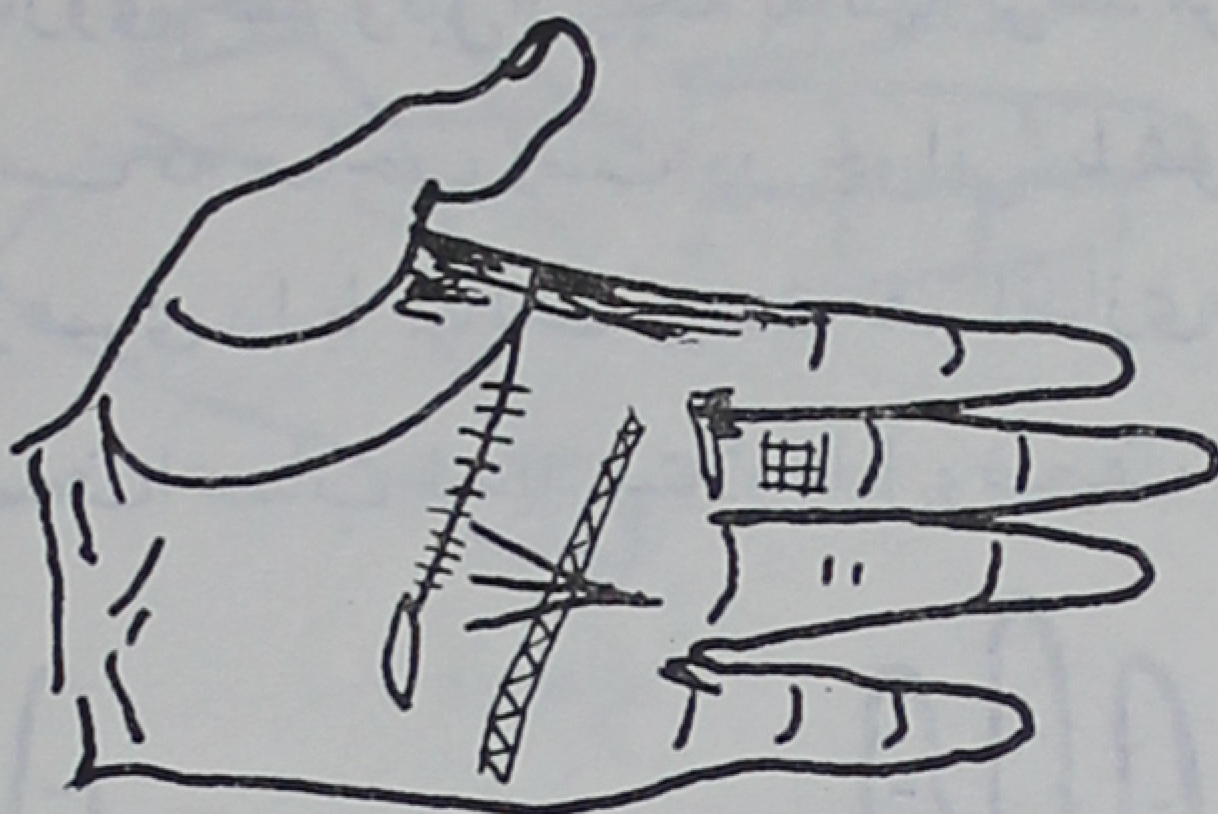
اشخاصی که‌دارای‌این‌علامت‌باشند: تندخو ،عصبانی،زودخشمگین وغضبناك میشوند و باکوچکترین تحریك ممکن است مرتکب‌گناه و جنایتی بشوند .

دایره‌های کوچك در زیر خط سر : صدمه و آسیب به چشم را نشان میدهد .

۷ـ نیمدایره روی خط سر: ضعف قوای دماغی را نشان میدهد.

اگر دو نیمدایره در زیر این خط رسم شود: دلیل بر مرافعه و گفتگوی با اقوام وبستگان است .

۸– جزیره درخط سر: نشانه امراض و بی‌فکری است .



(شکل ۱۸۷)

چنانچه جزیره در ابتدای خط و در زیر تپه برجیس رسم شود : دلیل بر بی فکری ولاقیدی است .

اگر این علامت در زیر تپه‌کیوان قرارگیرد : نشانه دردسرهای شدید است .

وقتی مقابل تپه خورشید باشد : ضعف قوای باصره ونابینائی را پیش‌بینی میکند .

واگر درزیرتپه تیر باشد: علامت ضعف قوای دماغی وفراموشی است وصاحب دست بواسطه مطالعه وکار زیاددرآخر زندگی هوش و حواس خودرا ازدست میدهد (شکل۱۲۱) .

۹– پره‌های ظریف ونازك درطول خط سر : ضعف قوای دماغی را نشان میدهد (شکل۱۸۶) .

درصورتیکه پره‌ها ضخیم و محکم باشد و خط را ببرد : سکته ناقص را برای صاحب دست پیش‌بینی میکند ، بخصوص وقتی که این پره ها درانتهای خط سر قرارگیرد (شکل۱۲۴) .



(شکل ۱۸۹)



(شکل ۱۸۸)

پره‌هائی که از روی خطسر بالا رود یا اززیر این‌خط پائین آید: نشانه تردید و عدم ثبات رأی است .

این اشخاص درجوانی بواسطه عشقی که به‌ترقی‌وپیشرفت دارند وبنا به‌راهنمائی دوستان نادان به‌کارهای مختلفی دست‌میزنند حتی‌ممکن است رشته تحصیلی خود را عوض کنند و یا ازتحصیل دست بکشند و چنانچه پره‌ها صعودی باشند سود واستفاده هم میبرند واز اقدامات‌خود خوشحال وشادمان میشوند غافل ازاینکه این استفاده‌ها موقتی وشانس-هائی راکه درانتظار داشته‌اند ازدست داده‌اند .

نظریه

خط سر ازنظر تشخیص قوه فهم‌وعقل یکی ازخطوط مهمه‌کف دست بشمار میرود ، زیرا پایه و اساس ترقی و پیشرفت در زندگی و سعادت همان عقل و فهم و ثبات رأی میباشد ، تفاوت انسانهاکه یکی فیلسوف و دانشمند ، یکی مخترع ومکتشف، یکی مدیر وفرمانفرما ، یکی‌کارمند وکارگر وبالاخره یکی غنی و ثروتمند ویکی فقیر و بیچاره

میشود ، جز تفاوت قوای عقل وهوش وفهم وادراك نیست، البته تقدیر و سرنوشت در زندگی افراد مؤثر است ولی وقتی خداوند عالم برای یکفرد ترقی وپیشرفت وسعادت را مقدر میکند فهم و عقل هم که وسیله ترقی وپیشرفت است میدهد .

اشخاصی که برای تحصیل علم میکوشند وعقل وفهم خودرا بالا میبرند خط سر نیز تقویت هوش وعقل را نمایش‌میدهد ویااگر بواسطه بیماری یا پیری قوای هوش و حافظه رو بانحطاط میگذارد با علائمی نزول وهبوط آنرا نمایان میسازد .

بنابراین خط سر نمیتواند آینده شخص را پیشگوئی کند ولی میتواند هوش واستعداد راکه موجب ترقی یا تنزل است ویا امراضی‌را که صاحب دست مستعد بآن میباشد یا احتمال مخاطراتی که مسبب آن بی‌فکری وبی‌عقلی است پیش‌بینی نماید .

تعبیر ومعانی‌خط سر ازنظر طول، شکل، رنگ وعلائم کلیه بیان شده است .

موضوعی را که در اینجا لازم میداند اضافه نماید ، اهمیت فاصله خط سر باخط قلبی است که هرچه فاصله این دو خط زیادتر باشد سلامت روح و جسم را نشان میدهد .

درصورتیکه فاصله بین این دو خط کم باشد از دوحال خارج نیست ، یا خط قلبی از محل خود پائین آمده و یا خط سر بالاتر قرار گرفته است .



(شکل ۱۹۰)

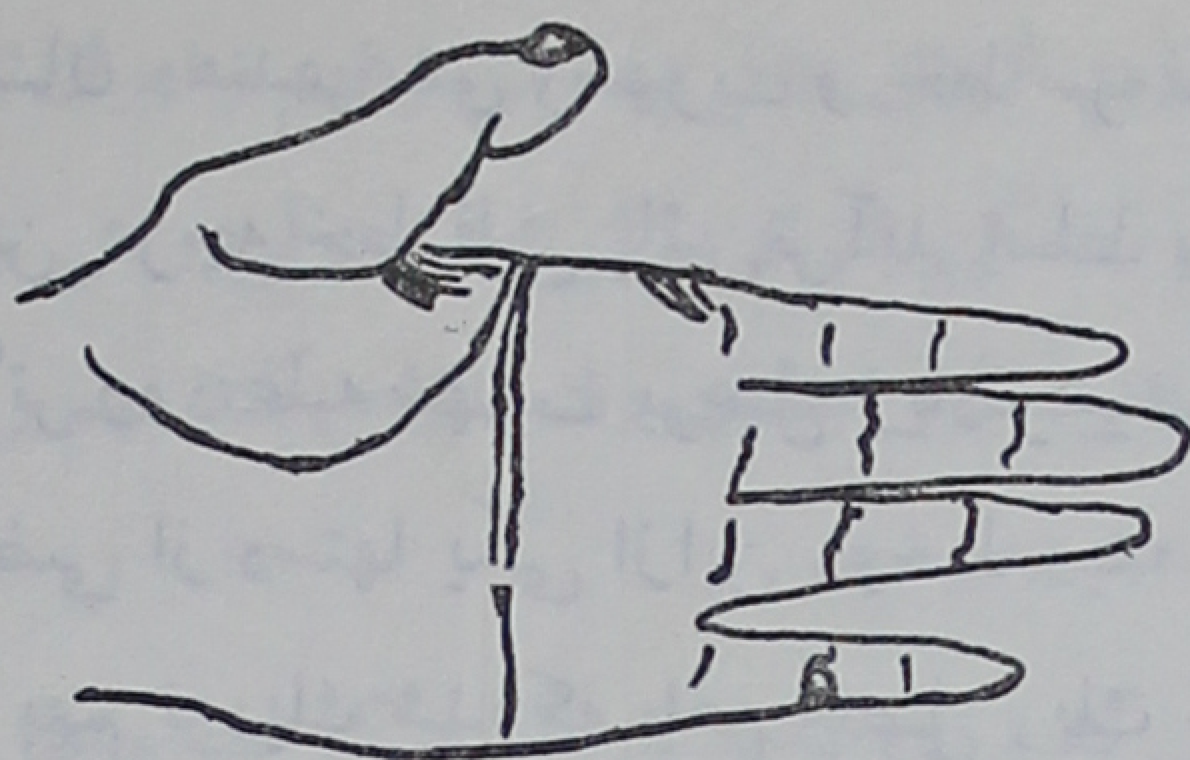
خط قلبی نشان دهنده عشق وشهوت و خط سر نمایشگر عقل و فهم است ، بنابراین هرچه خط قلبی پائین‌تر آید تسلط برنفس بیشتر و هرچه خط سر بالاتر رود غلبه شهوت برعقل زیادتر میشود .

گاهی دربعضی از دستها یکی ازاین دوخط دیده نمیشود ، یعنی این دوخط بقدری بهم نزدیك شده که باهم متصل ویك خط واحدی را تشکیل داده‌اند و از بالای خط عمر یك خط مستقیمی تا ناحیه ضربت زیر تپه تیر کشیده شده و کف دست‌را دو قسمت کرده‌است (شکل ۱۳۴).

تشخیص اینکه خط قلبی خط سر را بخود جذب کرده یا خط سر خط قلبی را بخود کشیده مشکل است ، ولی باتوجه به شروع و انتهای خط میتوان این نکته را مشخص نمود .

چنانچه شروع خط ازناحیه ضربت و انتهای آن بالای خط عمر باشد، خط سر درخط قلبی ادغام شده‌است ودراینصورت صاحب‌دست دروغگو، پست طبیعت و پست‌فطرت است، درکودکی ازتحصیل‌فرار میکند و درجوانی خود را در دریای شهوت غرق‌میکند، درمقابل‌جنس مخالف بی‌اراده وتسلیم محض است، زود عاشق‌میشود، برای عشقهای شهوانی بهترین دوستان و عزیزان خودرا فراموش‌میکند، درهیچ‌کاری فکر عاقبت نمیکند، برای‌ارضاءِ شهوت دست بهرکاری میزند، ولخرج است ودارائی وحیثیت خود را در راه هواپرستی به‌باد میدهد و خودرا بدبخت وبیچاره میسازد ، زنهای ایندسته حتی عفت وعصمت خود را به باد میدهند ، ایندسته احتیاج به همسری لایق وشایسته دارند تابتوانند آنها را افسار کنند .

اگر مبدأ این‌خط بالای خط عمر باشد و زیر تپه‌تیر خاتمه یابد :



(شکل۱۹۱)

خط سر خط قلبی‌را بخود کشیده ودرخود فروبرده است، دراینصورت صاحب دست خودپرست ، خودخواه و پول‌پرست است ، حس‌عاطفه ندارد، معنی عشق ومحبت را نمیداند و دوستی و محبت‌آن برای پول است ، ممسك وخسیس است و ازآتیه خود میترسد ، با امیال نفسانی مخالفت‌میکند وبرنفس وشهوات خود مسلط‌است، بهیچ‌چیز وهیچکس فکر نمیکند مگر نفعی درآن باشد ، ایندسته نیز بدبخت و در زندگی خوشی وشادمانی ندارند .

وقتی خط سردرانتها بطرف یکی ازتپه‌های دست برود صفاتیکه بآن تپه اختصاص دارد درروحیه واخلاق اثر میکند، مثلا اگر این خط درانتها بطرف تپه تیر برود صاحب دست را زرنگ وزیرك ومقتصد و اگر به تپه بهرام برود، متهور وجسور معرفی میکند یا اگر در انتها دو شاخه شود وهرشاخه‌آن به یکی ازتپه‌ها برود صفات مخصوص هر دو تپه اثر میکند .

بنابراین اگر خط سر بطرف پائین سرازیر و در وسط صفحه دو شاخه شود ویکشاخه‌آن بطرف تپه ناهید وشاخه دیگر به تپه ماه برود، صفاتی که باین‌دو تپه اختصاص دارد وعبارت از عشق وشهوت پرستی،

تصور واوهام است درروحیه واخلاق شخص موثرمیباشد واگرتپه ناهید آرام باشد وعلائمی که دال برشهوت‌پرستی باشد در کف دست موجود نباشد معنی این خط عشق الهی است واشخاصی که دارای چنین خطی باشند وشهوت‌پرست هم نباشند خدا پرست و مذهبی میشوند ، همیشه بفکرخدامیباشند، بامهرومحبت هستندوبرای کمك‌ومساعدت‌بابیچارگان ودرماندگان کوتاهی ندارند .

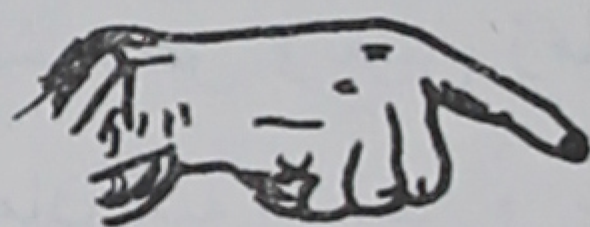


(شکل ۱۹۳)



(شکل ۱۹۲)

درصورتیکه خط سر پس ازجدا شدن از خط عمر بطرف پائین سرازیرشود ودرصفحه بهرام خاتمه‌یابد: نشانه تندخوئی‌وخشم وغضب است وچنانچه این خط از خط عمر جدا باشد . شجاعت وشهامت را نشان میدهد .



خط عمر



(شکل ۱۹۴)

خط عمر یا خط زندگانی خطی است که از بین انگشتان سبابه و شست زیر خط سر ویا متصل بآن شروع وبطور نیمدایره بطرف سفلای کف تا زیر شست پائین میآید وتپه ناهید را در بر میگیرد .

خط عمر نمودارمعده ودستگاه هاضمه وسایراعضاء داخلی بدن است ووضع قوای بدنی و امراض وهمچنین ترقی وتنزل ویا هرگونه واقعه وپیش آمد خیر وشر زندگی را ازگذشته وآینده خبر میدهد .

خط عمر ازنظر تشخیص وتعیین زمان کمال اهمیت را دارد وبا تقسیم این خط میتوان زمان کلیه امراض و حوادث دوران زندگانی را دقیقاً معین نمود .

۱ـ خط عمر وقتی ظریف وخوش رنگ وبدون هیچ ضایعه تپه ناهید را احاطه نماید وتپه ناهید نیزازحیث وسعت وانبساط خوب باشد: دلیل بر سلامتی وعمر طویل است .

این اشخاص دارای خلق و خوی ملایم ودر زندگانی بردبار و صبور میباشند .

۲ـ رنگ خط عمر وقتی مایل به سرخ باشد : صحت و سلامتی واگر در ابتدا خیلی قرمزباشد نشانه هوش سرشار وثبات رأی است .

رنگ خاکستری : شرارت وسبعیت، رنگ آبی : عشق به زینت وخودآرائی وآبی تیره : دلیل بر ضعف نفس وهواپرستی است .

۳ـ خط عمر بی‌رنگ وظریف : ظرافت طبع رامعین میکند ولی اگر مقعر باشد : دلیل بر حسادت وپست فطرتی است .

۴ـ خط عمرضخیم ودرشت : خشم وغضب وتندخوئی را نشان میدهد واگر این خط مقعر باشد : دلیل بر شکم پرستی وخلق و خوی حیوانی است .

۵ـ وقتی خط عمر ضعیف وظریف باشد : نشانه رشك و حسد وسوءظن‌است، این‌اشخاص‌نسبت به همه کس وهمه چیز بدبین وحسود میباشند وزندگانی را بر خود تلخ میکنند .

۶ـ خط عمرپیچ وتابدار: علامت‌تلون‌مزاج است، این‌اشخاص دروغگو، دورنگ ودر دوستی ومحبت پایدار وثابت قدم نمیباشند.

درصورتیکه خط نامساوی ودر مسیرخود تغییر شکل دهد: نشانه تغییر اخلاق ورفتار است .

۷ـ خط عمر زنجیری : علامت ضعف قلب وضعف قوای بدنی



(شکل ۱۹۵)



(شکل ۱۹۶)

است، اشخاصیکه دارای خطزنجیری هستند علیل‌المزاج وهمیشه باید از خود مواظبت ومراقبت نمایند .

۸ـ خط عمر شاخه دار : بطور کلی شاخه‌های صعودی از خط عمر علامت ترقی‌وپیشرفت‌وشاخه‌های‌نزولی، تنزل‌مقام وضرروخسارت را نشان میدهد .

شاخه‌ای که ازابتدای خط‌عمربا پیچ وتاب بطرف‌انگشت وسطی بالا رود واز مفصل انگشت عبور نماید : حادثه شومی را نشان میدهد، صاحب چنین علامتی در اثر تصادف زمین‌گیر خواهد شد (شکل۱۲۵)

شاخه‌ای که از خط عمر بطرف تپه کیوان یا تپه خورشید برود : خط تقـدیر و یا خط ثروت است که شروع آن از خط عمر میباشد . (به خط تقدیر وثروت مراجعه شود) .

شاخه‌ای که از این خط به تپه برجیس بالا رود : خط نخوت و اگربطرف تپه‌تیر بالا رود خط تجارت نام دارد. (فصل‌هشتم به‌خطوط فرعیه رجوع شود) .

شاخه‌های صعودی یا نزولی از خط عمر : نیز خط ترقی وخط

تنزل و از خطوط فرعیه بشمار میرود . (فصل هشتم به خطوط فرعیه رجوع شود)

شاخه‌ای که ازخط عمر بطرف تپه بهرام بالا رود: دلیل بر پیشرفت وترقی بواسطه شهامت است، این اشخاص اگر در صنف نظام باشند در اثر لیاقت وشهامت بارتقاءِ درجه مفتخر خواهند شد وچنانچه درخدمت اداری باشند مقام‌های ارجمندی را اشغال خواهند کرد .



(شکل ۱۹۷)

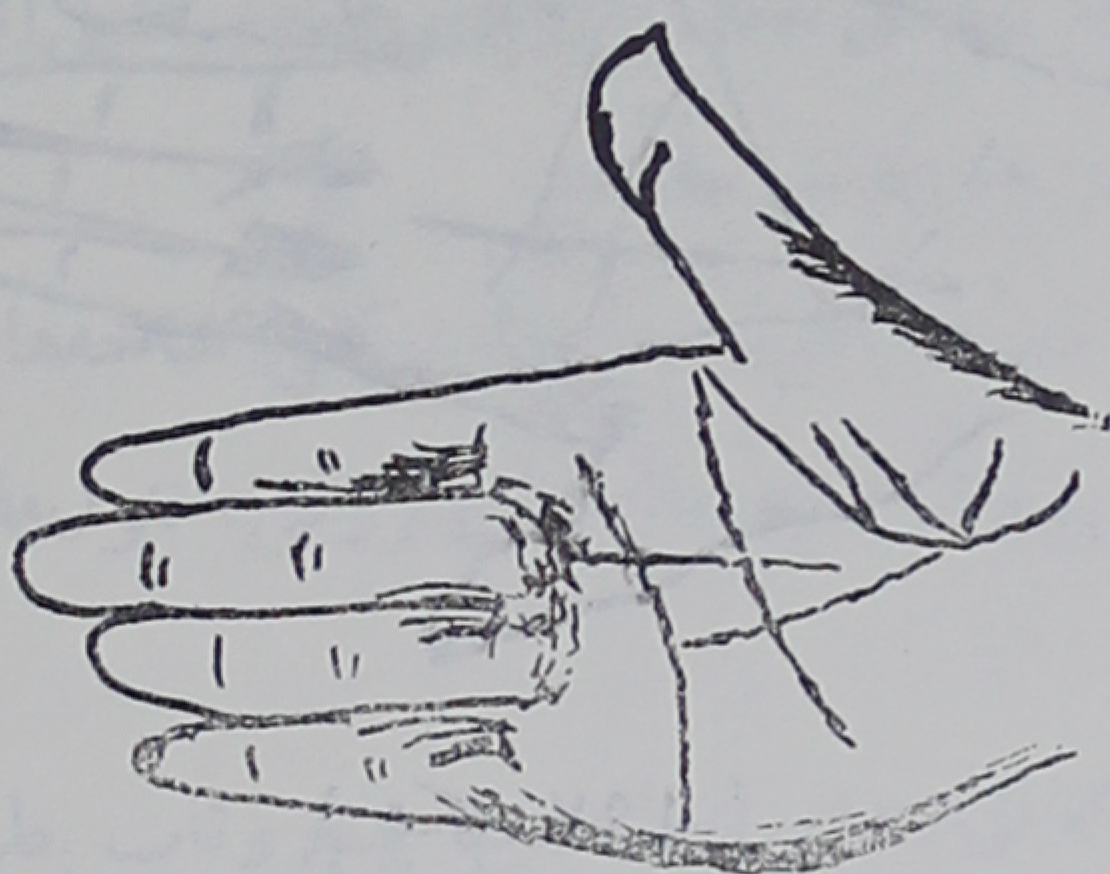
شاخه‌ای که از خط عمر بطرف تپه ماه پائین آید : نشانه تغییر وضعیت بواسطه مسافرتهای طولانی است (بفصل هشتم خط مسافرت رجوع شود) .

شاخه‌ای که ازخط عمر بطرف مچ دست‌پائین آید: دلیل براتلاف واصراف مال ومکنت شخصی است، این اشخاص بواسطه معاشرت با مردم ناجنس وساده‌گی وبی‌فکری مال‌ودارائی خود را ازدست میدهند وخود را بدبخت وبیچاره میسازند (شکل۱۹۵) .

شاخه‌های صعودی یانزولی در داخل خط عمر وروی تپه ناهید: مربوط به عشق وهوا پرستی است ، این شاخه‌ها اگر صعودی وروی

تپه ناهید بطرف بالابرود: موفقیت درعشق‌را نشان میدهد، این‌اشخاص بوالهوس وفریبنده وبرای اغوای جنس مخالف ید طولائی دارند و در عشق وهواپرستی همیشه خود را موفق میدانند (شکل۱۹۸) .

شاخه‌ای که نزولی واز خط عمرروی تپه ناهید بطرف پائین آید: بعکس نشانه ساده‌گی و حماقت است ایندسته همیشه از جنس مخالف فریب میخورند ودرعشق‌وهواپرستی باعدم موفقیت روبرو واز این راه بضرر وخسارات زیادی متوجه خواهند شد .



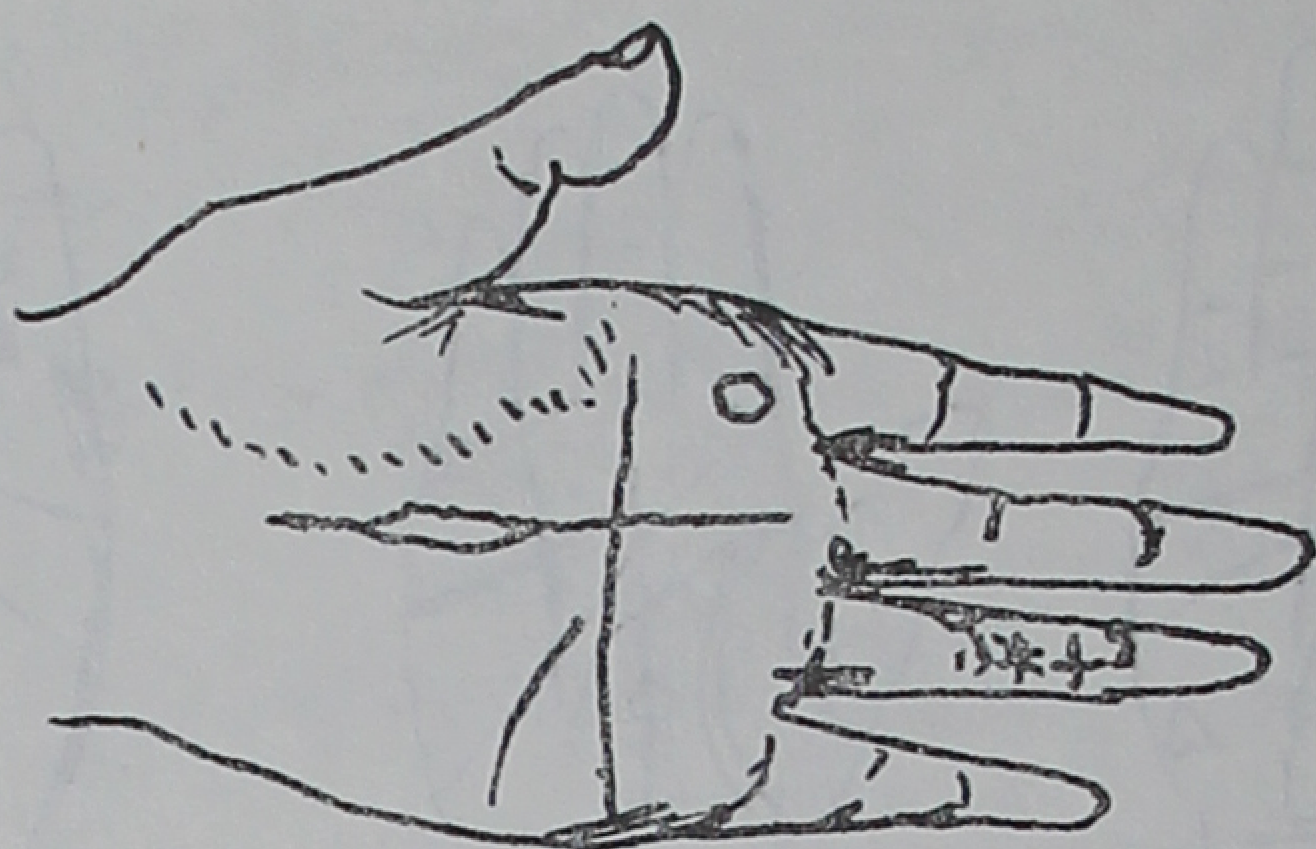
(شکل ۱۹۸)

شاخه صعودی ازخارج خط عمروقتی به خط قلبی برسد وقطع شود : نمودار ضرر وخسارت واز دست دادن مقام است ،

وقتی‌شاخه صعودی باخط قلبی‌متصل‌شود ومتحداً به تپه برجیس بروند : صاحب دست بواسطه عشق و ازدواج و مساعدت و همراهی دوستان ترقی وپیشرفت کرده وبمقام ومرتبه خواهدرسید (شکل۱۹۶) .

چنانچه شاخه صعودی به خط سر برسد وغفلتاً قطع شود: دلیل است بر ضرر و خسارت و توقف شانس بواسطه اشتباه و فکر غلط (شکل۱۷۶) .

۹ـ خط منقطع : وقتی خط عمر از خطوط ریز ومنقطع تشکیل شود، علامت ناتندرستی است .



(شکل۱۹۹)

این اشخاص دارای ظرافت طبع ودر مقابل سختی‌ها و مشقات تاب مقاومت ندارند وبرای‌اینکه بعمرطبیعی خود برسند بایستی محیط آرام وبی دغدغه‌ای را برای خود فراهم نمایند .

۱۰ـ خط عمر چنگالی : این علامت اگر در ابتدای خط عمر باشد، تردید وعدم ثبات رأی را نشان میدهد .

چنانچه خط عمردرانتها چنگالی باشد : رماتیسم وامراض صعب العلاجی را درآخر عمر برای صاحب دست پیش‌بینی میکند .

شاخه‌های‌خیلی کوتاه متفرع از خط عمر را نیز چنگال گویند و این علامت درداخل یا خارج ازخط ، چه صعودی باشد، چه نزولی : گرفتاری وناراحتی واگرابتدای چنگال‌سیاه رنگ‌باشدکسالت وامراض بی‌اهمیت وبی‌خطر ولی صعب‌العلاج را نمودار میسازد .

۱۱ـ خط عمر مضاعف : نشانه سلامتی و تندرستی است ، خط مضاعف عمر یکی ازعلائم خوشبختی است واین‌اشخاص‌دوره زندگی

را با خوشبختی ، سعادت و آرامش‌خاطر بسر میبرند بشرط اینکه خط عمر را در تمام طول همراهی نماید .



(شکل ۲۰۰)



(شکل ۲۰۱)



(شکل ۲۰۲)

۱۲ـ خط عمر شکسته : علامت مرض ناگهانی و خطیراست و این علامت غالباً مربوط بامراضی است که احتیـاج به عمل جراحی پیدا میکند

۱۳ـ خط عمر منشعب : وقتی این خط در ابتدا و نزدیك شست دوشاخه و به دوقسمت یا بیشتر منشعب شود، علامت دروغگوئی است، این اشخاص دروغگو، لاف زن، سخن چین و بوقلمون‌صفت میباشند، از صمیمی‌ترین دوست خود مذمت و بدگوئی میکنند، از هر دری وهر بابی وهر موضوعی‌سخنی بمیان‌آیداظهار فضل‌واطلاع میکنند، بزرگان واشخاص برجسته راازدوستان خود بشمار میآورند وازهر کس صحبت شود اظهار شناسائی وتعریف یا تنقید مینمایند ، ایندسته مضر جامعه و بایستی از دوستی ومعاشرت باآنها پرهیز کرد .

چنانچه این خط در انتها و در پائین دست به دو قسمت منشعب و دو شاخه شود : علامت تغییر وضع است ، زندگی این اشخاص در

زمانیکه خط منشعب میشود بکلی عوض میشود ، چنانچه خط اندوهی باین محل بیآید تغییر زندگی بواسطه مرگ همسر خواهد بود .

چنانچه یکی‌ازشاخه‌ها بطرف تپه ماه‌برود: صاحب دست‌بواسطه ابتلای بمرض رماتیسم وضعف قوای بدنی‌ازکار کناره‌گیری وخانه‌نشین شود واگر از تپه عبور نموده وبناحیه ضربت برسد مسافرت و نقل‌مکان خواهدکرد .

اگر یکی از شاخه‌ها تا روی تپه ناهید پیش رود : تغییر وضعیت بواسطه تجدید فراش وازدواج خواهد بود .



(شکل ۲۰۳)



(شکل ۲۰۴)

درصورتیکه خط درانتها به شاخه‌های زیادی منشعب شود: دلیل براین‌است که صاحب دست درپیری به سستی‌استخوانها و کمبودکلسیم گرفتار خواهد شد وصاحب چنین‌خطی بایستی قبل‌از زمانیکه خط معین میکند با صرف اغذیه ومواد کلسیم‌دار از زمین‌گیر شدن خود در پیری جلوگیری نماید .

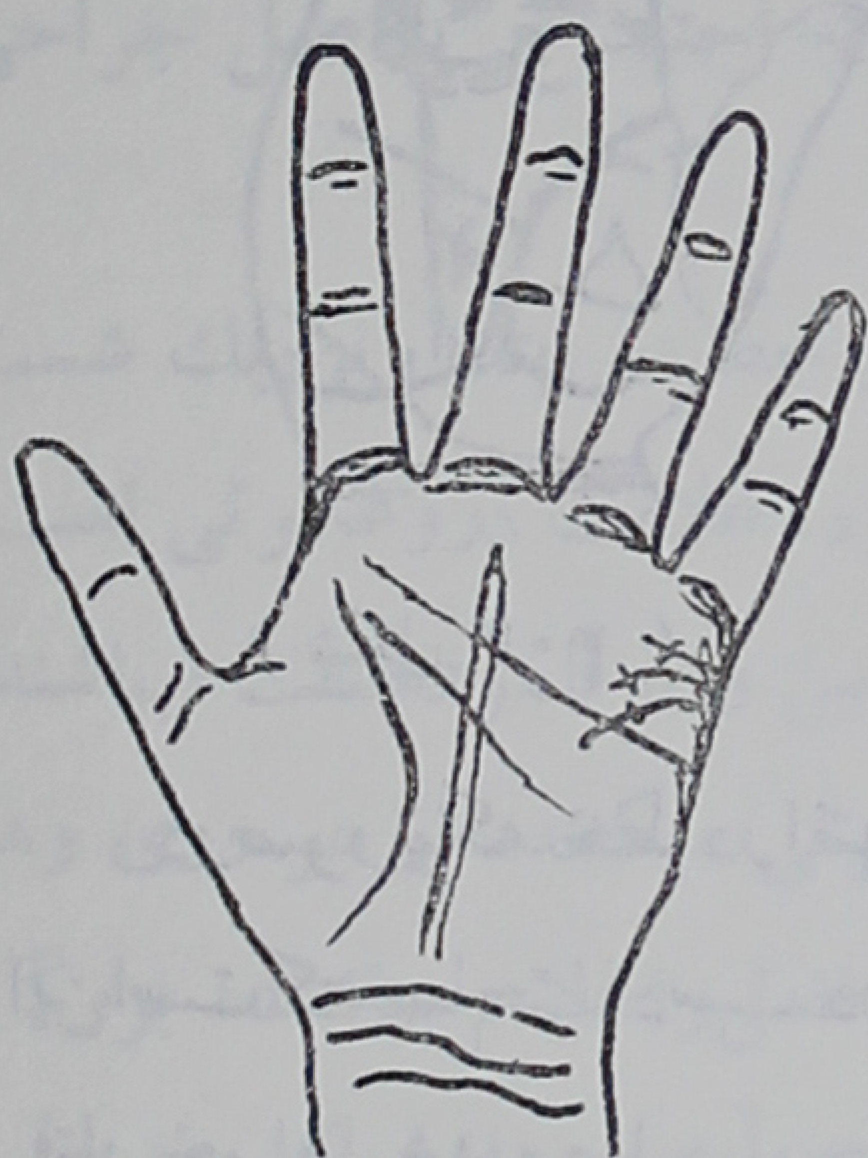
۱۴ــ وقتی خط عمر در شروع با خط سر متصل و متحد شود : نشانه تردید وعدم اراده‌است. ایندسته عزم واراده ندارند، هرتصمیمی

بگیرند بانجام نمیرسانند، کار امروز را به فردا موکول میکنند ، حتی در موقع تحصیل هم مطالعه دروس خود را به بعد موکول میکنند و بهمین جهت چه در تحصیل وچه زندگی بعد از تحصیل ترقی وپیشرفت قابل توجهی نخواهند داشت (شکل۱۷۶) .

۱۵- درصورتیکه خطعمردرشروع باخط سرفاصله داشته باشد: اراده وثبات رأی را نشان میدهد .

ایندسته هنگام تحصیل از محصلین جدی وبا هوش هستند، ودر هرکاری باعزم راسخ وپشتکارپیشرفت وترقی خواهندکرد (شکل۱۶۱) .

۱۶- وقتی خط عمر از تپه برجیس شروع شود : علامت موفقیت است .


(شکل ۲۰۵)

این اشخاص باهوش، بالیاقت خوش فکر، ودارای روح واراده قوی و افکار بلند میباشند و برای اشغال پست‌های حساس و مقام‌های عالی شایستگی دارند ، بشرط اینکه خط سر در بالای خط عمر باشد .

اما چنانچه شروع خط عمر ازتپه برجیس باشدوخط سر درابتدا زیرخط عمرقرارگیرد: عقل‌واندیشه تابع اراده خواهد بود بخصوص اگرخط سر نیز کوتاه باشد و کسی که دارای چنین خطی باشد احتیاج به مشاورشایسته وخوب دارد والااحتمال خطر پیش بینی میشود .

۱۷- وقتی خط عمر در انتها بطرف تپه ماه برود وروی این تپه خاتمه یابد : در دست مرد، امراض مثانه وورم پرستات ودر دست زن، امراض رحمی را نشان میدهد (شکل۱۲۲) .

۱۸- خط عمر کوتاه: نشانه ناتوانی وضعف قوای‌جسمانی‌است (شکل۱۲۹) .

معمولا وقتی خط عمر کوتاه باشد : دلیل بر ناسالمی، ضعف و امراض درونی‌است ولی‌چنانچه خطوط تقدیروثروت خوب و مستقیماً تا روی تپه‌های مربوطه‌ادامه پیدا کند، صاحب دست میتواند بامعالجات دامنه‌دار وصرف هزینه‌های سنگین به زندگی خود ادامه دهد بخصوص اگر خط کبدی نیز روشن باشد (شکل۱۳۹) .

درصورتیکه خط عمرغفلتاً قطع و مجدداً در پائین دست نمایان شود : حادثه شومی را نشان میدهد .

اگر این علامت در هر دو دست یکسان و قطع خط نیز در یك زمان باشد : بعضی از کفشناسان اجل معلق تشخیص میدهند ، ومیتوان با انفاق وصدقه وحزم واحتیاط بلا را از خود دورساخت (شکل۱۸۳)

علائم روی خط عمر

۱- صلیب روی خط عمر: علامت کسالت وبیماری است واگر خط را ببرد، شدت مرض را معین میکند (شکل۱۱۵) .

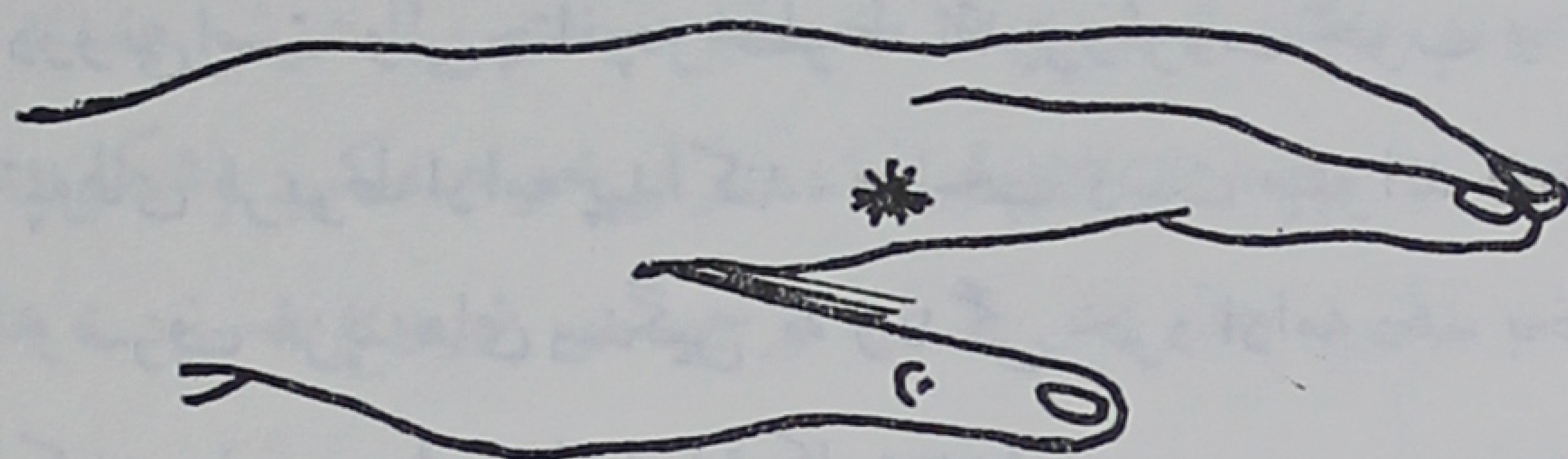
اگر این علامت در انتهای خط ولی خارج از خط رسم شود : نشانه سعادت وعاقبت بخیری است .

۲- ستاره در خط عمر : پیش‌آمدهای ناگوار را نشان میدهد (شکل۱۳۷) .

چنانچه ستاره سیاه رنگ ویا نقطه‌سیاهی دروسط آن باشد: خطر تصادف را اعلام میکند ، بخصوص اگر در روی تپه کیوان نیز نقطه سیاه رنگی مشاهده شود .

ستاره خارج ازخط: علامت اتهام وبدنامی است .

ستاره‌ای که درپائین انگشت سبابه و محل شروع خط عمر نقش بندد : نشانه بی‌مادری است .



(شکل۲۰۶)

این علامت در دست کسی نقش می‌بندد که درزمان تولد ، مادر خود را ازدست داده وهرگز روی مادر ندیده است .

۳ــ مثلث روی خط عمر: استعداد به‌یاوه‌گوئی و یاوه‌سرائی را معین میکند .

۴ــ مربع : علامت حفظ ازخطر است، معمولاً مربع روی‌خط عمر جائی‌نقش‌می‌بندد که علامت خطری‌باشد مانند شکستگی، بریدگی، ستاره ، نقطه ولکه ، بنابراین این شکل صاحب دست را از خطر حفظ میکند (شکل۱۵۰) .

۵ــ نقطه روی خط عمر: نشانه زخم یا امراض جلدی است.

اگر نقطه سیاه رنگ و بزرگ باشد : تب حصبه ، تب مالت یا سایر تب های حاد را نشان میدهد .

نقطه آبی رنگ ، نشانه بیمـاری معده و امعاء است ، اگر این نقطه بوسیله خطی به نقطه دیگری در محل تلاقی خط سر و خط کبدی وصل شود: ابتلای بمرض بواسیر وفیستول‌را نشان‌میدهد (شکل۲۱۸).

اگرنقطه خیلی عمیق وبشکل حفره باشد: اعلام‌خطر میکند.

۶- جزیره درخط عمر: در دست مرد، علامت ضعف‌وکم‌خونی و در دست زن، نامنظمی رحم وخونریزی را نشان میدهد وطول‌جزیره مدت مرض را معین میکند (شکل۱۹۳) .

۷- دایره‌درخط‌عمر: خطرمسمومیت‌رااعلام‌میدارد (شکل۱۴۷).

۸- نیمدایره : نشانه پیش‌آمدی است‌که موجب غم و اندوه و کدورت خاطر صاحب دست بشود .

درصورتیکه این شکل خط عمر را ببرد : دلیل است برامراض قلبی‌که مسبب وموجدآن غم وغصه‌های قلبی وناراحتی‌ها میباشد.

۹- پره‌های روی خط عمر: نشانه امراض وکسالت‌های کوچك و قابل‌علاج است .

۱۰- خطی‌که ازابتدای خط عمر شروع وبشکل قوس به زاویه شست برسد : نشانه شیطنت و خبث طینت و شهـوت پرستی است.

خطی‌که از روی تپه ناهید شروع و بطور افقی ازخط‌عمرعبور نماید: خط اندوه نام دارد. (به‌فصل هشتم رجوع شود).

نظـریه

غالباً وآنهائیکه ازخطوط کف‌دست اطلاعی‌ندارند تصورمیکنند خط‌عمر نشان دهنده طول عمر میباشد وطول‌این‌خط باطول‌عمرنسبت مستقیم دارد باین معنی‌که اگرخط بلند وتازیرشست ادامه پیدا کند نشانه

طول عمر و اگر کوتاه باشد دال بر کوتاهی عمر میباشد .

درصورتیکه خط عمر نمایشگر وضعیت جسمانی است و باتغییر شکل ورنگ، سلامتی یاعدم سلامتی اعضای درونی را نمایش‌میدهد و علائم منقوشه در آن امراض و بریدگی های خط شدت مرض را معین میکند و اگر خط بشکند یا دفعتاً قطع شود مخاطرات احتمالی را خبر میدهد .

خط قلبی وخط سر نیز خطرهای ناگهانی را پیش‌بینی میکند اما بدون تعیین وقت وزمان وهیچیك ازخطوط یاعلائم کف‌دست نمیتواند طول عمر وزمان مرگ را معلوم نماید .

« هوالذی خلقکم من طین ثم قضی اجلاً واجل مسمی عنده ثم انتم تمترون » (سوره انعام‌آیه ۲) . زمان مرگ واجل که در سرنوشت معین ومقدرگردیده وساعتی تأخیر یا تسریع نمیشود برهمه‌کس مکتوم و مستور است « لکل امه اجل فاذا جاء اجلهم لایستأخرون ساعه و لایستقدمون » (سوره اعراف آیه۳۲) و چنانچه در کف دست علائمی باشدکه خطرمرگ ویابقول‌قدما اجل معلق‌را معین کند خداوند علی‌اعلی راه فرار وجلوگیری ازآنرا بوسیله انفاق و صدقات نشان داده است .

خط عمر خطی است که ازبین انگشتان سبابه وشست شروع و بطور نیمدایره تپه ناهید را احاطه میکند و وسعت داخل خط تپه ناهید محسوب میشود .

در فصل چهارم بیان شده است که تپه ناهید نشان دهنده عشق و شهوت میباشد که برحسب وسعت و یا برآمدگی آن میزان شهوات را نمایان میسازد .

بنابراین هرچند دایره خط بزرگتر و بطرف صفحه دست پیش برود و بالنتیجه تپه بزرگتر و وسعت آن بیشتر باشد عشق به‌هواپرستی و تمایلات نفسانی بیشتراست واگر دایره‌این‌خط کم باشد وبشکل عمودی پائین آید و درنتیجه تپه‌ناهید کوچك‌وتنگ‌شود ضعف‌قوای‌شهوانی را بیان میکند.



(شکل۲۰۷)

زنهائیکه در کف دست آنها خط عمر عمودی شکل ودایره آن کم وتپه ناهید کوچك وتنگ باشد معمولاً نازا وعقیم هستند.

خط عمر ازنظر تقسیم‌بندی قابل اهمیت وپایه واساس تعیین‌زمان میباشد زیرا:

۱ـ خط قلبی که نماینده قلب‌ودل‌است ازنظر تقسیم‌بندی وتعیین زمان قابل اعتماد نیست و اگر علائمی روی آن نقش بندد برای تعیین زمان بایستی به‌خطوط ارتباطی که به‌خط عمر متصل میشود توجه شود.

۲ـ خط سر نمایشگر هوش وذکاوت و بطوریکه‌گفته شده قابل تغییر است واین خط نیز ازنظر تعیین زمان قابل اعتماد نمیباشد.

۳ـ خط تقدیر وخط ثروت نیز زمان بعضی ازحوادث وپیشرفتها را بوسیله خط عمر مشخص مینمـاید، مخصوصاً وقتی از خط عمر شروع شود.

۴ـ خط کبدی چون متغیر میباشد اطلاعات‌آن برای زمان‌حال و یا گذشته وآینده خیلی نزدیك است.

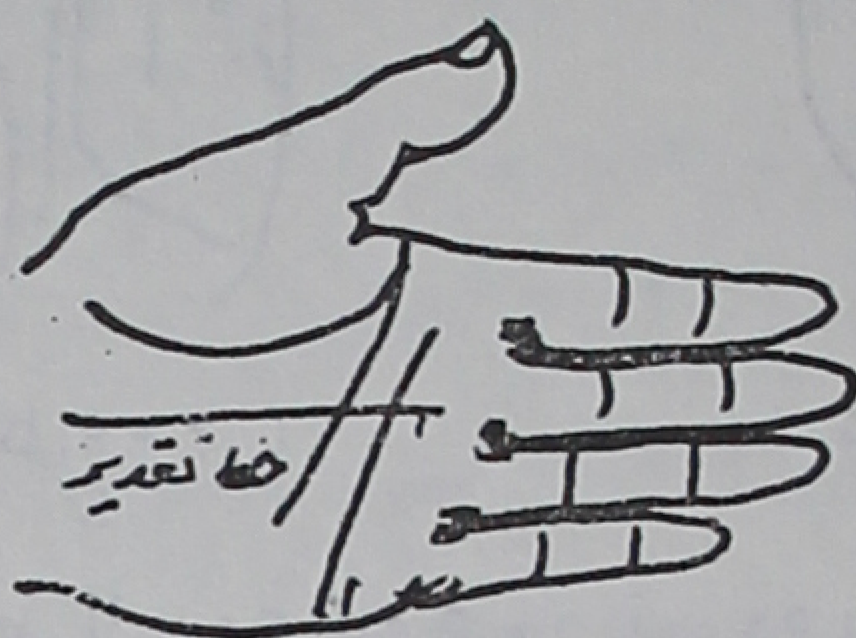
چنانچه در فصل ششم بیان شده برای تقسیـم بندی خط عمر

اختلاف‌نظری نیست وطرق مختلفی که تقسیم میشود نتیجه یکی است .

بنابراین قبل‌از مطالعه خطوط وعلائم کف دست بایستی خط‌عمر تقسیم وبرای تعیین‌زمان دقیق‌تری هرقسمت آن باجزاء کوچکتری منقسم شود، سپس خطوط وعلائم مورد مطالعه دقیق قرارگیرد .



خط تقدیر



(شکل ۲۰۸)

خط تقدیر که آنرا خط سرنوشت یا خط شانس هم میخوانند یکی ازخطوط اصلیه واز نظر تعیین مقدرات وسرنوشت قابل اهمیت میباشد.

خط تقدیر درزمان تولد در کف دست نقش بسته است وهرگونه تغییرات وتحولات دوران زندگی شخص را بیان میکند .

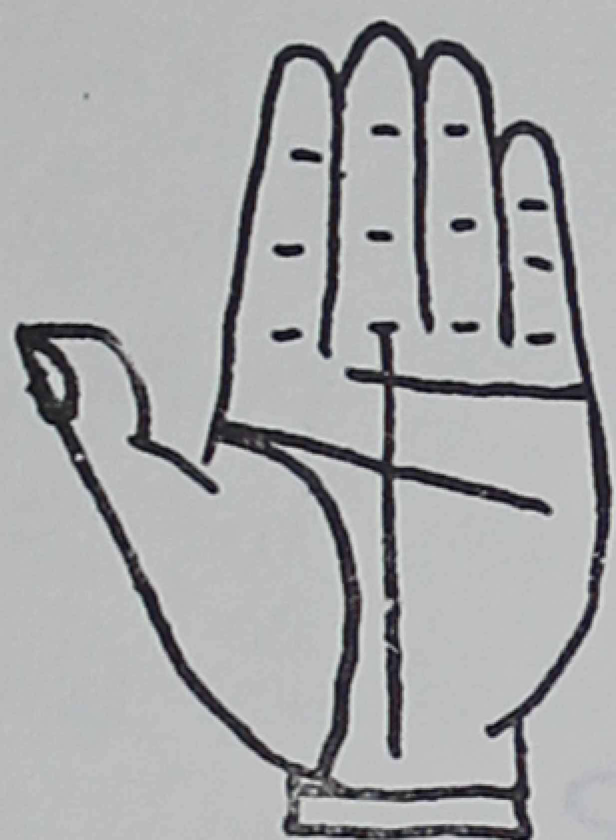
خط تقدیر بطور عمودی در کف دست نقش می بندد وشروع آن ازپائین دست وتا تپه کیوان بالا میرود .

۱- وقتی این خط از بالای خط دستبند شروع و مستقیماً تا روی تپه کیوان بالا رود : دلیل بربخت واقبال وپیشرفت است واشخاصی که

دارای چنین خطی هستند از زمان طفولیت و زندگی درخانه پدر ومادر خوشبخت ودوران کودکی وتحصیل را درنهایت رفاه و آسایش بسر میبرند وبعداً هم بواسطه ثروت ویا حسن شهرت خانوادگی ترقی و پیشرفت میکنند و دوران عمر را با نیکبختی و سعادت میگذرانند بشرط اینکه خط تقدیر در هردو دست بدون ضایعه وخط ثروت نیز با آن همراه شود.



(شکل۲۰۹)



(شکل۲۱۰)

چنانچه این خط از روی تپه عبور نموده وبمفصل انگشت وسطی برسد وازخط ثروت هم اثری در کف دست نباشد: صاحب دست مدارج عالیه را طی کرده وباوج ترقی ورفعت میرسد ولی عاقبت نحوست کیوان در شانس وی اثر بخشیده وبخاك مذلتش فرونشاند، بخصوص اگراین خط با شیار عمیق ازوسط تپه عبور نموده بمفصل انگشت برسد.

اگر این خط بازهم بالاتر برود وپس از قطع مفصل انگشت به بند سوم (سنبله) برسد وبا ستاره‌ای ختم شود: صاحب دست چون هرقدمی برمیدارد موفق میشود برای ارتقاء بمقامات بالا ازحد خود تجاوز نموده ومرتکب خبط وخطاهای بزرگی میشود وبالنتیجه زندگی خودرا باحبس ابد یا اعدام به‌پایان میرساند (شکل۱۳۴) .

۲ـ چنانچه خط تقدیر از زیر خط دستبند شروع وپس ازبریدن دستبند تا تپه‌کیوان بالا رود : علامت محنت ومصیبت در کودکی‌است وصاحب دست درطفولیت بواسطه از دست دادن پدر یا مادر به‌رنج و محنت‌گرفتار و دوران‌کودکی را بارنج وزحمت میگذراند ، ولی پس ازپایان دوره تحصیل وگذرانیدن سختی‌ها و ناراحتی‌ها با نهایت سعی وکوشش به‌فعالیت می‌پردازد وترقی و پیشرفت‌های قابل‌توجه خواهد نمود (شکل۱۵۲) .

۳ـ خط تقدیر که از خط عمر شروع و مستقیماً تا تپه کیوان بالا رود : نیز دلیل بر پیشرفت و ترقی بواسطه لیاقت شخصی است ، این اشخاص زرنگ وفعال میباشند واز زمانیکه خط تقدیر ازخط عمر جدا میشود مستقلاً بکار مشغول و با سعی وجدیت بکار خود ادامه میدهند . تاریخ شروع بکار و استقلال از تقسیم‌بندی خط عمر و زمان جدا شدن خط‌تقدیرازخط‌عمر، وپیشرفت واتفاقات دردوران‌کاروشغل‌از تقسیم‌بندی خود خط تقدیر معلوم میشود .



(شکل ۲۱۱)



(شکل ۲۱۲)

۴- خط تقدیر که ازتپه ماه شروع وبطرف تپه کیوان بالا رود : دلیل برسعادت و نیکبختی است .

این اشخاص درعشق وازدواج شانس دارند و بعداز ازدواج با توافق وهمفکری همسرخود خط مشی ومسیرزندگانی را تعیین، وترقی وپیشرفت خواهندکرد بخصوص وقتیکه خط تقدیر در انتها باخط قلبی متحد ومتصل شده وباهم بطرف تپه برجیس بروند .

درصورتیکه خط تقدیر ازناحیه ضربت شروع و پس‌ازعبور از تپه ماه بطرف تپه کیوان بالا برود : ازدواج صاحب دست در مسافرت وخارج ازوطن صورت میگیرد .

۵- وقتی خط تقدیر ازتپه بهرام شروع و به تپه کیوان بالا رود: زندگی پرماجرا وپرمشقتی را نشان میدهد .

اشخاصی که دارای چنین خطی هستند تندخو و بداخلاق و در زندگی خانوادگی همیشه برای خود ناراحتی و دردسر ایجاد میکنند ، در ازدواج شانس‌ندارند یعنی‌همسری‌که بتواندباآنهازندگی کند بدست نمیآورند، غالباً دومرتبه ازدواج میکنند وباداشتن اولادمختلف زندگی پرماجرائی خواهند داشت (شکل۱۹۲) . برای مطالعه این‌خط بایستی به‌خطوط ازدواج و اولاد توجه شود.

۶- خط تقدیر که از صفحه بهرام شروع و مستقیماً تا تپه کیوان بالا رود : زندگی بانهضتی را نشان میدهد .

ایندسته از خانواده پدر ومادر شانسی ندارند و در سنین جوانی بدون اتکاء به‌مساعدت دیگران بفعالیت میپردازند و با مشکلات زندگی مبارزه میکنند ودرصورتیکه خط در تخته دست مستقیم و درانتها تمایل

آن بطرف تپه خورشید باشد به ترقیات قابل توجهی نائل خواهند شد بخصوص اگر روی تپه برجیس ستاره یا صلیبی مشاهده شود، در اینصورت از نظر عشق و ازدواج نیز سعادتمند میباشند (شکل ۱۳۰) .

۷- چنانچه خط تقدیر از زیر خط سر و از روی خط کبدی شروع و تا تپه کیوان بالا رود : نشانه زندگی آرام و بی دردسر است ، ایندسته تا قبل از سی سالگی زندگی آرام و یکنواختی رامیگذرانند ولی بعد از ازدواج پیشرفتهائی خواهند داشت (شکل ۲۱۳) .

۸- وقتی خط تقدیر از پائین دست شروع و در زیر خط سر متوقف شود: صاحب دست تا قبل از حدود سی سالگی در زیر سایه پدر و مادر زندگی خوشی را میگذراند ولی پس از استقلال بواسطه نادانی شانس خود را از دست میدهد (شکل ۲۱۴) .

اگر این خط بالاتر رود و در زیر خط قلبی دفعتاً متوقف شود : صاحب دست در نتیجه عشق و شهـوت یا ازدواج شانس را از خود دور میسازد .


(شکل ۲۱۳)


(شکل ۲۱۴)


(شکل ۲۱۵)

۹- وقتی شروع خط تقدیر از روی تپه ناهید و از داخل خط

عمر باشد: علامت عشق و نادانی است و صاحب این خط در چنگال عفریت جهل و نادانی گرفتار و بواسطه هوا پرستی و عشقهای شهوانی شانس و سعادت را از خود دور میسازد.

معمولا خط تقدیر وقتی از تپه ناهید شروع میشود پیچ و تابدار هم میباشد و دلیل بر این است که صاحب دست عمر خود را به بطالت میگذراند و همیشه با بدبختی و بیچارگی روبرو است (شکل ۲۱۵).

۱۰- وقتی خط تقدیر از دو محل مختلف (یکشاخه از تپه ناهید ویکشاخه از تپه ماه) شروع و در صفحه بهرام با هم متصل ویکی شده بطرف تپه کیوان بالا رود: دلیل بر عشق و تخیلات بیهوده و زندگانی متغیر است. ایندسته زرنگ، با هوش و فعال میباشند و دربدو زندگانی برای ترقی و پیشرفت از یکشاخه بشاخه دیگر میپرند و شغل و کار خود را تغییر میدهند ولی بواسطه عشقهای بیهوده بجائی نمیرسند، اما خداوند برای آدمی که صاحب چنین خطی است سرنوشت درخشانی را بودیعت سپرده وپس از گذرانیدن دوره جوانی و نادانی وبعد از ازدواج عشقهای فاسدرا ازخود دورساخته وشانس خویش رادر آغوش میگیرد وباخوشی وسعادت زندگی میکند (شکل ۱۵۴).

۱۱- درصورتیکه شروع خط تقدیر از روی خط قلبی باشد: سعادت درعشق وازدواج راامین میکند. ایندسته درازدواج خوشبخت میباشند و بواسطه توافق و یگانگی با همسر خویش زندگی با سعادتی خواهند داشت بخصوص وقتیکه روی تپه برجیس ستاره درخشانی مشاهده شود، دراینصورت دوران عمررابا خوبی وخوشی طی میکنند (شکل ۱۴۶).

۱۲- وقتی خط تقدیر از بالای خط سر و از تخته دست شروع وتا تپه کیوان بالا رود : زحمات و مشقات در زندگی را نشان میدهد .

ایندسته فعال وزرنگ هستند، خوب زندگی میکنند ، بیچارگی وبدبختی ندارندولی هیچوقت پیشرفت قابل توجهی هم نخواهند داشت ودست بهرکاری میرنند بموانع بزرگ برمیخورند و بایستی در برابر مشکلات مقاومت نمایند (شکل ۱۵۷) .

۱۳- خط تقدیر شاخه‌دار: وقتی این خط مستقیم ودارای شاخه‌های صعودی باشد ، دلیل برسعادت وخوشبختی است .

این اشخاص جدی، فعال وبواسطه لیاقت شخصی وپشتکار به ترقی ودرجات عالیه نائل خواهند شد، هرچند تعدادشاخه‌ها زیادترباشد بهمان نسبت ترقی وپیشرفت بیشتر است .



(شکل ۲۱۶)



(شکل ۲۱۷)

چنانچه این خط دارای شاخه‌های نزولی باشد: بعکس نشانه تنزل

است: ایندسته مرتکب اشتباه وخطاهای زیادمیشوندو باضرروخسارات پی درپی در زندگی با شکست روبرو میشوند.

۱۴- خط تقدیر چنگالی: علامت امراض وکسالت‌هائی است که مسبب وموجدآن‌کار وفعالیت زیاد میباشد.

وقتی خط تقدیر در انتها دوشاخه وچنگالی شود: صاحب دست بواسطه‌کار وفعالیت درجوانی، خود را خسته وفرسوده میکندبطوریکه زودتر از حد خود باز نشسته خواهد شد (شکل۱۶۸).

چنانچه چنگال در ابتدای خط باشد نشانه‌کسالت و بیماری در طفولیت بواسطه نداشتن‌بهداشت یا پرستارخوب، واگر چنگال‌دروسط خط باشد خستگی در اثر فشار تحصیل را نشان میدهد (شکل۱۷۴).

۱۵- خط تقدیر منقطع: علامت بی‌صبری است.

اشخاصی که دارای‌چنین‌خطی‌هستند، بواسطه تردید وکم صبری ونداشتن جرأت وشهامت شانس را ازخود دور میسازند، ولی چنانچه شکیبائی را پیشه خود سازند ودرمقابل سختی‌های روزگار صابرباشند و با شهامت به‌کار وزندگی ادامه دهند عاقبت بسعادت خواهند رسید. «مراره البصر یثمر الظفر». (شکل۱۳۲).

۱۶- خط تقدیرشکسته: پستی وبلندی‌های زندگی‌رانشان میدهد.

چنانچه این خط از پائین دست شروع ودر زیر خط سر قطع شود ومجدداً از روی خط سر شروع ودرزیر خط قلبی قطع وبازهم از روی خط قلبی شروع و بالا رود: صاحب دست بواسطه خبط و وخطاهای دردوره زندگی وعشق چندین‌مرتبه شانس را از دست میدهد ولی در اثر هوش ولیاقتی که داردگذشته خود را جبران میکند.



(شکل ۲۱۸)



(شکل ۲۱۹)

اگر این خط درموقع عبور ازصفحه بهرام بشکند : نشانه ضرر وخسارت ویا تنزل مقام است که بواسطه مرافعه وگفتگو برای صاحب دست پیش میآید .

۱۷- خط تقدیر مضاعف : نشانه شانس مضاعف است.

اشخاصی که دارای خط مضاعف هستند چه از نظر شغل وکار و چه از نظر عشق و ازدواج همیشه موفق و دارای دو شانس میباشند ، سرنوشت برای ایندسته همسرلایق وتحصیل کرده مقدر کرده ومخصوصاً بعداز ازدواج به‌ترقیات درخشانی نائل خواهند شد (شکل۲۰۵) .

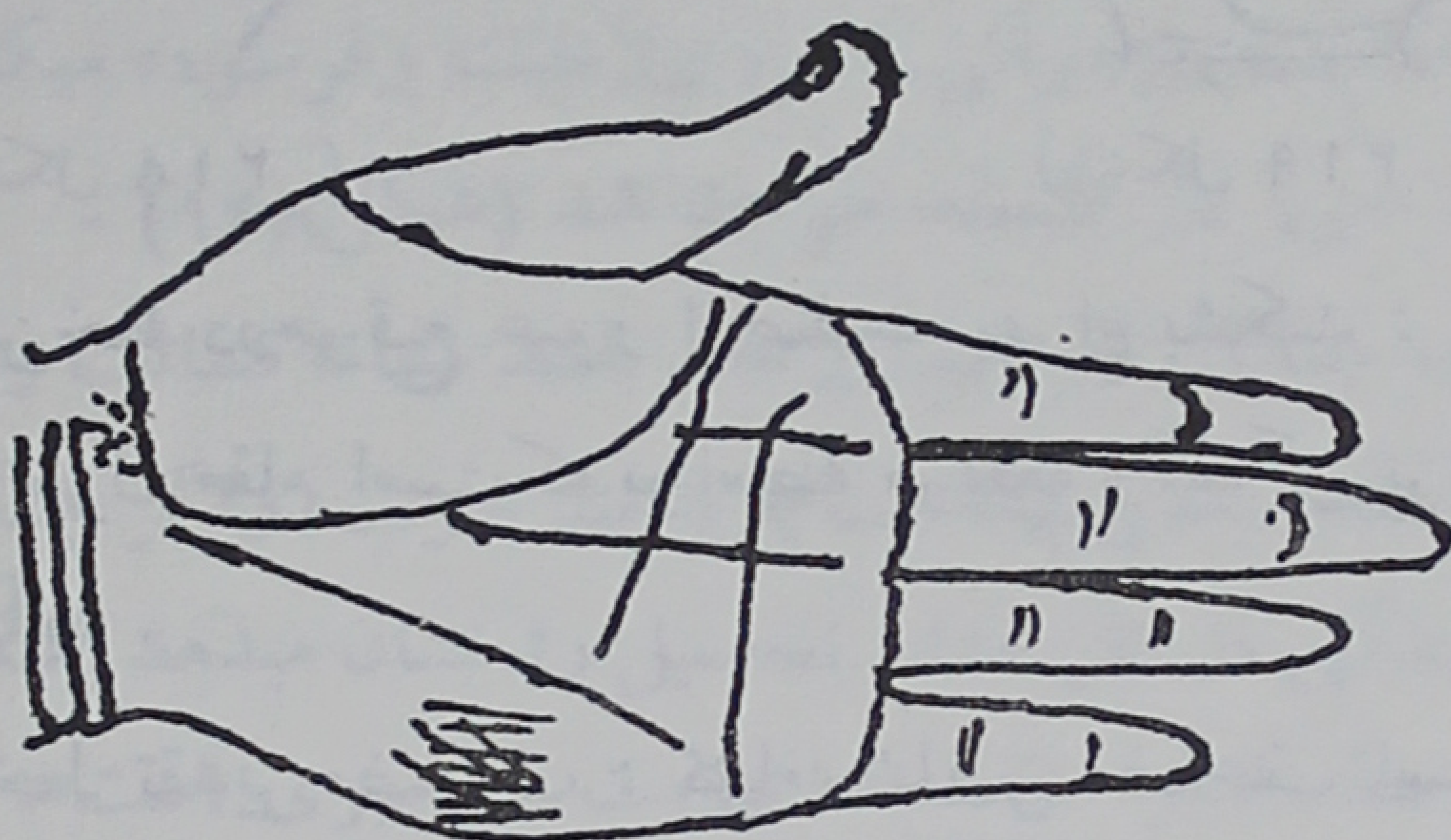
۱۸- خط تقدیر پیچ وتابدار : علامت بدبختی وبیچارگی‌است.

وقتی خط تقدیر درانتها دارای پیچ وتاب باشد : دنیای دون با صاحب دست بنای دورنگی وستیزگی‌میگذارد ودر آخرعمر به‌بدبختی وفلاکت مبتلا میشود (شکل۲۰۱) .

درصورتیکه پیچ و تاب درپائین و ابتدای خط باشد و در انتها مستقیم تا تپه کیوان بالابرود: علامت عاقبت بخیری‌است واین‌اشخاص دوران اول عمر را بسختی میگذرانند ولی عاقبت مشمول لطف و کرم

الهی واقع و بسعادت خواهندرسید. «ان مع العسر یسری» (شکل۲۰۲).

۱۹- وقتی خط تقدیر درانتها بطرف تپه برجیس متمایل شود و بین انگشتان وسطی وسبابه بالا رود : حس جاه‌طلبی را نمایان میسازد وصاحب دست برای‌شغل‌اداری‌ومقام مدیریت شایستگی دارد ومیتواند ترقی و پیشرفت نماید .



(شکل ۲۲۰)

چنانچه تمایل‌خط بطرف‌تپه خورشید باشد و بین‌انگشتان وسطی وبنصر بالا رود : صاحب دست میتواند درهنروصنعت ترقی‌وپیشرفت نموده و بشهرت وثروت برسد .

۲۰- وقتی‌خط تقدیر مقابل بین انگشتان وسطی و سبابه به خط قلبی برسد و با این‌خط متصل شود ومتحداً تا تپه برجیس پیش روند: علامت سعادت و نیکبختی‌است. این‌اشخاص درعشق‌وازدواج، دوستی و رفاقت خوش شانس میباشند (شکل۱۶۹) .

۲۱- درصورتیکه خط قلبی در زیر تپه‌کیوان خاتمه یابد و خط تقدیر نیز بآن متصل وهمانجا تمام شود: ایندسته‌گرچه درعشق وازدواج نیکبخت هستند ولی در زندگی شانس ندارند (شکل۱۲۲) .

۲۲ـ خط تقدیر نامنظم : زندگانی متغیر را نشان میدهد .

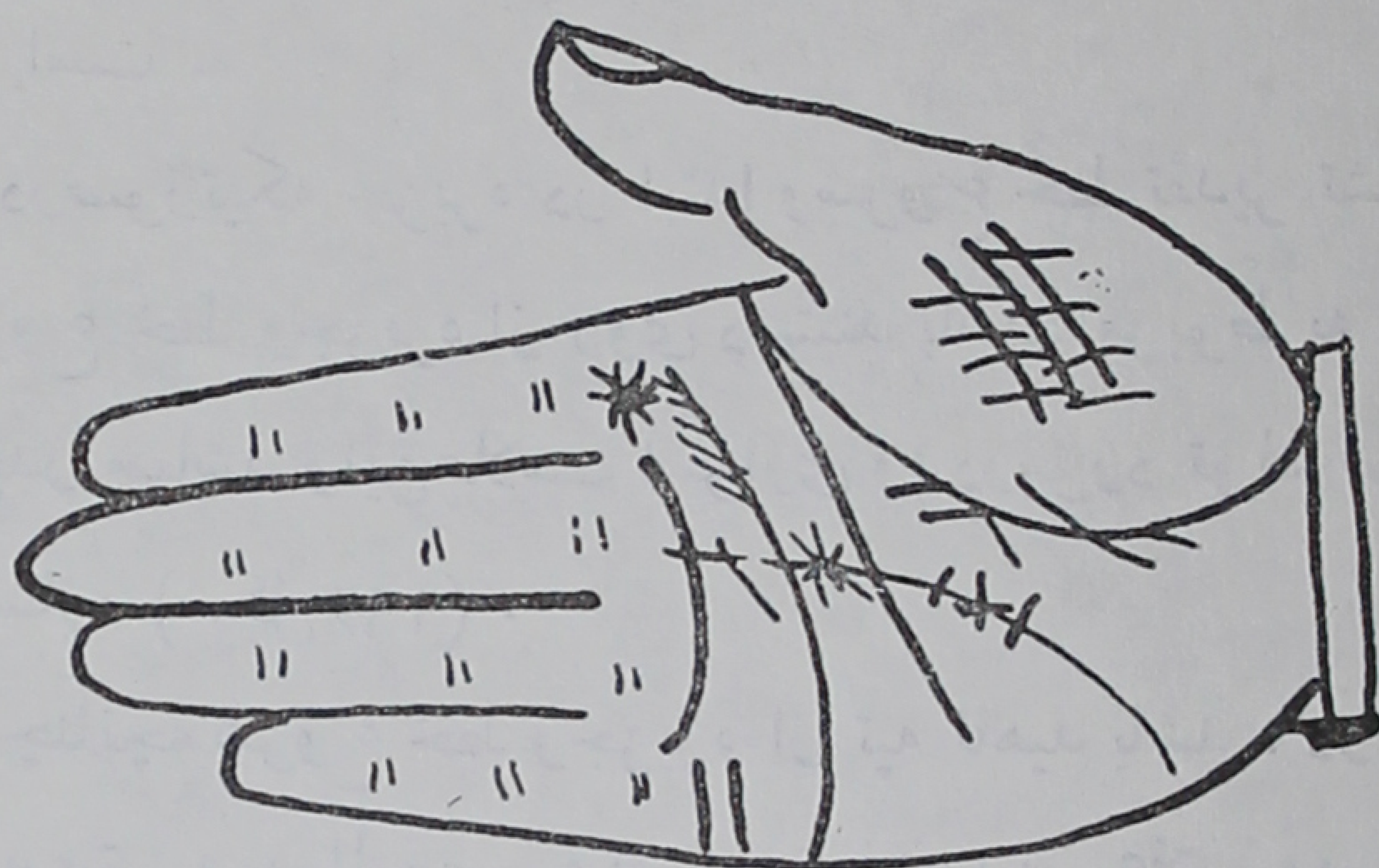
۲۳ـ وقتی در کف دست خط تقدیر نباشد : زندگانی یکنواختی را برای صاحب دست نشان میدهد .

معمولاً اشخاصی که فاقد خط تقدیر میباشند، خط ثروت نیز در دست آنها وجود ندارد ودلیل بر بی حسی وبی تفاوتی است ، ایندسته بهمان زندگانی یکنواخت قانع میباشند وبرای ترقی وپیشرفت خود سعی وکوششی بخرج نمیدهند، در دوران زندگی نه شهرت وترقی دارند و نه بیچاره گی وبدبختی .

غالب روستائیان فاقد این دو خط هستند .

علائم در خط تقدیر

۱ـ صلیب روی خط تقدیر : علامت بدشانسی و بدبیاری است بخصوص اگر خط را قطع نماید .



(شکل ۲۲۱)

صلیب در پائین دست وابتدای خط : بدبختی در اوان عمر ودر انتهای خط بیچارگی درآخر عمر را خبر میدهد. واگر این علامت در

وسط خط قرارگیرد : نشانه تنزل مقام یا ضرر وخسارت است .

درصورتیکه صلیب دروسط صفحه بهرام خط تقدیرراقطع نماید: نشانه مرگ اولاد یا یکی از والدین است .

۲ـ ستاره‌روی خط‌تقدیر: دلیل‌است بر، برگشتن‌بخت وسرنگون شدن وضعیت .

۳ـ نقطه‌های روی این خط: موانع ومشکلات زندگی را نشان میدهد .

۴ـ پره‌های افقی روی خط تقدیر: نیز نشانه موانع ومشکلات در زندگی است (شکل۱۵۶) .

۵ـ مربع روی خط تقدیر: صاحب دست را ازمخاطرات عشقی حفظ میکند .

۶ـ جزیره در خط تقدیر: علامت اتحادهای دوستانه وپیوندهای عاشقانه است .

درصورتیکه جزیره در ابتدا وشروع خط تقدیر تشکیل شود : اگر شروع خط وجزیره از روی دستبند باشد: مربوط به پیوند عشقی مادر وپدر میباشد واین‌علامت اسراری را درمورد تولد صاحب دست فاش میسازد (شکل۱۹۶) .

چنانچه شروع خط وجزیره از تپه ناهید باشد : در دست مرد ، شهوت‌پرستی و بوالهوسی ودر دست زن ، بی عفتی وبی عصمتی را نشان میدهد، بخصوص وقتیکه خط در انتها نیز با جزیره خاتمه یابد .

کسی که دارای چنین‌خطی‌است دوره جوانی رابا عیش‌وعشرت میگذراند وبالنتیجه درآخر زندگی به بدبختی و بیچارگی مبتلا وعمر

خود را با یأس وناامیدی بپایان میرساند .



(شکل ۲۲۲)

وقتی خط تقدیر با جزیره از تپه ماه شروع شود: دوستی وپیوند عشقی بیدوام و بدون عاقبت را نشان میدهد ، اگر شروع آن از محل ضربت باشد : این دوستی وپیوند مربوط بخارج از وطن میباشد.

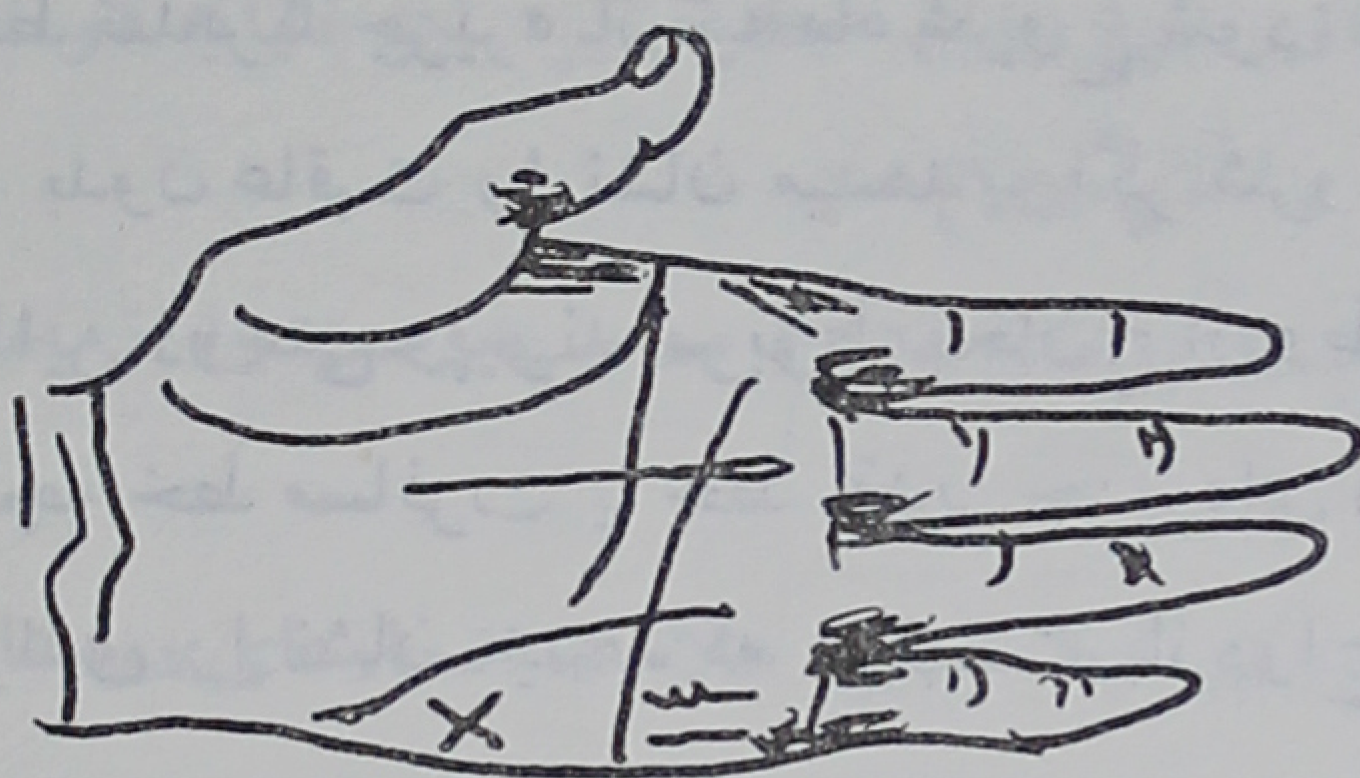
اما چنانچه خط مسافرت با خط تقدیر جزیره‌ای راتشکیل دهد: دوستی و پیوندی را نشان میدهدکه عاقبت بازدواج خواهدکشید (شکل ۱۴۰) .

درصورتیکه خط تقدیر از وسط دست با جزیره شروع شود بطوریکه جزیره‌درصفحه دست قرارگیرد: دلیل‌است برعشق وازدواجی که بدون فکر وتعقل صورت‌گیرد و موجب گفتگو و کدورتهای فامیلی خواهد شد (شکل۱۹۹) .

وقتی خط تقدیر از پائین دست شروع ودر زیر خط سر با خط دیگری جزیره‌ای تشکیل دهد واین جزیره تا خط قلبی ادامه یابد و در آنجا باستاره‌ای ختم شود : نشانه ازدواج اجباری و بدون عشق است و صاحب دست بواسطه عدم توافق اخلاق روزگاری را با ناراحتی‌ها میگذراند وعاقبت هم بجدائی منجر خواهد شد (شکل۱۶۳) .

اما چنانچه خط تقدیر از پائین دست شروع و در صفحه بهرام قطع شود ودر بالای خط سرمجدداً بشکل جزیره شروع وتا روی تپه کیوان بالا رود : ازدواج مجددی را برای صاحب دست نشان میدهد که با عشق ومحبت دوران عمر را با خوشی وسعادت طی خواهد کرد (شکل۱۵۸) .

جزیره درانتهای خط تقدیر که از بالای خط قلبی شروع شود : نشانه یأس وناامیدی است .



(شکل ۲۲۳)

صاحب چنین دستی بواسطه خطا وگناه‌گذشته و از دست دادن شانس، زندگی را با یأس وناامیدی بپایان میرساند .

۷ـ دایره روی خط تقدیر : علامت عشق‌های زودگذر و بیدوام است (شکل۲۰۱) .

۸ـ خط ازدواج که مبداء آن از ناحیه ضربت در زیر انگشت کوچك میباشد و بطور افقی رسم میشود وقتی در انتها پیش‌آید و با خط تقدیرمتصل‌ومتحد شود : ازدواج باسعادتی



(شکل۲۲۴)

را نشان میدهد .

این اشخاص در ازدواج خوش شانس میباشند وپس ازازدواج با توافق و همفکری همسرخویش بسوی سعادت پیش‌میروند وبواسطه مساعدت وهمراهی منسوبین همسر ترقی میکنند وزندگانی‌را با خوشی وکامرانی میگذرانند .

اما اگر خط تقدیر را بشکند یا قطع نماید : بعکس بدشانسی و بدبختی در ازدواج را نشان میدهد .

۹- خطاولاد که محل آن‌همان‌زیرانگشت کوچك وبطورعمودی رسم میشود اگرستاره عمیقی روی‌آن نقش بندد وشاخه‌ای ازاین‌ستاره بطور افقی جلوآمده وخط تقدیر را ببرد: دلیل است برمرگ فرزندکه خوشی وسعادت را از صاحب دست دور می‌سازد .

۱۰- خط مسافرت که شروع آن از ناحیه ضربت وروی تپه ماه رسم میشود چنانچه جلوآید وخط تقدیررا ببرد یابشکند: برای صاحب دست مسافرتی مقدرگردیده که موجب ضرر و خسارت و بدشانسی او میباشد.



(شکل ۲۲۵)

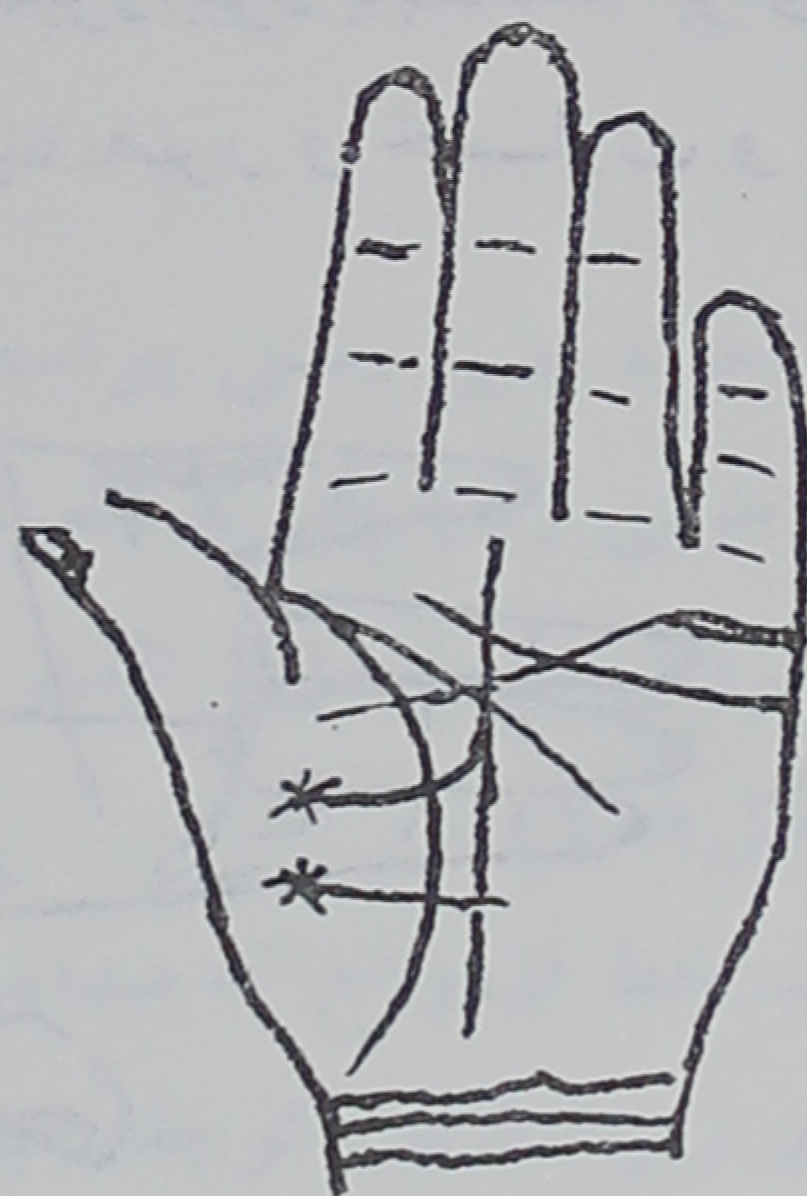
اما اگرخط تقدیرمتصل‌ومتحد شده وتا تپه کیوان بالارود بعکس

نشانه شانس از سفر میباشد وصاحب دست در اوان جوانی بمسافرتی میرود که موجب ترقی وپیشرفت وی خواهد بود .

۱۱ـ خط مهاجرت که ازمچ دست ببالا میرود وقتی باخط تقدیر تلاقی کند وهمراه شود: دلیل‌است براینکه سرنوشت، ترقی وپیشرفت صاحب دست را در خارج از میهن مقدر کرده است .

۱۲ـ خط اندوه که ازتپه ناهیدشروع واز خط عمرعبور میکند، چنانچه با ستاره شروع و در انتها خط تقدیر را ببرد یا بشکند : دلیل است بر مرگ یکی‌از نزدیکان که موجب شکست وقطع شانس میشود.

اما اگراین خط باخط تقدیر متصل ومتحد شود: شانس بعد از غم واندوه راپایان میکند وصاحب دست بواسطه مرگ یکی‌از نزدیکان وبهره‌ای که از ارث میبرد ترقی وپیشرفت خواهد نمود. معمولاً چنین علامتی مرگ یکی از والدین را معین میکند .



(شکل ۲۲۶)



(شکل ۲۲۷)

۱۳ـ حلقه ناهید که ازمابین تپه‌های برجیس‌وکیوان تامابین تپه‌های

خورشید وتیر بشکل نیمدایره نقش می‌بندد وتپه‌های خورشید و کیوان را احاطه میکند، وقتی در دویاسه خط باشد ویا از خطوط درهم‌تشکیل وخط تقدیر را در انتها در خود فرو برد : صاحب دست بواسطه عشق وشهوت وپیروی از امیال‌نفسانی در وادی ضلالت وگمراهی سرگردان وشانس راازخود دور میسازد، مخصوصاً اگرخط قلبی‌هم زنجیری‌باشد.

۱۴ـ خط تجارت که‌از خط عمر به‌تپه تیرمیرود چنانچه در وقت عبور ازصفحه دست، خط تقدیر را ببرد یا بشکند : صدمه بشانس را نشان میدهد ،کسی که دارای چنین خطی است در امور اقتصادی دست باقدامی میزندکه موجب استفاده و پیشرفت در امور مادی است ولی بشانس ومقدرات خود لطمه وارد میسازد (شکل۱۵۱) .

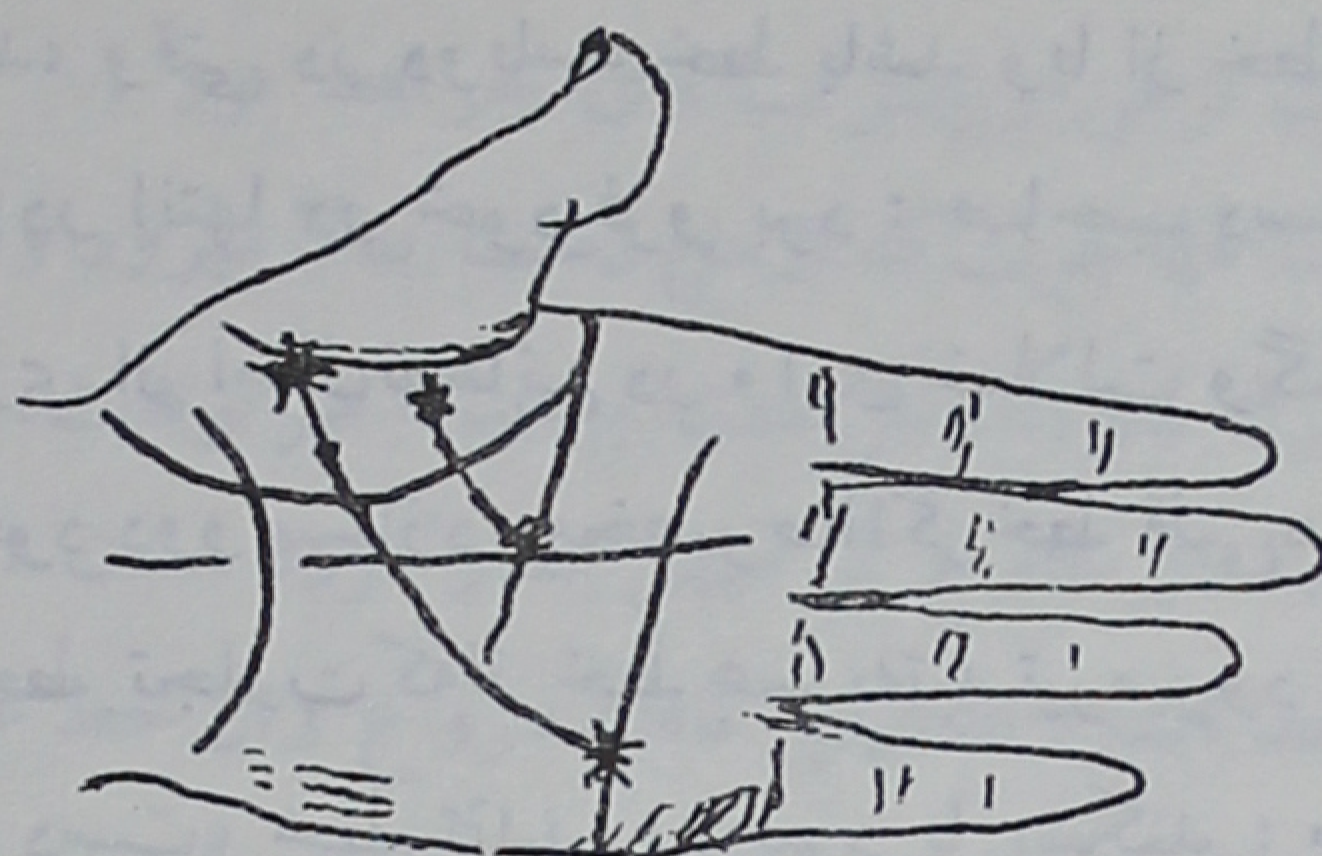
۱۵ـ خط نخوت وقتی از خط سر شروع وپس‌از عبور از خط تقدیر به تپه برجیس‌برود واین خط را قطع نماید: قطع شانس وتنزل مقام را بواسطه‌کبر ونخوت زیاد نشان میدهد (شکل۲۰۰) .

۱۶ـ خط تقلب که از انتهای تپه ناهید به تپه تیرمیرود وقتی خط تقدیررابشکند: دلیل‌است براینکه صاحب‌دست بواسطه تقلب وخیانت بشانس ومقدرات خود لطمه میزند .

ایندسته چون‌برای پیشرفت وترقی‌عجله دارند درزندگی‌راه غلط را درپیش‌گرفته ومیخواهند ازراه‌کج زودتر بمقصود ومراد خود برسند وبالنتیجه شانس را از دست میدهند ولی اگر خط بعداً مستقیم وبدون ضایعه بالا رود وخط ثروت نیز همراهی نماید از کردار خود پشیمان و راه راست‌وراستی‌راپیش‌گرفته‌واعمال گذشته خودراجبران‌خواهندنمود.

۱۷ـ خط‌بهشت‌مصنوعی که درپائین‌دست‌بطورمورب یانیمدایره

از خط عمر به تپه ماه میرود وقتی خط تقدیر را بشکند :



(شکل ۲۲۸)

صاحب دست درجوانی بواسطه زیاده روی در مشروبات الکلی واعتیاد بمواد مخدره خودرا بدبخت و بیچاره میسازد مگر آنکه بتواند ترك اعتیاد کند دراینصورت خط تقدیر بالاکه میرود مستقیم وروشن خواهد شد.

نظریه

خط تقدیر در کف دست نشان دهنده تقدیر وسرنوشت است ، امر ازدواج نیزیکی ازمقدرات انسانی میباشد وهمینطوریکه مرد وزن پس از ازدواج درزندگانی شریك ومتحدمیشوند بدیهی است سرنوشت ومقدرات آنها نیز با هم ارتباط پیدا میکند .

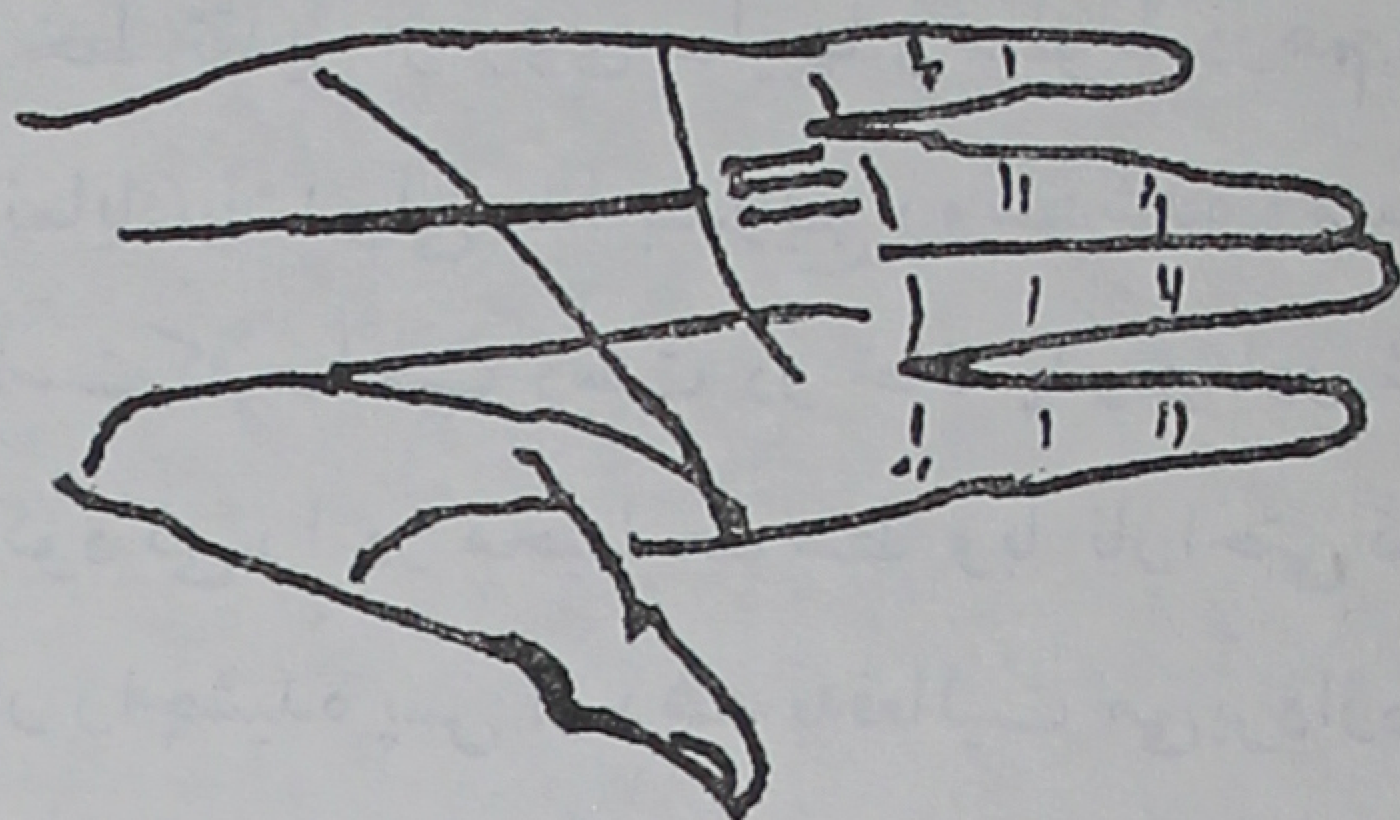
بنابراین در موقع مطالعه خط تقدیر بایستی به خط ازدواج و کلیه علائمی که مربوط به عشق وازدواج میباشد توجه کامل بشود.

خط تقدیروقتی ازبالای خط دستبند شروع ومستقیماً تاتپه کیوان بالا رود: نشانه اصالت فامیلی است ودلیل براین است که صاحب دست درخانواده محترم ونجیب متولدشده واوان زندگی رادرتحت سرپرستی پدر و مادر مربی طی کرده وبعداً هم در اثر حسن تربیت ، تحصیل و

حسن شهرت فامیلی زندگانی روشنی خواهد داشت.

چنانچه این خط از حد خود تجاوز نماید یعنی از تپه کیوان عبور نموده و از مفصل انگشت هم بگذرد: دلیل برسرنگون شدن وضعیت است. «فواره چون بلند شود سرنگون شود» (شکل ۲۰۹)

وقتی خط تقدیر از خط عمر شروع شود و تا تپه کیوان بالا رود: هوش و لیاقت صاحب دست را نشان میدهد.



(شکل ۲۲۹)

ایندسته پس از اینکه عقل و کفایت پیدا کردند بواسطه هوش و لیاقتی که دارند بکار و فعالیت می‌پردازند و از زمانیکه این‌خط از خط عمر جدا میشود از زیر نفوذ پدر و مادر بیرون میروند ومستقلاً وارد کارواجتماع شده و پیش‌میروندودرصورتیکه خط‌ثروت هم خوب باشد ترقی وپیشرفت کرده بمقامهای ارجمندی خواهند رسید.

وقتی شروع خط تقدیر از تپه ماه باشد: شانس در ازدواج را نشان میدهد، خداوند برای ایندسته همسر شایسته ولایق مقدر فرموده و ترقی وتعالی صاحب دست بعد از ازدواج خواهد بود.

درصورتیکه این خط از محل ضربت شروع و پس از عبور از تپه ماه بالابرود: مسافرت موجب ترقی وسعادت صاحب دست میباشد.

وقتی‌خط تقدیراز تپه ناهید شروع شود: نشانه زندگی‌ناراحت و متلاطم است (شکل۲۱۵) .

ایندسته در ازدواج شانسی ندارند و بواسطه عشق به تجمل ، زینت، خودآرائی واصراف وهمچنین صفت رشك وحسد وچشم وهم چشمی زندگی را برخود تلخ و سعادت را از خود دور میسازند . این خط بیشتر در دست زنها دیده میشود .

وقتی خط تقدیر از روی صلیبها وخطوط درهم وبرهمی شروع ودرابتدا کم نمایان‌باشدولی‌بعداً بتدریج روشن‌شده ومستقیماً بالا برود: دلیل براین است که صاحب دست در خانه پدر ومادر شانسی نداشته و حتی دوران کودکی را در محیط متوسط وبا ناراحتی‌گذرانیده وچون تلخی روزگار راچشیده پس از رشد به‌فعالیت می‌پردازد وباکمال سعی وکوشش وپشتکار در راه زندگی پیش میرود .

بعکس‌اگر خط تقدیردرابتدا روشن وخوب وبدون ضایعه باشد وبالاکه میرود خراب شود: دلیل براین است که صاحب دست درخانه پدر ومادر درکمال‌رفاه وآسایش بوده وقدر نعمت وراحتی راندانسته وبواسطه عیاشی وشهوت‌رانی ومعاشرت با اشخاص ناجنس شانس را از دست میدهد وزندگانی خود را تباه میسازد .

خط تقدیر ازهرکجاکه شروع شود بطرف تپه‌کیوان بالا میرود ووقتی به تپه میرسد یابوسط تپه منتهی میگردد ویا اینکه بطرف چپ یا راست متمایل میشود .

بنابراین اگرکاملاً درمیان تپه قرارگیرد : صاحب دست منحصراً از اثرات سعدکیوان برخوردار میباشد ولی چنانچه بطرف راست ویا

چپ تمایل پیدا کند کواکب مربوطه در مقدرات وی اثر دارند .

بهمچنین اگر خط تقدیر در انتها شاخه‌دار باشد وقتی تمام شاخه‌ها متحداً بروی تپه کیوان منتهی شوند: زندگانی صاحب دست به زنجیر مقدرات بسته و نمیتواند ازسرنوشت خود سرپیچی نماید و زندگانی وی جبر محض خواهد بود، ولی چنانکه یکی از شاخه‌ها به تپه برجیس برود، میتواند باکمك ومساعدت بزرگان واشخاص عالیمقام درشغل و کار اداری پیشرفت وترقی نماید واگر یکی ازشاخه‌ها به تپه خورشید برود، راه پیشرفت وترقی از طریق هنر وصنعت برای اوباز است واگر یکی از شاخه‌ها به تپه برود ، از طریق تجارت و اقتصاد میتواند پیشرفت کند .

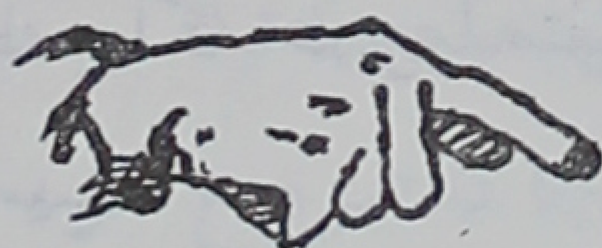
چنانچه این خط در انتها بروی تپه کیوان نرسد و زودتر تمام شود: دلیل بر کوتاهی شانس وسعادت است.

جزیره در خط تقدیر : بیشتر از کفشناسان این علامت را خوب تعبیر نمی‌کنند و عقیده دارند جزیره در خط تقدیر، بی‌عصمتی، فسق وفجور،عشقهای شهوانی ویا عشق وپیوندهای غم‌انگیز رانشان‌میدهد، بعضی‌هم این علامت را اتحاد و ازدواج ونمودار یك درخشندگی در زندگی میدانند، ولی آنچه راکه عموماً متفق‌القولند جزیره دراین‌خط علامت پیوندهای عشقی است.

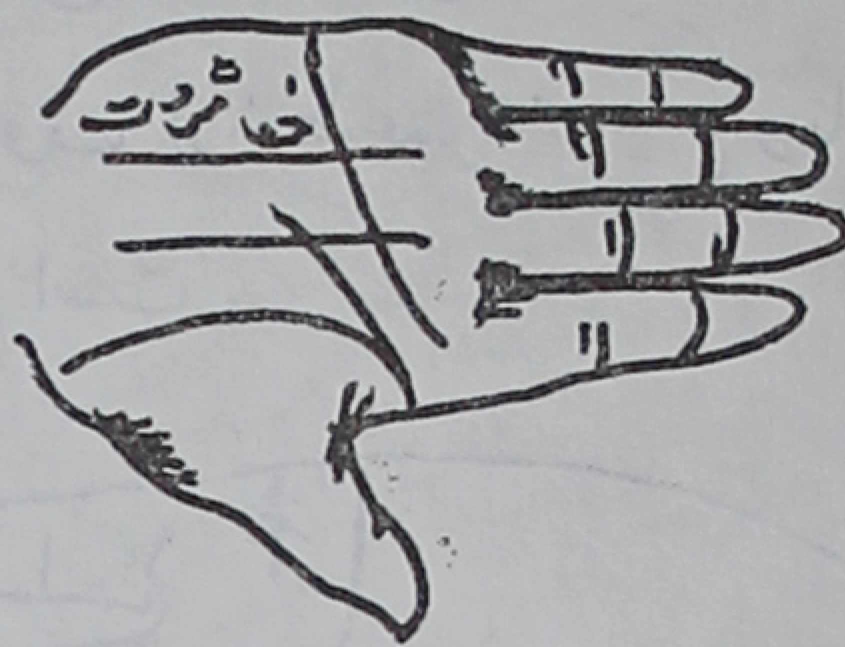
بنابراین وقتی خطازدواج خوب وعلائم عشق، توافق‌وصمیمیت در دست مشهود باشد، جزیره‌ای که دربالای صفحه دست تشکیل شود دلیل بر ازدواج باسعادت است بخصوص وقتیکه خط تقدیر بعد ازتمام شدن جزیره مستقیم وروشن باشد، واگر سایرعلائم مساعد نباشند وعدم

توافق را بیان نمایند بعکس علامت بدبختی است و آنچه محقق ومسلم است جزیره‌ای که در بالای صفحه تشکیل میشود نمودار تاریخ وزمان ازدواج است وجزیره درانتهای خط یا وقتی خط تقدیر از تپه ناهید با جزیره شروع شود یاجزیره‌ای که در موقع عبور خط تقدیر از خط‌سر مابین این‌دو خط قرار گیرد ویاجزیره‌ای که با صلیب یاستاره ختم شود خوب نیست.

بطور کلی خط تقدیر وقتی خوب است که مستقیم وروشن واز حیث‌عمق ورنگ متوسط ووقتی بالا میرود خط‌ثروت نیزباآن همراهی کند وخط سرهم‌خوب ومتناسب باشد ولی چنانچه این خط از شروع تا انتها یکنواخت نباشد وازحیث شکل ورنگ وعمق تغییر کند دلیل بر زندگانی رنگارنگ و پراز تغییرات میباشد.



خط ثروت



(شکل ۲۳۰)

خط ثروت یا خط خورشیدی که بعضی آنرا خط موفقیت هم میخوانند ، یکی از خطوط اصلیه و از نظر تعیین وضع زندگانی قابل توجه میباشد .

کفشناسان این خط را خورشید زندگی میدانند ومعتقدند وقتی کف‌دست فاقداین خط باشد زندگانی شخص تاریك وحتی اگربزرگترین استعدادها را داشته‌باشد سعادتمند نخواهد بود .

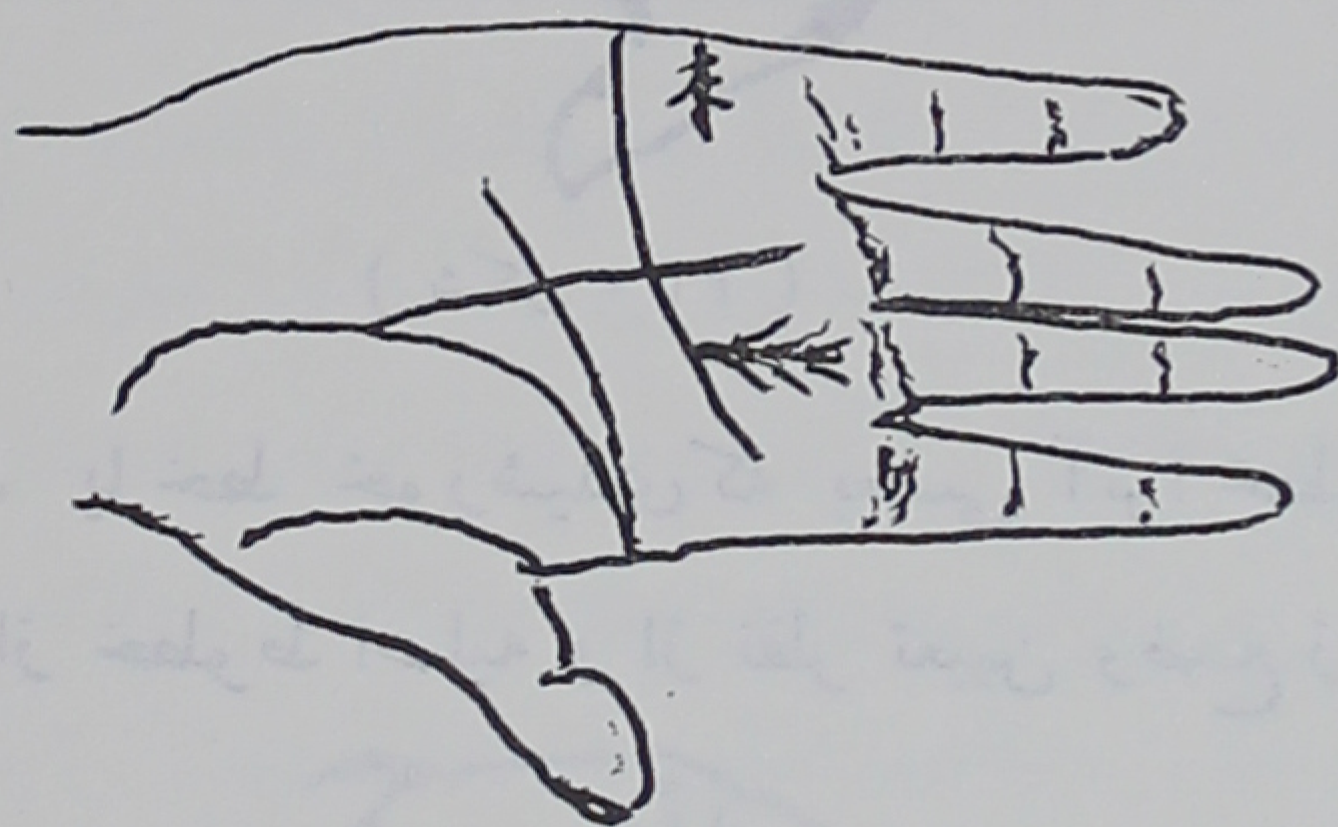
خط ثروت یا خط خورشیدی مکمل خط تقدیر یا خط شانس میباشد و این دوخط لازم وملزوم یکدیگرند وکسی که فاقد یکی ازاین

دوخط باشد زندگی متلاطم وپرنشیب وفرازی را میگذراند وهیچوقت به‌سعادت‌کامل نخواهد رسید .

بزرگان، کاشفین و مخترعین ، هنرمندان ومصنفین و بطورکلی اشخاص برجسته وآنهائیکه موفق‌ومشهور هستند دارای دوخط ثروت وتقدیر روشن ، مستقیم وبلند میباشند .

خط ثروت نیز مانند خط تقدیر ازنقاط مختلفی شروع میشود: از خط عمر، از خط‌تقدیر، ازپائین دست وبالای خط دستبند، ازصفحه بهرام، ازتپه‌بهرام ، ازتپه ماه ، ازخط‌سر ، ازخط قلبی ویافقط روی تپه خورشید خط قائم کوتاهی رسم میشود .

۱ـ وقتی خط‌ثروت ازخط‌عمر شروع وتاتپه خورشید بالارود، علامت پیشرفت وترقی است .



(شکل ۲۳۱)

اشخاصیکه دارای چنین خطی هستند ، فوق‌العاده با هوش وبا لیاقت میباشند ودر نتیجه سعی وکوشش وهوش وابتکارترقی وپیشرفت کرده به ثروت وسعادت میرسند .

۲ـ اگر شروع این خط ازخط تقدیر باشد: تقدیر موجبات ترقی

وپیشرفت‌را فراهم میسازد وصاحب دست بواسطه شانس‌های غیرمنتظره باوج ترقی وشهرت خواهد رسید (شکل۱۷۹) .

۳- چنانچه‌خط ثروت ازپائین‌دست وازبالای‌خط دستبند شروع وبدون اینکه باخط عمر یا خط‌تقدیر تلاقی کند تا تپه خورشید بالارود: ثروت وسعادت موروثی را معین میکند .



(شکل۲۳۲)

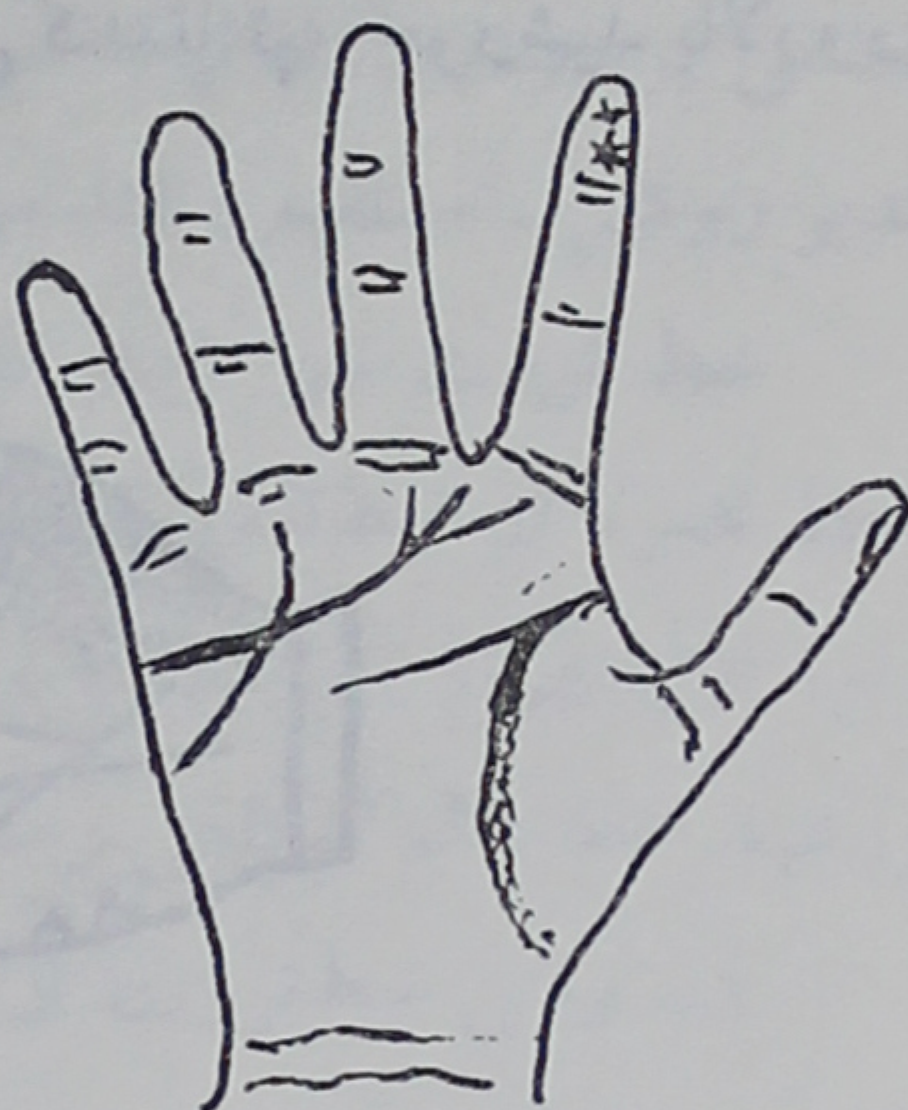
اشخاصی که دارای چنین خطی هستند ، باسعادت متولد شده و باسعادت هم زندگی‌میکنند وبواسطه ثروت ویامقام وشهرت‌پدر، همیشه نیکبخت و سعادتمند خواهند بود .

۴- درصورتیکه مبدأ آن ازصفحه بهرام باشد: زندگانی بانهضتی را برای صاحب دست نشان میدهد .

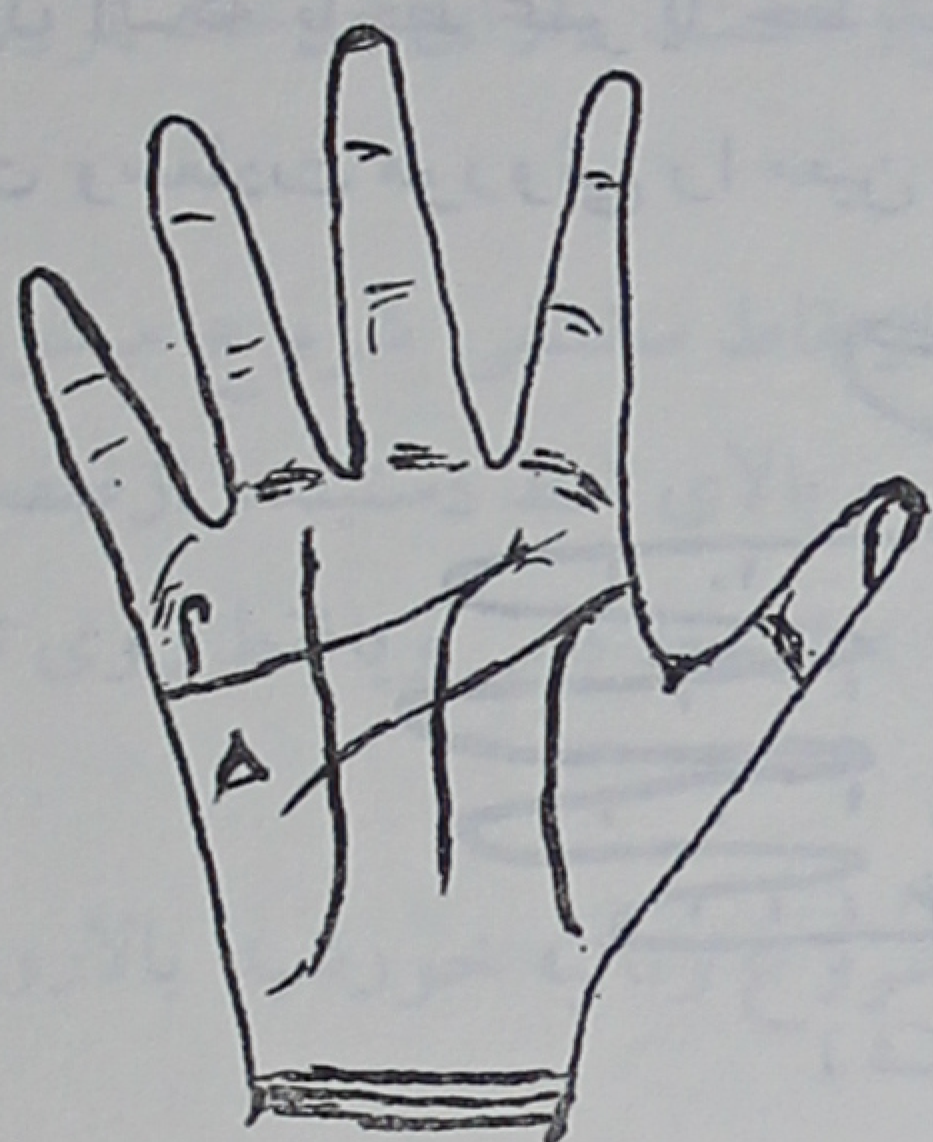
این اشخاص جنگجو وشورش‌طلب وهمیشه ودرهرکاری مبارزه ونهضت را دوست دارند ، چنانچه خط ثروت تا تپه خورشید بالا رود وخط تقدیر هم مساعد باشد بالاخره موفق و بشهرت و افتخار خواهند رسید (شکل۲۰۹) .

۵- وقتی‌شروع‌خط ثروت ازتپه‌بهرام‌باشد: جرأت وخونسردی را نشان میدهد، این اشخاص دارای روحیه نظامی ، شجاع و ثابت‌قدم

هستند وچنانچه واردخدمت ارتش بشوند وتحصیلات خودرا درقسمت نظام بپایان برسانند ترقی وپیشرفت کرده و بارتقاء درجه مفتخر خواهند شد. صاحب منصبان وافسران ارشد غالباً دارای چنین خطی میباشند .



(شکل ۲۳۳)



(شکل ۲۳۴)

۶ـ وقتی شروع خط ثروت ازتپه ماه باشد، نشانه ترقی وپیشرفت دراثر مساعدت ومحبت عمومی است، ایندسته بواسطه شغلی که دارند محبوب القلوب واقع میشوند ودرمدت کوتاهی به ثروت وسعادت میرسند.

هنرمندان وآرتیست‌ها، واعظین وناطقین ، علماء ، روحانیون ، اطباء و داروسازان غالباً دارای چنین خطی میباشند .

۷ـ وقتی خط ثروت ازبالای خط سر شروع وتا تپه خورشید بالا رود : ترقی وپیشرفت صاحب دست بعدازسی سالگی است، معمولاً این خط درکف دست اشخاص تحصیل کرده ومتفکر دیده میشودکه پس از پایان دوره تحصیلات عالی مقام بزرگی را اشغال و در مدت کوتاهی بشهرت وافتخار میرسند (شکل ۱۷۵) .

۸- اگر شروع خط ثروت ازخط قلبی باشد: خط قلبی مربوط به‌عشق ومحبت است ودرصورتیکه این‌خط ازداخل‌خط‌قلبی بیرون‌آید وتا تپه خورشید بالا رود، صاحب دست در عشق و ازدواج خوشبخت است و بواسطه شانس همسر از سنین چهل سالگی به بعد به ثروت و سعادت خواهد رسید .

چنانچه این‌خط از بالای خط قلبی شروع شود: ثروت وسعادتی را نشان میدهد‌که درنتیجه لیاقت شخصی بدست‌آید .



(شکل ۲۳۵)



(شکل ۲۳۶)

۹- چنانچه خط ثروت بصورت خط‌کوتاهی روی تپه خورشید رسم شود : نیز دلیل بر ثروت و سعادت است ، اما پس‌از زحمات و مشقات زیاد وصاحب دست پس‌ازگذرانیدن دوره‌جوانی وروبروشدن با ناملایمات و سختی‌های بیشمار بسعادت خواهد رسید و دوران پیری را باخوشی بسرمیبرد .

کفشناسان این‌خط را به‌ترقی و پیشرفتهای اولاد تعبیر میکنند.

۱۰ـ وقتی‌خط ثروت درانتها بطرف تپه تیر متمایل باشد: استعداد بجمع آوری مال ومکنت را نشان میدهد واینددسته مردم سعادت را در ثروت‌میدانندومخصوصاً درزمان‌پیری بیشتر حریص میشوند(شکل۲۰۱).

درصورتیکه‌تمایل‌این‌خط بطرف‌تپه‌کیوان‌باشد: بعقیده‌کفشناسان نحوست‌کیوان در زندگانی شخص اثر میکند و ممکن است در نتیجه بی‌فکری ولاقیدی ضرر وخساراتی را متحمل شود (شکل۲۰۲).

۱۱ـ خط ثروت‌چنگالی: وقتی‌این‌خط درانتها دوشاخه‌وچنگالی شود: چون صاحب دست در دو رشته مختلف‌کارمیکند و قوای فکری خودرا دردوقسمت مختلف مصروف‌میدارد موفقیت‌کامل‌حاصل‌نمیکند.

این‌علامت دردست آنهائی دیده‌میشود که دومرتبه‌ازدواج میکنند وبا داشتن ثروت هرگز روی سعادت را نمی‌بینند.



(شکل۲۳۷)

درصورتیکه خط درابتدا چنگالی باشد: سعادت ونیکبختی بعد از مرارت و بدبختی را نشان میدهد (شکل۱۲۴).

وقتی خط ثروت اززیرخط سر شروع وبا خط سر چنگالی را تشکیل دهد: ثروتی را نشان میدهدکه از راه حیله وریا بدست‌آید.

غالب‌رباخواران و عالم‌نماها و آنهائیکه ظاهرالصلاح وبرای بدست‌آوردن پول وثروت خود را مقدس ومذهبی جلوه میدهند دارای این‌چنین خطی هستند.

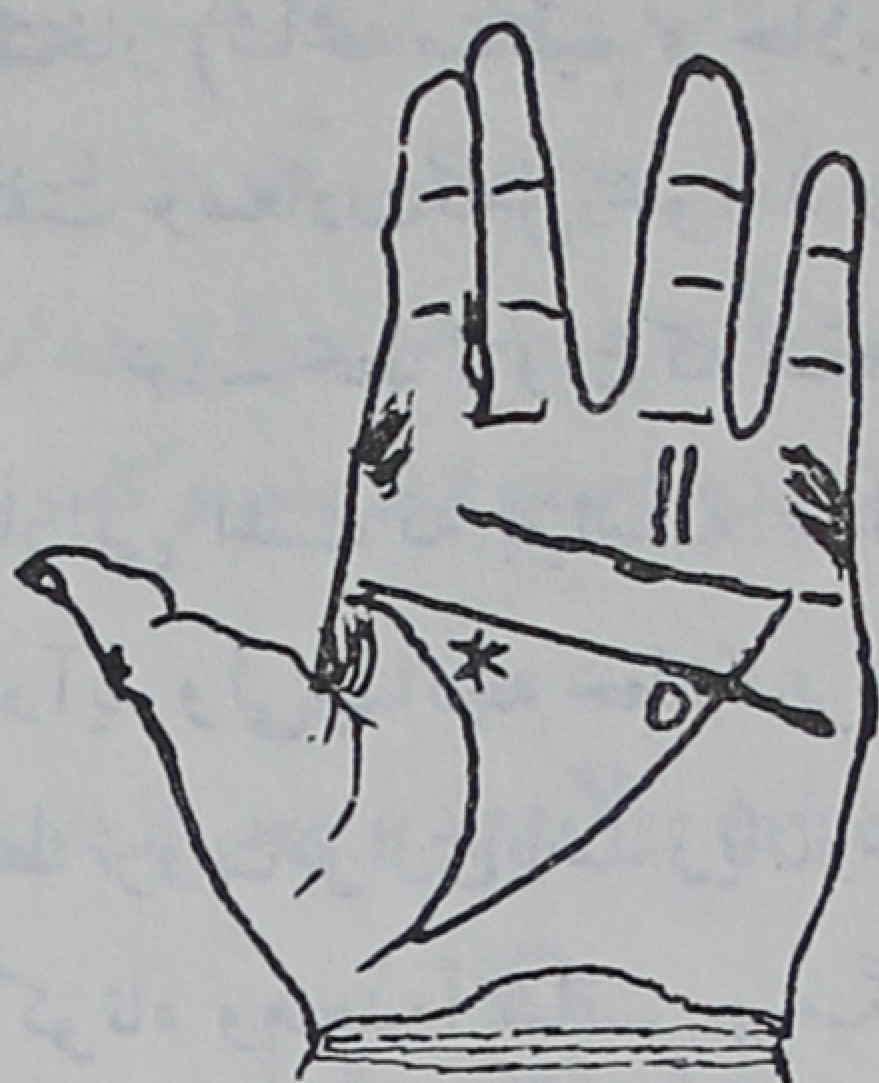
۱۲ـ خط شاخه‌دار: وقتی خط ثروت درانتها بشاخه‌هائی منشعب

شود ، علامت زیرکی وزرنگی است ولی ایندسته سعی وجدیت خود را همیشه در راه ورشته‌های مختلفی بکارمی‌برند وبهمین جهت زندگانی آنها پرنشیب وفراز وبموفقیت‌کامل نخواهند رسید (شکل۱۵۶) .

درصورتیکه این‌خط درابتدا شاخه‌دارولی ازخط سربدون شاخه و مستقیماً تا تپه خورشید بالا برود : دلیل براین است‌که وضع مالی صاحب دست دراوان زندگی‌خوب نیست ولی‌پس‌از رشدقوای عقلانی وبپایان رسانیدن تحصیلات عالی بسعادت و ثروت خواهد رسید .



(شکل ۲۳۸)



(شکل ۲۳۹)

۱۳ـ خط ثروت مضاعف : نمودار شهرت وافتخار است حتی اگرکوتاه وفقط روی تپه باشد .

۱۴ـ سه خط قائم ومستقیم ومساوی وروشن روی تپه خورشید: نشانه سعادت وخوشبختی است ووقتی خط ثروت باینصورت در روی تپه نقش بندد، دلیل است براینکه خورشید سعادت در زندگی صاحب دست تابش دارد واین علامت دردست اشخاصی‌دیده میشودکه فامیلاً

اصیل و محترم و دارای هوش سرشار و افکار عالی هستند و بواسطه معاشرت ویا وصلت با طبقات عالی ویا تشکیل شرکت واتحادیه‌ها بمقام وشهرت رسیده ودوران عمررا باسعادت کامل وخوشی بسر میبرند (شکل ۲۲۹).

۱۵- اگرسه خط ازصفحه دست شروع ودرحالیکه بهم نزدیك میشوند بالا روند و در بالای خط قلبی متحد شده و بصورت یك خط به تپه خورشید برسد: دلیل براین است که صاحب دست دارای بخت و اقبال (شاخه جاذبه تیر) لیاقت وجدیت (شاخه جاذبه کیوان) سعادت و افتخار (شاخه مستقیم و جاذبه خورشید) میباشد و بالنتیجه به ثروت هنگفت وسعادت کامل خواهد رسید (شکل ۱۲۱).

۱۶- خط ثروت که منقطع و یا شکسته باشد: دلیل بر زیان و خساراتی است که بواسطه عداوت و دشمنی اشخاص بصاحب دست وارد آید ولی چنانچه خط تقدیر خوب و مستقیم و مخصوصاً در تخته دست باخط ثروت موازی باشد زیان وخسارات ویاتنزل مقام‌ها بی اهمیت ومدت آن کوتاه ومجدداً شانس برمیگردد وبسعادت وخوشبختی میرسد.



(شکل ۲۴۰)



(شکل ۲۴۱)

۱۷– وقتی خط ثروت از پائین دست شروع ودر زیر خط سر غفلتاً متوقف شود : دلیل براین است که صاحب دست دارای ثروت پدری بوده ولی بواسطه جوانی و معاشرت با اشخاص ناجنس قبل از سی‌سالگی ثروت خود را از دست میدهد .

چنانچه در زیرخط قلبی این‌خط غفلتاً توقف کند: صاحب دست بواسطه ازدواج ویا عشق ومحبت ، سعادت وثروت خود را از دست خواهد داد .

۱۸– خط ثروت که دارای پیچ و تاب باشد : علامت پیچ و تاب‌های درکار وزندگی است بخصوص اگر پیچ وتاب‌آن در انتها و روی تپه خورشید باشد ، این اشخاص بی‌ثبات ومتلون‌المزاج ودارای تردیدرأی میباشند وبهمین جهت‌هیچوقت درمقاصدونیات‌خود که دنبال میکنند موفقیت ندارند .

۱۹– وقتی خط ثروت از تپه خورشید بالا رود و پس از بریدن مفصل انگشت به‌بند سوم برسد : صاحب دست باوج ترقی‌وشهرت خود میرسد ولی بواسطه غرور و تکبر و خودخواهی ، مقام ومنزلت و حتی ثروت خود را از دست خواهد داد.



(شکل ۲۴۲)

۲۰– خط ازدواج که ازتپه تیر (ناحیه‌ضربت) شروع وبطور افقی رسم میشود اگر پیش آید و

خط ثروت را قطع نماید: دلیل برازدواجی است که بواسطه عدم اخلاق و ناسازگاری همسر و گفتگوهای خانوادگی ، صاحب دست سعادت و حتی ثروت خودرا از دست میدهد .

اما چنانچه خط ازدواج جلو آید و با خط ثروت متحد و متصل شود : علامت نیکبختی وسعادت است و صاحب دست پس از ازدواج به‌ثروت وسعادت خواهد رسید .



(شکل ۲۴۴)



(شکل ۲۴۳)

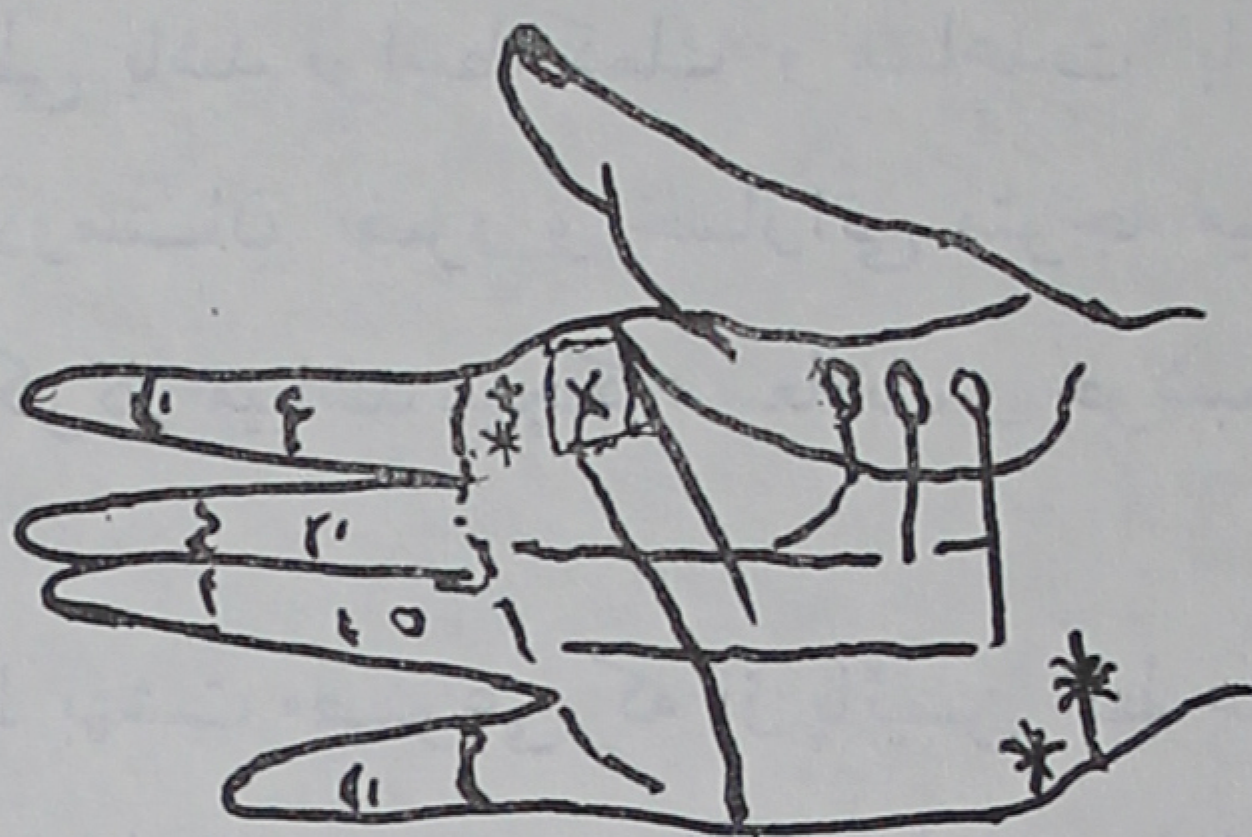
۲۱ــ خط مسافرت که روی تپه‌ماه (ناحیه ضربت) شروع وبطور افقی رسم میشود، چنانچه پیش آید وخط ثروت راببرد: زیان وخساراتی را در مسافرت نشان میدهد .

اما اگر این خط در انتها با خط ثروت متصل و متحد شود وتا روی تپه خورشید بالا رود : سرنوشت ، سعادت صاحب دست را در مسافرت مقدر کرده است.

۲۲ـ خط اندوه که از تپه ناهید شروع و ازخط عمر عبور میکند چنانچه خط ثروت را ببرد: هواپرستی موجب ضررو خسارت میشود.

اگر این خط از روی تپه ناهید با ستاره شروع شود : مرگ یکی از منسوبین موجب ضرر و خسارت و از دست دادن سعادت میشود ، کفشناسان این خط را مرگ اولاد تعبیر میکنند (شکل ۱۳۵) .

درصورتیکه خط اندوه با جزیره از روی تپه ناهید شروع شود: عشقهای شهوانی موجب ننگ و رسوائی وغم واندوه فراوان میشود.



(شکل ۲۴۵)

اما اگر این خط در انتها به خط ثروت متصل شود و متحداً تا روی تپه خورشید بالا رود : دلیل است براینکه صاحب دست بواسطه ننگ ورسوائی وفشار فامیل ودوستان باغم‌واندوه‌زیاد، معشوق‌یامعشوقه را ترک گوید و راه سعادت را بپیماید .

۲۳ـ حلقه‌ناهید که ازمابین‌انگشتان‌سبابه ووسطی تامابین‌انگشتان بنصر وخنصر بشکل نیمدایره رسم میشود ، چنانچه در دو یا سه‌خط یا خطوط ریز و درهم و برهم تشکیل شود و خط ثروت را در انتها قطع نماید یا درخود فرو برد : صاحب دست بواسطه عشق و شهوت‌پرستی

ویا ازدواج نامناسب ، ثروت خود را ازدست خواهدداد (شکل۱۳۲).

۲۴ـ خط تجارت که ازخطعمر شروع وبه‌تپه تیرمیرود، چنانچه درموقع عبور ازخط ثروت خط مزبور را ببرد: نشانه ضرروخساراتی است که از راه تجارت وارد آید (شکل۲۰۳) .

۲۵ـ خط وجدان که ازخط تقدیرشروع وبه‌تپه‌تیرمیرود، چنانچه خط ثروت را ببرد : نشانه ضرر وخسارت است .

خط وجدان معرف عاطفه، محبت وخیرخواهی است وکسی که دارای چنین خطی باشد بواسطه‌کمك و مساعدت با همنوعان بویژه خویشاوندان و دوستـــان بضرر و خساراتی متوجه میشود ولی چون خوش قلب ونیکوکار میباشد هیچگاه سعادت و خوشبختی از او دست نمی‌کشد .

۲۶ـ خط بهشت مصنوعی که از پائیـــن خط عمر بطور افقی و مورب تا روی تپه ماه رسم میشود ، اگر خط ثروت‌را بشکند: صاحب دست بواسطه اعتیاد به مواد مخدر ومشروبات الکلی بضرر وخساراتی متوجه خواهد شد .

علائم روی خط ثروت

۱ـ صلیب روی این خط : حادثه ای را نشان میدهد‌که موجب ضرر وخساراتی خواهد شد .

۲ـ ستاره درخط ثروت : علامت روشنی و تابش نور سعادت است ، بشرط اینکه ستاره روشن باشد و به‌خط نیز صدمه‌ای نزند ، اما اگر رنگ آن تیره باشد یا نقطه تاریکی در وسط داشته باشد و خط را بشکند واقعه شومی را اعلام میدارد .

چنانچه خط مستقیماً تا مفصل انگشت بنصر بالا رود ودر اینجا با ستاره‌ای قطع شود: صاحب دست بواسطه زرنگی وشانسی که دارد باوج شهرت وافتخار میرسد بطوریکه باعث رشك و حسد و ناراحتی دیگران میشودولی حادثه‌شوم و ناگهانی‌سرنگونش‌میسازد (شکل۱۲۵).

۳- نقطه روی این خط: علامت کدورت خاطر وناراحتی است.

۴- دایره درخط ثروت : نشانه ضرر وخساراتی است که دراثر بی‌فکری واعتماد بدیگران واردآید .

۵- جزیره درخط ثروت: علامت‌دوستی‌ورفاقت بامردمی ناباب وشرکت درکارهای نامشروع وغیرقانونی است وصاحب دست برای استفاده وپول حیثیت وشرافت خود را لکه‌دار میسازد .

اماچنانچه‌این‌علامت درابتدای‌خط وبوسیله خط‌مسافرت تشکیل شود: مربوط بمسافرت میباشد وصاحب دست در مسافرت وخارج از وطن بواسطه اتحادهای دوستانه یا تشکیل شرکت به ثروت و سعادت خواهد رسید (شکل۱۳۸) .

۶- مربع روی خط ثروت : صاحب دست را از شر دشمنانی بزرگ حفظ میکند .

۷- پره‌های افقی : موانع در پیشرفت و عدم موفقیت را نشان میدهد بخصوص اگر در انتهای خط باشد (شکل۲۴۶) .

۸- خطی که‌ازتپه کیوان‌شروع وبطورمورب بطرف تپه خورشید برود و خط ثروت را قطع نماید : نشانه ضرر و خسارت و از دست رفتن حیثیت است (شکل۲۴۷) .

۹- اگرخطی از تپه تیرشروع وبطورمورب بطرف تپه خورشید



(شکل۲۴۶)



(شکل ۲۴۷)

متوجه شود وخط ثروت را قطع نماید: صاحب دست بواسطه اشتغال بکارهای پست احترام وشخصیت خود را از دست خواهد داد .

۱۰- وقتی خط ثروت ازصفحه بهرام شروع وتاتپه خورشید بالا رود و دو خط از طرفین یکی از زیر انگشت وسطی و دیگری از زیر انگشت خنصر پائین آید وخط را بریده و تشکیل صلیب و مثلثی بدهد: نیز نشانه ضرر و خسارت و عدم موفقیت است ، بخصوص اگر خط ثروت تنها و دست فاقد خط تقدیر باشد . دراینصورت صاحب دست در اثر فعالیت و پشتکار تحصیل ثروت و شخصیتی میکند و برای بالا بردن ثروت بکارهای دیگری دست میزند وعلاوه‌ازاینکه سودی نمیبرد ثروت وحیثیت خود را نیز از دست میدهد .

نظریه :

خط ثروت نیز یکی از خطوط مهمه کف دست بشمار میرود و وجوداین‌خط در کف دست نشانه هوش‌سرشار، ظرافت‌طبع، حساسیت

و عشق به ترقی است و اشخاصی که دارای این خط هستند همیشه برای ترقی، پیشرفت، کسب افتخار وشهرت میکوشند .

وقتی خط ثروت خوب، روشن، مستقیم وبلند باشد: نشانه ثروت و سعادت است مشروط باینکه خط تقــدیر نیز با این خط موازی و همراه باشد .

بعضی این خط را خط سعادت وخط تقدیر را خط شانس یاخط بخت و اقبال میخوانند .

عده‌ای هم این دو خط را متعلق به دو کوکب خورشید و کیوان میدانند وخط ثروت را خط خورشیدی و خط تقدیر را خط کیوان نام نهاده‌اند وعقیده‌دارند خط کیوان سرنوشت ومقدرات شخص‌را نمایش میدهد وخط خورشیدی نشان‌دهنده نور سعادت وچون خورشیدی‌است که بر سرنوشت تابنده است ومیگویند درصورتیکه یکی ازاین دوخط دردست نباشد اثرات نحس کوکب همنام‌خط موجود برزندگی‌صاحب دست مؤثر خواهد بود باین معنی که اگر خط کیوان تنها و بدون خط خورشیدی باشد ، نحوست کیوان اثر میکند و اگر خط خورشیدی تنها باشد صاحب دست در تحت اثرات نحس خورشید قرار میگیرد.

خط تقدیر در زمان تولد درکف دست نقش بسته است ولی‌خط ثروت در زمان تولد دیده نمیشود یا خوب روشن و نمایان نیست و بتدریج پس‌از تحصیل علم ورشد قوه عقل و استعدادها روشن و خوب نمایان میشود .

بنابراین خط‌تقدیر نشان‌دهنده شانس‌واقبال وخط ثروت استفاده ازشانس‌را نشان میدهد، ووقتی این‌دوخط خوب وهمراه باشند صاحب

دست دارای شانس است و بموقع هم از شانس خود استفاده و بهره برداری میکند و بالنتیجه به ثروت و سعادت میرسد .

تمام بزرگان ، نوابغ ، مخترعین ، کاشفین و آنهائیکه بشهرت وافتخار میرسند این دو خط در دست آنها جلوه کننده است .

وقتی در کف دست این دو خط موجود باشد معمولاً دست ظریف، کف دست پر و نرم وانگشتان بلند و خوش ترکیب است و درصورتیکه کف دست گود و مقعر و انگشتان کج و معوج باشد علامت فقر و بدبختی است و اگر این دو خط هم موجود و نمایان باشد اثرات نحس دو کوکب خورشید و کیوان برصاحب دست حکمفرما است .

بنابراین خط ثروت وقتی نشانه موفقیت کامل خواهد بود که خط تقدیر با آن همراهی کند و کف دست نیز پر و نرم و انگشتان هم ظریف و خوش ترکیب باشد مخصوصاً انگشت وسطی، دراینصورت صاحب دست دارای سرنوشت خوب و بواسطه هوش و عقل و لیاقتی که دارد بموقع هم از آن استفاده میکند و اگر در سرنوشت نحوست و شکستی هم داشته باشد با دوراندیشی و حزم واحتیاط از خود دور میسازد وعاقبت بشهرت و افتخار ، ثروت وسعادت خواهد رسید .

درصورتیکه کف دست فاقد یکی ازاین دو خط باشد : علامت زندگانی پرزحمت وعدم موفقیت کامل است .

اگرخط تقدیر تنها باشد : زندگی متلاطم و پرنشیب وفرازی را خبر میدهد ومعمولاً خط تقدیری که تنها باشد سراسر دارای بریدگی‌ها شکستگی‌ها و یا پیچ‌وتاب است و صاحب دست بازیچه دست تقدیر و سرنوشت میباشد، گاه بالا میرود وباوج ترقی میرسد وزمانی دردریای

پرتلاطم زندگی غرق و غوطه‌ور میشود و هیچگاه زندگی آرام و ثابتی نخواهد داشت، مگر آنکه خط ثروت ولو بصورت خط کوتاهی در بالای دست نمودار شود، در اینصورت بواسطه تجارب تلخ زندگی در زمان پیری و آخر عمر با احتیاط و میانه‌روی خودرا ازگرداب حوادث دور میسازد.

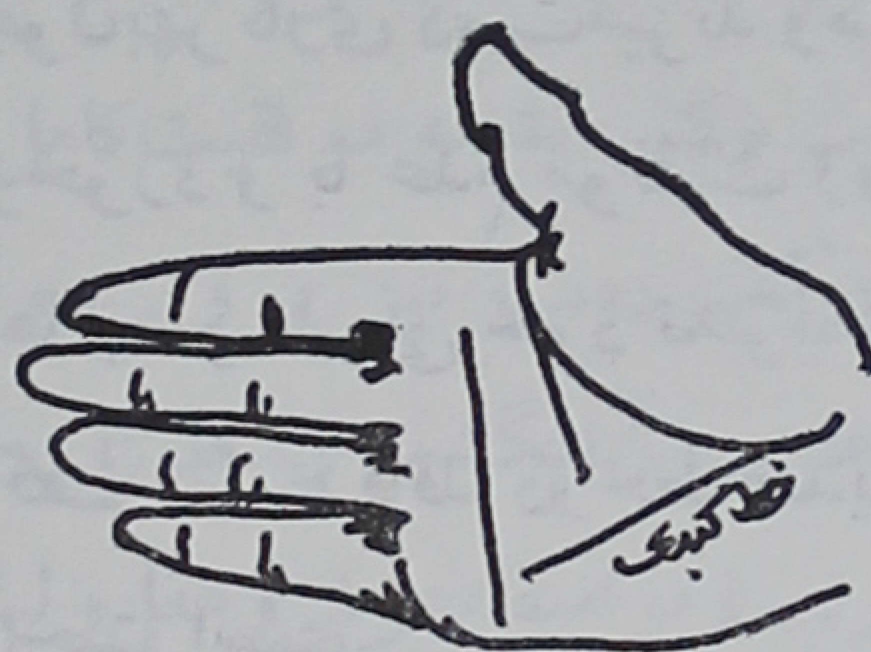
اگر بعکس خط ثروت تنها باشد : پیشرفتهای بیدوام و زندگی پرمشقت و پرغم واندوهی را خبر میدهد .

معمولاً وقتی خط تقدیر نباشد، خط ثروت خیلی نازك، ظریف و پراز پیچ و تاب است، در اینصورت صاحب دست فوق‌العاده باهوش واحساساتی است وچون بهر کاری دست میزند وهر قدمی برمیدارد بموانع واشکالات بزرگی برخورد و با عدم موفقیت روبرو میشود و در نتیجهٔ غم وغصه و ناراحتی‌ها بعمر طبیعی خود نخواهد رسید .

درصورتیکه کف دست فاقد دوخط تقدیر وثروت باشد : نشانه زندگی آرام و یکنواخت است.

معمولاً وقتی این دو خط نباشد ، کف دست کم خط و بدون خطوط ریزودرهم است وجزخطوط قلبی، سر، عمر، کبدی، ازدواج و مسافرت خط دیگری دیده نمیشود حتی ممکن است خط کبدی ومسافرت هم نباشد، ایندسته مردم برای ترقی وپیشرفت فعالیتی ندارند، برای هیچ کار وهیچ موضوعی حرارت بخرج نمیدهند ، بزندگی خود قانع و راضی میباشند ، احساساتی نیستند ، ناراحتی فکری ندارند و غم و غصه را بخود راه نمیدهند، بنابراین نه ترقی و پیشرفت قابل توجهی دارند و نه تنزل وشکست ودارای زندگی آرام ویکنواخت، سالم وتندرست وعمر خود را باآسودگی وآرامش خاطر میگذرانند .

خط کبدی



(شکل ۲۴۸)

خط کبدی که بعضی آنرا خط سلامتی میخوانند خطی است که از پائین کف دست شروع و بطرف تپه تیر بالا میرود .

خط کبدی نیز بنوبه‌خود از نظر تشخیص سلامتی یاامراض دارای اهمیت میباشد .

خط کبدی قابل تغییر است وهرزمان با وضع مزاجی شخص از حیث رنگ، شکل وعلائم تغییر میکند.

بعضی از کفشناسان این خط را ترمومتر بدن میدانند و معتقدند این‌خط مانند عقربه‌حرارت سنج دائماً درحال‌تغییراست ووضع مزاجی

صاحب دست را معین میکند .

خط کبدی نمایشگر سلامتی یا ناسلامتی ریه ، سینه ، کلیه ، کبد ، قلب ، معده و جهاز هاضمه میباشـد باین ترتیب که در قسمت پائین از شروع تاخط سر مربوط به‌جهاز هاضمه وازخط سر تا خط قلبی متعلق به‌قلب وازآنجا ببالا به‌ریه، کلیه و کبد تعلق دارد وبرحسب رنگ، شکل وعلائم سلامتی یا امراض هرقسمت را نمایش میدهد .

۱- وقتی خط کبدی ازپائین دست ، مابین تپه های ناهید وماه ، شروع وتا تپه تیر بالا رود و خوش رنگ و بدون هیچگونه ضایعه‌ای هم باشد : نمودار صحت وسلامتی وتندرستی است .



(شکل ۲۴۹)



(شکل ۲۵۰)

وقتی خط کبدی از خط عمر شروع شود: آدم ظریف وضعیف‌البنیه‌ای را معرفی میکند .

درصورتیکه این خط بدون ضایعه تا تپه تیر ادامه یابد : صاحب

دست در برابر امراض دارای قوه مقاومت میباشد و سلامتی خود را حفظ مینماید .

اگر این خط تا زیر خط سر بیشتر بالا نرود : نشانه ضعف قلب است (شکل۱۸۵) .

چنانچه بیشتر بالا برود ودرزیر انگشت بنصر ازخط قلبی عبور کند واین‌خطرا ببرد ودرانتها قبل‌ازاینکه به‌تپه تیر برسد باخط کوچك افقی قطع شود : خطر سکته قلبی را اعلام میدارد ، بخصوص اگر خطی هم از بالای تپه ماه شروع و پس از عبور از تپه بهرام باین خط بپیوندد (شکل۱۸۶) .

اگر این‌خط کوتاه باشد و پس‌از جداشدن ازخط عمر تا صفحه بهرام بالاتر نرود وقطع شود : نامرتبی‌کار لوزالمعده وابتلای بمرض قند را نمودار میسازد (شکل۱۲۳) .

اگر این‌خط پس‌از جداشدن ازخط عمرطوری بالا رود که باخط عمر یا خط تقدیر جزیره‌ای‌را تشکیل‌بدهد: علامت پیش‌حسی ورویای صادقه است (شکل۲۱۳) .

۳ـ وقتی خط کبدی ازپائین دست نزدیك خط‌عمرشروع وبدون ضایعه تا تپه تیر بالا برود: دلیل برسلامتی وتندرستی‌است (شکل۱۱۷).

چنانچه این‌خط‌قبل‌ازاینکه به‌خط سر برسد قطع‌شود: اضطراب وطپش قلب را نشان میدهد .

اگرخط بالاتر برود وقبل ازاینکه به‌خط قلبی برسد قطع شود : نامرتبی‌کار کلیه و کبد را خبر میدهد (شکل۲۱۷) .

۴ـ وقتی خط کبدی از روی تپه ناهید شروع و پس‌از عبور از

خط عمر در زیر خط سر متوقف شود: نشانه ضعف قلب است (شکل۱۸۷).



(شکل ۲۵۱)

اما اگر خط عمر را قطع نماید: حادثه شومی را برای صاحب دست خبر میدهد بخصوص وقتیکه این خط در زیر خط سر غفلتاً قطع شود (شکل۲۳۲) .

۵ـ خط کبدی چنگالی : وقتی این خط در زیر خط سر یا در صفحه بهرام با چنگال ختم شود: خطر تنگ شدن دریچه میترال را خبر میدهد (سکل۱۴۳) .

۶ـ خط کبدی شاخه‌دار : ضعف بنیه و ناسالمی اعضای داخلی را نشان میدهد (شکل۱۸۹)

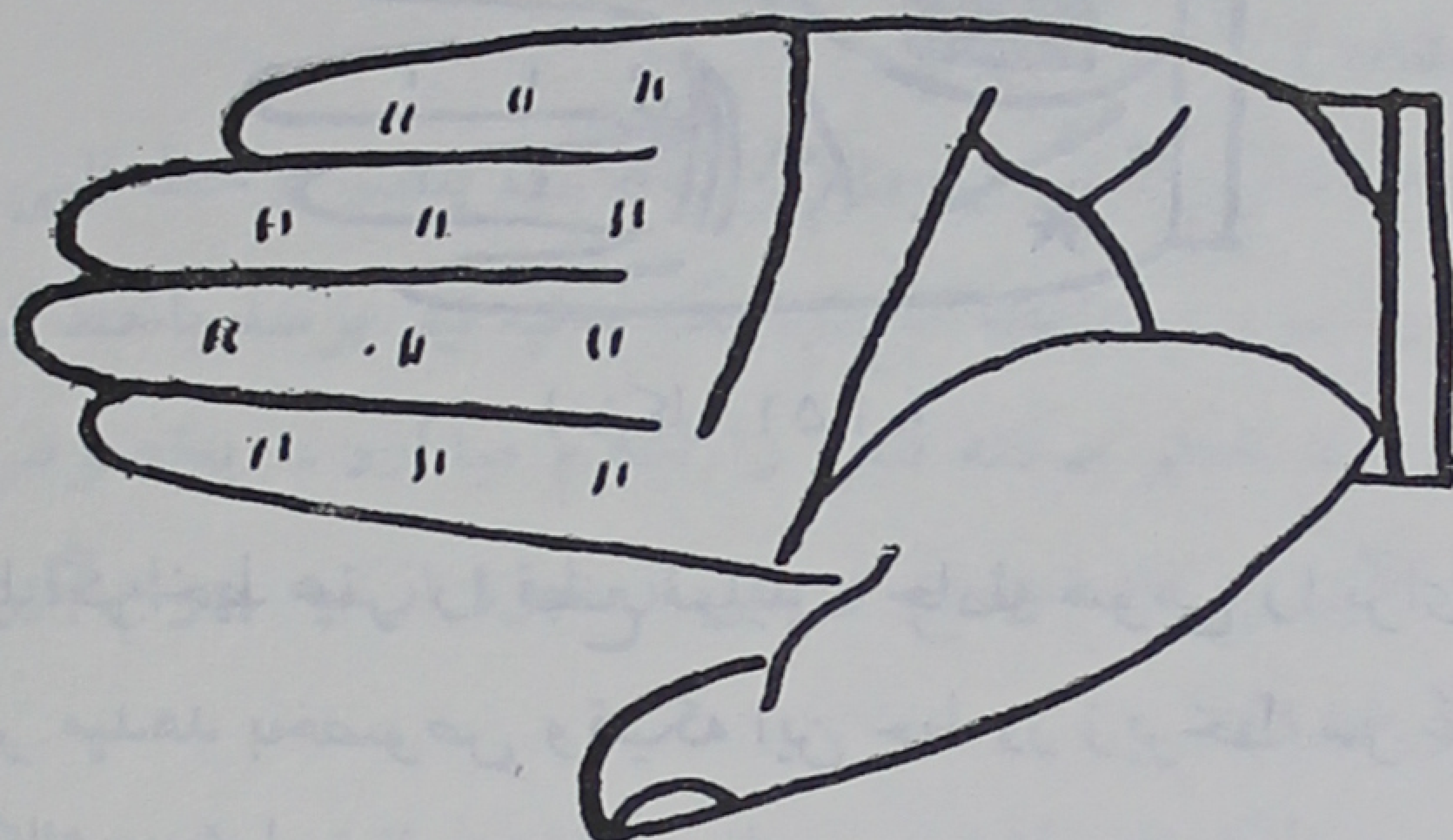
۷ـ خط کبدی شکسته : ناسلامتی یکی از اعضای داخلی را بر حسب محل معین میکند .

۸ـ خط کبدی منقطع: صاحب دست راضعیف البنیه معرفی میکند (شکل۱۶۰) .

۹ـ خط کبدی زنجیری : آدم علیل المزاجی را نشان میدهد .

۱۰ـ خط کبدی مضاعف: نشانه صحت و سلامتی ، سعادت و نیکبختی در دوره زندگانی است (شکل۲۰۴) .

۱۱- وقتی خط کبدی در ابتدا دو شاخه و شروع آن از دو محل باشد، یك شاخه ازعمر وشاخه دیگراز تپه ماه شروع و در صفحه بهرام متصل وباهم یکی‌شده تازیرخط سربالابرود: علامت بیماری روانی است.



(شکل ۲۵۲)

کسی که دارای چنین‌خطی باشد همیشه خود رامریض می‌پندارد، هر روز به دکتر مراجعه میکند ، دائماً از بیماری خود شکایت دارد و بهترین راه معالجه آن مسافرت ، گردش وسیاحت است .

۱۲- رنگ خط کبدی نیز نوع بیماری را معین میکند .

وقتی این خط زرد رنگ باشد : علامت بیماری کبد است واگر رنگ آن خیلی زرد باشد مرض یرقان را نشان میدهد .

رنگ قرمز : تب‌های حاد را نشان میدهد و اگر فقط در وسط خط قرمز باشد مربوط بامراض قلبی است .

علائم روی خط کبدی

۱- صلیب روی این‌خط: صاحب دست رابرای فراگرفتن علوم غریبه بااستعداد نشان میدهد، بخصوص‌اگرصلیب بزرگ وروشن باشد.

۲ـ ستاره روی این خط : علامت بیماری است ، نوع مرض را میتوان از محلی که ستاره نقش بسته تشخیص داد .

چنانچه این علامت درمحل تلاقی خط سروخط کبدی قرار گیرد: در دست زن نشانه امراض رحمی ونازائی است .



(شکل ۲۵۳)

اگر چندین ستاره درپائین دست نزدیك هم روی این خط نقش بندد : خطر مرض سرطان معده را اعلام میدارد .

۳ـ لکه آبی روی خط کبدی: صاحب دست گرفتار بیماری انگل میباشد .

۴ـ نقاط رنگین روی این خط : خطر استعمال دخانیه و مواد مخدر را اعلام میدارد .

۵ـ جزیره دراین خط : علامت تخت بیمارستان است وصاحب دست را برای عمل جراحی آماده میکند .

نظـریه

بیشتر از کفشناسان خط کبدی را خط سلامتی میخوانند ووجود این خط را دلیل برسلامتی میدانند وعقیده دارند کسی که فاقد این خط باشد مستعد به ابتلای هرگونه امراضی میباشد .

اما چه بسا اشخاصی هستند که کاملاً سالم و تندرست و در کف دست آنها حتی آثاری از خط کبدی دیده نمیشود .

روستائیان و کارگران که غالباً سالم و قوی‌البنیه و شاید از اوان طفولیت مریض نشده و معنی بیماری و کسالت را نمیدانند بکلی فاقد این‌خط و یا دارای خطی پهن و خیلی کم عمق و کوتاه میباشند .

اما بعکس آنهائیکه از زمان تولد علیل و همیشه بایستی رعایت بهداشت‌را بنمایند در کف دستشان خط کبدی نمودار است، منتهی وقتی سالم هستند این‌خط خوب و روشن و اگر کسالتی دارند خط خورد ، شکسته ، زنجیری و یا علائمی روی آن نقش بسته است .

بنابراین چنین‌نتیجه میگیریم که این‌خط نیروی مقاومت دربرابر امراض را نشان میدهد وخطی است که دراثر مقاومت ودفاع گلبولهای سفید خون بوسیله سلولهای مغز در کف دست رسم میشود.

بطورخلاصه اشخاصی که کف دست آنها زبر و خشن و بدون خط کبدی است همیشه سالم، تندرست ودستگاه هاضمه ، قلب ، ریه ، کبد و کلیه بطورمنظم کارخودرا انجام میدهند، وآنهائی که ضعیف‌البنیه و نازك نارنجی هستند در کف دستشان خط کبدی خودنمائی میکند.

خط کبدی وقتی پهن، کم رنگ و کم‌عمق باشد: علامت‌سلامتی و تندرستی است .

اگر ظریف و نازك باشد : هرچند روشن‌تر ، ضخیم‌تر و بدون ضایعه باشد سلامتی بیشتراست واگرخیلی ظریف و نازك باشد: صاحب دست بایستی رعایت بهداشت کند .

در هر صورت از نظر تشخیص سلامتی و وضع مزاجی شخص

این‌خط بایستی دقیقاً مورد توجه قرار گیرد ووقتی این‌خط مورد مطالعه قرار میگیرد بایستی خطوط قلبی ، سر و عمر و حتی ناخنها نیز بطور دقیق ملاحظه ومطالعه شود .

ناخنهای کوتاه وگرد وبدون ماهك ضعف ونامرتب بودن کار قلب و ناخنهای بلند و بادامی‌شکل ضعف ریه را معین میکند حتی اگر خط کبدی نشان ندهد .

درصورتیکه ناخنها بلند وبادامی وخط کبدی دربالای آن دارای جزیره باشد : علامت امراض ریوی است .

چنانچه ناخن‌ها پهن ویا صدفی شکل (بشکل‌مثلث) باشد و خط کبدی در زیر خط سر غفلتاً توقف کند : سکته ناقص واگر در زیرخط قلبی بطور ناگهانی متوقف شود : سکته قلبی را پیش‌بینی میکند .

وقتی خط کبدی پیچ وتابدار و برنگ زرد باشد : پرشدن کیسه صفرا را نشان میدهد .

چنانچه خط کبدی به‌خط سر متصل شود : تب حصبه واگرخط سر نیز دارای جزیره باشد : علامت سرسام میباشد .

بطوریکه قبلا هم بیان‌شده خط کبدی متغیر است ولی بیشتر این تغییرات مربوط به‌دست‌راست میباشد که همیشه‌زمان‌حال‌را نشان‌میدهد.

اما در دست چپ بعضی ازعلائم این‌خط مربوط به‌آینده میباشد وزمان‌آنرا میتوان بوسیله خطوط ارتباطی پیداکرد .

فصل هشتم

در بیان خطـوط فرعیه

خطوط فرعیه خط هائی است که عمومیت ندارد و درهمه‌دستی دیده نمیشود ، باستثنای دوخط آن یکی خط ازدواج که دردست عموم نقش میبندد ویکی هم خط اولاد که منحصر به دست زنها میباشد ، بقیه مربوط به‌عادات، صفات، ترقی‌وپیشرفت‌ها یاتنزل وشکست‌های دوران زندگی ویا مسافرتها ومهاجرت است که دربعضی ازدست‌ها یکی یا دو ویا سه خط آن مشاهده میشود .

بعضی ازکفشناسان تعداد خطوط فرعیه را مطابق تعداد خطوط اصلیه ، شش‌خط نام میبرند ، و این شش‌خط عبارت است از :

خط ازدواج ، خط اولاد ، خط مسافرت ، خط کمکی ، خط پیش‌حسی و حلقه ناهید ، و بقیه را از شاخه های خطوط اصلیه میدانند وجزء علائم بشمار میآورند .

ولی برحسب نظر دانشمندان بزرگ این‌علم مانند : « دسبارول،

موشری ، پوانسو » شانزده خط دیگر را نیز جزء خطوط فرعیه بشمار آورده و عقیده دارند این خطوط در دست اشخاصی دیده میشود که

(شکل ۲۵۴)

باهوش ، بالیاقت ، زرنگ، حساس وبرای ترقی وپیشرفت خود ساعی وکوشا میباشند .

بنابراین خطوط فرعیه بیست و دوخط وبشرح زیر است :

خط ازدواج ، خط اولاد ، خط مسافرت ، خط مهاجرت ، خط

اندوه ، خط کمکی ، حلقه ناهید، خط ترقی، خط تنزل، خط نخوت، خط تجارت ، خط کیاست ، خط تقلب ، خط وجدان ، خط جدیت ، خط جنون ، خط پیش‌حسی ، خط بهشت مصنوعی ، خط فصاحت ، خط علم وهنر، خط ارث ، خط شهوت . و اینك بطورجداگانه بشرح هریك میپردازد .



خط ازدواج



(شکل ۲۵۵)

خط ازدواج خطی است که ازناحیه ضربت دست بین تپه تیر و خط قلبی شروع وبطور افقی تا زیر تپه تیر ومنتهی تا زیر تپه خورشید ویا بندرت تا زیر تپه کیوان پیش میرود و تعداد عشق وتکرار ازدواج را معین میکند .

۱- خط ازدواج وقتی خوب و دلیل برسعادت ونیکبختی است که روشن، خوش‌رنگ ، ظریف باشد ومستقیماً تا زیرتپه‌تیر پیش آید، دراینصورت صاحب دست در ازدواج خوشبخت و دوره زناشوئی را باسعادت وآرامش‌خاطر با همسر و شریك زندگی خویش بسرمیبرد .

۲- وقتی ضخیم وبرنگ قرمز باشد : دلیل است برازدواجی که

موجب رنج وعذاب وناراحتی است، این‌اشخاص بواسطه عدم توافق وناسازگاری همسر وگفتگوهای‌داخلی هیچوقت آرامش‌ندارند وهمیشه برای موضوعات‌کوچك وبی‌اهمیت طرفین بمنازعه وجدال میپردازند وزندگی را برخود تلخ میکنند .

۳ـ اگر این خط زرد رنگ باشد : نیز دلیل بر ناراحتی های داخلی است .

۴ـ خط ازدواج وقتی بلندباشد: دلیل برعشق وازدواج خوش‌عاقبت است .

۵ـ اگر این خط‌کوتاه باشد : دلیل برکوتاهی مدت عشق و یا نامزدی است‌که بانجام نمیرسد .

۶ـ خط‌ازدواج پیچ‌وتابدار: علامت بدبختی‌است، این‌اشخاص در ازدواج شانس ندارند و قسمت‌آنها همسر بد طینت ، بدسرشت ، تندخو وبداخلاق میباشد .



(شکل۲۵۷)



(شکل ۲۵۶)

۷- خط شاخه دار : شاخه‌های کوچك ومتفرع ازخط ازدواج ، زحمات وناراحتی‌های زندگی زناشوئی را نشان میدهد .

شاخه های صعودی و بالای خط : دلیل بر این است که پس از ازدواج بستگان واقوام همسر موجب مزاحمت وناراحتی صاحب‌دست خواهند بود واگر شاخه ها نزولی و زیر خط باشد :کسالت و بیماری ممتد همسر، زندگی را برای صاحب دست تلخ وناراحت میکند .

۸- وقتی خط ازدواج منقطع باشد : نشانه نفاق فیمابین زن و شوهر واختلافات خانوادگی است .

۹- خط ازدواج شکسته: جدائی فیمابین زن‌وشوهررا خبرمیدهد.

۱۰- خط ازدواج زنجیری : سادگی وخوش‌قلبی همسرصاحب دست را نشان میدهد، کسی که خط زنجیری دارد شاید از همسر خود ناراضی باشد ولی بایستی‌بداند که ازاین حیث خوش‌شانس وسعادتمند است زیرا همسر وشریك زندگی او دو رنگی ندارد و با هر زحمت و مشقتی میسازد وبا نهایت علاقه ومحبت به‌زندگی ادامه میدهد .

۱۱- خط ازدواج چنگالی : وقتی این خط در انتها دوشاخه و چنگالی باشد ، علامت نفاق است .



(شکل ۲۵۸)

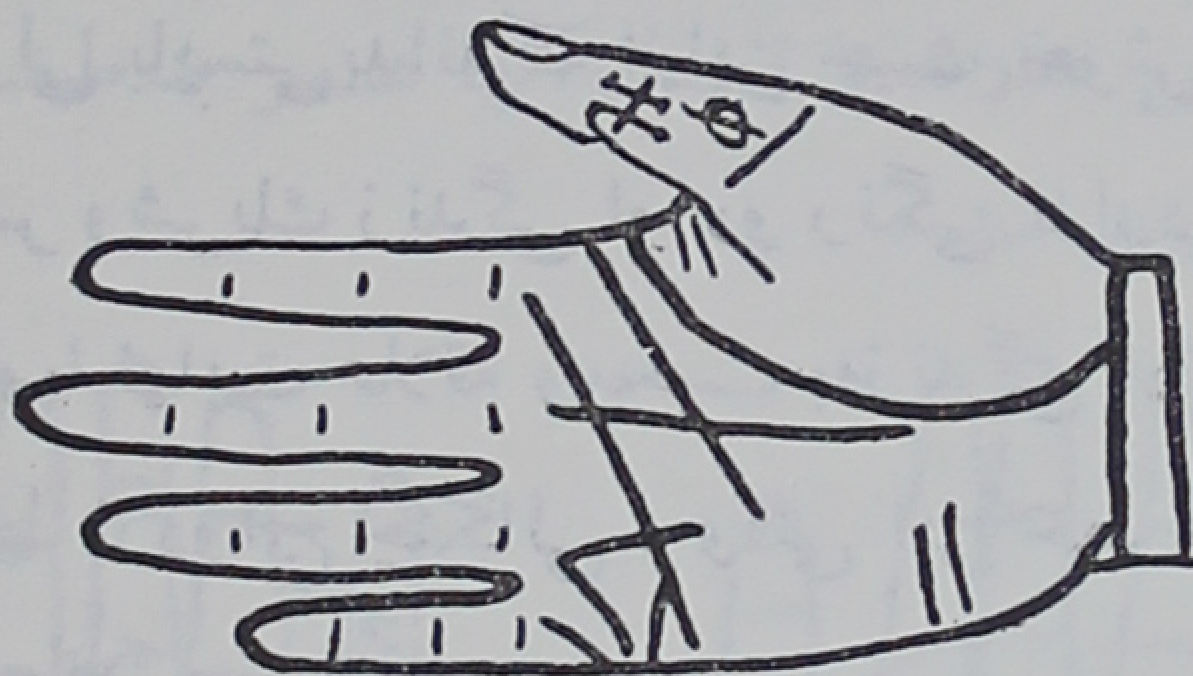


(شکل ۲۵۹)

در صورتیکه چنگال خط بطرف بالا متمــایل شود : زیرکی و دو رنگی همسر را نشان میدهد و صاحب دست بایستی همیشه مواظب ومراقب زندگی خود باشد :

اگر بعکس چنگال بطرف پائین تمایل پیدا کند : دلیل برعدم توافق ، گفتگو ، منازعات و مشاجرات داخلی است و صاحب دست نبایستی انتظار آرامش و راحتی داشته باشد ، بخصوص وقتیکه خط ازدواج ازخط قلبی عبور کند وچنگال آن در زیرخط قلبی قرارگیرد ، دراینصورت عاقبت این‌منازعات با جدائی وطلاق فیصله خواهدیافت.

۱۲ـ خط مضاعف : وقتی خط ظریف و نازکی در بالای خط ازدواج رسم شود، دلیل براین است‌که بعداز ازدواج یکی از نزدیکان همسر درزندگی صاحب دست دخالت تام خواهد داشت .



(شکل ۲۶۰)

۱۳ـ وقتی‌خط ازدواج درانتها بطرف‌انگشت‌کوچك بالابرود: دلیل است براینکه صاحب دست بیشتر عمرخود را به‌تنهائی میگذراند وعاقبت هم همسرزیرك و زرنگی قسمت او میباشد .

اگر بعکس‌خط بطرف پائین‌خم شود وبه‌خط قلبی‌برسد: علامت عدم توافق واختلاف است ، این‌اشخاص برای ازدواج، خیلی دقیق و

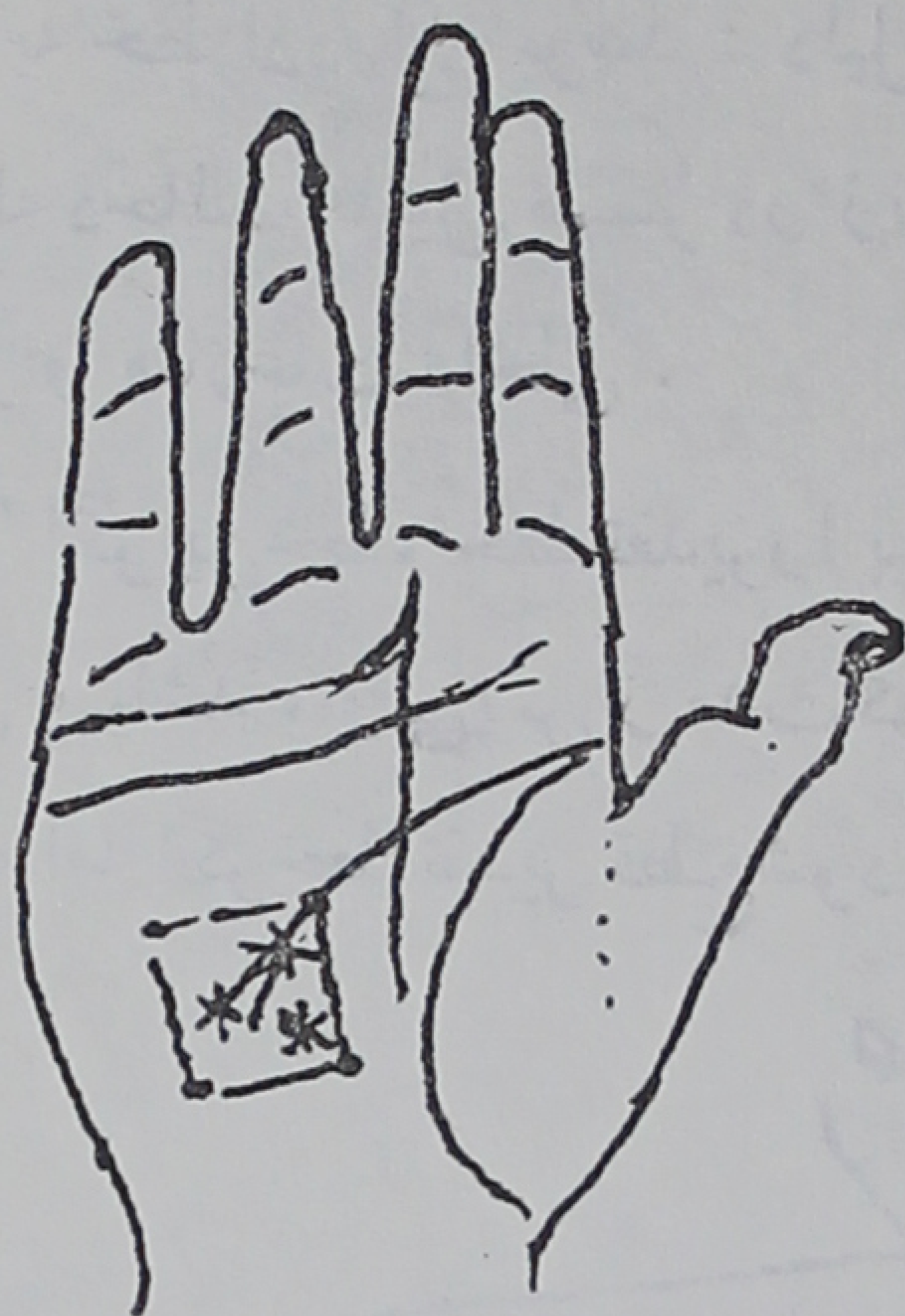
باریك بین هستند اما باهمه دقتها پس‌از ازدواج باعدم‌توافق واختلاف روبرو خواهند شد .

اگر خط بیشتر پائین‌آید واز خط قلبی عبور کند شدت اختلاف را خبر میدهد .

چنانچه خط بالا رود ومجدداً پائین‌آید واز خط قلبی عبور کند واین خط را ببرد : علامت بدبختی است وصاحب دست بواسطه سوء اخلاق و رفتار همسر ولجاجت، زندگی خودرا بیشتر درخارج ازخانه میگذراند وعاقبت هم بضلالت وگمراهی می‌افتد و خود را بدبخت و بیچاره میسازد .



(شکل ۲۶۱)



(شکل ۲۶۲)

۱۴ــ وقتی خط ازدواج در انتها تا زیر انگشت بنصر پیش‌آید وبا خط ثروت متصل ومتحد شود : پیوند با طبقه ممتازه و ثروتمند را نشان میدهد واشخاصی که دارای چنین‌خطی هستند در ازدواج خوش-

شانس وسعادتمند میباشند وپس از ازدواج خورشید سعادت در زندگی آنها طلوع میکند ودر مدت کوتاهی به‌ثروت وافتخار خواهند رسید .

اما اگر خط ثروت را ببرد یا قطع نماید : پیوند با طبقه عالی موجب ضرر وخسارت وبدبختی خواهد بود .

۱۵ــ اگر خط ازدواج در انتها تا زیر انگشت وسطی پیش آید وبا خط تقدیر متصل ومتحدشود: نیز علامت نیکبختی است وصاحب دست پس از ازدواج باتوافق وهمفکری همسر بسوی سعادت پیش میرود وبرای این اشخاص زندگانی شیرینی را نشان میدهد.

۱۶ــ خطی که از تپه ناهید شروع و پس از عبور از خط عمر و تقدیر به خط ازدواج برسد : دلیل است بر غم و غصه و ناراحتی ها ، بواسطه دخالت فامیل همسر در زندگی زناشوئی صاحب‌دست وایجاد گفتگو و منازعات داخلی .

اگراین‌خط، خط تقدیررا ببرد: نشانه‌شدت مناقشات وخصومت طرفین میباشد ، ولی‌پس از مدت کوتاهی موضوع بصلح‌و آشتی خاتمه مییابد، اما اگرخط تقدیر قطع‌شود عاقبت‌اختلافات جدائی خواهدبود.

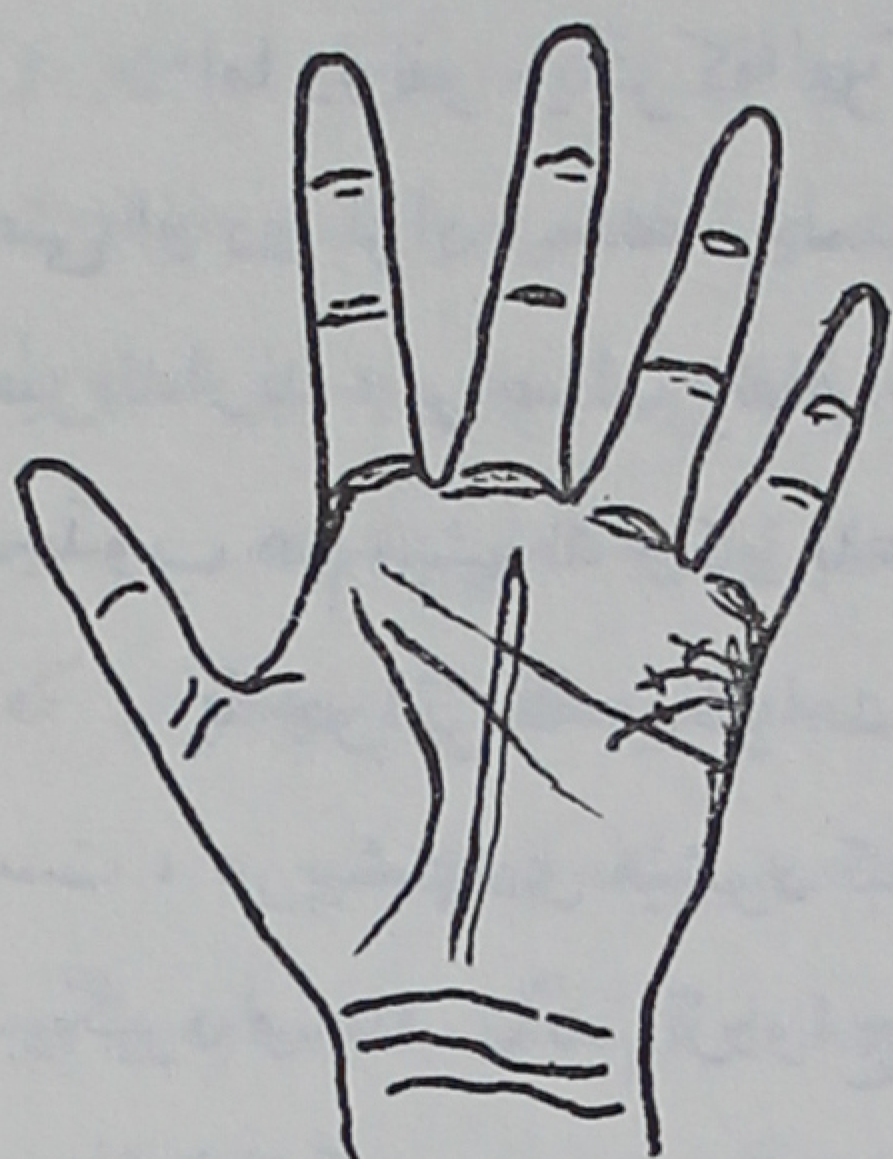


(شکل ۲۶۳)

۱۷- جزیره درخط ازدواج : نیزعلامت جدائی ونفاق است .

اگر جزیره در ابتدای خط باشد ازدواج : مدتی بتأخیر می‌افتد واگردروسط باشد بواسطه اختلافات مدتی فیمابین زن وشوهر متارکه خواهدبود، واگراین‌علامت درانتهای خط باشد دلیل‌است براختلافات شدیدکه عاقبت به‌طلاق وجدائی منجر خواهد شد .

۱۸- صلیب درخط ازدواج : علامت فراق وجدائی است.



(شکل ۲۶۴)

چنانچه خط ازدواج بطرف پائین ختم شود وصلیب درخمیدگی خط قرارگیرد وخط را قطع نماید : برای همسر صاحب‌دست اعلام‌خطر میکند .

درصورتیکه خمیدگی خط ادامه‌پیداکندوازخط قلبی‌عبورنماید وصلیب روی خط قلبی قرارگیرد : دلیل بر این است‌که همسر صاحب دست مدت مدیدی بیمار و بستری وعاقبت هم خطر دارد.

۱۹- ستاره روی خط ازدواج : نیز حادثه‌ای را خبر میدهدکه موجب فراق وجدائی خواهد بود، ودرصورتیکه خط را قطع نماید : علامت خطر برای همسر است .

۲۰- نقطه یا لکه سیاه رنگ روی خط : نیز برای‌همسر صاحب دست اعلام خطر میکنند .

نظریه

یکی ازمواردی که جزء مقدرات وبا سرنوشت بستگی دارد امر ازدواج میباشد .

دو نفر مردوزن جوانی که دریك شهر ویا یك محل زندگی میکنند، هردو منسوب واز یك فامیل هستند، هردو زیبا وقشنگ ، خوش اخلاق و دوست داشتنی میباشند، مدتها باهم مراوده وآمیزش دارند، هیچگاه نظرعشقی بهم ندارند .

اما دونفر دیگر که هر کدام در یك شهر و دیار زندگی میکنند و حتی از دو نژاد هستند ، همدیگر را نمی‌شناسند و از اخلاق همدیگر خبر ندارند ، برحسب اتفاق بهم میرسند ، در یك جلسه و با یك نظر مجذوب هم میشوند وکار به‌عشق وازدواج میکشد .

یا جوانی که میخواهد ازدواج کند ، مدتها در جستجوی همسر است ، هرپیشنهادی میشود قبول نمیکند یا مورد پسند طرف مقابل‌قرار نمیگیرد و عاقبت هم ازدواج نمیکند و عمر خود را با تنهائی و بدون شریك زندگی بسرمیبرد و یا اگر ازدواج هم بکند موجب بدبختی و بیچارگی او میشود .

اما جوان‌دیگری که قصد ازدواج ندارد با اولین‌پیشنهاد ازدواج میکند وخوشبخت هم میشود .

این چه حسابی است ؟ آیا غیر ازتقدیر و سرنوشت است ؟

کفشناسان عموماً ازدواج را بسته به‌زنجیر تقدیر میدانند وعقیده دارند در موقع مطالعه خط ازدواج ، خط تقدیر نیز بایستی دقیقاً مورد مطالعه قرارگیرد .

خط ازدواج کلیات را نشان میدهد و تعداد خط، تکرارازدواج است مشروط باینکه تا زیر تپه تیر ادامه پیدا کند و اگر خط کوتاه و بی‌اهمیت باشد نمودار عشقهای شهوانی و یا نامزدی و امیدهائی است که انجام نمی‌پذیرد.

صلیب ، ستاره، جزیره وپره‌های قاطع علامت نفاق وجدائی و اگرخط بطرف بالا یا پائین متمایل شود کدورت واختلافات وپیچیدگی‌های فیمابین زن و شوهر را نمودار میسازد.

بنابراین برای تعیین توافق یا عدم توافق ، صمیمیت و مهر و محبت یا اختلافات، نیك بختی یا بدبختی وسایر خصوصیات وحوادث زندگی مشترك زناشوئی وهمچنین تاریخ ازدواج بایستی بسایرخطوط و علائمی که با عشق و ازدواج مربوط است توجه‌کامل بشود.

در اینجا لازم میداند بـرای سهولت مطالعه، علائم دیگری که مربوط به ازدواج و عشق میباشد بطور خلاصه بیان نماید.

صلیب با ستاره (توأماً) در روی بند اول انگشت سبابه یا دو خط مستقیـم که بطور افقی روی بند سوم انگشت بنصر رسم شود : سعادت و نیکبختی در ازدواج واتحاد و یگانگی فیمابین زن و شوهر را اعلام میدارد .

صلیب روی بند دوم انگشت وسطی یا ستاره در پائین بند دوم شست : بعکس علامت بدبختی واختلافات فیمابین زن وشوهرمیباشد.

صلیب یاستاره روی تپه‌برجیس: علامت‌توافق، عشق وصمیمت است بخصوص اگر صلیب با ستاره با هـم و متصل بهم در روی تپه رسم شود.

وقتی خط قلبی کوتاه، ساده و خشك باشد : علامت عدم توافق است وصاحب دست همیشه ازهمسر خویش‌شکایت دارد، درصورتیکه علت عدم توافق و عدم صمیمیت از خود او میباشد زیرا اشخاصی که دارای چنین خطی هستند بی‌مهر و بی محبت ، تنـدخو و بد اخلاق هستند .

اما اگرخط قلبی بلند، زنجیری، شاخه‌دار باشد و با شاخه‌هائی روی، تپه برجیس خاتمه یابد: نشانه مهر و محبت و خوش قلبی است، ایندسته خوش اخلاق وسازگار وبا همسر خود مهربان وهمیشه راضی وخوشنود میباشند بخصوص وقتیکه در انتهای خط وروی تپه برجیس ستاره‌ای هم نقش بندد در اینصورت توافق اخلاق و صمیمیت و عشق فیمابین زن و شوهر را نشان میدهد.



(شکل ۲۶۵)



(شکل ۲۶۶)



(شکل ۲۶۷)

وقتی خط قلبی در انتها بطرف خط سرپائین آید : نشانه عدم توافق و اختلافات بین زن و شوهر است.

چنانچه این خط در انتها با صلیبی روی خـط سر خاتمه یابد : شدت اختلافات و جدائی را نشان میدهد.

اما اگر این صلیب در مربعی محاط شود: از جدائی جلوگیری میکند.

خطی که از تپه ماه شروع و بالا رود و به خط تقدیر برسد: نشانه ازدواج با اشخاص بیگانه است.

اگر این خط از ناحیه ضربت شروع شود: ازدواج صاحب دست در خارج از وطن صورت میگیرد و چنانچه با خط تقدیر متصل و متحد شود: نشانه نیکبختی و سعادت است و ترقی و پیشرفت بعد ازازدواج را خبر میدهد بخصوص وقتیکه خط ثروت نیز درهمین زمان ظاهر و نمایان شود.



(شکل ۲۶۸)



(شکل ۲۶۹)

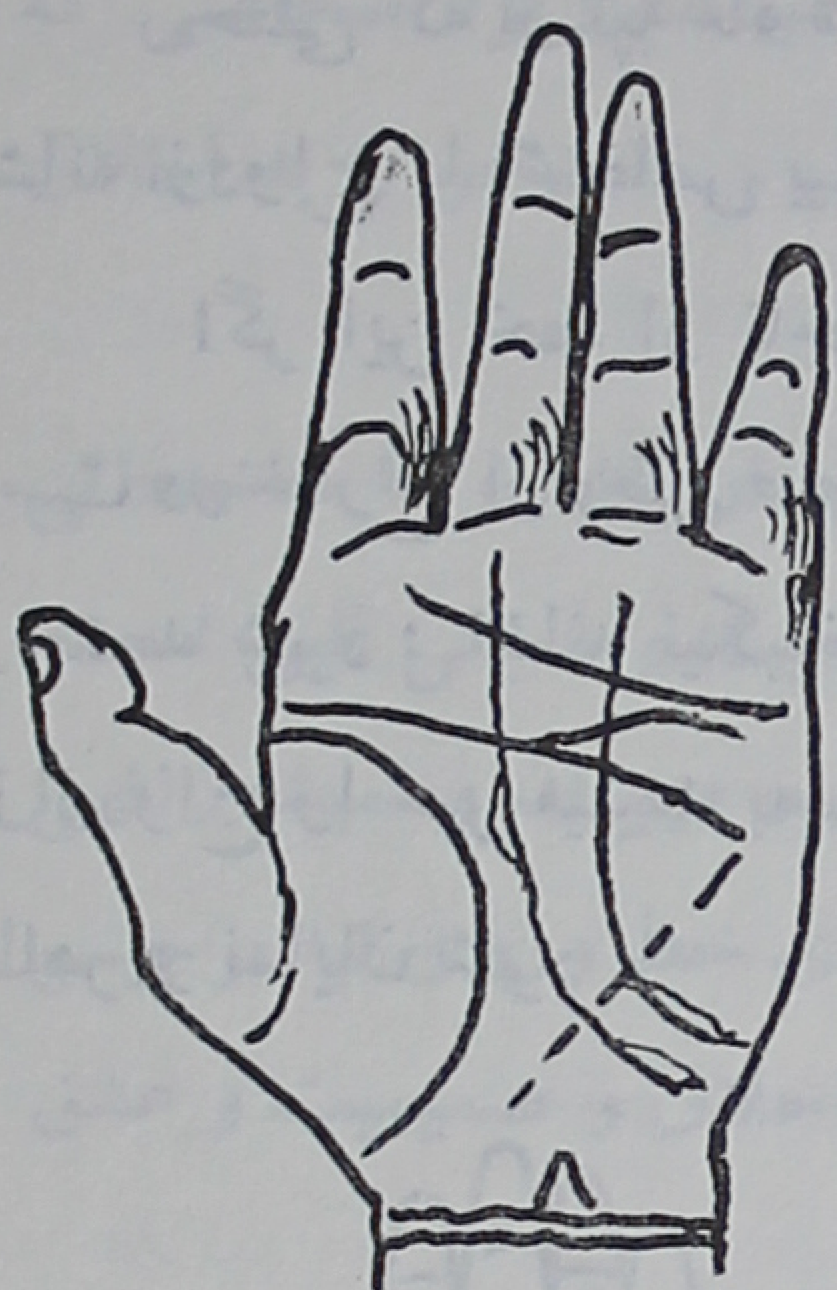
اما ازاگر خط تقدیر عبور کند و آنرا ببرد: دلیل‌است برعشق و ازدواجی که موجب ضرروخسارت وبیچارگی‌است وچنانچه جزیره‌ای در این خط مشاهده شود: عشق و ازدواجی را نشان میدهد که عاقبت خوبی ندارد و موجب بدنامی و رسوائی خواهد بود.

جزیره در خط تقدیر: علامت عشق و ازدواج است، اگر خط تقدیر بعد ازجزیره روشن ومستقیم باشد: دلیل است برعشق وازدواجی

که موجب نیکبختی خواهد بود و بعکس است وقتی خط تقدیر بعد از جزیره ضعیف و یا پیچ وخم پیدا کند.



(شکل ۲۷۰)



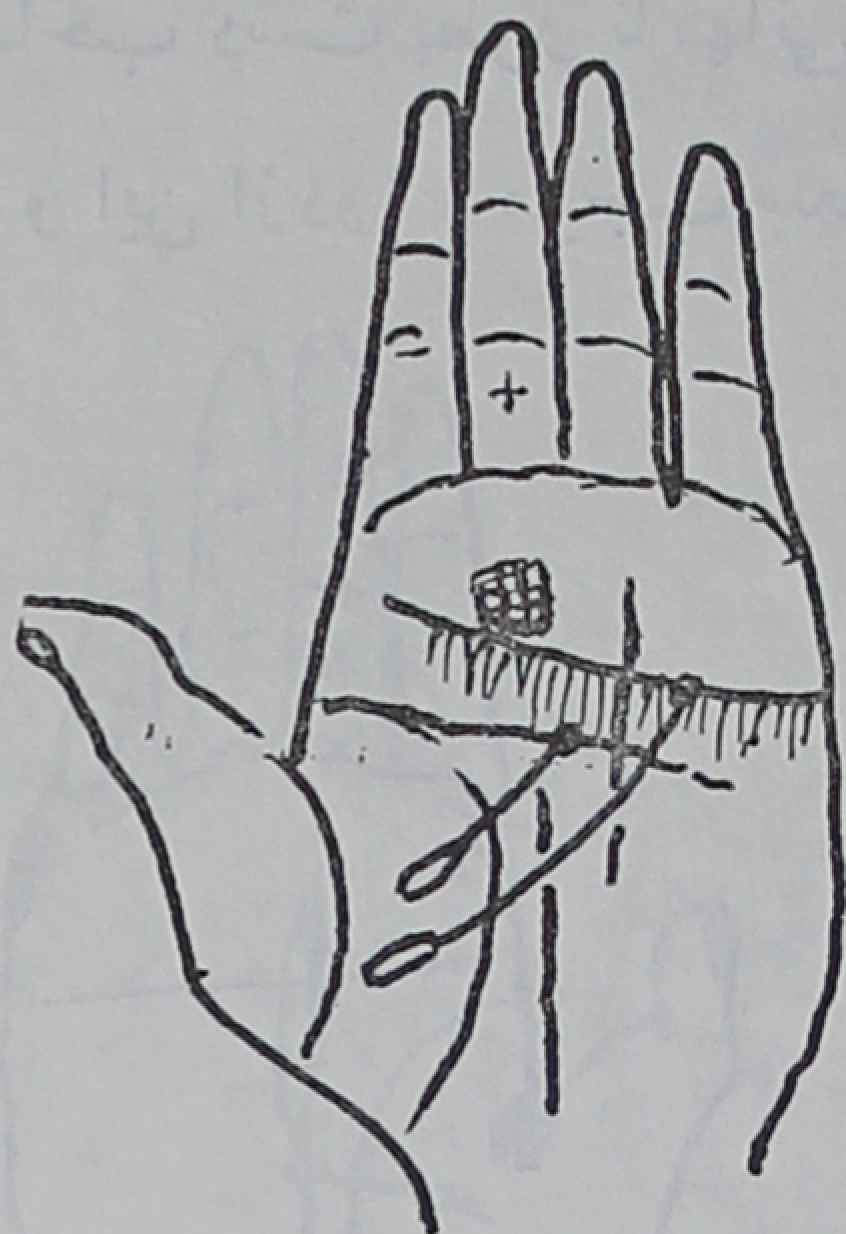
(شکل ۲۷۱)

وقتی خط تقدیر یا خط ثروت از تپه ماه با جزیره شروع شود: ازدواجی را نشان میدهدکه با اشخاص بیگانه وخارج از وطن صورت میگیرد و در صورتیکه جزیره با خط تقدیر تشکیل شود و خط ثروت نیز این خط را همراهی نماید: نشانه عشق و ازدواجی است که موجب سعادت و نیکبختی است.

خطی که از ریشه شست با جزیره شروع و بطور افقی روی تپه ناهید رسم شود: علامت عشق و ارتباطهای نامشروع است، پیچ و تاب این خط، پیچ وتابهای دوران عشق وارتباط، واگر خط قطع شود، قطع رابطه را بیان میکند، اگر از خط عمر عبور کند و این خط را ببرد: دلیل است برغم و اندوه و ناراحتی‌هائی که موجب و مسبب آن

همان عشق و ارتباطهای نامشروع و پنهانی است و اگر پس از عبور از خط عمر به خط تقدیــر برسد و این خط را بشکند : نشانه ننگ و رسوائی است که به‌حیثیت و آبروی صاحب دست لطمه وارد میسازد .

اما اگر پس از عبور از خط عمر بالا رود و با خط تقدیرمتصل و متحد شود: عاقبت این عشق به ازدواج خواهد انجامید، و اگر خط تقدیر مستقیم و تا تپه کیوان بالا رود: دلیل برتوافق وخوشبختی است.



(شکل ۲۷۳)



(شکل ۲۷۲)

خطی که از ریشه شست با جزیره شروع و پس از عبور از خط عمر بطرف بالا برود و به خــط قلبی برسد و نقطه عمیقی آنرا قطع نماید: علامت بیوفائی‌طرف مقابل است که بطورناگهانی صاحب دست را ترك میگوید واین پیمان شکنی موجب دل شکستن خواهد بود، اگر این خط بطرف خط سر برود ونقطه عمیقی آنرا قطع نماید: اعلام‌خطر میکند و صاحب دست بواسطه این پیمان شکنی ممــکن است دست بخودکشی بزند.

خطی که از ریشه شست با جزیره شروع وپس از عبور ازخط عمر با خط تقدیر متحد و متصل شود و کمی بالا رود و غفلتاً نقطه‌ای آنرا قطع نماید، یا مستقیماً پس ازعبور ازخط عمر به‌خط تقدیربرسد وبا نقطه‌ای قطع شود وبعداً خط دیگری باخط تقدیر تشکیل جزیره‌ای بدهد وسپس خط مستقیماً تا تپه کیوان بالا برود : دلیل است برعشق و ارتباط های عاشقانه که مدتی بطول بیانجامد و بازدواج نزدیك شود اما صاحب دست بطور ناگهانی ترك ارتباط کند و با دیگری ازدواج نماید و این ازدواج موجب سعادت و نیکبختی وی خواهد بود.



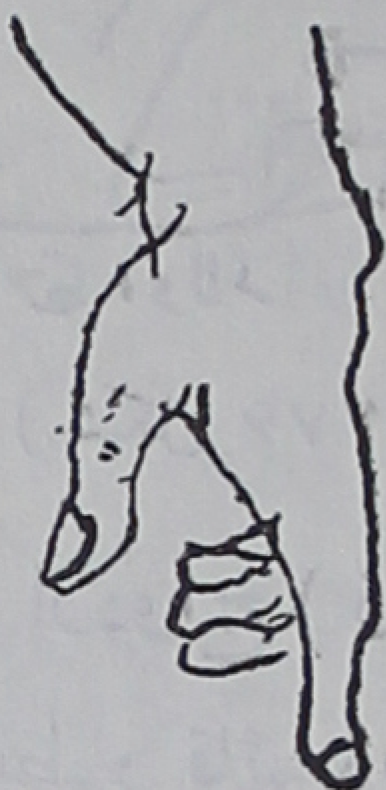
(شکل ۲۷۴)



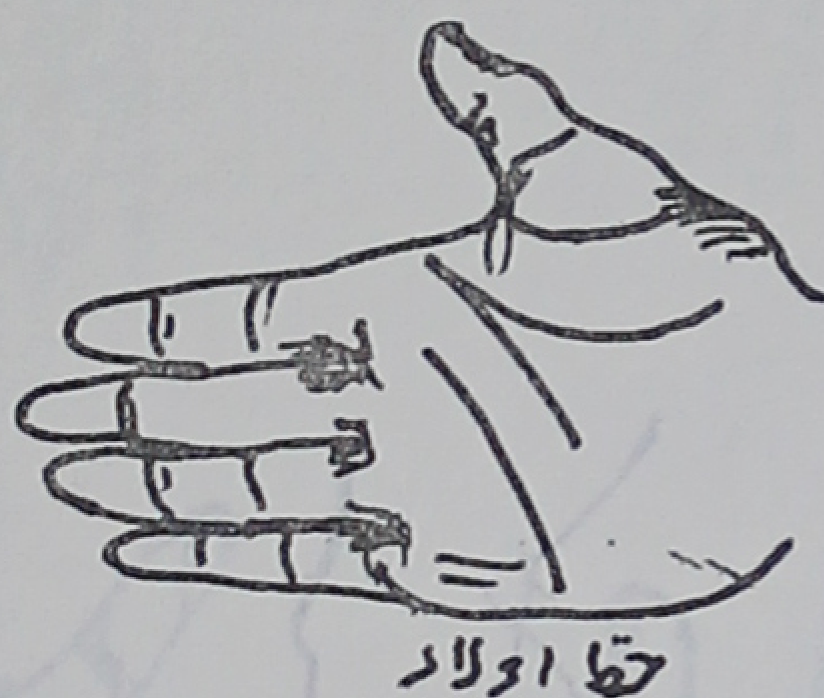
(شکل ۲۷۵)

وقتی خط تقدیر تا خط قلبی بالا رود و با این خط متصل شود و و متحداً بطرف تپه برجیس پیش روند، علامت سعادت وخوشبختی در ازدواج است و این اشخاص نجیب و با عاطفه و با محبت هستند و همیشه با همسر خویش مهربان و سازگارند و بهمین جهت در زندگی زناشوئی نیکبخت و سعادتمند میباشند.

وقتی در کف دست خط عمر عمودی و تپه ناهید کوچك باشد:
بعـکس آدم سرد مزاج ، بی‌مهر و محبت و بی‌عاطفه‌ای را معـرفی میکند و زندگی زناشوئی این اشخاص سرد ، بی‌محبت و بدون علاقه خواهد بود.



خط اولاد



(شکل ۲۷۶)

خطی که درمحل خط ازدواج (زیر انگشت کوچك تاخط قلبی واز محل ضربت تا تپه تیر) بطور قائم رسم میشود خط اولاد نام دارد.

بعضی از کفشناسان عقیده دارند، خطوط قائم روی بند دوم انگشت کوچك نیز تعداد فرزندان را نشان میدهد وبعضی هم معتقدند ، برای تعیین اولاد دردست مرد ، بایستی به خطوط قائم درروی بنددوم انگشت بنصر توجه شود .

اما آنچه که عقیده عمومی است ومیتوان به صحت آن اعتماد نمود همان خط اولاد وآنهم منحصراً در دست زن میباشد .

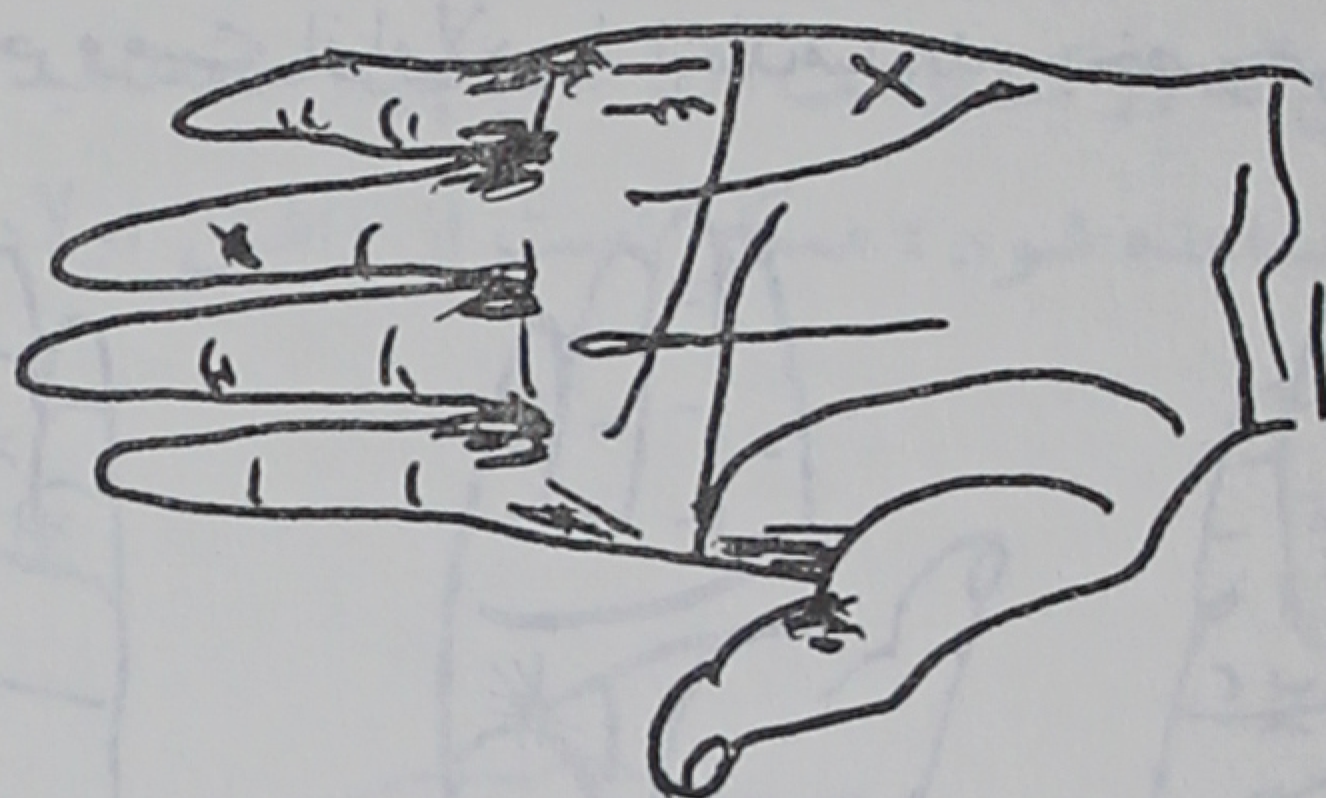
بعضی خطوط کوچك وقائم روی مفصل سوم انگشت سبابه را علامت اولاد نامشروع میدانند ، عده‌ای هم میگویند اولاد نامشروع بصورت نقطه‌رنگین در روی مفصل‌سوم انگشت سبابه نمودار میشود.

خط اولاد معمولاً کوتاه میباشد و فقط پیدایش و تولد آنرا تا زمانیکه فکر وعقلی ندارند نشان میدهد وبرای تشخیص وضع زندگی اولاد بایستی دست خودش مورد مطالعه قرارگیرد .

بعضی از کفشناسان عقیده دارند خطوط ترقی یا تنزل که درزمان پیری وبازنشستگی شخص درخط عمر نمودار میشود، مربوط به‌ترقی یا تنزل اولاد میباشد .

بنابراین خط اولاد فقط دردست‌زن قابل‌ملاحظه ومطالعه میباشد وتعداد اولاد، دختر یا پسر، سلامتی یابیماری وخطرات دوره طفولیت را معین میکند .

۱ـ تعداد این خط تعداد اولاد ، خط مستقیم، فرزند پسر و اگر خط پیچ وتاب داشته باشد فرزند دختر خواهد بود .



(شکل ۲۷۷)

۲ـ وقتی خط خوب و روشن باشد : فرزند سالم و بدون‌عیب متولد خواهد شد و اگر خط خیلی ظریف ، نازك و ناپیدا باشد نشانه

رنجوری وعلیلی است .

۳ـ صلیب یاستاره روی‌این‌خط: سقط جنین یامرگ درطفولیت را معین میکند برحسب اینکه علامت در ابتدا یا انتهای خط نقش‌بندد.

۴ـ نقطه رنگین روی خط اولاد : مرگ فرزند را خبر میدهد .

۵ـ جزیره در خط اولاد : ناسالم بودن فرزند را نشان میدهد ، ولی چنانچه بعد از ختم جزیره خط روشن و محکم باشد ، معالجات و زحمات پدر ومادر به‌نتیجه خواهد رسید .

دراینجا لازم میداند علائمی که دلیل برعقیمی و نازائی زن و یا خطر زایمان میباشد وممکن است در دست زن دیده شود اضافه نماید:

وقتی تپه‌ناهید کوچك و کم وسعت باشد وخط عمر پس‌ازشروع بطور عمودی پائین‌آید : کوچکی رحم را نشان میدهد و صاحب دست برای باردارشدن آمادگی ندارد ، بخصوص اگر کف دست هم باریك و تنگ باشد .

چنانچه تپه ناهید بزرگ و وسیع اما مسطح و یا فرورفته باشد : نیز نازائی ومحرومیت ازاولاد را نشان‌میدهد، بخصوص وقتی که خط



(شکل ۲۷۸)



(شکل ۲۷۹)



(شکل ۲۸۰)

اول دستبند در وسط بالا برود و نیمدایره‌ای را تشکیل دهد .

یك یا دوخط که ازابتدای خط عمر شروع وپس‌از عبور ازخط قلبی وبریدن این‌خط به تپه کیوان برود : نیز علامت عقیم بودن است.

صلیب یا ستاره روی بند سوم انگشت وسطی و یا روی مفصل سوم همین انگشت : نامنظمی رحم را نشان میدهد .

ستاره درمحل تلاقی خط سر وخط کبدی : خطرزایمان را اعلام میدارد ، زنهائی که دارای این علامت هستند درصورتیکه حامله بشوند ممکن است وضع حمل آنها با عمل‌جراحی توأم باشد، بنابراین برای جلوگیری ازخطر بایستی برای حامله‌شدن ووضع حمل زیر نظر دکتر قرارگیرند .

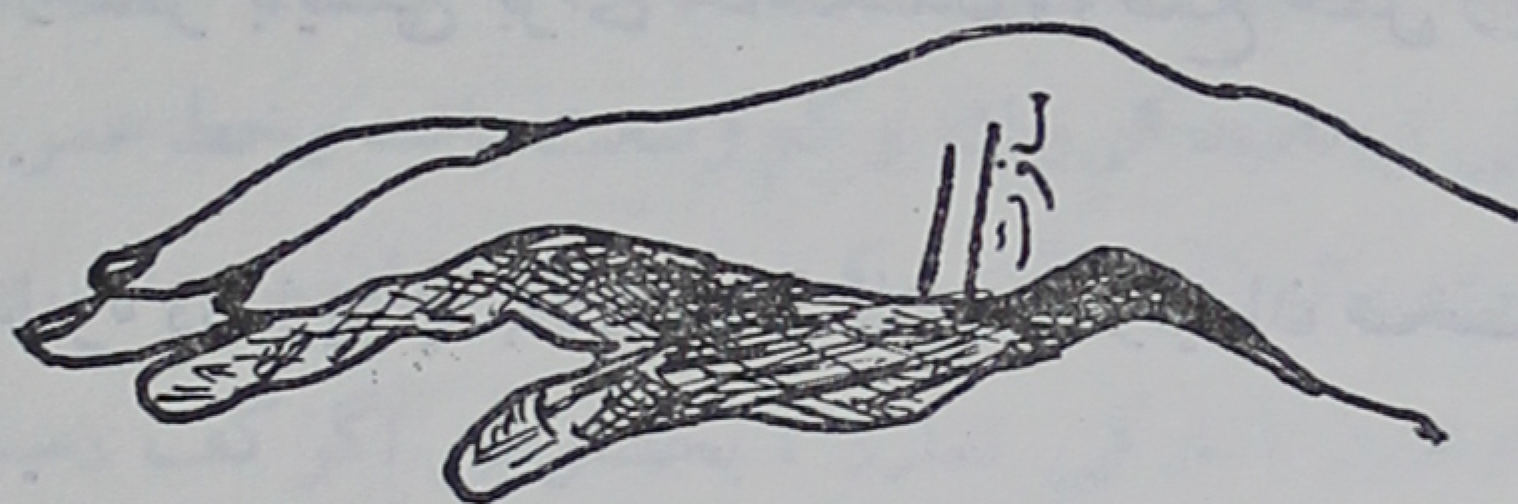
نیمدایره در زیر یا بالای خط قلبی : زایمان سخت و خطیر را خبر میدهد .

مربع درروی مفصل‌دوم انگشت‌سبابه: نیزعلامت زایمان سخت ولی بدون خطر میباشد .

زنهائی که در کف‌دست آنها سه‌یاچهارحلقه‌ناهید درهم باستاره‌ای در وسط‌آن مشاهده شود : ممکن است از داشتن اولاد محروم باشند .



خط مسافرت



(شکل ۲۸۱)

خطی که در پائین دست از ناحیه ضربت شروع و بطور افقی تا روی تپه ماه پیش آید خط مسافرت نام دارد ، تعداد این خط تعداد مسافرت‌ها را نشان‌میدهد وطول‌خط باطول مسافرت نسبت‌مستقیم‌دارد.

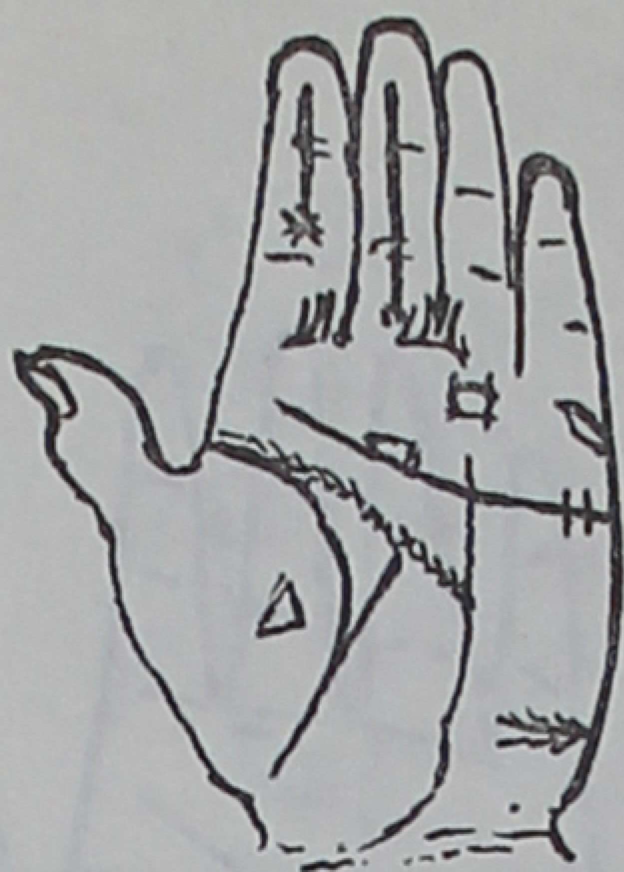
۱ــ خط مسافرت وقتی روشن، مستقیم وبدون ضایعه باشد: دال برمسافرت بدون خطر وبدون ندامت وپشیمانی است .

۲ــ وقتی این خط دارای پیچ و تاب باشد : پیچ و تاب ها و ناراحتی‌های درمسافرت را نشان میدهد .

۳ــ خط مسافرت چنگالی : نیز نمودار گرفتاری و ناراحتی‌های در مسافرت است .



(شکل ۲۸۲)



(شکل ۲۸۳)

۴ـ خط مسافرت شاخه دار : مسافرتی را نشان میدهد که موجب ندامت و پشیمانی خواهد بود .

۵ـ وقتی خط مسافرت منقطع یا شکسته باشد : صاحب دست درمسافرت با مخاطراتی روبرو خواهد شد .

۶ـ اگر این خط زنجیری باشد: مسافرت پرزحمت و پردردسری را نشان میدهد .

۷ـ خط مسافرت مضاعف : وقتی خط نازك دیگری از ابتدا تا انتها همراه این خط باشد ، دلیل است بر سفر خوب و خوش عاقبت . صاحب دست با یکی ازدوستان صمیمی و یکرنگ خود مسافرت میکند و با خوشی وشادمانی به میهن خود مراجعت خواهد کرد .

۸ـ وقتی این خط در انتها بطرف پائین انحنا پیدا کند: مسافرتی را نشان میدهد که موجب ندامت و پشیمانی خواهد بود .

۹ـ چنانچه خط مسافرت در انتها پیش رود و به‌خط تقدیر برسد و با آن متصل ومتحد شود : شانس ازمسافرت را نشان میدهد ، اما اگر به‌خط تقدیر برسد و آنرا ببرد یا قطع نماید: دلیل است برمسافرتی که موجب ضرر وخسارت و یا قطع شانس خواهد بود .



(شکل ۲۸۵)



(شکل ۲۸۴)

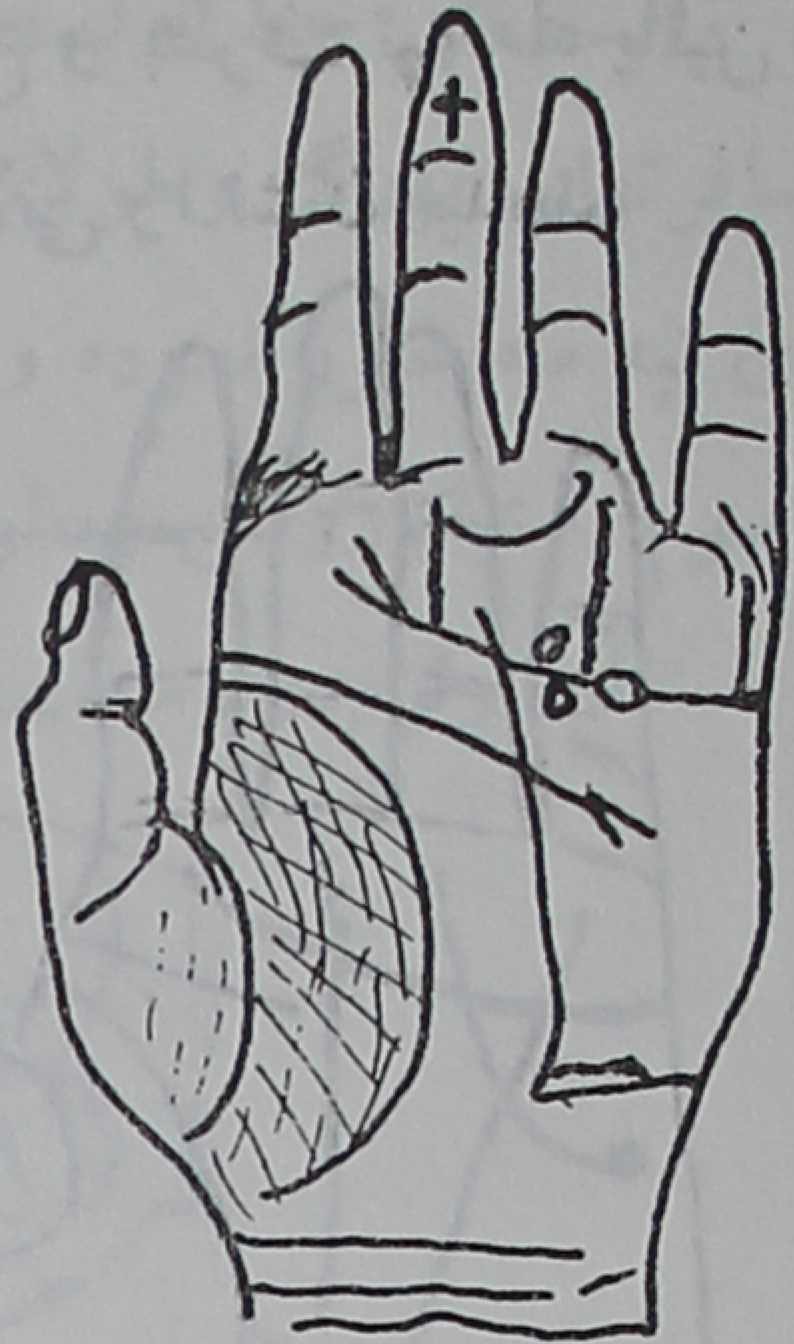
۱۰ــ اگر این خط در انتها باخط ثروت متصل و متحد شود : صاحب دست درسفر به‌شهرت وافتخار خواهد رسید ، واگرخط ثروت را ببرد مسافرتی را نشان میدهدکه موجب ضرر وخسارات است .

۱۱ــ صلیب روی خط مسافرت: نشانه‌کسالت وبیماری است.

۱۲ــ ستاره روی این خط : حادثه شومی را در مسافرت برای صاحب دست نشان میدهد .

۱۳ــ جزیره در این‌خط : عشق درمسافرت و وقوع ازدواجی‌را خبر میدهد .

چنانچه خط مسافرت با خط تقدیر روی تپه‌ماه جزیره‌ای تشکیل دهد : دلیل است برازدواجی‌که موجب نیکبختی وسعادت خواهد بود وصاحب دست درمسافرت و دور از شهر و دیار خود ازدواج میکند و این ازدواج موجب ترقی وپیشرفت وی خواهد بود .



(شکل ۲۸۶)



(شکل ۲۸۷)

۱۴- در صورتیکه خط ثروت از روی تپه ماه شروع شود و با خط مسافرت جزیره‌ای تشکیل دهد : صاحب دست درمسافرت بواسطه اتحاد واتفاق یاازدواج ویاتشکیل‌شرکت به‌ثروت‌وسعادت‌خواهدرسید.

۱۵- مربع روی این خط : علامت حفظ از خطر است وکسی که دارای این علامت باشد درمسافرت با خطری روبرو میشود ولی در امان خواهد بود .

۱۶- دایره : نیز اعلام خطر میکند و صاحب دست بایستی در مسافرت ازخود محافظت نماید .

۱۷- پره‌ها وخطوط کوچکی که خط‌مسافرت‌را ببرد: نیزعلامت حوادثی است که درمسافرت پیش میآید .

۱۸- دومثلث متقابل‌الرأس روی‌بندسوم انگشت وسطی: ثروت وسعادت خارج از وطن را برای صاحب دست نشان میدهد.

۱۹ـ خطی که از خط عمر شروع و بطرف تپه ماه پائین آید و روی این تپه ختم شود : مسافرتهای طولانی را نشان میدهد.



(شکل ۲۸۹)

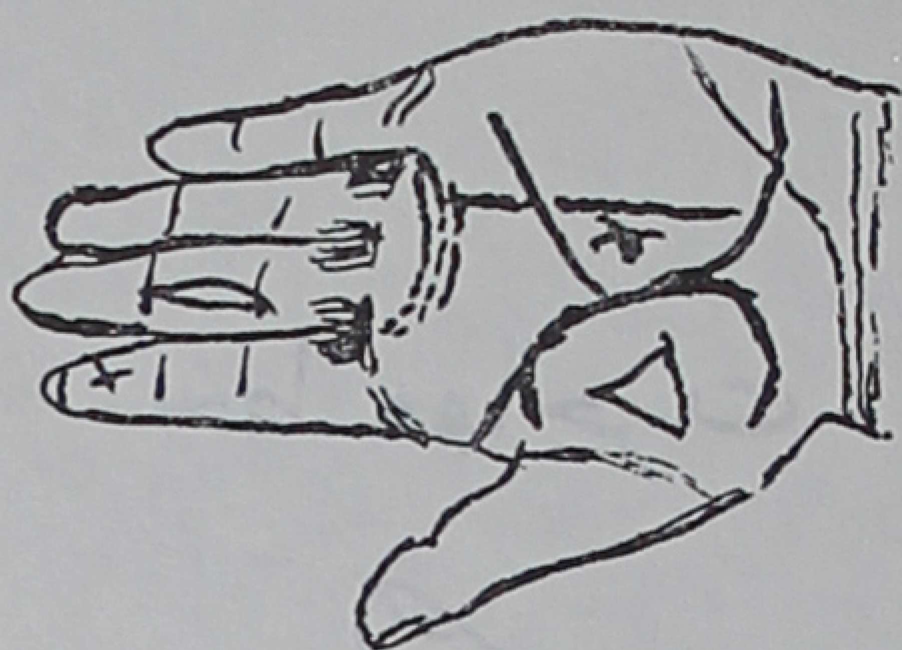


(شکل ۲۸۸)

« چیرو » این خط را نیز خط مسافرت نامیده و عقیده دارد اگر خط عمر به دو شاخه منشعب شود و یك شاخه‌آن تا روی تپه ماه پائین آید ، دال برمسافرت و تغییر زندگی است و اشخاصی که دارای چنین خطی‌هستند بیشترعمرخودرا درمسافرت ودور ازدیارخویش بسرمیبرند واگرخط عمر بدون انشعاب تا زیرشست پائین‌آید ، اشخاصی‌را نشان میدهد که مسافرت را دوست ندارند و بیشتر عمر را در شهر ودیار خود میگذرانند .

جزیره در این‌خط علامت ضرر وزیان است و وقتی‌خط درانتها با جزیره ختم‌شود صاحب‌دست ازمسافرتهای خود بهره‌ای‌نخواهدبرد. سایر علائم روی این خط مانند خط مسافرت تعبیر میشود .

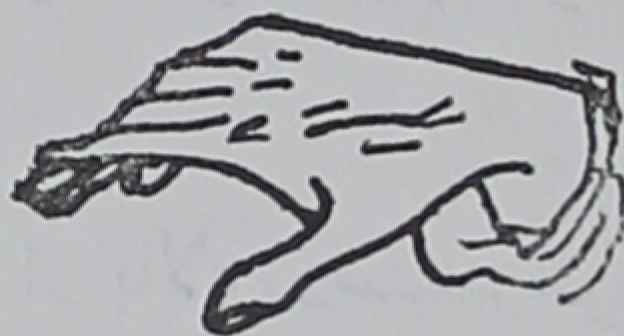
۲۰- وقتی خط اول دستبند در انتها بطرف تپه ماه بالا رود : نیز مسافرتهای بزرگ وطولانی را خبر میدهد، بخصوص اگراین خط از روی تپه ماه عبور نموده و تا ناحیه ضربت ادامه یابد ، و اگر خط دوم وسوم دستبند روشن وبطورکامل مچ‌دست‌را احاطه‌نماید، مسافرتها شامل استفاده وثروت وسعادت خواهد بود .



(شکل ۲۹۰)

۲۱- صلیب در تخته دست مقابل انگشت‌کوچك : زحمات و مشقات در مسافرتها را معین میکند .

۲۲- ستاره درتخته دست: علامت شهرت وافتخار در مسافرت است ، بشرط اینکه روشن ودرخشان باشد واگر این علامت در ابتدای خط قلبی قرارگیرد : شانس در مسافرتها را نشان میدهد .



خط مهاجرت



(شکل ۲۹۱)

خطی که از تپه ماه یا از بالای خط دستبند شروع و بطرف تپه برجیس بالامیرود خط مهاجرت نام‌دارد و وجوداین‌خط در کف دست دلیل است بر مهاجرت از میهن ومحل مولد . اشخاصی که وطن خود را ترك و به شهرودیاردیگرمسافرت ومهاجرت میکنند غالباً دارای چنین خطی میباشند .

۱ــ وقتی این‌خط از بالای دستبند شروع شود: دلیل براین‌است که صاحب دست در طفـولیـت با پدر و مادر خود وطن را ترك گفته است، چنانچه شروع خط بالاتر باشد با تقسیم بندی خط میتوان

زمان مهاجرت را تعیین نمود .


(شکل ۲۹۲)


(شکل ۲۹۳)

۲ـ وقتی خط مهاجرت از تپه ماه شروع شـود : مهاجرت به کشورهای دور وزندگانی دور از وطن را نشان میدهد .

چنانچه این خط از ناحیه ضربت شروع وپس از عبور از تپه ماه بطرف‌تپه برجیس بالارود: دلیل‌است برمهاجرت به‌کشورهای خیلی دور و عبور از اقیانوس .

۳ـ چنانچه خط مهاجرت درموقع عبور از صفحه، خط تقدیر را ببرد : دلیل است بر ضرر وخساراتی که بواسطه مهاجرت برصاحب دست واردآید ، اما اگر بعدازآن بریدگی خط روشن ومستقیم تا روی تپه مربوطه بالا رود : خسارات وارده جبران خواهد شد .

۴ـ خط شاخه دار: وقتی‌خط مهاجرت دارای شاخه‌های کوچك صعودی‌باشد، نشانه اشتغال بکارهای مختلف‌است و کسی که دارای‌چنین خطی باشد در مدت مهاجرت و خارج از وطن دست بکارهای مختلفی میزند وباکوشش وفعالیت زیاد ترقی وپیشرفت خواهدکرد .

درصورتیکه این خط دارای شاخه یا شاخه‌های بلند باشد وبکی

از شاخه‌های فرعی بطرف تپه کیوان بالارود : نحوست کیوان درشانس صاحب دست اثر میکند و دردیار غربت قسمتی ازعمرخودرا باسختی وبدبختی میگذراند ، اما چنانچه خط اصلی برروی تپه برجیس رسیده باشد دراثر جدیت وفعالیت عاقبت ترقی وپیشرفت خواهدکرد.



(شکل ۲۹۴)



(شکل۲۹۵)

اگر شاخه فرعی بطرف تپه خورشید بالارود : علامت ثروت و سعادت است وصاحب دست بواسطه هوش ولیاقت شخصی در خارج از وطن کسب شهرت وافتخار خواهد نمود .

چنانچه شاخه فرعی بطرف تپه تیر بالا رود : علامت نعمت غیرمترقبه‌است وصاحب دست بواسطه پیش آمد غیرمنتظره‌ای به‌شهرت وافتخار خواهد رسید .

۵ـ وقتی خط مهاجرت پیچ و تابدار باشد : دلیل برپیچیدگی امورات درخارج از وطن است .

۶ـ خط منقطع و شکسته : عدم موفقیت و شکست های در کار وشغل را نشان میدهد .

۷ـ خط مهاجرت که درانتها دوشاخه وچنگالی باشد: زحمات و

مشقات درخارج ازوطن را خبر میدهد .

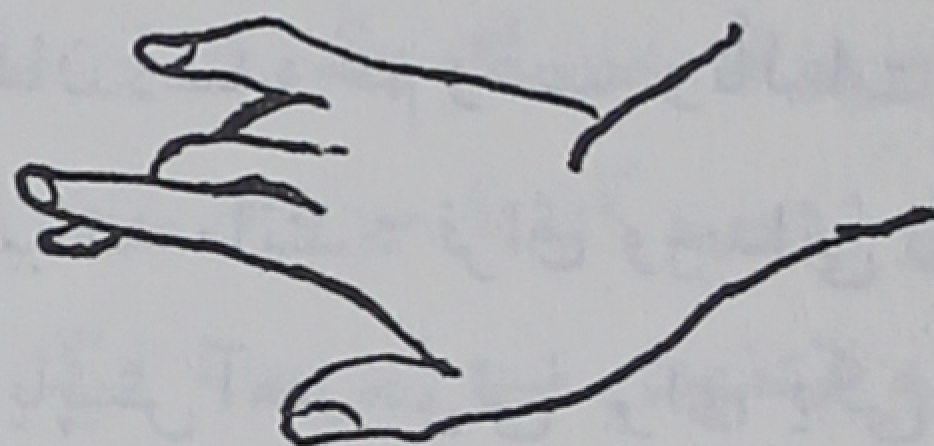
۸ـ صلیب روی خط مهاجرت : نشانه کسالت و بیماری است .

۹ـ ستاره روی این خط : حادثه شومی را نشان میدهد .

۱۰ـ نقطه روی این خط : پیش آمدی را نشان میدهد که موجب ناراحتی و کدورت خاطر میباشد .

۱۱ـ جزیره درخط مهاجرت : علامت عشق وازدواج است.

درصورتیکه خط مهاجرت باخط دیگری جزیره‌ای تشکیل دهد: دلیل است براینکه صاحب دست درخارج ازوطن ودور ازمحل موطن خود ازدواج میکند واین ازدواج موجب خواهد شدکه ازشهر ودیار خود صرفنظر کند وچنانچه بعد از جزیره خط تقدیر و خط ثروت نیز شروع وبه تپه‌های مربوطه بالاروند: ترقی وپیشرفت وثروت وسعادت بعد از ازدواج و دور از میهن را نشان میدهد .



خط اندوه



(شکل ۲۹۶)

خطی که از تپه ناهید شروع واز خط عمر عبور کند خط اندوه نام دارد .

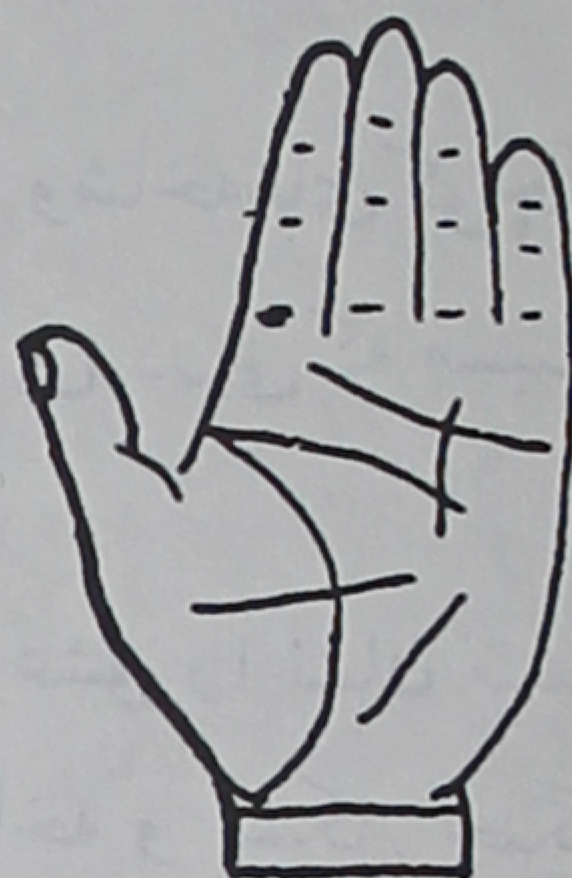
خط اندوه نشان دهنده غم وغصه وتألمات روحی است که مسبب آن عشق ومحبت میباشد مانند : فراق وجدائی زن با شوهر ، فرزند با پدر ومادر، بیماری یاپیش آمد سوئی برای یکی از اشخاصی که مورد علاقه صاحب دست باشد، مرگ یکی از بستگان نزدیك ویاهر پیش آمدی که موجب غم واندوه باشد .

خط اندوه هرچه شروع آن به ریشه شست نزدیکتر باشد شدت

غم و اندوه را نشان میدهد .

تاریخ وزمان این‌خط ازهمان تقسیم بندی خط عمر ومحل عبور خط معلوم میشود .

۱- وقتی یك خط ساده ولی روشن ازتپه ناهید شروع واز خط عمر عبور نماید : نشانه غم واندوهی است که مسبب آن عشق ومحبت است ، مانند فراق وجدائی ، واگر این خط تا وسط صفحه پیش رود شدت غم واندوه را نشان میدهد .



(شکل ۲۹۷)



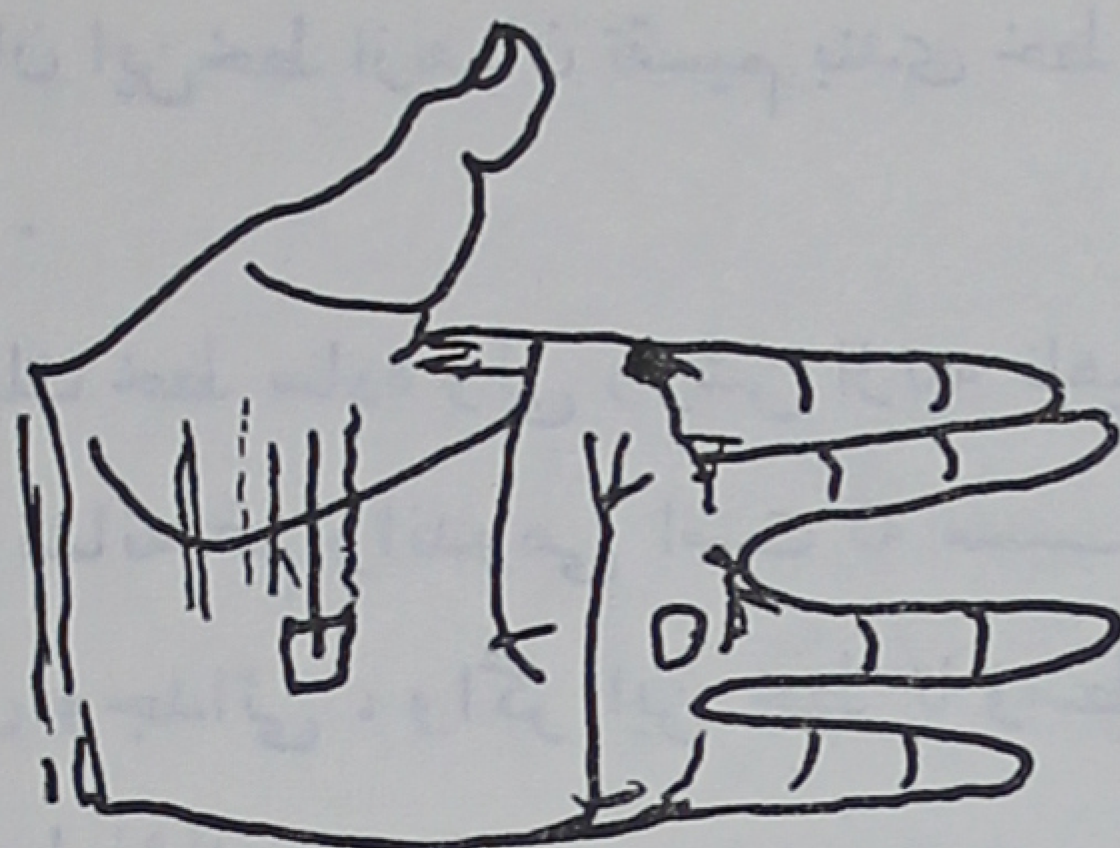
(شکل ۲۹۸)

۲- اگرخط اندوه ازروی تپه ناهید با صلیب شروع شود: مرگ یکی از اشخاص مورد علاقه صاحب دست را خبر میدهد، اگرشروع آن باستاره باشد: مربوط به مرگ یکی از نزدیکان است ، مانند فرزند، پدر یا مادر ، واگر شروع آن با جزیره باشد : غم واندوهی را نشان میدهد که مربوط به عشقهای شهوانی ویا ننگ ورسوائی است .

۳- وقتی خط اندوه پیچ وتابدار یا زنجیری باشد : شدت غم و اندوه را بیان میکنند .

۴- خط اندوه شکسته یا منقطع : از شدت غم واندوه میکاهد و

علامت امید به رفع نگرانی است .



(شکل ۲۹۹)

۵- وقتی خط اندوه شاخه دار باشد وشاخه‌های کوچکی از آن متفرع شود : دلیل است بر غم و غصه‌های پی درپی که مسبب آن یکی از نزدیکان خواهد بود .

۶- خط اندوه مضاعف : ناکامی در عشق را نشان میدهد .

۷- وقتی خط اندوه در انتها دو شاخه و بشکل چنگال خاتمه یابد : منازعه وگفتگوی با یکی ازنزدیکان وایجاد غم وغصه وناراحتی را برای صاحب دست نشان میدهد .

۸- وقتی خط اندوه از روی تپه ناهید شروع وپس از عبور از خط عمر در روی صفحه با صلیبی ختم شود: بیماری ممتد وخطیریکی ازنزدیکان مورد علاقه صاحب دست را خبر میدهد ، چنانچه صلیب در مربعی قرارگیرد : علامت حفظ از خطر ورفع نگرانی است .

اما اگر این خط درروی صفحه باستاره خاتمه یابد: اعلام خطر میکند و مرگ یکی از دوستان صمیمی موجب غم و اندوه و ناراحتی صاحب دست خواهد شد .



(شکل ۳۰۰)



(شکل ۳۰۱)

۹ـ وقتی خط اندوه باستاره شروع شود ودرموقع عبوراز خط عمر از چنگال وشاخه کوتاه متفرع ازاین خط بگذرد: مرگ یکی از نزدیکان را خبر میدهد که موجب منازعه وگفتگوی فامیلی خواهد شد. «دسبارول» این خطرا علامت مرافعه وگفتگوی برسر ارث میداند.



(شکل ۳۰۲)



(شکل ۳۰۳)

۱۰ـ وقتی خط اندوه باستاره شروع و پس از عبور از خط عمر

به خط تقدیر برسد واین خط را ببرد یا بشکند : دلیل است بر مرگ یکی از نزدیکان که موجب غم واندوه ومصیبت است وزندگی صاحب دست را متزلزل میسازد و اگر پیشتر برود وخط ثروت را هم ببرد ، ضرر وخسارات زیادی را نیز خبر میدهد .

اما اگر این خط با خط تقدیر متصل ومتحد شود و تا روی تپه کیوان بالا برود: بعکس مرگ یکی‌از نزدیکان موجب ترقی وپیشرفت در زندگی میباشد .

درصورتیکه خط اندوه باز هم پیش رود و با خط ثروت متصل ومتحد شود و تا تپه خورشید بالا برود : صاحب دست در نتیجه مرگ یکی از بستگان نزدیك که موجب غم ومصیبت است از ارث بهره‌مند و به ثروت وسعادت خواهد رسید .

«دسبارول» این خط را بمرگ پدر یا مادر ثروتمند تعبیرمیکند.

۱۱ــ چنانچه خط اندوه با ستاره شروع و پس از عبور از خط عمرتا صفحه پیش رود ودر انتها واز بالای‌آن خط ثروت بطور محکم وروشن شروع ومستقیماً تا تپه خورشید بالا رود و خط تقدیر نیزآنرا



(شکل ۳۰۴)

همراهی نماید: علامت مرگ یکی از منسوبین و نعمت غیرمترقبه میباشد.

کسی که دارای چنین خطی باشد در اوان زندگی و در خانه پدر ومادر وضعیت درخشانی نداشته ولی بعداً در سنین جوانی در اثر فوت یکی از منسوبین به ثروت وسعادت خواهد رسید، درصورتیکه این خط بعد از تاریخ ازدواج باشد، دلیل بر مرگ یکی از منسوبین همسر است که بواسطه ارثیه‌ای که نصیب وی میشود در زندگی آنها کاملاً موثر خواهد بود.

«دسبارول» این خط را به ارثیه غیرمنتظره تعبیر میکند.

۱۲- وقتی خط اندوه با ستاره شروع و پس از عبور از خط عمر تا خط سر یا خط قلبی بالا رود و با ستاره‌ای روی یکی از این خطوط متوقف شود: فاجعه و مصیبت بزرگی را خبر میدهد.

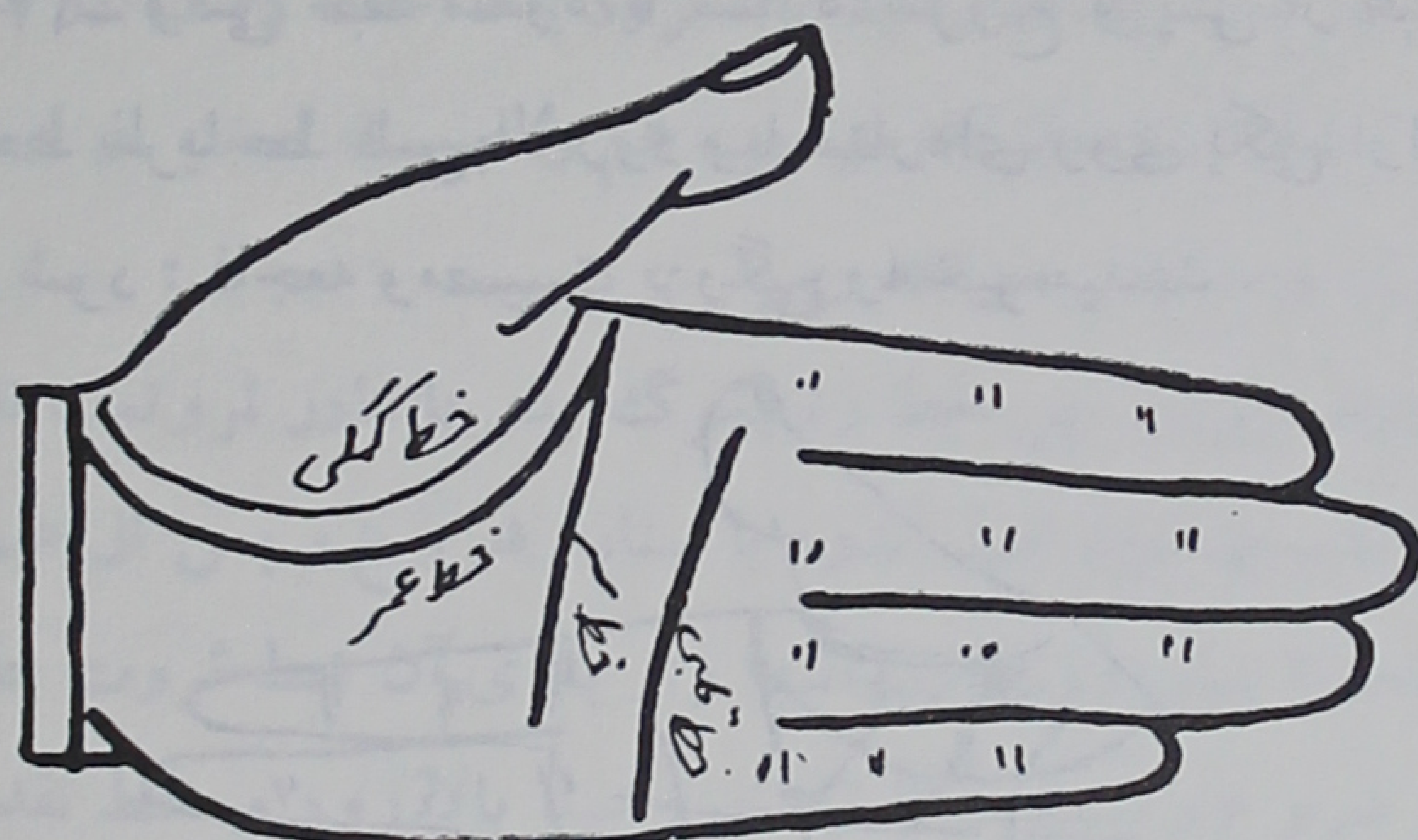


(شکل ۳۰۵)

این خط دلیل بر مرگ یکی از عزیزان است که به روحیه و قلب صاحب دست صدمه میزند تا آنجائیکه ممکن است در حواس او اختلالی پدید آید.

«دسبارول» این خط را جوانمرگ شدن فرزند میداند.

خط کمکی



(شکل ۳۰۶)

خط کمکی خطی است که در داخل خط عمر تپه ناهید را احاطه میکند وخط ثانوی برای خط عمر تشکیل میدهد.

خط کمکی در دست، نمودار تهور وشجاعت وپشتوانه صحت وسلامتی است.

عده‌ای از کفشناسان این‌خط را برحسب نظر «چیرو» خط بهرام مینامند وعقیده دارند قسمت بالای تپه ناهید به کوکب بهرام تعلق دارد

واین‌قسمت‌را تپه‌دوم‌بهرام‌میدانند (شکل۹۸) وچون این‌خط نشان‌دهنده تهور وشجاعت، وشروع آن ازقسمت بالای تپه ناهید میباشد آنرا خط بهرام میخوانند ، ولی عقیده اکثریت بر این است که تمام تپه متعلق به‌کوکب ناهید است و این خط را علامت تقویت روح و جسم و کمك زندگانی شخص میدانند و آنرا خط کمکی یا خط ثانوی عمر نام نهاده‌اند .

خط کمکی اگرظریف و روشن ودرتمام طول باخط عمر همراه باشد : دلیل است بر روح قوی، نیروی مقاومت، مصونیت ازامراض وسلامتی‌کامل واشخاصی‌که دارای این‌خط هستند متهور ، بی‌باك و در مقابل مخاطرات ترس وواهمه ندارند، آدمی که خط‌کمکی دارد بااینکه دارای دشمنان خطرناکی میباشد همیشه از مخاطرات ایمن و بطور اعجازآمیزی خطرها را دفع میکند .

اگراین‌خط کوتاه باشد: حامی وپشتیبان محکمی‌را برای‌صاحب دست نشان میدهد .



(شکل ۳۰۷)

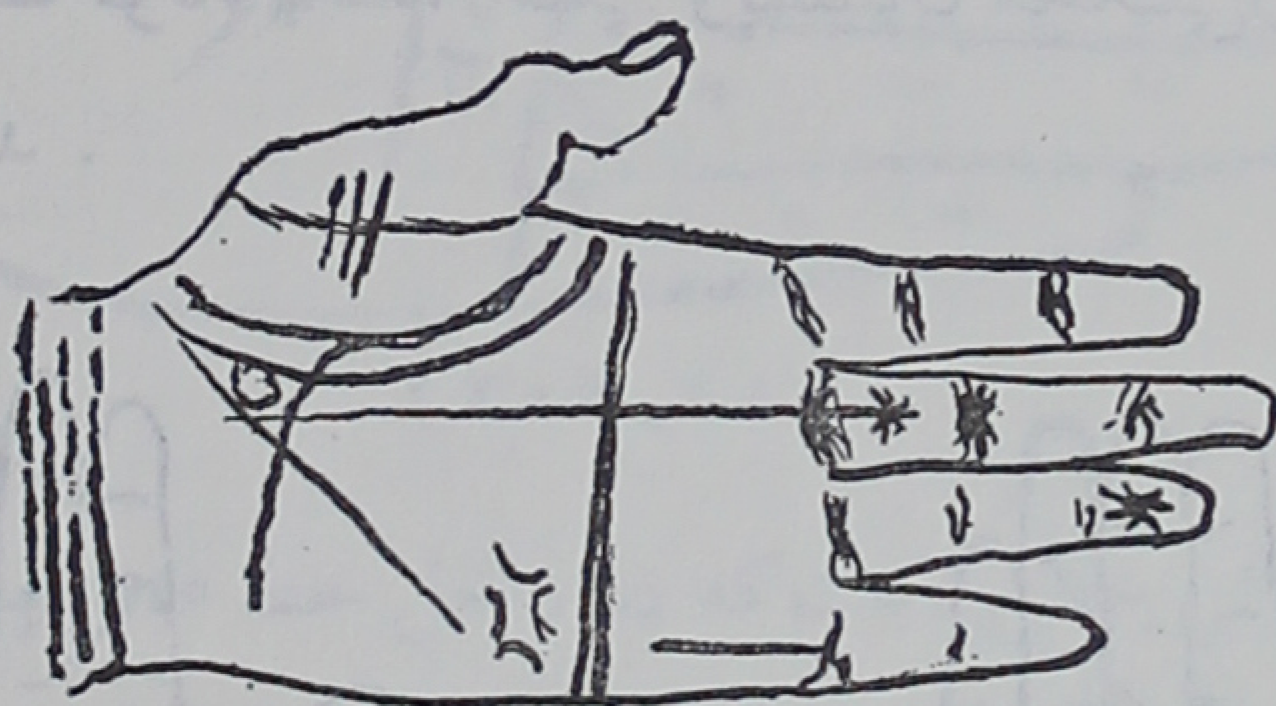


(شکل ۳۰۸)

وقتی خط کمکی از بالا (ابتدای خط عمر) شروع و در وسط خاتمه یابد: دلیل بر این است که صاحب دست از زمان طفولیت در تحت حفاظت وسرپرستی پدر مقتدری میباشد و دراثر تربیت و اقتدار پدر، متهور وشجاع بار میآید وتا زمانیکه خط ادامه دارد در کمال رفاه وآسایش بسرمیبرد.

چنانچه این خط ازوسط شروع وتا آخر باخط عمرهمگام باشد: حامی وپشتیبان صاحب‌دست فرزند ویا همسرخواهدبود واین‌اشخاص بواسطه داشتن همسر شایسته یا فرزند لایق درکمال راحتی وآسودگی زندگانی‌خود را بپایان میرسانند.

وقتی خط کمکی در انتها به دو شاخه منشعب و یکشاخه آن پس از عبور از خط عمر بطرف تپه ماه پائین آید: هیجان روح را نشان میدهد.



(شکل ۳۰۹)

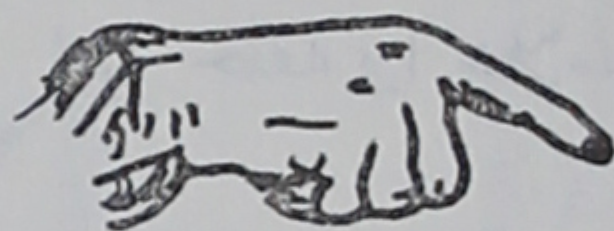
این اشخاص متهور و بیباك و درهرکاری زیاده روی وحدافراط را درپیش‌میگیرند، بی‌احتیاط هستند وغالباً مرگ آنها دراثر بی‌احتیاطی است، ایندسته حتی درآشامیدن مشروبات الکلی افراط میکنند.

وقتی خط کمکی زنجیری یا پیچ و تابدار باشد : ضعف اقتدار حامی وپشتیبان را نشان میدهد .

اگر این‌خط منقطع وشکسته باشد: حمایت وپشتیبانی ازصاحب دست را متزلزل میسازد .

علائم و هرگونه حادثه ای راکه این خط نشان دهد ، مربوط به حامی وپشتیبان شخص میباشد .

بطور کلی وجودخط کمکی‌در کف دست علامت سلامتی وطول عمر میباشد ، بخصوص وقتی‌که این‌خط همراه خط عمر تا زیرشست ادامه یابد، دراینصورت صاحب دست بواسطه داشتن همسر وفرزندان مهربان ومراقبتی‌که در حفظ سلامتی او میشود بعمرطبیعی خود خواهد رسید .



حلقه نـاهید



(شکل ۳۱۰)

خطی که بشکل نیمدایره از بین انگشتان سبـابه و وسطی تا بین انگشتان بنصر وخنصر دربالای خط قلبی رسم میشود و تپه‌های کیوان وخورشید را احاطه میکند حلقه ناهید نام دارد .

کفشنـاسان عموماً این حلقه را علامت هواپرستـی و عشقهای شهوانی میدانند .

بعقیده قدما ناهید الهه عشق میباشد وبهمین جهت این‌خط را به کوکب ناهید نسبت داده وحلقه ناهید نام نهاده‌اند .

بعضی میگویند حلقه ناهید که در قسمت علیای کف قرار میگیرد روحیه وافکار عاشقانه‌را نشان میدهد وعقیده دارند کف دست دوقسمت

میشود : ازپائین تا زیر خط سر، معرف شهوات ونیروی جسمانی واز خط سر ببالا قوای عقلانی و روحانی را نمایان میسازد .

بهرصورت عموماً حلقه ناهید را نمایشگر عشق به‌هواپرستی ویا افکار عاشقانه میدانند .

حلقه ناهید ممکن است تعدادآن تا سه وچهار وگاهی هم تا پنج خط برسد، بنابراین‌هرچند تعداد خط زیادتر ویاوسعت وعمق‌آن بیشتر باشد غلبه درعشق وشهوت را نشان میدهد .

وقتی حلقه ناهید درشروع وابتداکه بین‌انگشتان سبابه ووسطی میباشد بطرف انگشت سبابه متمایل و به تپه برجیس نزدیك شود: دلیل بر فرح و شادمانی واگر بطرف انگشت وسطی تمایل پیداکند و به تپه کیوان نزدیك شود : حزن واندوه وناکامی درعشق را بیان میکند.

هرچند حلقه ناهید به‌تپه‌کیوان نزدیکتر باشد حزن وناکامی‌بیشتر و بعکس هرچه به تپه برجیس نزدیکتـر شود سرور و شادمانی زیادتر خواهد بود .



(شکل ۳۱۱)

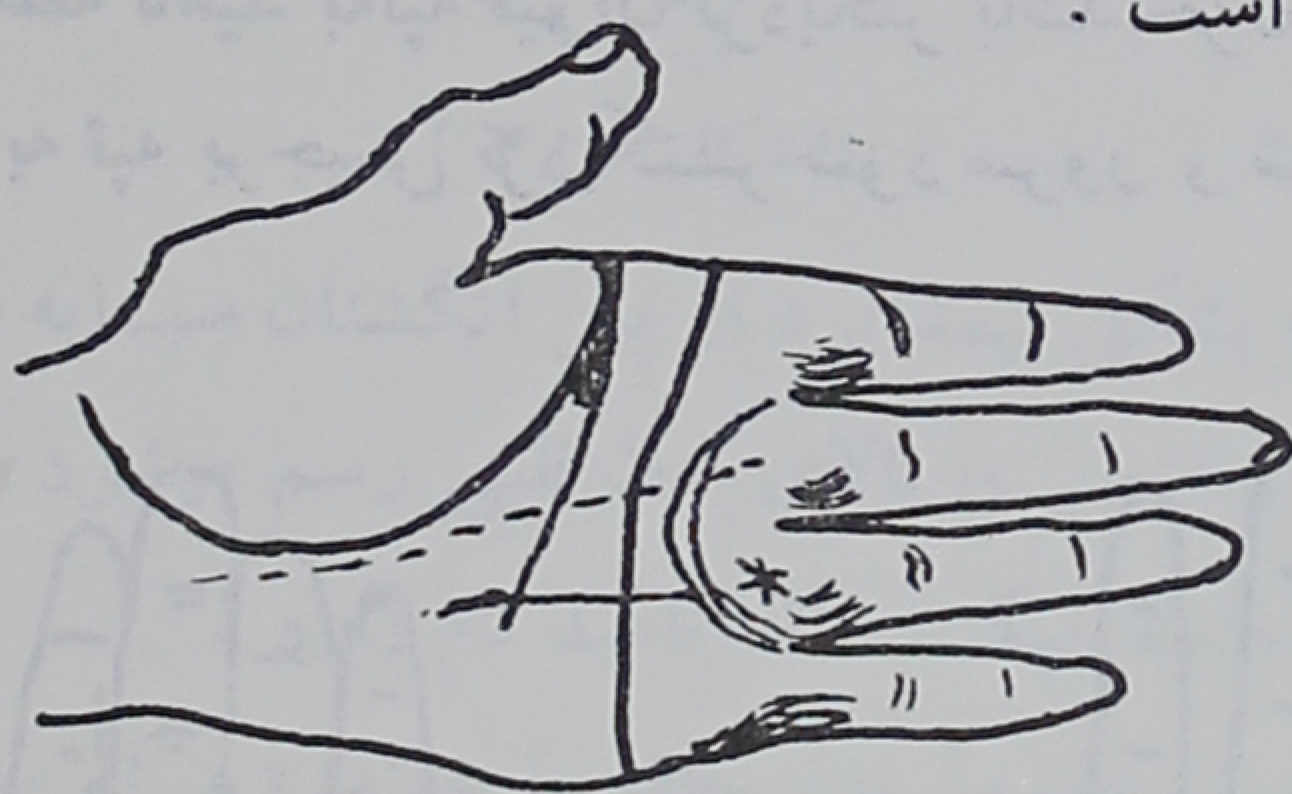


(شکل ۳۱۲)

وقتی انتهای حلقه که مابین انگشتان بنصر و خنصر قرار میگیرد بطرف تپه خورشید نزدیك شود : سعادت و شانس در امور عشقی را تقویت میکند واگر بطرف تپه تیر برود : افکار عاشقانه وذوق بمطالعه رمان‌های عشقی را نشان میدهد .

وقتی تعدادحلقه به‌سه یاچهار برسد وخطوط آن منقطع وشکسته و درهم باشد : نشانه شهوت پرستی و فساد اخلاق است واین علامت غالباً در دست اشخاص هرزه و فاسدالاخلاق مشاهده میشود بخصوص اگرکف دست نرم و مخطط و خط سر هم کوتاه باشد ، در اینصورت صاحب دست درمقابل عشق وشهوت بی‌اختیارو بلااراده و عاقبت خود را رسوا وبد نام میسازد ، زنهای هرجائی از ایندسته‌اند .

وقتی حلقه ناهید پائین آید و به خط قلبی نزدیك شود : علامت عشق ومحبت است .



(شکل ۳۱۳)

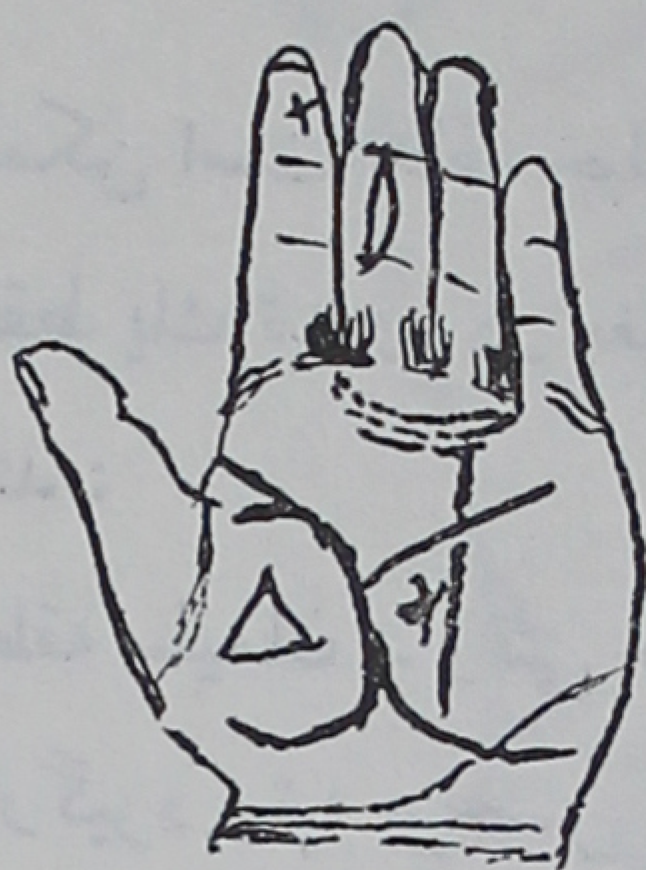
این اشخاص فوق‌العاده خوش قلب ، ساده وخوش باور هستند، زودگول‌وفریب میخورند، اگر کوچکترین‌محبتی به‌بینندعاشق میشوند، درمقابل عشق ومحبت ازمال وحتی ازجان خود دریغ ندارند زنهائیکه زود فریب میخورند وخودرا بلااراده تسلیم میکنند وتحت تسلط قرار

میگیرند از ایندسته‌اند .

اگرخط ازدواج درانتها از زیر تپه تیر پیش رود و به‌حلقه ناهید برسد و دراین حلقه فرو رود: علامت بدبختی درعشق وازدواج است، وکسی که دارای چنین خطی‌باشد بواسطه عشق بهواپرستی وعدم توجه وبی پروائی نسبت به‌خواسته‌های همسر وبیعلاقه بودن بخانه وکاشانه، خود موجب فساد اخلاق وگمراهی همسرش میشود وموجبات بدبختی خود را فراهم میسازد .



(شکل ۳۱۴)



(شکل ۳۱۵)

چنانچه خط تقدیر یا خط ثروت در انتها به حلقه ناهید برسد و دراین حلقه فرو رود : نشانه بدبختی یا ضرر وخسارت واز دست دادن سعادت در نتیجه هواپرستی است ، این اشخـاص بواسطه پیروی از تمایلات نفسانی وعشق بعیاشی و خوش‌گذرانی بشانس ومقدرات خود لطمه وارد میسازند وثروت وسعادت خود را از دست میدهند وعاقبت خود را بدبخت وبیچاره میسازند .

ستاره دروسط حلقه ناهید: نیز علامت بدبختی وابتلای بامراض است واشخاصی که‌دارای‌این علامت هستند درنتیجه هواپرستی صحت

و سلامتی خود را متزلزل میسازند و ممکن است از داشتن اولاد هم محروم شوند .



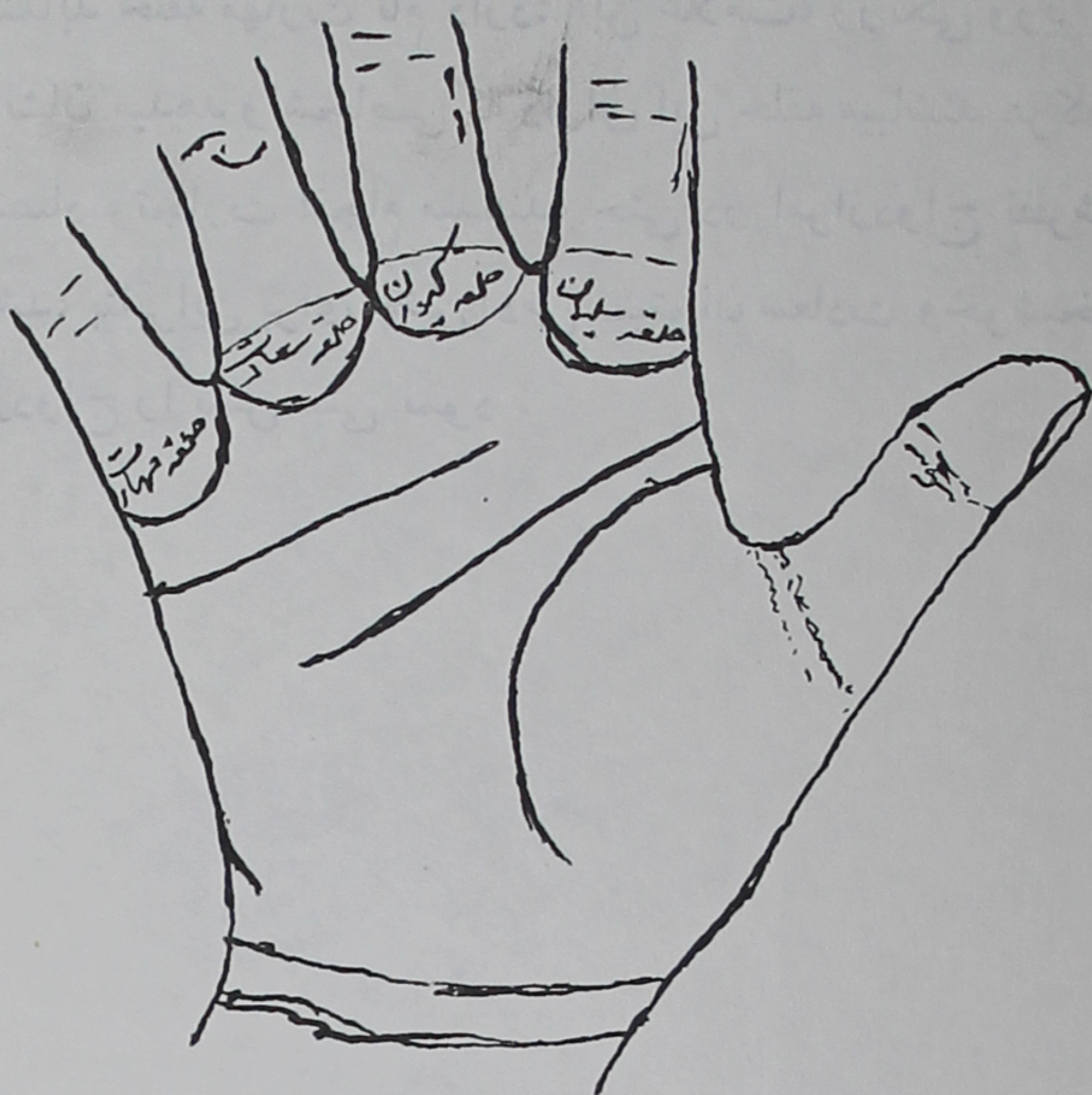
(شکل ۳۱۶)

ممکن است حلقه خیلی کوچك ودر زیر یکی از انگشتان قرار گیرد و فقط یك تپه را در بغل گیرد ، دراینصورت نام حلقه و تعبیر آن تغییر میکند :

حلقه سلیمان ـ وقتی حلقه کوچك و بشکل نیمدایره درزیرانگشت سبابه قرارگیرد وتپه برجیس را احاطه نماید: آنرا حلقه سلیمان یاحلقه برجیس میخوانندودلیل است برعشق به کشف رموزات طبیعت، اشخاصی که دارای این علامت هستند ، باریك بین، با وجدان وپاکدل میباشند، همیشه سعی دارند حقیقت هرموضوع وهر مطلبی راکشف نمایند، خدا پرست وباحقیقت هستند ، حلیم وبردبار ودر قضاوت عجله نمیکنند ، در دوستی وعشق نیز ثابت قدم وپایدار میباشند.

حلقه کیوان ـ نیمدایره در زیر انگشت وسطی که تپه کیوان را احاطه نماید بهمان نام کیوان خوانده میشود: این علامت در کف دست ناکامی در عشق را بیان میکند. صاحب این علامت همیشه محزون و مغموم و ازعشق ومحبت مشکوك و مأیوس وحتی از ازدواج وانتخاب

همسر ترس و وحشت دارد و قسمت عمده از عمر خود را به تنهائی میگذراند وممکن است تاآخر عمر بطور انفرادی زندگی کند.



(شکل ۳۱۷)

حلقه سعادت ـ خطی که بشکل نیمدایره در زیر انگشت بنصر تپه خورشید رادربرگیردآنرا حلقه سعادت یاحلقه طلا ویاحلقه خورشید مینامند: این حلقه دردست علامت سعادت ونیکبختی است واشخاصی که دارای‌این حلقه میباشند مخصوصاً درامر ازدواج خوشبخت هستند، درصورتیکه تپه خورشید برآمده باشد ممکن است در اوان جوانی با ناملایماتی روبرو شوند ولی پس از ازدواج سعادت را در برمیگیرند و با توافق وهم فکری همسر خویش ترقی و پیشرفت کرده وبا خوشی

زندگی میکنند .

حلقه مهارت ـ شکل نیمدایره در زیر انگشت خنصر که تپه تیر را احاطه مینماید حلقه مهارت نام دارد: این علامت، زرنگی وزیرکی ومهارت را نشان میدهد واشخاصی که دارای این حلقه میباشند هرکاری را از نظراقتصاد وتجارت انجام میدهند، حتی در امرازدواج نظرشان تجارت میباشد، بنابراین برای چنین آدمی نمیتوان سعادت وخوشبختی در عشق وازدواج را پیش بینی نمود .



خط ترقی



(شکل ۳۱۸)

شاخه بلند صعودی متفرع از خط عمر (خارج از خط عمر و سمت صفحه) را خط ترقی مینامند .

بطور کلی خط یاخطوط ترقی پیشرفتهای دوره زندگی را نشان میدهد ومعمولاً اولین خط ترقی یااولین شاخه‌ای که از خط عمر بطرف بالا میرود مربوط به زمانی است که شخص بعد از تحصیلات بکاری مشغول ویا شغلی را انتخاب وشروع بکار میکند واز تکفل پدر ومادر خارج میشود .

ممکن است در زمان تحصیل هم درکف دست خط ترقی دیده

شود ، ولی این خط مربوط بآنهائی است که دردوره تحصیل پیشرفتهای شایان توجهی داشته باشند .

چنانچه در پائین‌تر (سنین بالاتر) شاخه‌ای از خط عمر شروع وببالا صعودکند ، نشانه ترقی رتبه ومقام و یا استفاده و پیشرفتهای در دوران‌کار است و اگر شروع خط خیلی پائین و مربوط بزمان پیری و بازنشستگی باشد ، سعادتی را نشـان میدهدکه بواسطه فرزند نصیب شخص میشود .

تاریخ وزمان‌این خط همان تقسیم‌بندی خط عمرومحل جدا شدن از خط عمر میباشد .

خط ترقی هر چند مستقیم، روشن وبلندترباشد، ترقی وپیشرفت بیشتر خواهد بود .

۱ــ وقتی خط ترقی پس‌از جداشدن ازخط عمر مستقیماً بطرف تپه برجیس‌بالا رود وباین تپه برسد: ارتقاءِ درجه ومقام‌را نشان میدهد. خط ترقی به تپه برجیس که نمایشگر هوش وفراست،کاردانی ولیاقت، پاکدامنی و دیانت واعتماد بنفس میباشد بالامیرود، بنابراین اشخاصی که دارای این‌خط هستند: بواسطه هوش ولیاقت، راستی و صداقت و جلب اعتماد مافوق ترقی و پیشرفت کرده و مقام ارجمندی را اشغال میکنند .

۲ــ چنـانچه این خط به تپه کیوان بالا رود : علامت ترقی و پیشرفت است .

این‌خط که ازخط عمر جدا میشود بسوی سرنوشت و تقدیر بالا میرود ، بنابراین اشخاصی که دارای این خط میباشند بواسطه پشتکار



(شکل ۳۲۰)



(شکل ۳۱۹)

ولیاقت شخصی وبدون اتکاء وپشتیبانی دیگری ترقی وپیشرفت کرده و شانس خود را درآغوش میگیرند ، اما اگر این خط از تپه عبور کند و بمفصل سوم انگشت وسطی برسد ومفصل‌را قطع نماید: سرنگون‌شدن وضعیت را نشان میدهد وصاحب دست برای ترقی بیشتروبدست آوردن ثروت براه خطا میرود و شانس وسعادت را از دست میدهد ودرنتیجه اشتباه‌وخطا یایك عمل‌غیرقانونی اثرات نحس کیوان نصیب وی میشود و حتی ممکن است به حبس وزندان‌گرفتار شود .

۳ـ وقتی خط ترقی‌پس‌ازجداشدن ازخط عمر بطرف‌تپه خورشید بالا برود : دلیل بر شهرت وافتخار است .

تپه خورشیدکه نمودار هنر وابتکار، شهرت وافتخار میباشد خط ترقی را بطرف خود جذب نموده است ، بنابراین اشخاصی‌که دارای این خط هستند بواسطه هوش وقوه ابتکار وهنر ترقی وپیشرفت نموده

به ثروت و سعادت خواهند رسید.

اما اگر خط از تپه خورشید عبور کند ومفصل انگشت بنصر را قطع نماید: علامت ضرر وخسارت است وصاحب دست برای کسب شهرت وافتخار هزینه‌های سنگینی را متحمل میشود وعاقبت هم با عدم موفقیت روبرو خواهد شد.



(شکل ۳۲۱)



(شکل ۳۲۲)

۴- وقتی خط ترقی بطرف تپه تیر برود وروی این تپه خاتمه یابد: دلیل بر پیشرفت و ترقی بواسطه علم بامور اقتصادی است. ایندسته فوق‌العاده زرنگ وزیرك ودرامور بازرگانی پیشرفت وثروتمند خواهند شد وچنانچه تحصیلات خود را درعلوم دینی بپایان برسانند نیز نشانه موفقیت و درخشندگی است.

۵- درصورتیکه خط ترقی از پائین خط عمر شروع و پس از عبور از صفحه بهرام بطور صعودی بطرف تپه بهرام برود: پیشرفت صاحب دست را بواسطه تهور وشجاعت نشان میدهد، معمولاً این خط در دست افسران ارشد دیده میشود که در سنین بالا بواسطه فتوحات و یا اقدام متهورانه باخذ درجه مفتخر میشوند وچنانچه صاحب دست

بشغل دیگری اشتغال داشته باشد درنتیجه شهامت دست بکارهای بزرگی میزند که موجب پیشرفت وترقی خواهد بود .



(شکل ۳۲۳)



(شکل ۳۲۴)

۶ـ خط ترقی چنگالی: وقتی این خط درانتها دوشاخه وچنگالی شود ، علامت خیانت است .

صاحب چنین خطی بکاری دست میزند که موجب ترقی وپیشرفت میباشد ولی بواسطه خیانت شرکاء یادوستان موفقیت کامل ندارد ونتیجه زحمات خود را از دست خواهد داد .

۷ـ وقتی خط ترقی شاخه‌دار باشد : ترقی وپیشرفت بیشتری را اعلام میدارد وصاحب دست از پرتو شغلی راکه انتخاب نموده استفاده‌های بیشماری میبرد وبه ثروت وسعادت میرسد .

۸ـ خط ترقی منقطع و شکسته : دلیل برشکست و ضرر و خسارت است .

۹ـ وقتی خط ترقی مضاعف باشد: استحکام شغل و ترقی وشهرت را نشان میدهد .

۱۰ـ بطور کلی وقتی خط ترقی مستقیماً بطرف خط سر بالا برود: دلیل بر موفقیت و پیشرفت در شغل وکار میباشد ، اما اگر به خط سر برسد وغفلتاً توقف کند وقطع شود: توقف در پیشرفت را بواسطه عدم تجربه و اشتباه نشان میدهد .

۱۱ـ ستاره در خط ترقی : حادثه شومی را برای شغل و کار خبر میدهد .

۱۲ـ صلیب روی این خط : علامت ضرر و خسارت یا تنزل مقام میباشد .

۱۳ـ نقطه رنگین و عمیق در این خط : دلیل است بر کسالت و بیماری که موجب وقفه درکار وضرر وخسارت میشود .

۱۴ـ پره‌های افقی و کوتاه روی خط ترقی : موانع و اشکالات درکار را بواسطه عداوت وبدگوئی دشمنان و همقطاران نشان میدهد .

۱۵ـ جزیره در خط ترقی : علامت شراکت و رفاقت است ، چنانچه جزیزه ظریف وبدون‌ضایعه باشد، خوب‌است ودوستی ورفاقت یا شرکتی را نشان میدهد که موجب ترقی وپیشرفت خواهد بود و اگر جزیره بدترکیب یادارای صلیب وستاره باشد بعکس ضرر وخسارت‌را معین میکند .

خط تنزل



(شکل ۳۲۵)

شاخه نزولی از خط عمر را خط تنزل مینامند .

خط تنزل بعکس خط ترقی است و از خط عمر (سمت صفحه) شروع وبطرف پائین سرازیر میشود .

ولی اگرخطمنشعب ودوشاخه شود، شاخه‌آن خط تنزل‌نخواهد بود ومربوط به‌خط عمر میباشد .

خط تنزل بطور کلی تنزل و عزل از مقام یا ضرر و خسارت را معین میکند وهرچند خط بلندتر و روشن‌تر باشد ضرر وخسارت بیشتر یا مدت عزل ازمقام وبیکاری طولانی‌تر خواهد بود .

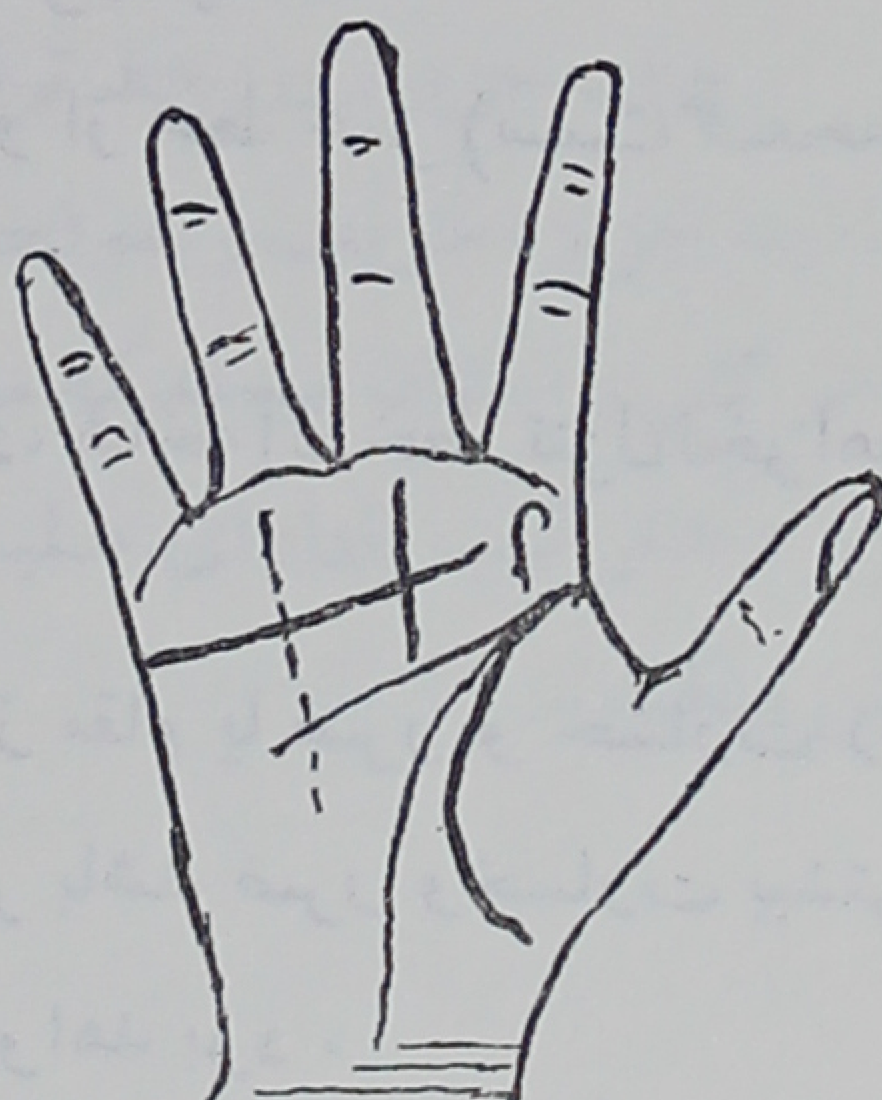
معمولاً شاخه‌هائی که ازبالای خط عمر شروع میشود ومربوط

بزمان تحصیلی میباشد دلیل است بر توقف در کلاس و مردودی و یا ترك تحصیل و اگر بعداز زمان تحصیل باشد صاحب دست بواسطه نادانی وعدم تجربه، شغلی را انتخاب و شروع بکار میکند که موجب ضرر و زیان واز دست دادن آبرو وحیثیت خواهد بود .

تاریخ وزمان این خط نیز مانند خط ترقی از تقسیم بندی خط عمر معلوم میشود .

۱- وقتی خط تنزل تا وسط صفحه بهرام پائین آید : دلیل است برضرر وخساراتی که بواسطه گفتگو ونزاع وارد آید واگر صاحب دست درخدمت اداری یا نظام باشد تنزل درجه و مقام بواسطه عدم کفایت و سرپیچی از اوامر مافوق را نشان میدهد .

۲- چنانچه این خط بلند باشد وپس از عبور از صفحه تامچ دست پائین آید : علامت ضرر وخسارت واز دست دادن حیثیت است، کسی که دارای این خط است فوق العاده ساده ، باعاطفه و بامحبت میباشد و



(شکل ۳۲۶)



(شکل ۳۲۷)

بواسطه دوستی و رفاقت با اشخاص زرنگ و مساعدت و همراهی با دیگران حتی ثروت ومکنت خود را از دست میدهد .

۳ـ وقتی خط تنزل از بالای خط عمر شروع و بطور نزولی تا آخر تپه بهرام برود واز آنجا هم عبور کند وتا تپه‌ماه پائین آید: علامت سرگردانی‌است وصاحب‌دست در همان‌کودکی یا اوان‌جوانی بواسطه مناقشات داخلی خانه پدر ومادر را ترك و با مسافرتهای بلا اراده خود را سرگردان میسازد .

۴ـ خط تنزل شاخه دار : ضرر و خسارات پی در پی را برای صاحب دست نشان میدهد .

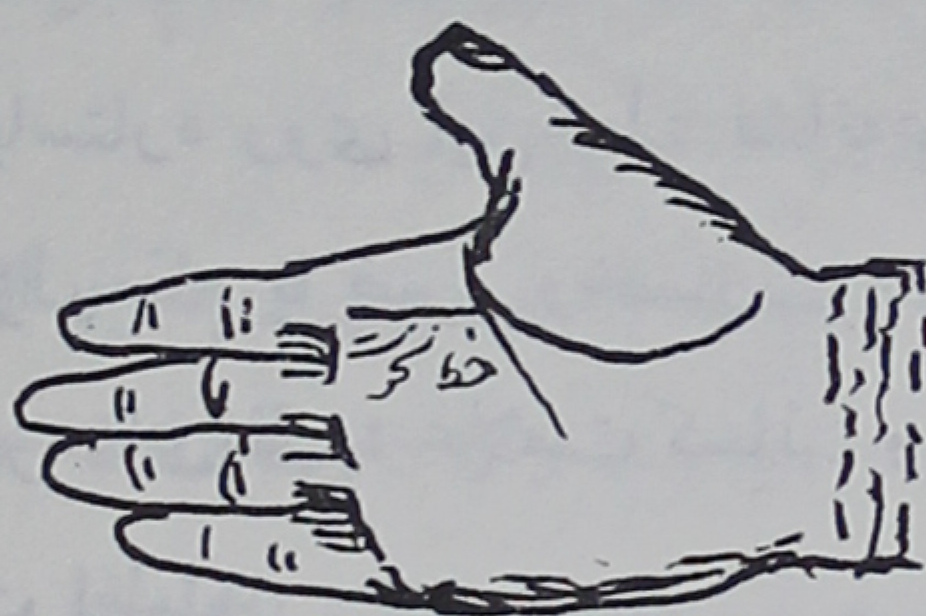
۵ـ صلیب یاستاره روی این‌خط: نشانه‌غم‌وغصه وناراحتی‌هائی است‌که بواسطه تنزل مقام یا ضرر وخسارت واردآید .

۶ـ نقطه یاپره‌های‌افقی: علامت کسالت‌وبیماری است‌که مسبب آن ضرر وخسارات است.

۷ـ جزیره در خط تنزل : ضرر و خسارات را بواسطه شرکت و رفاقت نشان میدهد .



خط نخوت



(شکل ۳۲۸)

شاخه‌ای که ازخط عمرویا ازخط سرشروع وتا روی تپه‌برجیس بالا میرود خط نخوت نام دارد .

خط نخوت علامت غرور ونخوت است و اشخاصی که دارای چنین خطی هستند جاه طلب و مقام‌دوست هستند گرچه بظاهر تند و خشن میباشند ولی پاکدل و مردم‌دار و شایسته مقام مدیریت میباشند ومیتوانند در امور اداری ونظام مقام‌های بزرگی را اشغال نمایند.

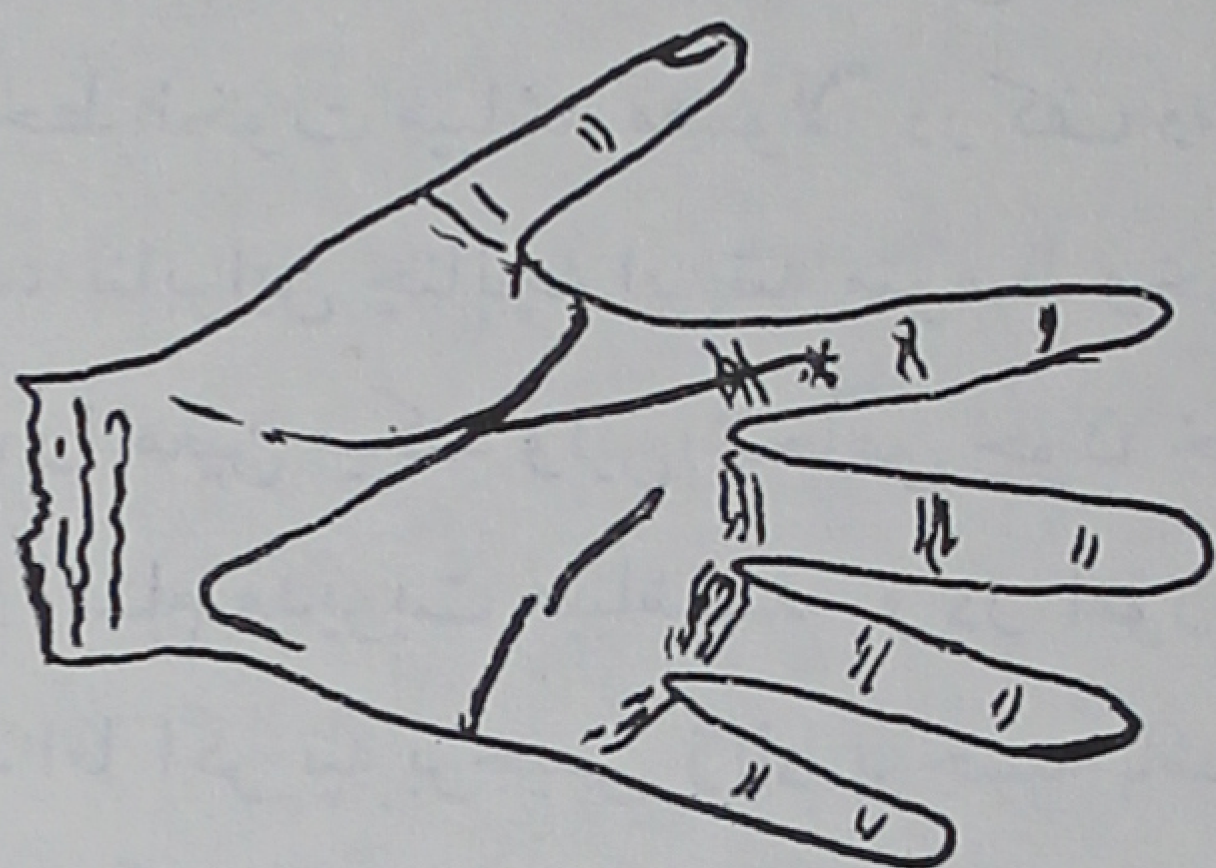
خط نخوت هرچند روشن، مستیقم وبلندتر باشد ترقی‌وپیشرفت بیشتر خواهد بود .

تاریخ وزمان این خط را وقتی شروع آن از خط عمر باشد تقسیم بندی خط عمر و اگر از خط سر شروع شود تقسیم بندی خط تقدیر معلوم میکند .

۱ــ وقتی خط نخوت از خط عمر شروع شود : صاحب دست بواسطه لیاقت و پشتکار بمقام ومرتبه میرسد .

۲ــ اگرشروع این خطازخط سرباشد: ترقی و پیشرفت بواسطه هوش وفراست خواهد بود .

۳ــ درصورتیکه خط نخوت ازتپه عبور کند وپس‌از قطع مفصل سوم انگشت سبابه به‌بند سوم این انگشت برسد: علامت‌از دست دادن مقام است وصاحب دست بواسطه کبرونخوت زیاد ومخالفت اشخاص



(شکل۳۲۹)

مافوق ومادون با شکست روبرو ومقام ومرتبه خود را از دست خواهد داد ، اما اگر بدون اینکه مفصل انگشت را قطع نماید تا بند سوم بالا برود و با ستاره روشن و درخشانی روی بند سوم ختم شود : علامت موفقیت کامل است وصاحب دست بواسطه تسلط واقتدار خود باوجود مخالفت دیگران به پیشرفتهای بزرگی نایل خواهد شد .

۴ــ وقتی خط نخوت دارای شاخه‌های صعودی باشد : ترقی و

پیشرفت تدریجی را نشان میدهد .

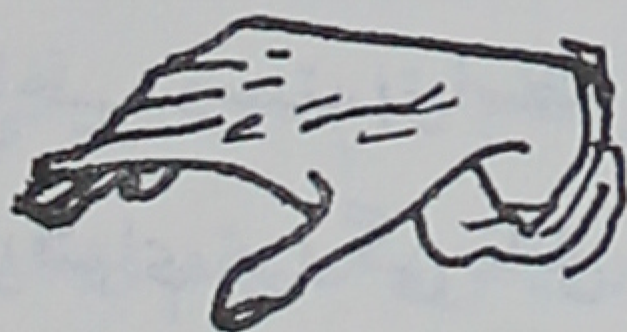
۵ـ خط نخوت چنگالی : وقتی این خط در انتها دو شاخه و بشکل چنگال خاتمه یابد صاحب‌دست بو اسطه مخالفت و ضدیت دیگران همیشه ناراضی و ناراحت و بایستی مراقب اوضاع و احوال خود باشد.

۶ـ خط پیچ و تابدار: علامت پیچ و تابهای درشغل و کاراست.

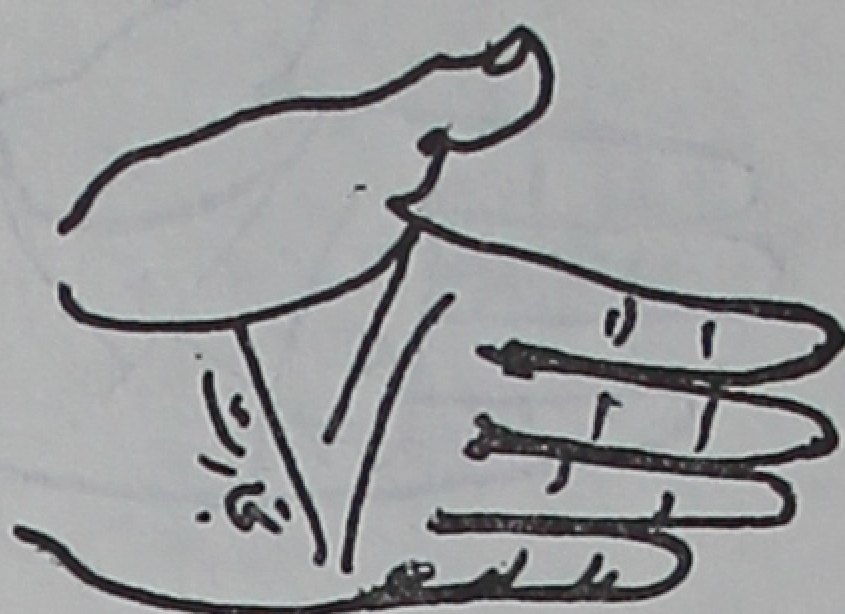
۷ـ وقتی خط نخوت مضاعف باشد : صاحب دست بو اسطه مساعدت و همراهی شخص مقتدری بموفقیت خواهد رسید .

۸ـ ستاره یا صلیب و یا نقطه روی این خط : علامت وقایع و پیش آمدهای ناگوار در شغل و کار است .

بطور کلی خط نخوت علامت جاه طلبی و مقام پرستی است و کسی که دارای خط نخوت میباشد معمولاً در کف دستش تپه برجیس خودنمائی میکند، بنابراین چنانچه این تپه متوسط و خوش شکل باشد: استعداد مدیریت را معین میکند و این اشخاص چون خیرخواه ومهربان هستند شایسته مقام مدیریت میباشند و در امور اداری ترقی و پیشرفت مینمایند اما اگر تپه برجیس زیاد برجسته باشد : آدم متکبر و مغروری رامعرفی میکند، دراینصوت ترقی‌و پیشرفت‌این‌افراد درخدمت نظام وارتش بیشتر است بخصوص اگر تپه بهرام هم قابل توجه باشد.



خط تجارت



(شکل ۳۳۰)

شاخه‌ای که ازخط عمر یا از خط سر شروع و به تپه تیر برود ، خط تجارت نامیده میشود.

خط تجارت استعداد بامور اقتصادی وبازرگانی‌را نشان میدهد واشخاصی که دارای این‌خط‌میباشند، زرنگ وباهوش، وترقی‌وپیشرفت آنها درکسب وتجارت میباشد وبواسطه استعدادی که دارند، از این‌راه به‌ثروت وسعادت خواهند رسید .

تاریخ وزمان خط تجارت مانند خط نخوت وقتی شروع آن از خط عمر باشد از تقسیم بندی خط عمر واگر ازخط سر شروع شود از تقسیم‌بندی خط تقدیر معلوم میشود .

۱ـ وقتی شروع خط تجارت از خط عمر باشد: علامت پشتکار ولیاقت است واشخاصی که دارای‌این خط‌هستند بواسطه لیاقت‌شخصی در امور بازرگانی ترقی وپیشرفت خواهند نمود .

۲ـ وقتی خط تجارت از خط سر شروع شود : صاحب دست را مقتصد معرفی میکند .

این افراد بواسطه هوش و ابتکار در امور بازرگانی به ثروت و

سعادت میرسند .



(شکل ۳۳۱)

۳ـ خط تجارت چنگالی: وقتی این خط درانتها باچنگالی روی تپه تیر خاتمه یابد ، دو فکر متضاد را نشان میدهد و افرادی که دارای این خط هستند چون همیشـه در دو رشته مختلف کار میکنند نمیتوانند بموفقیت کامل برسند .

۴ـ وقتی خط تجارت شاخه‌دار باشد: موفقیت را متزلزل میسازد وایندسته برای ترقی وپیشرفت ازاین شاخه بشاخه دیگرمیپرند وبهمین جهت نمیتوانند بموفقیت کامل برسند .

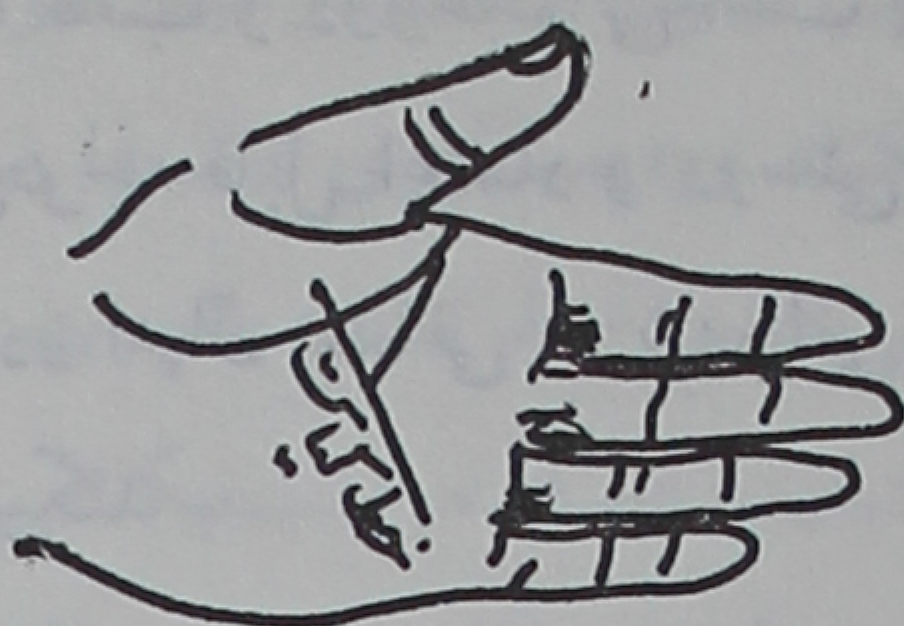
۵ـ خط مضاعف : علامت اتحاد و اتفاق است و اشخاصی که دارای خط مضاعف باشند باتشکیل شرکت ویادوستی ورفاقت به‌ثروت وسعادت خواهند رسید .

۶ـ خط منقطع وشکسته : وقفه وشکست درکار را نشان میدهد.

۷ـ ستاره یا صلیب ویا نقطه روی این خط : نیزدلیل بر وقایع وپیش آمدهائی است که موجب ضرر وخسارت میباشد .

۸ـ جزیره درخط تجارت: نشانه دوستی‌ورفافت ویاشرکت‌هائی است که باعث ندامت وپشیمانی خواهد بود .

خط کیاست



(شکل ۳۳۲)

خطی که از تپه ناهید شروع و مستقیماً به تپه تیر برود، خط کیاست نام دارد.

خط کیاست علامت موفقیت در عشق است و صاحب‌دست بواسطه تدبیر و عقل در امور عشقی و ازدواج موفق و سعادتمند میباشد.

زمانی که این خط از خط عمر عبور میکند تاریخ موفقیت را اعلام میدارد.

چنانچه این خط شاخه‌دار یا چنگالی باشد: دلیل بر دخالت دیگران و ناراحتی‌های روحی است.

صلیب یا ستاره و یا نقطه روی این خط: حوادث و وقایعی را نشان میدهد که موجب غم‌و اندوه و کدورت خاطر صاحب‌دست خواهد بود.

خط تقلب



(شکل ۳۳۳)

خطی که از انتهای تپه ناهید و نزدیك ریشه شست شروع و پس

از عبور از خط عمر بطرف تپه تیر متوجه‌شود، خط تقلب نام‌دارد.

این‌خط علامت تقلب و دروغگوئی است و اشخاصی که دارای چنین‌خطی هستند بهیچوجه قابل اعتماد و دوستی نیستند وصاحب این علامت برای موفقیت در امیال نفسانی و شهوانی حتی به صمیمی‌ترین دوستان خود خیانت میکند.

تاریخ ارتکاب‌خیانت را تقسیم‌بندی خطرعمر وزمانیکه خط‌تقلب ازخط عمر عبورمیکند معلوم میدارد.

چنانچه این خط شاخه دار ویا چنگالی باشد: عواقب بدی را برای صاحب دست نشان میدهد.

صلیب‌یاستاره روی‌این‌خط: نشانه حوادث شوم وبدبختی‌است.

جزیره در این خط: دلیل بردوستی و رفاقتی است که موجب بدبختی وازدست‌دادن حیثیت خواهد بود.

خط وجدان



(شکل ۳۳۴)

شاخه‌ای که ازخط تقدیر یاخط ثروت شروع وتا روی تپه‌تیر برود خط وجدان نام دارد.

وجود این‌خط علامت وجدان و عاطفه‌است واشخاصی که دارای

این‌خط میباشند خیرخواه ، عطوف ومهربان‌هستند، مساعدت وهمراهی باهمنوع ودستگیری ازبیچارگان‌را وظیفه خود میدانند، همیشه درامور خیریه شرکت میکنند وبه‌دستگیری ازضعفا میشتابند .

زمانیکه این‌خط ازخط تقدیر یاثروت جدا میشود زمان وتاریخ اقدام بخیری را نشان‌میدهد که موجب‌نیکنامی ورضای خداوند خواهد بود و ازآنجائی که هرعملی، خیر یا شر دارای عکس‌العملی میباشد و خداوندپاداش یاجزای آنرا میدهد، صاحب‌چنین‌خطی اگرعلائم شومی هم دردست داشته‌باشد عاقبت‌آن‌بخیر وزندگانی‌را باسعادت ونیکنامی بسرمیبرد وبطور خلاصه این‌خط دلیل برسعادت و عاقبت خیر میباشد.

خط جدیت



(شکل ۳۳۵)

خطی‌که مبداء آن تپه بهرام وپس از عبور از خط قلبی بطرف تپه خورشید متوجه شود ، آنرا خط جدیت مینامند .

وجود این خط در دست علامت جدیت وفعالیت زیاد است و اشخاصی‌که دارای چنین‌خطی‌میباشند فوق‌العاده زرنگ وفعال وپیوسته برای ترقی وتعالی خود میکوشند وبرای پیشرفت وموفقیت جانفشانی

میکنند .

با وجود این خط در صورتیکه خطوط تقدیر و ثروت روشن و مستقیم و بدون ضایعه باشد آتیه درخشانی را برای صاحب دست نوید میدهد .

خط جنون



(شکل ۳۳۶)

خطی که از تپه ماه بطرف صفحه بالا رود وخط تقدیر را قطع نماید ، خط جنون نام دارد.

این خط علامت امراض دماغی و جنون میباشد و بهمین جهت خط جنون نامیده شده است.

خط جنون دردست علامت خوبی نیست و کسی که دارای چنین خطی باشد بواسطه ابتلای بامراض دماغی ویا جنون آنی مقام و منزلت خودرا ازدست میدهد.



(شکل ۳۳۷)

اگر این خط روی تپه ماه با جزیره شروع شود و یا جزیره‌ای تشکیل دهد عشق وشهوت موجب جنون خواهد شد.

چنانچه خط تقدیر بعد از اینکه بوسیله خط جنون قطع شود مجدداً شروع ومستقیماً بالا رود رفع خطر جنون‌را اعلام میدارد.

زمان‌وتاریخ این‌خطرا همان تقسیم‌بندی خط‌تقدیر معین میکند.

خط پیش‌حسی



(شکل ۳۳۸)

خطی که از تپه ماه بطور نیمدایره ویا مورب بطرف تپه‌تیر برود علامت حس قبل‌از وقوع میباشد و آنرا خط پیش‌حسی مینامند.

خط پیش‌حسی بیشتر دردست زنها مشاهده‌میشود وغالباً زنهائی که حالت هیستری دارند دارای این‌خط میباشند.

زنهائی که خط پیش‌حسی دارند دارای حس‌قبل‌ازوقوع میباشند و بعضی اتفاقات وحوادث خیر وشر را قبلا حس میکنند، حتی ممکن است حوادثی را یکی دو ماه قبل خبر دهند ، رؤیای آنها حقیقی و هر موضوعی را درخواب می‌بینند ویا در بیداری و حالت غیرعادی بآنها الهام میشـود ، بخصوص وقتی که این خط در روی تپه ماه با جزیره شروع شود.



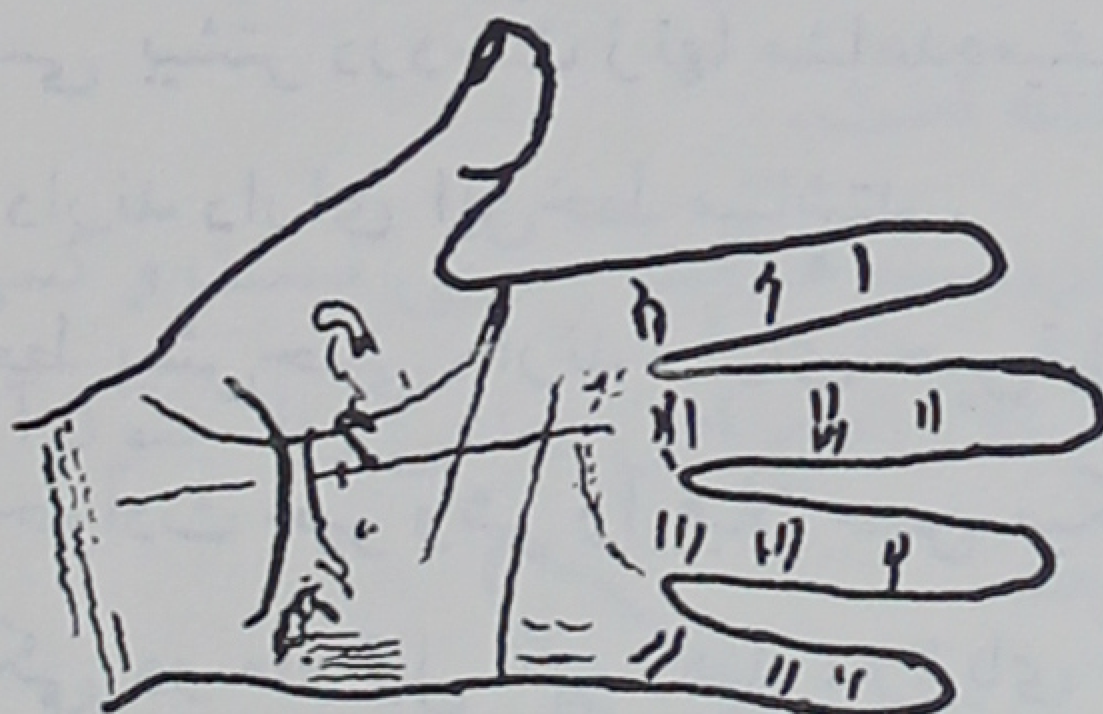


(شکل ۳۴۰) (شکل ۳۳۹)

وقتی خط سر بلند و تا روی تپه ماه پائین آید و با ستاره ختم‌شود نیز نشانه پیش‌حسی است .

زنهائی که دارای حس قبل‌از وقوع میباشند غالباً کف دست آنها مخطط (حساسیت) ، انگشت شست کوتاه (بی‌اراده‌گی) ، تپه ناهید فرورفته و حلقه ناهید بطور خیلی کمرنگ نمودار است.

خط بهشت مصنوعی



(شکل ۳۴۱)

خطی که در پائین خط عمر بطور افقی و مورب تا روی تپه ماه پیش آید و شکل نیمدایره بخود بگیرد آنرا خط بهشت مصنوعی نام نهاده‌اند.

خط بهشت مصنوعی در دست معتادین و آنهائیکه با استعمال مواد مخدر بخیال خود عوالم بالا و بهشت موعود را سیر میکننــد ، دیده میشود .

این خط که علامت بدبختی است وقتی تپه ماه چین دار باشد الکلیسم واگر تپه ناهید مخطط باشد اعتیاد بمواد مخدر را معین میکند واشخاصی که دارای چنین خطی میباشند عاقبت به بدبختی و بیچارگی مبتلا خواهند شد.

خط فصاحت



(شکل ۳۴۲)

خطی که از تپه بهرام به‌تپه برجیس میرود خط فصاحت نام دارد وصاحب چنین خطی دارای مغناطیس درسخن میباشد وبوسیله قوه بیان بشهرت وافتخار خواهد رسید .

واعظین و وکلای زبر دست از ایندسته‌اند .

در دست این اشخاص غالباً بند اول انگشت کوچك بلند ونوك تیز وستاره‌ای هم روی بند سوم این انگشت دیده میشود .

خط علم و هنر



(شکل ۳۴۳)

دو خط که از قاعده انگشتان خنصر و بنصر پائین آید ودربالای خط قلبی بهم متصل و تشکیل حرف یو «Ū» یا وی (V) بدهد خط علم وهنر نامیده میشود .

وجود این خط در دست دلیل برترقی و پیشرفت در امور علمی وهنری است .

این خط غالباً دردست اطباءِ حاذق وهنرمندان قابل دیده میشود.

خط ارث



(شکل ۳۴۴)

چهار خط موازی ومتساوی الفاصله که از ریشه شست شروع و

بطور افقی تا وسط تپه ناهید پیش رود ، خط ارث نامیده‌اند .

این خط علامت بهره و نصیب از ارث میباشدو اشخاصی که دارای خط ارث هستند از میراث بهره‌مند خواهند شد .

این خط هرچند مستقیم وروشن‌ترباشد: اهمیت ارثیه بیشتراست واگر پیچ وتاب داشته باشد ، بی‌اهمیتی آنرا نشان میدهد .

صلیب یا ستاره روی این خطوط : گفتگو و مرافعه با اقوام و نزدیکان را برای ارث خبر میدهد .

پره‌های روی این خطوط : موانع واشکالات در تصاحب ارثیه را معین میکند ،

اشخاصی که دارای خط ارث میباشند، غالباً در دستبندشان مثلث با ستاره در وسط آن مشاهده میشود .



(شکل ۳۴۵)

یااینکه در زاویه اعظم دست ستاره‌ای دارندویا روی تپه برجیس صلیب متساوی‌الاضلاعی نقش می‌بندد .

خط ارث، تاریخ وزمان را معلوم نمیکند وبرای بدست آوردن تاریخ بایستی به خط تقدیر وثروت مراجعه شود .

خط شهوت

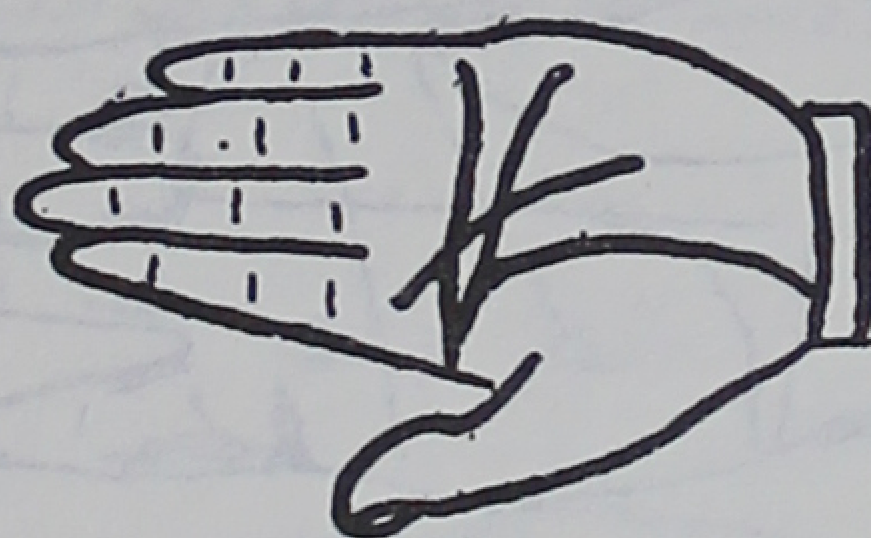


(شکل ۳۴۶)

خط مستقیمی که روی تپه ماه و درمجاور خط کبدی رسم شود، خط شهوت نام دارد .

این خط عمیق و برنگ قرمز میباشد و نبایستی با خط کبدی اشتباه شود .

خط شهوت در دست، علامت شهوت‌رانی و هواپرستی است.



(شکل ۳۴۷)

اشخاصی که دارای خط شهوت میباشند، معمولاً در کف دست آنها تپه ناهید پر ومخطط است وغالباً خط قلبی در انتها دوشاخه است که یکی به تپه برجیس و دیگری به‌خط سر پائین میآید و خط سر نیز در انتها دوشاخه است ویکی از شاخه‌ها به تپه‌ماه پائین میآید .

فصل نهم

در بیان نواحی مختلفه کف دست

کف دست که خطوط اصلیه و فرعیه در آن نقش می‌بندد به پنج قسمت تقسیم میشود :

۱ـ تپه‌های هفتگانه دست .

۲ـ تخته دست که در زیر انگشتان چهارگانه ومابین خطوط قلبی وسر قرار دارد .

۳ـ صفحه دست، شامل مثلث بزرگ، مثلث کوچك، زاویه اعظم، زاویه چپ ، زاویه راست وصفحه بهرام .

۴ـ ناحیه ضربت دست .

۵ـ مچ دست که شامل خط دستبند است .

واینك هر قسمت را جداگانه بشرح آن میپردازد .

تپه ها

تپه‌های هفتگانه دست عبارتند از : تپه برجیس ، تپه کیوان ،

تپه خورشید ، تپه تیر ، تپه بهرام ، تپه ماه، و تپه ناهید که درگرداگرد کف قرارگرفته‌اند و شرح آن قبلاً بیان شده است (بفصل چهارم مراجعه شود) .

تخته دست



(شکل ۳۴۸)

سطح واقعه مابین خط قلبی وخط سر را تخته مینامند .

تخته‌دست برحسب وسعت وشکل، خوی و سرشت شخص را نمایان میسازد .

۱ــ وقتی تخته دست وسیع و فاصله بین خطوط قلبی و سر زیاد باشد : صاحب دست را نیك‌سرشت و نیکوخصال معرفی میکند ، این‌اشخاص خوش‌قلب، خیرخواه ونسبت بعموم مهربان وباوفاهستند، هرچند وسعت تخته زیادترباشد، عاطفه وخیرخواهی بیشتراست. ضمناً وسعت این‌ناحیه سلامتی روح وجسم را بیان میکند .

۲ــ وقتی فاصله بین دوخط قلبی وسر کم واین دوخط مجاورهم قرارگیرند : معرف پستی فطرت ، دنائت طبع و خباثت روح است . ضمناً ابتلای بامراض ریوی و ضیق‌النفس را پیش‌بینی میکند .



(شکل ۳۴۹)



(شکل ۳۵۰)

وقتی تخته دست تنگ باشد از دوحال خارج نیست: یا خط قلبی ازمحل خود پائین آمده و به خط سر نزدیك میشود ، یا اینکه خط سر بالا میرود و تخته را تنگ میکند .

چنانچه خط قلبی پائین آید : علامت خودخواهی و خبث طینت است واین اشخاص بی‌عاطفه و بی‌وجدان میباشند وبرای استفاده حتی به صمیمی‌ترین دوستان خود نیرنگ میزنند .

اگر بعکس خط سر بالابرود: تبعیت از امیال نفسانی وشهوت‌پرستی را نشان میدهد ، ایندسته نسبت بهمه چیز و همه‌کس حسادت و عداوت میورزند ، مهر ومحبت آنها برای ارضاء شهوات ودر مقابل عشق وشهوت به‌صمیمی ترین دوستان خود پشت پا میزنند .

ممکن است دوخط قلبی و سر بقدری بهم نزدیك و درهم ادغام شود که بصورت‌خط واحدی در کف دست نمودارگردد ، دراینصورت در کف دست تخته تشکیل نمیشود ویك‌خط مستقیمی بطورافقی سراسر

کف را (از بالای خط عمر تا ناحیه ضـربت) خط کشی و کف را دو قسمت میکند.

وقتی چنین خطی در دست مشاهده شود بایستی با دقت کامل و توجه به‌ابتدا و انتها، شکل و محل خط تشخیص داده‌شود که خط قلبی زیاد پائین آمده و به‌خط سر چسبیده و خط واحدی را تشکیل داده یا اینکه خط سر مجـذوب خط قلبی و ناپدید شده است. تشخیص این موضوع نهایت اهمیت را دارد زیرا صفات متضادی را بیان میکند.

چنانچه شروع خط از بالای خط عمر باشد: خط قلبی پائین آمده و به‌خط سر چسبیده ودلیل برخست، ترس، جبن و خودپرستی است، این اشخاص بهیچ کس اعتماد ندارند واز همه‌کس وهمه‌چیز میترسند، مهرومحبت ندارند و با کمتر کسی معاشرت میکنند، جرأت و شهامت هیچ کاری را ندارند و بهمین جهت در زندگی ترقی وپیشرفتی ندارند، پول پرست وممسك هستند، گرچه از نظرمادی بواسطه بخل ونخوردن بیچاره نمیشوند ولی زندگی نکبت باری را میگذرانند.



(شکل ۳۵۱)

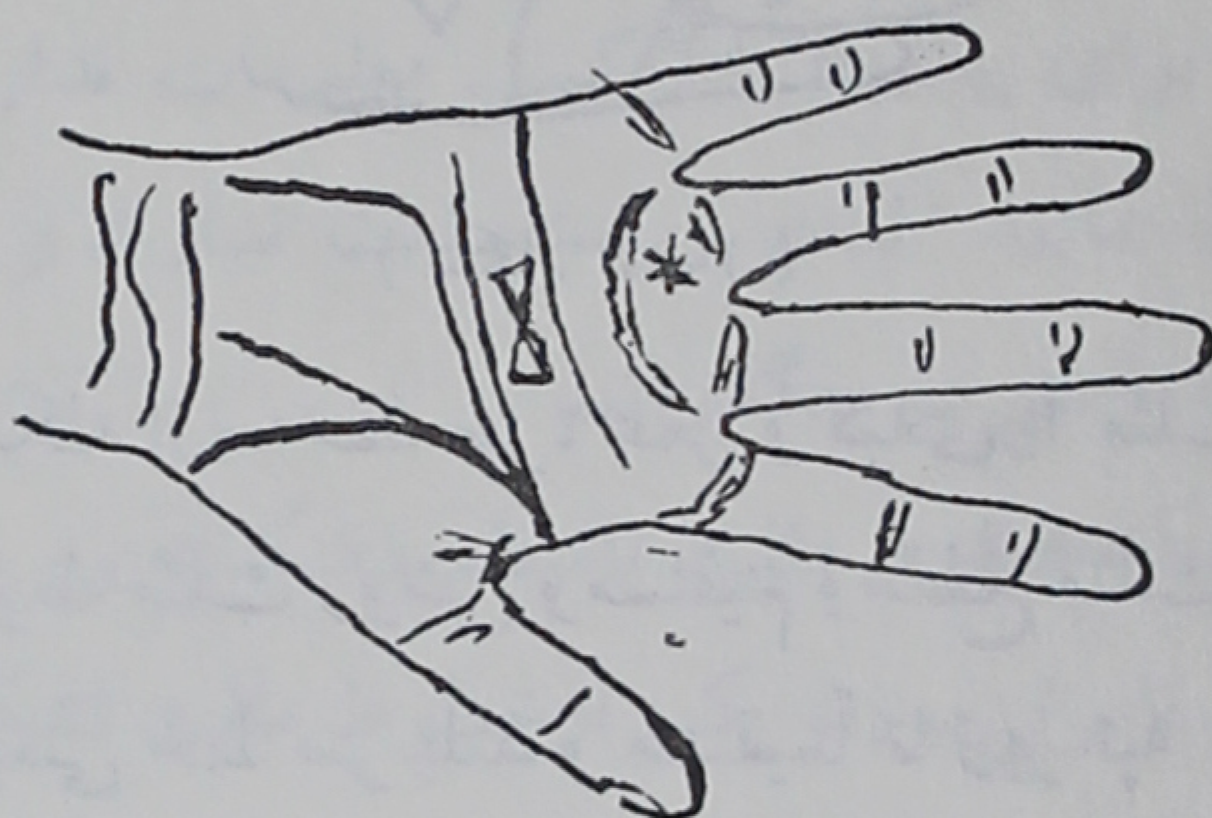


(شکل ۳۵۲)

درصورتیکه بعکس خط ازناحیه ضربت شروع‌شود: خط قلبی،

خط سر را بخود جذب ودرخود فروبرده است ومعرف شهوت‌پرستی و بی‌عقلی‌است وخط سر که نمایشگر عقل‌وفکر است درعشق وشهوت گم‌شده‌است. ایندسته‌گرچه زرنگ، باهوش، خون‌گرم وفعال‌هستند اما عقلی‌ندارند، درکودکی بازیگوش وازتحصیل‌فرارمیکنند، به‌سن‌بلوغ هم‌که میرسند جنون‌شهوت دارند، مهرومحبت آنها برای‌ارضاء شهوت است ، ولخرج و در مقابل عشقهای شهوانی بی اراده و تسلیم محض میباشند ، ازآبرو وحیثیت خود نمی‌ترسند و در عشق و شهوت شرافت، ثروت و همه چیز خود را بباد میدهند و خود را بدبخت و بیچاره میسازند این‌خط در دست زنها دیده نمیشود و منحصر به دست مرد است .

۳ـ ستاره در تخته دست : علامت سعادت و نیکبختی است ، این‌علامت اگر درمقابل انگشت وسطی قرارگیرد، عشق بمطالعه و در مقابل انگشت بنصر ثروت و در زیر انگشت کوچك ترقی و پیشرفت خارج ازمیهن را معین میکند.



(شکل ۳۵۳)

۴ـ صلیب در تخته‌دست: نیز شانس و خوشبختی‌را نشان‌میدهد.

۵ـ دو مثلث که زوایای آن بهم متصـل باشد در تخته دست: علامت عفت و پاکدامنی است.

۶ـ نیمدایره که تحدب آن بطرف پائین باشـد: در دست مرد امراض تناسلی و در دست زن علامت زایمان سخت است.

اگر بعکس تقعر نیمدایره بطرف پائین‌باشد: صاحب دست باید خود را ازگزند دشمنان حفظ نماید.

۷ـ پره‌های روشن و ضخیم در تخته دست: نشـانه امراض و کسالت‌ها است بخصوص وقتی که رنگ آن تیره و یا قرمز باشد.

مثلث بزرگ



(شکل ۳۵۴)

مثلث متشکله ازسه‌خط سر، عمر و کبدی‌را مثلث‌بزرگ مینامند.

وقتی‌خطوط مثلث روشن ومستقیم وسطح مثلث بزرگ‌وخوش‌ترکیب باشد، یعنی خط سر بلند و مستقیماً تا زیر تپه بهرام پیش‌آید و خط‌کبدی نیز ازخط عمر شروع ومستقیماً تا تپه تیر بالابرود: سلامتی روح وجسم وعقل وهوش را بیان میکند.

این اشخاص دارای افکار بلند وهوش سرشار میباشند، دردوران تحصیل بانهایت علاقه وسعی و کوشش به‌تحصیل میپردازند و پس از پایان دوره تحصیل هرشغلی را انتخاب نمایند باکمال راستی، درستی، جدیت وپشتکار پیشرفت ودوران عمررا باخوشی وسعادت بسرمیبرند.



(شکل۳۵۵)



(شکل۳۵۶)



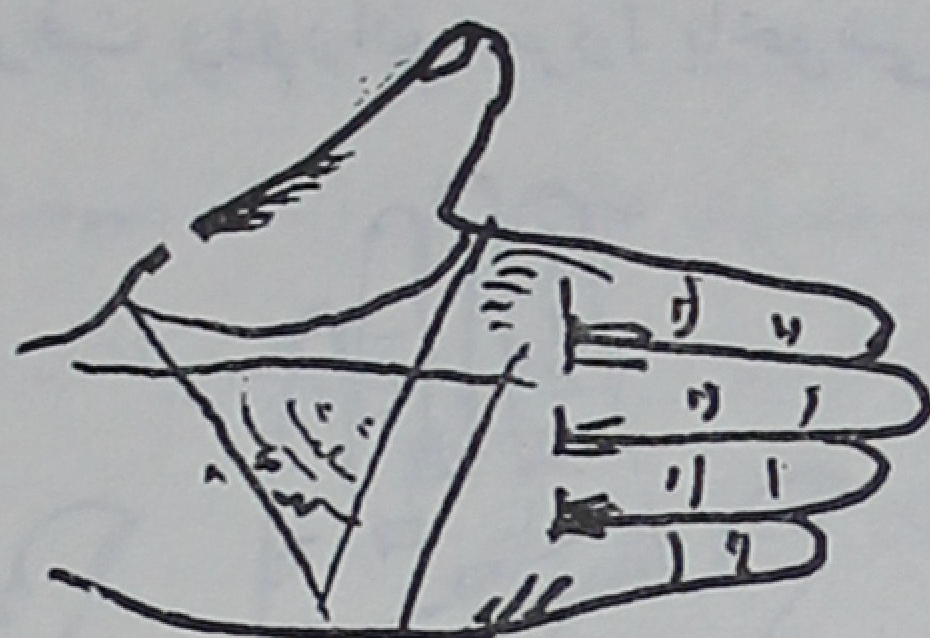
(شکل۳۵۷)

چنانچه این مثلث کوچك باشد ، یعنی خط سر پس‌از جدا شدن از خط عمر بطرف پائین سرازیر شـود ، یا خط کبدی از محل خود بالاتر شروع‌شود وبالنتیجه سطح‌مثلث راکوچك وتنگ نماید: بعکس کوته فکری وعدم اراده را نشان میدهد، این‌اشخاص در دوره تحصیل علاقه و جدیتی برای پیشرفت وکسب معلومات ندارند ، بعداً هم هر شغلی را انتخاب نمایند ثبات و استقـامت ندارند و دوران عمر را با عدم موفقیت وناراحتی‌ها میگذرانند .

درصورتیکه خطوط مثلث نامنظم ، شکسته وبریده وکوتاه باشد یا اینکه بواسطه نامرئی‌بودن یکی ازخطوط مثلث تشکیل نشود : دلیل برکوتاهی فکر، تردید ، بی‌نظمی درامور میباشد و ایندسته در زندگی ترقی وپیشرفتی ندارند ویا ترقی وپیشرفت آنها موقتی و دوران عمر را

با تزلزل خاطر میگذرانند وضمناً از سلامتی کامل‌هم برخوردار نیستند .

مثلث کوچك



(شکل ۳۵۸)

مثلث کوچك ازخطوط سر، تقدیر و کبدی تشکیل میشود، یعنی وقتی خط تقدیر ازپائین دست شروع وازمثلث بزرگ عبورنماید واین خط باخط‌سر وخط کبدی مثلثی‌را تشکیل‌دهدآنرا مثلث کوچك مینامند.

این‌مثلث وقتی‌سطح آن بزرگ وخطوط آن روشن‌ومستقیم باشد: دلیل برروشنفکری است، این‌اشخاص باریك‌بین وعاقبت‌اندیش‌هستند وهمیشه هرکاری را با فکر صحیح انجام میدهند و از مقدرات خویش استفاده میکنند .



(شکل ۳۵۹)

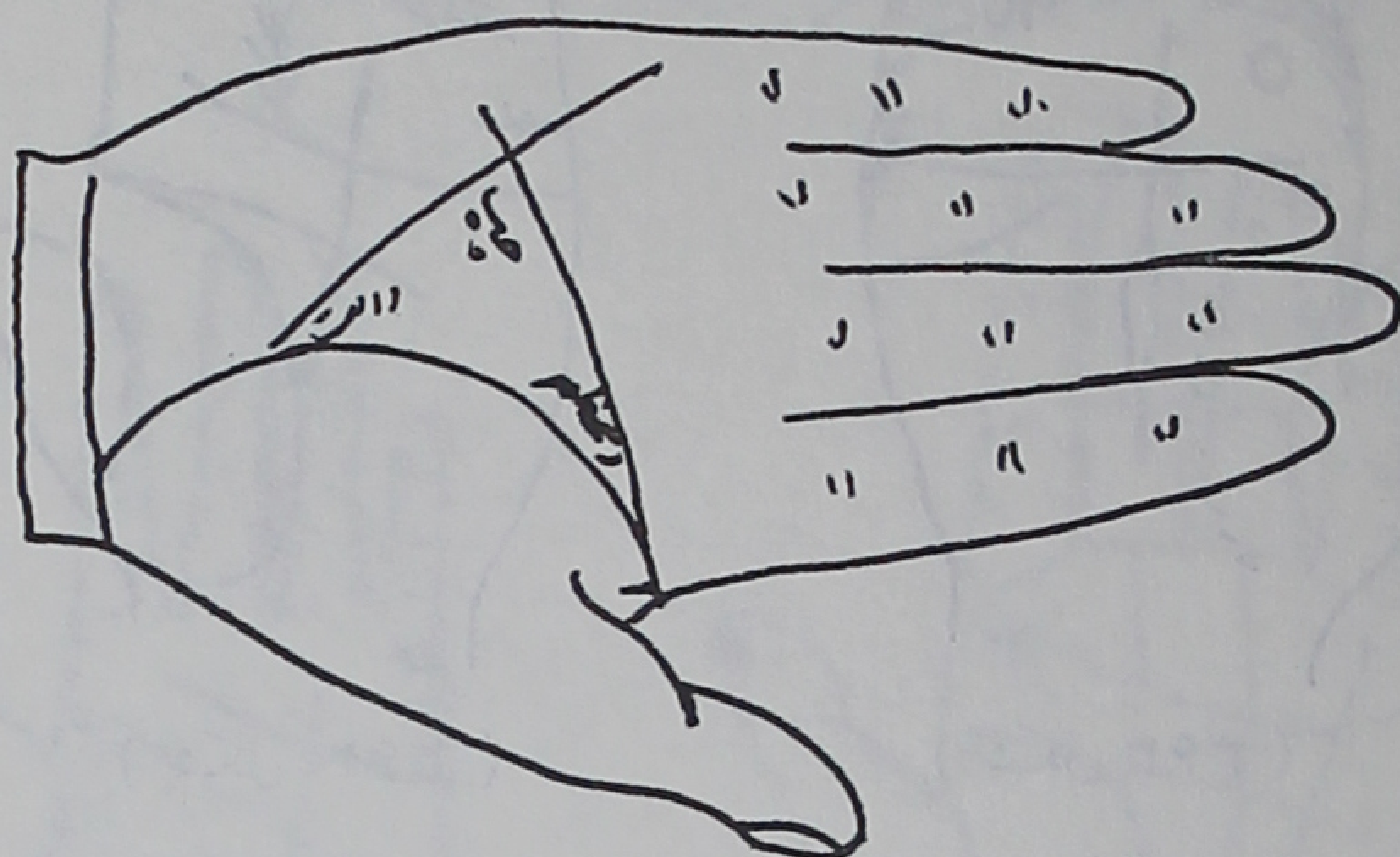


(شکل ۳۶۰)

چنانچه این مثلث کوچك باشد یا خطوط آن نامنظم و کمرنگ وخوب نمایان نباشد : دلیل بربی فکری است واین اشخاص هرکاری را بدون فکرعاقبت انجام میدهند وبالنتیجه در دوره زندگی به‌خسارات وناراحتی‌ها برخورد میکنند .

وقتی مثلث کوچك تشکیل نشود یعنی کف‌دست فاقدخط تقدیر باشد: صاحب‌دست دردوره زندگی ترقی‌وپیشرفت قابل توجهی نخواهدداشت.

زاویه



(شکل ۳۶۱)

در کف دست سه نوع زاویه تشکیل میشود :

۱ـ زاویه اعظم ـ زاویه‌ای که در زیر انگشت سبابه از دو خط سر وعمر تشکیل میشود زاویه اعظم نام دارد .

۲ـ زاویه چپ ـ زاویه‌ای که در انتهای خط سر با خط کبدی تشکیل میشود .

۳ـ زاویه راست ـ زاویه‌ای است که در پائین دست از دو خط

عمر و کبدی تشکیل میشود .

زاویه اعظم

وقتی این زاویه بصورت حاده و باخطوط روشن و مستقیم تشکیل شود : دلیل است برنجابت طبع وهوش سرشار ، هرچند درجه زاویه کمتر باشد نجابت بیشتر وحقیقت وساده‌گی زیادتر است .



(شکل ۳۶۲)



(شکل ۳۶۳)

درصورتیکه خط سر مستقیم وافقی وخط عمر نیز عمودی واین زاویه بصورت قائمه رسم‌شود: دنائت طبع رانشان‌میدهد، این‌اشخاص خودخواه، خسیس وپول‌دوست‌میباشند، عاطفه ومحبت ندارند، دوستی ومحبت آنها از نظر اقتصاد وبرای استفاده است .

اگراین زاویه ازحد طبیعی خارج وبصورت منفرجه رسم شود: خبث طینت را نشان میدهد وهرچند درجه زاویه زیادتر باشد ، خباثت ودنائت بیشتر است و اگر درجه آن به ۱۲۰ برسد : صاحب دست از

درجه انسانیت خارج ومیتوان جزء حیواناتش شمرد .

چنانچه رأس زاویه مقابل انگشت وسطی قرار گیرد یعنی خط سر تا زیر انگشت وسطی با خط عمر متصل باشد: دلیل بر تردید و نداشتن اراده میباشد و این اشخاص بواسطه عدم عزم واراده وتصمیم در زندگی پیشرفت نمی کنند .

زاویه چپ

این زاویه که از دو خط سر و کبدی تشکیل میشود در صورتیکه بصورت قائمه باشد : صاحب دست را آدمی پاك طینت ، نیك سرشت، با محبت وخوش اخلاق معرفی میکند .



(شکل ۳۶۴)



(شکل ۳۶۵)

چنانچه این زاویه بصورت حاده در کف دست رسم شود: صاحب دست را آدمی زرنگ ، زیرك ودانا معرفی میکند بخصوص وقتیکه به ۶۰ تا ۴۵ درجه برسد، این اشخاص هرگز فریب نمیخورند وهر کاری را

از روی فهم و عقل انجام میدهند ، با همه‌کس دوست نمیشوند و کار نسنجیده انجام نمیدهند .

درصورتیکه این زاویه از ۴۵ درجه کمتر باشد : دلیل برشیطنت وفریبندگی است وهرچند درجه آن کمتر وزاویه تنگ‌تر باشد، شیطنت و دوروئی بیشتر است .

چنانچه زاویه‌بصورت منفرجه رسم‌شود بعکس بی عقلی ، تنبلی و بی‌فکری را معین میکند .

وقتی در کف دست زاویه چپ تشکیل‌نشودیعنی خط کبدی محو وناپدید باشد: علامت عدم سلامتی است واگرخط کبدی وجود نداشته باشد : نشانه بی فکری و بی عقلی و بی‌سوادی میباشد .

زاویه راست

زاویه راست در پائین دست و از اتصال خط کبدی با خط عمر تشکیل‌میشود، این زاویه معمولاً حاده است وحد متوسط آن ۴۵ درجه میباشد .


(شکل ۳۶۶)


(شکل ۳۶۷)

زاویه راست وقتی اضلاع آن روشن باشد : دال برصحت و

سلامتی است و وقتی از ۴۵ درجه کمتر نباشد دلیل بر بلند طبعی و نیک فطرتی است بنابراین درصورتیکه این زاویه تنگ و از ۴۵ درجه کمترباشد نشانه خست و دنی‌طبعی است .

علائم منقوشه در زوایا

۱ـ صلیب یا ستاره در زاویه اعظم : بهره و نصیب از ارث را نوید میدهد .

درصورتیکه این علامت در زاویه چپ نقش بندد: دردست مرد امراض تناسلی و در دست زن زایمان سخت را خبر میدهد بخصوص وقتی‌که این علامت در رأس زاویه قرارگیرد .

علامت‌صلیب یاستاره درزاویه راست : نشانه سعادت و نیکبختی در نیمه دوم عمر میباشد .



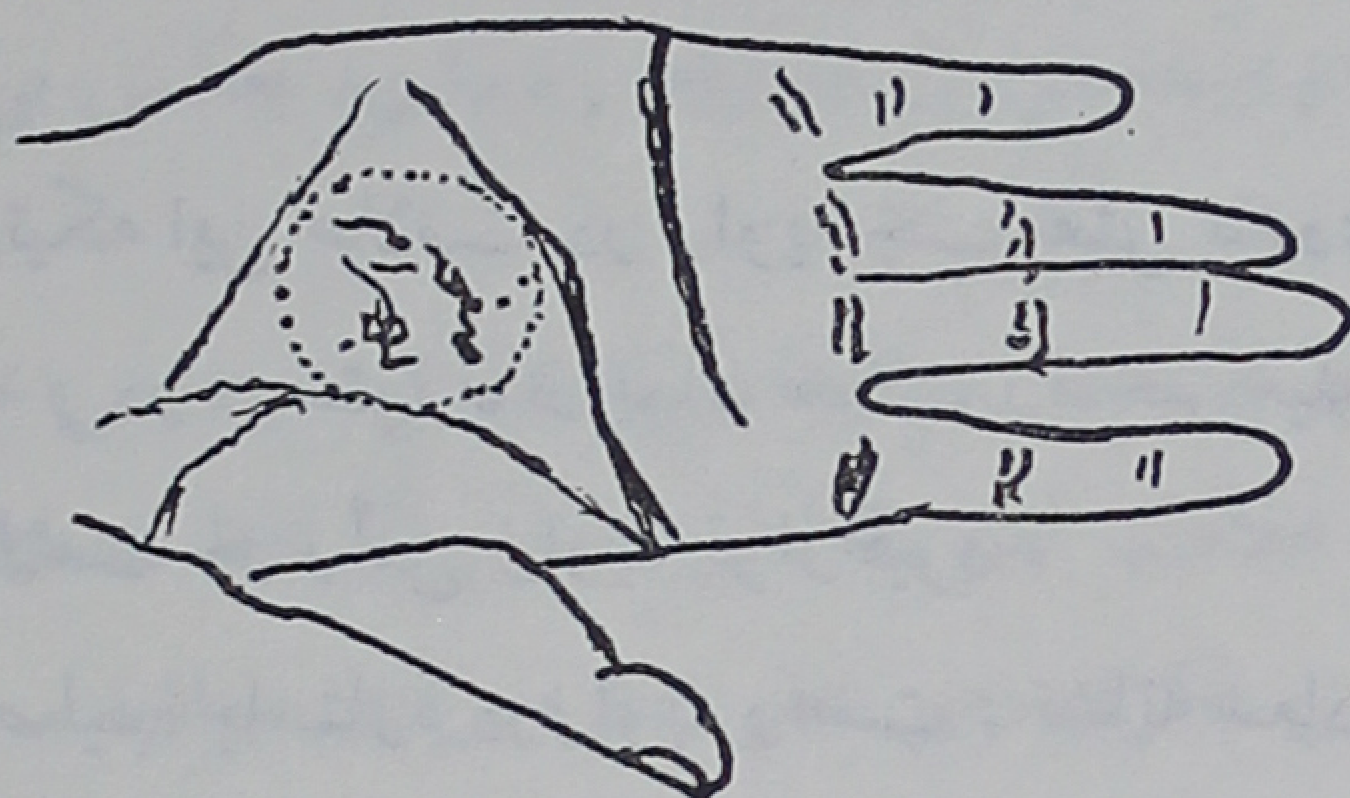
(شکل ۳۶۸)

۲ـ دایره در زاویه اعظم : علامت‌گرفتاری وحبس است ، این افراد بواسطه ارتکاب به‌گناه و اعمال غیرقانونی‌گرفتار و به‌کیفر اعمال خود خواهند رسید .

این علامت در زاویه چپ : اعلام خطر میکند .

درصورتیکه این علامت در زاویه راست مشاهده شود: سعادت ونیکبختی صاحب دست را خبرمیدهد، وبواسطه یکی‌ازفرزندان خود در دوره پیری بسعادت خواهد رسید.

صفحه بهرام



(شکل ۳۶۹)

قسمت وسط صفحه دست و سطح واقعه در مثلث و زاویه‌ها را صفحه بهرام میخوانند.

صفحه بهرام وقتی گود و مقعر نباشد وصاف و پر باشد: سعادت ونیکبختی را خبر میدهد.

اشخاصی که صفحه بهرام در کف دستشان پر و برجسته است خیرخواه و با محبت هستنـد ، هرچند صفحه پرتر و برجسته‌تر باشـد انسانیت و خیرخواهی بیشتر است.

وقتی صفحه بهرام گود و مقعر باشد: بعکس علامت بدبختی و فقر ومذلت میباشد و این افراد از انسانیت دور و دارای خلق و خوی حیوانی هستند، هرچه صفحه‌گودتر باشد سبعیت وخوی حیوانی بیشتر و بالنتیجه فقر ومسکنت زیادتر خواهد بود.

همچنین هرچند صفحه وسیع‌تر و بزرگتــر باشد بهتر است و سخاوت طبع و بزرگی صاحب دست را نشان میدهد.

وقتی صفحه بهرام صاف و بدون چین‌خوردگی باشد: دلیل‌است بر زندگانی آرام و بدون دغدغه.

درصورتیکه چین‌دار و مخطط باشــد: حساسیت فوق‌العاده و زندگانی متلاطمی را نشان میدهد.

علائم منقوشه در صفحه بهرام

۱ـ صلیب در صفحه بهرام: نشانه جرأت و بی‌باکی است.

اگر این‌علامت در نزدیك خط عمر قرارگیرد: دلیل براین‌است که بواسطه جرأت و بیباکی صاحب دست به‌ضرر و خساراتی متوجه خواهد شد.

درصورتیکه این‌علامت درپائین صفحه وبین تپه‌های ناهید وماه قرارگیرد: علامت شکست در شغل و کار است بخصوص اگر صاحب دست درخدمت نظام باشد.



(شکل ۳۷۰)



(شکل ۳۷۱)



(شکل ۳۷۲)

۲ـ ستاره در دست زن بی‌حیائی و در دست مرد حادثه شوم و

خطر درجنگ را نشان میدهد.

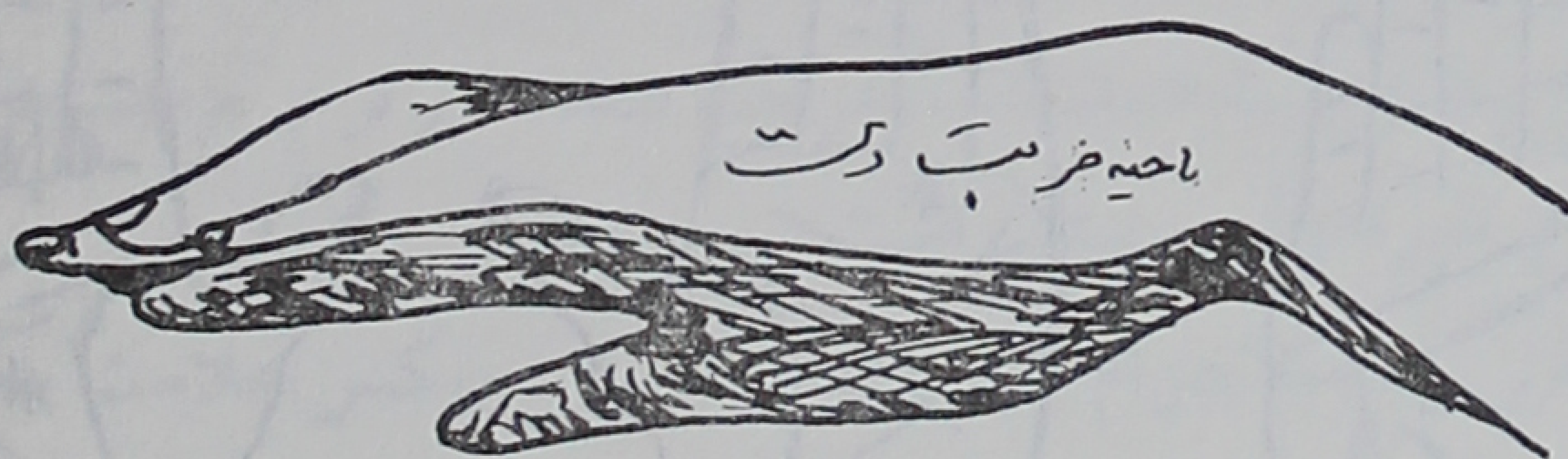
۳- دایره درصفحه بهرام: علامت فتنه‌انگیزی است، این افراد شورش طلب و جنگجو میباشند بخصوص اگر ناخن انگشتان نیز کوتاه باشد.

۴- مثلث: وقتی این‌علامت درصفحه بهرام رسم شود، صاحب دست را شجاع و با شهامت معرفی میکند این افراد چنانچه در ارتش و خدمت نظام باشند بواسطه استعدادی که برای امور جنگی دارند به ارتقاءِ درجه مفتخر خواهند شد.

۵- مربع در صفحه بهرام: گفتگو و مرافعه با اقوام و بستگان را نشان میدهد، چنانچه صلیبی در وسط مربع نقش بندد، گفتگو و مرافعه موجب بدبختی خواهد بود.

درصورتیکه مربع از چهار خط متقاطع تشکیل شود: دلیل بر گرفتاری و بدبختی است که موجب و مسبب آن اعمال ناشایسته است.

ناحیه ضربت دست



(شکل ۳۷۳)

قسمت پشت تپه‌های تیر و بهرام وماه، محلی‌راکه با مشت بسته بسطح میز یا شیئی دیگری ضربت وارد میسازد ناحیه ضربت مینامند.

ناحیه ضربت در قسمت بالای دست و محاذی تپه تیر، به تپه‌تیر ودر زیر آن به‌تپه بهرام ودرقسمت پائین به‌تپه ماه تعلق‌دارد وبرجستگی وبرآمدگی آنها اثرات کواکب مربوطه را ظاهر میسازد.

علائم و خطوطی که در این ناحیه رسم میشود در قسمت بالا مربوط به خط ازدواج ودر وسط به تپه بهرام و در قسمت پائین به تپه ماه ومسافرت ارتباط دارد. (بفصل هشتم خطوط فرعیه رجوع شود).

خط دستبند



(شکل ۳۷۴)

خطوطی که مچ‌دست‌را احاطه‌میکند، در کفشناسی دستبندمینامند.

دستبند معمولاً شامل دو یا سه‌خط میباشد ولی ممکن‌است تعداد آن به چهار یا پنج خط هم برسد ، در اینصورت یك یا دو خط آخر ضعیف وکمرنگ وکامل هم نخواهد بود.

خط دستبند ابتدای آن از زیر انگشت شست وانتهای آن درزیر تپه ماه میباشد.

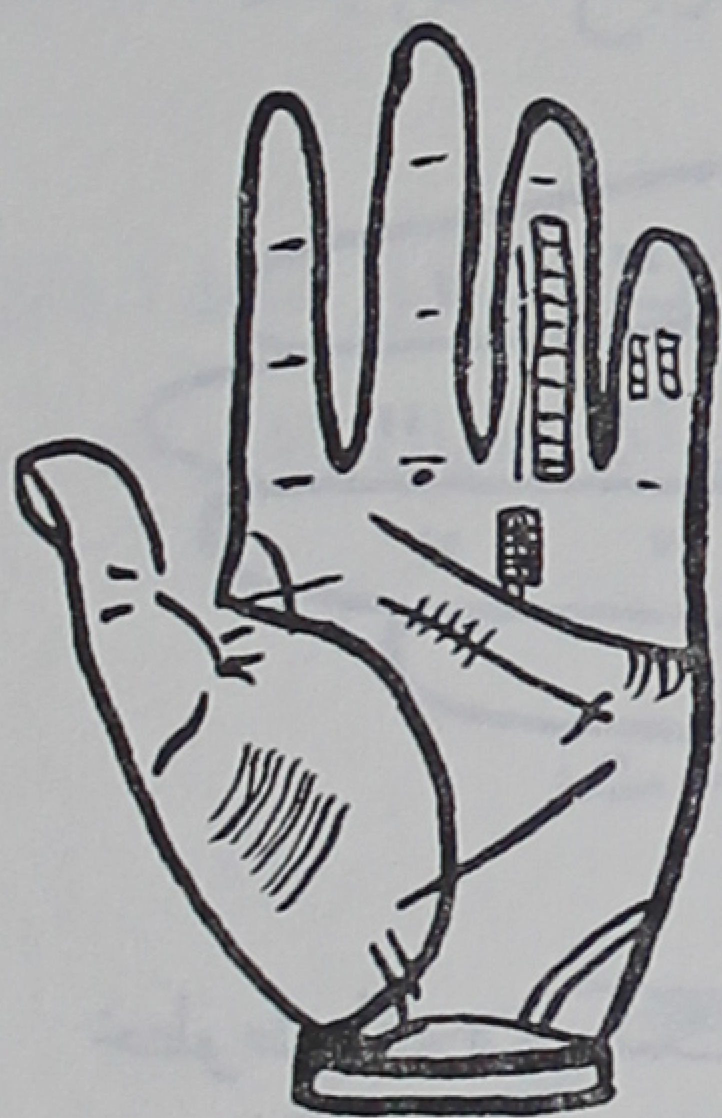
بعضی از کفشناسان دستبند را شاخص طول عمر میدانند وعقیده دارند خط اول سی سال وبقیه هریك بیست سال عمر را نشان میدهد .

خطوط دستبند ، سلامتی وسعادت صاحب دست را نشان‌میدهد وهرچند تعدادآن بیشترباشد سلامتی و سعادت بیشتری را معین میکند، بهمچنین هرچند این‌خطوط روشن‌تر وپررنگ‌تر باشد، دلیل برصحت و سلامتی است و اگر کمرنگ و نامرئی باشد ضعف و ناتوانی را نشان میدهد .

۱ـ وقتی دستبند شامل سه خط روشن وموازی‌باشد دراصطلاح کفشناسی آنرا دستبند قانونی مینامند ودلیل‌است برسلامتی وسعادت.



(شکل ۳۷۵)



(شکل ۳۷۶)

۲ـ وقتی خط اول دستبند در وسط از زیر تپه ناهید بالا آید و مجدداً بشکل قوس در زیر تپه ماه پائین‌آید و تا آخر مچ دست ادامه پیدا کند : علامت شهوت‌پرستی وگمراهی در سنین جوانی است.

این اشخاص بواسطه شهوت‌پرستی و عشقهای شهوانی از بیست تاسی‌سالگی زندگانی متلاطمی‌را میگذرانند و گرفتاری‌ها و ناراحتی‌های زیادی خواهندداشت، فحشاء و زنهائی که درمنجلاب فساد غرق‌میشوند بیشتر دارای چنین خطی میباشند.

۳- چنانچه خط دستبند درانتها بطرف‌تپه‌ماه بالارود: مسافرتهای طولانی را برای صاحب دست معین میکند، دراینصورت اگرخط دوم و سوم روشن وکامل باشد، مسافرت شامل استفاده و ثروت و سعادت خواهد بود.



(شکل ۳۷۷)



(شکل ۳۷۸)

۴- اگر خط اول دستبند تا روی تپه بهـرام بالا رود: صاحب دست در خدمت نظام ترقی و پیشرفت میکند و بارتقاء درجه مفتخر خواهد شد.

۵- وقتی خط‌دستبند ازوسط مچ بطرف انگشت سبابه بالارود: نشانه ثروت وسعادت است، این اشخاص بواسطه مساعدت وهمراهی بزرگان بشهرت ومقام خواهند رسید.

۶- اگراین‌خط بطرف انگشت وسطی بالا رود: ترقی و پیشرفت

صاحب دست را در امور کشاورزی معین میکند .

۷- درصورتیکه این خط بطرف انگشت بنصر بالارود : سعادت وثروت صاحب دست را بواسطه هنروصنعت معین میکند .



(شکل ۳۷۹)



(شکل ۳۸۰)

اگر این خط از وسط مچ بطرف انگشت کوچك بالا برود : ترقی وپیشرفت صاحب دست از طریق بازرگانی واقتصاد میباشد .

۹- دستبند زنجیری : علامت سعادت ونیکبختی‌است بخصوص وقتی که سه خط آن زنجیری باشد (شکل۶۸) .

۱۰- چنانچه خطوط دستبند منقطع وشکسته باشد: بعکس دلیل برعدم موفقیت در زندگی است (شکل۱۶۶) .

۱۱- ستاره روی دستبند : زحمات ومشقات در دوره زندگی را نشان میدهد ولی این افراد درنتیجه زحمات خود به ثروت و سعادت خواهند رسید .

چنانچه ستاره در وسط دستبند و درمثلثی قرارگیرد: کفشناسان آنرا قفل دستبند مینامند واین علامت، سعادت صاحب‌دست را بواسطه بهره از ارث تضمین میکند .



(شکل ۳۸۲)



(شکل ۳۸۱)

۱۲- دوخط عمودی که ازوسط دستبند بالارود وتشکیل‌زاویه‌ای را بدهد : نشانه ثروت وسعادت است، صاحب این‌علامت عاقبت‌بخیر وچنانچه در دوره جوانی زحمات و ناراحتی‌هائی را متحمل میشود در دوره بازنشستگی بسعادت خواهد رسید و دوره آخر عمررا با راحتی و آسودگی میگذراند ، بخصوص اگردراین زاویه ستاره‌ای‌هم نقش‌بندد، دراینصورت نعمت غیرمترقبه‌ای را نوید میدهد .

۱۳- خط یا خطوطی که از روی دستبند بطور عمودی بالارود: نشانه ضرر و خسارات در دوره زندگی است بخصوص وقتی که خط دستبند را ببرد .

درصورتیکه این خطوط دارای پیچ و تاب باشـد : دلیل است بر پیچ وتابها وناراحتی‌های زندگی .

علت ومسبب خسارات و ناراحتی‌ها را میتوان از محلی که این

خط رسم شده تشخیص داد : چنانچه شروع خط از زیر تپه ماه باشد ، افکار بیهوده و اشتباه ، واگر زیر تپه ناهید باشد، عشقهای فاسد و پیروی ازامیال نفسانی موجب ضرر وخسارت وگرفتاری‌هااست ودرصورتیکه این علامت در وسط این دو تپه رسم شود بایستی جزء سرنوشت و مقدر تعبیر نمود .


(شکل ۳۸۴)


(شکل ۳۸۳)

۱۴- خطی که از روی دستبند بالا رود و در روی تپه ماه بشکل عصا خاتمه یابد : علامت زحمات و مشقات وگرفتاری ها است ، این افراد بواسطه صفات واعمال بد ، خود را بیچاره میسازند .

درصورتیـکه این خط از زیر تپه ناهید بالا رود و روی این تپه بشکل عصا خاتمه یابد: علامت شهوت‌پرستی است واین‌افراد بواسطه پیروی از امیال نفسانی خود را بیچاره خواهند ساخت .

معمولاً این‌شکل ازروی خط اول‌دستبند شروع‌میشود ومربوط به دوران جوانی تا سی‌سالگی است .

۱۵ــ صلیب روی دستبند : نیزعلامت ضرر وخسارات است.

۱۶ــ نقطه یا لکه روی دستبند : بیماری وامراض صعب‌العلاجی را برای صاحب دست نشان میدهد .

۱۷ــ دایره روی دستبند : علامت گرفتاری و ناراحتی های در دوران جوانی است ، این اشخاص بواسطه عشق بهواپرستی و پیروی از امیال نفسانی و بدست آوردن پول دست باعمال ناشایسته‌ای میزنند و موجبات گرفتاری و ناراحتی خود را فراهم میسازند .

۱۸ــ مربع روی دستبند : علامت حفظ از مخاطرات است و صاحب دست از بلایائی که در سرنوشت دارد حفظ خواهد شد .



فصل دهم

مقایسه دست شناسی با کف شناسی

اینک نه فصل این کتاب خاتمه یافته و در باره دست شناسی و کف شناسی چه از نظر تشخیص صفات، اخلاق واستعدادها وچه ازنظر تعیین عشق و ازدواج و سایر پیش‌آمدهای خیر یا شر دوران زندگی توضیحات کافی‌داده‌شده ونظریه‌دانشمندان‌را نیزبیان‌نموده‌است وبدیهی است خوانندگان محترم و آنهائی که علاقمند به فراگرفتن این علم میباشند فصول گذشته را با نهایت دقت مطالعه و به رموز این علم آشنا شده وحتی‌دست‌خود ودوستان‌را نیزموردمطالعه و آزمایش قرارداده‌اند.

کفشناسی ازنظر تشخیص صفات ، هوش و نیروی فهم و ادراک نهایت اهمیت را دارد زیرا سعادت یا شقاوت و سرنوشت هر کس به صفات ، اخلاق ، عقل واراده او بستگی دارد .

از اینرو کفشناسان درموقع مطالعه کف دست اول باتوجه بوضع ظاهری دست و انگشتان بخصوص انگشت شست و مقایسه‌آن با تپه‌ها و خطوط کف دست، اخلاق، روحیه، هوش، عقل ونیروی عزم واراده

راکه پایه واساس سعادتها و شقاوت‌های دوران زندگی میباشد مشخص وسپس برای‌تعیین پیش‌آمدهای خیروشر وسرنوشت به‌خطوط وعلائم کف توجه مینمایند .

بطوریکه درفصل اول بیان شده ، وضع دست وشکل انگشتان معرف صفات واخلاق وانگشت شست نیروی عزم واراده وثبات رأی یا تردید و ضعف نفس را نشان‌میدهد، ولی ممکن‌است تپه‌های هفتگانه و بعضی از خطوط کف بویژه خط سر و خط قلبی در روحیه و اخلاق شخص تغییراتی بدهد وعزم و اراده را متزلزل سازد.

بنابراین برای راهنمائی علاقمندان وخوانندگان‌گرام این‌فصل‌را به‌مقایسه دست و انگشتان باکف اختصاص میدهد .

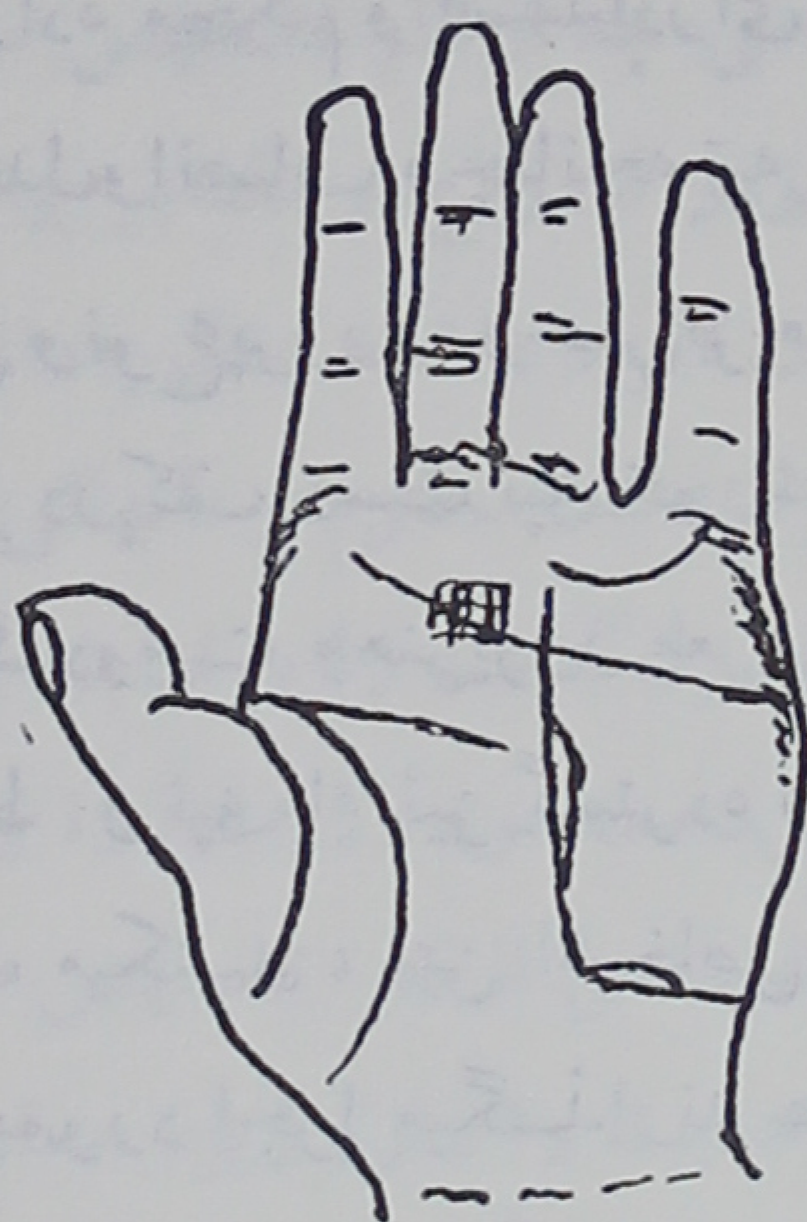
انگشت شست بلند: دلیل براراده محکم و استبدادرأی میباشد، اما اگر شکل انگشتان مربعی باشد، عدل‌وانصاف وچنانچه تپه برجیس قابل ملاحظه باشد، صفت خیرخواهی ونوع‌پروری وحس‌ترحم ازقوه سماجت و استبداد رأی میکاهد و اگر درکف دست تپه خورشید نیز خودنمائی‌کند، صاحب‌دست‌را فرهنگ‌دوست وهنرپرور معرفی‌میکند.

درصورتیکه تپه برجیس منبسط و تپه ماه نیز گسترده و مخطط باشد : تردید و تلون مزاج را تقویت میکنند ، این اشخاص با اینکه هرتصمیمی بگیرند باکمال سماجت بمورد اجرا میگذارند هیچگاه کاری را بانجام نمیرسانند، بخصوص اگر بندسوم انگشتان نیزگوشتی وچاق باشد ، واگر خط سر خورد ومنقطع و به‌خط عمر چسبیده باشد ضعف نفس و تردید رأی را نشان میدهد .

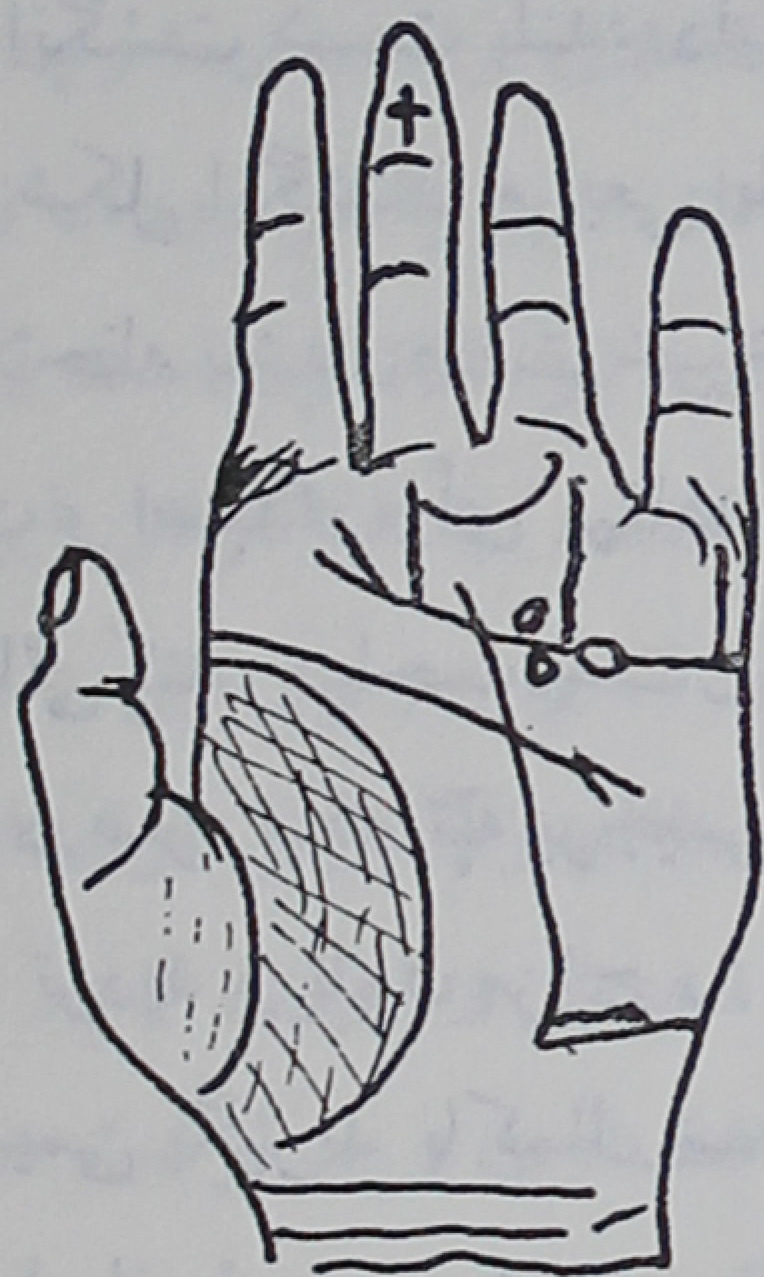
وقتی انگشت شست بزرگ وضخیم باشد : معمولاً کف دست

سخت و تپه بهرام منبسط میباشد و لجاجت و ثبات رأی را معین میکند، اما چنانچه کف دست نرم وتپه ماه نیز پر و برجسته باشد: صاحب دست را تنبل وتن پرور معرفی میکند ، دراینصورت لجاجت وپا فشاری در عزم وتصمیم را ضعیف میکند واگرتپه ناهید هم برجسته وپر باشد اراده رامتزلزل میسازد وچنین آدمی بواسطه راحت طلبی، بوالهوسی وعشق بهوا پرستی گاهی اراده خود را بکلی از دست میدهد .

انگشت شست کوتاه : ضعف نفس ، تردید وعدم اراده را نشان میدهد ومعمولاً در کف دست خط‌سر ضعیف و کوتاه و به‌خط‌عمر چسبیده است، این اشخاص خجول، کم‌روی وضعیف‌النفس هستند، کار امروز را بفردا موکول میکنند ودر زندگی ترقی وپیشرفتی ندارند .



(شکل ۳۸۵)



(شکل ۳۸۶)

وچنانچه دست کوچك وانگشتان بلند و نوك تیز باشند : علامت شهوت پرستی است ، بخصوص اگر بند سوم انگشتان چاق وگوشتی

ودر کف دست حلقه ناهید هم تشکیل شود، این اشخاص بی‌اراده وزود تحت تسلط دیگران قرار میگیرند وخود را بیچاره میسازند .

اما چنانچه تپه بهرام منبسط وبدون چین وخط سر بلند ، مستقیم واز خط عمر جدا باشد : نیروی تسلط را تقویت میکند وصاحب دست میتواند بر نفس اماره مسلط واز تمایلات نفس فرار نماید .

انگشت شست وقتی بعقب برگشته باشد: معمولاً خطسر درابتدا به خط عمر چسبیده ودر انتها بطرف پائین سرازیر میشود و بی‌نظمی درکارها، ولخرجی واصراف را نشان‌میدهد، بخصوص اگرتپه خورشید بحد افراط برجسته وبند سوم انگشتان نیز چاق وگوشتی باشند .



(شکل ۳۸۸)



(شکل ۳۸۷)

اما چنانچه خط سر بلند وچسبندگی آن با خط عمر زیاد نباشد: از ولخرجی واصراف جلوگیری میکند ، بخصوص وقتی که خط قلبی نباشد یانازك وبی‌اهمیت باشد .

انگشت شست نوك تیز : به شعرا وادبا اختصاص دارد ومعمولاً وقتی شست نوك تیز باشد درکف دست خط سر در انتها تا روی تپه

ماه پائین میاید .

اما چنانچه انگشتان گره دار و خط سر هم از خط عمر جدا و مستقیماً پیش برود: ازقوه تخیل میکاهد و استعداد شخص را برای ریاضیات و اگر این خط در انتها دو شاخه شود و یکشاخه آن بطرف تپه تیر بالا برود ، برای علم حقوق تقویت میکند .

وقتی انگشت شست مربعی باشد : معمولاً خطوط سر، تقدیر و ثروت در کف جلوه میکنند و این اشخاص در زندگی موفق وسعادتمند میباشند .

اما چنانچه کف دست گود وخطوط مزبور نیز بی‌اهمیت باشند: سعادت را به شقاوت تبدیل میکند وصاحب دست در دوران زندگی با ناراحتی‌ها وبدبختی‌ها دست به‌گریبان خواهد بود .

وقتی بند اول شست بلند باشد : معمولاً درکف دست خط سر از خط عمر جدا ویکی از خطوط مهمه را تشکیل وعزم و اراده قوی را نشان میدهد .



(شکل ۳۸۹)



(شکل ۳۹۰)

واگر بند دوم نیز متناسب ومحکم وتپه بهرام منبسط وبه تپه ماه

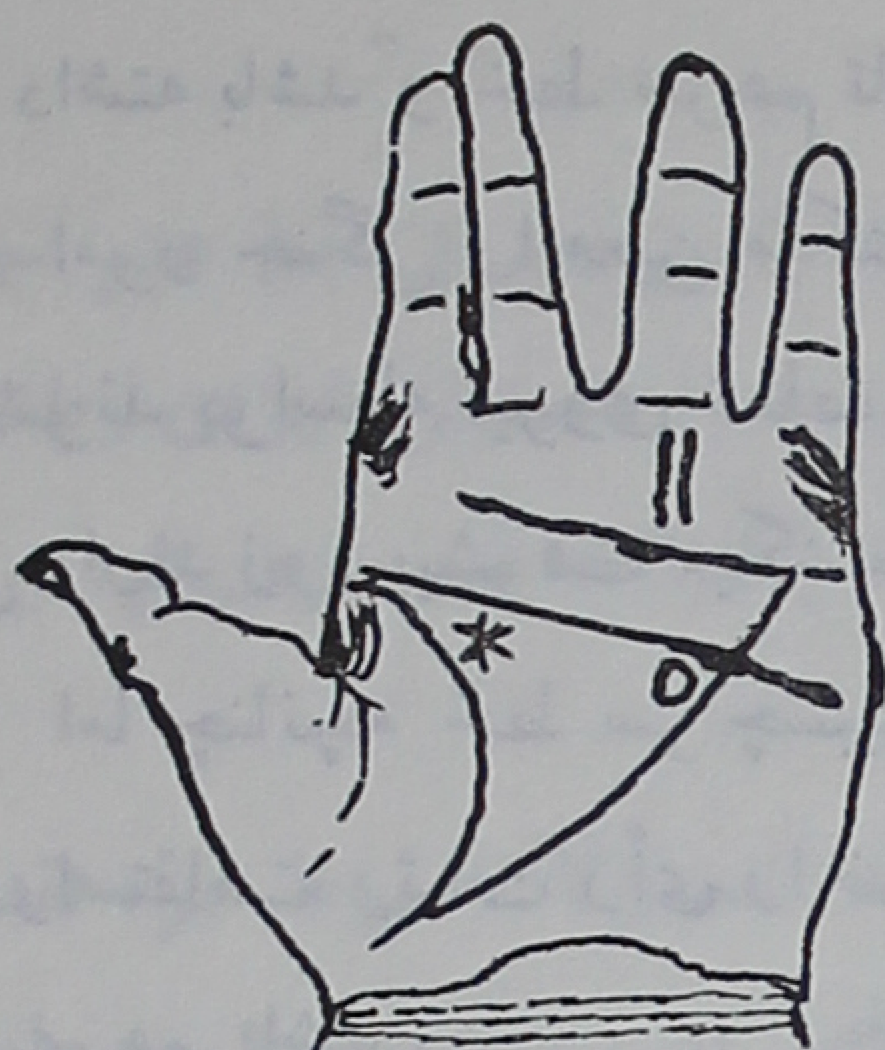
تمایل داشته باشد و خط سرهم تا روی تپه بهرام پیش برود : استعداد نظام و امور جنگی را معین میکند . این افراد چنانچه بخدمت ارتش وارد شوند بواسطه نیروی تسلط و استعدادی که برای تاکتیك و فنون جنگی دارند زود پیشرفت میکنند و بارتقاء درجه مفتخر خواهند شد .

اما چنانچه خط سر چسبیده به خط عمر و کوتاه باشد : نیروی اراده واستقامت وثبات رأی را ضعیف میکند ، بخصوص اگر این خط زنجیری هم باشد .

وقتی بند اول شست کوتاه باشد : معمولاً در کف دست خط سر به خط عمرچسبیده ودر انتها بطرف پائین سرازیرو روی تپه ماه ختم میشود وغالباً منقطع ویا زنجیری میباشد وبی اراده‌گی، تردید وضعف نفس را نشان میدهد ، بخصوص اگربند اول انگشت وسطی وبند سوم انگشت سبابه نیز کوتاه وتپه ماه برجسته باشد، این اشخاص زندگی خود را با خیال و اوهام میگذرانند وزود تحت تسلط دیگران قرار میگیرند.

چنانچه بند دوم شست نیز کوتاه باشد : دلیل بر بی‌فکری و بی‌عقلی است مخصوصاً اگر بند اول انگشت بنصرهم کوتاه وانگشت خنصر بد ترکیب و خط سر کوتاه و سربی رنگ باشد : در اینصورت صاحب دست گوسفندوار مطیع وتسلیم اوامر دیگران خواهد بود .

اما چنانچه خط سربلند، مستقیم واز خط عمر جدا باشد : نیروی مقاومت واراده را تقویت میکند ، ولی این افراد بی حوصله میباشند، هرکاری راباعزم راسخ واراده شروع میکنند واگربا عدم موفقیت روبرو شوند یا بموانع و اشکالاتی برخورد کنند زود کنترل خود را از دست میدهند واز تعقیب آن صرفنظر مینمایند .



(شکل ۳۹۲)



(شکل ۳۹۱)

وقتی بند اول شست گرد و بشکل گلوله باشد : معمولاً در کف دست تپه بهرام منبسط، خط قلبی عمیق و رنگین وخط سر کوتاه میباشد وشرارت ، خشم وغضب را تائید مینماید.

چنانچه خط عمروسیع، عمیق وخاکستری رنگ وتپه‌های بهرام وماه متحدومتصل بهم ومحل اتحاد بر آمده باشد واثری ازتپه‌های برجیس، کیوان وخورشید نباشد وخط سرهم کوتاه یاخیلی بلند وعمیق وبطرف تپه ماه پائین آید : صاحب دست را مستعد به جنایت معرفی میکند .



(شکل ۳۹۳)

اما چنانچه تپه برجیس منبسط وتپه‌های خورشید وناهید نیزقابل ملاحظه و خط سر زیاد کوتاه نباشد وخط قلبی هم زنجیری و کمرنگ

باشد: رحم و شفقت از ارتکاب جنایت جلوگیری مینماید.

وقتی بند دوم شست بلند باشد: معمولاً خط سر ظریف و بلند است و عقل و منطق را بیان میکند اگر انگشتان مخروطی و نوك تیز باشد: صاحب دست دارای قوه نطق و بیان است و چنانچه خط سر در انتها بطرف پائین سرازیر شود و تا روی تپه ماه پائین آید: افکار و تخیلات را تقویت میکند.



(شکل ۳۹۴)

اما اگر خط سر مستقیم، بلند و از خط عمر جدا باشد: ترقی و پیشرفت قابل توجهی را خبر میدهد، این اشخاص هرکاری را باعقل و اندیشه صحیح شروع و بااراده قوی و پشتکار بانجام میرسانند، بخصوص وقتی که بند اول شست هم کوتاه نباشد.

وقتی بند دوم شست کوتاه باشد: معمولاً خط سر کوتاه و منقطع است و بیفکری و بی عقلی را نمایش میدهد، بخصوص اگر این بند نازك ولاغر هم باشد.



(شکل ۳۹۵)

اما چنانچه خط سرظریف، روشن وبلند باشد: کوتاهی بند دوم شست را جبران میکند ، بخصـوص اگر خط در انتها دو شاخه و یا چنگالی باشد .

وقتی دست مخروطی وانگشتان صیقلی یانوك تیزباشد: معمولاً خط قلبی زنجیری یا شاخه‌دار ، خط سر ظریف ، درابتدا با خط عمر متصل وانتها بطرف پائین میاید وصاحب دست را ساده ، خوش قلب ، خون‌گرم، بامهرومحبت، خوشگذران‌ومتعصب درمذهب معرفی میکند.



(شکل ۳۹۶)



(شکل ۳۹۷)

اما چنانچه خط قلبی ساده و خط سر در انتها بطرف خط قلبی بالا برود وبا چنگال خاتمه یابد : نیروی عقل را تقویت ، خوش قلبی را به زیرکی وتعصبات مذهبی را به ریا وسالوسی مبدل میسازد .

وقتی دست مربعی و انگشتان‌گره دار باشد : معمولاً خط سر ظریف ، بلند ومستقیم و فقط در شروع وابتدا با خط عمر اتصال دارد

وهوش ، حافظه ، نظم ، ترتیب واستعداد علوم ریاضی رامعین میکند، واگر انگشت سبابه خشك ، لاغر وبلند باشد استعداد علوم دینی و اگر خط سر در انتها دو شاخه شود و یکشاخه آن بطرف تپه تیر بالا رود : استعداد علوم اقتصاد وحقوق وچنانچه تپه تیر منفرد وقابل توجه باشد: صاحب دست بواسطه قوه ابتکارومهارت برای وکالت دادگستری استعداد دارد ودر این رشته ترقی وپیشرفت خواهد نمود .



(شکل ۳۹۸)



(شکل ۳۹۹)

اما چنانچه خط سر به‌خط عمر چسبیده و در انتهـا بطرف پائین سرازیر وتا تپه ماه پائین‌آید : استعدادهای فوق‌الذکر را خنثی میکند.

وقتی دست صیقلی و انگشتان‌گوشه دار و تپه بهرام هم پرباشد: معمولاً خط قلبی بی‌اهمیت وخط سر نیز بلند ومستقیم است ودلیل بر آزادیخواهی و شورش طلبی است .

اما چنانچه خط سر در انتها تا آخر تپه ماه پائین‌آید و این تپه مخطط هم باشد : شورش طلبی را به‌مالیخولیا و وسواس مبدل‌میسازد.

وقتی دست کوچك وصیقلی وانگشتان مخروطی و بند سوم آنها گوشتی و چاق باشد : معمولاً خط قلبی زنجیری ویادارای شاخه‌های زیاد است وعشق بهواپرستی وخوشگذرانی را نمودار میسازد.

اما اگر خط قلبی ساده وخط سر هم بلند و خوب باشد : نشانه شیطنت و بوالهوسی است، بخصوص اگر انگشتان لاغر ونازك باشد .



(شکل ۴۰۰)



(شکل ۴۰۱)

انگشتان بلندونازك ونوك‌تیز: دلیل بر دروغگوئی واغراق‌گوئی است ، چنانچه تپه بهرام پر ومحکم باشد : صاحب دست‌را برای تئاتر وبازیگری مستعد میسازد ، چنانچه تپه برجیس منبسط و تپه ماه مخطط باشد : امراض خطیری‌را پیش‌بینی میکند بخصوص اگرحلقه ناهید هم درکف دست موجود باشد .

ناخن‌های کوتاه : نشانه دقت ، نظم وترتیب ومدیریت است.

وقتی ناخنها کوتاه باشد و درکف دست تپه بهـرام بین تپه‌های هفتگانه خودنمائی کند : استعداد بامور جنگی را معین میکنـد و این اشخاص در رشته نظام میتوانند ترقی و پیشرفت نمایند .

چنانچه تپه ناهید پر ومحکم باشد : صاحب دست را بذله‌گو ،

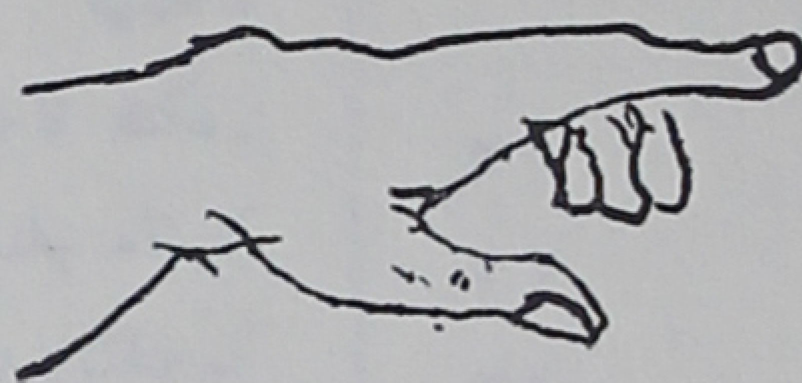
مقلد و بازیگر معرفی میکند .

اگر تپه برجیس منبسط و قابل ملاحظه باشد : ایندسته جاه طلب و شایسته مقام مدیریت میباشند ، و زنهای ایندسته برای خانه داری بی‌نظیرند .

درصورتیکه تپه‌تیر منفرد وقابل‌توجه باشد: صفت رشك وحسد را تشدید وتقویت میکند .

وچنانچه تپه‌ناهید مخطط وتپه‌ماه وبهرام منبسط وانگشتان طویل وخط قلبی هم نباشد یا بی‌اهمیت باشد : صاحب دست را بد اخلاق و تندخو معرفی میکند و معاشرت و زندگی با این افراد بی‌نهایت مشکل بلکه غیرممکن است .

پایان



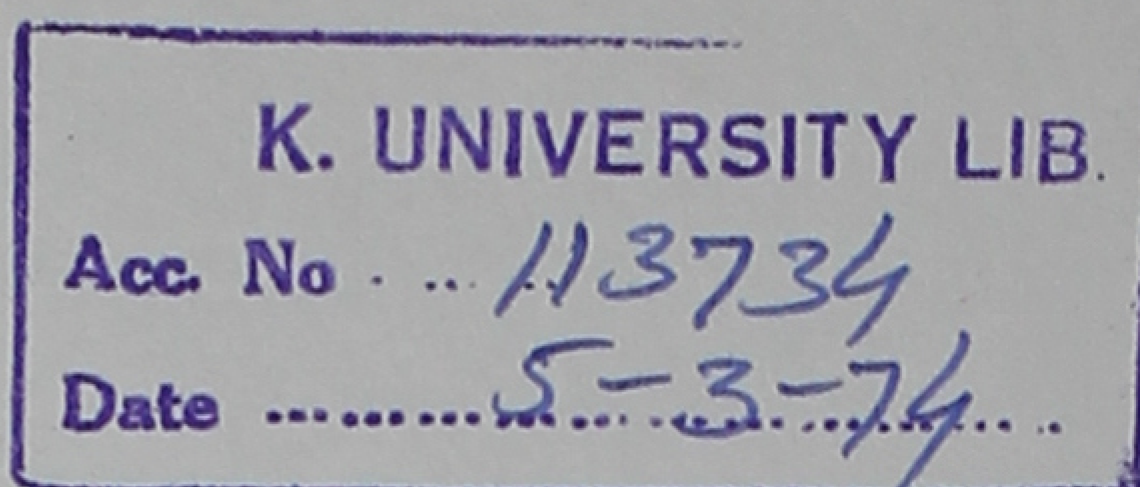
Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

فهرست مندرجات

عنوان — صفحه

فصل اول

فصل دوم



منابع و مآخذ

کتابی که بشما تقدیم میشود همان تجربیات گذشتگان است که مورد تائید عموم دانشمندان میباشد و با مطالعه کتابهای مشروحه زیر :

نام کتاب	نام نویسنده
La Myster de la Main	Desbarolles
Revelation Complet	»
La Chiromanci	Jean Ieonard
Dictionair Elemantique	Poinsot
Language of the hand	Cheiro
Cheiro Palmistery for all	»
Laws of Scientific hand readiog	Dr. William Benham
Palmistery	Joyc Wilson

و تجربیات چهل ساله و مطابقت پیش آمدهای دوره زندگی هرفردی با خطوط و علائم کف دست ، تنظیم یافته و با مطالعه آن میتوان حداقل صفات واخلاق، نیروی هوش و فراست و احتمال مطالبی را بیش بینی نمود.

کتبی که از نویسنده این کتاب در دست طبع و تدوین است:

۱ــ تشخیص صفات، استعداد و امراض از کف دست.
۲ــ قیافه شناسی .
۳ــ تعبیر خواب .
۴ــ هیپنو تیزم عملی .
۵ــ اخترشناسی .

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date